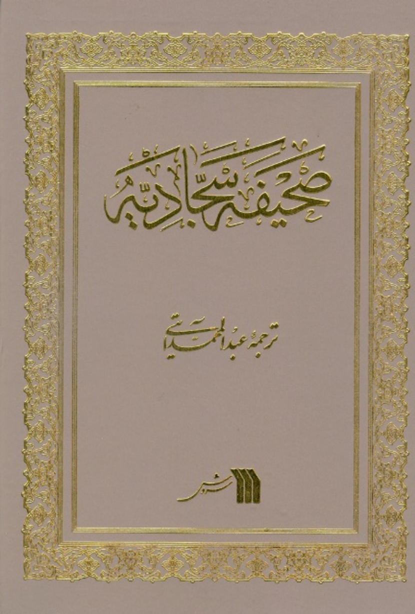
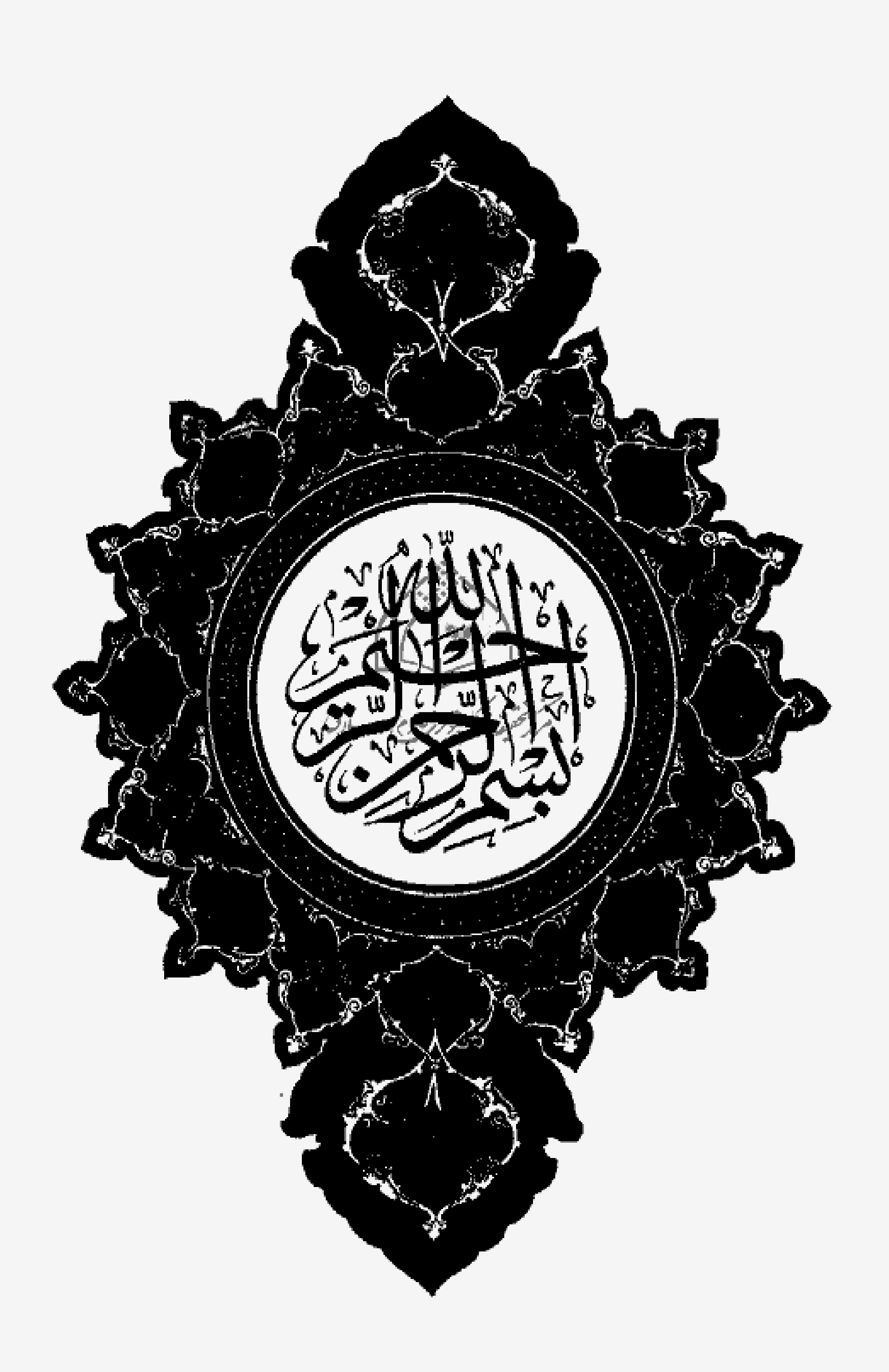
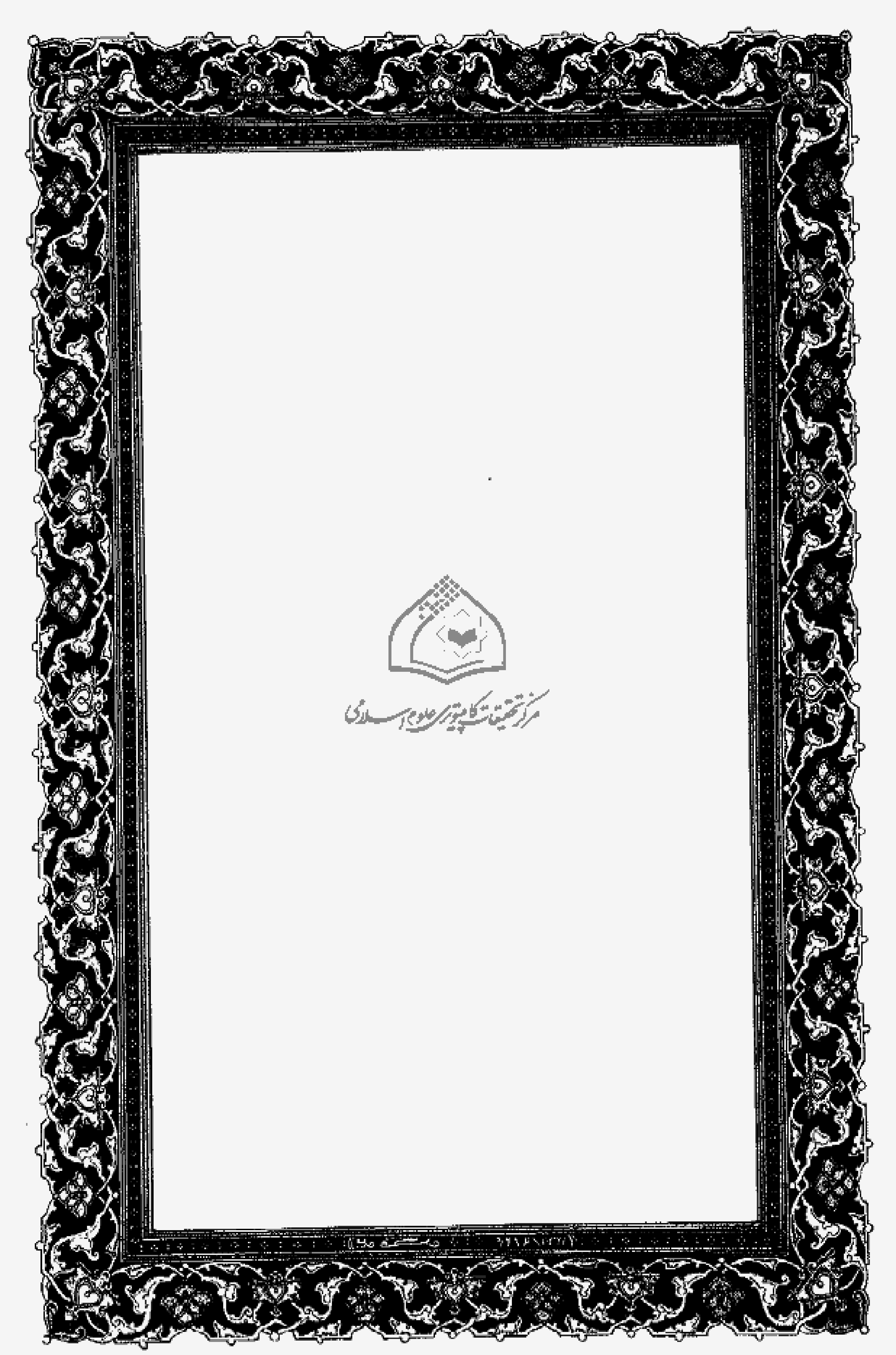
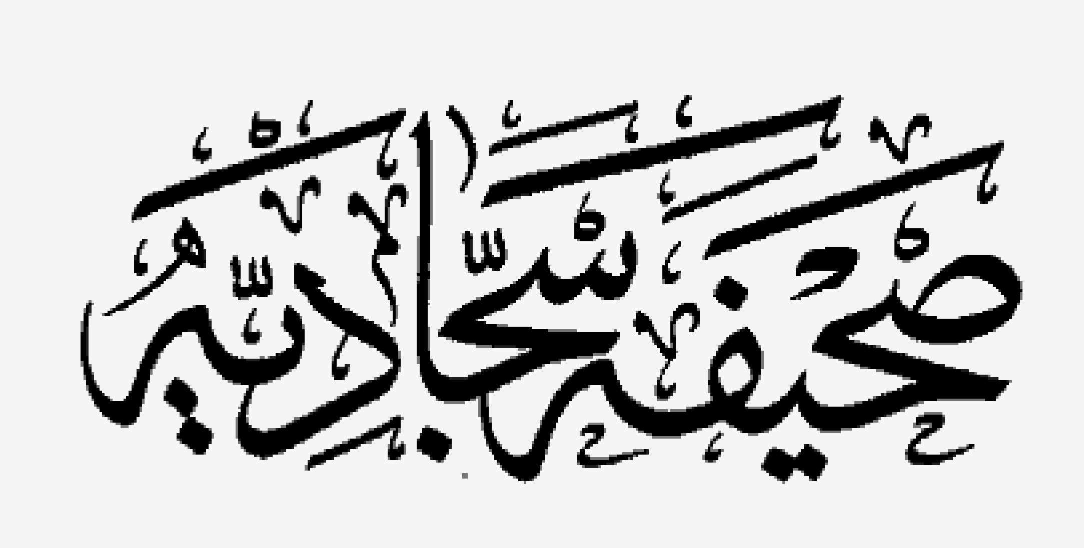

صحیفه سجادیه
ترجمهٔ عبدالمحمد آیتی
سروش


بسم الله الرحمن الرحيم







سروش

واحد احیای هنرهای اسلامی

تهران ۱۳۷۵





تهران، خیابان استاد مطهری، تقاطع خیابان دکتر مفتح، ساختمان جام‌جم
چاپ اول: ۱۳۷۲
چاپ دوم: ۱۳۷۵
ویراستار: موسی اسوار
خط: سیدکاظم ناصری
تذهیب: سیمون پرفکر
حروفچینی: لاینوترون انتشارات سروش
این کتاب در ده هزار نسخه در چاپخانهٔ سروش چاپ و صحافی شد.



فهرست





مقدمه

امام همام زین العابدین و سیدالساجدین، علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب به سال سی وهفتم یا سی وهشتم هجری در مدینه ولادت یافت. مادر گرامی آن امام بنابر مشهور، شهربانو[1] دختِ یزدگرد سوم ساسانی است. شهربانو را در زمان عثمان در زمرهٔ اسیران ایرانی به مدینه بردند و امیرالمومنین علی (ع) وی را برای فرزند خود حسین (ع) به زنی گرفت. زندگیِ مادر به روایتی کوتاه بود و پس از زادنِ فرزند خویش از دنیا رحلت کرد و به روایتی همراه شوی خود امام حسین (ع) به کربلا رفت.

اگر تولد امام را در سال سی وهشتم بدانیم، پس در واقعهٔ کربلا جوانی بیست وسه ساله بوده که به مشیت خداوندی از آن کشتاری بی رحمانه به سلامت رسته تا چراغ خاندان امامت را افروخته نگه دارد.

زین العابدین (ع) همراه کاروان اسیران اهل بیت به اسارت

کوفه و شام رفت و در مجلس عبیدالله بن زیاد و یزید بن معاویه و در هر موضع و موقع دیگر که ضروری می نموده، زبان به سخن گشوده و خصمِ غالب را مغلوب فصاحت و بلاغت خود ساخته است.

امام (ع) پس از سپری شدن دوران اسارت که گویا یك سال مدت گرفته بود، به مدینه بازگشت و بیش از سی سال، در عین زهد و پرهیز و عبادت، بر مسند ارشاد و امامت جای داشت.

القاب آن حضرت، چون زین العابدین و سیدالساجدین و قدوةالزاهدین و سیدالمتقین و امام المؤمنین والامین والسّجاد والزکیّ و زین الصالحین و منارالقانتین و العدل[۲]، حاکی از علوّ مقام او در تقوی و عبادت است. از جملهٔ القاب آن امام یکی هم ذوالثِفنات است، از آن جهت که پیشانی و کفِ دستها و سرزانوهای او از کثرت سجده به درگاه ذوالجلال پینه بسته بود و لقب دیگر او البکّاء است یعنی بسیار گریان، و این گریه همه از خوف خدا بوده است.

دربارهٔ علی بن الحسین (ع) و مقام و منزلت والای او سخن بسیار گفته‌اند و صحیفهٔ مبارکهٔ سجادیه و آن همه مواعظ و حِکَم که در مطاوی آن دعاها و مناجاتها آمده بهترین گواه بر جلالت قدر و علوّ مقام و رفعت منزلت او در زهد و عبادت و علم وحکمت است، ولی شایسته است که رشتهٔ سخن را بـه ابوفِراس فَرَزْدَق[۳] بسپاریم، در آن روز که در مسجدالحرام در نزد هشام بن عبدالملك نشسته بود و امام به مسجدالحرام درآمد و به حجرالاسود نزدیك شد تا بر آن دست کشد و مردم به احترام و ادب راهش گشاده داشتند و فرستادهٔ قیصر روم که



در نزد هشام بود شگفت زده پرسید که این کیست؟ و هشام خود را به نادانی زد، به ناگهان برخاست و مرتجلا قصیده‌ای سرود به این مطلع:

هذاالذی تعرف البطحاء وطئته

والبیتُ یعرفه والحلّ والحرم

این کسی است که سرزمین بطحاء جای پایش را می شناسد و خانهٔ کعبه و بیرون حرم و حرم می شناسندش.

ترجمهٔ باقی قصیده چنین است:

این فرزندِ بهترینِ همهٔ بندگان خداست. این پرهیزگار است، این گزیده است، این پاکیزه خصال است و این ستیغ بلند هدایت است.

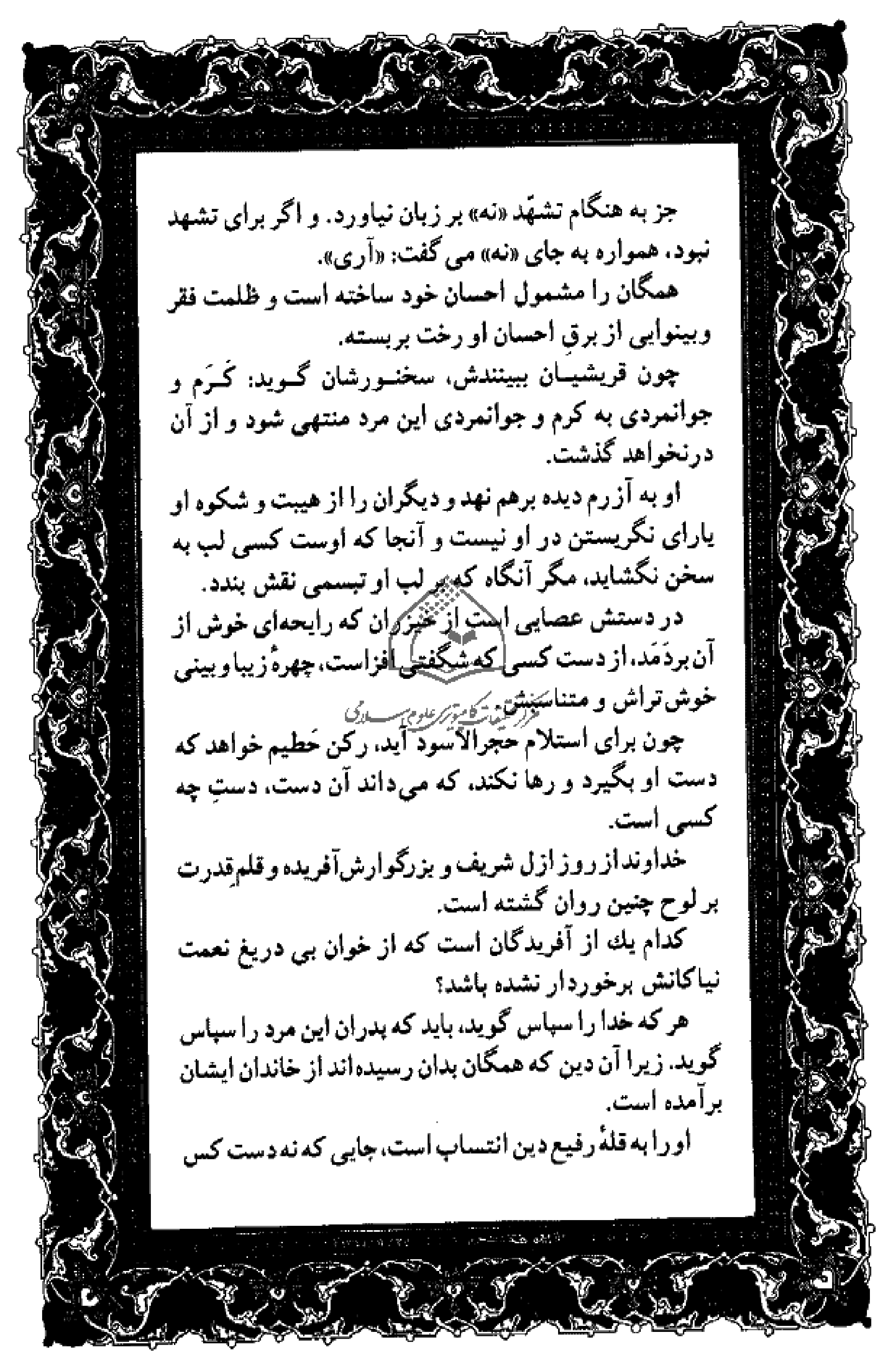
اگر ندانی که این مرد کیست، اکنون بدان که او فرزند فاطمه (ع) است و کسی است که با رسالت نیای او سلسلهٔ پیامبران خداوند به پایان رسیده است.

سخنِ تو که می پرسی: این مرد کیست؟ او را زیانی نرساند زیرا آن کس را که تو نمی شناسی هم عرب شناسد و هم عجم.

دستان او باران رحمت پروردگار است. بارانی که سودش همه را رسد. همگان از دستان او بخشش خواهند و هرگز نیستی و ناداری بر آنها چیره نگردد.

نرمخوی مردی است، آن سان که خشم او کس را نترساند و او به زیور دو خصلت آراسته است: نیکخویی ونیك طبعی.

چون مردمی به رنج و مصیبت گرفتار آیند، او بارِ رنج و مصیبت آنان بردوش کشد. «آری» گفتن را شیرین ترین کلام داند، که خود خویی شیرین دارد.



جز به هنگام تشهّد «نه» بر زبان نیاورد. و اگر برای تشهد نبود، همواره به جای «نه» می گفت: «آری».

همگان را مشمول احسان خود ساخته است و ظلمت فقر وبینوایی از برقِ احسان او رخت بربسته.

چون قریشیان ببینندش، سخنورشان گوید: کَرَم و جوانمردی به کرم و جوانمردی این مرد منتهی شود و از آن درنخواهد گذشت.

او به آزرم دیده برهم نهد و دیگران را از هیبت و شکوه او یارای نگریستن در او نیست و آنجا که اوست کسی لب به سخن نگشاید، مگر آنگاه که بر لب او تبسمی نقش بندد.

در دستش عصایی است از خیزران که رایحه‌ای خوش از آن بردَمَد، از دست کسی که شگفتی افزاست، چهرهٔ زیبا و بینی خوش تراش و متناسبش.

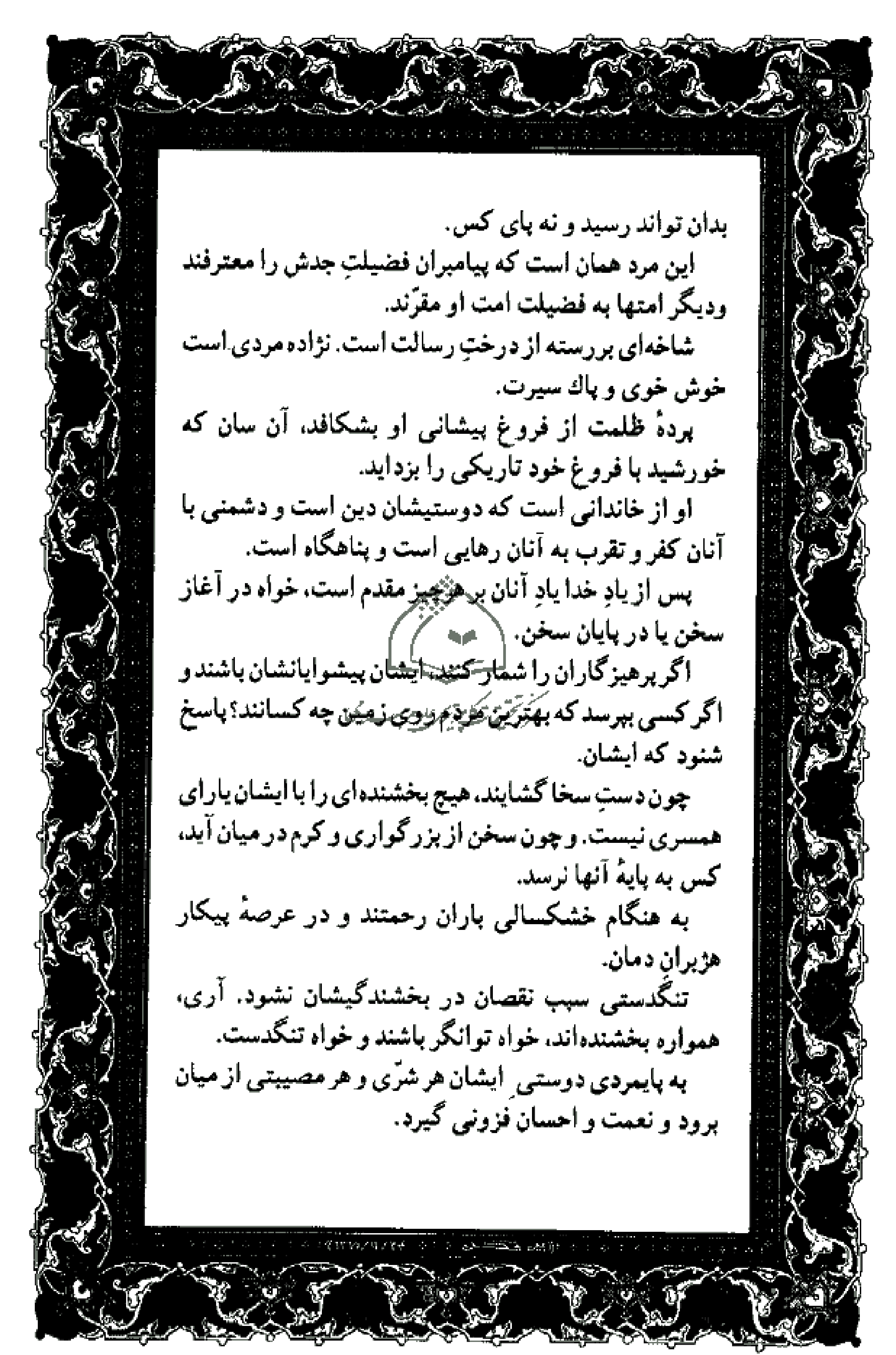
چون برای استلام حجرالاسود آید، رکن حَطیم خواهد که دست او بگیرد و رها نکند، که می‌داند آن دست، دستِ چه کسی است.

خداوند از روز ازل شریف و بزرگوارش آفریده و قلمِ قدرت برلوح چنین روان گشته است.

کدام یك از آفریدگان است که از خوان بی دریغ نعمت نیاکانش برخوردار نشده باشد؟

هر که خدا را سپاس گوید، باید که پدران این مرد را سپاس گوید. زیرا آن دین که همگان بدان رسیده اند از خاندان ایشان برآمده است.

اورا به قلهٔ رفیع دین انتساب است، جایی که نه دست کس



بدان تواند رسید و نه پای کس.

این مرد همان است که پیامبران فضیلتِ جدش را معترفند ودیگر امتها به فضیلت امت او مقرّند.

شاخه‌ای بررسته از درختِ رسالت است. نژاده مردی است خوش خوی و پاك سیرت.

پردهٔ ظلمت از فروغ پیشانی او بشکافد، آن سان که خورشید با فروغ خود تاریکی را بزداید.

او از خاندانی است که دوستیشان دین است و دشمنی با آنان کفر و تقرب به آنان رهایی است و پناهگاه است.

پس از یادِ خدا یادِ آنان بر هر چیز مقدم است، خواه در آغاز سخن یا در پایان سخن.

اگر پرهیزگاران را شمار کنند، ایشان پیشوایانشان باشند و اگر کسی بپرسد که بهترین مردم روی زمین چه کسانند؟ پاسخ شنود که ایشان.

چون دستِ سخا گشایند، هیچ بخشنده‌ای را با ایشان یارای همسری نیست. وچون سخن از بزرگواری و کرم در میان آید، کس به پایهٔ آنها نرسد.

به هنگام خشکسالی باران رحمتند و در عرصهٔ پیکار هژبرانِ دمان.

تنگدستی سبب نقصان در بخشندگیشان نشود. آری، همواره بخشنده‌اند، خواه توانگر باشند و خواه تنگدست.

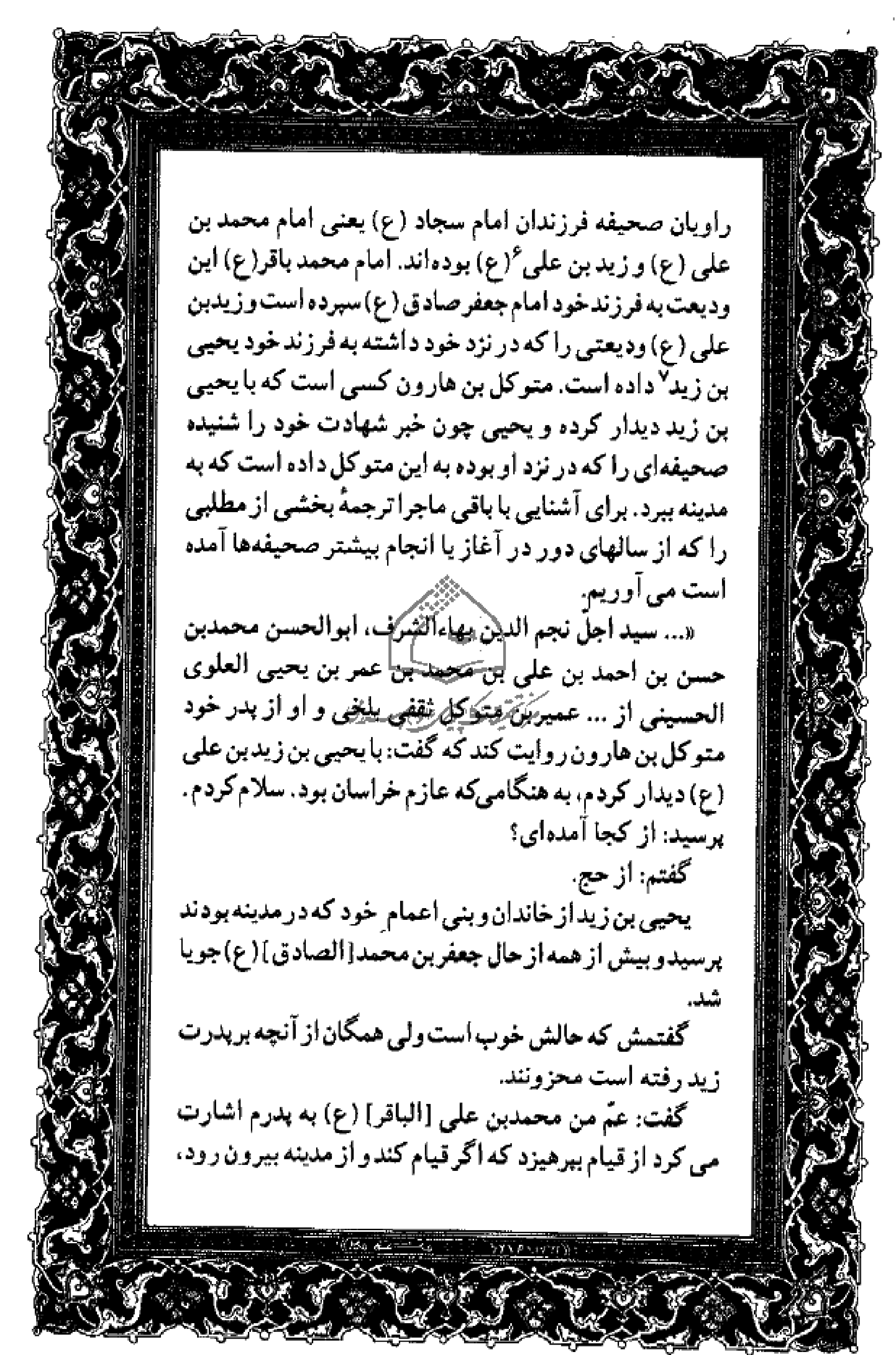
به پایمردی دوستیِ ایشان هر شرّی و هر مصیبتی از میان برود و نعمت و احسان فزونی گیرد.

به یقین آن زمان که شاعر پرتوان عرب، برای شناساندن امام (ع) به آنان که دربارهٔ او تجاهل می کرده‌اند، به چنین مدح و ستایشی پرداخته، این مجموعه نیایشها که بعدها صحیفهٔ سجادیه نام گرفته، یا هنوز از سوی امام (ع) به کسی املاء نشده یا فَرَزْدَق از آن بی خبر بوده است، وگرنه شاعری چون او که سخنِ سره از ناسره و سَخته از ناسخته می شناخت، وصف آن را بیت القصیدهٔ مدیحهٔ خویش می ساخت.

صحیفهٔ سجادیه که آن را زبورِ آل محمد و انجیل اهل البیت گفته‌اند، از سخن باری تعالی که بگذریم، همانند نهج البلاغه از سخن هر آفریده فراتر است. اگر هرسخنی در خور جایگاهی است یا هرجایگاهی را سخنی در خور باید، پس در پیشگاه ایزد متعال و خداوند ذوالجلال، برای عرض نیاز و بیان پرستندگی و شکسته حالی به هنگام شب‌خیزی و اشك ریزی، کدام راز و نجوا شایسته‌تر از آن راز و نجوا که از اعماق دل و صمیم جانِ شب‌خیزانِ اشك ریز برآمده باشد؟ وصحیفه راز و نجوای کسی است که او را زیورِ عابدان و سرور ساجدان و سرخیلِ شب‌زنده‌داران و پیشوای مشتاقان لقای پروردگار خوانده‌اند.

***

تحقیق در اسانید صحیفهٔ سجادیه کاری است دشوار بل طاقت سوز که از من با این تنك مایگی که مراست برنیاید. ولی بحمدالله این کار شگرف را چندتن از فضلای معاصر یا به پایان برده‌اند[۴] و یا سرگرم تحقیق و تفحصند[۵] و راه سخن بر امثال من بربسته‌اند. ولی به طور اجمال می‌توان گفت که نخستین



راویان صحیفه فرزندان امام سجاد (ع) یعنی امام محمد بن علی (ع) و زید بن علی[6] (ع) بوده‌اند. امام محمد باقر(ع) این ودیعت به فرزند خود امام جعفر صادق (ع) سپرده است و زیدبن علی (ع) ودیعتی را که در نزد خود داشته به فرزند خود یحیی بن زید[7] داده است. متوکل بن هارون کسی است که با یحیی بن زید دیدار کرده و یحیی چون خبر شهادت خود را شنیده صحیفه‌ای را که در نزد او بوده به این متوکل داده است که به مدینه ببرد. برای آشنایی با باقی ماجرا ترجمهٔ بخشی از مطلبی را که از سالهای دور در آغاز یا انجام بیشتر صحیفه‌ها آمده است می آوریم.

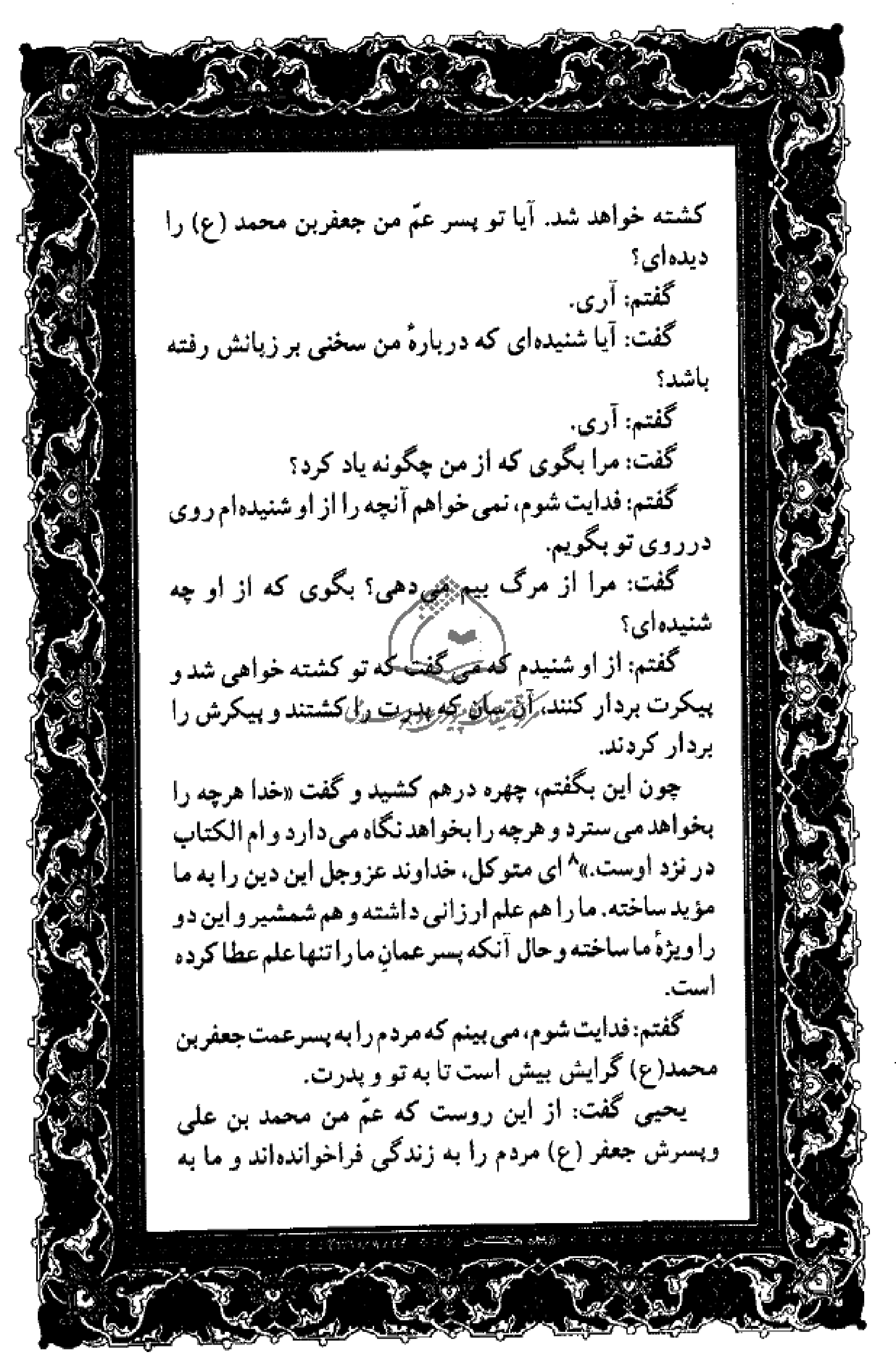
«... سید اجل نجم الدین بهاء‌الشرف، ابوالحسن محمدبن حسن بن احمد بن علی بن محمد بن عمر بن یحیی العلوی الحسینی از ... عمیربن متوکل ثقفی بلخی و او از پدر خود متوکل بن هارون روایت کند که گفت: با یحیی بن زیدبن علی (ع) دیدار کردم، به هنگامی‌که عازم خراسان بود. سلام کردم. پرسید: از کجا آمده‌ای؟

گفتم: از حج.

یحیی بن زید از خاندان و بنی اعمام خود که در مدینه بودند پرسید و بیش از همه از حال جعفربن محمد [الصادق] (ع) جویا شد.

گفتمش که حالش خوب است ولی همگان از آنچه بر پدرت زید رفته است محزونند.

گفت: عمّ من محمدبن علی [الباقر] (ع) به پدرم اشارت می کرد از قیام بپرهیزد که اگر قیام کند و از مدینه بیرون رود،



کشته خواهد شد. آیا تو پسر عمّ من جعفربن محمد (ع) را دیده‌ای؟

گفتم: آری.

گفت: آیا شنیده‌ای که دربارهٔ من سخنی بر زبانش رفته باشد؟

گفتم: آری.

گفت: مرا بگوی که از من چگونه یاد کرد؟

گفتم: فدایت شوم، نمی‌خواهم آنچه را از او شنیده‌ام روی درروی تو بگویم.

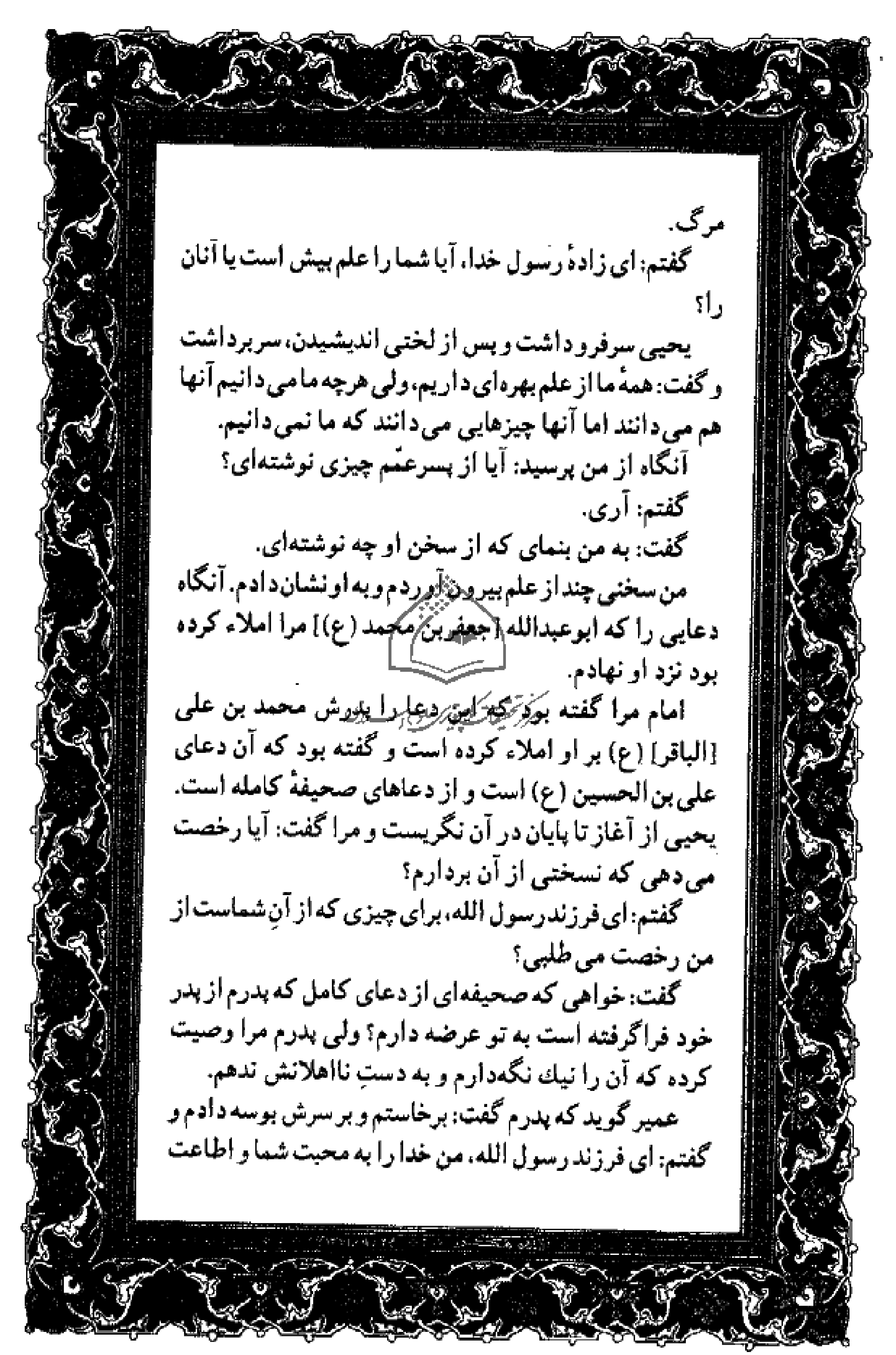
گفت: مرا از مرگ بیم می‌دهی؟ بگوی که از او چه شنیده‌ای؟

گفتم: از او شنیدم که می‌گفت که تو کشته خواهی شد و پیکرت بردار کنند، آن‌سان که پدرت را کشتند و پیکرش را بردار کردند.

چون این بگفتم، چهره درهم کشید و گفت «خدا هرچه را بخواهد می‌سترد و هرچه را بخواهد نگاه می‌دارد و ام الکتاب در نزد اوست.»[8] ای متوکل، خداوند عزوجل این دین را به ما مؤید ساخته. ما را هم علم ارزانی داشته و هم شمشیر و این دو را ویژهٔ ما ساخته و حال آنکه پسر عمانِ ما را تنها علم عطا کرده است.

گفتم: فدایت شوم، می‌بینم که مردم را به پسر عمت جعفربن محمد(ع) گرایش بیش است تا به تو و پدرت.

یحیی گفت: از این روست که عمّ من محمد بن علی وپسرش جعفر (ع) مردم را به زندگی فراخوانده‌اند و ما به



مرگ.

گفتم: ای زادهٔ رسول خدا، آیا شما را علم بیش است یا آنان را؟

یحیی سرفرو داشت و پس از لختی اندیشیدن، سربرداشت و گفت: همهٔ ما از علم بهره‌ای داریم، ولی هرچه ما می‌دانیم آنها هم می‌دانند اما آنها چیزهایی می‌دانند که ما نمی‌دانیم.

آنگاه از من پرسید: آیا از پسرعمّم چیزی نوشته‌ای؟

گفتم: آری.

گفت: به من بنمای که از سخن او چه نوشته‌ای.

من سخنی چند از علم بیرون آوردم و به او نشان دادم. آنگاه دعایی را که ابوعبدالله [جعفربن محمد (ع)] مرا املاء کرده بود نزد او نهادم.

امام مرا گفته بود که این دعا را پدرش محمد بن علی [الباقر] (ع) بر او املاء کرده است و گفته بود که آن دعای علی بن الحسین (ع) است و از دعاهای صحیفهٔ کامله است.

یحیی از آغاز تا پایان در آن نگریست و مرا گفت: آیا رخصت می‌دهی که نسختی از آن بردارم؟

گفتم: ای فرزند رسول الله، برای چیزی که از آنِ شماست از من رخصت می‌طلبی؟

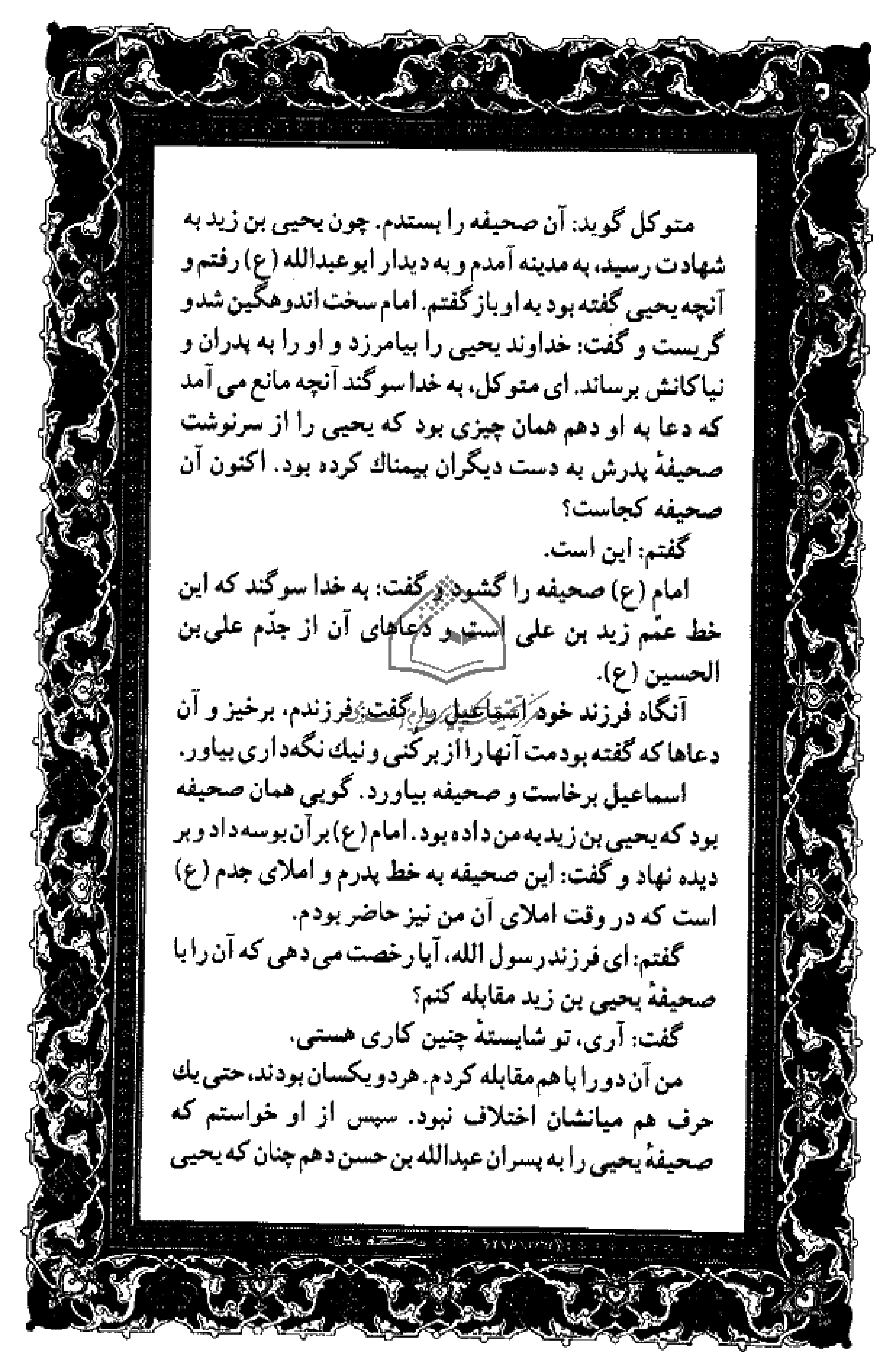
گفت: خواهی که صحیفه‌ای از دعای کامل که پدرم از پدر خود فراگرفته است به تو عرضه دارم؟ ولی پدرم مرا وصیت کرده که آن را نیک نگه‌دارم و به دستِ نااهلانش ندهم.

عمیر گوید که پدرم گفت: برخاستم و بر سرش بوسه دادم و گفتم: ای فرزند رسول الله، من خدا را به محبت شما و اطاعت

از شما پرستش می کنم و امیدِ آن دارم که مراد در زندگی ام و در مرگم به ولایتِ شما قرینِ سعادت سازد.

پس صحیفه‌ای را که به او داده بودم به جوانی که در آنجا بود داد و گفت: این دعا را به خطی خوش و خوانا بنویس. سپس به من ده، باشد که آن را از بر کنم، که من این دعا را از جعفر خواسته بودم و او دریغ می کرد.

متوکل گوید: از کردهٔ خود سخت پشیمان شدم و نمی دانستم که چه بایدم کرد. و امام ابوعبدالله (ع) مرا نگفته بود که آن را به کس ندهم. سپس جعبه‌ای آورد و از آن صحیفه‌ای قفل برنهاده و مهر کرده بیرون آورد. نخست در مهر نگریست، آنگاه بر آن بوسه داد و بگریست. پس مهر را شکست و قفل بگشود و آن صحیفه بگشاد و بر دیده نهاد و بر چهره مالید و گفت: به خدا سوگند ای متوکل، اگر پسر عمّم خبر نداده بود که من کشته می شوم و پیکرم بر دار می رود، این صحیفه را به تو نمی دادم، که همواره در نگهداشتِ آن حرص می ورزیده‌ام. ولی می دانم که سخن او حق است. چیزی است که از پدران خود شنیده است و به زودی صحت آن آشکار خواهد شد. بیم دارم که این علم به دست بنی امیه افتد و مکتومش دارند و در گنجینه‌های خود برای خود اندوخته‌اش سازند. اینک آن را بستان و خاطرِ من آسوده گردان و نیکویش نگه‌دار. چون خداوند، آن داورِ دادار، میان من و این قوم حُکمِ خود روان سازد، این صحیفه از من به امانت نزد تو باشد تا آن را به محمد[۹] و ابراهیم[۱۰] پسران عم من عبدالله[۱۱] بن حسن بن حسن بن علی (ع) برسانی، زیرا آن دو پس از من به این کار قیام خواهند کرد.



متوکل گوید: آن صحیفه را بستدم. چون یحیی بن زید به شهادت رسید، به مدینه آمدم و به دیدار ابوعبدالله (ع) رفتم و آنچه یحیی گفته بود به او باز گفتم. امام سخت اندوهگین شد و گریست و گفت: خداوند یحیی را بیامرزد و او را به پدران و نیاکانش برساند. ای متوکل، به خدا سوگند آنچه مانع می آمد که دعا به او دهم همان چیزی بود که یحیی را از سرنوشت صحیفهٔ پدرش به دست دیگران بیمناك کرده بود. اکنون آن صحیفه کجاست؟

گفتم: این است.

امام (ع) صحیفه را گشود و گفت: به خدا سوگند که این خط عمّم زید بن علی است و دعاهای آن از جدّم علی بن الحسین (ع).

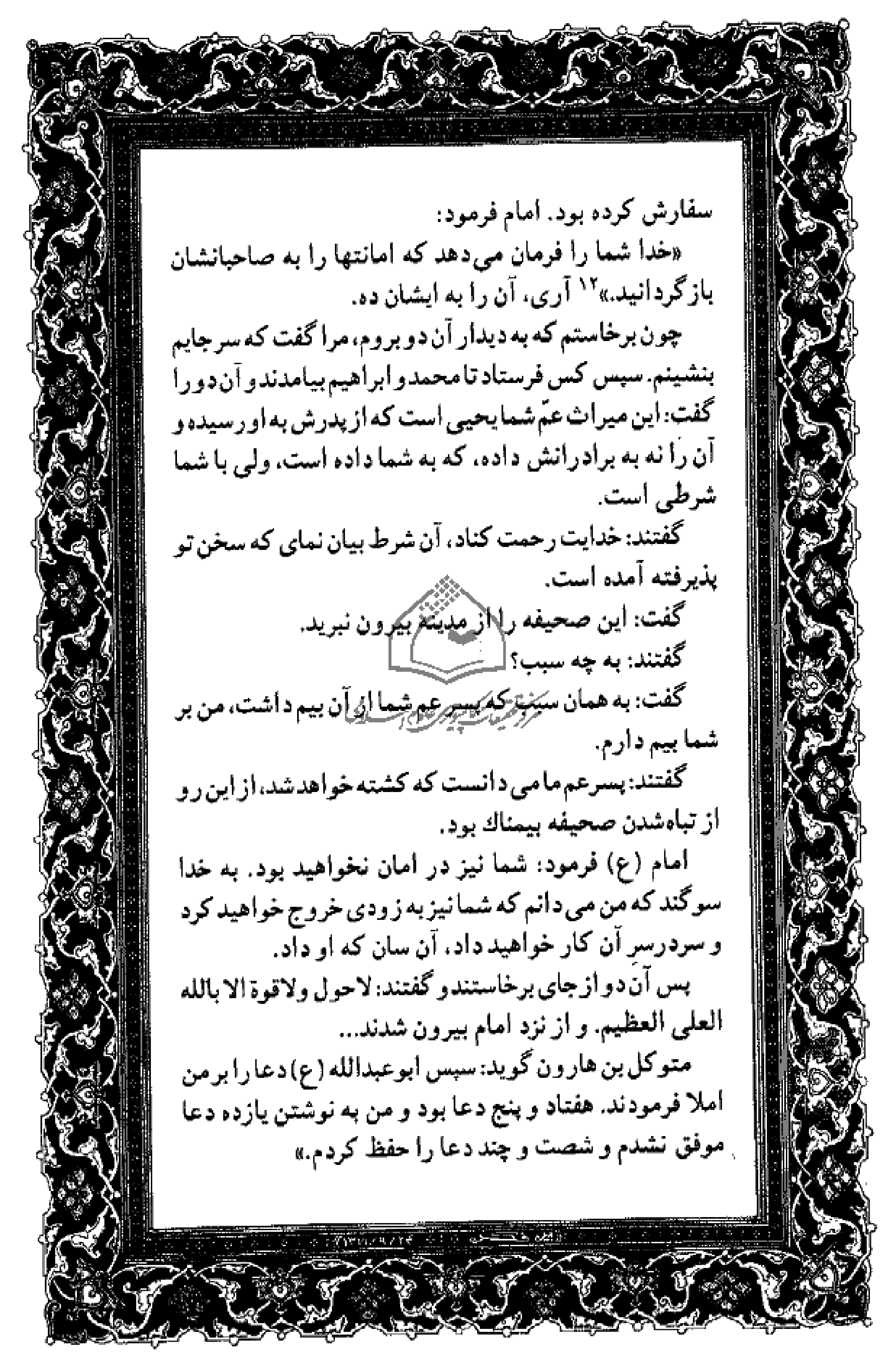
آنگاه فرزند خود اسماعیل را گفت: فرزندم، برخیز و آن دعاها که گفته بودمت آنها را از بر کنی و نیك نگه‌داری بیاور.

اسماعیل برخاست و صحیفه بیاورد. گویی همان صحیفه بود که یحیی بن زید به من داده بود. امام (ع) بر آن بوسه داد و بر دیده نهاد و گفت: این صحیفه به خط پدرم و املای جدم (ع) است که در وقت املای آن من نیز حاضر بودم.

گفتم: ای فرزند رسول الله، آیا رخصت می دهی که آن را با صحیفهٔ یحیی بن زید مقابله کنم؟

گفت: آری، تو شایستهٔ چنین کاری هستی،

من آن دو را با هم مقابله کردم. هردو یکسان بودند، حتی یك حرف هم میانشان اختلاف نبود. سپس از او خواستم که صحیفهٔ یحیی را به پسران عبدالله بن حسن دهم چنان که یحیی



سفارش کرده بود. امام فرمود:

«خدا شما را فرمان می‌دهد که امانتها را به صاحبانشان باز گردانید.»[۱۲] آری، آن را به ایشان ده.

چون برخاستم که به دیدار آن دو بروم، مرا گفت که سر جایم بنشینم. سپس کس فرستاد تا محمد و ابراهیم بیامدند و آن دو را گفت: این میراث عمّ شما یحیی است که از پدرش به او رسیده و آن را نه به برادرانش داده، که به شما داده است، ولی با شما شرطی است.

گفتند: خدایت رحمت کناد، آن شرط بیان نمای که سخن تو پذیرفته آمده است.

گفت: این صحیفه را از مدینه بیرون نبرید.

گفتند: به چه سبب؟

گفت: به همان سبب که پسر عم شما از آن بیم داشت، من بر شما بیم دارم.

گفتند: پسرعم ما می دانست که کشته خواهد شد، از این رو از تباه‌شدن صحیفه بیمناك بود.

امام (ع) فرمود: شما نیز در امان نخواهید بود. به خدا سوگند که من می دانم که شما نیز به زودی خروج خواهید کرد و سر در سر آن کار خواهید داد، آن سان که او داد.

پس آن دو از جای برخاستند و گفتند: لاحول ولاقوة الا بالله العلی العظیم. و از نزد امام بیرون شدند...

متوکل بن هارون گوید: سپس ابوعبدالله (ع) دعا را بر من املا فرمودند. هفتاد و پنج دعا بود و من به نوشتن یازده دعا موفق نشدم و شصت و چند دعا را حفظ کردم.»



حسن ختام این مقدمه را بر خود واجب می دانم که از اولیای محترم انتشارات سروش که مرا به ترجمه این اثر ترغیب کرده‌اند سپاسگزاری کنم.

عبدالمحمّد آیتی

حواشی

۱. گفتیم بنابر مشهور، زیرا نام مادر امام (ع) را به صورتهای زیر نیز ذکر کرده‌اند: شهربانویه، شاه‌زنان، جهان شاه، شهرناز، جهان بانویه، خوله، برّه، سلافه، غزاله، سلامه، حرار، مریم و فاطمه (رك. دکتر سید جعفر شهیدی، زندگانی *علی بن الحسین*، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ص ۱۰.)

۲. همان، ص ۷.

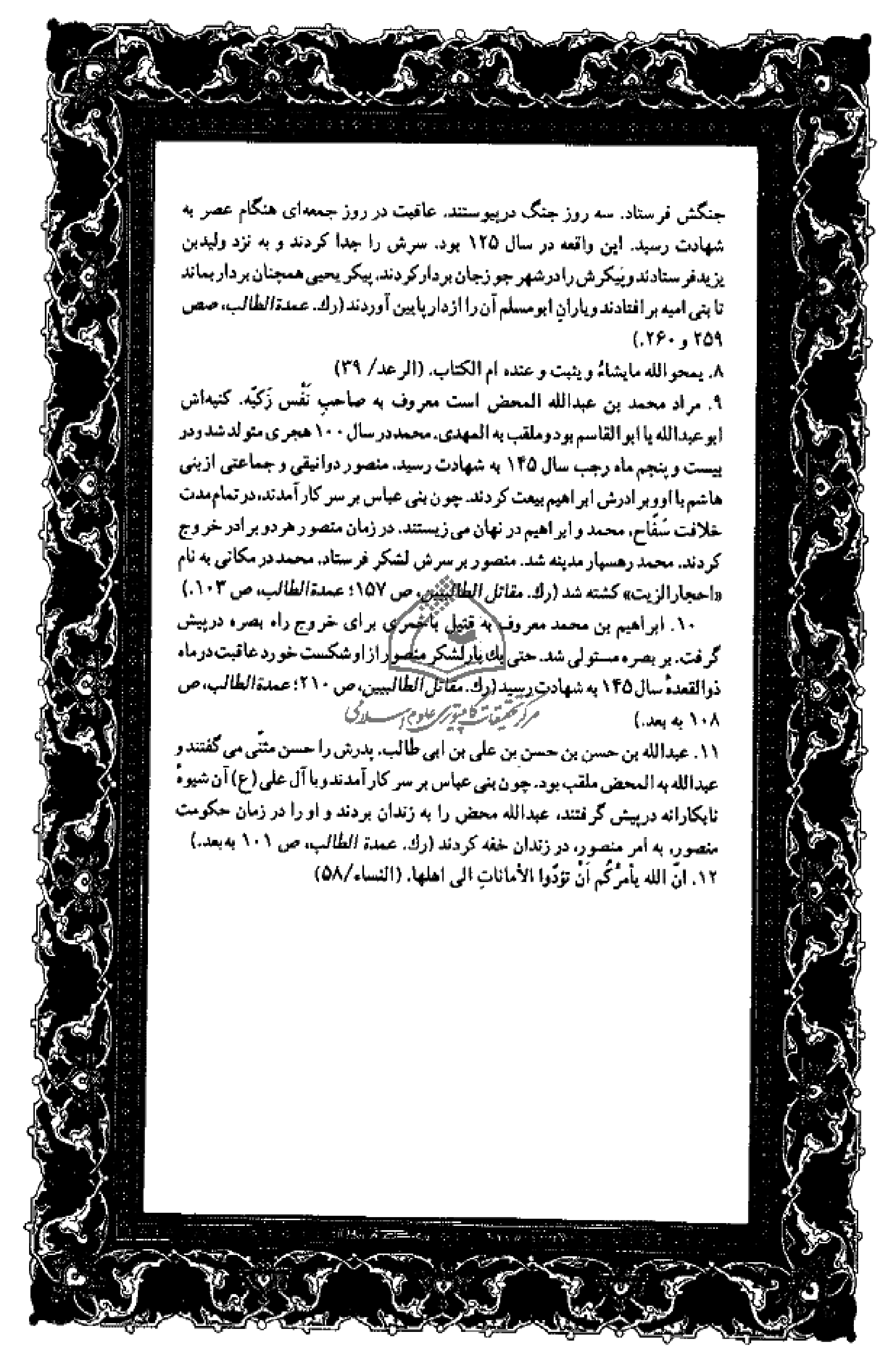
۳. ابوفراس همام بن غالب ملقب به «فَرَزْدَق» در حدود سال بیستم هجری در بصره متولد شد. فرزدق شاعری است اهل مدح و هجا و ممدوحان او بیشتر خلفای بنی امیه‌اند. ولی او را قصیده‌ای است در مدح علی بن الحسین (ع) با این مطلع:

هذا الذی تَعرِفُ البَطحاءُ وَطْأَتَهُ　　　والبیتُ یَعرِفُهُ والحِلُّ والحَرَمُ

شمار ابیات این قصیده مختلف ذکر شده است؛ از چهار بیت تا چهل و یك بیت. همچنین بعضی همهٔ آن را یا ابیاتی از آن را به شاعران دیگر و در مدح ممدوحان دیگر دانسته‌اند. آنچه ترجمهٔ آن را آورده‌ایم ابیاتی است که در دیوان شاعر چاپ شده (به تحقیقات شگرف استاد دکتر شهیدی در کتاب زندگانی *علی بن الحسین*، صص ۱۱۲ـ۱۳۳، مراجعه فرمایید.)

۴. مراد سید جلیل القدر محمد باقر موحد ابطحی است که تحقیقات ایشان در پایان

مجموعهٔ جدیدی از صحیفه به‌نام *الصحیفة السجادیة الجامعة* به تفصیل آمده است.
۵. مراد آقای رحمان نبوی است که سرگرم پدیدآوردن دایرة‌المعارف امام سجادهستند.
۶. زیدبن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب. کنیه‌اش ابوالحسین بود و بدان سبب که همواره به تلاوت قرآن مشغول بود او را «حلیف القرآن» لقب داده بودند. گویند به نزد هشام بن عبدالملك رفت و هشام را به تقوی و ترس از خدا دعوت کرد. هشام گفت: تو این سخنان از آن می گویی که آرزوی خلافت داری. آنگاه سخنی نابکارانه بر زبان آورد و به مادر زید که کنیزی ام ولد بود اهانت کرد. زید نیز پاسخی سخت داد. هشام به خشم آمد و فرمان داد که او را آسوده نگذارند. چون زید از نزد هشام بیرون آمد گفت: هر قومی که از شمشیر بهراسد، جز خواری نصیبی نخواهد داشت. این سخن به گوش هشام رسانیدند. هشام از خروج او بیمناك شد و گفت: شما می پنداشتید که دوران اهل بیت به سر رسیده است و حال آنکه با چنین مردانی پندار انقراضشان پنداری باطل است. از این پس نه زید بیکار نشست و نه هشام. چون زید به کوفه آمد، مردمی از مخالفان بنی امیه و دوستان اهل بیت گردش را گرفتند. گویند پانزده هزار نفر با او بیعت کردند. یاران او جماعاتی از مردم مداین و بصره و واسط و موصل و خراسان و ری و جرجان و بلاد جزیره بودند. به عللی که شرح آن دراز است یاران او از گردش پراکنده شدند و از آن همه جز دویست و هیجده تن برای او باقی نماند. زید نبرد آغاز کرد و تیری بر پیشانی‌اش نشست و به شهادت رسید. به سال ۱۲۲. یارانش پیکر او را دفن کردند و بر گور او آب بستند تا موضع آن دانسته نشود. ولی عوامل حاکم کوفه یوسف بن عمر گور او را بیافتند و پیکر او بیرون آوردند و سر از تنش جدا کردند. سر را به شام و از شام به مصر بردند. پیکر زید را در کوفه بر دار کردند. بعضی گویند تا چهار سال پیکر او بر دار بود. تا زمان ولید بن یزید که به یوسف بن عمر نوشت پیکر زید از دار فرود آرد و بسوزاند و خاکسترش را در فرات ریزد. یوسف بن عمر نیز چنین کرد (رك. *مقاتل الطالبیین*، طبع کاظم المظفر، ص ۶۸ به بعد؛ *عمدة الطالب*، انتشارات الرضی، قم، ص ۲۵۵.)
۷. یحیی بن زید، فرزند زید بن علی بن الحسین (ع) است. چون زید به شهادت رسید، فرزندش یحیی رهسپار مداین شد. یوسف بن عمر کسانی را به طلب او فرستاد. یحیی از مداین به نیشابور و از نیشابور به سرخس رفت. ولیدبن یزید که پس از هشام به خلافت رسیده بود به نصر بن سیار نامه نوشت و خواستار دستگیری یحیی شد. عاقبت در بلخ او را دستگیر کردند و به زندان بردند. نصر بن سیار گرفتارشدن زید را به یوسف بن عمر خبر داد و یوسف به ولید. ولید فرمان داد که او را بترسان که گرد فتنه نگردد و آزادش کن. نصر چنین کرد و دوهزار درهم و دو استر به او داد. یحیی به جوزجان و طالقان (خراسان) رفت. در آنجا قریب به پانصد تن گردش گرفتند و یحیی خروج کرد. نصر بن سیار لشکری به



جنگش فرستاد. سه روز جنگ درپیوستند. عاقبت در روز جمعه‌ای هنگام عصر به شهادت رسید. این واقعه در سال ۱۲۵ بود. سرش را جدا کردند و به نزد ولیدبن یزیدفرستادندوپیکرش رادرشهر جوزجان بردارکردند. پیکر یحیی همچنان بردار بماند تا بنی امیه برافتادند ویارانِ ابومسلم آن را ازدارپایین آوردند (رك. *عمدةالطالب*، صص ۲۵۹ و ۲۶۰.)

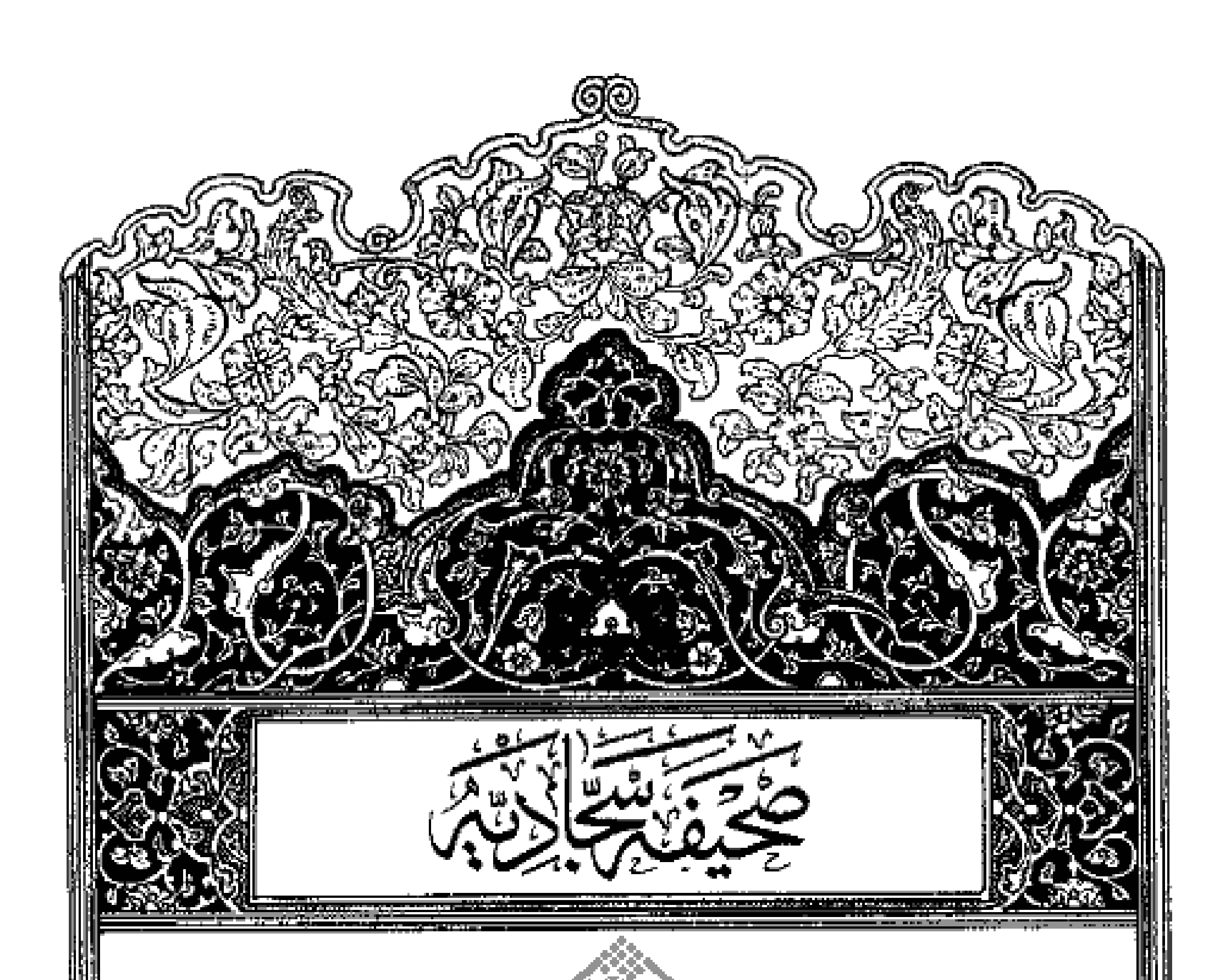
۸. یمحوالله مایشاءُ ویثبت و عنده ام الکتاب. (الرعد/ ۳۹)

۹. مراد محمد بن عبدالله المحض است معروف به صاحبِ نَفْس زَکیّه. کنیه‌اش ابوعبدالله یا ابوالقاسم بودوملقب به المهدی. محمددرسال ۱۰۰ هجری متولدشدودر بیست و پنجم ماه رجب سال ۱۴۵ به شهادت رسید. منصور دوانیقی و جماعتی از بنی هاشم با اووبرادرش ابراهیم بیعت کردند. چون بنی عباس بر سر کار آمدند، درتمام‌مدت خلافت سَفّاح، محمد و ابراهیم در نهان می زیستند. در زمان منصور هردو برادر خروج کردند. محمد رهسپار مدینه شد. منصور بر سرش لشکر فرستاد. محمد در مکانی به نام «احجارالزیت» کشته شد (رك. *مقاتل الطالبیین*، ص ۱۵۷؛ *عمدةالطالب*، ص ۱۰۳.)

۱۰. ابراهیم بن محمد معروف به قتیل باخمری برای خروج راه بصره درپیش گرفت. بربصره مستولی شد. حتی یك بارلشکر منصور از اوشکست خورد عاقبت درماه ذوالقعدهٔ سال ۱۴۵ به شهادت رسید (رك. *مقاتل الطالبیین*، ص ۲۱۰؛ *عمدةالطالب*، ص ۱۰۸ به بعد.)

۱۱. عبدالله بن حسن بن حسن بن علی بن ابی طالب. پدرش را حسن مثنّی می گفتند و عبدالله به المحض ملقب بود. چون بنی عباس بر سر کارآمدندوبا آل علی (ع) آن شیوهٔ نابکارانه درپیش گرفتند، عبدالله محض را به زندان بردند و او را در زمان حکومت منصور، به امر منصور، در زندان خفه کردند (رك. *عمدة الطالب*، ص ۱۰۱ به بعد.)

۱۲. انّ الله یأمرُکُم اَنْ تؤدّوا الأماناتِ الی اهلها. (النساء/۵۸)



دعاء ۱

وَكانَ مِنْ دُعائِهِ عَلَيْهِ السَّلامُ إِذَا ابْتَدَأَ بِالدُّعاءِ
بَدَأَ بِالتَّحْمِيدِ لِلّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ وَالثَّناءِ عَلَيْهِ فَقالَ

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الْأَوَّلِ بِلا أَوَّلٍ كانَ قَبْلَهُ وَالْآخِرِ بِلا آخِرٍ
يَكُونُ بَعْدَهُ الَّذِي قَصُرَتْ عَنْ رُؤْيَتِهِ أَبْصارُ النّاظِرِينَ
وَعَجَزَتْ عَنْ نَعْتِهِ أَوْهامُ الْواصِفِينَ ابْتَدَعَ بِقُدْرَتِهِ الْخَلْقَ
ابْتِداعاً وَاخْتَرَعَهُمْ عَلى مَشِيَّتِهِ اخْتِراعاً ثُمَّ سَلَكَ بِهِمْ
طَرِيقَ إِرادَتِهِ وَبَعَثَهُمْ فِي سَبِيلِ مَحَبَّتِهِ لا يَمْلِكُونَ تَأْخِيراً
عَمّا قَدَّمَهُمْ إِلَيْهِ وَلا يَسْتَطِيعُونَ تَقَدُّماً إِلى ما أَخَّرَهُمْ
عَنْهُ وَجَعَلَ لِكُلِّ رُوحٍ مِنْهُمْ قُوتاً مَعْلُوماً مَقْسُوماً مِنْ

رِزْقِهِ لَا يَنْقُصُ مَنْ زَادَهُ نَاقِصٌ وَلَا يَزِيدُ مَنْ نَقَصَ مِنْهُمْ زَائِدٌ ثُمَّ

ضَرَبَ لَهُ فِي الْحَيٰوةِ أَجَلًا مَوْقُوتًا وَنَصَبَ لَهُ أَمَدًا مَحْدُودًا يَتَخَطَّاهُ

إِلَيْهِ بِأَيَّامِ عُمُرِهِ وَيَرْهَقُهُ بِأَعْوَامِ دَهْرِهِ حَتّٰى إِذَا بَلَغَ

أَقْصٰى أَثَرِهِ وَاسْتَوْعَبَ حِسَابَ عُمُرِهِ قَبَضَهُ إِلٰى مَا نَدَبَهُ إِلَيْهِ

مِنْ مَوْفُورِ ثَوَابِهِ أَوْ مَحْذُورِ عِقَابِهِ لِيَجْزِيَ الَّذِينَ أَسَاؤُا بِمَا

عَمِلُوا وَيَجْزِيَ الَّذِينَ أَحْسَنُوا بِالْحُسْنٰى عَدْلًا مِنْهُ تَقَدَّسَتْ

أَسْمَاؤُهُ وَتَظَاهَرَتْ آلَاؤُهُ لَا يُسْئَلُ عَمَّا يَفْعَلُ وَهُمْ يُسْئَلُونَ

وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي لَوْ حَبَسَ عَنْ عِبَادِهِ مَعْرِفَةَ حَمْدِهِ عَلٰى مَا

أَبْلَاهُمْ مِنْ مِنَنِهِ الْمُتَتَابِعَةِ وَأَسْبَغَ عَلَيْهِمْ مِنْ نِعَمِهِ الْمُتَظَاهِرَةِ

لَتَصَرَّفُوا فِي مِنَنِهِ فَلَمْ يَحْمَدُوهُ وَتَوَسَّعُوا فِي رِزْقِهِ فَلَمْ

يَشْكُرُوهُ وَلَوْ كَانُوا كَذٰلِكَ لَخَرَجُوا مِنْ حُدُودِ الْإِنْسَانِيَّةِ

إِلٰى حَدِّ الْبَهِيمِيَّةِ فَكَانُوا كَمَا وَصَفَ فِي مُحْكَمِ كِتَابِهِ إِنْ هُمْ

إِلَّا كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ عَلٰى مَا عَرَّفَنَا

مِنْ نَفْسِهِ وَأَلْهَمَنَا مِنْ شُكْرِهِ وَفَتَحَ لَنَا مِنْ أَبْوَابِ الْعِلْمِ

بِرُبُوبِيَّتِهِ وَدَلَّنَا عَلَيْهِ مِنَ الْإِخْلَاصِ لَهُ فِي تَوْحِيدِهِ وَجَنَّبَنَا

مِنَ الْإِلْحَادِ وَالشَّكِّ فِي أَمْرِهِ حَمْدًا نُعَمَّرُ بِهِ فِيمَنْ حَمِدَهُ مِنْ خَلْقِهِ

وَنَسْبِقُ بِهِ مَنْ سَبَقَ إِلَى رِضَاهُ وَعَفْوِهِ حَمْدًا يُضِيءُ لَنَا بِهِ ظُلُمَاتِ

الْبَرْزَخِ وَيُسَهِّلُ عَلَيْنَا بِهِ سَبِيلَ الْمَبْعَثِ وَيُشَرِّفُ بِهِ مَنَازِلَنَا

عِنْدَ مَوَاقِفِ الْأَشْهَادِ يَوْمَ تُجْزَى كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ

وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ يَوْمَ لَا يُغْنِي مَوْلًى عَنْ مَوْلًى شَيْئًا وَلَا هُمْ يُنْصَرُونَ

حَمْدًا يَرْتَفِعُ مِنَّا إِلَى أَعْلَى عِلِّيِّينَ فِي كِتَابٍ مَرْقُومٍ يَشْهَدُهُ

الْمُقَرَّبُونَ حَمْدًا تَقَرُّ بِهِ عُيُونُنَا إِذَا بَرِقَتِ الْأَبْصَارُ وَتَبْيَضُّ بِهِ

وُجُوهُنَا إِذَا اسْوَدَّتِ الْأَبْشَارُ حَمْدًا نُعْتَقُ بِهِ مِنْ أَلِيمِ نَارِ اللهِ

إِلَى كَرِيمِ جِوَارِ اللهِ حَمْدًا نُزَاحِمُ بِهِ مَلَائِكَتَهُ الْمُقَرَّبِينَ وَ

نُضَامُّ بِهِ أَنْبِيَاءَهُ الْمُرْسَلِينَ فِي دَارِ الْمُقَامَةِ الَّتِي لَا تَزُولُ وَمَحَلِّ

كَرَامَتِهِ الَّتِي لَا تَحُولُ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي اخْتَارَ لَنَا مَحَاسِنَ

الْخَلْقِ وَأَجْرَى عَلَيْنَا طَيِّبَاتِ الرِّزْقِ وَجَعَلَ لَنَا الْفَضِيلَةَ

بِالْمَلَكَةِ عَلَى جَمِيعِ الْخَلْقِ فَكُلُّ خَلِيقَتِهِ مُنْقَادَةٌ لَنَا بِقُدْرَتِهِ

وَصَائِرُونَ اِلٰى طَاعَتِنَا بِعِزَّتِهٖ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِيْ اَغْلَقَ عَنَّا بَابَ

الْحَاجَةِ اِلَّا اِلَيْهِ فَكَيْفَ نُطِيْقُ حَمْدَهٗ اَمْ مَتٰى نُؤَدِّيْ شُكْرَهٗ

لَا مَتٰى وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِيْ رَكَّبَ فِيْنَا اٰلَاتِ الْبَسْطِ وَجَعَلَ لَنَا

اَدَوَاتِ الْقَبْضِ وَمَتَّعَنَا بِاَرْوَاحِ الْحَيٰوةِ وَاَثْبَتَ فِيْنَا جَوَارِحَ

الْاَعْمَالِ وَغَذَّانَا بِطَيِّبَاتِ الرِّزْقِ وَاَغْنَانَا بِفَضْلِهٖ وَاَقْنَانَا بِمَنِّهٖ

ثُمَّ اَمَرَنَا لِيَخْتَبِرَ طَاعَتَنَا وَنَهَانَا لِيَبْتَلِيَ شُكْرَنَا فَخَالَفْنَا عَنْ

طَرِيْقِ اَمْرِهٖ وَرَكِبْنَا مُتُوْنَ زَجْرِهٖ فَلَمْ يَبْتَدِرْنَا بِعُقُوْبَتِهٖ وَلَمْ

يُعَاجِلْنَا بِنِقْمَتِهٖ بَلْ تَاَنَّانَا بِرَحْمَتِهٖ تَكَرُّمًا وَانْتَظَرَ مُرَاجَعَتَنَا

بِرَاْفَتِهٖ حِلْمًا وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِيْ دَلَّنَا عَلَى التَّوْبَةِ الَّتِيْ لَمْ نُفِدْهَا

اِلَّا مِنْ فَضْلِهٖ فَلَوْ لَمْ نَعْتَدِدْ مِنْ فَضْلِهٖ اِلَّا بِهَا لَقَدْ حَسُنَ

بَلَاۤؤُهٗ عِنْدَنَا وَجَلَّ اِحْسَانُهٗ اِلَيْنَا وَجَسُمَ فَضْلُهٗ عَلَيْنَا فَمَا

هٰكَذَا كَانَتْ سُنَّتُهٗ فِي التَّوْبَةِ لِمَنْ كَانَ قَبْلَنَا لَقَدْ

وَضَعَ عَنَّا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهٖ وَلَمْ يُكَلِّفْنَا اِلَّا وُسْعًا وَلَمْ يُجَشِّمْنَا

اِلَّا يُسْرًا وَلَمْ يَدَعْ لِاَحَدٍ مِّنَّا حُجَّةً وَّلَا عُذْرًا فَالْهَالِكُ مِنَّا مَنْ هَلَكَ

عَلَيْهِ وَالسَّعِيدُ مِنَّا مَنْ رَغِبَ اِلَيْهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ بِكُلِّ مَا حَمِدَهُ
بِهِ اَدْنٰى مَلٰٓئِكَتِهِ اِلَيْهِ وَاَكْرَمُ خَلِيقَتِهِ عَلَيْهِ وَاَرْضٰى
حَامِدِيهِ لَدَيْهِ حَمْدًا يَفْضُلُ سَآئِرَ الْحَمْدِ كَفَضْلِ رَبِّنَا عَلٰى جَمِيعِ
خَلْقِهِ ثُمَّ لَهُ الْحَمْدُ مَكَانَ كُلِّ نِعْمَةٍ لَهُ عَلَيْنَا وَعَلٰى
جَمِيعِ عِبَادِهِ الْمَاضِينَ وَالْبَاقِينَ عَدَدَ مَا اَحَاطَ بِهِ عِلْمُهُ مِنْ
جَمِيعِ الْاَشْيَآءِ وَمَكَانَ كُلِّ وَاحِدَةٍ مِنْهَا عَدَدُهَا
اَضْعَافًا مُضَاعَفَةً اَبَدًا سَرْمَدًا اِلٰى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ حَمْدًا لَا مُنْتَهٰى
لِحَدِّهِ وَلَا حِسَابَ لِعَدَدِهِ وَلَا مَبْلَغَ لِغَايَتِهِ وَلَا انْقِطَاعَ لِاَمَدِهِ
حَمْدًا يَكُونُ وُصْلَةً اِلٰى طَاعَتِهِ وَعَفْوِهِ وَسَبَبًا اِلٰى رِضْوَانِهِ
وَذَرِيعَةً اِلٰى مَغْفِرَتِهِ وَطَرِيقًا اِلٰى جَنَّتِهِ وَخَفِيرًا مِنْ نَقِمَتِهِ
وَاَمْنًا مِنْ غَضَبِهِ وَظَهِيرًا عَلٰى طَاعَتِهِ وَحَاجِزًا عَنْ مَعْصِيَتِهِ
وَعَوْنًا عَلٰى تَادِيَةِ حَقِّهِ وَوَظَآئِفِهِ حَمْدًا نَسْعَدُ بِهِ فِي السُّعَدَآءِ مِنْ
اَوْلِيَآئِهِ وَنَصِيرُ بِهِ فِي نَظْمِ الشُّهَدَآءِ بِسُيُوفِ اَعْدَآئِهِ اِنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيدٌ



نیایش یکم[1]

حمد و سپاس خدای را، آن نخستینِ بی پیشین را وآن آخرینِ بی‌پسین را، خداوندی که دیدهٔ بینایان از دیدارش قاصر آید و اندیشهٔ واصفان از نعتِ او فروماند. آفریدگان را به قدرت خود ابداع کرد و به مقتضای مشیت خویش جامهٔ هستی پوشید و به همان راه که ارادت او بود روان داشت و رهسپار طریق محبت خویش گردانید.

چون ایشان را به پیش راند، کس را یارایِ واپس گراییدن نبوَد، و چون واپس دارَد، کس را یارای پیش تاختن نباشد.

هر زنده‌جانی را از رزق مقسوم خویش توشه‌ای معلوم نهاد؛ آن سان که کس نتواند از آن که افزونش داده، اندکی بکاهد و بر آن که اندکش عنایت کرده، چیزی بیفزاید.

سپس هر یک از آدمیان را عمری معین مقرر کرد و مدتی محدود که با گامهای روزها و سالهایش می‌پیماید، تا آنگاه که به سر آرَدش؛ آن سان که چون آخرین گامها را بردارد و پیمانهٔ عمرش لبریز شود، او را فروگیرد: یا به ثواب فراوانش بنوازد، یا به ورطهٔ عقابی خوفناکش اندازد، تا بدکاران را به کیفر عمل خویش برساند و نیکوکاران را به پاداش کردار نیک خویش و این خود عینِ عدالتِ اوست.

منزّه و پاک است نامهای او و ناگسستنی است نعمتهای او. کس را نرسد که او را در برابر اعمالش بازخواست کند و اوست که همگان را به بازخواست کشَد.[2]

۱. چون به دعا آغاز می‌کرد نخست خدای عزوجل را با چنین عبارتهایی حمد و ثنا می‌گفت.

۲. اشاره است به این آیه: «لایُسئَل عمّا یفعلُ و هم یُسئلون». (سورهٔ ۲۱/آیهٔ ۲۳)



حمد و سپاس خداوندی را که اگر معرفتِ حمد خویش را از بندگان خود دریغ می‌داشت، در برابر آن همه نعمتها که از پس یکدیگر بر آنان فرومی‌فرستاد، آن نعمتها به کار می‌داشتند و لب به سپاسش نمی‌گشادند، به رزق او فراخ روزی می‌جُستند و شکرش نمی‌گفتند. و اگر چنین می‌بودند، از دایرهٔ انسانیت برون می‌افتادند ودر زمرهٔ چارپایان درمی‌آمدند. چنان می‌شدند که خدای تعالی در محکم تنزیلِ خود گفته است: «چون چارپایانند، بل از چارپایان هم گمراه‌تر.»[۳]

حمد و سپاس خداوندی را که خود رابه ما شناسانید وشیوهٔ سپاسگزاری‌اش را به ما الهام کرد وابوابِ علمِ ربوبیّت خویش رابه روی ما بگشاد و ما را به اخلاص در توحید اوراه نمود و از الحاد و تردید در امر وی به دور داشت. اورا سپاس گوییم، چنان سپاسی که چون در میان سپاسگزارانش زیستن گیریم، همواره با ما باشد و به یاری آن از همهٔ آنان که خواستار خشنودی و بخشایش او هستند گوی سبقت بربایيم. آن چنان سپاسی که تابشش تاریکی وحشت افزای گور بر ما روشن گرداند وراه رستاخیز برای ما هموار سازد و در آن روز که هر کس به جزای عمل خویش رسد و بر کس ستم نرود و هیچ دوستی از دوست خویش دفع مضرت نتواند و کس به کس یاری نرساند، چون در موقف بازخواست ایستیم، منزلت ما برافرازد و بر مرتبت ما بیفزاید.

حمد وسپاسی آنچنان که نوشته در نامهٔ عمل ما به اعلی علیین فرا رود و فرشتگان مقرب برآن گواهی دهند.

حمد وسپاسی آنچنان که در آن روز که دیدگان را پردهٔ حیرت فروگیرد، دیدگان ما بدان روشنی گیرد و در آن روز که گروهی سیه‌روی شوند، ما سپیدروی گردیم.

۳. ان هم إلاّ کالانعام بل هم اضلّ سبیلاً. (سورهٔ ۲۵/آیهٔ ۴۴)



حمد و سپاسی آنچنان که ما را از آتش دردناك خداوندی برهاند و در جوار کَرَمش بنشاند.

حمد و سپاسی آنچنان که ما را با فرشتگان مقرب او همنشین سازد و در آن سرای جاوید که جایگاه کرامت همیشگی اوست با پیامبران مرسل همدوش گرداند.

حمد خداوندی را که سیرتها و صورتهای پسندیده را برای ما برگزید و روزیهای خوش و نیکو را به ما ارزانی داشت. خداوندی که ما را آن گونه برتری داد که بر همهٔ آفریدگان سلطه یابیم، چندان که به قدرت او هر آفریده فرمانبردار ماست و به عزت او در ربقهٔ طاعت ما.

سپاس خداوندی را که جز به خود، درِ نیاز را به روی ما فروبست. چگونه از حمد او برآییم؟ کی سپاسش توانیم گفت؟ نمی توانیم، کی توانیم؟

حمد خداوندی را که در پیکر ما ابزارهایی نهاد که توانِ بست و گشاد مان باشد و به نعمت روح، زندگیمان عنایت فرمود و اندامهایی داد که به نیروی آنها کارها توانیم ساخت و ما را از هرچه خوش و گوارنده است روزی داد و به فضل خویش بی نیاز گردانید و به منّ و کرم خود سرمایه بخشید. و تا فرمانبرداری و سپاسگزاریمان بیازماید، به کارهایی فرمان داد و از کارهایی نهی فرمود. چون از فرمانش سر برتافتیم و بر مرکب عصیان برنشستیم، به عقوبت ما نشتافت و در انتقام از ما تعجیل روا نداشت، بلکه به رحمت و کرامت خویش ما را زمان داد و به رأفت و حلم خود مهلت عطا فرمود، باشد که بازگردیم.

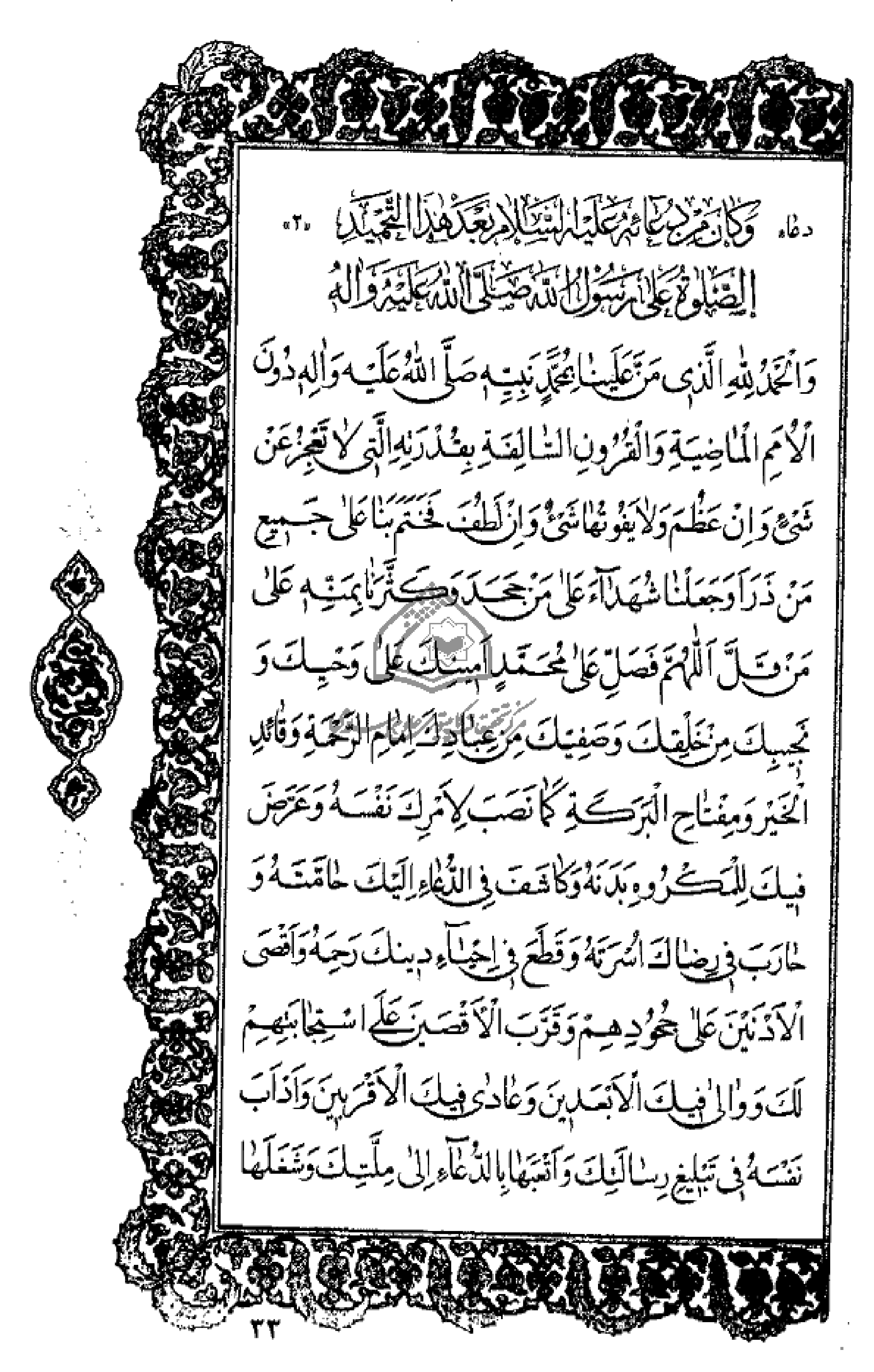
حمد و سپاس خداوندی را که ما را به توبه راه نمود. و اگر پرتو فضل او نبود، هرگز بدان راه نمی یافتیم. و اگر از فضل او تنها به همین یك نعمت بسنده می کردیم، باز هم دهش او به ما نیکو و احسان او در حق ما جلیل و فضل و کرمش بس کرامند می بود، که روش او در قبول توبهٔ

پیشینیان نه چنین بود. ما را از هر چه فراتر از تاب و توانمان بود معاف داشت و جز به اندازهٔ توانمان تکلیف نفرمود و جز به اعمال سهل و آسانمان وانداشت، تا هیچ یك از ما را عذری و حجتی نماند.

هر که ازما سر ازفرمانش برتابد، کارش به شقاوت کشد و آن که به درگاه او روی کند، تاج سعادت بر سر نهد.

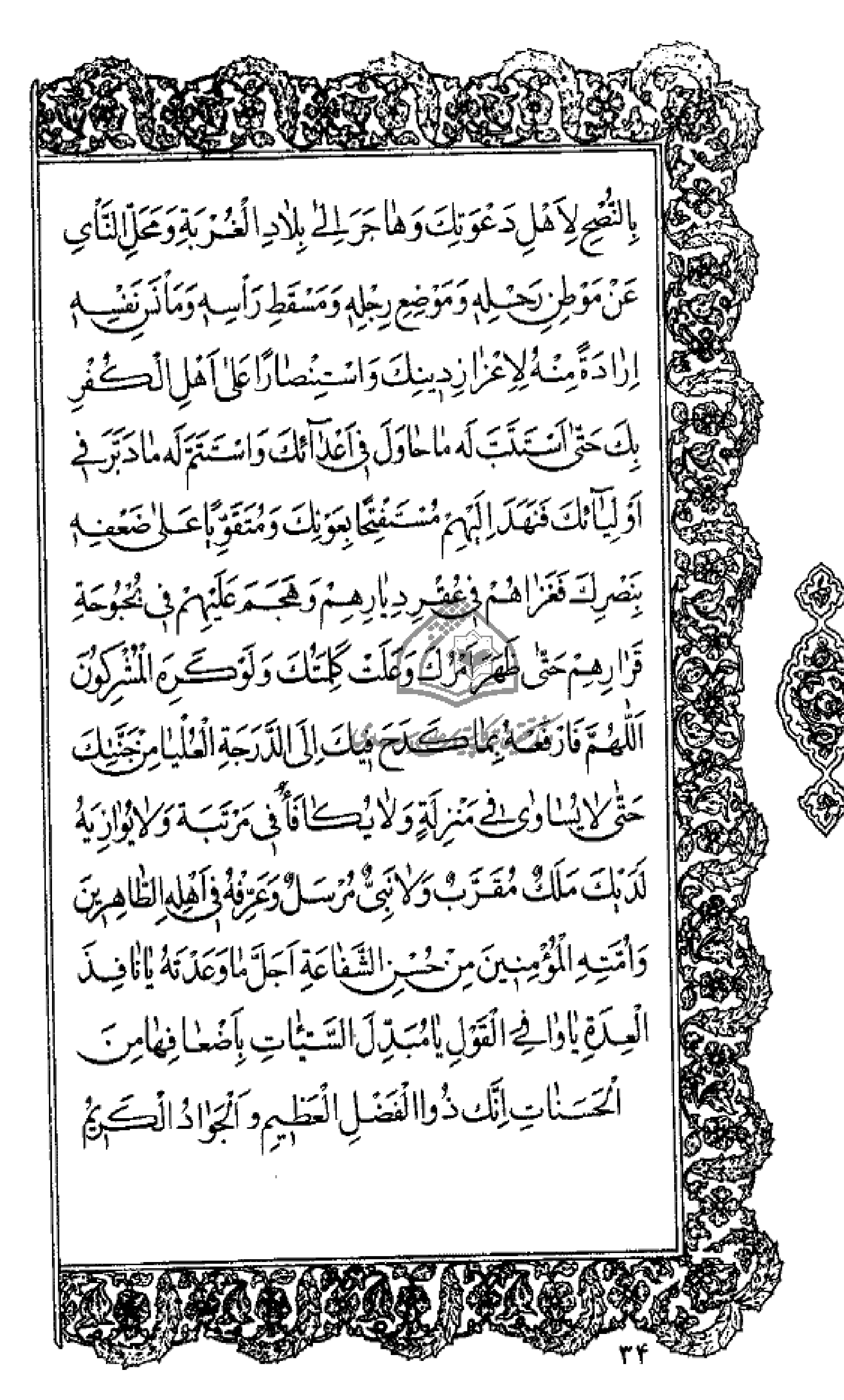
حمد و سپاس خدای را، بدان سان که مقرب ترین فرشتگانش و گرامی ترین آفریدگانش و ستوده‌ترین ستایندگانش می‌ستایند. حمدی برتر ازهر حمد دیگر، آن سان که پروردگار ما ازهمهٔ آفریدگانِ خود برتر است.

حمد باد اورا به جای هر نعمتی که بر ما وبر دیگر بندگانِ درگذشته و زندهٔ خود دارد، به شمار همهٔ چیزها که درعلم بی انتهای او گنجد و چند برابر نعمتهایش، حمدی بی آغاز وبی انجام و تا روزرستاخیز، حمدی که حدی و مرزی نشناسد وحسابش به شمار درنیاید وپایانش نبود و زمانش درنگسلد. حمدی که ما را به فرمانبرداری وبخشایش اورساند و خشنودی اش را سبب گردد و آمرزش اورا وسیله باشد وراهی بود به بهشت او وپناهگاهی بُوَد ازعذاب او وآسایشی بوَد ازخشمِ او ویاوری بوَد بر طاعت او ومانعی بوَد ازمعصیت او ومددی بوَد بر ادای حق وتکالیف او. حمدی که ما را درمیان دوستان سعادتمندش کامروا کند و به زمرهٔ آنان که به شمشیر دشمنانش به فوزشهادت رسیده‌اند درآورد. إنّه ولیٌّ حمید.



دعاء «٢» وكان من دعائه عليه السلام بعد هذا التحميد
الصلوة على رسول الله صلى الله عليه واله

والحمد لله الذي من علينا بمحمد نبيه صلى الله عليه واله دون
الامم الماضية والقرون السالفة بقدرته التي لا تعجز عن
شيء وان عظم ولا يفوتها شيء وان لطف فختم بنا على جميع
من ذرا وجعلنا شهداء على من جحد وكثرنا بمنه على
من قل اللهم فصل على محمد امينك على وحيك و
نجيبك من خلقك وصفيك من عبادك امام الرحمة وقائد
الخير ومفتاح البركة كما نصب لامرك نفسه وعرض
فيك للمكروه بدنه وكاشف في الدعاء اليك حامته و
حارب في رضاك اسرته وقطع في احياء دينك رحمه واقصى
الادنين على جحودهم وقرب الاقصين على استجابتهم
لك ووالى فيك الابعدين وعادى فيك الاقربين وادأب
نفسه في تبليغ رسالتك واتعبها بالدعاء الى ملتك وشغلها



بِالنُّصْحِ لِأَهْلِ دَعْوَتِكَ وَهَاجَرَ إِلَى بِلَادِ الْغُرْبَةِ وَمَحَلِّ النَّأْيِ

عَنْ مَوْطِنِ رَحْلِهِ وَمَوْضِعِ رِجْلِهِ وَمَسْقَطِ رَأْسِهِ وَمَأْنَسِ نَفْسِهِ

إِرَادَةً مِنْهُ لِإِعْزَازِ دِينِكَ وَاسْتِنْصَاراً عَلَى أَهْلِ الْكُفْرِ

بِكَ حَتَّى اسْتَتَبَّ لَهُ مَا حَاوَلَ فِي أَعْدَائِكَ وَاسْتَتَمَّ لَهُ مَا دَبَّرَ فِي

أَوْلِيَائِكَ فَنَهَدَ إِلَيْهِمْ مُسْتَفْتِحاً بِعَوْنِكَ وَمُتَقَوِّياً عَلَى ضَعْفِهِ

بِنَصْرِكَ فَغَزَاهُمْ فِي عُقْرِ دِيَارِهِمْ وَهَجَمَ عَلَيْهِمْ فِي بُحْبُوحَةِ

قَرَارِهِمْ حَتَّى ظَهَرَ أَمْرُكَ وَعَلَتْ كَلِمَتُكَ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ

اللَّهُمَّ فَارْفَعْهُ بِمَا كَدَحَ فِيكَ إِلَى الدَّرَجَةِ الْعُلْيَا مِنْ جَنَّتِكَ

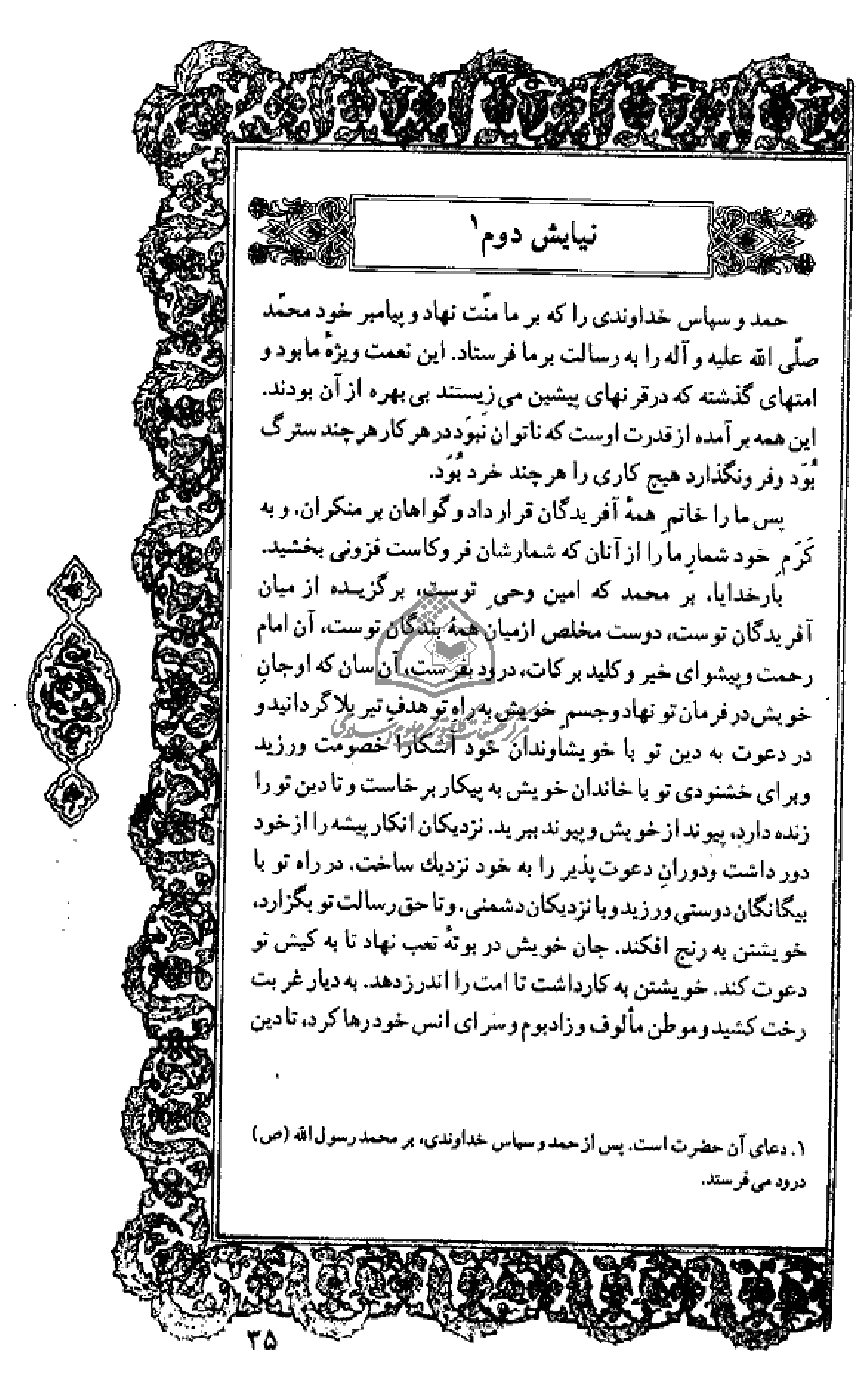
حَتَّى لَا يُسَاوَى فِي مَنْزِلَةٍ وَلَا يُكَافَأَ فِي مَرْتَبَةٍ وَلَا يُوَازِيَهُ

لَدَيْكَ مَلَكٌ مُقَرَّبٌ وَلَا نَبِيٌّ مُرْسَلٌ وَعَرِّفْهُ فِي أَهْلِهِ الطَّاهِرِينَ

وَأُمَّتِهِ الْمُؤْمِنِينَ مِنْ حُسْنِ الشَّفَاعَةِ أَجَلَّ مَا وَعَدْتَهُ يَا نَافِذَ

الْعِدَةِ يَا وَافِيَ الْقَوْلِ يَا مُبَدِّلَ السَّيِّئَاتِ بِأَضْعَافِهَا مِنَ

الْحَسَنَاتِ إِنَّكَ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ وَالْجَوَادُ الْكَرِيمُ



نیایش دوم[1]

حمد و سپاس خداوندی را که بر ما منّت نهاد و پیامبر خود محمّد صلّی الله علیه و آله را به رسالت برما فرستاد. این نعمت ویژهٔ ما بود و امتهای گذشته که درقرنهای پیشین می‌زیستند بی بهره از آن بودند. این همه برآمده ازقدرت اوست که ناتوان نبوَد درهر کار هرچند سترگ بوَد وفرونگذارد هیچ کاری را هرچند خرد بوَد.

پس ما را خاتمِ همهٔ آفریدگان قرار داد و گواهان بر منکران. و به کَرَمِ خود شمارِ ما را از آنان که شمارشان فروکاست فزونی بخشید.

بارخدایا، بر محمد که امین وحیِ توست، برگزیده از میان آفریدگان توست، دوست مخلص ازمیان همهٔ بندگان توست، آن امام رحمت وپیشوای خیر و کلید برکات، درود بفرست. آن سان که اوجانِ خویش درفرمان تو نهاد وجسمِ خویش به راه تو هدفِ تیر بلا گردانید و در دعوت به دین تو با خویشاوندان خود آشکارا خصومت ورزید وبرای خشنودی تو با خاندان خویش به پیکار برخاست و تا دین تو را زنده دارد، پیوند ازخویش وپیوند ببرید. نزدیکان انکارپیشه را ازخود دور داشت ودورانِ دعوت‌پذیر را به خود نزدیک ساخت. در راه تو با بیگانگان دوستی ورزید وبا نزدیکان دشمنی. وتا حق رسالت تو بگزارد، خویشتن به رنج افکند. جان خویش در بوتهٔ تعب نهاد تا به کیش تو دعوت کند. خویشتن به کارداشت تا امت را اندرزدهد. به دیار غربت رخت کشید وموطنِ مألوف وزادبوم وسرای انس خود رها کرد، تا دین

۱. دعای آن حضرت است. پس از حمد و سپاس خداوندی، بر محمد رسول الله (ص) درود می‌فرستد.

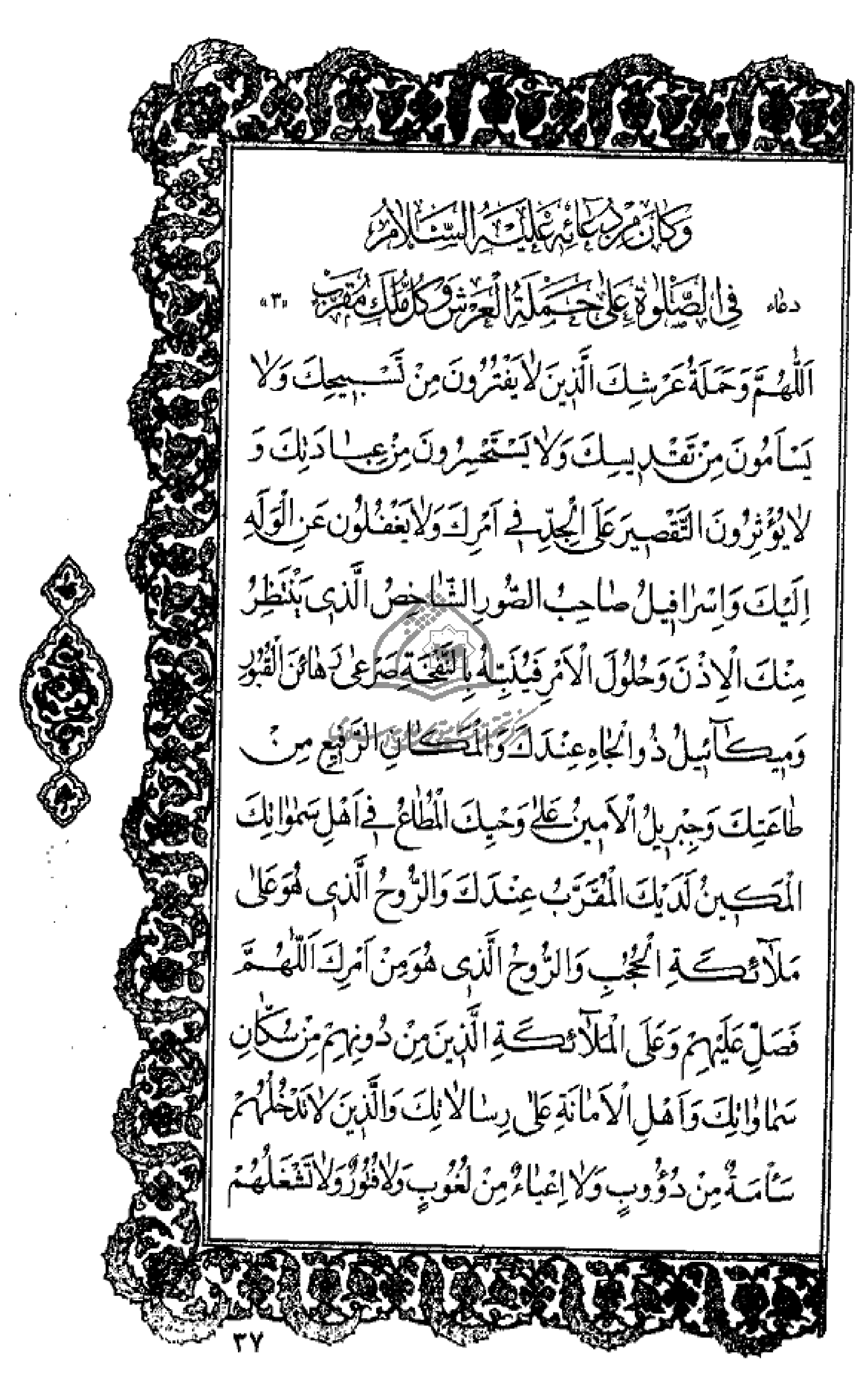
تو را نصرت دهد و بر آنان که بر تو کفر می ورزیدند غلبه جوید. تا به هرچه در حق دشمنان تو خواسته بود به تمام دست یافت و هرچه دربارهٔ دوستان تو اندیشیده بود، به کمال حاصل آمد. پس بدان هنگام که به یاری تو پیروزی می طلبید و به نیروی نصرت تو بر ناتوانی خویش چیره می گشت، آهنگ جنگ ایشان کرد. با آنان در دل خانه‌هایشان غزا کرد و به ناگاه در میان منازلشان بر سرشان تاخت، تا دین تو آشکار گردید و کلمهٔ تو برتر شد، اگرچه مشرکان را ناخوش افتاد.

بارخدایا، محمد را به پاداش رنجی که در راه تو کشید به عالی ترین درجات بهشت خود فرا بر، آن سان که هیچ کس را نرسد تا به منزلت با او برابری جوید و به مرتبت با او همبری کند و هیچ ملكِ مقرب و پیامبر مرسلی در نزد تو با او برابری نتواند.

بارخدایا، افزون از آنچه او را وعده داده‌ای که شفاعتش را در حق اهل بیت پاك و امتِ با ایمانش بپذیری، عطا فرمای.

ای خداوندی که هیچ وعده‌ای خلاف نکنی و به هرچه گویی وفا کنی.

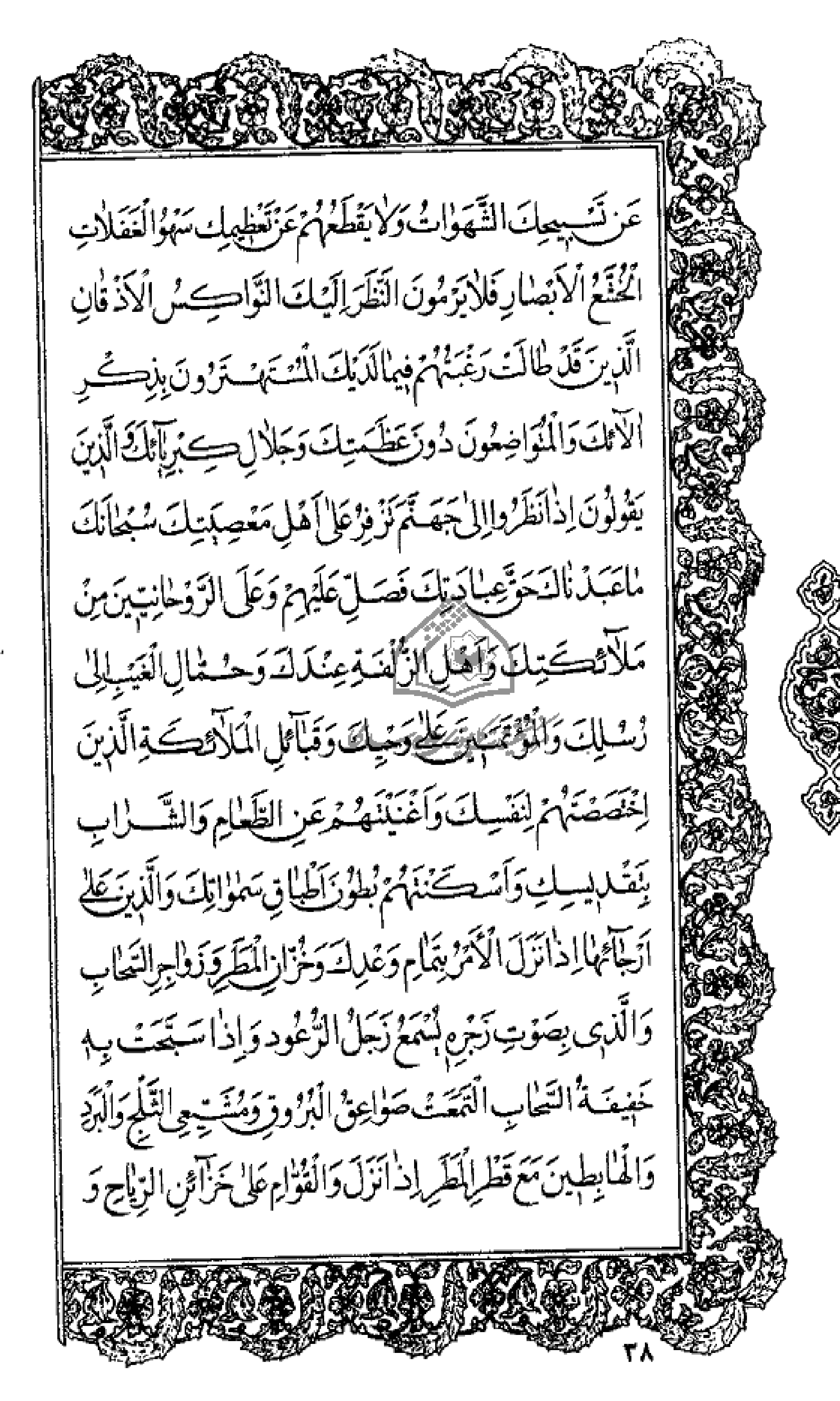
ای دگرگون کنندهٔ بدیها به چند برابرْ نیکیها إِنَّكَ ذوالفضل العظیم والجواد الکریم.



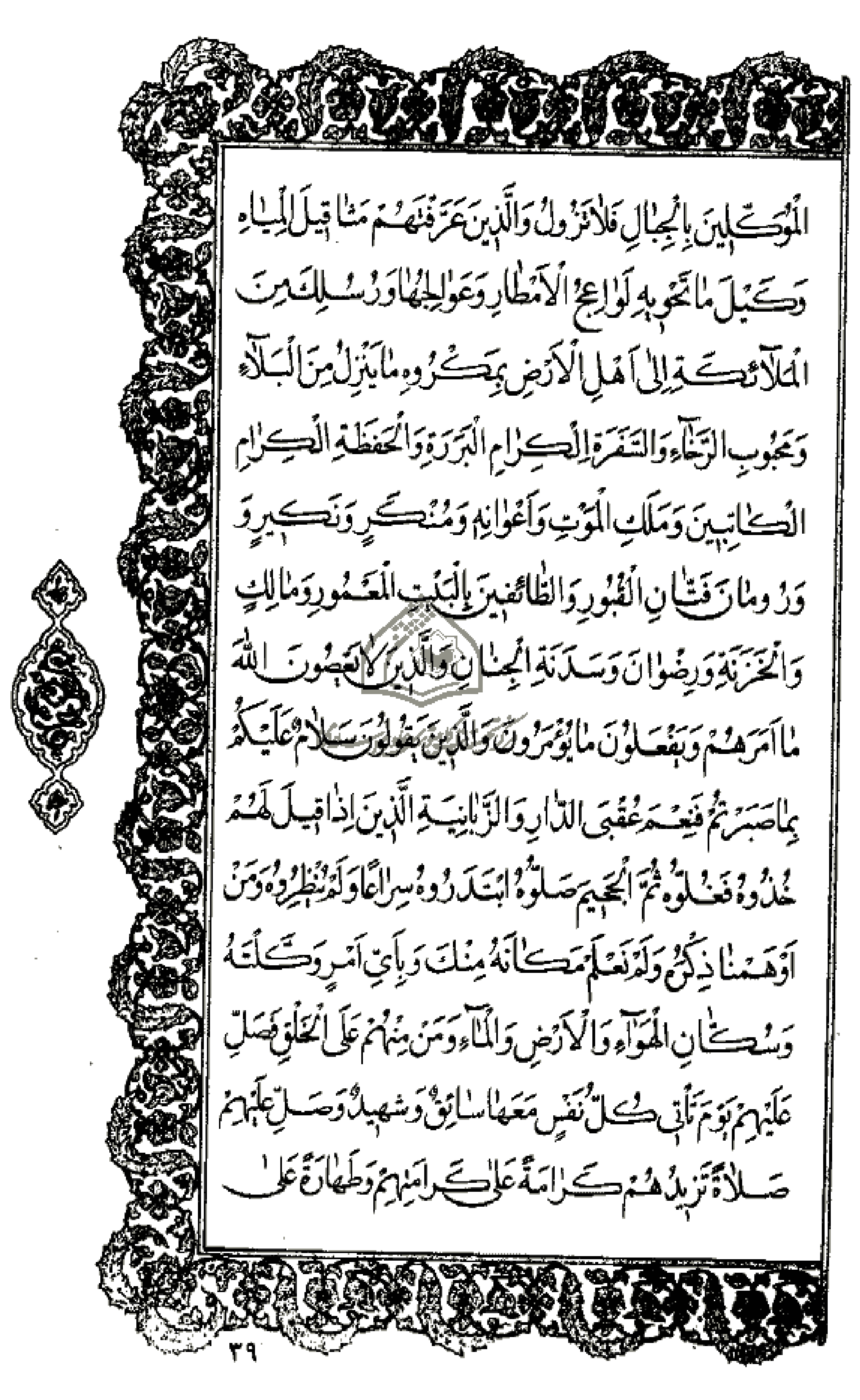
وكان من دعائه عليه السلام

دعاء «٣» في الصلوة على حملة العرش وكل ملك مقرب

اللهم وحملة عرشك الذين لا يفترون من تسبيحك ولا
يسأمون من تقديسك ولا يستحسرون من عبادتك و
لا يؤثرون التقصير على الجد في أمرك ولا يغفلون عن الوله
إليك وإسرافيل صاحب الصور الشاخص الذي ينتظر
منك الإذن وحلول الأمر فينبه بالنفخة صرعى رهائن القبور
وميكائيل ذو الجاه عندك والمكان الرفيع من
طاعتك وجبريل الأمين على وحيك المطاع في أهل سماواتك
المكين لديك المقرب عندك والروح الذي هو على
ملائكة الحجب والروح الذي هو من أمرك اللهم
فصل عليهم وعلى الملائكة الذين من دونهم من سكان
سماواتك وأهل الأمانة على رسالاتك والذين لا تدخلهم
سأمة من دؤوب ولا إعياء من لغوب ولا فتور ولا تشغلهم



عَنْ تَسْبِيحِكَ الشَّهَوَاتُ وَلَا يَقْطَعُهُمْ عَنْ تَعْظِيمِكَ سَهْوُ الْغَفَلَاتِ
الْخُشَّعُ الْأَبْصَارِ فَلَا يَرُومُونَ النَّظَرَ إِلَيْكَ النَّوَاكِسُ الْأَذْقَانِ
الَّذِينَ قَدْ طَالَتْ رَغْبَتُهُمْ فِيمَا لَدَيْكَ الْمُسْتَهْتَرُونَ بِذِكْرِ
آلَائِكَ وَالْمُتَوَاضِعُونَ دُونَ عَظَمَتِكَ وَجَلَالِ كِبْرِيَائِكَ وَالَّذِينَ
يَقُولُونَ إِذَا نَظَرُوا إِلَى جَهَنَّمَ تَزْفِرُ عَلَى أَهْلِ مَعْصِيَتِكَ سُبْحَانَكَ
مَا عَبَدْنَاكَ حَقَّ عِبَادَتِكَ فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَعَلَى الرَّوْحَانِيِّينَ مِنْ
مَلَائِكَتِكَ وَأَهْلِ الزُّلْفَةِ عِنْدَكَ وَحُمَّالِ الْغَيْبِ إِلَى
رُسُلِكَ وَالْمُؤْتَمَنِينَ عَلَى وَحْيِكَ وَقَبَائِلِ الْمَلَائِكَةِ الَّذِينَ
اخْتَصَصْتَهُمْ لِنَفْسِكَ وَأَغْنَيْتَهُمْ عَنِ الطَّعَامِ وَالشَّرَابِ
بِتَقْدِيسِكَ وَأَسْكَنْتَهُمْ بُطُونَ أَطْبَاقِ سَمَاوَاتِكَ وَالَّذِينَ عَلَى
أَرْجَائِهَا إِذَا نَزَلَ الْأَمْرُ بِتَمَامِ وَعْدِكَ وَخُزَّانِ الْمَطَرِ وَزَوَاجِرِ السَّحَابِ
وَالَّذِي بِصَوْتِ زَجْرِهِ يُسْمَعُ زَجَلُ الرُّعُودِ وَإِذَا سَبَحَتْ بِهِ
خَفِيفَةُ السَّحَابِ الْتَمَعَتْ صَوَاعِقُ الْبُرُوقِ وَمُشَيِّعِي الثَّلْجِ وَالْبَرَدِ
وَالْهَابِطِينَ مَعَ قَطْرِ الْمَطَرِ إِذَا نَزَلَ وَالْقُوَّامِ عَلَى خَزَائِنِ الرِّيَاحِ وَ



الموكلين بالجبال فلا تزول والذين عرفتهم مثاقيل المياه

وكيل ما تحويه لواعج الأمطار وعوالجها ورسلك من

الملائكة إلى أهل الأرض بمكروه ما ينزل من البلاء

ومحبوب الرخاء والسفرة الكرام البررة والحفظة الكرام

الكاتبين وملك الموت وأعوانه ومنكر ونكير و

رومان فتان القبور والطائفين بالبيت المعمور ومالك

والخزنة ورضوان وسدنة الجنان والذين لا يعصون الله

ما أمرهم ويفعلون ما يؤمرون والذين يقولون سلام عليكم

بما صبرتم فنعم عقبى الدار والزبانية الذين إذا قيل لهم

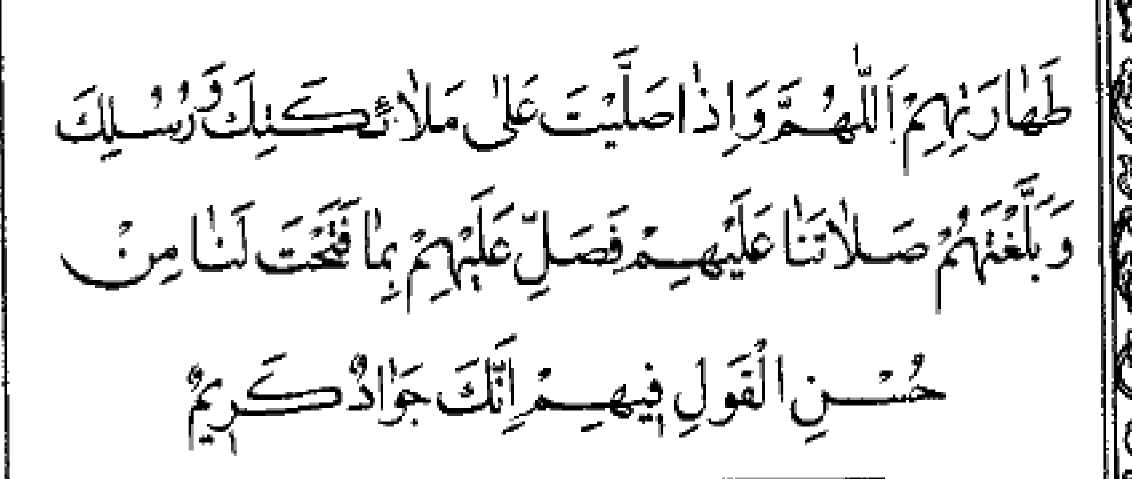
خذوه فغلوه ثم الجحيم صلوه ابتدروه سراعا ولم ينظروه ومن

أوهمنا ذكره ولم نعلم مكانه منك وبأي أمر وكلته

وسكان الهواء والأرض والماء ومن منهم على الخلق فصل

عليهم يوم تأتي كل نفس معها سائق وشهيد وصل عليهم

صلاة تزيدهم كرامة على كرامتهم وطهارة على



نیایش سوم[1]

بارخدایا، درود بفرست بر حاملان عرش خود، فرشتگانی که درتسبیح تو سستی نپذیرند واز تقدیس تو ملال نگیرند واز پرستش تو درنمانند وفرمانبرداری تو را آن گونه به جِدّ درایستند که چشم برهم زدنی کوتاهی نورزند و از عشق و شیفتگی تو ذره‌ای غفلت نکنند.

بارخدایا، درود بفرست بر اسرافیل، آن فرشتهٔ صاحب صور که چشم گشوده منتظر فرمان توست، تادر صورِ خود بدمدو خفتگان گور را برانگیزاند.

بارخدایا، درود بفرست بر میکائیل، آن فرشته‌ای که در نزد تواش مقامی ارجمند است و در فرمانبرداری تواش مکانتی رفیع.

بارخدایا، درود بفرست بر جبرئیل، آن فرشته‌ای که امین وحی توست و ساکنان آسمانهایت را مطاع است ودر آستان تواش مرتبتی عظیم است و خود مقرب درگاه توست.

و درود بفرست بر روح، آن فرشته‌ای که فرمانروایِ فرشتگان مأمور بر حجابهاست، و بر روح که از عالمِ امرِ توست.

برآنها درود بفرست و بر فرشتگانی که فروتر از آنهایند: آنان که

۱. از دعاهای آن حضرت است در درود بر حاملان عرش و هر ملک مقرب دیگر.





ساکنان آسمانهای تو اند و امینان رسالتهای تو. هرچه کوشش کنند، خستگی بر خود نبینند و هرچه تحمل رنج کنند، درماندگی و سستی نپذیرند. خواهشهای دل از تسبیح تو بازشان ندارد وسهوها و غفلتها از تعظیم تو رویگردانشان نسازد. از خشوع دیده برهم نهاده‌اند و یارای نگریستن در تو را ندارند. سر فرو داشته‌اند و رغبتشان به چیزهایی که در نزد توست بسیار است. همهٔ آزمندیشان یادِ نعیمِ توست و در برابر عظمت تو و جلالِ کبریای تو به تواضع سر به زیر افکنده‌اند. و چون به لهیب دوزخ تو بنگرند و نهیبش را برگنهکاران بشنوند، گویند که پروردگارا منزهی تو، تو را آنچنان که سزاوار پرستش توست نپرستیده‌ایم.

خداوندا، بر ایشان درود بفرست و بر ملائکهٔ رحمت خویش، و آنان که مقرب درگاه تو اند، و آنها که حاملانِ غیب به پیامبرانِ تو اند، و آنان که امینان وحیِ تو اند، و بر فرشتگانی که خاص خود گردانیده‌ای و به تقدیس خود از خوردن و آشامیدنشان بی‌نیاز ساخته‌ای و در درون طبقات آسمانهایت جای داده‌ای. و درود بفرست بر آن گروه از فرشتگان که در اطراف آسمانها ایستاده‌اند، آن هنگام که فرمان اتمام وعدهٔ خداوندی فرارسد.

درود بفرست بر خازنان باران و روان کنندگان ابرها که چون بر ابرها بانگ زنند، آواز تندرها به گوش رسد و چون ابرها از آن نهیب به راه افتند، آذرخشها از درونشان بدرخشد. و بر آن فرشتگان که دانه‌های برف و تگرگ را از پیِ می‌آیند و با هر قطره باران که فرو می‌شود، فرود می‌آیند. و بر آن فرشتگان که نگهبانان خزاین بادهایند و آنان که موکلانِ بر کوههایند تا فرو نریزند و آن فرشتگان که میزان و مقدار آبها و پیمانهٔ بارانها را به ایشان آموخته‌ای.

درود بفرست بر آن فرشتگان که رسولانِ تو به ساکنان زمینند: یا

بلایی ناخوش فرو می آورند یا آسایشی خوش. و آن سفیرانِ گرانقدر نیکوکار و آن بزرگواران که نویسنده و نگهدارندهٔ اعمال ما هستند. و درود بفرست بر فرشتهٔ مرگ و یارانش و نکیر و منکر و رومان[2] که آزمایندهٔ ساکنان گورهاست. و آن فرشتگان که بر گرد بیت المعمور[3] طواف می کنند. و بر مالك و خازنان دوزخ و بر رضوان و خادمان بهشت. و بر فرشتگانی که از فرمان خدای سر بر نمی تابند و هر چه فرمان یابند همان کنند.

درود فرست بر آن فرشتگان که به ما می گویند: «سلام بر شما به خاطر آن همه شکیبایی که ورزیده‌اید. سرای آخرت چه سرایی نیکوست.»[4]

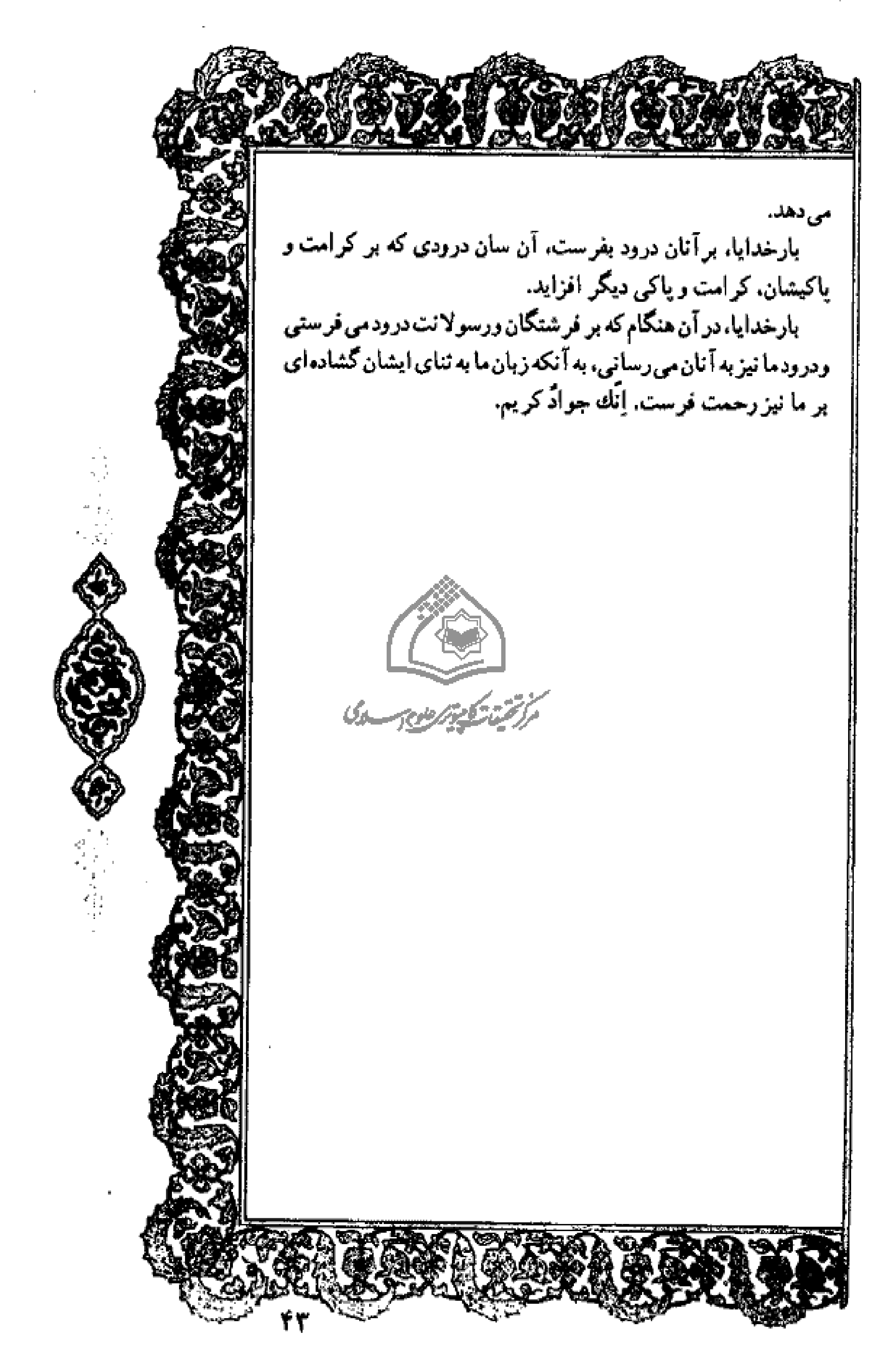
و درود فرست بر فرشتگان زَبانی[5] که چون فرمانشان رسد که «بگیریدش و در زنجیرش کشید و به دوزخش درافکنید»[6]، بی درنگ و بی آنکه مهلتش دهند، او را فرو گیرند.

و درود فرست بر فرشتگانی که نام آنها در وهمِ ما نگنجید و مقام و مرتبت آنها را در نزد تو ندانستیم و ندانستیم به چه کاری مأمورند.

و درود بفرست بر فرشتگانِ ساکن هوا و زمین و آب و آنها که بر آفریدگان گماشته‌اند.

بارخدایا، بر آنان درود بفرست در روزی که هرکس آید با او فرشته‌ای است که می راندش و فرشته‌ای است که بر اعمال او گواهی

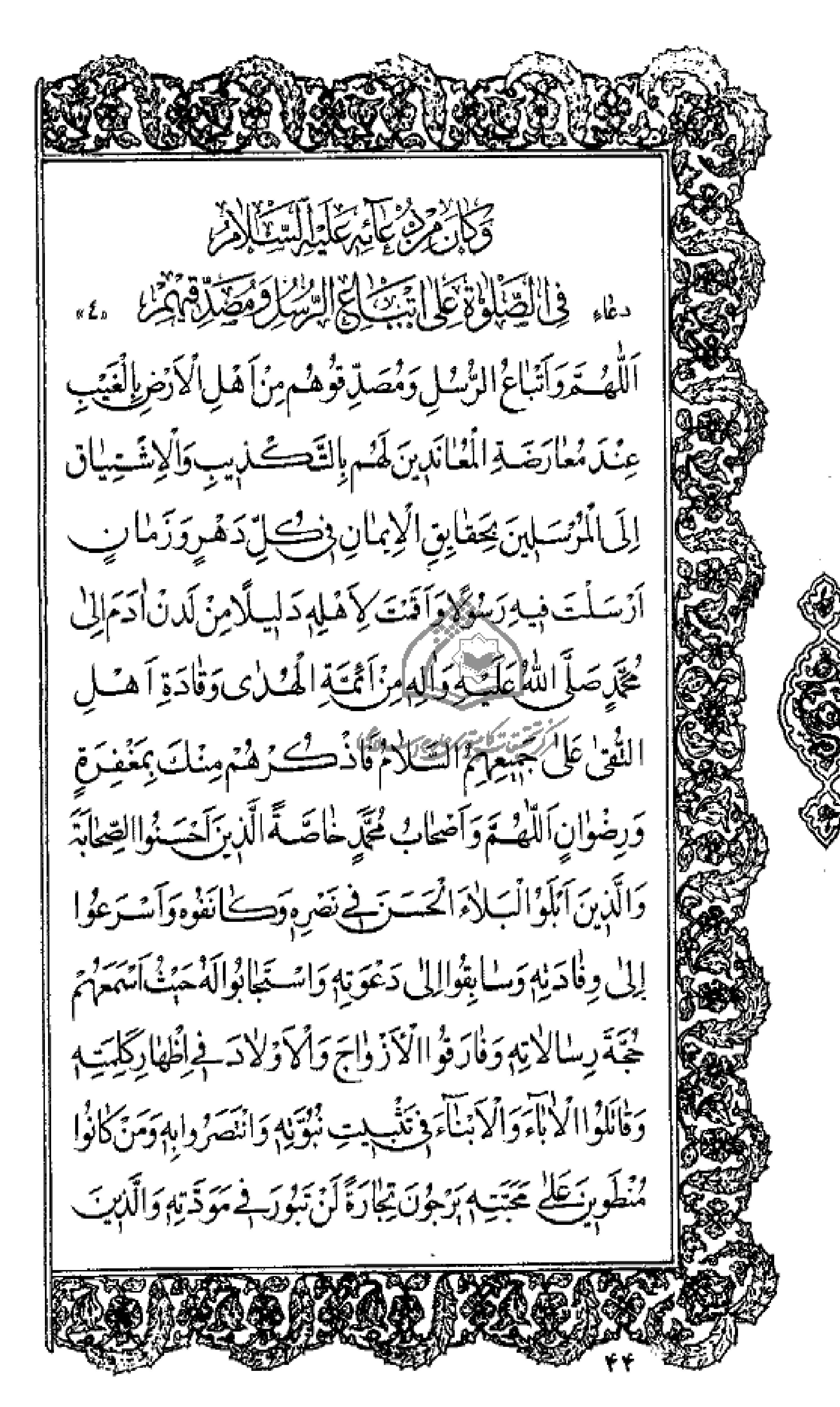
۲. رومان نام ملکی است که پیش از نکیر و منکر به قبر می آید و سخن می پرسد.
۳. بیت المعمور: خانهٔ آبادان. خانه‌ای است در آسمان ششم برابر کعبه که مطاف فرشتگان است.
۴. اشاره است به این آیه: سلامٌ علیکم بما صَبَرتم فَنِعْمَ عُقبی الدّار. (سورهٔ ۱۳/آیهٔ ۲۴)
۵. زبانیها فرشتگان عذابند.
۶. اشاره به آیه‌های «خذوه فغلّوه، ثم الجَحیم صَلّوه.» (سورهٔ ۶۹/آیه‌های ۳۰ و ۳۱)



می دهد.

بارخدایا، بر آنان درود بفرست، آن سان درودی که بر کرامت و پاکیشان، کرامت و پاکی دیگر افزاید.

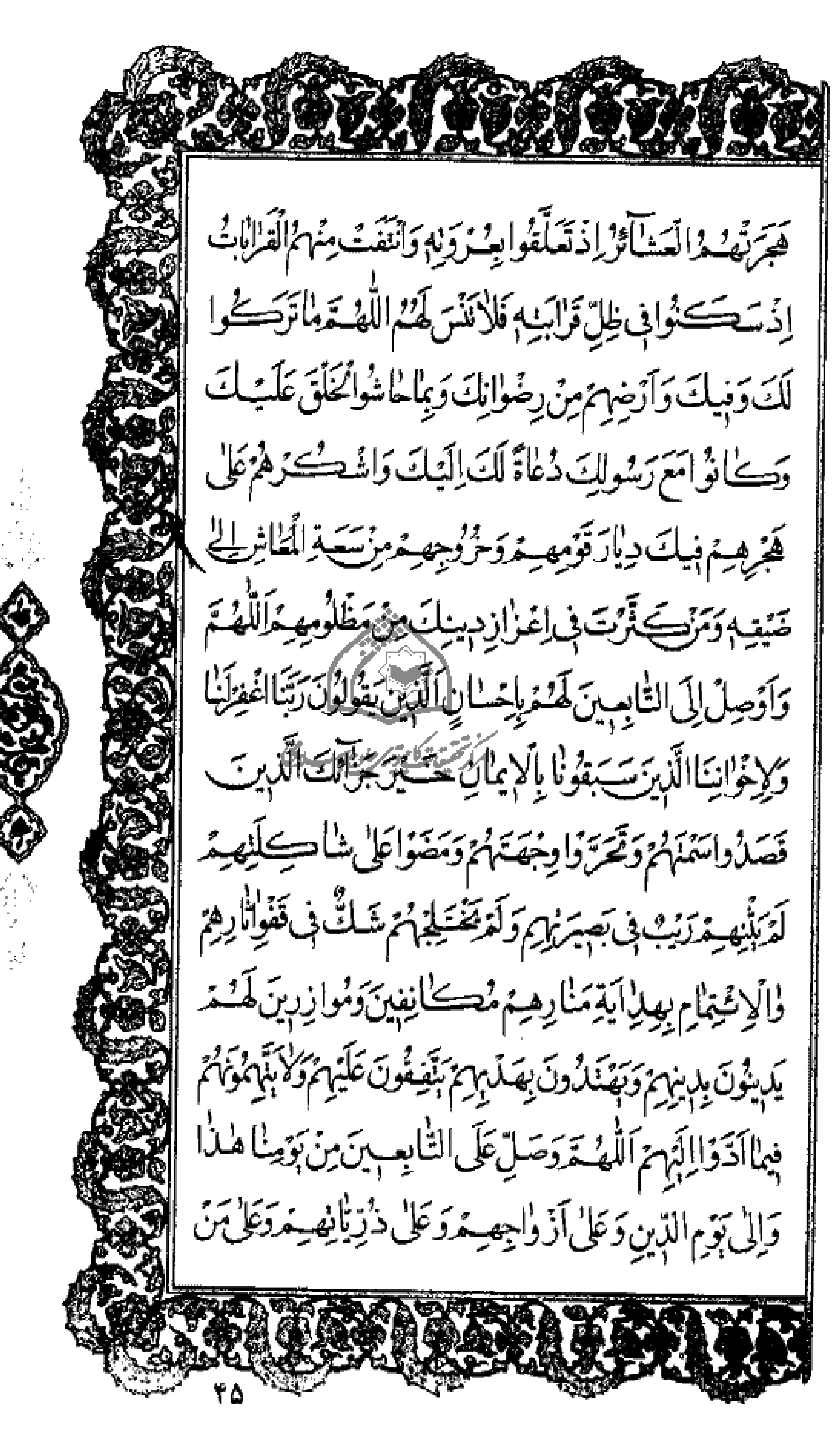
بارخدایا، در آن هنگام که بر فرشتگان و رسولانت درود می فرستی و درود ما نیز به آنان می رسانی، به آنکه زبان ما به ثنای ایشان گشاده‌ای بر ما نیز رحمت فرست. إنَّك جوادٌ کریم.



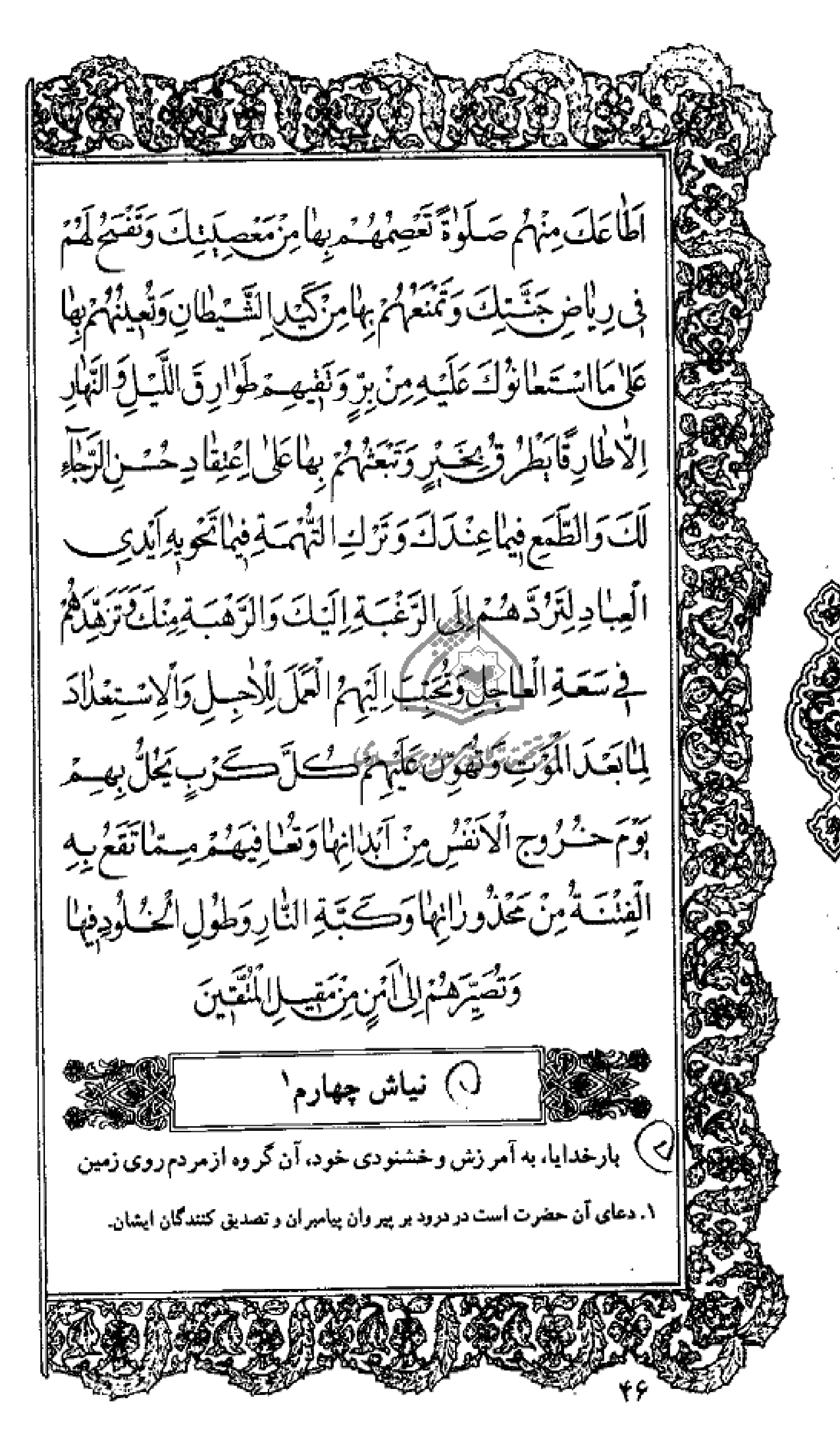
وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ

دعاء «٤» فِي الصَّلوٰةِ عَلىٰ أَتْبَاعِ الرُّسُلِ وَمُصَدِّقِيهِمْ

اَللّٰهُمَّ وَأَتْبَاعُ الرُّسُلِ وَمُصَدِّقُوهُمْ مِنْ أَهْلِ الْأَرْضِ بِالْغَيْبِ
عِنْدَ مُعَارَضَةِ الْمُعَانِدِينَ لَهُمْ بِالتَّكْذِيبِ وَالْاِشْتِيَاقِ
إِلَى الْمُرْسَلِينَ بِحَقَائِقِ الْإِيمَانِ فِي كُلِّ دَهْرٍ وَزَمَانٍ
أَرْسَلْتَ فِيهِ رَسُولاً وَأَقَمْتَ لِأَهْلِهِ دَلِيلاً مِنْ لَدُنْ آدَمَ إِلَىٰ
مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِنْ أَئِمَّةِ الْهُدَىٰ وَقَادَةِ أَهْلِ
التُّقَىٰ عَلَىٰ جَمِيعِهِمُ السَّلَامُ فَاذْكُرْهُمْ مِنْكَ بِمَغْفِرَةٍ
وَرِضْوَانٍ اَللّٰهُمَّ وَأَصْحَابُ مُحَمَّدٍ خَاصَّةً الَّذِينَ أَحْسَنُوا الصَّحَابَةَ
وَالَّذِينَ أَبْلَوُا الْبَلَاءَ الْحَسَنَ فِي نَصْرِهِ وَكَانَفُوهُ وَأَسْرَعُوا
إِلَىٰ وِفَادَتِهِ وَسَابَقُوا إِلَىٰ دَعْوَتِهِ وَاسْتَجَابُوا لَهُ حَيْثُ أَسْمَعَهُمْ
حُجَّةَ رِسَالَاتِهِ وَفَارَقُوا الْأَزْوَاجَ وَالْأَوْلَادَ فِي إِظْهَارِ كَلِمَتِهِ
وَقَاتَلُوا الْآبَاءَ وَالْأَبْنَاءَ فِي تَثْبِيتِ نُبُوَّتِهِ وَانْتَصَرُوا بِهِ وَمَنْ كَانُوا
مُنْطَوِينَ عَلَىٰ مَحَبَّتِهِ يَرْجُونَ تِجَارَةً لَنْ تَبُورَ فِي مَوَدَّتِهِ وَالَّذِينَ



هجرتهم العشائر إذ تعلقوا بعروته وانتفت منهم القرابات
إذ سكنوا في ظل قرابته فلا تنس لهم اللهم ما تركوا
لك وفيك وأرضهم من رضوانك وبما حاشوا الخلق عليك
وكانوا مع رسولك دعاة لك إليك واشكرهم على
هجرهم فيك ديار قومهم وخروجهم من سعة المعاش إلى
ضيقه ومن كثرت في إعزاز دينك من مظلومهم اللهم
وأوصل إلى التابعين لهم بإحسان الذين يقولون ربنا اغفر لنا
ولإخواننا الذين سبقونا بالإيمان خير جزائك الذين
قصدوا سمتهم وتحروا وجهتهم ومضوا على شاكلتهم
لم يثنهم ريب في بصيرتهم ولم يختلجهم شك في قفو آثارهم
والائتمام بهداية منارهم مكانفين وموازرين لهم
يدينون بدينهم ويهتدون بهديهم يتفقون عليهم ولا يتهمونهم
فيما أدوا إليهم اللهم وصل على التابعين من يومنا هذا
إلى يوم الدين وعلى أزواجهم وعلى ذرياتهم وعلى من



أَطَاعَكَ مِنْهُمْ صَلَوٰةً تَعْصِمُهُمْ بِهَا مِنْ مَعْصِيَتِكَ وَتَفْسَحُ لَهُمْ فِي رِيَاضِ جَنَّتِكَ وَتَمْنَعُهُمْ بِهَا مِنْ كَيْدِ الشَّيْطَانِ وَتُعِينُهُمْ بِهَا عَلَىٰ مَا اسْتَعَانُوكَ عَلَيْهِ مِنْ بِرٍّ وَتَقِيهِمْ طَوَارِقَ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ إِلَّا طَارِقاً يَطْرُقُ بِخَيْرٍ وَتَبْعَثُهُمْ بِهَا عَلَىٰ اعْتِقَادِ حُسْنِ الرَّجَاءِ لَكَ وَالطَّمَعِ فِيمَا عِنْدَكَ وَتَرْكِ التُّهَمَةِ فِيمَا تَحْوِيهِ أَيْدِي الْعِبَادِ لِتَرُدَّهُمْ إِلَى الرَّغْبَةِ إِلَيْكَ وَالرَّهْبَةِ مِنْكَ وَتُزَهِّدَهُمْ فِي سَعَةِ الْعَاجِلِ وَتُحَبِّبَ إِلَيْهِمُ الْعَمَلَ لِلْآجِلِ وَالِاسْتِعْدَادَ لِمَا بَعْدَ الْمَوْتِ وَتُهَوِّنَ عَلَيْهِمْ كُلَّ كَرْبٍ يَحُلُّ بِهِمْ يَوْمَ خُرُوجِ الْأَنْفُسِ مِنْ أَبْدَانِهَا وَتُعَافِيَهُمْ مِمَّا تَقَعُ بِهِ الْفِتْنَةُ مِنْ مَحْذُورَاتِهَا وَكَبَّةِ النَّارِ وَطُولِ الْخُلُودِ فِيهَا وَتُصَيِّرَهُمْ إِلَىٰ أَمْنٍ مِنْ مَقِيلِ الْمُتَّقِينَ

نیاش چهارم[1]

بارخدایا، به آمرزش و خشنودی خود، آن گروه از مردم روی زمین

۱. دعای آن حضرت است در درود بر پیروان پیامبران و تصدیق کنندگان ایشان.



را یاد کن که پیروان پیامبران بودند و نادیده به پیامبریشان گواهی دادند، به هنگامی که معاندان به دروغشان نسبت می دادند. آنان در هر زمان — از عهد آدم تا محمد صلی الله علیه و آله — که پیامبرانی مبعوث داشتی و راهنمایانی برانگیختی که پیشوایان هدایت بودند و سردارانِ اهل تقوی — بر آنان به تمامی سلام و درود باد — به پرتوِ حقایق ایمان شوقِ یاری رسولان داشتند.

بارخدایا، به آمرزش و خشنودی خود، اصحاب محمد را یاد کن، بویژه آنان که حق صحبتش نیکو ادا کردند و در نصرتش دلیریها نمودند و به یاری او برخاستند و به دیدار او شتافتند و اجابت دعوتش را بر یکدیگر پیشی گرفتند. چون حجت رسالت خویش به گوششان رسانید، پاسخ قبول دادند و از زن و فرزند خویش برای اظهار دعوت او بریدند و در تثبیت نبوتش با فرزندان و پدران خود پیکار کردند، تا به وجود او پیروز شدند.

بارخدایا، به آمرزش و خشنودی خود، آن کسان را یاد کن که محبت او در دل داشتند و در بازار مودت او به تجارتی امید بستند که در آن زیان و کساد راه نیابد. و آن کسان را که چون چنگ در ریسمان وَلای او زدند، خاندان و عشیرت از ایشان بگسست و چون در سایهٔ پیوند او آرمیدند، خویشان پیوند از ایشان ببریدند.

بارخدایا، آنچه را که آنان برای تو و در راه تو واگذاشتند فراموش منمای و به خشنودی خویش خشنودشان فرمای، زیرا که مردم را برای اعتلای دین تو گرد آوردند و همراه با رسول تو برای رواج آیین تو خلق را به سوی تو فراخواندند. و به سزای آنکه از شهر و دیار خود و از میان قوم خویش مهاجرت کردند و امن و راحت خود به عسرت و تنگی بدل کردند، پاداش نیکشان عطا فرمای. و نیز پاداش ده آن گروه از ستمدیدگان را که در راه نصرت دین خود بر شمارشان افزوده‌ای.

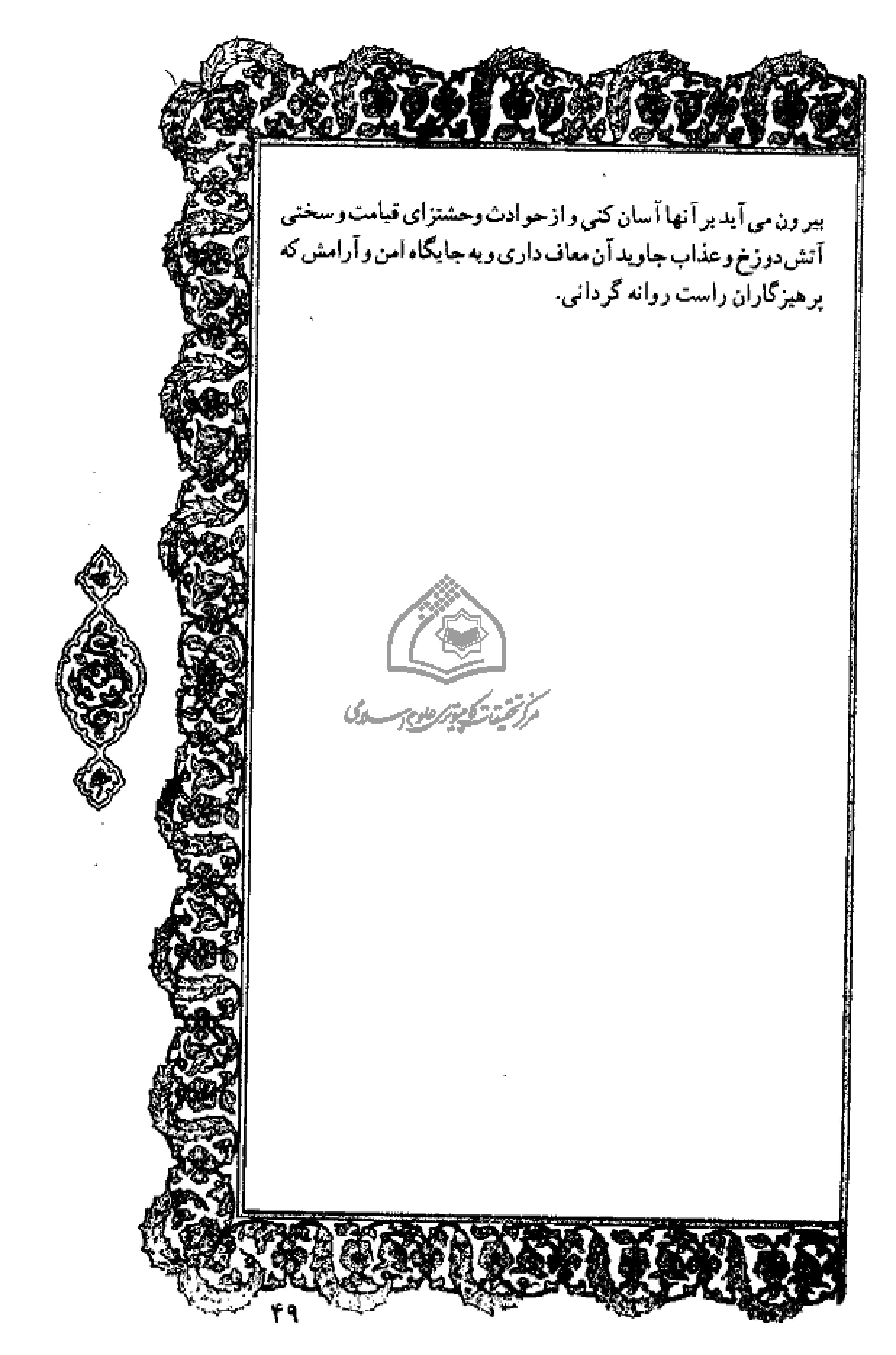
بارخدایا، تابعانِ اصحاب محمد را بهترین پاداش ارزانی دار؛ آنان که به نیکی در پی اصحاب رفتند و می گویند: «پروردگار ما، ما را و برادران ما را که در ایمان بر ما پیشی گرفتند بیامرز.»[۲] آنها به جانب ایشان آهنگ کردند و مقصد و مقصود آنان جستند و به شیوهٔ آنان رفتند و دردلشان شائبهٔ تردید پدید نیامد تا از راهشان منحرف سازد یا در پیروی آثار ایشان خلل آوَرَد و از اقتدا به فروغ تابناک هدایتشان بازدارد، بلکه همواره پشتیبان و یاور آنان باشند، آیینِ ایشان را پیروی کنند و به فروغ هدایتشان راه جویند و همرأی و همپیمانشان بُوَند و آنچه از ایشان بشنوند به دروغ نسبت نکنند.

بار خدایا، بر تابعان و زنان و فرزندانشان و هر که از ایشان مطیع فرمان تو باشد، از امروز تا روز بازپسین درود بفرست؛ درودی که به برکت آن، ایشان را از نافرمانی خود بازداری و باغهای بهشت به رویشان گشاده گردانی و از کید شیطانشان نگهداری.

و چون در کاری نیک از تو مدد خواهند، یاریشان کنی و ازحوادث روزان و شبان ــ مگر آنچه خیرشان در آن باشد ــ حفظ کنی و امید به لطف و کَرَم خویش در دل آنان پدید آوری و چنان کنی که به آنچه در نزد توست آزمند گردند و درآنچه دیگر بندگان در دست دارند تهمت روا ندارند. تا آنان را چنان بازگردانی که به سوی تو بگروند و از تو بیم کنند، و به فراخیها و خواسته‌های این جهانِ زودگذر بی میلشان کنی و شوق عمل برای ثواب آن جهانی وآمادگی برای پس از مرگ را در دلشان اندازی و سختی و تلخکامی روزی را که جانها از بدنهاشان

۲. اشاره است به این آیه: والذین جاؤا مِنْ بَعْدِهم، یقولون ربّنا اغفرلنا ولاخواننا الذین سبقونا بالایمان ولاتجعل فی قلوبنا غِلّاً للذین آمنوا، ربّنا انك رؤوفٌ رحیم. (سورهٔ ۵۹/آیهٔ ۱۰)





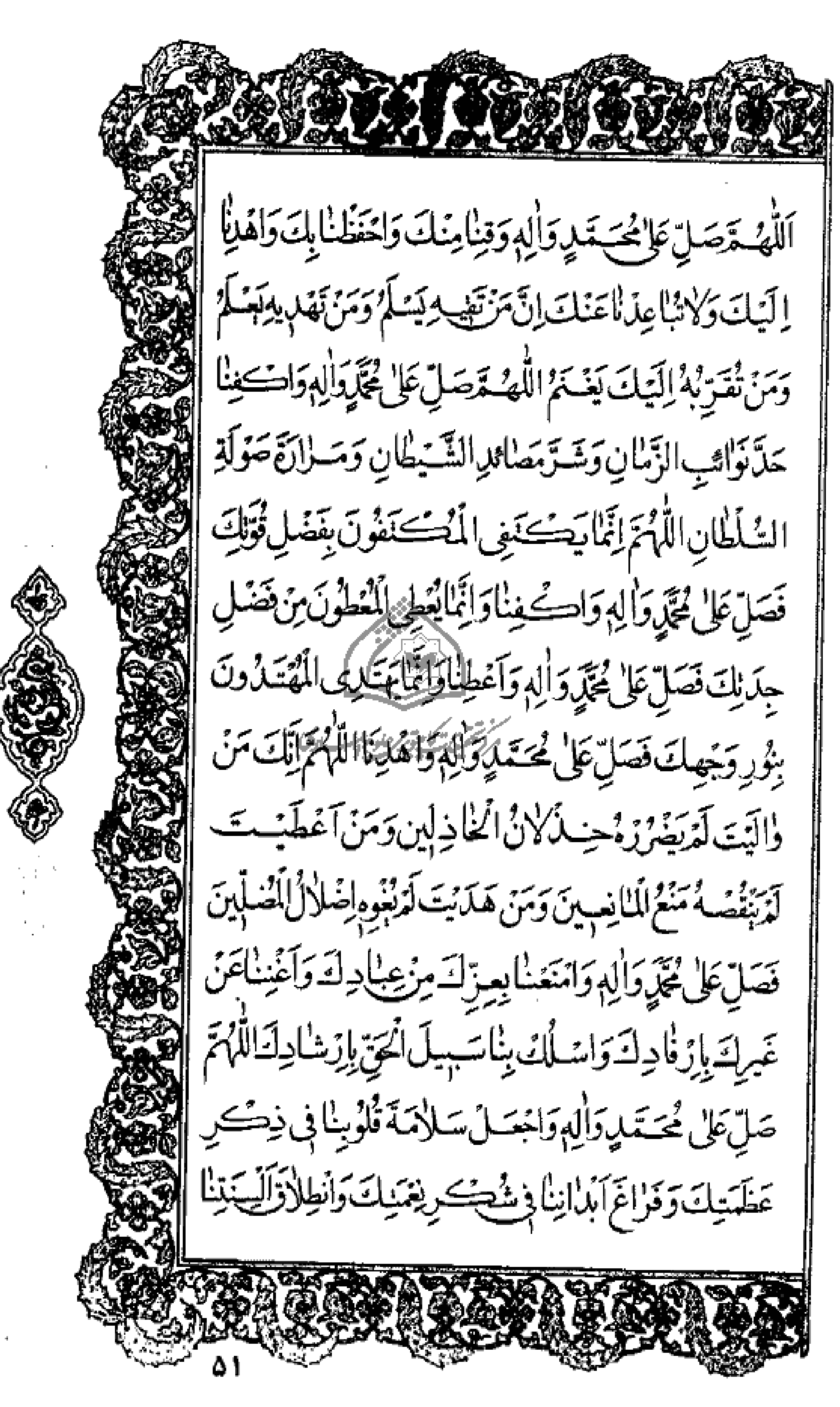
بیرون می آید بر آنها آسان کنی و از حوادث وحشتزای قیامت و سختی آتش دوزخ و عذاب جاوید آن معاف داری و به جایگاه امن و آرامش که پرهیزگاران راست روانه گردانی.

وكان من دعائه عليه السلام
لنفسه وأهل ولايته

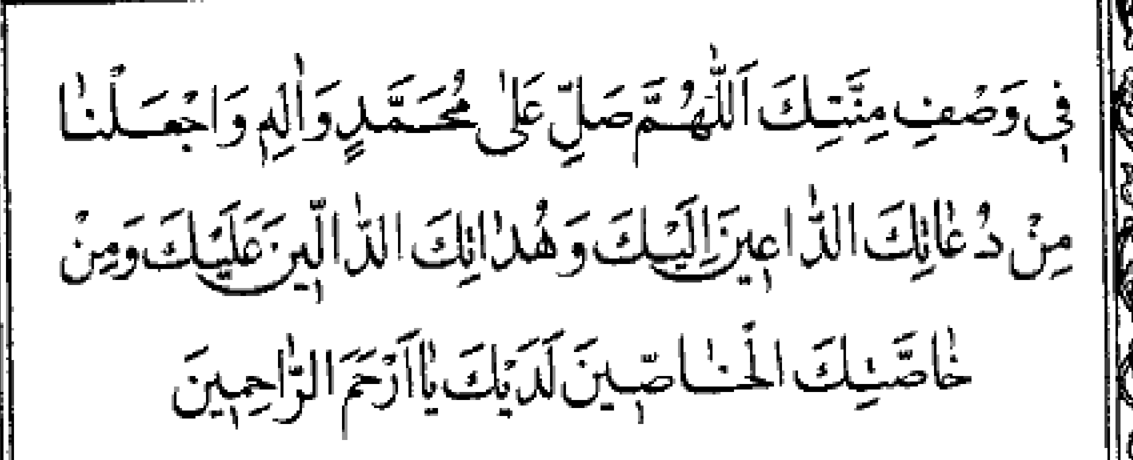
دعاء ۵

يا من لا تنقضي عجائب عظمته صل على محمد وآله واحجبنا
عن الإلحاد في عظمتك ويا من لا تنتهي مدة ملكه صل
على محمد وآله وأعتق رقابنا من نقمتك ويا من لا تفنى خزائن
رحمته صل على محمد وآله واجعل لنا نصيبا في رحمتك ويا من
تنقطع دون رؤيته الأبصار صل على محمد وآله وأدننا إلى
قربك ويا من تصغر عند خطره الأخطار صل على محمد و
آله وكرمنا عليك ويا من تظهر عنده بواطن الأخبار
صل على محمد وآله ولا تفضحنا لديك اللهم أغننا عن هبة
الوهابين بهبتك واكفنا وحشة القاطعين بصلتك حتى
لا نرغب إلى أحد مع بذلك ولا نستوحش من أحد مع
فضلك اللهم فصل على محمد وآله وكد لنا ولا تكد
علينا وامكر لنا ولا تمكر بنا وأدل لنا ولا تدل منا





اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَقِنا مِنْكَ وَاحْفَظْنا بِكَ وَاهْدِنا
إِلَيْكَ وَلا تُباعِدْنا عَنْكَ إِنَّ مَنْ تَقِهِ يَسْلَمْ وَمَنْ تَهْدِهِ يَعْلَمْ
وَمَنْ تُقَرِّبْهُ إِلَيْكَ يَغْنَمْ اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاكْفِنا
حَدَّ نَوائِبِ الزَّمانِ وَشَرَّ مَصائِدِ الشَّيْطانِ وَمَرارَةَ صَوْلَةِ
السُّلْطانِ اللّهُمَّ إِنَّما يَكْتَفِي الْمُكْتَفُونَ بِفَضْلِ قُوَّتِكَ
فَصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاكْفِنا وَإِنَّما يُعْطِي الْمُعْطُونَ مِنْ فَضْلِ
جِدَتِكَ فَصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَعْطِنا وَإِنَّما يَهْتَدِي الْمُهْتَدُونَ
بِنُورِ وَجْهِكَ فَصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاهْدِنا اللّهُمَّ إِنَّكَ مَنْ
والَيْتَ لَمْ يَضْرُرْهُ خِذْلانُ الْخاذِلِينَ وَمَنْ أَعْطَيْتَ
لَمْ يَنْقُصْهُ مَنْعُ الْمانِعِينَ وَمَنْ هَدَيْتَ لَمْ يُغْوِهِ إِضْلالُ الْمُضِلِّينَ
فَصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَامْنَعْنا بِعِزِّكَ مِنْ عِبادِكَ وَأَغْنِنا عَنْ
غَيْرِكَ بِإِرْفادِكَ وَاسْلُكْ بِنا سَبِيلَ الْحَقِّ بِإِرْشادِكَ اللّهُمَّ
صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْعَلْ سَلامَةَ قُلُوبِنا فِي ذِكْرِ
عَظَمَتِكَ وَفَراغَ أَبْدانِنا فِي شُكْرِ نِعْمَتِكَ وَانْطِلاقَ أَلْسِنَتِنا



نیایش پنجم[1]

ای خداوندی که عجایب عظمت تو پایان نپذیرد، درود بفرست بر محمد و خاندانش و ما را ازسرگرایی در برابر عظمت خود بازدار.

ای خداوندی که زمان فرمانروایت را نهایتی نیست، درود بفرست بر محمد و خاندانش و ما را از مکافات عقوبت خویش رهایی بخش.

ای خداوندی که خزاین رحمتت فنا نشود، درود بفرست بر محمد و خاندانش و ما را از رحمت خویش نصیبی ده.

ای خداوندی که دیدگان از دیدارت فرومانند، درود بفرست بر محمد و خاندانش و ما را به مقام قرب خود نزدیك ساز.

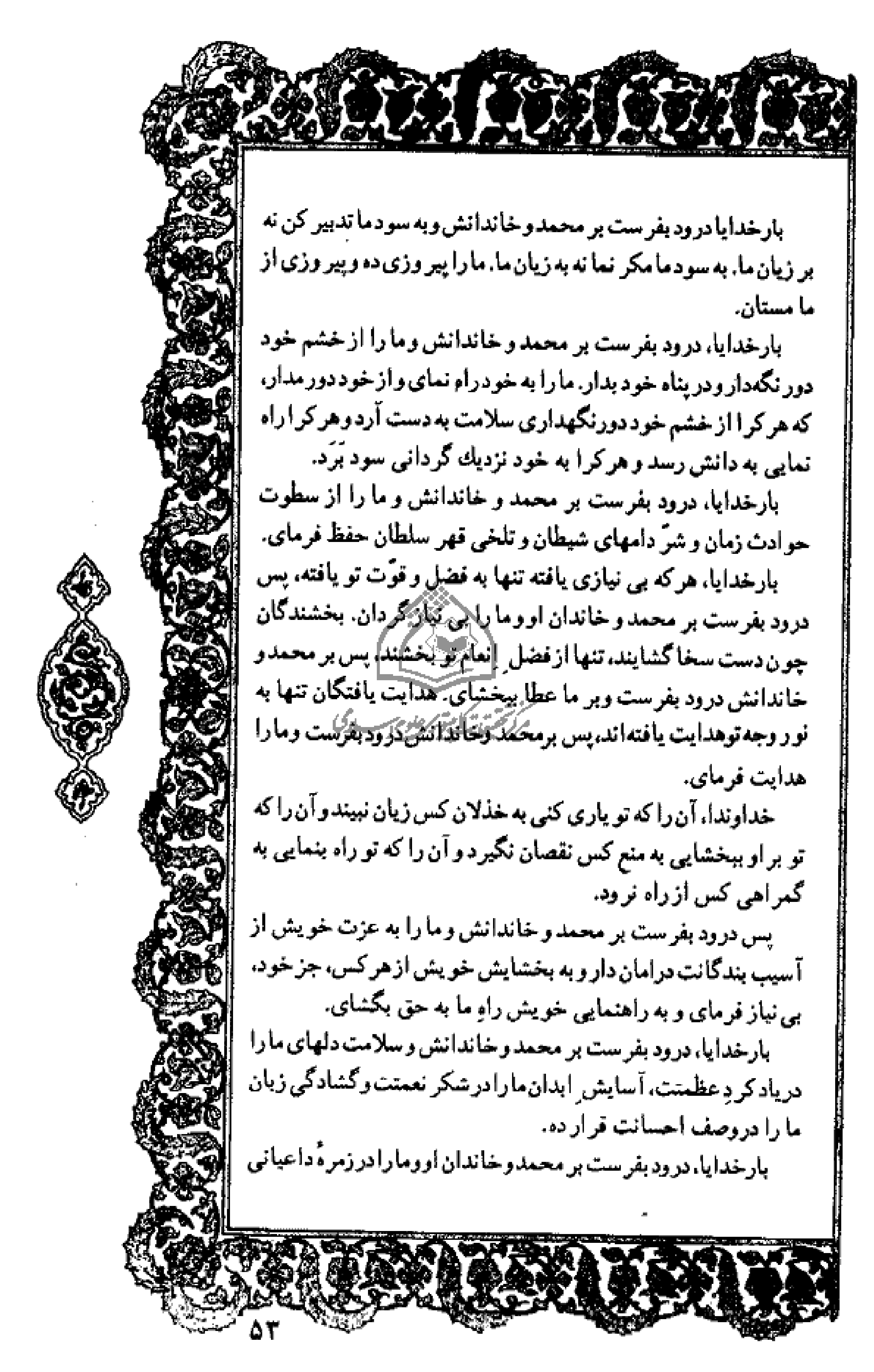
ای خداوندی که در برابر عظمت تو هر عظمتی حقیر نماید، درود بفرست بر محمد و خاندانش و ما را درنزد خود گرامی بدار.

ای خداوندی که هر نهانی پیش تو آشکار است، درود بفرست بر محمد و خاندانش و ما را در پیشگاه خود رسوا مگردان.

خداوندا، ما را به عطای خویش از عطای هر بخشنده‌ای بی نیاز گردان. به پیوندخویش وحشتِ تنهایی ازما دوربدارتا به بخشش تو به کس جز تو نگراییم و در پناه جود و احسان تو از کس نهراسیم.



۱. دعای آن حضرت است در حق خود و دوستانش.



بارخدایا درود بفرست بر محمد و خاندانش و به سود ما تدبیر کن نه بر زیان ما. به سود ما مکر نما نه به زیان ما. ما را پیروزی ده و پیروزی از ما مستان.

بارخدایا، درود بفرست بر محمد و خاندانش و ما را از خشم خود دور نگه‌دار و در پناه خود بدار. ما را به خود راه نمای و از خود دور مدار، که هر کرا از خشم خود دور نگهداری سلامت به دست آرد و هر کرا راه نمایی به دانش رسد و هر کرا به خود نزدیك گردانی سود بَرَد.

بارخدایا، درود بفرست بر محمد و خاندانش و ما را از سطوت حوادث زمان و شرّ دامهای شیطان و تلخی قهر سلطان حفظ فرمای.

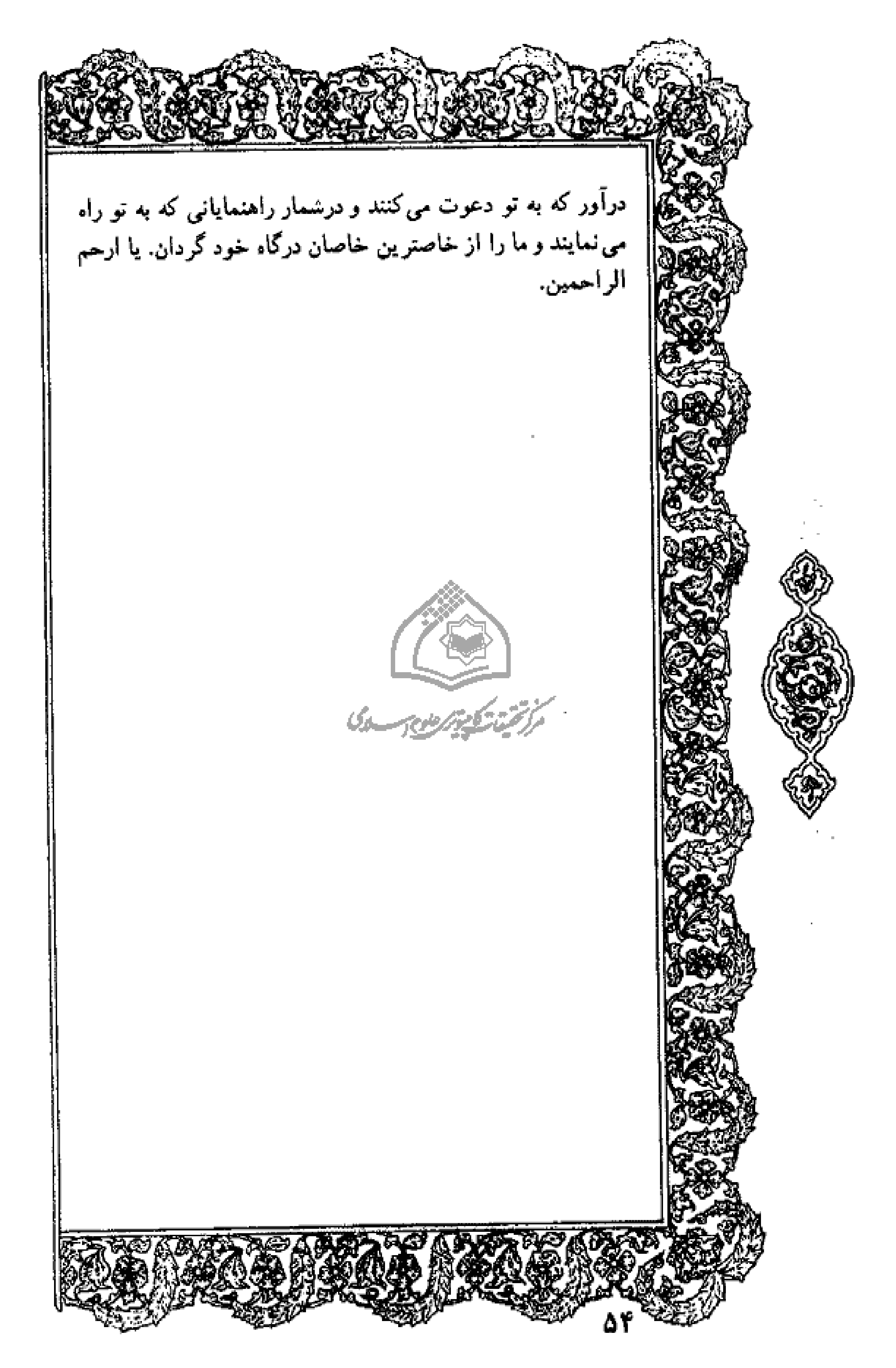
بارخدایا، هرکه بی نیازی یافته تنها به فضل و قوّت تو یافته، پس درود بفرست بر محمد و خاندان او و ما را بی نیاز گردان. بخشندگان چون دست سخا گشایند، تنها از فضلِ إنعام تو بخشند، پس بر محمد و خاندانش درود بفرست و بر ما عطا ببخشای. هدایت یافتگان تنها به نور وجه تو هدایت یافته‌اند، پس برمحمد و خاندانش درود بفرست و ما را هدایت فرمای.

خداوندا، آن را که تو یاری کنی به خذلان کس زیان نبیند و آن را که تو بر او ببخشایی به منع کس نقصان نگیرد و آن را که تو راه بنمایی به گمراهی کس از راه نرود.

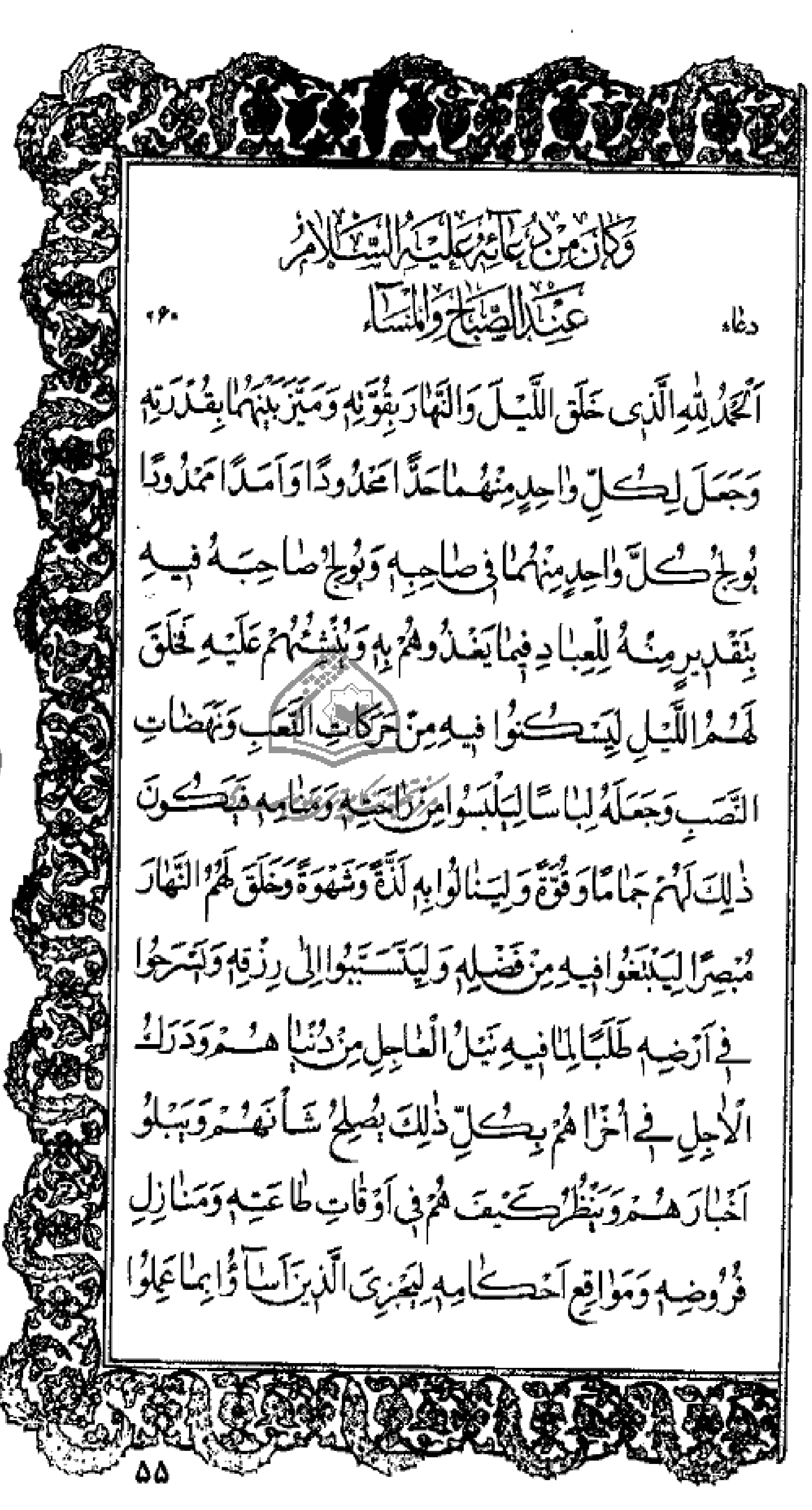
پس درود بفرست بر محمد و خاندانش و ما را به عزت خویش از آسیب بندگانت در امان دار و به بخشایش خویش از هر کس، جز خود، بی نیاز فرمای و به راهنمایی خویش راهِ ما به حق بگشای.

بارخدایا، درود بفرست بر محمد و خاندانش و سلامت دلهای ما را در یاد کردِ عظمت، آسایشِ ابدان ما را در شکر نعمت و گشادگی زبان ما را در وصف احسانت قرار ده.

بارخدایا، درود بفرست بر محمد و خاندان او و ما را در زمرهٔ داعیانی



درآور که به تو دعوت می‌کنند و درشمار راهنمایانی که به تو راه می‌نمایند و ما را از خاصترین خاصان درگاه خود گردان. یا ارحم الراحمین.



وَكانَ مِنْ دُعائِهِ عَلَيْهِ السَّلامُ
عِنْدَ الصَّباحِ وَالْمَساءِ

دعاء ٦

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذى خَلَقَ اللَّيْلَ وَالنَّهارَ بِقُوَّتِهِ وَمَيَّزَ بَيْنَهُما بِقُدْرَتِهِ
وَجَعَلَ لِكُلِّ واحِدٍ مِنْهُما حَدّاً مَحْدُوداً وَاَمَداً مَمْدُوداً
يُولِجُ كُلَّ واحِدٍ مِنْهُما فى صاحِبِهِ وَيُولِجُ صاحِبَهُ فيهِ
بِتَقْديرٍ مِنْهُ لِلْعِبادِ فيما يَغْذُوهُمْ بِهِ وَيُنْشِئُهُمْ عَلَيْهِ فَخَلَقَ
لَهُمُ اللَّيْلَ لِيَسْكُنُوا فيهِ مِنْ حَرَكاتِ التَّعَبِ وَنَهَضاتِ
النَّصَبِ وَجَعَلَهُ لِباساً لِيَلْبَسُوا مِنْ راحَتِهِ وَمَنامِهِ فَيَكُونَ
ذٰلِكَ لَهُمْ جَماماً وَقُوَّةً وَلِيَنالُوا بِهِ لَذَّةً وَشَهْوَةً وَخَلَقَ لَهُمُ النَّهارَ
مُبْصِراً لِيَبْتَغُوا فيهِ مِنْ فَضْلِهِ وَلِيَتَسَبَّبُوا اِلىٰ رِزْقِهِ وَيَسْرَحُوا
فى اَرْضِهِ طَلَباً لِما فيهِ نَيْلُ الْعاجِلِ مِنْ دُنْياهُمْ وَدَرَكُ
الْاٰجِلِ فى اُخْراهُمْ بِكُلِّ ذٰلِكَ يُصْلِحُ شَأْنَهُمْ وَيَبْلُو
اَخْبارَهُمْ وَيَنْظُرُ كَيْفَ هُمْ فى اَوْقاتِ طاعَتِهِ وَمَنازِلِ
فُرُوضِهِ وَمَواقِعِ اَحْكامِهِ لِيَجْزِىَ الَّذينَ اَساۤؤُا بِما عَمِلُوا

وَ يَجْزِيَ الَّذِينَ اَحْسَنُوا بِالْحُسْنَى اَللّٰهُمَّ فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا

فَلَقْتَ لَنَا مِنَ الْإِصْبَاحِ وَمَتَّعْتَنَا بِهِ مِنْ ضَوْءِ النَّهَارِ وَبَصَّرْتَنَا

مِنْ مَطَالِبِ الْأَقْوَاتِ وَوَقَيْتَنَا فِيهِ مِنْ طَوَارِقِ الْآفَاتِ

أَصْبَحْنَا وَأَصْبَحَتِ الْأَشْيَاءُ كُلُّهَا بِجُمْلَتِهَا لَكَ سَمَاؤُهَا

وَأَرْضُهَا وَمَا بَثَثْتَ فِي كُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا سَاكِنُهُ وَ

مُتَحَرِّكُهُ وَمُقِيمُهُ وَشَاخِصُهُ وَمَا عَلَا فِي الْهَوَاءِ وَمَا كَنَّ

تَحْتَ الثَّرَى أَصْبَحْنَا فِي قَبْضَتِكَ يَحْوِينَا مُلْكُكَ وَسُلْطَانُكَ

وَتَضُمُّنَا مَشِيَّتُكَ وَنَتَصَرَّفُ عَنْ أَمْرِكَ وَنَتَقَلَّبُ فِي تَدْبِيرِكَ

لَيْسَ لَنَا مِنَ الْأَمْرِ إِلَّا مَا قَضَيْتَ وَلَا مِنَ الْخَيْرِ إِلَّا مَا أَعْطَيْتَ

وَهٰذَا يَوْمٌ حَادِثٌ جَدِيدٌ وَهُوَ عَلَيْنَا شَاهِدٌ عَتِيدٌ إِنْ أَحْسَنَّا

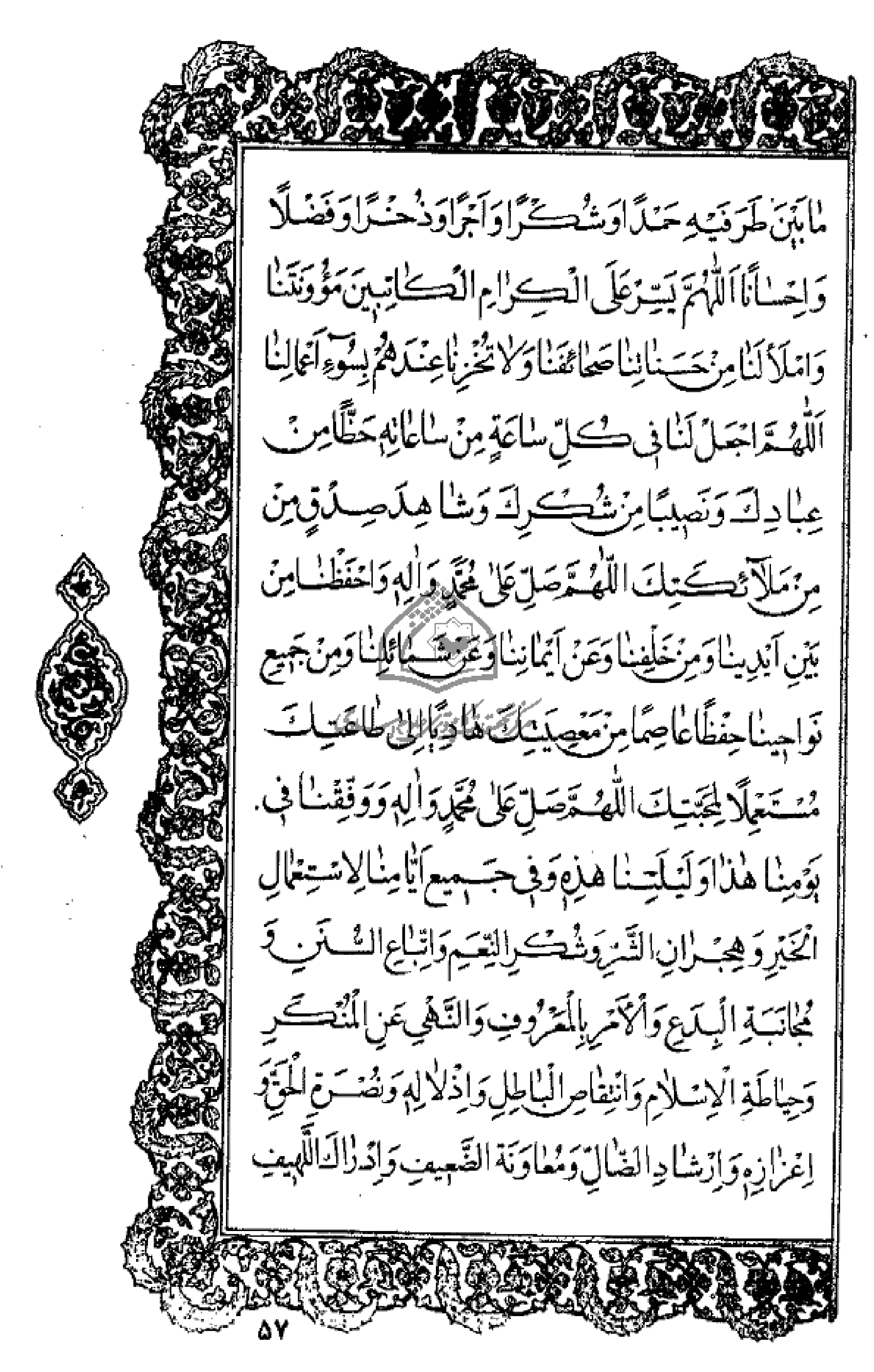
وَدَّعَنَا بِحَمْدٍ وَإِنْ أَسَأْنَا فَارَقَنَا بِذَمٍّ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

وَارْزُقْنَا حُسْنَ مُصَاحَبَتِهِ وَاعْصِمْنَا مِنْ سُوءِ مُفَارَقَتِهِ

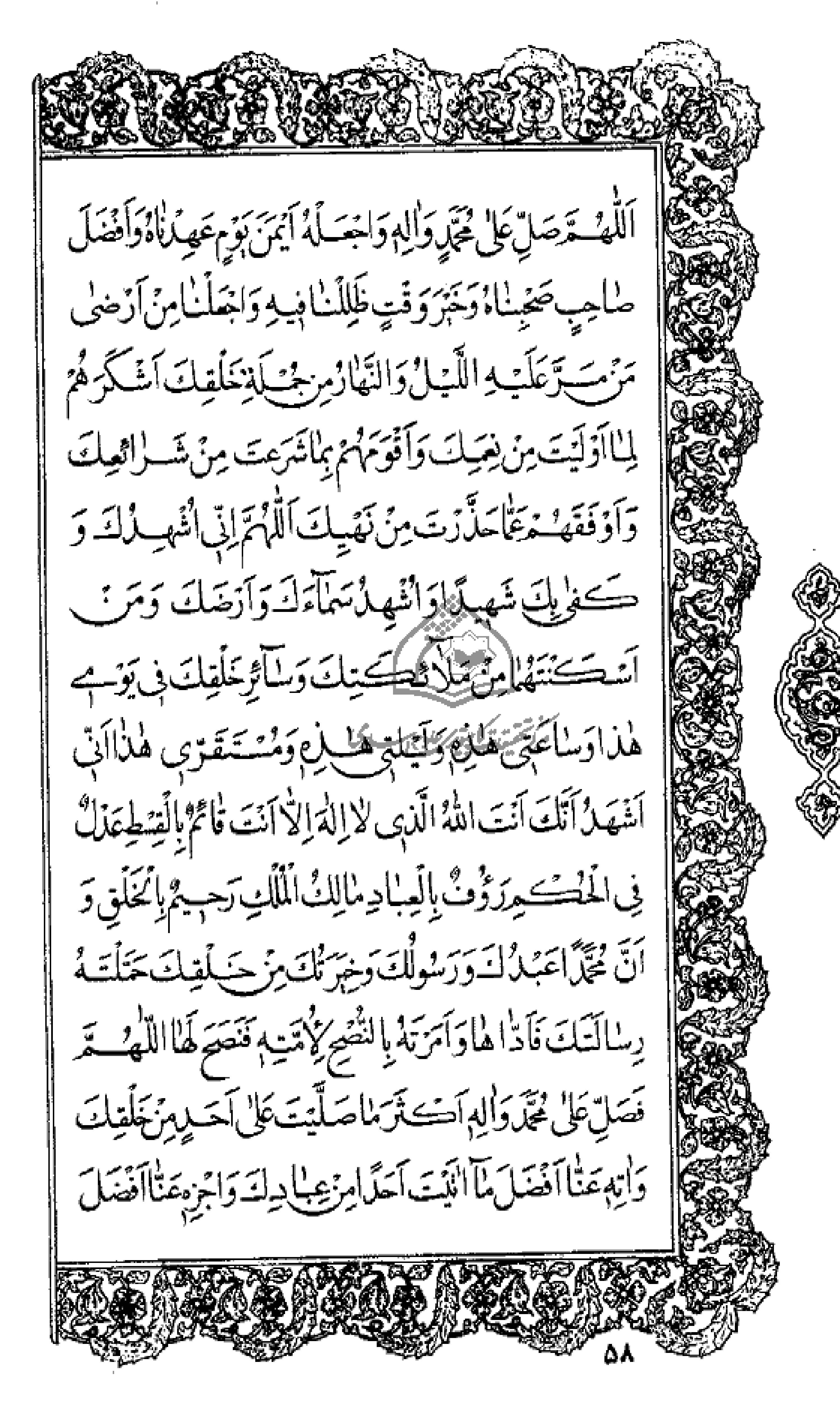
بِارْتِكَابِ جَرِيرَةٍ أَوِ اقْتِرَافِ صَغِيرَةٍ أَوْ كَبِيرَةٍ وَأَجْزِلْ

لَنَا فِيهِ الْحَسَنَاتِ وَأَخْلِنَا فِيهِ مِنَ السَّيِّئَاتِ وَامْلَأْ لَنَا

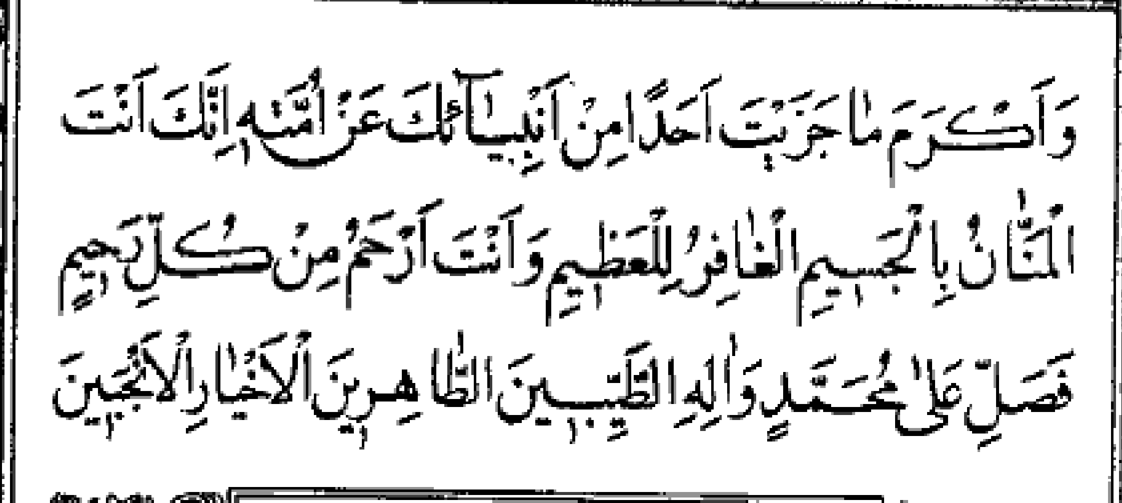




مَا بَيْنَ طَرَفَيْهِ حَمْداً وَشُكْراً وَأَجْراً وَذُخْراً وَفَضْلاً
وَإِحْسَاناً اللّٰهُمَّ يَسِّرْ عَلَى الْكِرَامِ الْكَاتِبِينَ مَؤُونَتَنَا
وَامْلَأْ لَنَا مِنْ حَسَنَاتِنَا صَحَائِفَنَا وَلَا تُخْزِنَا عِنْدَهُمْ بِسُوءِ أَعْمَالِنَا
اللّٰهُمَّ اجْعَلْ لَنَا فِي كُلِّ سَاعَةٍ مِنْ سَاعَاتِهِ حَظّاً مِنْ
عِبَادِكَ وَنَصِيباً مِنْ شُكْرِكَ وَشَاهِدَ صِدْقٍ مِنْ
مِنْ مَلَائِكَتِكَ اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاحْفَظْنَا مِنْ
بَيْنِ أَيْدِينَا وَمِنْ خَلْفِنَا وَعَنْ أَيْمَانِنَا وَعَنْ شَمَائِلِنَا وَمِنْ جَمِيعِ
نَوَاحِينَا حِفْظاً عَاصِماً مِنْ مَعْصِيَتِكَ هَادِياً إِلَى طَاعَتِكَ
مُسْتَعْمِلاً لِمَحَبَّتِكَ اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَوَفِّقْنَا فِي
يَوْمِنَا هٰذَا وَلَيْلَتِنَا هٰذِهِ وَفِي جَمِيعِ أَيَّامِنَا لِاسْتِعْمَالِ
الْخَيْرِ وَهِجْرَانِ الشَّرِّ وَشُكْرِ النِّعَمِ وَاتِّبَاعِ السُّنَنِ وَ
مُجَانَبَةِ الْبِدَعِ وَالْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ
وَحِيَاطَةِ الْإِسْلَامِ وَانْتِقَاصِ الْبَاطِلِ وَإِذْلَالِهِ وَنُصْرَةِ الْحَقِّ وَ
إِعْزَازِهِ وَإِرْشَادِ الضَّالِّ وَمُعَاوَنَةِ الضَّعِيفِ وَإِدْرَاكِ اللَّهِيفِ



اللهم صل على محمد وآله واجعله أيمن يوم عهدناه وأفضل
صاحب صحبناه وخير وقت ظللنا فيه واجعلنا من أرضى
من مر عليه الليل والنهار من جملة خلقك أشكرهم
لما أوليت من نعمك وأقومهم بما شرعت من شرائعك
وأوقفهم عما حذرت من نهيك اللهم إني أشهدك و
كفى بك شهيدا وأشهد سماءك وأرضك ومن
أسكنتهما من ملائكتك وسائر خلقك في يومي
هذا وساعتي هذه وليلتي هذه ومستقري هذا أني
أشهد أنك أنت الله الذي لا إله إلا أنت قائم بالقسط عدل
في الحكم رؤوف بالعباد مالك الملك رحيم بالخلق و
أن محمدا عبدك ورسولك وخيرتك من خلقك حملته
رسالتك فأداها وأمرته بالنصح لأمته فنصح لها اللهم
فصل على محمد وآله أكثر ما صليت على أحد من خلقك
وآته عنا أفضل ما آتيت أحدا من عبادك واجزه عنا أفضل



نیایش ششم[1]

حمد و سپاس خداوندی را که به قوّت خود شب و روز را بیافرید و به قدرت خویش آن دو را از یکدیگر فرق نهاد و هر یک را حدّی محدود و زمانی معیّن قرار داد. به تقدیر خویش از یکی می کاهد و بر دیگری می افزاید و بر یکی می افزاید و از دیگری می کاهد، تا بندگانش را توان به دست آوردن قوت باشد و امکان پرورش. شب را بیافرید تا بندگانش در آن از رنج و تلاش بیاسایند و آن را به منزلهٔ پوششی گردانید تا در آن به خواب راحت روند: تنشان بدان آسوده شود و نیرو گیرد و خود به لذّت و کامیابی رسند. روز را بیافرید تا در روشنایی آن به طلب فضل و نعمت خداوندی پردازند و رزق او را فراچنگ آرند و در زمین خدا به سیر و سفر روند، تا هم از نِعَم این جهان عاجل برخوردار شوند و هم در آن جهان به سعادت آجل رسند. به همهٔ اینها کارشان به صلاح می آورَد و از کردارهایشان آگاه می شود و می نگرد که در اوقات فرمانبرداری اش چگونه اند و اعمال واجب چسان به جای می آورند و احکام او چسان مجری می دارند، تا بدکاران را به کیفر بد رساند و نیکوکاران را پاداش نیک دهد.

۱. دعای آن حضرت است به هنگام پگاه و شامگاه.



بارخدایا، حمد و سپاس تو را که پرتو بامدادی آشکار ساختی و ما را از فروغ روز بهره‌مند گردانیدی و جایهایی را که روزیِ خود از آنجا فراچنگ می آوریم به ما نمودی و از پیشامدهای آفات در امان داشتی.
ما و همهٔ چیزها جملگی صبح کردیم و همه از آنِ تو ایم: از آسمان و زمین و هرچه در آن دو نهاده‌ای از آرمیده و جنبنده و ایستاده و رونده و هرچه بر هواست و هرچه درون زمین است. صبح کردیم و همه در قبضهٔ قدرت تو ایم، در چنبرِ ملك و سلطهٔ تو ایم، مشیّت تو ما را در برگرفته و هرچه کنیم به مشیّت تو کنیم و به هر حال که باشیم بستهٔ تدبیر تو باشیم. ما را کاری نیست جز آنچه تو ما را مقرر داشته‌ای و ما را بهره‌ای نیست جز آنچه تو ما را عطا کرده‌ای. این بامدادی است نودمیده و روزی است تازه فرارسیده. بر اعمال ما گواه است. اگر نیکی کنیم، ما را وداع کند به ستایش و اگر بدی کنیم، از ما جدا شود به نکوهش.
بارخدایا، بر محمد و خاندانش درود بفرست و روزیِ ما چنان کن که این روز را مصاحبی شایسته باشیم و ما را از آن نگه‌دار که ترکش گوییم در حالی که مرتکب گناهی کوچك یا بزرگ شده باشیم.
خداوندا، ما را در این روز از حسنات پاداشی جزیل عنایت کن و از سیئات دور بدار. بامداد و شامگاهش را برای ما پر از سپاس و ستایش و پاداش و ثواب و بخشش و نیکی گردان.
بارخدایا، چنان کن که فرشتگانی که اعمال ما را می نویسند از نوشتن اعمال بد ما در رنج نیفتند. نامه‌های عمل ما را از حسنات پر ساز و ما را به اعمال ناپسندمان در نزد آنان خوار مگردان.
بارخدایا، در هر ساعت از ساعتهای روز، از سوی بندگانت برای ما حظی قرار ده و از سپاسگزاری نصیبی و از فرشتگانت گواه راستینی.
بارخدایا، بر محمد و خاندانش درود بفرست و ما را از پیش رو و پشت سر و جانب راست و جانب چپ و از هر طرف حفاظت فرمای، آن





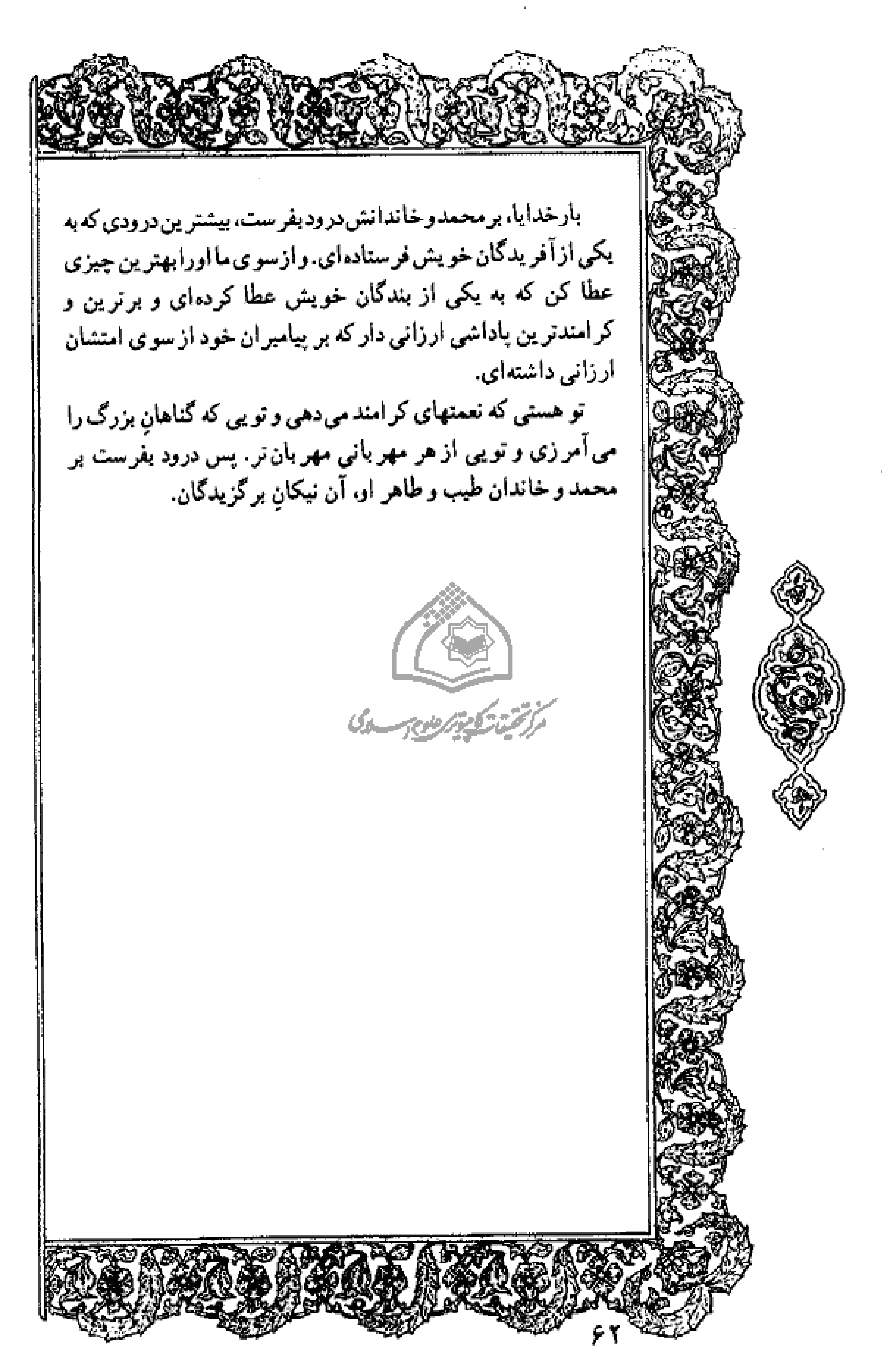
سان که از معصیت تو در امان مانیم و به اطاعت تو راه یابیم و هرچه کنیم در طریق محبت تو باشد.

بارخدایا، بر محمد و خاندانش درود بفرست و ما را در این روز و این شب و هر روز به انجام دادن کارهای نیك و دوری از کارهای ناپسند توفیق ده و به شکر نعمتها و پیروی از سنتها و دوری از بدعتها و امر به معروف و نهی از منکر و پاسداشتِ اسلام و نکوهش باطل و خوارداشتِ آن، و نصرت حق و عزیزداشتن آن و راهنمایی گمگشتگان و یاری ناتوانان و فریادرسی ستمدیدگان، توفیق ده.

بارخدایا، بر محمد و خاندانش درود بفرست و این روز را برای ما مبارك ترین روزی گردان که دیده‌ایم و نیکوترین مصاحبی که به صحبت داشته‌ایم و بهترین وقتی که به سر آورده‌ایم. از میان بندگانت که شب و روز بر آنان می‌گذرد، ما را خرسندترین آنان گردان و سپاسگزارترین بهره گیران از نعمتهایت و پایدارترین رهسپاران بر وفق آیینت و حذرکننده‌ترین کسان از آنچه به ترك آن فرمان داده‌ای.

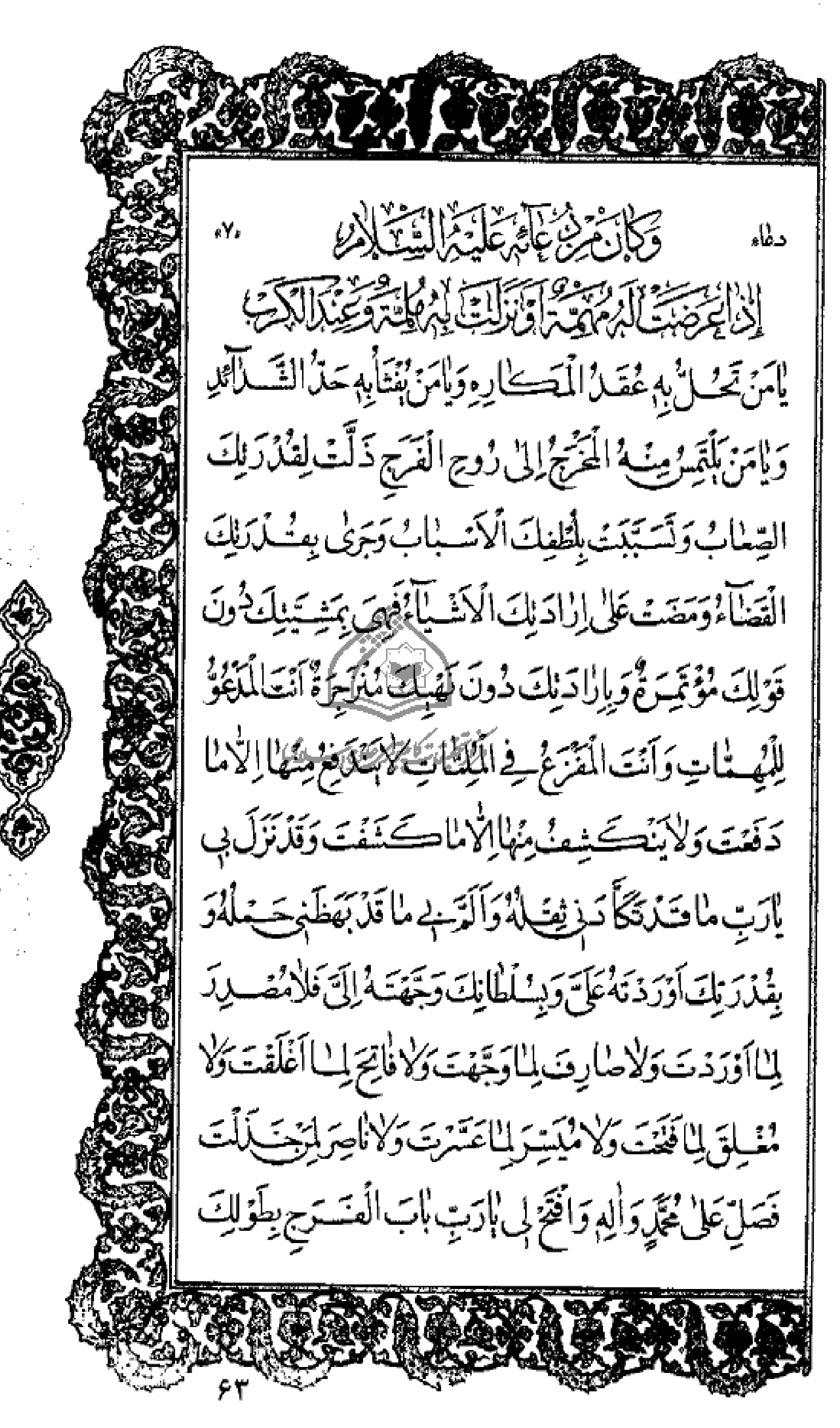
بارخدایا، تو را به شهادت می‌گیرم و تو شهادت را بسنده‌ای، و آسمان تو را و ساکنانش را و زمین تو را و ساکنانش را از فرشتگانت و همهٔ آفریدگانت، در این روز و در این ساعت و در این شب و در این مکان، به شهادت می‌گیرم که گواهی دهم که تو خدای یکتایی و جز تو خدایی نیست؛ تویی آن که بر پای دارندهٔ عدالت بُوَد و در داوری دادگر بُوَد و به بندگان مهربان بُوَد و فرمانروای جهان بُوَد و بر همهٔ آفریدگان رحمت آوَرَد.

شهادت می‌دهم که محمد بندهٔ توست و پیام‌آور توست و برگزیده‌ترین آفریدگانِ توست: او را به ابلاغ رسالت خویش برانگیختی، آن را ابلاغ کرد؛ فرمانش دادی که امت خود اندرز دهد، اندرز داد.



بارخدایا، بر محمد و خاندانش درود بفرست، بیشترین درودی که به یکی از آفریدگان خویش فرستاده‌ای. و ازسوی ما او را بهترین چیزی عطا کن که به یکی از بندگان خویش عطا کرده‌ای و برترین و گرامندترین پاداشی ارزانی دار که بر پیامبران خود از سوی امتشان ارزانی داشته‌ای.

تو هستی که نعمتهای گرامند می‌دهی و تویی که گناهانِ بزرگ را می‌آمرزی و تویی از هر مهربانی مهربان‌تر. پس درود بفرست بر محمد و خاندان طیب و طاهر او، آن نیکانِ برگزیدگان.



دعاء ٧

وكان من دعائه عليه السلام
إذا عرضت له مهمة أو نزلت به ملمة وعند الكرب

يا من تحل به عقد المكاره ويا من يفثأ به حد الشدائد
ويا من يلتمس منه المخرج إلى روح الفرج ذلت لقدرتك
الصعاب وتسببت بلطفك الأسباب وجرى بقدرتك
القضاء ومضت على إرادتك الأشياء فهي بمشيتك دون
قولك مؤتمرة وبإرادتك دون نهيك منزجرة أنت المدعو
للمهمات وأنت المفزع في الملمات لا يندفع منها إلا ما
دفعت ولا ينكشف منها إلا ما كشفت وقد نزل بي
يا رب ما قد تكأدني ثقله وألم بي ما قد بهظني حمله و
بقدرتك أوردته علي وبسلطانك وجهته إلي فلا مصدر
لما أوردت ولا صارف لما وجهت ولا فاتح لما أغلقت ولا
مغلق لما فتحت ولا ميسر لما عسرت ولا ناصر لمن خذلت
فصل على محمد وآله وافتح لي يا رب باب الفرج بطولك

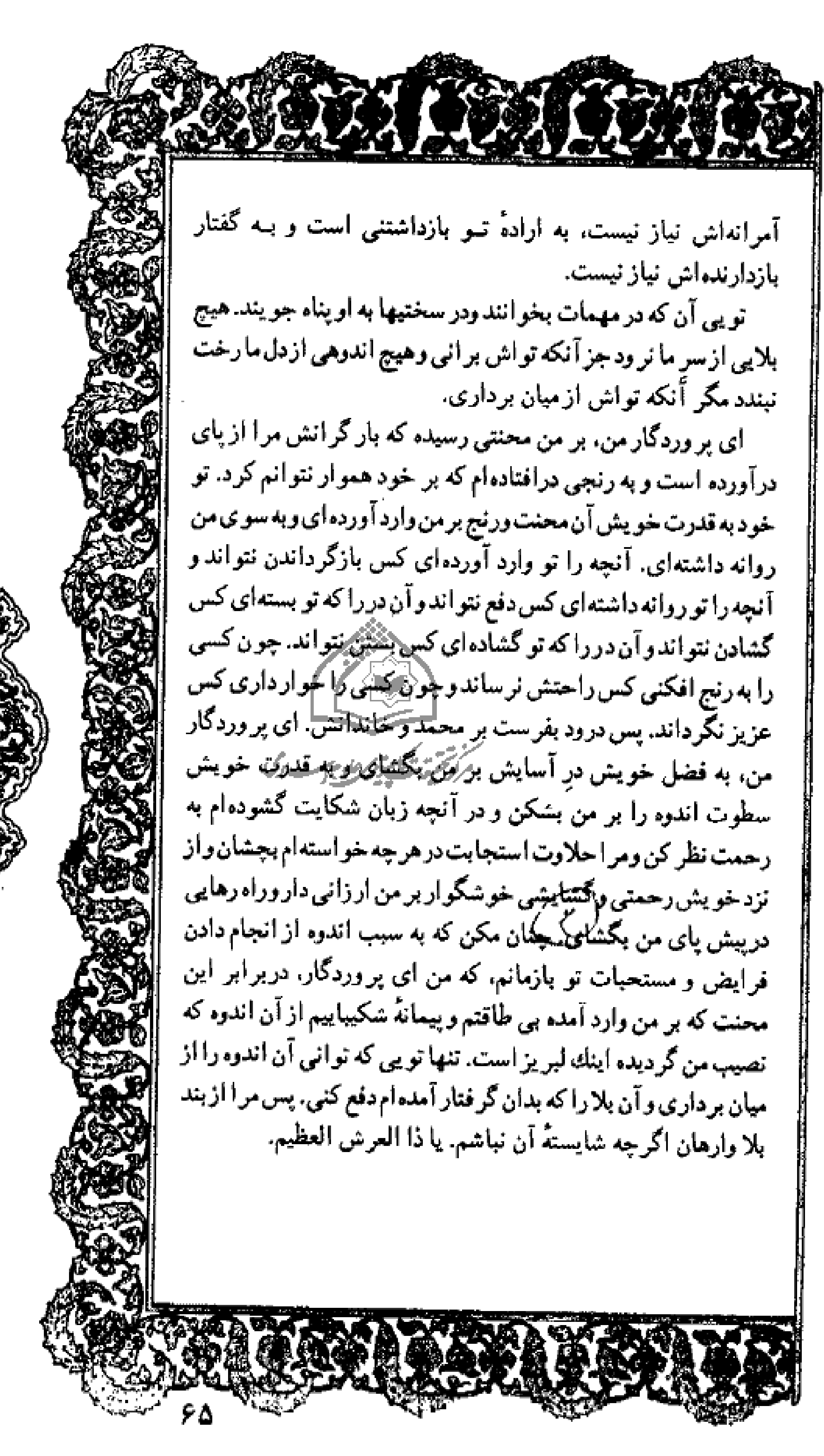
وَاكْسِرْ عَنِّي سُلْطَانَ الْهَمِّ بِحَوْلِكَ وَأَنِلْنِي حُسْنَ النَّظَرِ
فِيمَا شَكَوْتُ وَأَذِقْنِي حَلَاوَةَ الصُّنْعِ فِيمَا سَأَلْتُ وَهَبْ لِي
مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً وَفَرَجاً هَنِيئاً وَاجْعَلْ لِي مِنْ عِنْدِكَ مَخْرَجاً
وَحِيّاً وَلَا تَشْغَلْنِي بِالِاهْتِمَامِ عَنْ تَعَاهُدِ فُرُوضِكَ وَاسْتِعْمَالِ
سُنَّتِكَ فَقَدْ ضِقْتُ لِمَا نَزَلَ بِي يَا رَبِّ ذَرْعاً وَامْتَلَأْتُ بِحَمْلِ
مَا حَدَثَ عَلَيَّ هَمّاً وَأَنْتَ الْقَادِرُ عَلَى كَشْفِ مَا مُنِيتُ
بِهِ وَدَفْعِ مَا وَقَعْتُ فِيهِ فَافْعَلْ بِي ذَلِكَ وَإِنْ لَمْ أَسْتَوْجِبْهُ
مِنْكَ يَا ذَا الْعَرْشِ الْعَظِيمِ



نیایش هفتم[1]

ای خداوندی که گره کارهای فروبسته به تو گشوده می شود و سختیها به تو آسان می گردد. ای خداوندی که از تو خواهند رهایی از تنگناها را و یافتن آسودگی را. به قدرت تو دشواری خوارمایه گردد و به لطف تو اسباب کارها ساخته آید. قضا به قدرت تو جاری است و هر چیز بر وفق ارادهٔ تو پدید آمده است: به مشیت تو فرمانبر است و به گفتار

۱. دعای آن حضرت است به هنگامی که برای او مهمّی پیش می آمد یا حادثه‌ای رخ می‌داد و به هنگام اندوه.



آمرانه‌اش نیاز نیست، به ارادهٔ تو بازداشتنی است و به گفتار بازدارنده‌اش نیاز نیست.

تویی آن که در مهمات بخوانند ودر سختیها به او پناه جویند. هیچ بلایی از سر ما نرود جز آنکه تواش برانی وهیچ اندوهی از دل ما رخت نبندد مگر آنکه تواش از میان برداری.

ای پروردگار من، بر من محنتی رسیده که بار گرانش مرا از پای درآورده است و به رنجی درافتاده‌ام که بر خود هموار نتوانم کرد. تو خود به قدرت خویش آن محنت ورنج برمن وارد آورده‌ای وبه سوی من روانه داشته‌ای. آنچه را تو وارد آورده‌ای کس بازگرداندن نتواند و آنچه را تو روانه داشته‌ای کس دفع نتواند وآن دررا که تو بسته‌ای کس گشادن نتواند وآن دررا که تو گشاده ای کس بستن نتواند. چون کسی را به رنج افکنی کس راحتش نرساند وچون کسی را خوارداری کس عزیز نگرداند. پس درود بفرست بر محمد وخاندانش. ای پروردگار من، به فضل خویش درِ آسایش بر من بگشای و به قدرت خویش سطوت اندوه را بر من بشکن و در آنچه زبان شکایت گشوده‌ام به رحمت نظر کن ومرا حلاوت استجابت در هرچه خواسته‌ام بچشان واز نزد خویش رحمتی وگشایشی خوشگوار بر من ارزانی دار وراه رهایی درپیش پای من بگشای وچنان مکن که به سبب اندوه از انجام دادن فرایض و مستحبات تو بازمانم، که من ای پروردگار، دربرابر این محنت که بر من وارد آمده بی طاقتم وپیمانهٔ شکیباییم از آن اندوه که نصیب من گردیده اینك لبریز است. تنها تویی که توانی آن اندوه را از میان برداری وآن بلارا که بدان گرفتار آمده‌ام دفع کنی. پس مرا ازبند بلا وارهان اگرچه شایستهٔ آن نباشم. یا ذا العرش العظیم.

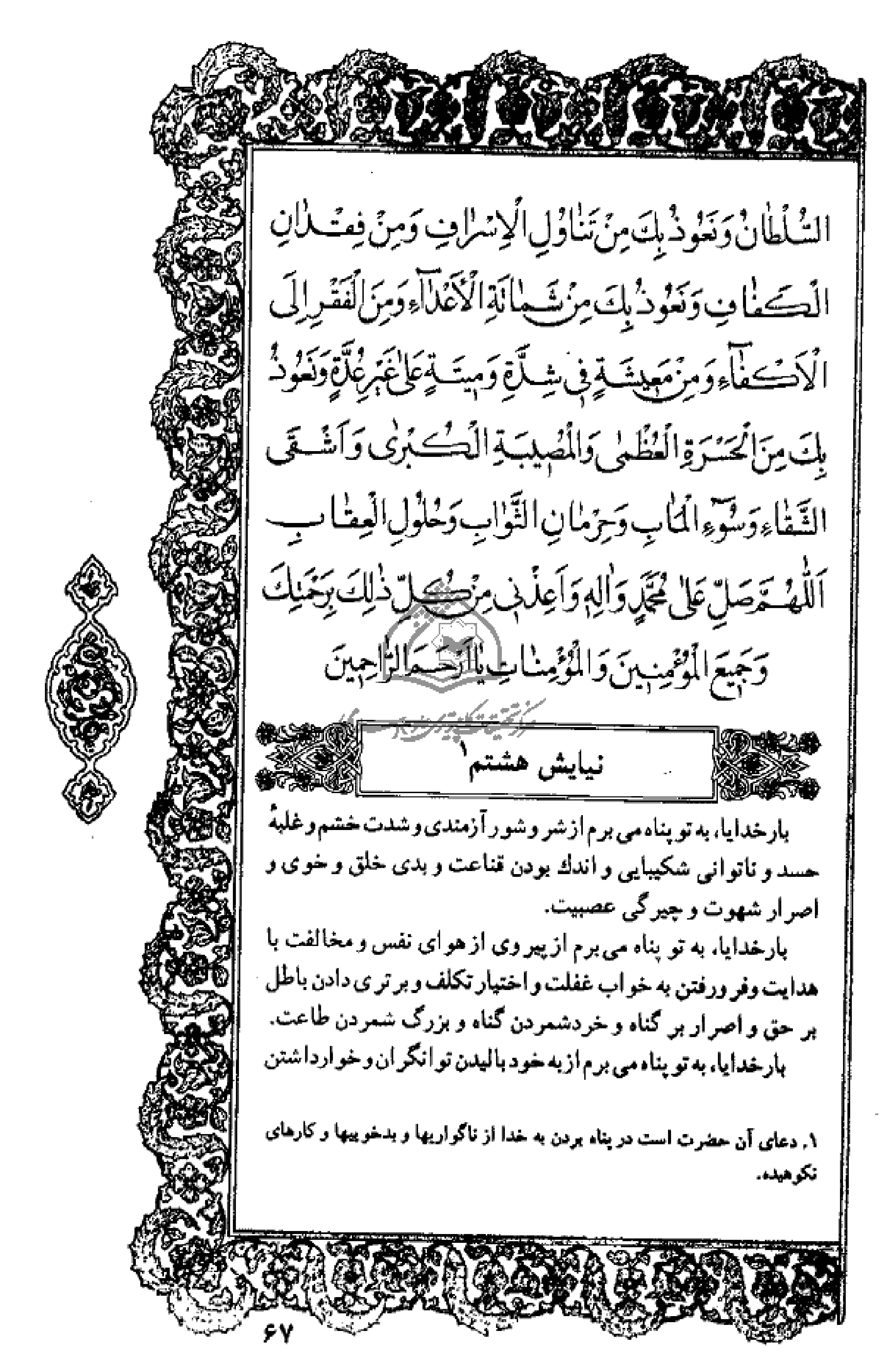
دعاء «٨»

وكان من دعائه عليه السلام

في الاستعاذة من المكاره وسيّئ الأخلاق ومذامّ الأفعال

اللّهمّ إنّي أعوذ بك من هيجان الحرص وسورة الغضب وغلبة الحسد وضعف الصّبر وقلّة القناعة وشكاسة الخلق وإلحاح الشّهوة وملكة الحميّة ومتابعة الهوى ومخالفة الهدى وسنة الغفلة وتعاطي الكلفة وإيثار الباطل على الحقّ والإصرار على المأثم واستصغار المعصية واستكبار الطّاعة ومباهاة المكثرين والإزراء بالمقلّين وسوء الولاية لمن تحت أيدينا وترك الشّكر لمن اصطنع العارفة عندنا أو أن نعضد ظالماً أو نخذل ملهوفاً أو نروم ما ليس لنا بحقّ أو نقول في العلم بغير علم ونعوذ بك أن ننطوي على غشّ أحد وأن نعجب بأعمالنا ونمدّ في آمالنا ونعوذ بك من سوء السّريرة واحتقار الصّغيرة وأن يستحوذ علينا الشّيطان أو ينكبنا الزّمان أو يتهضّمنا





السُّلْطَانِ وَنَعُوذُ بِكَ مِنْ تَنَاوُلِ الْإِسْرَافِ وَمِنْ فِقْدَانِ الْكَفَافِ وَنَعُوذُ بِكَ مِنْ شَمَاتَةِ الْأَعْدَآءِ وَمِنَ الْفَقْرِ إِلَى الْأَكْفَاءِ وَمِنْ مَعِيشَةٍ فِي شِدَّةٍ وَمِيتَةٍ عَلَى غَيْرِ عُدَّةٍ وَنَعُوذُ بِكَ مِنَ الْحَسْرَةِ الْعُظْمَى وَالْمُصِيبَةِ الْكُبْرَى وَأَشْقَى الشَّقَاءِ وَسُوءِ الْمَآبِ وَحِرْمَانِ الثَّوَابِ وَحُلُولِ الْعِقَابِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَعِذْنِي مِنْ كُلِّ ذٰلِكَ بِرَحْمَتِكَ وَجَمِيعَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

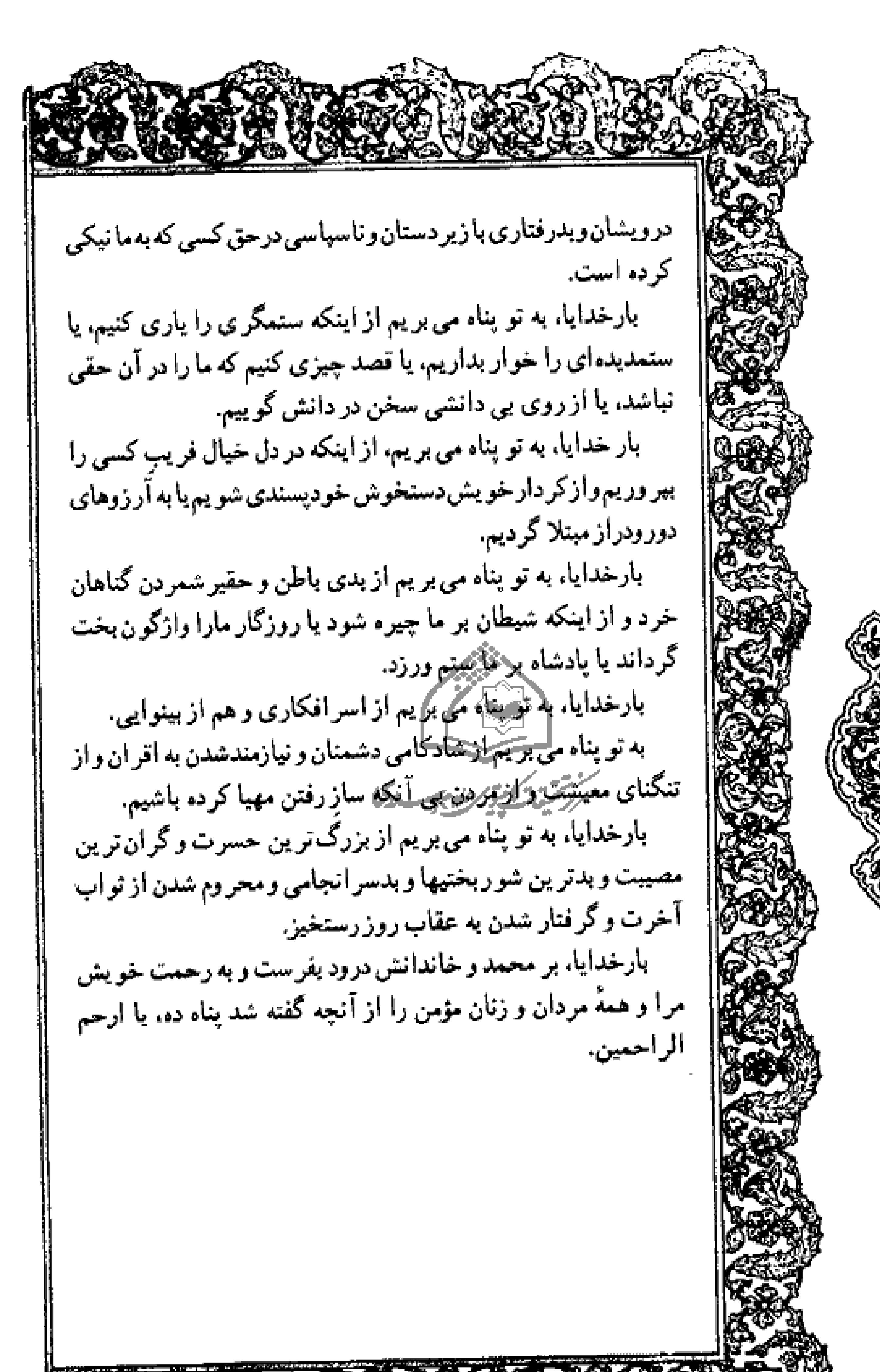
نیایش هشتم[1]

بارخدایا، به تو پناه می برم از شر و شور آزمندی و شدت خشم و غلبهٔ حسد و ناتوانی شکیبایی و اندک بودن قناعت و بدی خلق و خوی و اصرار شهوت و چیرگی عصبیت.

بارخدایا، به تو پناه می برم از پیروی از هوای نفس و مخالفت با هدایت وفرورفتن به خواب غفلت و اختیار تکلف و برتری دادن باطل بر حق و اصرار بر گناه و خردشمردن گناه و بزرگ شمردن طاعت.

بارخدایا، به تو پناه می برم از به خود بالیدن توانگران وخوارداشتن

۱. دعای آن حضرت است در پناه بردن به خدا از ناگواریها و بدخوییها و کارهای نکوهیده.



درویشان و بدرفتاری با زیردستان و ناسپاسی درحق کسی که به ما نیکی کرده است.

بارخدایا، به تو پناه می بریم از اینکه ستمگری را یاری کنیم، یا ستمدیده‌ای را خوار بداریم، یا قصد چیزی کنیم که ما را در آن حقی نباشد، یا از روی بی دانشی سخن در دانش گوییم.

بارخدایا، به تو پناه می بریم، از اینکه در دل خیال فریب کسی را بپروریم و از کردار خویش دستخوش خودپسندی شویم یا به آرزوهای دورودراز مبتلا گردیم.

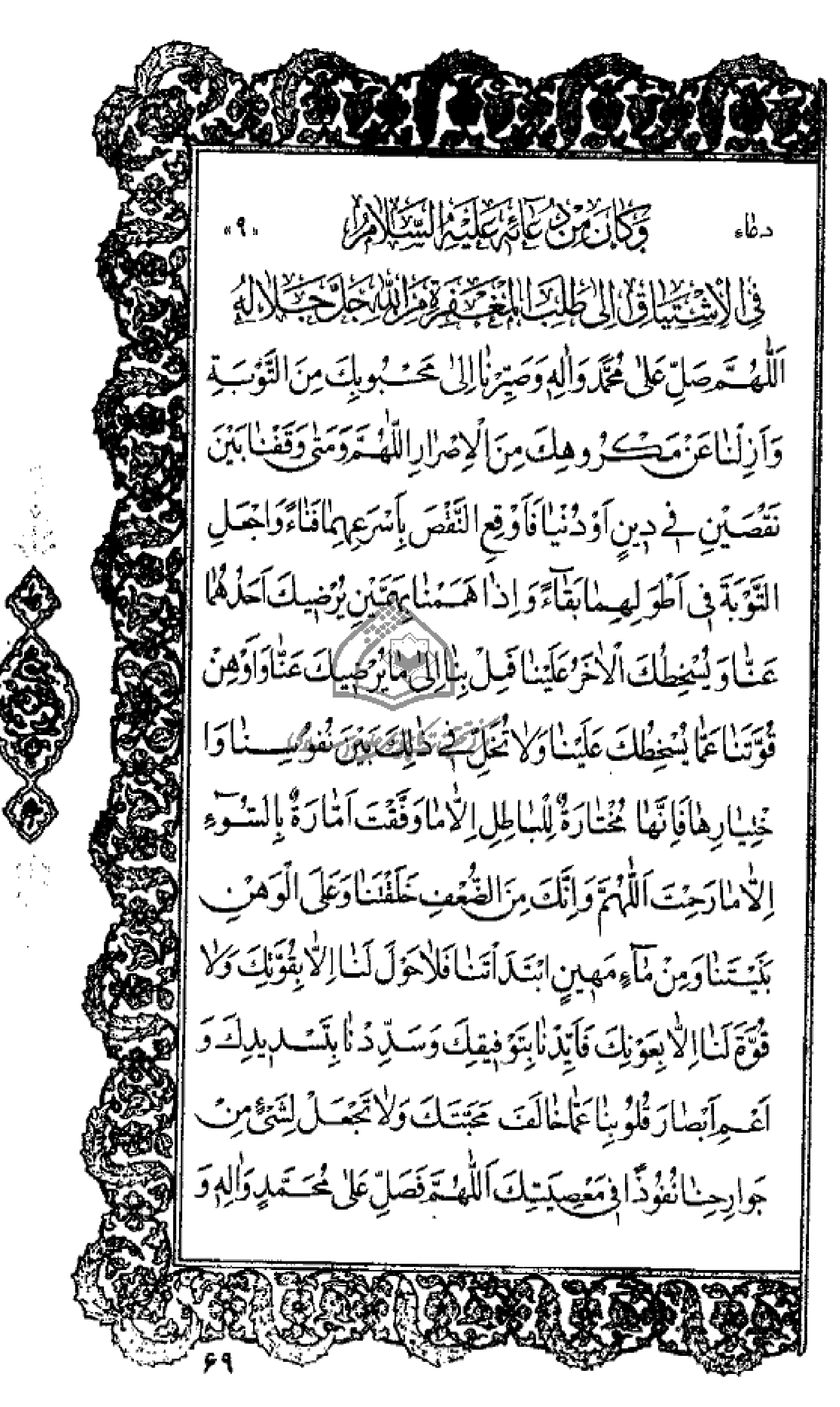
بارخدایا، به تو پناه می بریم از بدی باطن و حقیر شمردن گناهان خرد و از اینکه شیطان بر ما چیره شود یا روزگار ما را واژگون بخت گرداند یا پادشاه بر ما ستم ورزد.

بارخدایا، به تو پناه می بریم از اسرافکاری و هم از بینوایی.

به تو پناه می بریم از شادکامی دشمنان و نیازمندشدن به اقران و از تنگنای معیشت و از مردن بی آنکه سازِ رفتن مهیا کرده باشیم.

بارخدایا، به تو پناه می بریم از بزرگ‌ترین حسرت و گران‌ترین مصیبت و بدترین شوربختیها و بدسرانجامی و محروم شدن از ثواب آخرت و گرفتار شدن به عقاب روز رستخیز.

بارخدایا، بر محمد و خاندانش درود بفرست و به رحمت خویش مرا و همهٔ مردان و زنان مؤمن را از آنچه گفته شد پناه ده، یا ارحم الراحمین.

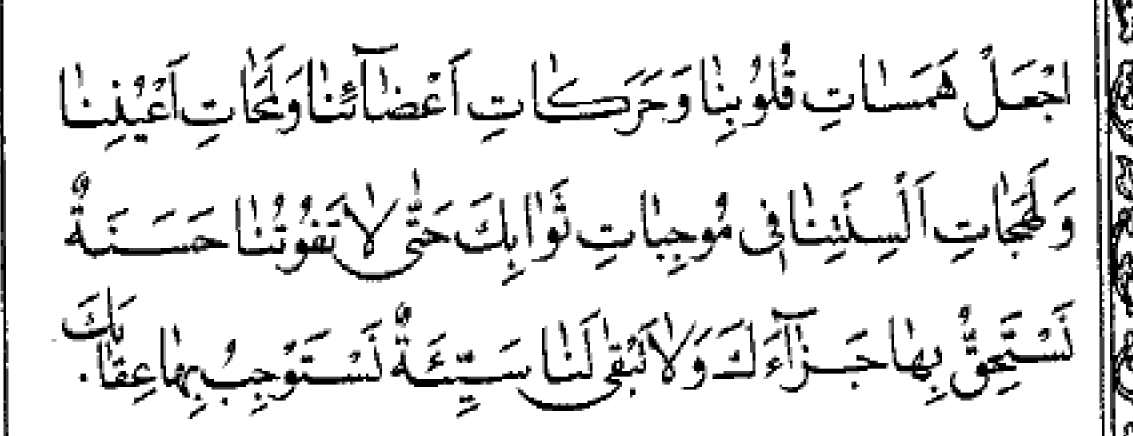


دعاء «٩»

وكان من دعائه عليه السلام

في الاشتياق إلى طلب المغفرة من الله جل جلاله

اللهم صل على محمد وآله وصيرنا إلى محبوبك من التوبة
وأزلنا عن مكروهك من الإصرار اللهم ومتى وقفنا بين
نقصين في دين أو دنيا فأوقع النقص بأسرعهما فناء واجعل
التوبة في أطولهما بقاء وإذا هممنا بهمين يرضيك أحدهما
عنا ويسخطك الآخر علينا فمل بنا إلى ما يرضيك عنا وأوهن
قوتنا عما يسخطك علينا ولا تخل في ذلك بين نفوسنا وا
ختيارها فإنها مختارة للباطل إلا ما وفقت أمارة بالسوء
إلا ما رحمت اللهم وإنك من الضعف خلقتنا وعلى الوهن
بنيتنا ومن ماء مهين ابتدأتنا فلا حول لنا إلا بقوتك ولا
قوة لنا إلا بعونك فأيدنا بتوفيقك وسددنا بتسديدك و
أعم أبصار قلوبنا عما خالف محبتك ولا تجعل لشيء من
جوارحنا نفوذا في معصيتك اللهم فصل على محمد وآله و



اجْعَلْ هَمَسَاتِ قُلُوبِنَا وَحَرَكَاتِ أَعْضَائِنَا وَلَمَحَاتِ أَعْيُنِنَا وَلَهَجَاتِ أَلْسِنَتِنَا فِي مُوجِبَاتِ ثَوَابِكَ حَتَّى لَا تَفُوتَنَا حَسَنَةٌ نَسْتَحِقُّ بِهَا جَزَاءَكَ وَلَا تَبْقَى لَنَا سَيِّئَةٌ نَسْتَوْجِبُ بِهَا عِقَابَكَ.

نیایش نهم[1]

خداوندا، درود بفرست بر محمد و خاندان او و ما را به توبه‌ای که پسند می داری راه بَر و از اصرار بر گناه که ناپسند می داری دور فرمای.

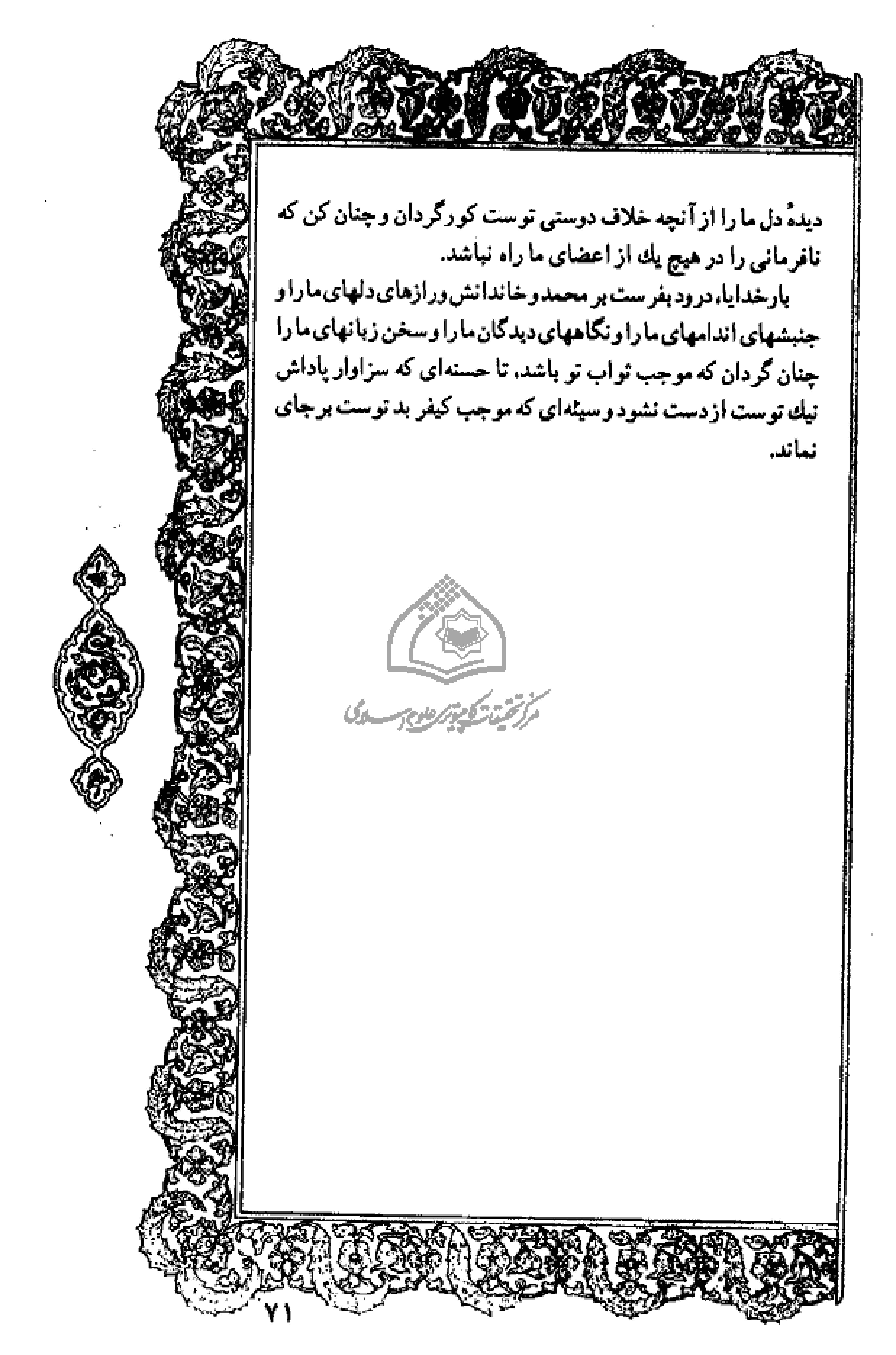
خداوندا، چون میان دو نقصان، یکی در دین و یکی در دنیا، قرار گرفتیم، نقصان را در آن قرار ده که زودگذر است و توبه را در آن قرار ده که بقایش بیشتر است. و چون آهنگ دو کار کردیم که یکی تو را خشنود می سازد و دیگری تو را به خشم می آورد، ما را بدان سوی که سبب خشنودی توست روانه دار و عزم ما را در آنچه سبب خشم توست سست نمای. ودر آن هنگام نفسهای ما را به اختیار خود وامگذار، که نفسهای ما اگر توفیقِ خویش رفیق آنها نگردانی راه باطل گزینند و نفس آدمی را به بدی فرمان دهد مگر آنکه تو رحمت آوری.[2]



بارخدایا، ما را از ناتوانی آفریده‌ای و بنیان ما بر سستی نهاده‌ای و از آبی پست و بی ارج صورت بسته‌ای. ما را هیچ جنبشی نیست مگر به توانی که تو ارزانی داری و نیرویی نیست مگر به مددی که تو رسانی. پس به توفیق خود یاریمان بخش و به راه راست خویش ارشاد فرمای و

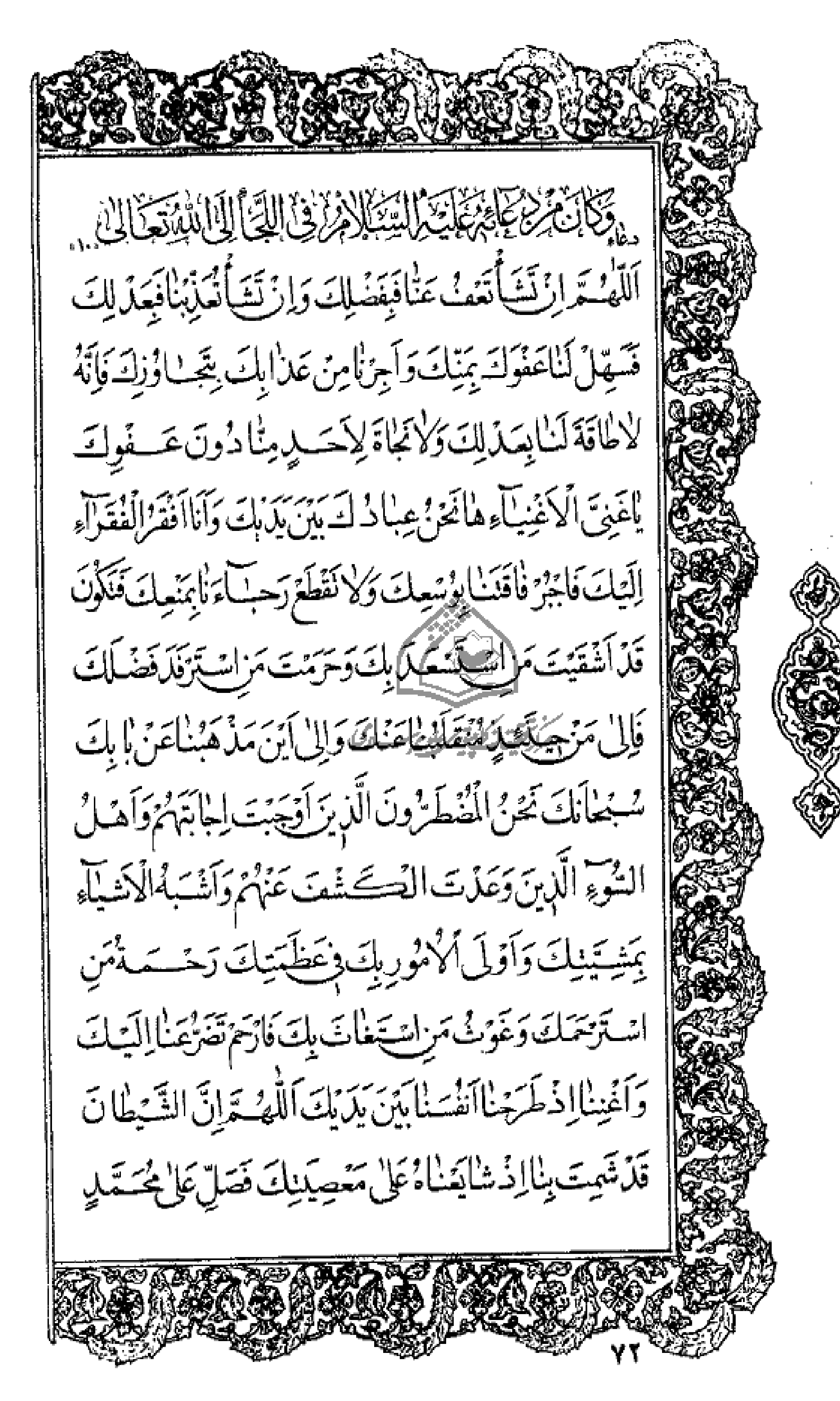
۱. دعای آن حضرت است در اشتیاق به طلب مغفرت از خدای جلّ جلاله.

۲. اشاره است به آیهٔ «اِنّ النفس لامّارة بالسوء الّا ما رحم ربّی.» (سورهٔ ۱۲/آیهٔ ۵۳)



دیدهٔ دل ما را از آنچه خلاف دوستی توست کور گردان و چنان کن که نافرمانی را در هیچ یك از اعضای ما راه نباشد.

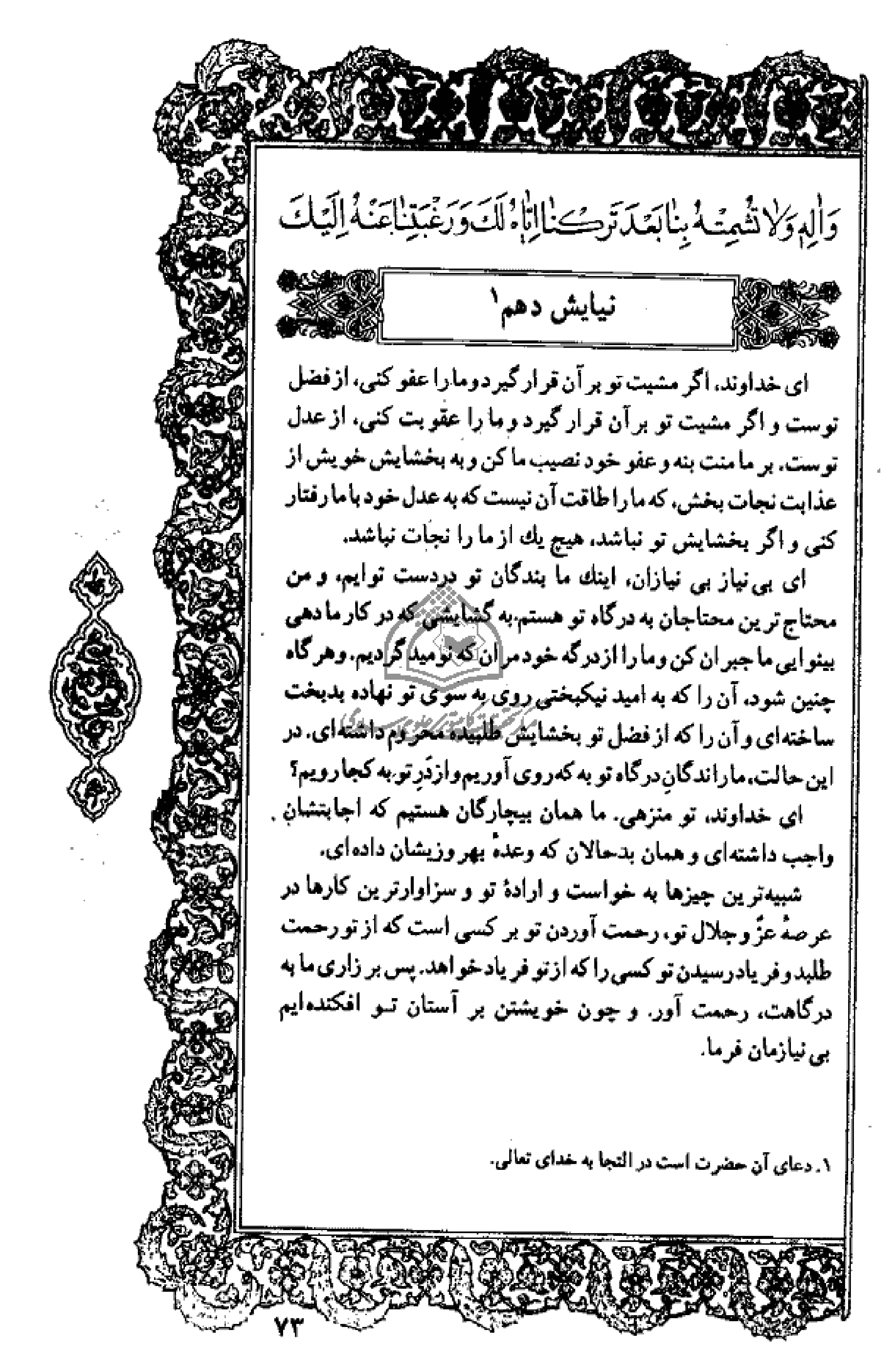
بارخدایا، درود بفرست بر محمد و خاندانش و رازهای دلهای ما را و جنبشهای اندامهای ما را و نگاههای دیدگان ما را و سخن زبانهای ما را چنان گردان که موجب ثواب تو باشد، تا حسنه‌ای که سزاوار پاداش نیك توست از دست نشود و سیئه‌ای که موجب کیفر بد توست برجای نماند.



وكان من دعائه عليه السلام في اللجأ إلى الله تعالى

دعاء ١٠

اللهم إن تشأ تعف عنا فبفضلك وإن تشأ تعذبنا فبعدلك
فسهل لنا عفوك بمنك وأجرنا من عذابك بتجاوزك فإنه
لا طاقة لنا بعدلك ولا نجاة لأحد منا دون عفوك
يا غني الأغنياء ها نحن عبادك بين يديك وأنا أفقر الفقراء
إليك فاجبر فاقتنا بوسعك ولا تقطع رجاءنا بمنعك فتكون
قد أشقيت من استسعد بك وحرمت من استرفد فضلك
فإلى من حينئذ منقلبنا عنك وإلى أين مذهبنا عن بابك
سبحانك نحن المضطرون الذين أوجبت إجابتهم وأهل
السوء الذين وعدت الكشف عنهم وأشبه الأشياء
بمشيتك وأولى الأمور بك في عظمتك رحمة من
استرحمك وغوث من استغاث بك فارحم تضرعنا إليك
وأغننا إذ طرحنا أنفسنا بين يديك اللهم إن الشيطان
قد شمت بنا إذ شايعناه على معصيتك فصل على محمد



وَآلِهِ وَلا تُشْمِتْ بِنا بَعْدَ تَرْكِنا اِيّاهُ لَكَ وَرَغْبَتِنا عَنْهُ اِلَيْكَ

نیایش دهم[1]

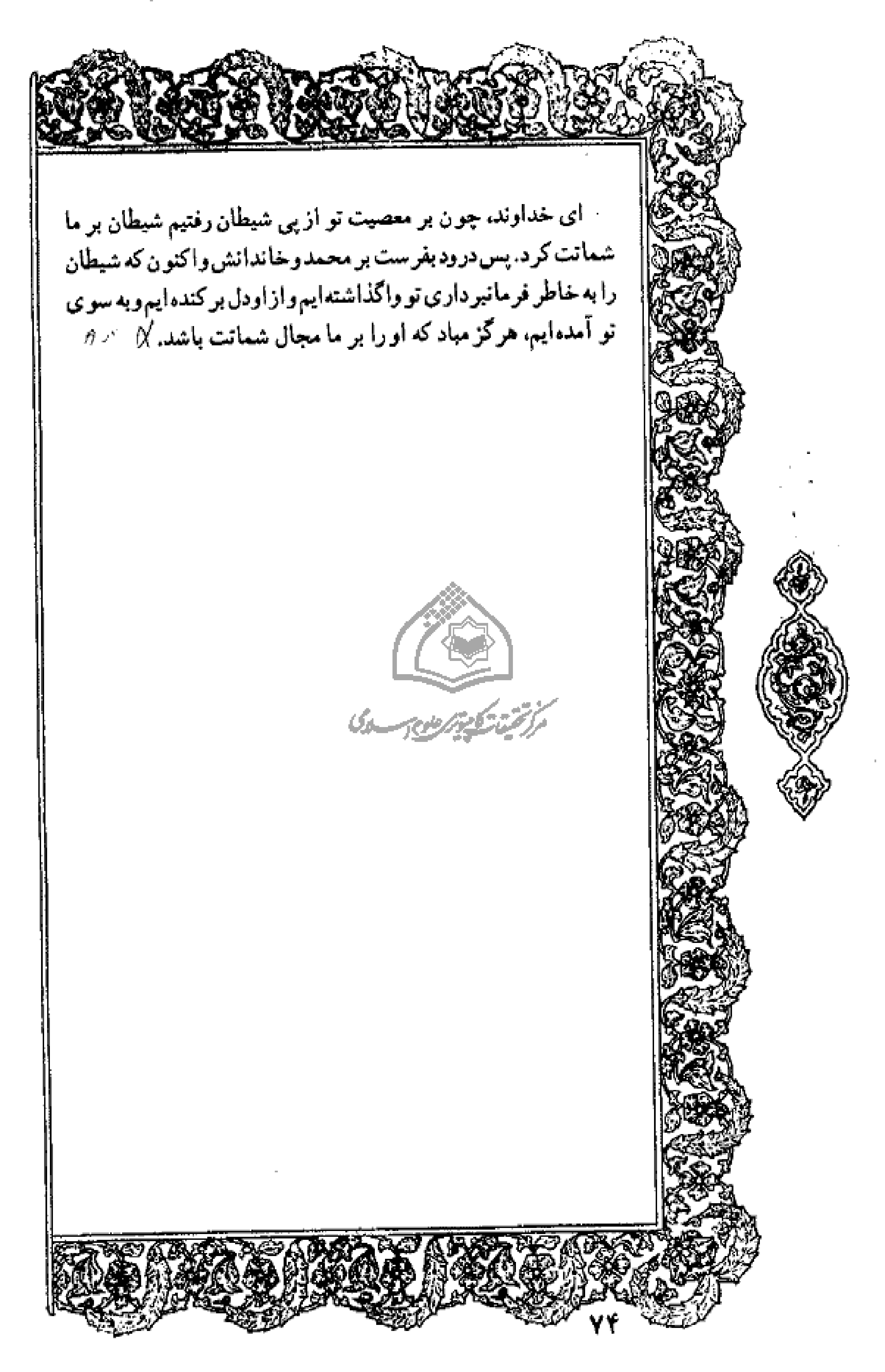
ای خداوند، اگر مشیت تو بر آن قرار گیرد و ما را عفو کنی، از فضل توست و اگر مشیت تو بر آن قرار گیرد و ما را عقوبت کنی، از عدل توست. بر ما منت بنه و عفو خود نصیب ما کن و به بخشایش خویش از عذابت نجات بخش، که ما را طاقت آن نیست که به عدل خود با ما رفتار کنی و اگر بخشایش تو نباشد، هیچ یك از ما را نجات نباشد.

ای بی نیاز بی نیازان، اینك ما بندگان تو دردست تو ایم، و من محتاج ترین محتاجان به درگاه تو هستم. به گشایشی که در کار ما دهی بینوایی ما جبران کن و ما را از درگه خود مران که نومید گردیم. و هر گاه چنین شود، آن را که به امید نیکبختی روی به سوی تو نهاده بدبخت ساخته‌ای و آن را که از فضل تو بخشایش طلبیده محروم داشته‌ای. در این حالت، ماراندگانِ درگاه تو به که روی آوریم و از درِ تو به کجا رویم؟

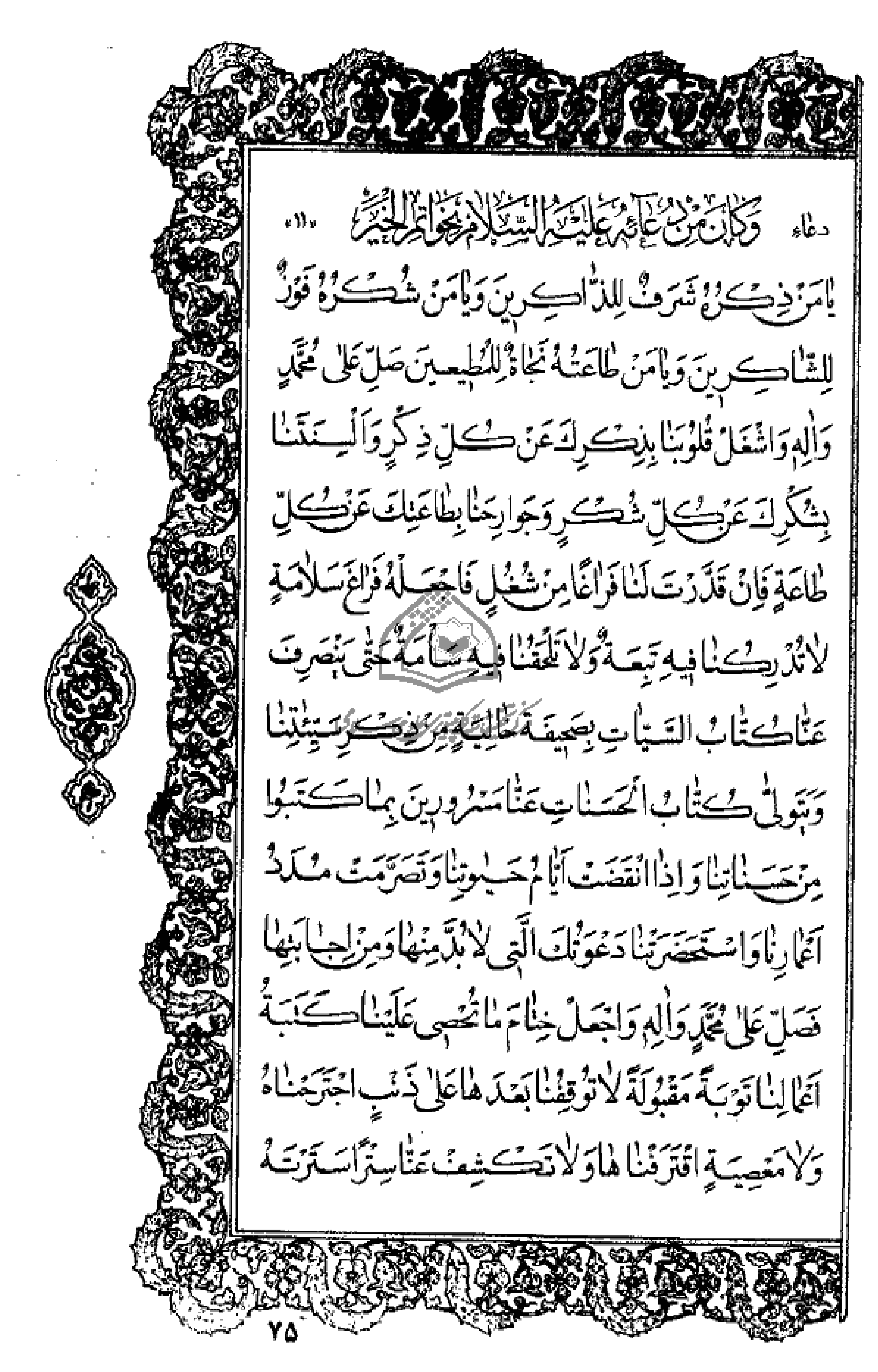
ای خداوند، تو منزهی. ما همان بیچارگان هستیم که اجابتشان واجب داشته‌ای و همان بدحالان که وعدهٔ بهروزیشان داده‌ای.

شبیه‌ترین چیزها به خواست و ارادهٔ تو و سزاوارترین کارها در عرصهٔ عزّ و جلال تو، رحمت آوردن تو بر کسی است که از تو رحمت طلبد و فریادرسیدن تو کسی را که از تو فریاد خواهد. پس بر زاری ما به درگاهت، رحمت آور. و چون خویشتن بر آستان تو افکنده‌ایم بی نیازمان فرما.

۱. دعای آن حضرت است در التجا به خدای تعالی.

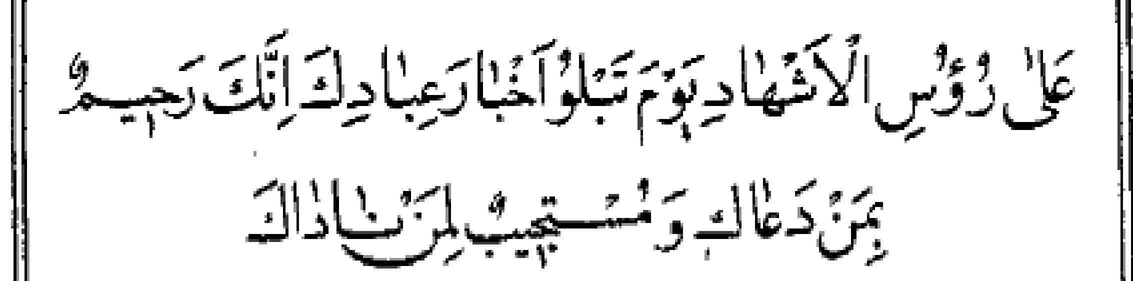


ای خداوند، چون بر معصیت تو از پی شیطان رفتیم شیطان بر ما شماتت کرد. پس درود بفرست بر محمد و خاندانش و اکنون که شیطان را به خاطر فرمانبرداری تو واگذاشته‌ایم و از او دل بر کنده‌ایم و به سوی تو آمده‌ایم، هرگز مباد که او را بر ما مجال شماتت باشد.



دعاء «۱۱» وَكانَ مِنْ دُعائِهِ عَلَيْهِ السَّلامُ بِخَواتِمِ الخَيْرِ

يا مَنْ ذِكْرُهُ شَرَفٌ لِلذّاكِرِينَ وَيا مَنْ شُكْرُهُ فَوْزٌ
لِلشّاكِرِينَ وَيا مَنْ طاعَتُهُ نَجاةٌ لِلْمُطِيعِينَ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ
وَآلِهِ وَاشْغَلْ قُلُوبَنا بِذِكْرِكَ عَنْ كُلِّ ذِكْرٍ وَأَلْسِنَتَنا
بِشُكْرِكَ عَنْ كُلِّ شُكْرٍ وَجَوارِحَنا بِطاعَتِكَ عَنْ كُلِّ
طاعَةٍ فَإِنْ قَدَّرْتَ لَنا فَراغاً مِنْ شُغْلٍ فَاجْعَلْهُ فَراغَ سَلامَةٍ
لا تُدْرِكُنا فِيهِ تَبِعَةٌ وَلا تَلْحَقُنا فِيهِ سَأْمَةٌ حَتّى يَنْصَرِفَ
عَنّا كُتّابُ السَّيِّئاتِ بِصَحِيفَةٍ خالِيَةٍ مِنْ ذِكْرِ سَيِّئاتِنا
وَيَتَوَلّى كُتّابُ الحَسَناتِ عَنّا مَسْرُورِينَ بِما كَتَبُوا
مِنْ حَسَناتِنا وَإِذا انْقَضَتْ أَيّامُ حَياتِنا وَتَصَرَّمَتْ مُدَدُ
أَعْمارِنا وَاسْتَحْضَرَتْنا دَعْوَتُكَ الَّتِي لا بُدَّ مِنْها وَمِنْ إِجابَتِها
فَصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْعَلْ خِتامَ ما تُحْصِي عَلَيْنا كَتَبَةُ
أَعْمالِنا تَوْبَةً مَقْبُولَةً لا تُوقِفُنا بَعْدَها عَلى ذَنْبٍ اجْتَرَحْناهُ
وَلا مَعْصِيَةٍ اقْتَرَفْناها وَلا تَكْشِفْ عَنّا سِتْراً سَتَرْتَهُ



نیایش یازدهم[1]

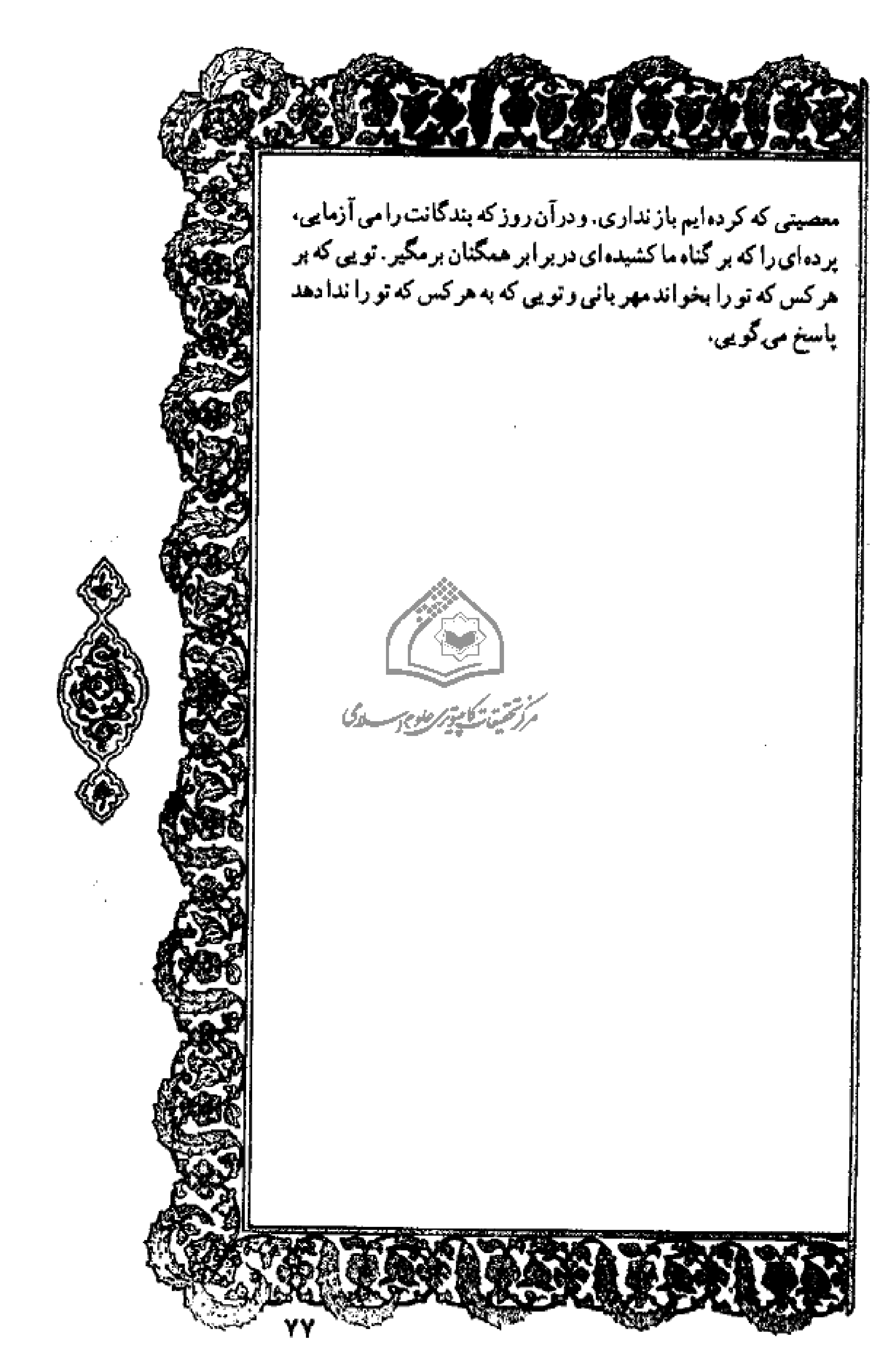
ای خداوندی که ذکر تو گویندگان ذکر را شرف و بزرگی است، ای خداوندی که شکر تو شکرگزاران را رستگاری وپیروزی است، ای خداوندی که فرمانبرداری از تو فرمانبرداران را سعادت رهایی است، درود بفرست بر محمد وخاندانش ودلهای ما را ازیادهرچیزدیگر به یاد خود وزبانهای ما را از شکر هر کس دیگر به شکر خود واعضای ما را از فرمانبرداری از هر کس دیگر به فرمانبرداری خود مشغول دار.

خداوندا، اگر ما را آسایشی مقدر فرموده‌ای، چنان کن که به هنگام آسایش در امان مانیم؛ نه گناهی ما را گرفتار سازد و نه ملالتی به ما رسد، تا فرشتگانی که گناهان ما را می نویسند، با صحیفهٔ اعمال ما بی آنکه در آن گناهی نوشته شده باشد از نزد ما بازگردند و فرشتگانی که ثوابهای ما را می نویسند، شادمان با صحیفه‌ای نوشته از اعمال نیك ما به نزد تو آیند.

چون روزهای زندگی ما سپری شد و مدت عمر ما سر آمد وصلای دعوت تو ما را فراخواند ـــ همان دعوتی که از آن گریزی و از اجابت آن گزیری نیست ـــ بر محمد و خاندانش درود بفرست و سرانجام آنچه را که کاتبان اعمال ما برای ما رقم زده‌اند توبه‌ای پذیرفته‌شده قرارده که زان پس ما را به کیفر گناهی که مرتکب شده‌ایم یا پادافره

۱. دعای آن حضرت است در طلب عاقبت خیر.





معصیتی که کرده‌ایم باز نداری. و در آن روز که بندگانت را می آزمایی، پرده‌ای را که بر گناه ما کشیده‌ای در برابر همگنان برمگیر. تویی که بر هر کس که تو را بخواند مهربانی و تویی که به هر کس که تو را ندا دهد پاسخ می‌گویی،

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلامُ

فِي الاعْتِرَافِ وَطَلَبِ التَّوْبَةِ إِلَى اللهِ تَعَالَى

دعاء «١٢»

اَللّٰهُمَّ اِنَّهُ يَحْجُبُنِي عَنْ مَسْأَلَتِكَ خِلالٌ ثَلٰثٌ وَتَحْدُونِي

عَلَيْهَا خَلَّةٌ وَاحِدَةٌ يَحْجُبُنِي اَمْرٌ اَمَرْتَ بِهِ فَاَبْطَأْتُ عَنْهُ وَ

نَهْيٌ نَهَيْتَنِي عَنْهُ فَاَسْرَعْتُ اِلَيْهِ وَنِعْمَةٌ اَنْعَمْتَ بِهَا عَلَيَّ

فَقَصَّرْتُ فِي شُكْرِهَا وَيَحْدُونِي عَلٰى مَسْأَلَتِكَ تَفَضُّلُكَ

عَلٰى مَنْ اَقْبَلَ بِوَجْهِهِ اِلَيْكَ وَوَفَدَ بِحُسْنِ ظَنِّهِ اِلَيْكَ

اِذْ جَمِيعُ اِحْسَانِكَ تَفَضُّلٌ وَاِذْ كُلُّ نِعَمِكَ ابْتِدَآءٌ فَهَا

اَنَا ذَا يَا اِلٰهِي وَاقِفٌ بِبَابِ عِزِّكَ وُقُوفَ الْمُسْتَسْلِمِ الذَّلِيلِ

وَسَائِلُكَ عَلَى الْحَيَاءِ مِنِّي سُؤَالَ الْبَائِسِ الْمُعِيلِ مُقِرٌّ لَكَ

بِاَنِّي لَمْ اَسْتَسْلِمْ وَقْتَ اِحْسَانِكَ اِلَّا بِالْاِقْلاعِ عَنْ عِصْيَانِكَ

وَلَمْ اَخْلُ فِي الْحَالاتِ كُلِّهَا مِنِ امْتِنَانِكَ فَهَلْ يَنْفَعُنِي

يَا اِلٰهِي اِقْرَارِي عِنْدَكَ بِسُوءِ مَا اكْتَسَبْتُ وَهَلْ يُنْجِينِي

مِنْكَ اعْتِرَافِي لَكَ بِقَبِيحِ مَا ارْتَكَبْتُ اَمْ اَوْجَبْتَ لِي فِي



مَقامي هذا سُخطَكَ اَم لَزِمَني في وقتِ دُعائي مَقتُكَ

سُبحانَكَ لا اَيأَسُ مِنكَ وَقَد فَتَحتَ لي بابَ التَّوبَةِ اِلَيكَ

بَل اَقولُ مَقالَ العَبدِ الذَّليلِ الظّالِمِ لِنَفسِهِ المُستَخِفِّ

بِحُرمَةِ رَبِّهِ الَّذي عَظُمَت ذُنوبُهُ فَجَلَّت وَاَدبَرَت اَيّامُهُ

فَوَلَّت حَتّى اِذا رَأى مُدَّةَ العَمَلِ قَدِ انقَضَت وَغايَةَ العُمُرِ قَدِ

انتَهَت وَاَيقَنَ اَنَّهُ لا مَحيصَ لَهُ مِنكَ وَلا مَهرَبَ لَهُ عَنكَ

تَلَقّاكَ بِالاِنابَةِ وَاَخلَصَ لَكَ التَّوبَةَ فَقامَ اِلَيكَ بِقَلبٍ طاهِرٍ

نَقِيٍّ ثُمَّ دَعاكَ بِصَوتٍ حائِلٍ خَفِيٍّ قَد تَطَأطَأَ لَكَ فَانحَنى

وَنَكَّسَ رَأسَهُ فَانثَنى قَد اَرعَشَت خَشيَتُهُ رِجلَيهِ

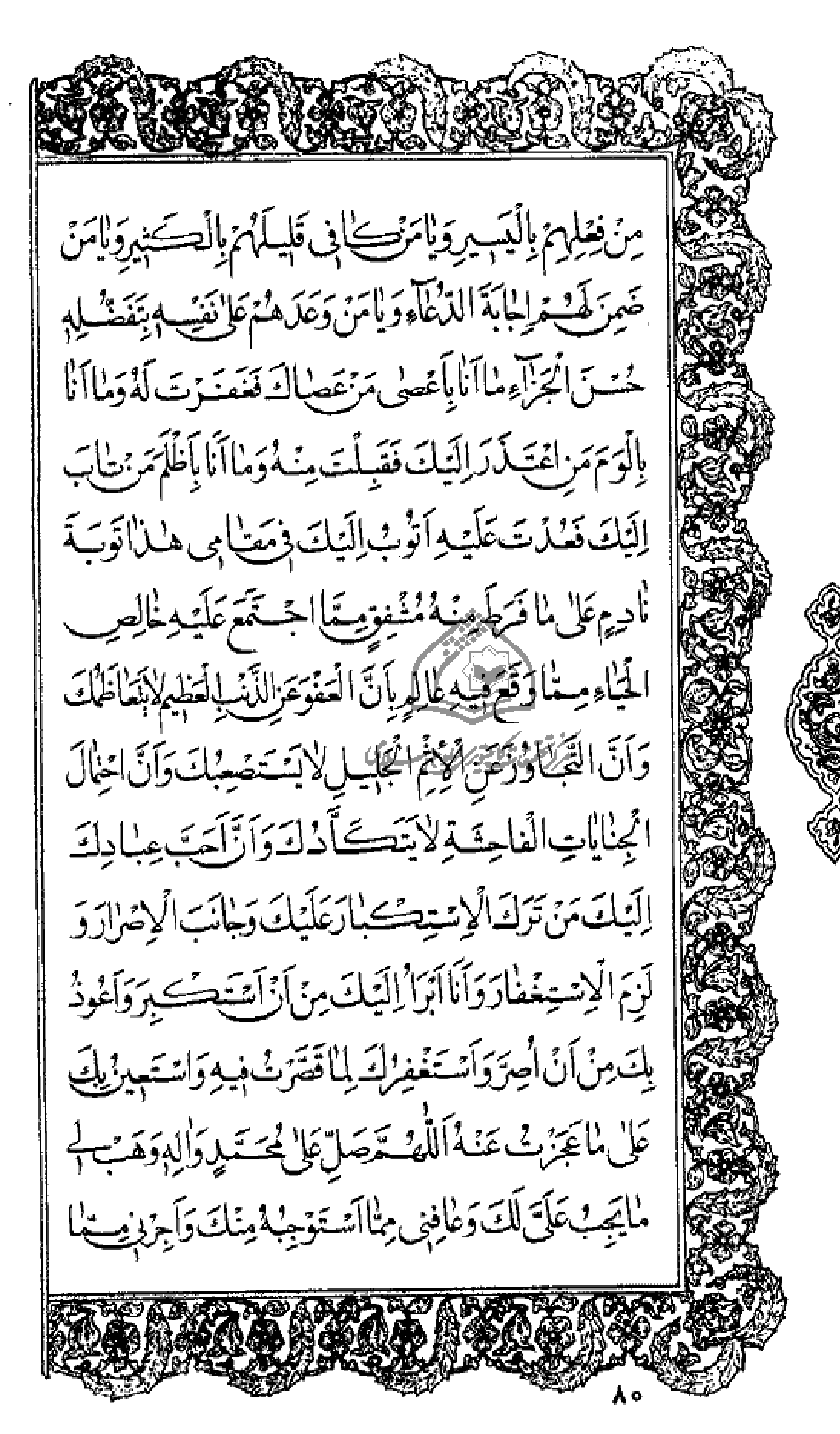
وَغَرَّقَت دُموعُهُ خَدَّيهِ يَدعوكَ بِيا اَرحَمَ الرّاحِمينَ وَيا اَرحَمَ

مَنِ انتابَهُ المُستَرحِمونَ وَيا اَعطَفَ مَن اَطافَ بِهِ المُستَغفِرونَ

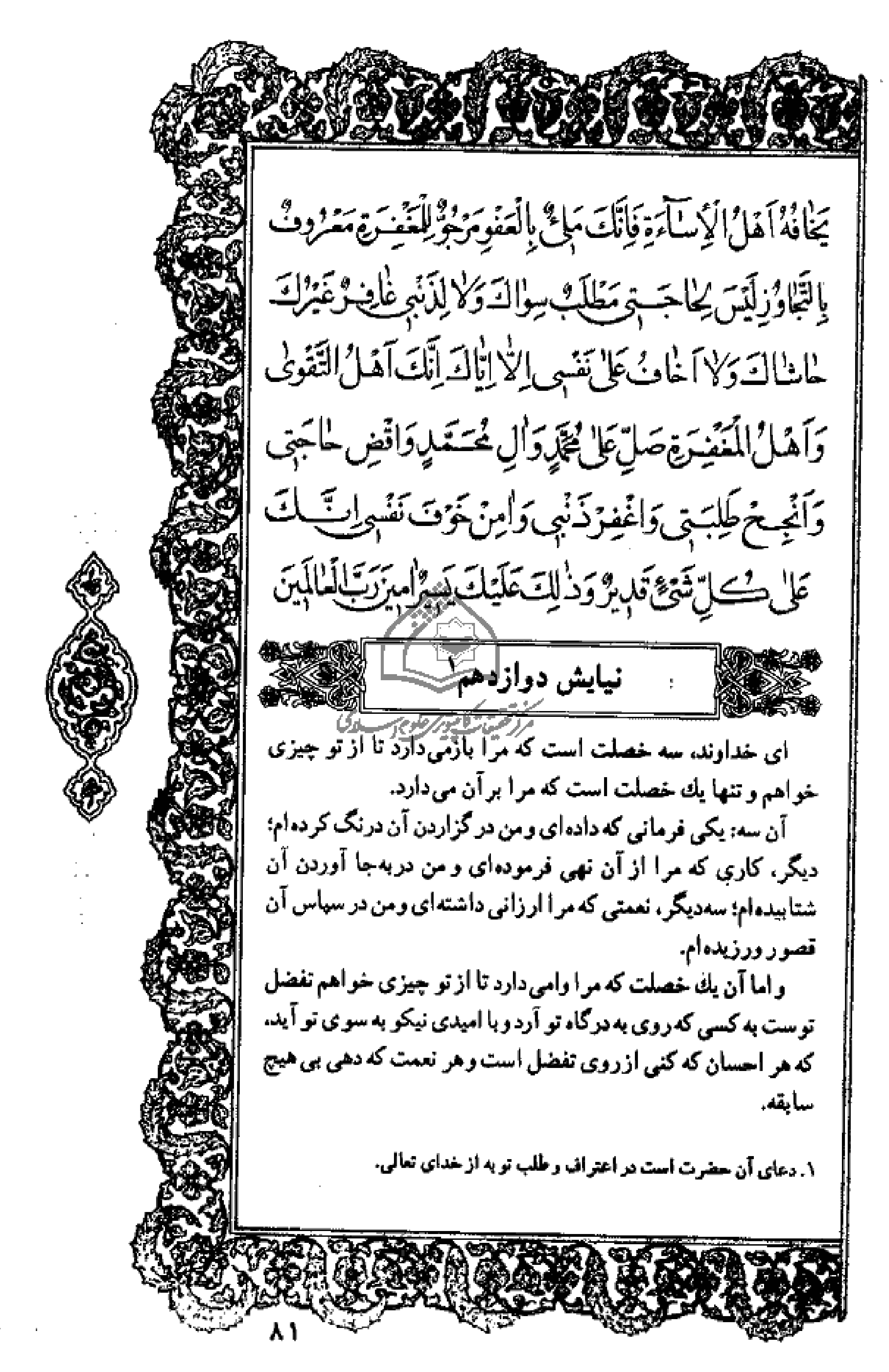
وَيا مَن عَفوُهُ اَكثَرُ مِن نَقِمَتِهِ وَيا مَن رِضاهُ اَوفَرُ مِن سَخَطِهِ

وَيا مَن تَحَمَّدَ اِلى خَلقِهِ بِحُسنِ التَّجاوُزِ وَيا مَن عَوَّدَ عِبادَهُ

قَبولَ الاِنابَةِ وَيا مَنِ استَصلَحَ فاسِدَهُم بِالتَّوبَةِ وَيا مَن رَضِيَ



من فعلهم باليسير ويا من كافى قليلهم بالكثير ويا من
ضمن لهم اجابة الدعاء ويا من وعدهم على نفسه بتفضله
حسن الجزاء ما انا باعصى من عصاك فغفرت له وما انا
بالوم من اعتذر اليك فقبلت منه وما انا باظلم من تاب
اليك فعدت عليه اتوب اليك في مقامي هذا توبة
نادم على ما فرط منه مشفق مما اجتمع عليه خالص
الحياء مما وقع فيه عالم بان العفو عن الذنب العظيم لا يتعاظمك
وان التجاوز عن الاثم الجليل لا يستصعبك وان احتمال
الجنايات الفاحشة لا يتكأدك وان احب عبادك
اليك من ترك الاستكبار عليك وجانب الاصرار و
لزم الاستغفار وانا ابرأ اليك من ان استكبر واعوذ
بك من ان اصر واستغفرك لما قصرت فيه واستعين بك
على ما عجزت عنه اللهم صل على محمد وآله وهب لي
ما يجب علي لك وعافني مما استوجبه منك واجرني مما



يَخافُهُ اَهْلُ الْاِساءَةِ فَاِنَّكَ مَلِيٌّ بِالْعَفْوِ مَرْجُوٌّ لِلْمَغْفِرَةِ مَعْرُوفٌ

بِالتَّجاوُزِ لَيْسَ لِحاجَتي مَطْلَبٌ سِواكَ وَلا لِذَنْبي غافِرٌ غَيْرُكَ

حاشاكَ وَلا اَخافُ عَلى نَفْسي اِلّا اِيّاكَ اِنَّكَ اَهْلُ التَّقْوى

وَاَهْلُ الْمَغْفِرَةِ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاقْضِ حاجَتي

وَاَنْجِحْ طَلِبَتي وَاغْفِرْ ذَنْبي وَآمِنْ خَوْفَ نَفْسي اِنَّكَ

عَلى كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ وَذلِكَ عَلَيْكَ يَسيرٌ آمينَ رَبَّ الْعالَمينَ

نیایش دوازدهم[1]

ای خداوند، سه خصلت است که مرا بازمی‌دارد تا از تو چیزی خواهم و تنها یك خصلت است که مرا بر آن می‌دارد.

آن سه: یکی فرمانی که داده‌ای و من در گزاردن آن درنگ کرده‌ام؛ دیگر، کاری که مرا از آن نهی فرموده‌ای و من در به‌جا آوردن آن شتابیده‌ام؛ سه‌دیگر، نعمتی که مرا ارزانی داشته‌ای و من در سپاس آن قصور ورزیده‌ام.

و اما آن یك خصلت که مرا وامی‌دارد تا از تو چیزی خواهم تفضل توست به کسی که روی به درگاه تو آرد و با امیدی نیکو به سوی تو آید. که هر احسان که کنی از روی تفضل است و هر نعمت که دهی بی هیچ سابقه.

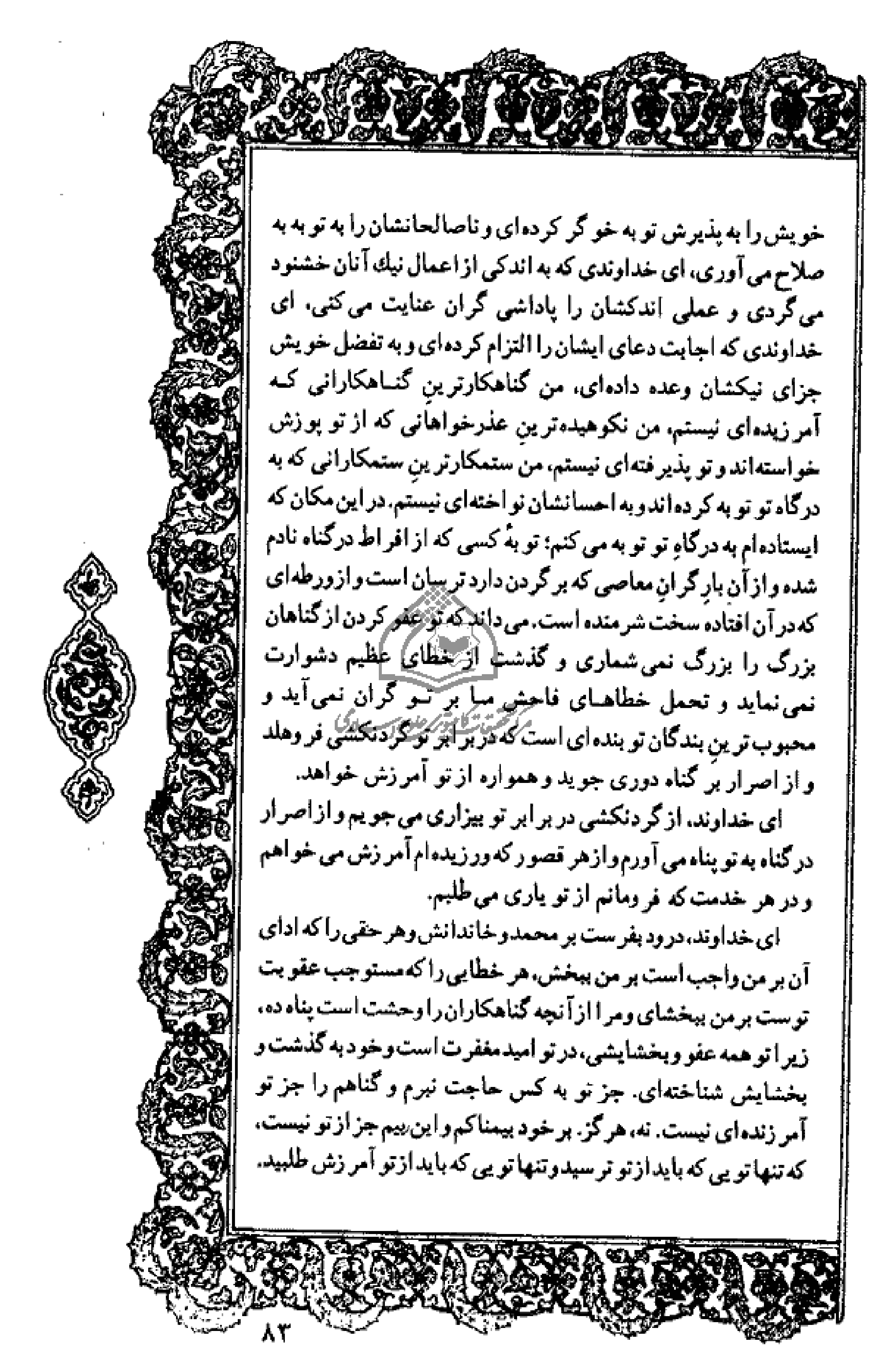
۱. دعای آن حضرت است در اعتراف و طلب توبه از خدای تعالی.

و این منم، ای خداوندِ من، که بر درگاه عزّ تو ایستاده‌ام، آن سان که تسلیم شوندهٔ به مذلّت نشسته‌ای. در عین شرمزدگی، چون بینوایان عیالمند دست سؤال دراز کرده‌ام. اقرار می کنم که به تسلیم در برابر احسان تو کاری نکرده‌ام جز آن که از عصیان تو چشم پوشیده‌ام و در همه حال از نعمتهای تو بی بهره نبوده‌ام.

آیا، ای خداوندمن، همین که به درگاه تو به اعمال ناپسند خود اقرار کنم مرا سودمند است؟ و آیا همین که به درگاه تو به زشتی کردار خویش معترف آیم، رهایی خواهم یافت؟ یا در همین جا که ایستاده‌ام خشم خود بر من گماشته‌ای، یا در همین هنگام که دست دعا به سوی تو برداشته‌ام، غضب خود قرین من ساخته‌ای؟

ای خداوند، از تو نومید نمی‌شوم، زیرا درِ توبه به روی من گشوده‌ای، بلکه به درگاه تو می نالم: به سان بنده‌ای ذلیل و بر خود ستم کرده و حرمت پروردگار خود شکسته، آن که گناهانش افزون است و افزون تر نماید و روزگارش روی به ادبار نهاده و درگذشته است، چندان که زمان عمل را پایان یافته بیند و عمر را به نهایت رسیده، و یقین کند که جز تواش پناهی نیست و از تو گریختن نتواند اینك دست انابت به سوی تو برداشته و از روی اخلاص به درگاه تو توبه می کند و با دلی پاك در مقام قرب تو ایستاده است و با آوازی نجواگونه و آهسته با تو راز می گوید. به تواضع قامت خم کرده و سر فرو داشته و پیکر چنبر نموده است. از بیم، پاهایش می لرزد و سرشکش گونه‌هایش را غرقه ساخته است. تو را ندا می‌دهد که: ای مهربان ترین مهربانان، ای مهربان ترین کسی که مقصد جویندگان رحمتی و ای صاحب عطوفتی که مقصود پویندگان استغفاری، ای خداوندی که عفوت از انتقام بیش است و خشنودیت از خشم افزون، ای خداوندی که از گناهانِ خلق نیکو درمی گذری و از این روز زیر بار منت تو هستند، ای خداوندی که بندگان

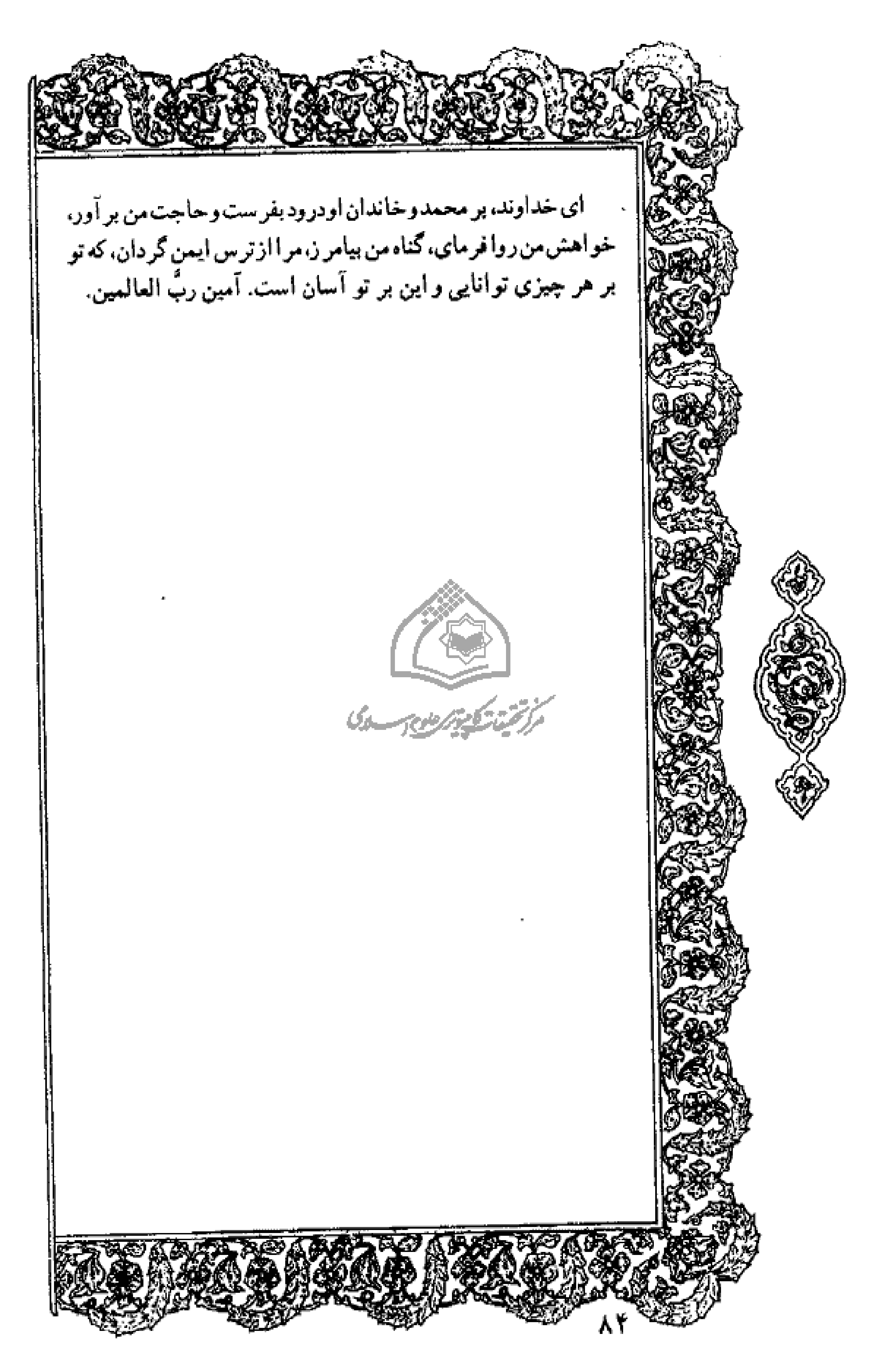




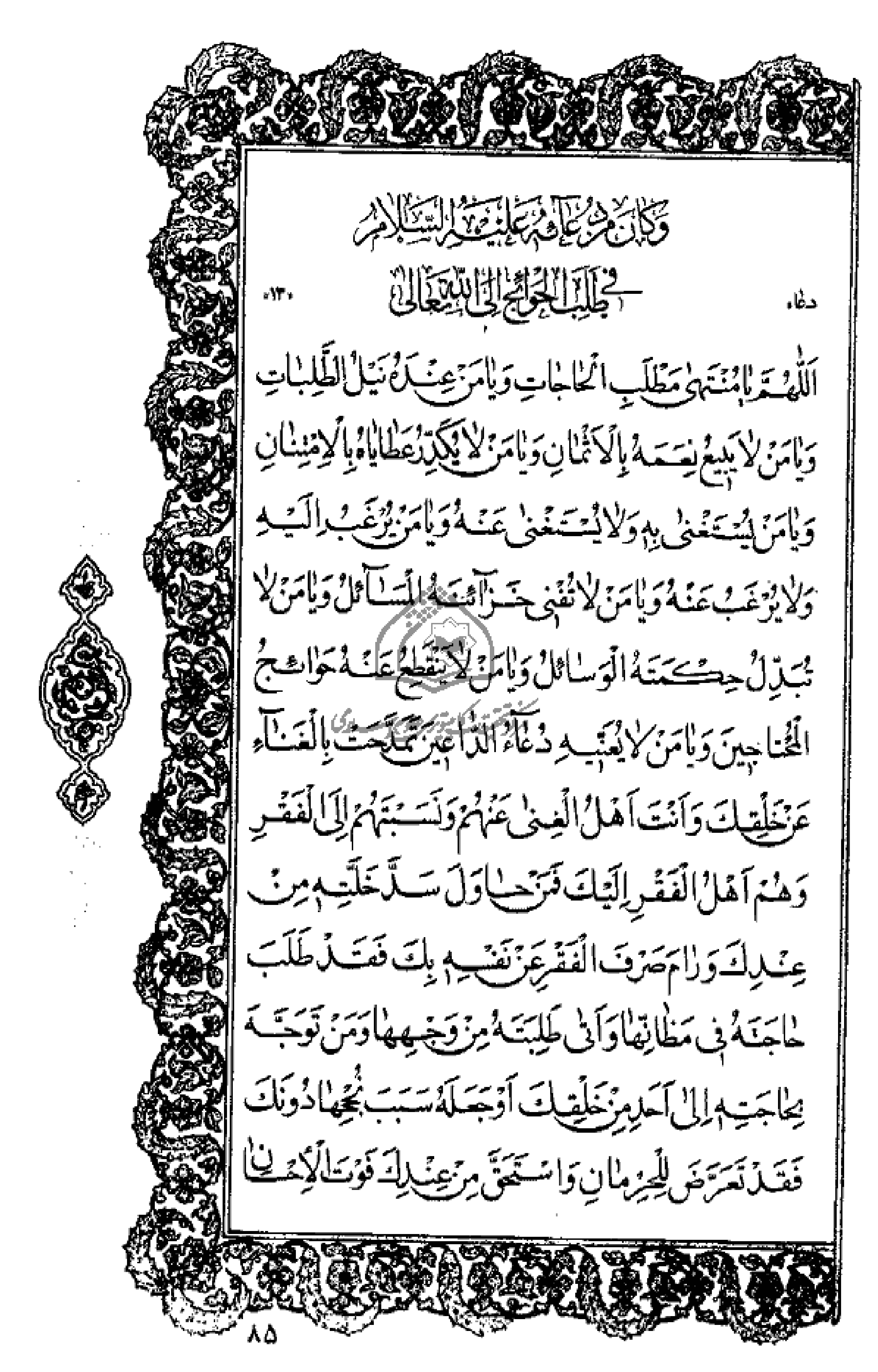
خویش را به پذیرش توبه خوگر کرده‌ای و ناصالحانشان را به توبه به صلاح می‌آوری، ای خداوندی که به اندکی از اعمال نیك آنان خشنود می‌گردی و عملی اندکشان را پاداشی گران عنایت می‌کنی، ای خداوندی که اجابت دعای ایشان را التزام کرده‌ای و به تفضل خویش جزای نیکشان وعده داده‌ای، من گناهکارترینِ گناهکارانی که آمرزیده‌ای نیستم، من نکوهیده‌ترینِ عذرخواهانی که از تو پوزش خواسته‌اند و تو پذیرفته‌ای نیستم، من ستمکارترینِ ستمکارانی که به درگاه تو توبه کرده‌اند و به احسانشان نواخته‌ای نیستم. در این مکان که ایستاده‌ام به درگاهِ تو توبه می‌کنم؛ توبهٔ کسی که از افراطْ در گناه نادم شده و از آن بارِ گرانِ معاصی که بر گردن دارد ترسان است و از ورطه‌ای که در آن افتاده سخت شرمنده است. می‌داند که تو عفو کردن از گناهان بزرگ را بزرگ نمی‌شماری و گذشت از خطای عظیم دشوارت نمی‌نماید و تحمل خطاهای فاحش ما بر تو گران نمی‌آید و محبوب‌ترینِ بندگان تو بنده‌ای است که در برابر تو گردنکشی فروهلد و از اصرار بر گناه دوری جوید و همواره از تو آمرزش خواهد.

ای خداوند، از گردنکشی در برابر تو بیزاری می‌جویم و از اصرار در گناه به تو پناه می‌آورم و از هر قصور که ورزیده‌ام آمرزش می‌خواهم و در هر خدمت که فرومانم از تو یاری می‌طلبم.

ای خداوند، درود بفرست بر محمد و خاندانش و هر حقی را که ادای آن بر من واجب است بر من ببخش، هر خطایی را که مستوجب عقوبت توست بر من ببخشای و مرا از آنچه گناهکاران را وحشت است پناه ده، زیرا تو همه عفو و بخشایشی، در تو امید مغفرت است و خود به گذشت و بخشایش شناخته‌ای. جز تو به کس حاجت نبرم و گناهم را جز تو آمرزنده‌ای نیست. نه، هرگز. بر خود بیمناکم و این بیم جز از تو نیست، که تنها تویی که باید از تو ترسید و تنها تویی که باید از تو آمرزش طلبید.



ای خداوند، بر محمد و خاندان او درود بفرست و حاجت من بر آور، خواهش من روا فرمای، گناه من بیامرز، مرا از ترس ایمن گردان، که تو بر هر چیزی توانایی و این بر تو آسان است. آمین ربَّ العالمین.

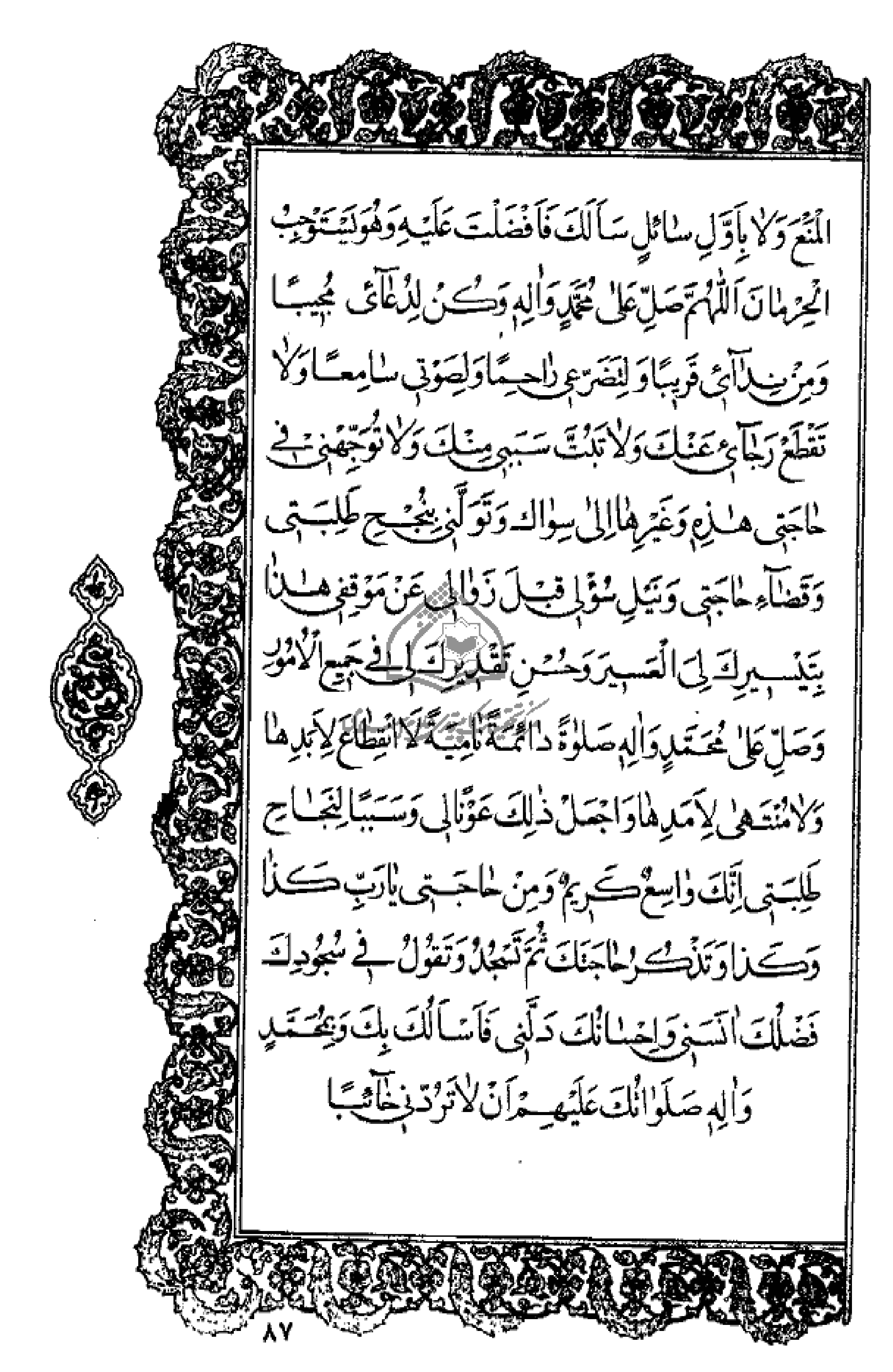


وكان من دعائه عليه السلام
في طلب الحوائج إلى الله تعالى

دعاء ١٣

اللهم يا منتهى مطلب الحاجات ويا من عنده نيل الطلبات
ويا من لا يبيع نعمه بالأثمان ويا من لا يكدر عطاياه بالامتنان
ويا من يستغنى به ولا يستغنى عنه ويا من يرغب إليه
ولا يرغب عنه ويا من لا تفني خزائنه المسائل ويا من لا
تبدل حكمته الوسائل ويا من لا تنقطع عنه حوائج
المحتاجين ويا من لا يعنيه دعاء الداعين تمدحت بالغناء
عن خلقك وأنت أهل الغنى عنهم ونسبتهم إلى الفقر
وهم أهل الفقر إليك فمن حاول سد خلته من
عندك ورام صرف الفقر عن نفسه بك فقد طلب
حاجته في مظانها وأتى طلبته من وجهها ومن توجه
بحاجته إلى أحد من خلقك أو جعله سبب نجحها دونك
فقد تعرض للحرمان واستحق من عندك فوت الإحسان

اَللّٰهُمَّ وَلِي اِلَيْكَ حَاجَةٌ قَدْ قَصَّرَ عَنْهَا جُهْدِي وَتَقَطَّعَتْ
دُونَهَا حِيَلِي وَسَوَّلَتْ لِي نَفْسِي رَفْعَهَا اِلٰى مَنْ يَرْفَعُ حَوَائِجَهُ
اِلَيْكَ وَلَا يَسْتَغْنِي فِي طَلِبَاتِهِ عَنْكَ وَهِيَ زَلَّةٌ مِنْ زَلَلِ
الْخَاطِئِينَ وَعَثْرَةٌ مِنْ عَثَرَاتِ الْمُذْنِبِينَ ثُمَّ انْتَبَهْتُ
بِتَذْكِيرِكَ لِي مِنْ غَفْلَتِي وَنَهَضْتُ بِتَوْفِيقِكَ مِنْ زَلَّتِي
وَنَكَصْتُ بِتَسْدِيدِكَ عَنْ عَثْرَتِي وَقُلْتُ سُبْحَانَ
رَبِّي كَيْفَ يَسْأَلُ مُحْتَاجٌ مُحْتَاجاً وَاَنّٰى يَرْغَبُ مُعْدِمٌ
اِلٰى مُعْدِمٍ فَقَصَدْتُكَ يَا اِلٰهِي بِالرَّغْبَةِ وَاَوْفَدْتُ عَلَيْكَ
رَجَائِي بِالثِّقَةِ بِكَ وَعَلِمْتُ اَنَّ كَثِيرَ مَا اَسْأَلُكَ يَسِيرٌ
فِي وُجْدِكَ وَاَنَّ خَطِيرَ مَا اَسْتَوْهِبُكَ حَقِيرٌ فِي وُسْعِكَ
وَاَنَّ كَرَمَكَ لَا يَضِيقُ عَنْ سُؤَالِ اَحَدٍ وَاَنَّ يَدَكَ بِالْعَطَايَا
اَعْلٰى مِنْ كُلِّ يَدٍ اَللّٰهُمَّ فَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاحْمِلْنِي
بِكَرَمِكَ عَلَى التَّفَضُّلِ وَلَا تَحْمِلْنِي بِعَدْلِكَ عَلَى الْاِسْتِحْقَاقِ
فَمَا اَنَا بِاَوَّلِ رَاغِبٍ رَغِبَ اِلَيْكَ فَاَعْطَيْتَهُ وَهُوَ يَسْتَحِقُّ



الْمَنْعَ وَلا بِأَوَّلِ سائِلٍ سَأَلَكَ فَأَفْضَلْتَ عَلَيْهِ وَهُوَ يَسْتَوْجِبُ
الْحِرْمانَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَكُنْ لِدُعائي مُجيبا
وَمِنْ نِدائي قَريبا وَلِتَضَرُّعي راحِما وَلِصَوْتي سامِعا وَلا
تَقْطَعْ رَجائي عَنْكَ وَلا تَبُتَّ سَبَبي مِنْكَ وَلا تُوَجِّهْني في
حاجَتي هٰذِهِ وَغَيْرِها اِلى سِواكَ وَتَوَلَّني بِنُجْحِ طَلِبَتي
وَقَضاءِ حاجَتي وَنَيْلِ سُؤْلي قَبْلَ زَوالي عَنْ مَوْقِفي هٰذا
بِتَيْسيرِكَ لِيَ الْعَسيرَ وَحُسْنِ تَقْديرِكَ لي في جَميعِ الْاُمُورِ
وَصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ صَلوٰةً دائِمَةً نامِيَةً لاَ انْقِطاعَ لِاَبَدِها
وَلا مُنْتَهىٰ لِاَمَدِها وَاجْعَلْ ذٰلِكَ عَوْنا لي وَسَبَبا لِنَجاحِ
طَلِبَتي اِنَّكَ واسِعٌ كَريمٌ وَمِنْ حاجَتي يا رَبِّ كَذا
وَكَذا وَتَذْكُرُ حاجَتَكَ ثُمَّ تَسْجُدُ وَتَقُولُ في سُجُودِكَ
فَضْلُكَ آنَسَني وَاِحْسانُكَ دَلَّني فَاَسْأَلُكَ بِكَ وَبِمُحَمَّدٍ
وَآلِهِ صَلَواتُكَ عَلَيْهِمْ اَنْ لا تَرُدَّني خائِبا

نیایش سیزدهم[1]

بارخدایا، ای آنکه درگاه تو آخرین مقصد حاجات است و تنها در نزد توست که به خواستها توان رسید. ای خداوندی که در برابر نعمتهایت بهایی نستانی. ای خداوندی که زلال عطایت را به منت تیره نگردانی. ای خداوندی که همگان به تو بی نیاز شوند و کس را از تو بی نیازی نیست. ای خداوندی که همگان را به تو رغبت است و کس را رخ تافتن از تو میسر نیست. ای خداوندی که هرچه خواهندگان از تو خواهند، خزاین نعمتت فناناپذیرد. ای خداوندی که ناموس حکمتت را هیچ وسیله‌ای و سببی دگرگون نسازد. ای خداوندی که حاجت حاجتمندان از تو منقطع نشود. ای خداوندی که دعای دعاکنندگانت به رنج نیفکند. به بی نیازی از آفریدگانت خودرا ستوده‌ای و تو سزاواری که از آنان بی نیازی گزینی. آفریدگانت را به نیازمندی وصف کرده‌ای و آنان را سزاست که به تو نیازمند باشند. پس هر که بخواهد نیازمندیِ خویش را به خواهش ازدرگاه تو رفع کند و گردِ بینوایی از چهرهٔ خود بیفشاند، حاجت خود ازجایی خواسته که بایدش خواست و به دریافت مقصود از راهی رفته است که بایدش رفت.

خداوندا، هرکس که حاجت به یکی از بندگان تو بَرَد یا یکی از بندگانت را سبب رواشدن حاجت خود پندارد، جز حرمان نصیبی حاصل نکند و سزاوار است که تو احسان از او بازگیری.

بارخدایا، مرا به تو حاجتی است که کوشش من ازدست یافتن به آن قاصر آمده بود و راههای چاره به روی من بسته شده بود. نفسِ من مرا واداشت که برآوردن آن نیاز، از کسی خواهم که او خود به رواشدن



۱. دعای آن حضرت است به هنگام طلب حاجت از خدای تعالی.

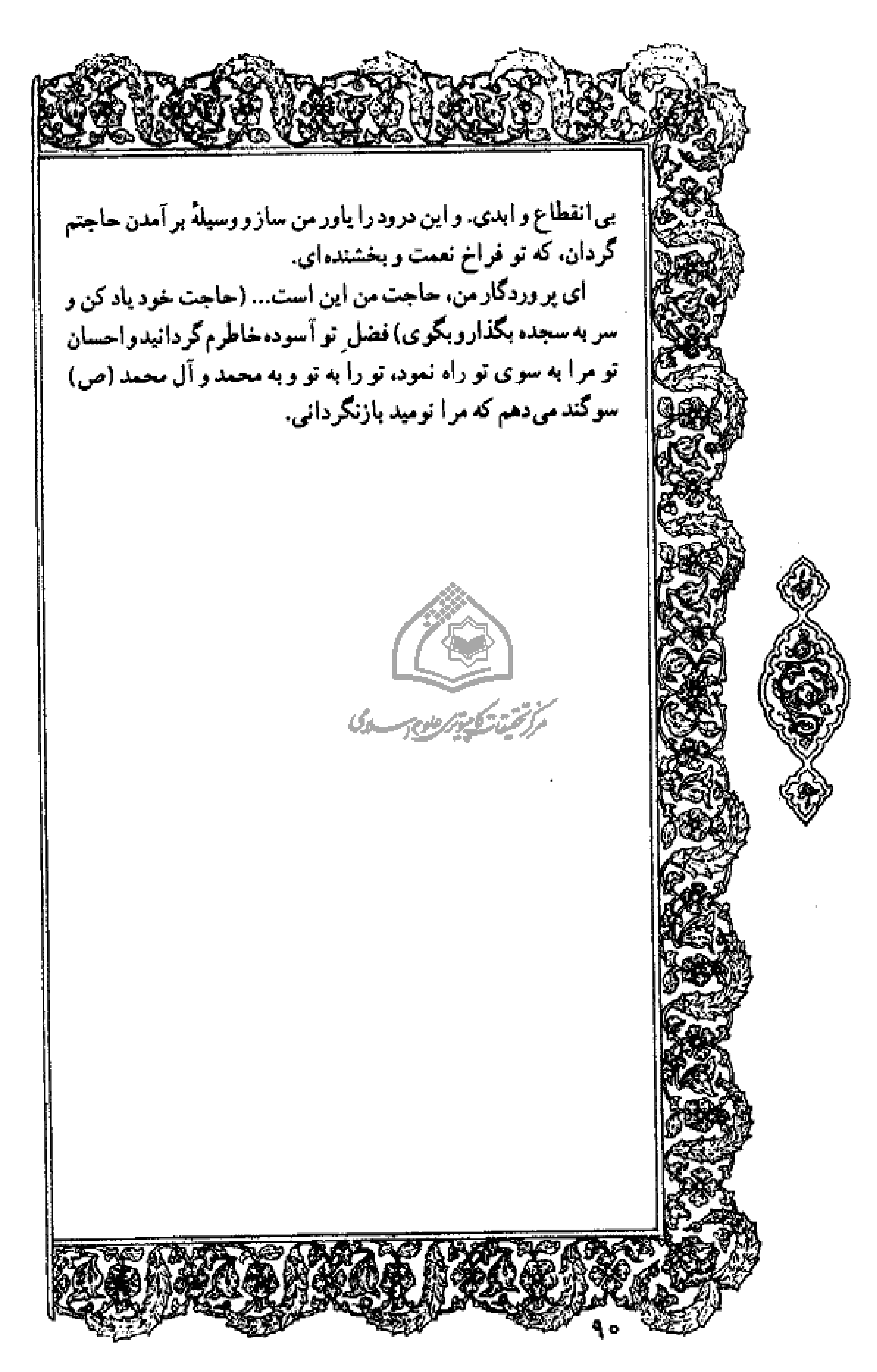


حاجت نیازمندِ توست و برای دست یافتن به خواستهایش از تو بی نیاز نیست. و این خود خطایی بود از خطاهای خطاکاران و لغزشی از لغزشهای گنهکاران. سپس به هشدار تو از خواب غفلت بیدار شدم و به توفیق تو پس از لغزش بر پای خاستم وچون به صوابم راه نمودی دیگر به سر درنیامدم و بازگردیدم. گفتم: منزه است پروردگار من، چگونه نیازمندی دست نیاز به سوی نیازمند دیگر بَرَد و چسان بینوایی به بینوای دیگر روی کند؟ پس، ای خداوند من، با رغبتی تمام آهنگ تو کردم وبا اعتماد به تو روی امید به درگاهت آوردم ودریافتم که هرچه فراوان تر از تو خواهم بازهم در برابر توانگریت ناچیز است وبخشش را هرچه فزون تر خواهم در برابر گشادگی باب عطایت بازهم حقیر است وکرم تو از سؤال هیچ سائلی به تنگنا نمی افتد ودست عطای تو فراتر از هر دست دیگر است.

بارخدایا، بر محمد و خاندانش درود بفرست وبا من از کَرَم وعدل خود آن کن که فضل تو را درخور است نه استحقاق مرا. من نخستین کسی نیستم که سزاوار منع وطرد بود واکنون به تو رغبت یافت وتو به عطای خود اورا نواختی. من نخستین کسی نیستم که مستوجب حرمان ازدرگاه تو بود ودست طلب به سوی تو درازکرد وتو نومیدش نساختی.

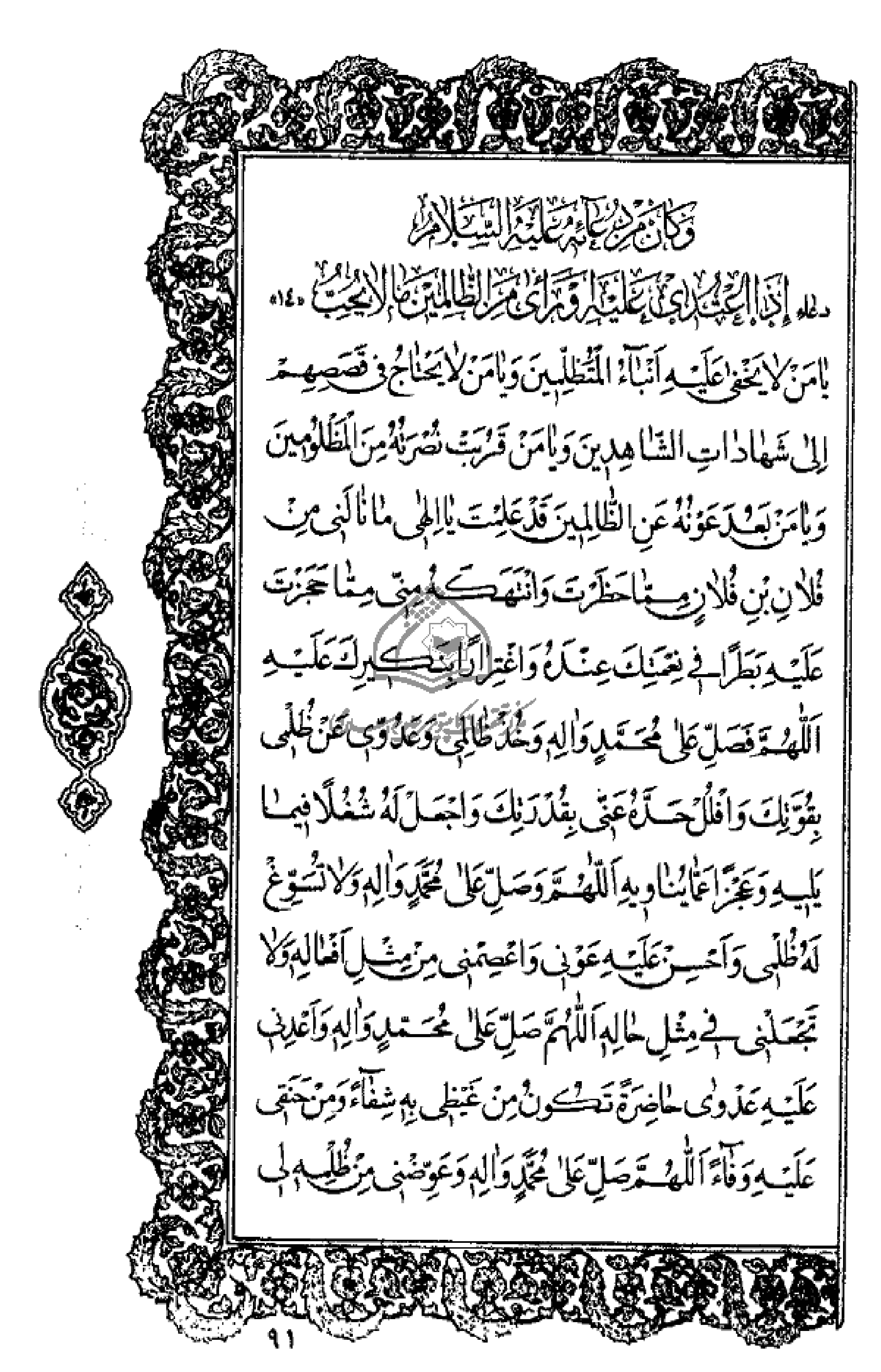
بارخدایا، بر محمد وخاندان اودرود بفرست ودعای مرا اجابت کن وبه ندایم پاسخ گوی وبه زاریهای من رحمت آور وآوازم را بشنو. مرا از خود نومید مکن، رشتهٔ پیوندم را با خود مگسل ودر این نیاز که اکنون مراست، یا هر نیاز دیگر، به درگاه دیگرم مران. یاریم نمای که مطلبم برآید وحاجتم روا شود وبه خواسته‌ام برسم، پیش ازآنکه این مکان را ترك گویم، بدان سان که سختیها را بر من آسان سازی ودر هرکار آنچه را خیر من در آن نهفته است مقدر داری.

بر محمد و خاندان او درود بفرست، درودی پیوسته و دم افزون و



بی انقطاع و ابدی. و این درود را یاور من ساز و وسیلهٔ برآمدن حاجتم گردان، که تو فراخ نعمت و بخشنده‌ای.

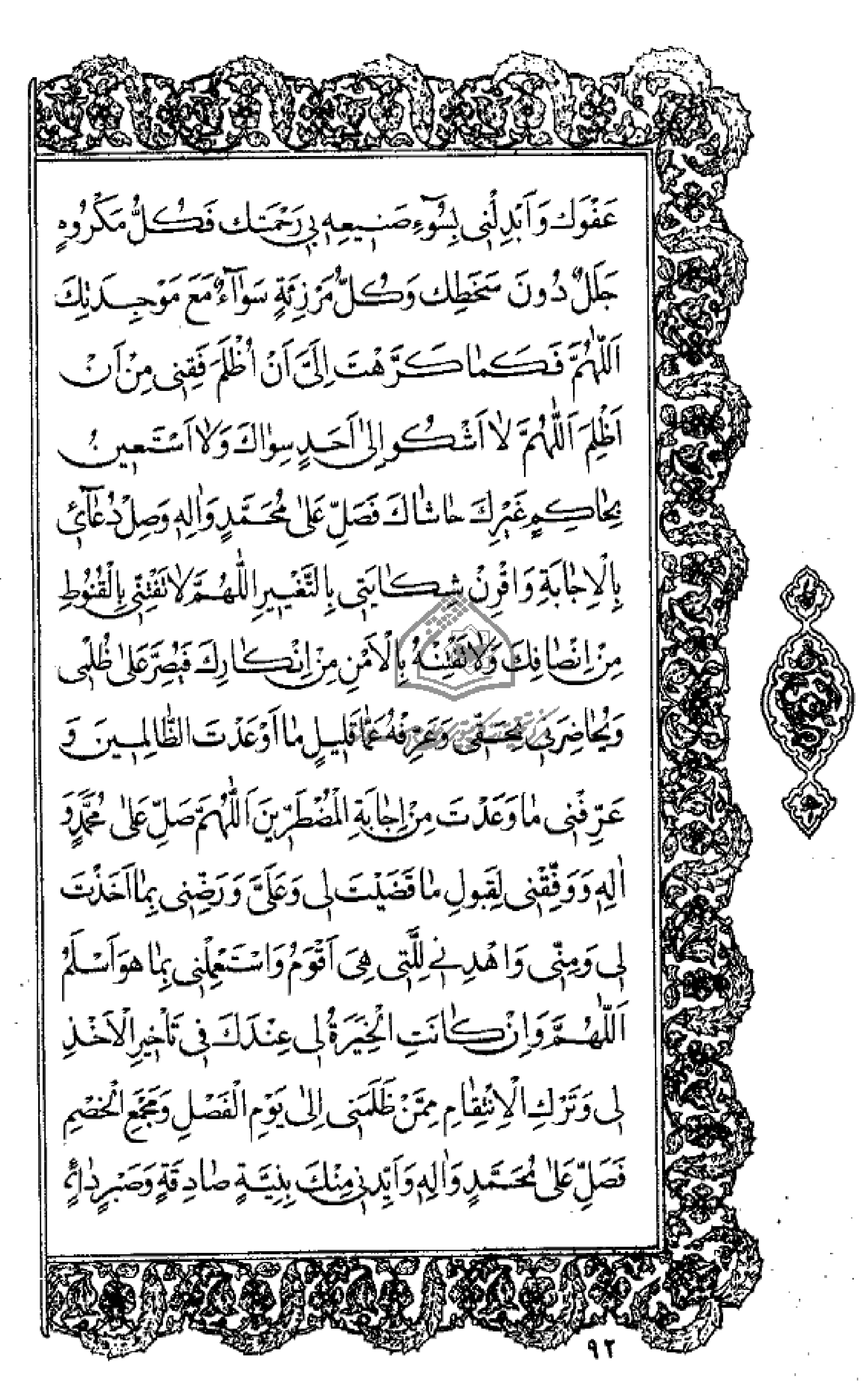
ای پروردگار من، حاجت من این است... (حاجت خود یاد کن و سر به سجده بگذار و بگوی) فضلِ تو آسوده خاطرم گردانید و احسان تو مرا به سوی تو راه نمود، تو را به تو و به محمد و آل محمد (ص) سوگند می‌دهم که مرا نومید بازنگردانی.



وكان من دعائه عليه السلام

إذا اعتدي عليه أو رأى من الظالمين ما لا يحب — دعاء ١٤

يا من لا يخفى عليه أنباء المتظلمين ويا من لا يحتاج في قصصهم
إلى شهادات الشاهدين ويا من قربت نصرته من المظلومين
ويا من بعد عونه عن الظالمين قد علمت يا إلهي ما نالني من
فلان بن فلان مما حظرت وانتهكه مني مما حجزت
عليه بطرا في نعمتك عنده واغترارا بنكيرك عليه
اللهم فصل على محمد وآله وخذ ظالمي وعدوي عن ظلمي
بقوتك وافلل حده عني بقدرتك واجعل له شغلا فيما
يليه وعجزا عما يناويه اللهم وصل على محمد وآله ولا تسوغ
له ظلمي وأحسن عليه عوني واعصمني من مثل أفعاله ولا
تجعلني في مثل حاله اللهم صل على محمد وآله وأعدني
عليه عدوى حاضرة تكون من غيظي به شفاء ومن حنقي
عليه وفاء اللهم صل على محمد وآله وعوضني من ظلمه لي



عَفْوَكَ وَ اَبْدِلْنِي بِسُوءِ صَنِيعِهِ بِي رَحْمَتَكَ فَكُلُّ مَكْرُوهٍ

جَلَلٌ دُونَ سَخَطِكَ وَ كُلُّ مَرْزِئَةٍ سَوَاءٌ مَعَ مَوْجِدَتِكَ

اَللّٰهُمَّ فَكَمَا كَرَّهْتَ اِلَيَّ اَنْ اُظْلَمَ فَقِنِي مِنْ اَنْ

اَظْلِمَ اَللّٰهُمَّ لَا اَشْكُو اِلَى اَحَدٍ سِوَاكَ وَ لَا اَسْتَعِينُ

بِحَاكِمٍ غَيْرِكَ حَاشَاكَ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِهِ وَ صِلْ دُعَائِي

بِالْاِجَابَةِ وَ اقْرِنْ شِكَايَتِي بِالتَّغْيِيرِ اَللّٰهُمَّ لَا تَفْتِنِّي بِالْقُنُوطِ

مِنْ اِنْصَافِكَ وَ لَا تَفْتِنْهُ بِالْاَمْنِ مِنْ اِنْكَارِكَ فَيُصِرَّ عَلَى ظُلْمِي

وَ يُحَاضِرَنِي بِحَقِّي وَ عَرِّفْهُ عَمَّا قَلِيلٍ مَا اَوْعَدْتَ الظَّالِمِينَ وَ

عَرِّفْنِي مَا وَعَدْتَ مِنْ اِجَابَةِ الْمُضْطَرِّينَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ

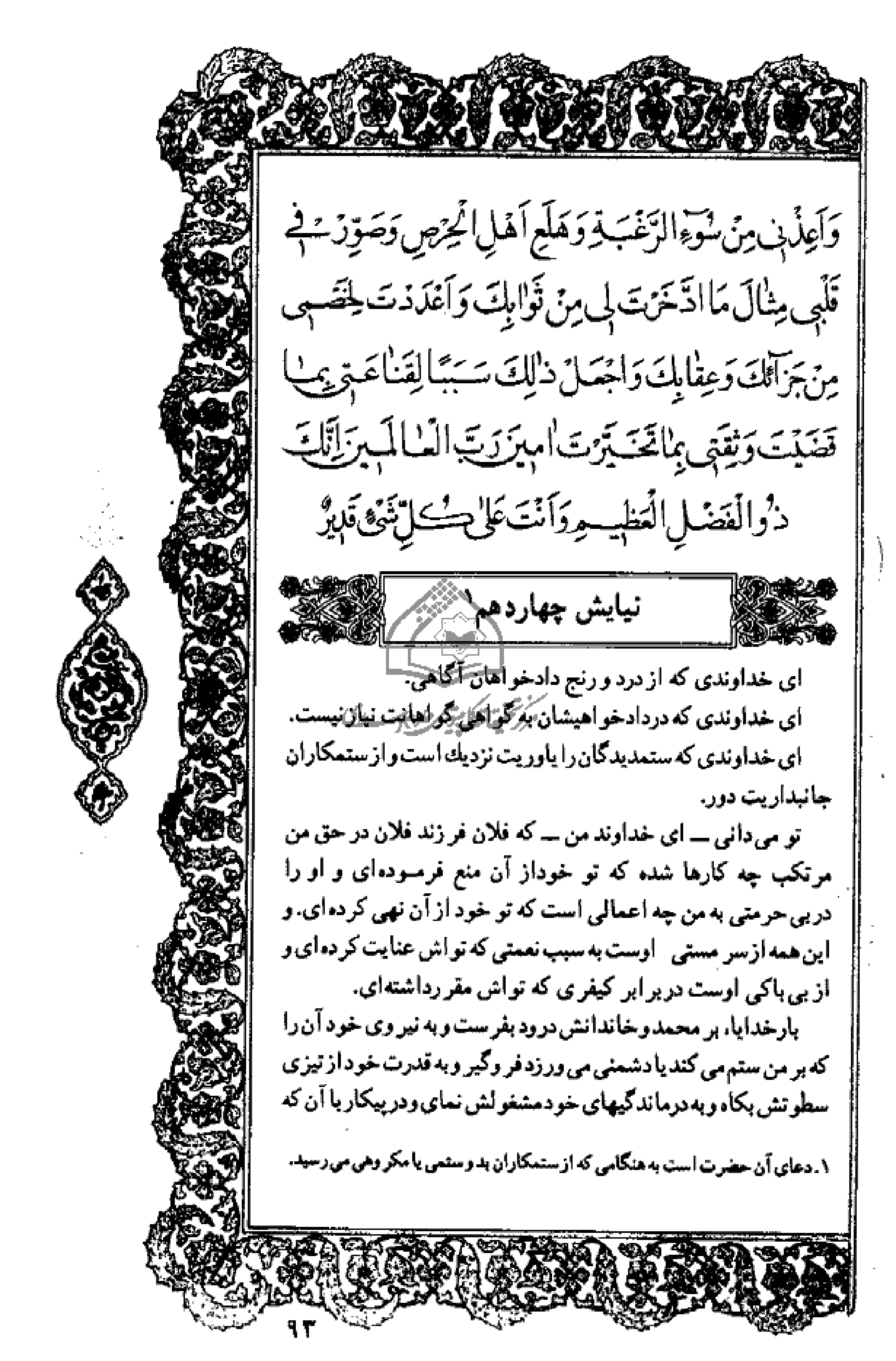
اٰلِهِ وَ وَفِّقْنِي لِقَبُولِ مَا قَضَيْتَ لِي وَ عَلَيَّ وَ رَضِّنِي بِمَا اَخَذْتَ

لِي وَ مِنِّي وَ اهْدِنِي لِلَّتِي هِيَ اَقْوَمُ وَ اسْتَعْمِلْنِي بِمَا هُوَ اَسْلَمُ

اَللّٰهُمَّ وَ اِنْ كَانَتِ الْخِيَرَةُ لِي عِنْدَكَ فِي تَاْخِيرِ الْاَخْذِ

لِي وَ تَرْكِ الْاِنْتِقَامِ مِمَّنْ ظَلَمَنِي اِلَى يَوْمِ الْفَصْلِ وَ مَجْمَعِ الْخَصْمِ

فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِهِ وَ اَيِّدْنِي مِنْكَ بِنِيَّةٍ صَادِقَةٍ وَ صَبْرٍ دَائِمٍ



وَاَعِذْنِي مِنْ سُوءِ الرَّغْبَةِ وَهَلَعِ اَهْلِ الْحِرْصِ وَصَوِّرْ فِي
قَلْبِي مِثَالَ مَا ادَّخَرْتَ لِي مِنْ ثَوَابِكَ وَاَعْدَدْتَ لِخَصْمِي
مِنْ جَزَائِكَ وَعِقَابِكَ وَاجْعَلْ ذٰلِكَ سَبَبًا لِقَنَاعَتِي بِمَا
قَضَيْتَ وَثِقَتِي بِمَا تَخَيَّرْتَ اٰمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ اِنَّكَ
ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ وَاَنْتَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

نیایش چهاردهم[1]

ای خداوندی که از درد و رنج دادخواهان آگاهی.

ای خداوندی که دردادخواهیشان به گواهی گواهانت نیاز نیست.

ای خداوندی که ستمدیدگان را یاوریت نزدیك است و از ستمکاران جانبداریت دور.

تو می‌دانی ــ ای خداوند من ــ که فلان فرزند فلان در حق من مرتکب چه کارها شده که تو خوداز آن منع فرموده‌ای و او را دربی حرمتی به من چه اعمالی است که تو خود از آن نهی کرده‌ای. و این همه از سر مستی اوست به سبب نعمتی که تواش عنایت کرده‌ای و از بی‌باکی اوست دربرابر کیفری که تواش مقرر داشته‌ای.

بارخدایا، بر محمد و خاندانش درود بفرست و به نیروی خود آن را که بر من ستم می‌کند یا دشمنی می‌ورزد فروگیر و به قدرت خود از تیزی سطوتش بکاه و به درماندگیهای خود مشغولش نمای و درپیکار با آن که

۱. دعای آن حضرت است به هنگامی که از ستمکاران بد و ستمی یا مکروهی می‌رسید.

به خلافش برخاسته است عاجزش گردان.

بارخدایا، بر محمد و خاندانش درود بفرست و خصم مرا رخصت مده که بر من ستم روادارد. نیك یاریم کن که دربرابرش پایداری کنم و مرا از ارتکاب اعمالی چون اعمال او و گرفتار آمدن به حالتی چون حال او، نگه‌دار.

بارخدایا، بر محمد و خاندانش درود بفرست و در حال مرا بر ضد او چنان یاوری کن که خشم مرا فرونشاند و انتقام من از او بستاند.

بارخدایا، بر محمد و خاندانش درود بفرست و به جای آن ستم که آن ستمکار بر من روا داشته است تو عفو و بخشایش خود بر من ارزانی دار و به جای سوء رفتار او رحمت خود بر من عطا فرمای، که هر مکروهی در برابر خشم تو ناچیز است و هر مصیبتی در برابر غضب تو سهل.

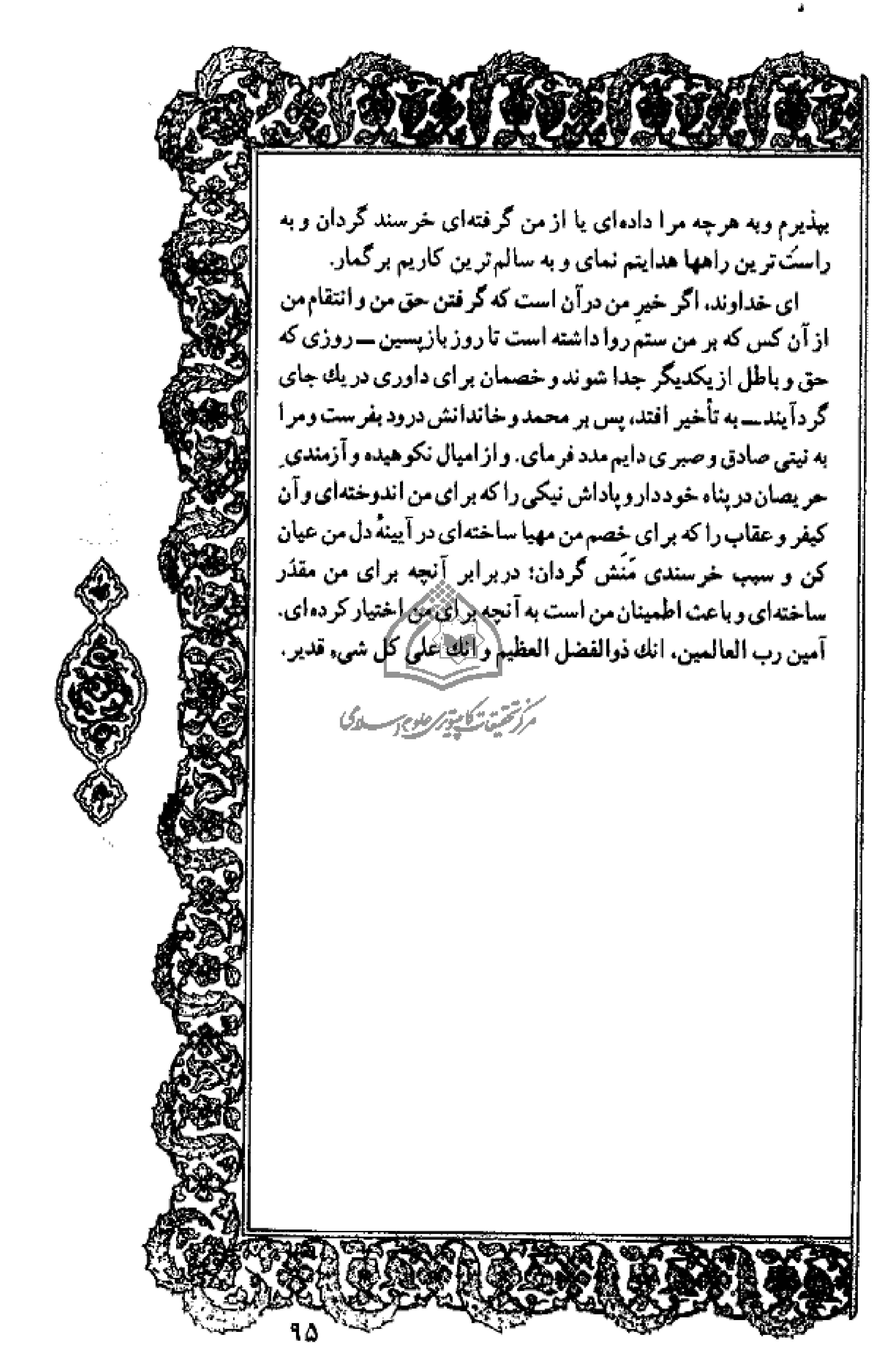
ای خداوند، آن سان که در دل من ستمدیدگی را نکوهیده داشته‌ای مرا نیز توفیق ده که به کس ستم نکنم.

ای خداوند، شکایت جز به تو به دیگر کس نبرم و از دیگری جز تو داوری نجویم. هرگز مباد که چنین کنم. پس بر محمد و خاندانش درود بفرست و دعای مرا به اجابت پیوند و دادخواهی مرا با دگرگون ساختن ستمگر قرین فرمای.

ای خداوند، مرا به نومیدی از انصاف دادن خویش میازمای. و آن را که بر من ستم روا می‌دارد آن چنان ایمن مگردان که کیفر تو از یاد ببرد، تا در ستم بر من پای فشرَد و بر حق من دست تطاول دراز کند. به زودی آن وعده که به ستمکاران داده‌ای در حق او روا دار و آن وعدهٔ اجابت که بیچارگان را داده‌ای دربارهٔ من به جای آر.

ای خداوند، بر محمد و خاندانش درود فرست و مرا توفیق ده که هرچه بر من مقدّر نموده‌ای، خواه مرا سودمند افتد یا زیانمند، به آسانی





بپذیرم و به هرچه مرا داده‌ای یا از من گرفته‌ای خرسند گردان و به راست‌ترین راهها هدایتم نمای و به سالم‌ترین کاریم برگمار.

ای خداوند، اگر خیرِ من در آن است که گرفتن حق من و انتقام من از آن کس که بر من ستم روا داشته است تا روز بازپسین ــ روزی که حق و باطل از یکدیگر جدا شوند و خصمان برای داوری در یک جای گرد آیند ــ به تأخیر افتد، پس بر محمد و خاندانش درود بفرست و مرا به نیتی صادق و صبری دایم مدد فرمای. و از امیال نکوهیده و آزمندیِ حریصان در پناه خود دار و پاداش نیکی را که برای من اندوخته‌ای و آن کیفر و عقاب را که برای خصم من مهیا ساخته‌ای در آیینهٔ دل من عیان کن و سبب خرسندی مَنَش گردان؛ در برابر آنچه برای من مقدّر ساخته‌ای و باعث اطمینان من است به آنچه برای من اختیار کرده‌ای. آمین رب العالمین، انك ذوالفضل العظیم و انك علی کل شیء قدیر.

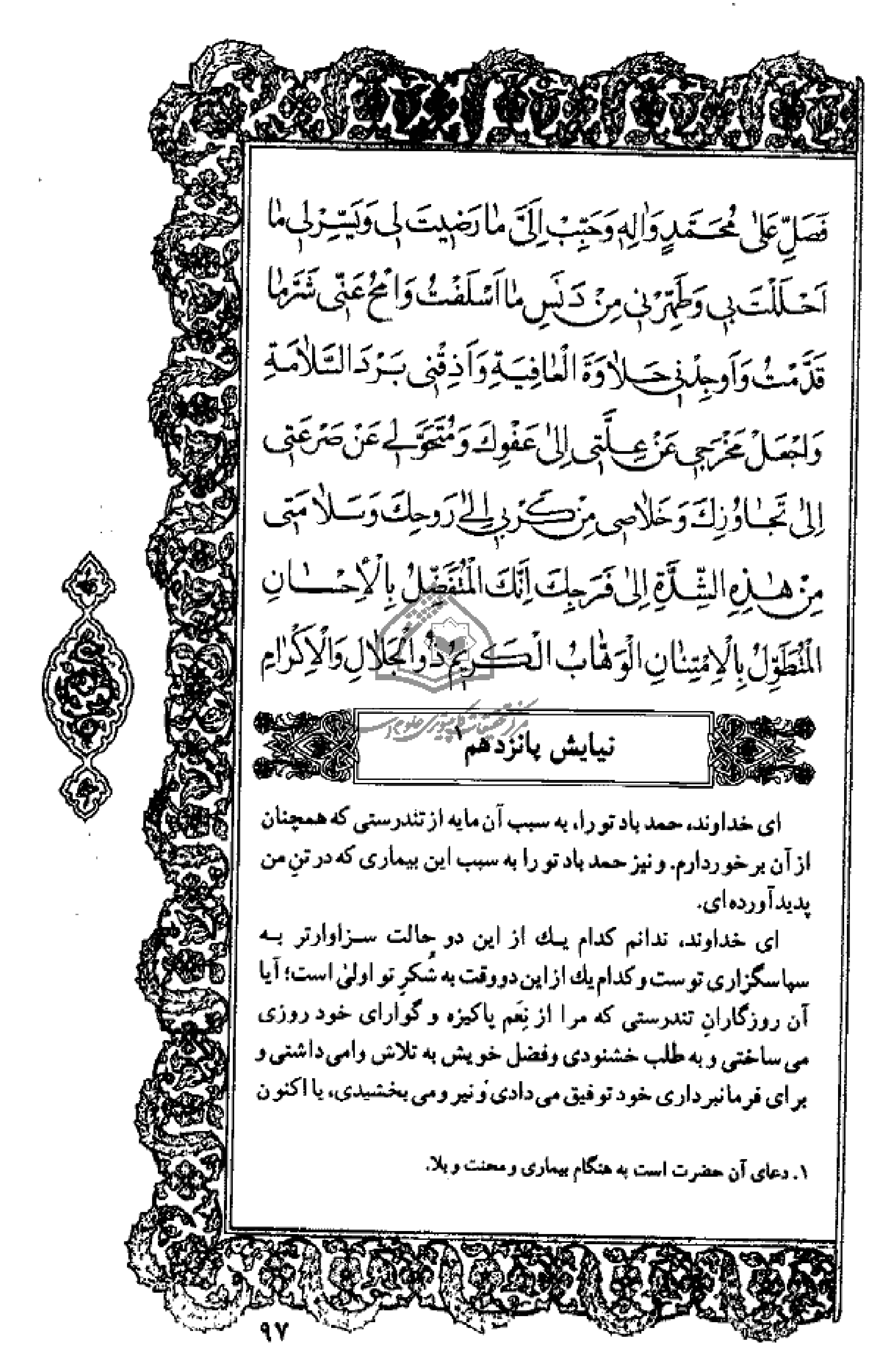
وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ

إِذَا مَرِضَ أَوْ نَزَلَ بِهِ كَرْبٌ أَوْ بَلِيَّةٌ

دعاء «١٥»

اللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا لَمْ أَزَلْ أَتَصَرَّفُ فِيهِ مِنْ سَلَامَةِ
بَدَنِي وَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا أَحْدَثْتَ بِي مِنْ عِلَّةٍ فِي جَسَدِي
فَمَا أَدْرِي يَا إِلٰهِي أَيُّ الْحَالَيْنِ أَحَقُّ بِالشُّكْرِ لَكَ وَأَيُّ
الْوَقْتَيْنِ أَوْلَى بِالْحَمْدِ لَكَ أَوَقْتُ الصِّحَّةِ الَّتِي هَنَّأْتَنِي فِيهَا
طَيِّبَاتِ رِزْقِكَ وَنَشَّطْتَنِي بِهَا لِابْتِغَاءِ مَرْضَاتِكَ وَفَضْلِكَ
وَقَوَّيْتَنِي مَعَهَا عَلَى مَا وَفَّقْتَنِي لَهُ مِنْ طَاعَتِكَ أَمْ وَقْتُ الْعِلَّةِ
الَّتِي مَحَّصْتَنِي بِهَا وَالنِّعَمِ الَّتِي أَتْحَفْتَنِي بِهَا تَخْفِيفاً لِمَا ثَقُلَ بِهِ عَلَى
ظَهْرِي مِنَ الْخَطِيئَاتِ وَتَطْهِيراً لِمَا انْغَمَسْتُ فِيهِ مِنَ السَّيِّئَاتِ
وَتَنْبِيهاً لِتَنَاوُلِ التَّوْبَةِ وَتَذْكِيراً لِمَحْوِ الْحَوْبَةِ بِقَدِيمِ النِّعْمَةِ
وَفِي خِلَالِ ذٰلِكَ مَا كَتَبَ لِيَ الْكَاتِبَانِ مِنْ زَكِيِّ
الْأَعْمَالِ مَا لَا قَلْبٌ فَكَّرَ فِيهِ وَلَا لِسَانٌ نَطَقَ بِهِ وَلَا جَارِحَةٌ
تَكَلَّفَتْهُ بَلْ إِفْضَالًا مِنْكَ عَلَيَّ وَإِحْسَاناً مِنْ صَنِيعِكَ إِلَيَّ اللّٰهُمَّ





فَصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَحَبِّبْ اِلَيَّ ما رَضيتَ لي وَيَسِّرْ لي ما اَحْلَلْتَ بي وَطَهِّرْني مِنْ دَنَسِ ما اَسْلَفْتُ وَامْحُ عَنّي شَرَّ ما قَدَّمْتُ وَاَوْجِدْني حَلاوَةَ الْعافِيَةِ وَاَذِقْني بَرْدَ السَّلامَةِ وَاجْعَلْ مَخْرَجي عَنْ عِلَّتي اِلى عَفْوِكَ وَمُتَحَوَّلي عَنْ صَرْعَتي اِلى تَجاوُزِكَ وَخَلاصي مِنْ كَرْبي اِلى رَوْحِكَ وَسَلامَتي مِنْ هذِهِ الشِّدَّةِ اِلى فَرَجِكَ اِنَّكَ الْمُتَفَضِّلُ بِالْاِحْسانِ الْمُتَطَوِّلُ بِالْاِمْتِنانِ الْوَهّابُ الْكَريمُ ذُو الْجَلالِ وَالْاِكْرامِ

نیایش پانزدهم[1]

ای خداوند، حمد باد تو را، به سبب آن مایه از تندرستی که همچنان از آن برخوردارم. و نیز حمد باد تو را به سبب این بیماری که در تنِ من پدید آورده ای.

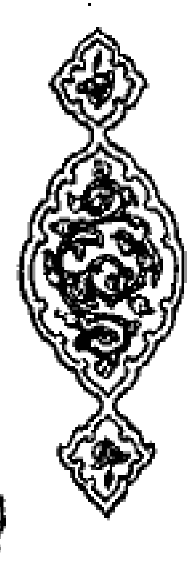
ای خداوند، ندانم کدام یک از این دو حالت سزاوارتر به سپاسگزاری توست و کدام یك از این دو وقت به شکرِ تو اولیٰ است؛ آیا آن روزگارانِ تندرستی که مرا از نِعَم پاکیزه و گوارای خود روزی می ساختی و به طلب خشنودی وفضل خویش به تلاش وامی داشتی و برای فرمانبرداری خود توفیق می دادی و نیرو می بخشیدی، یا اکنون

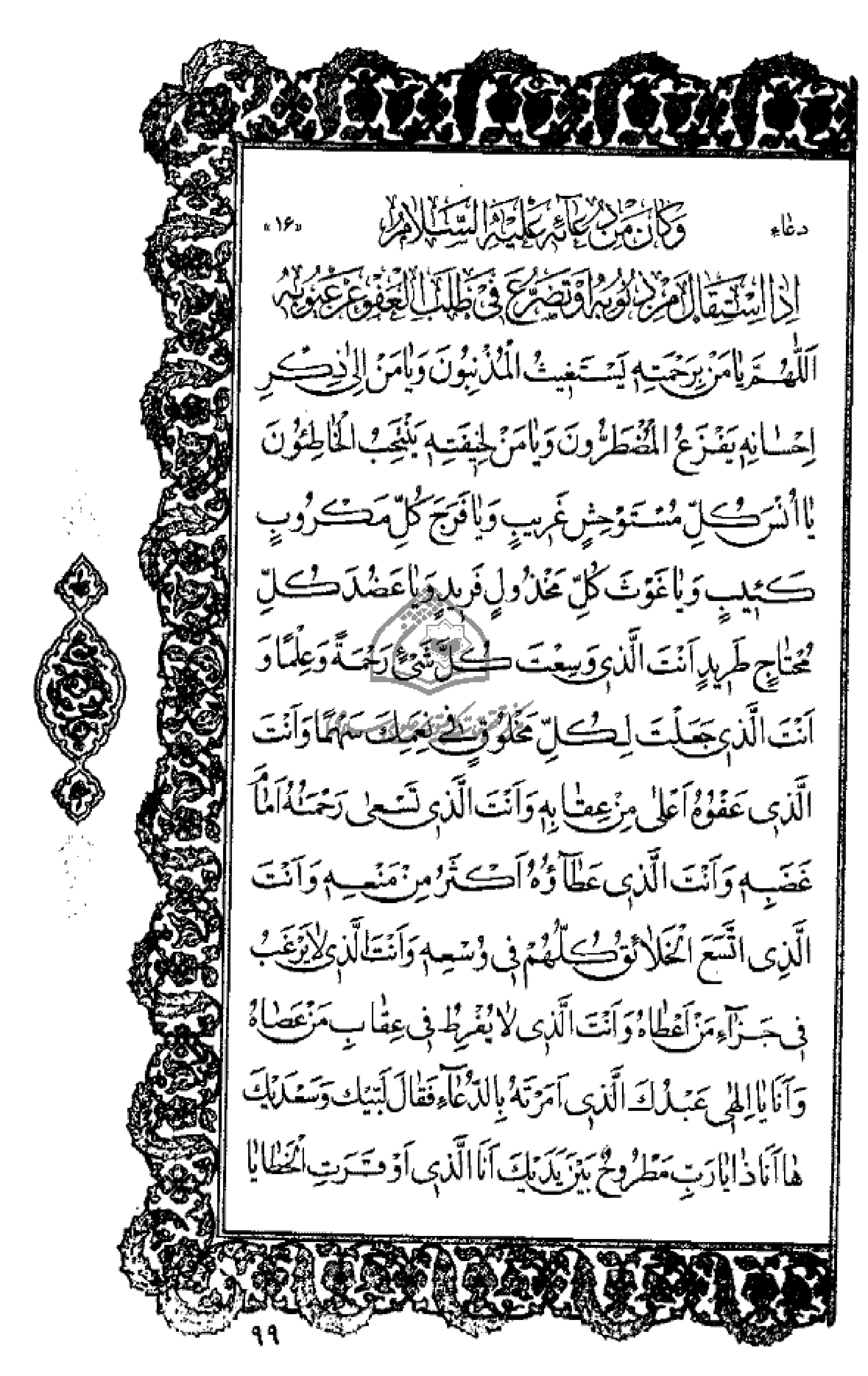
۱. دعای آن حضرت است به هنگام بیماری و محنت و بلا.

که بیمارم و مرا به این بیماری آزموده ای و این دردها را چونان نعمتی بر من ارمغان داشته‌ای، تا بارِ گناهم را که بر پشتم سنگینی می کند سبک گردانی و از گناهانی که در آن غرقه گشته‌ام پاکیزه سازی و مرا به توبه هشدار دهی و یادکردِ نعمت قدیم را سبب زدودن گناهان کنی؟

ای خداوند، در خلال این احوال بسا اعمال پسندیده است که آن دو فرشته در نامهٔ عمل من نوشته اند؛ اعمالی که نه هیچ دلی در آن اندیشیده و نه هیچ زبانی از آن سخن گفته و نه هیچ اندامی برای آن تحمل رنجی کرده است، بلکه همهٔ اینها فضل و بخشایش تو بوده است در حق من و احسان و انعام تو بوده است برای من.

بارخدایا، بر محمد و خاندانش درود بفرست و در دل من بیارای آنچه را که تو خود برای من خواسته‌ای و بر من آسان ساز آنچه را که تو خود بر سرِ من فرستاده‌ای. مرا از لوث گناهان پیشین پاک گردان و بدیهایی را که زین پیش مرتکب شده‌ام ازمن بزدای و حلاوت عافیت را در من پدید آور و خنکی سلامت را به من بچشان و اکنون که مرا شفا عنایت می کنی بهبود مرا با عفوِ خویش دمساز کن و برخاستن از بسترم را با اغماض و گذشتِ خویش توأم فرمای و بیرون شدن از چنبر اندوهم را با رحمت خود قرین گردان و رهاییم را از این محنت با گشایش خویش همراه کن. تویی تو که به فضل خویش احسان می کنی و نعمتهای بی کران می بخشی. تویی تو بخشایندهٔ کریم و صاحب جلال و بزرگواری.





دعاء «١٦»

وكان من دعائه عليه السلام

اذا استقال من ذنوبه او تضرع في طلب العفو عن عيوبه

اللهم يا من برحمته يستغيث المذنبون ويا من الى ذكر
احسانه يفزع المضطرون ويا من لخيفته ينتحب الخاطئون
يا انس كل مستوحش غريب ويا فرج كل مكروب
كئيب ويا غوث كل مخذول فريد ويا عضد كل
محتاج طريد انت الذي وسعت كل شيء رحمة وعلما و
انت الذي جعلت لكل مخلوق في نعمك سهما وانت
الذي عفوه اعلى من عقابه وانت الذي تسعى رحمته امام
غضبه وانت الذي عطاؤه اكثر من منعه وانت
الذي اتسع الخلائق كلهم في وسعه وانت الذي لا يرغب
في جزاء من اعطاه وانت الذي لا يفرط في عقاب من عصاه
وانا يا الهي عبدك الذي امرته بالدعاء فقال لبيك وسعديك
ها انا ذا يا رب مطروح بين يديك انا الذي اوقرت الخطايا

ظَهْرَهُ وَاَنَا الَّذِي اَفْنَتِ الذُّنُوبُ عُمْرَهُ وَاَنَا الَّذِي بِجَهْلِهِ

عَصَاكَ وَلَمْ تَكُنْ اَهْلاً مِنْهُ لِذَاكَ هَلْ اَنْتَ يَا اِلٰهِي رَاحِمُ

مَنْ دَعَاكَ فَاُبْلِغَ فِي الدُّعَآءِ اَمْ اَنْتَ غَافِرٌ لِمَنْ بَكَاكَ فَاُسْرِعَ

فِي الْبُكَآءِ اَمْ اَنْتَ مُتَجَاوِزٌ عَمَّنْ عَفَّرَ لَكَ وَجْهَهُ تَذَلُّلاً اَمْ

اَنْتَ مُغْنٍ مَنْ شَكَا اِلَيْكَ فَقْرَهُ تَوَكُّلاً اِلٰهِي لَا تُخَيِّبْ

مَنْ لَا يَجِدُ مُعْطِياً غَيْرَكَ وَلَا تَخْذُلْ مَنْ لَا يَسْتَغْنِي عَنْكَ بِاَحَدٍ

دُونَكَ اِلٰهِي فَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ وَلَا تُعْرِضْ عَنِّي وَقَدْ اَقْبَلْتُ

عَلَيْكَ وَلَا تَحْرِمْنِي وَقَدْ رَغِبْتُ اِلَيْكَ وَلَا تَجْبَهْنِي بِالرَّدِّ وَقَدِ

انْتَصَبْتُ بَيْنَ يَدَيْكَ اَنْتَ الَّذِي وَصَفْتَ نَفْسَكَ بِالرَّحْمَةِ فَصَلِّ

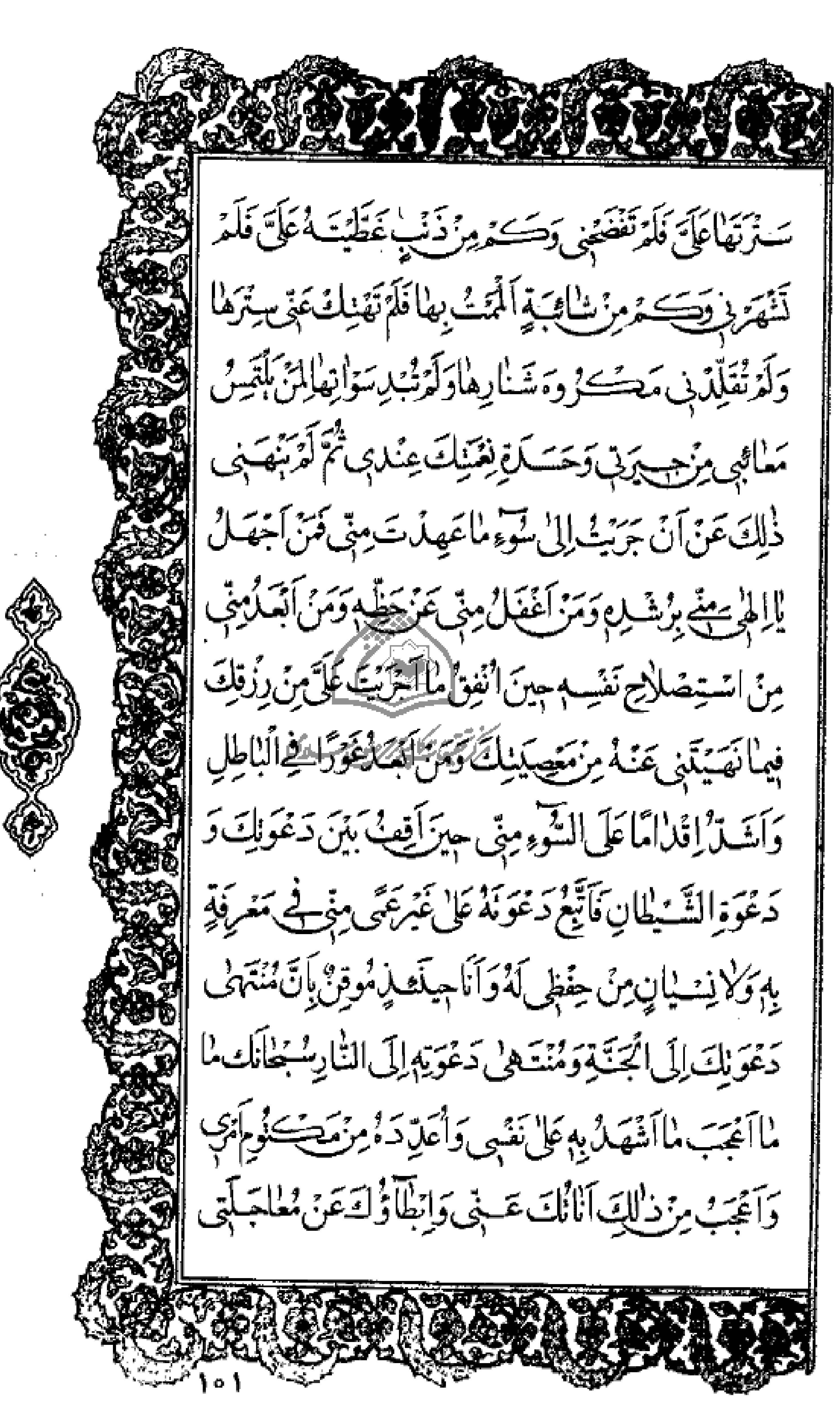
عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ وَارْحَمْنِي وَاَنْتَ الَّذِي سَمَّيْتَ نَفْسَكَ بِالْعَفْوِ فَاعْفُ

عَنِّي قَدْ تَرٰى يَا اِلٰهِي فَيْضَ دَمْعِي مِنْ خِيفَتِكَ وَوَجِيبَ قَلْبِي مِنْ

خَشْيَتِكَ وَانْتِفَاضَ جَوَارِحِي مِنْ هَيْبَتِكَ كُلُّ ذٰلِكَ حَيَآءً

مِنْكَ لِسُوءِ عَمَلِي وَلِذٰلِكَ خَمَدَ صَوْتِي عَنِ الْجَاْرِ اِلَيْكَ وَكَلَّ

لِسَانِي عَنْ مُنَاجَاتِكَ يَا اِلٰهِي فَلَكَ الْحَمْدُ فَكَمْ مِنْ عَائِبَةٍ



سَتَرْتَها عَلَيَّ فَلَمْ تَفْضَحْني وَكَمْ مِنْ ذَنْبٍ غَطَّيْتَهُ عَلَيَّ فَلَمْ
تَشْهَرْني وَكَمْ مِنْ شائِبَةٍ أَلْمَمْتُ بِها فَلَمْ تَهْتِكْ عَنّي سِتْرَها
وَلَمْ تُقَلِّدْني مَكْرُوهَ شَنارِها وَلَمْ تُبْدِ سَوْآتِها لِمَنْ يَلْتَمِسُ
مَعايِبي مِنْ جيرَتي وَحَسَدَةِ نِعْمَتِكَ عِنْدي ثُمَّ لَمْ يَنْهَني
ذلِكَ عَنْ أَنْ جَرَيْتُ إِلى سُوءِ ما عَهِدْتَ مِنّي فَمَنْ أَجْهَلُ
يا إِلهي مِنّي بِرُشْدِهِ وَمَنْ أَغْفَلُ مِنّي عَنْ حَظِّهِ وَمَنْ أَبْعَدُ مِنّي
مِنِ اسْتِصْلاحِ نَفْسِهِ حينَ أُنْفِقُ ما أَجْرَيْتَ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ
فيما نَهَيْتَني عَنْهُ مِنْ مَعْصِيَتِكَ وَمَنْ أَبْعَدُ غَوْراً فِي الْباطِلِ
وَأَشَدُّ إِقْداماً عَلَى السُّوءِ مِنّي حينَ أَقِفُ بَيْنَ دَعْوَتِكَ وَ
دَعْوَةِ الشَّيْطانِ فَأَتَّبِعُ دَعْوَتَهُ عَلى غَيْرِ عَمىً مِنّي في مَعْرِفَةٍ
بِهِ وَلا نِسْيانٍ مِنْ حِفْظي لَهُ وَأَنَا حينَئِذٍ مُوقِنٌ بِأَنَّ مُنْتَهى
دَعْوَتِكَ إِلَى الْجَنَّةِ وَمُنْتَهى دَعْوَتِهِ إِلَى النّارِ سُبْحانَكَ ما
ما أَعْجَبَ ما أَشْهَدُ بِهِ عَلى نَفْسي وَأُعَدِّدُهُ مِنْ مَكْتُومِ أَمْري
وَأَعْجَبُ مِنْ ذلِكَ أَناتُكَ عَنّي وَإِبْطاؤُكَ عَنْ مُعاجَلَتي

وَلَيْسَ ذٰلِكَ مِنْ كَرَمِي عَلَيْكَ بَلْ تَأَنِّياً مِنْكَ لِي وَتَفَضُّلاً

مِنْكَ عَلَيَّ لِأَنْ أَرْتَدِعَ عَنْ مَعْصِيَتِكَ الْمُسْخِطَةِ وَأُقْلِعَ عَنْ

سَيِّئَاتِي الْمُخْلِقَةِ وَلِأَنَّ عَفْوَكَ عَنِّي أَحَبُّ إِلَيْكَ مِنْ عُقُوبَتِي

بَلْ أَنَا يَا إِلٰهِي أَكْثَرُ ذُنُوباً وَأَقْبَحُ آثَاراً وَأَشْنَعُ أَفْعَالاً وَ

أَشَدُّ فِي الْبَاطِلِ تَهَوُّراً وَأَضْعَفُ عِنْدَ طَاعَتِكَ تَيَقُّظاً وَأَقَلُّ

لِوَعِيدِكَ انْتِبَاهاً وَارْتِقَاباً مِنْ أَنْ أُحْصِيَ لَكَ عُيُوبِي أَوْ

أَقْدِرَ عَلَى ذِكْرِ ذُنُوبِي وَإِنَّمَا أُوَبِّخُ بِهٰذَا نَفْسِي طَمَعاً فِي

رَأْفَتِكَ الَّتِي بِهَا صَلَاحُ أَمْرِ الْمُذْنِبِينَ وَرَجَاءً لِرَحْمَتِكَ الَّتِي

بِهَا فَكَاكُ رِقَابِ الْخَاطِئِينَ اَللّٰهُمَّ هٰذِهِ رَقَبَتِي قَدْ

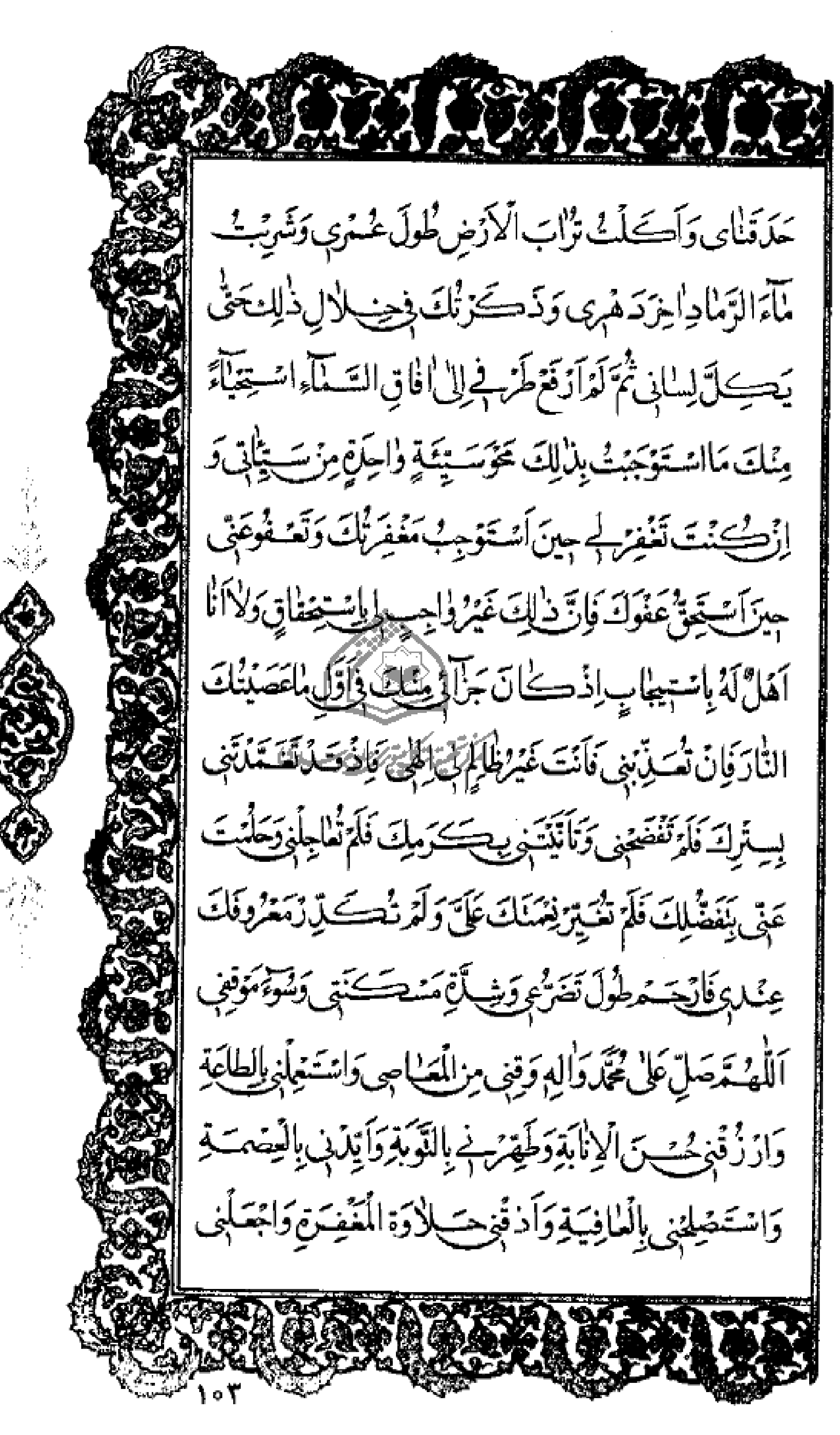
أَرَقَّتْهَا الذُّنُوبُ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَعْتِقْهَا بِعَفْوِكَ وَهٰذَا

ظَهْرِي قَدْ أَثْقَلَتْهُ الْخَطَايَا فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَخَفِّفْ عَنْهُ

بِمَنِّكَ يَا إِلٰهِي لَوْ بَكَيْتُ إِلَيْكَ حَتَّى تَسْقُطَ أَشْفَارُ عَيْنَيَّ

وَانْتَحَبْتُ حَتَّى يَنْقَطِعَ صَوْتِي وَقُمْتُ لَكَ حَتَّى تَتَنَشَّرَ قَدَمَايَ

وَرَكَعْتُ لَكَ حَتَّى يَنْخَلِعَ صُلْبِي وَسَجَدْتُ لَكَ حَتَّى تَتَفَقَّأَ



حدقتاي وأكلت تراب الأرض طول عمري وشربت
ماء الرماد آخر دهري وذكرتك في خلال ذلك حتى
يكل لساني ثم لم أرفع طرفي إلى آفاق السماء استحياء
منك ما استوجبت بذلك محو سيئة واحدة من سيئاتي و
إن كنت تغفر لي حين أستوجب مغفرتك وتعفو عني
حين أستحق عفوك فإن ذلك غير واجب لي باستحقاق ولا أنا
أهل له باستيجاب إذ كان جزائي منك في أول ما عصيتك
النار فإن تعذبني فأنت غير ظالم لي إلهي فإذ قد تغمدتني
بسترك فلم تفضحني وتأنيتني بكرمك فلم تعاجلني وحلمت
عني بتفضلك فلم تغير نعمتك علي ولم تكدر معروفك
عندي فارحم طول تضرعي وشدة مسكنتي وسوء موقفي
اللهم صل على محمد وآله وقني من المعاصي واستعملني بالطاعة
وارزقني حسن الإنابة وطهرني بالتوبة وأيدني بالعصمة
واستصلحني بالعافية وأذقني حلاوة المغفرة واجعلني

طَلِيقَ عَفْوِكَ وَعَتِيقَ رَحْمَتِكَ وَاكْتُبْ لِي أَمَاناً مِنْ سُخْطِكَ وَ
بَشِّرْنِي بِذَلِكَ فِي الْعَاجِلِ دُونَ الْآجِلِ بُشْرَى أَعْرِفُهَا وَ
عَرِّفْنِي فِيهِ عَلَامَةً أَتَبَيَّنُهَا إِنَّ ذَلِكَ لَا يَضِيقُ عَلَيْكَ فِي
وُسْعِكَ وَلَا يَتَكَأَّدُكَ فِي قُدْرَتِكَ وَلَا يَتَصَعَّدُكَ فِي
أَنَاتِكَ وَلَا يَؤُودُكَ فِي جَزِيلِ هِبَاتِكَ الَّتِي دَلَّتْ عَلَيْهَا آيَاتُكَ
إِنَّكَ تَفْعَلُ مَا تَشَاءُ وَتَحْكُمُ مَا تُرِيدُ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ



نیایش شانزدهم[1]

بارخدایا، ای که گناهکاران به امید رحمت تو به فریادرسیت می خوانند. ای خداوندی که بیچارگان در پناه احسان تو می آرامند. ای خداوندی که خطاکاران از خوف تو می نالند و می گریند. ای انیس آزردگانِ دور از خان و مان. ای غمزدای اندوهگنان و شکسته‌دلان. ای فریادرس خوارشدگان و بی کسان. ای یاور نیازمندان و رانده شدگان.

تو یی که رحمت تو و علم تو همه چیز را دربر گرفته است. تو یی که از نعمتهای خویش هر آفریده را بهره‌ای داده‌ای. تو یی که عفوت را از عقابت بیشی است. تو یی که رحمتت را بر غضبت پیشی است. تو یی که عطای تو بیشتر از منع توست. تو یی که همهٔ آفریدگان در حیطهٔ قدرت تو جای دارند. تو یی که چون کسی را نعمتی ارزانی داری، پاداشی از او

۱. دعای آن حضرت است در طلب بخشش و تضرع در طلب عفو از عیبهای خود.



نجویی. تویی که چون عصیانگری را عقوبت کنی، راهِ افراط نپویی.

و من ای پروردگار من، بندهٔ تو هستم، بنده‌ای که به دعایش فرمان داده‌ای و او دست انابت به درگاه تو برداشته است، گوید: لَبَّيْكَ و سَعْدَيْكَ. این منم ای پروردگار من، بر پیشگاهت افتاده. این منم که بارِ گناهانم بر پشتم سنگینی می‌کند و گناهان عمرم را تباه ساخته است. این منم که از روی جهالت تو را عصیان کرده‌ام در حالی که تو سزاوار عصیانِ من نبودی.

آیا تو ای خداوند، بر کسی که به درگاهت دست به دعا بردارد رحمت می‌آوری، تا من در دعا مبالغت ورزم؟ آیا تو ای خداوند، کسی را که به درگاهت اشك ریزد می‌آمرزی، تا من به اشکباری شتابم؟ آیا تو ای خداوند، کسی را که به خواری روی بر خاك درت نهد می‌بخشایی؟ آیا تو ای خداوند، کسی را که شکایت بینوایی خویش به درگاه تو آرد در حالی که به تو توکل کرده است بی‌نیاز می‌سازی؟

ای خداوند، آن را که جز تو بخشنده‌ای نمی‌یابد نومید مکن، و آن را که جز تو از دیگری بی‌نیازی نجوید فرومگذار.

ای خداوند، بر محمد و خاندان او درود بفرست و از من اعراض مکن که روی به تو آورده‌ام، و مرا محروم مدار که دل به تو سپرده‌ام، و دست رد به رویم مزن که بر درگاهت ایستاده‌ام.

تویی که خود را به رحمت وصف کرده‌ای، پس بر محمد و خاندانش درود بفرست و برمن رحمت آور. تویی که خود را بخشنده نامیده‌ای، پس گناهان من بر من ببخشای.

بارخدایا، می‌بینی که چسان از خوف تو سرشکم روان است. چسان از خشیت تو دلم لرزان است. چسان از هیبت تو اعضایم درهم شکسته است. چگونه چنین نباشم که از کردارهای ناپسند خود شرمنده‌ام و آوازم به تضرع برنمی‌آید و زبانم نمی‌جنبد که



آهسته‌آهسته رازونیاز کنم.

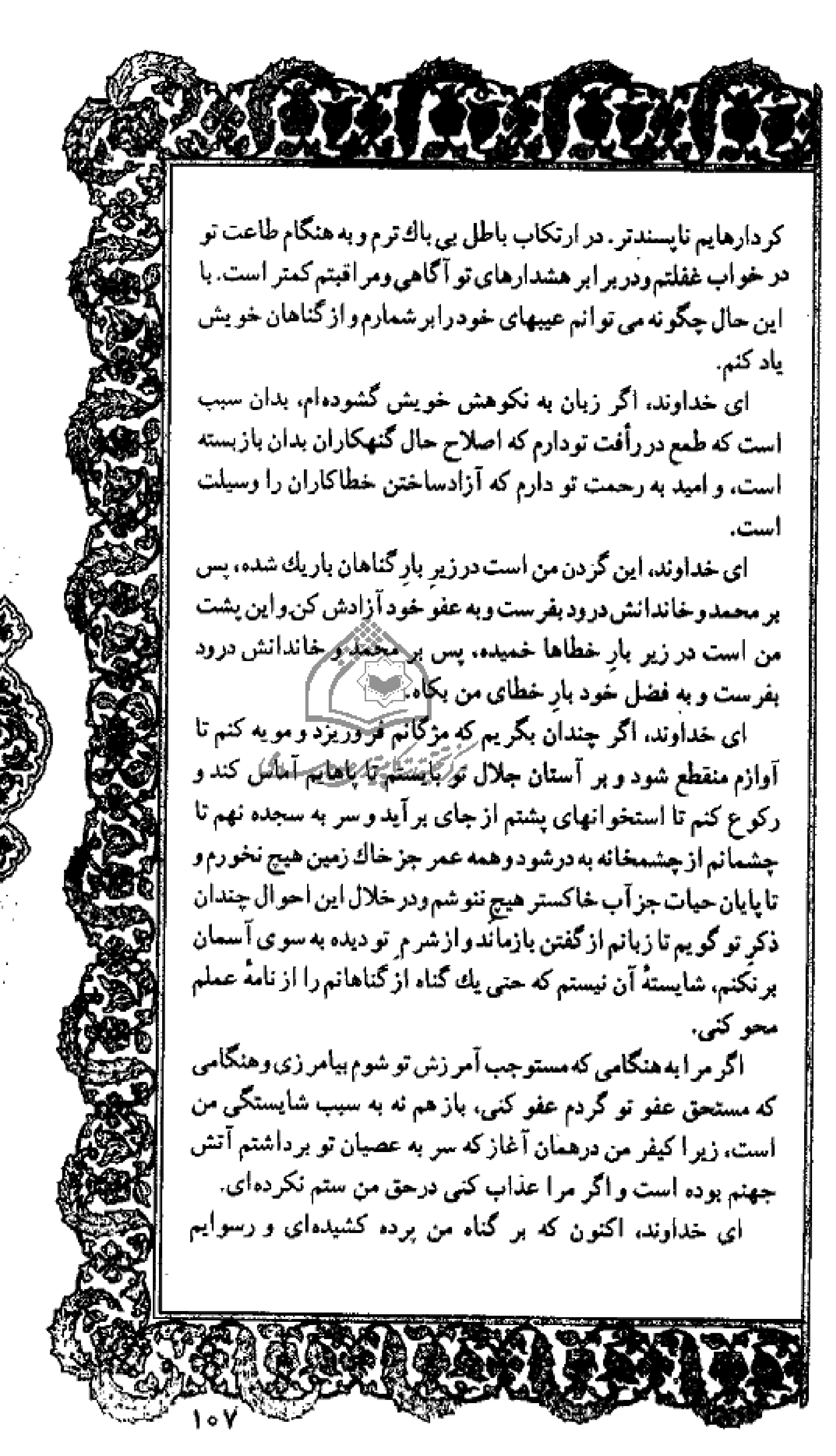
ای خداوند من، حمد باد تو را، بسا پرده بر عیبهای من کشیده‌ای و رسوایم نساخته‌ای، بسا گناهان من نهان داشته‌ای و مرا شهرهٔ شهر نکرده‌ای، بسا آلودگیها که مرا هست و تو اش فاش نساخته‌ای و نشانِ بدنامی به گردنم نیاویخته‌ای و از همسایگانِ من، عیبجویان مرا و کسانی را که بر نعمتی که بر من عنایت کرده‌ای حسد می برند، از عیب و عار من آگاه نکرده‌ای. این همه مرا از آن بازنداشت که از ادامتِ اعمال ناپسند خود ــ که تو بر آنها آگاهی ــ ندامت جویم.

پس ای خداوند من، چه کسی است نادان‌تر از من به رستگاری خویش؟ چه کسی است غافل تر از من به نصیب خود؟ چه کسی است دورتر از من به اصلاح نفس امّاره‌اش به هنگامی که آن نعمت بی کرانِ تو را در راه معصیتی که مرا از آن بازداشته‌ای تباه می کنم؟ چه کسی بیش از من در گرداب باطل غوطه‌ور و به بدی گراینده‌تر است چون میان دعوت تو و دعوت شیطان مخیر آیم و در عین بینایی و هشیاری، نه از روی بی خبری و فراموشی، درپی دعوت او می‌روم؟ در حالی که یقین دارم که دعوت تو به بهشتِ نعیم می انجامد و دعوت شیطان به آتشِ جحیم.

منزهی تو! چه شگفت است که من به زبان خود گواهی می‌دهم و اعمال نهان خویش برمی‌شمارم. و شگفت آورتر از این بردباری توست در برابر من و درنگ توست در مؤاخذت سریع من. و این نه بدان سبب است که مرا در نزد تو آبرویی است، بلکه به سبب مدارای توست با من و احسان تو در حق من. باشد که از معصیتی که تو را به خشم آورد بازایستم و از گناهانی که مرا فرسوده است دست بدارم، که عفو و بخشایش مرا از عقوبت و عذاب من دوست تر داری.

من ــ ای خداوند من ــ گناهم بیشتر است و اعمالم زشت‌تر و





کردارهایم ناپسندتر. در ارتکاب باطل بی باك ترم و به هنگام طاعت تو در خواب غفلتم ودربرابر هشدارهای تو آگاهی ومراقبتم کمتر است. با این حال چگونه می توانم عیبهای خود را بر شمارم و از گناهان خویش یاد کنم.

ای خداوند، اگر زبان به نکوهش خویش گشوده‌ام، بدان سبب است که طمع در رأفت تودارم که اصلاح حال گنهکاران بدان بازبسته است، و امید به رحمت تو دارم که آزادساختن خطاکاران را وسیلت است.

ای خداوند، این گردن من است درزیرِ بارِ گناهان باریك شده، پس بر محمدوخاندانش درود بفرست و به عفو خود آزادش کن واین پشت من است در زیر بارِ خطاها خمیده، پس بر محمد و خاندانش درود بفرست و به فضل خود بارِ خطای من بکاه.

ای خداوند، اگر چندان بگریم که مژگانم فروریزد و مویه کنم تا آوازم منقطع شود و بر آستان جلال تو بایستم تا پاهایم آماس کند و رکوع کنم تا استخوانهای پشتم از جای برآید و سر به سجده نهم تا چشمانم از چشمخانه به درشود وهمه عمر جز خاك زمین هیچ نخورم و تا پایان حیات جز آب خاکستر هیچ ننوشم ودرخلال این احوال چندان ذکرِ تو گویم تا زبانم از گفتن بازماند و از شرمِ تو دیده به سوی آسمان برنکنم، شایستهٔ آن نیستم که حتی یك گناه از گناهانم را از نامهٔ عملم محو کنی.

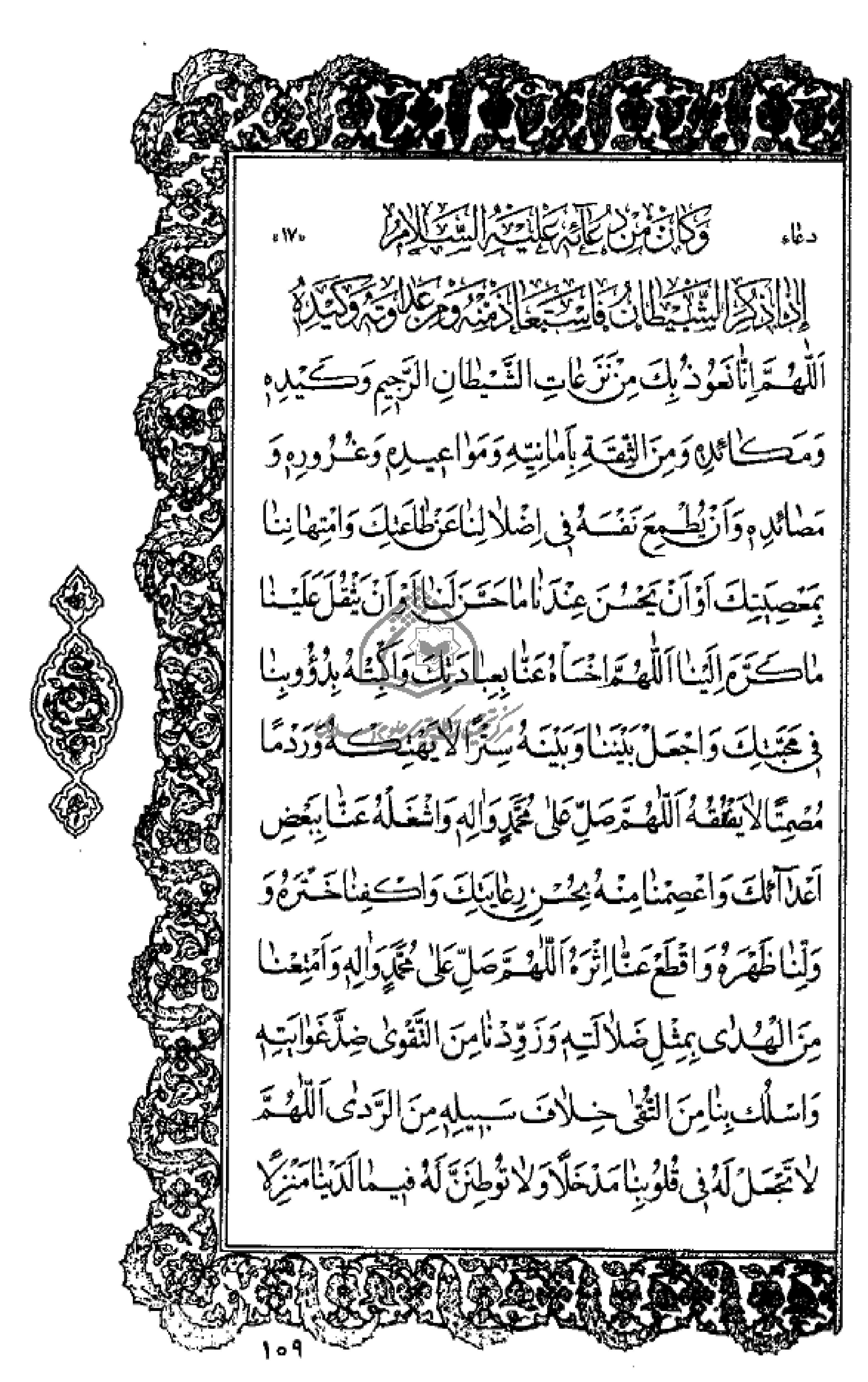
اگر مرا به هنگامی که مستوجب آمرزش تو شوم بیامرزی وهنگامی که مستحق عفو تو گردم عفو کنی، بازهم نه به سبب شایستگی من است، زیرا کیفر من درهمان آغاز که سر به عصیان تو برداشتم آتش جهنم بوده است و اگر مرا عذاب کنی درحق من ستم نکرده‌ای.

ای خداوند، اکنون که بر گناه من پرده کشیده‌ای و رسوایم

نساخته‌ای، اکنون که به کَرَمِ خود با من مدارا ورزیده ای و به مؤاخذت من نشتابیده‌ای، اکنون که ازفضل و احسان خویش مرا به بردباری نواخته‌ای و نعمت خود بر من دیگرگون نساخته ای وزلال احسان خود تیره نکرده‌ای،پس براین زاریهایِ درازِ من رحمت آور و بر شدت مسکنتم ببخشای و بر نابسامانیم ترحم فرمای.

بارخدایا، بر محمد و خاندانش درود بفرست و مرا ازمعاصی نگه‌دار و به فرمانبرداری خود برگمار و نعمت انابت نصیب من کن و به آب تو به پاکیزه گردان و یاریم ده که گردِ گناه نگردم و به تندرستی، نیکحالی‌ام بخش و حلاوت مغفرت به من بچشان و مرا آزادکردهٔ عفو ورحمت خود گردان و از خشم خود نامهٔ امانم ده و بشارت این نعمتها در این جهان، پیش از فرارسیدن آن جهان به من ده؛ بشارتی که آن را بشناسم و نشان آن را به من بشناسان.

ای خداوند، اینها دربرابر گشادگی عرصهٔ توان تو بر تو دشوار نباشد و تو را در حیطهٔ قدرت به رنج نیفکند و با آن همه بردباری که تو راست دشوارت نیاید و در بخششهای کرامندت که آیات کتاب تو برآن دلیل است، گران ننماید، که تو کنی هرچه خواهی وفرمان رانی به هرگونه که اراده نمایی. انّك علی كلّ شیء قدیر.



دعاء «١٧»

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ

إِذَا ذُكِرَ الشَّيْطَانُ فَاسْتَعَاذَ مِنْهُ وَمِنْ عَدَاوَتِهِ وَكَيْدِهِ

اَللّٰهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِكَ مِنْ نَزَغَاتِ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ وَكَيْدِهِ
وَمَكَائِدِهِ وَمِنَ الثِّقَةِ بِأَمَانِيِّهِ وَمَوَاعِيدِهِ وَغُرُورِهِ وَ
مَصَائِدِهِ وَأَنْ يُطْمِعَ نَفْسَهُ فِي إِضْلَالِنَا عَنْ طَاعَتِكَ وَامْتِهَانِنَا
بِمَعْصِيَتِكَ أَوْ أَنْ يَحْسُنَ عِنْدَنَا مَا حَسَّنَ لَنَا أَوْ أَنْ يَثْقُلَ عَلَيْنَا
مَا كَرَّهَ إِلَيْنَا اَللّٰهُمَّ اخْسَأْهُ عَنَّا بِعِبَادَتِكَ وَاكْبِتْهُ بِدُؤُوبِنَا
فِي مَحَبَّتِكَ وَاجْعَلْ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُ سِتْراً لَا يَهْتِكُهُ وَرَدْماً
مُصْمِتاً لَا يَفْتُقُهُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاشْغَلْهُ عَنَّا بِبَعْضِ
أَعْدَائِكَ وَاعْصِمْنَا مِنْهُ بِحُسْنِ رِعَايَتِكَ وَاكْفِنَا خَتْرَهُ وَ
وَلِّنَا ظَهْرَهُ وَاقْطَعْ عَنَّا إِثْرَهُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَمْتِعْنَا
مِنَ الْهُدَى بِمِثْلِ ضَلَالَتِهِ وَزَوِّدْنَا مِنَ التَّقْوَى ضِدَّ غَوَايَتِهِ
وَاسْلُكْ بِنَا مِنَ التُّقَى خِلَافَ سَبِيلِهِ مِنَ الرَّدَى اَللّٰهُمَّ
لَا تَجْعَلْ لَهُ فِي قُلُوبِنَا مَدْخَلًا وَلَا تُوطِنَنَّ لَهُ فِيمَا لَدَيْنَا مَنْزِلًا

اَللّٰهُمَّ وَمَا سَوَّلَ لَنَا مِنْ بَاطِلٍ فَعَرِّفْنَاهُ وَإِذَا عَرَّفْتَنَاهُ فَقِنَاهُ

وَبَصِّرْنَا مَا نُكَايِدُهُ بِهِ وَأَلْهِمْنَا مَا نُعِدُّهُ لَهُ وَأَيْقِظْنَا عَنْ سِنَةِ

الْغَفْلَةِ بِالرُّكُونِ إِلَيْهِ وَأَحْسِنْ بِتَوْفِيقِكَ عَوْنَنَا عَلَيْهِ

اَللّٰهُمَّ وَأَشْرِبْ قُلُوبَنَا إِنْكَارَ عَمَلِهِ وَالْطُفْ لَنَا فِي نَقْضِ

حِيَلِهِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَحَوِّلْ سُلْطَانَهُ عَنَّا وَاقْطَعْ

رَجَاءَهُ مِنَّا وَادْرَأْهُ عَنِ الْوُلُوعِ بِنَا اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

وَاجْعَلْ آبَاءَنَا وَأُمَّهَاتِنَا وَأَوْلَادَنَا وَأَهَالِيَنَا وَذَوِي أَرْحَامِنَا

وَقَرَابَاتِنَا وَجِيرَانَنَا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ فِي حِرْزٍ

حَارِزٍ وَحِصْنٍ حَافِظٍ وَكَهْفٍ مَانِعٍ وَأَلْبِسْهُمْ مِنْهُ جُنَنًا

وَاقِيَةً وَأَعْطِهِمْ عَلَيْهِ أَسْلِحَةً مَاضِيَةً اَللّٰهُمَّ وَاعْمُمْ بِذٰلِكَ

مَنْ شَهِدَ لَكَ بِالرُّبُوبِيَّةِ وَأَخْلَصَ لَكَ بِالْوَحْدَانِيَّةِ وَعَادَاهُ لَكَ

بِحَقِيقَةِ الْعُبُودِيَّةِ وَاسْتَظْهَرَ بِكَ عَلَيْهِ فِي مَعْرِفَةِ الْعُلُومِ

الرَّبَّانِيَّةِ اَللّٰهُمَّ احْلُلْ مَا عَقَدَ وَافْتُقْ مَا رَتَقَ وَافْسَخْ مَا دَبَّرَ

وَثَبِّطْهُ إِذَا عَزَمَ وَانْقُضْ مَا أَبْرَمَ اَللّٰهُمَّ وَاهْزِمْ جُنْدَهُ وَأَبْطِلْ

كَيْدَهُ وَاهْدِمْ كَهْفَهُ وَارْغِمْ اَنْفَهُ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنَا فِي
نَظْمِ اَعْدائِهِ وَاعْزِلْنا عَنْ عِدادِ اَوْلِيائِهِ لا نُطيعُ لَهُ اِذَا اسْتَهْوانا
وَلا نَسْتَجيبُ لَهُ اِذا دَعانا نَأْمُرُ بِمُناواتِهِ مَنْ اَطاعَ اَمْرَنا وَنَعِظُ
عَنْ مُتابَعَتِهِ مَنِ اتَّبَعَ زَجْرَنا اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ خاتَمِ
النَّبِيّينَ وَسَيِّدِ الْمُرْسَلينَ وَعَلى اَهْلِ بَيْتِهِ الطَّيِّبينَ الطّاهِرينَ
وَاَعِذْنا وَاَهالِينا وَاِخْوانَنا وَجَميعَ الْمُؤْمِنينَ وَالْمُؤْمِناتِ مِمَّا
اسْتَعَذْنا مِنْهُ وَاَجِرْنا مِمَّا اسْتَجَرْنا بِكَ مِنْ خَوْفِهِ وَاسْمَعْ لَنا
ما دَعَوْنا بِهِ وَاَعْطِنا ما اَغْفَلْناهُ وَاحْفَظْ لَنا ما نَسيناهُ وَصَيِّرْنا
بِذلِكَ في دَرَجاتِ الصّالِحينَ وَمَراتِبِ الْمُؤْمِنينَ آمينَ
رَبَّ الْعالَمينَ



نیایش هفدهم[1]

بارخدایا، به تو پناه می بریم از وسوسه‌های شیطان رجیم و کیدها و فریبهای او. و به تو پناه می بریم از دل بستن به تمناهای او و وعده‌های او

۱. دعای آن حضرت است هنگامی که ذکر شیطان می رفت و او از عداوت و مکرش به خدا پناه می برد.

و فریبها و دامهای او.

بارخدایا، به تو پناه می بریم، هرگاه شیطان طمع درآن ورزد که ما را از طاعت تو منحرف دارد و ازبرای خواریمان به راه معصیت تو کشاند و گناهانی که در دیدهٔ ما بیاراسته است ما را خوشایند بوَد و طاعاتی که در دل ما ناخوش فرانموده است بر ما گران آید.

بارخدایا، ما را نیروی عبادت ده و بدان، شیطان را از ما بران. بر سعی ما در راه محبت خود بیفزای و به آن، شیطان را خوار گردان. میان ما و او حجابی قرارده که برافکندنش را نتواند و سدّی چنان استوار که از رخنه کردنش عاجز آید.

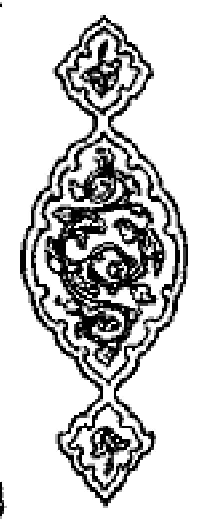
بارخدایا، بر محمد و خاندانش درود بفرست و شیطان را از ما به دشمنانت مشغول دار و ما را نیك نگه‌دار و از او در پناه خود دار و مکر او از ما دفع فرمای و چنان کن که پشت کرده ازما بگریزد و نشان پای او از زمین ما برخیزد.

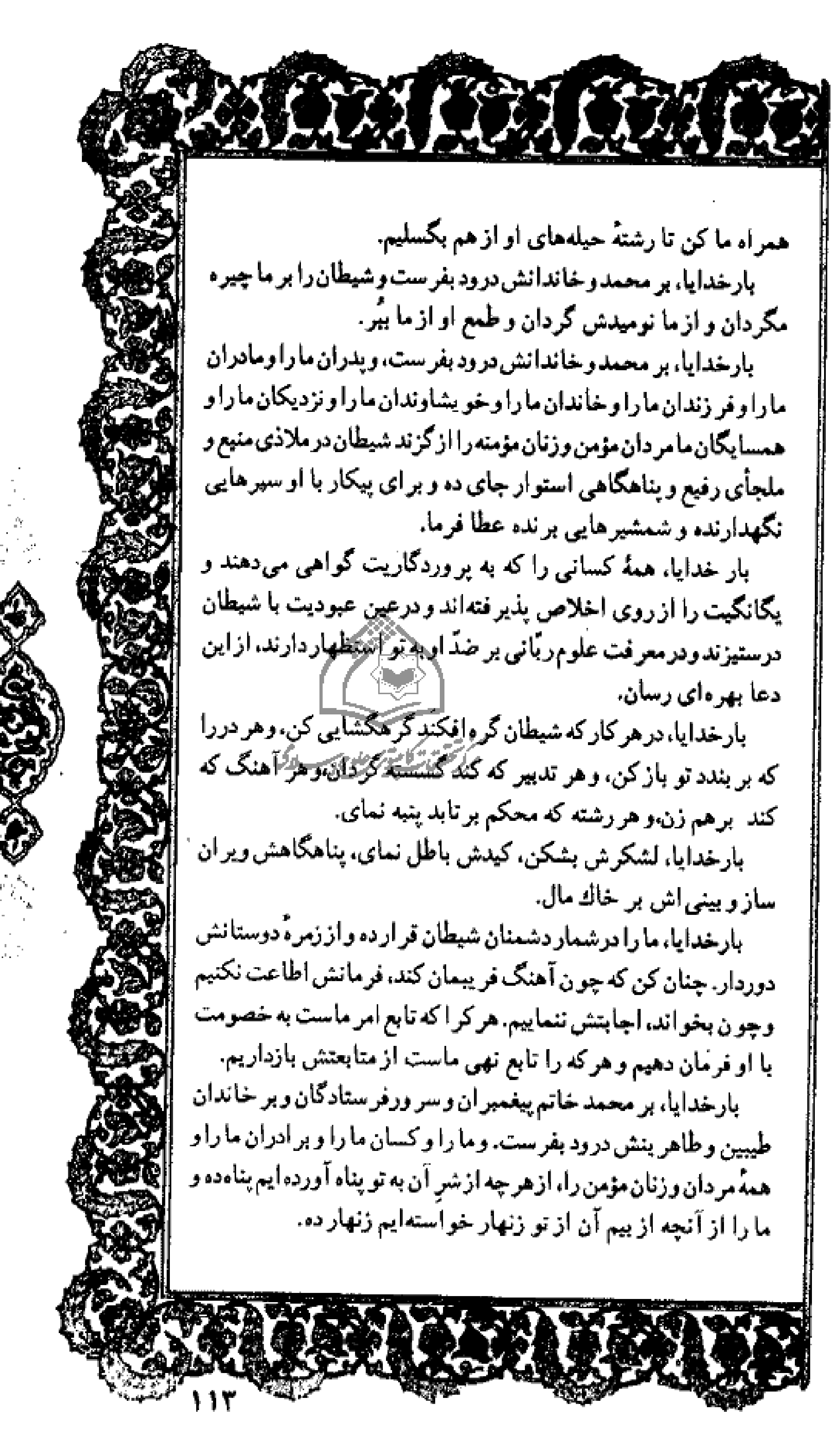
بارخدایا، بر محمد و خاندانش درود بفرست و در برابر ضلالت شیطان ما را از هدایت خود بهره‌مند گردان و در برابر تلاش او به گمراهیِ ما، ما را از پرهیزگاری رهتوشه ساز. اگر او ما را به راه تباهی می کشد، تو ما را به راه تقویٰ راه نمای.

بارخدایا، راه شیطان به دلهای ما مگشای و جایگاه او در آنچه از آنِ ماست قرار مده.

بارخدایا، حقیقت هر باطل را که شیطان در چشم ما می آراید به ما بشناسان. و چون شناساندی، ما را از ارتکابِ آن بازدار. و به ما بیاموز که چسان فریبش دهیم و ما را آگاه کن که با چه آلت و عُدّت با او جدال کنیم و ازخواب غفلت بیدارمان ساز که بدو نگرویم و توفیق خود رفیق ما گردان و در پیکار به خلاف او یاریمان نمای.

بارخدایا، دلهای ما را از انکارِ اعمال او لبریز کن و لطف خویش





همراه ما کن تا رشتهٔ حیله‌های او از هم بگسلیم.

بارخدایا، بر محمد و خاندانش درود بفرست و شیطان را بر ما چیره مگردان و از ما نومیدش گردان و طمع او از ما بُبر.

بارخدایا، بر محمد و خاندانش درود بفرست، و پدران ما را و مادران ما را و فرزندان ما را و خاندان ما را و خویشاوندان ما را و نزدیکان ما را و همسایگان ما مردان مؤمن و زنان مؤمنه را از گزند شیطان در ملاذی منیع و ملجأی رفیع و پناهگاهی استوار جای ده و برای پیکار با او سپرهایی نگهدارنده و شمشیرهایی برنده عطا فرما.

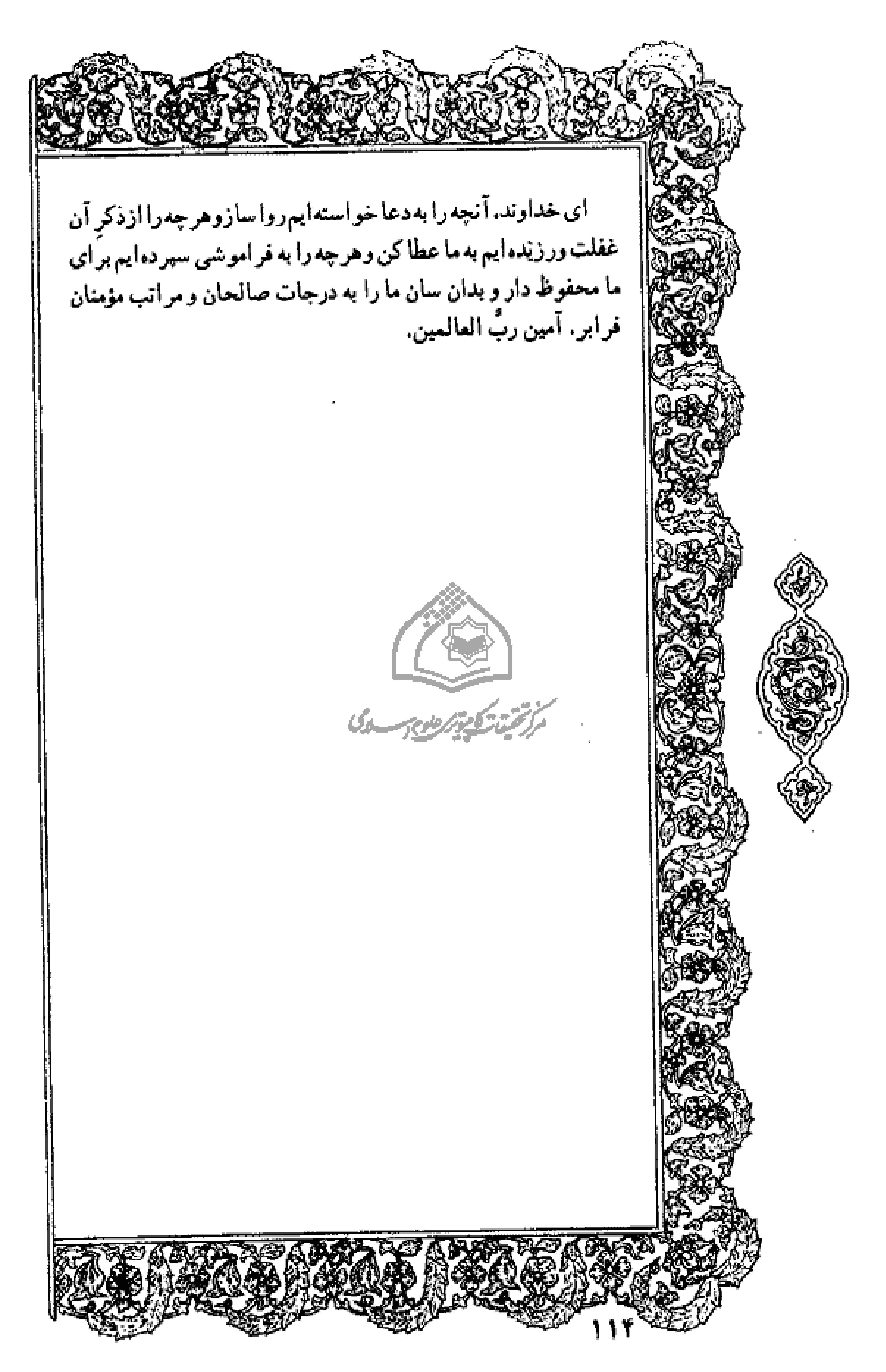
بار خدایا، همهٔ کسانی را که به پروردگاریت گواهی می‌دهند و یگانگیت را از روی اخلاص پذیرفته‌اند و در عین عبودیت با شیطان درستیزند و در معرفت علوم ربّانی بر ضدّ او به تو استظهار دارند، از این دعا بهره‌ای رسان.

بارخدایا، در هر کار که شیطان گره افکند گرهگشایی کن، و هر در را که بر بندد تو بازکن، و هر تدبیر که کند گسسته گردان، و هر آهنگ که کند برهم زن، و هر رشته که محکم برتابد پنبه نمای.

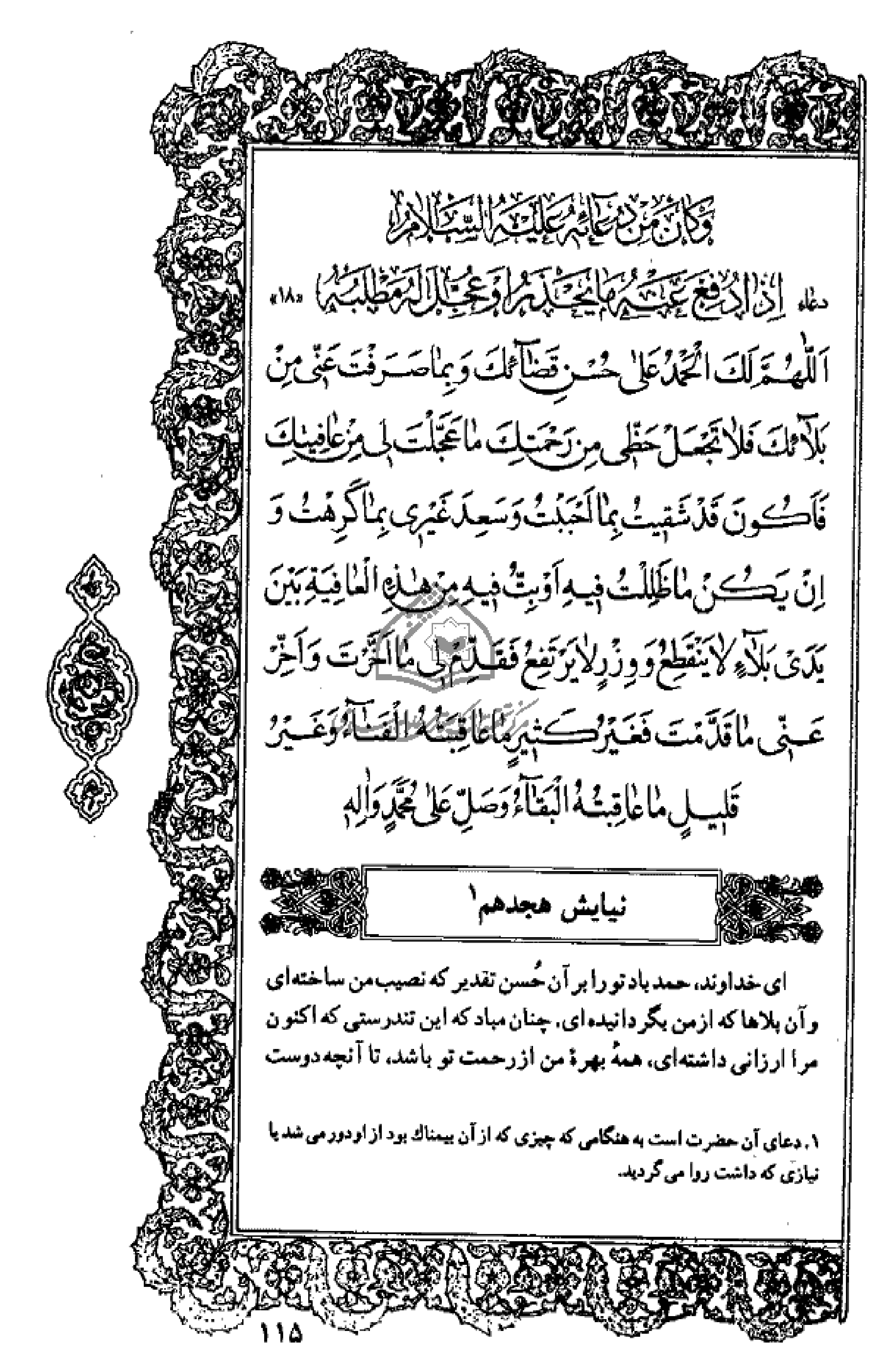
بارخدایا، لشکرش بشکن، کیدش باطل نمای، پناهگاهش ویران ساز و بینی اش بر خاک مال.

بارخدایا، ما را در شمار دشمنان شیطان قرار ده و از زمرهٔ دوستانش دوردار. چنان کن که چون آهنگ فریبمان کند، فرمانش اطاعت نکنیم و چون بخواند، اجابتش ننماییم. هر کرا که تابع امر ماست به خصومت با او فرمان دهیم و هر که را تابع نهی ماست از متابعتش بازداریم.

بارخدایا، بر محمد خاتم پیغمبران و سرور فرستادگان و بر خاندان طیبین و طاهرینش درود بفرست. و ما را و کسان ما را و برادران ما را و همهٔ مردان و زنان مؤمن را، از هرچه از شرِ آن به تو پناه آورده‌ایم پناه ده و ما را از آنچه از بیم آن از تو زنهار خواسته‌ایم زنهار ده.



ای خداوند، آنچه را به دعا خواسته‌ایم روا ساز و هرچه را از ذکرِ آن غفلت ورزیده‌ایم به ما عطا کن و هرچه را به فراموشی سپرده‌ایم برای ما محفوظ دار و بدان سان ما را به درجات صالحان و مراتب مؤمنان فرابر. آمین ربِّ العالمین.



وَكانَ مِنْ دُعائِهِ عَلَيْهِ السَّلامُ

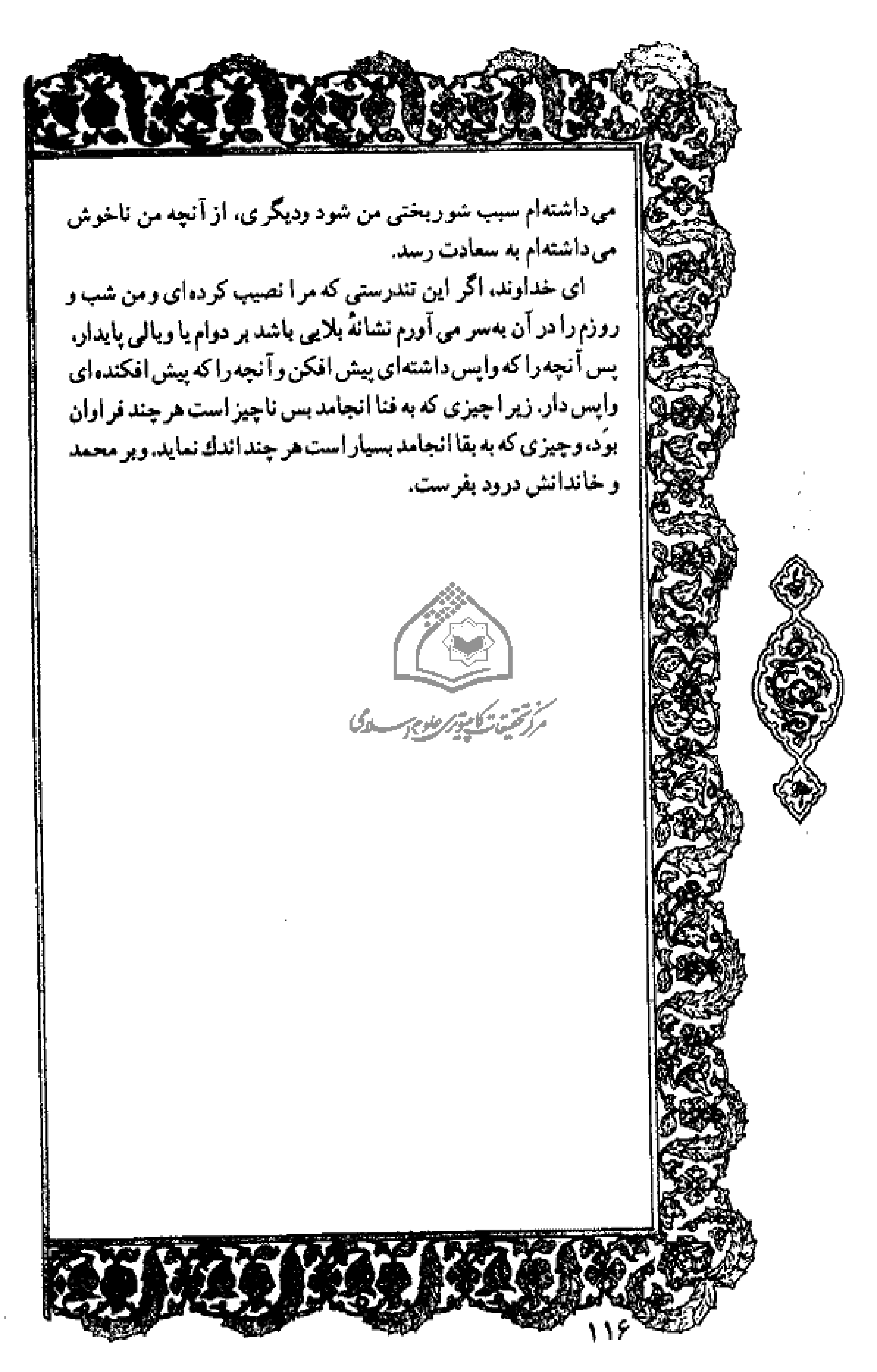
دعاء «۱۸» إِذا دُفِعَ عَنْهُ ما يَحْذَرُ أَوْ عُجِّلَ لَهُ مَطْلَبُهُ

اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلىٰ حُسْنِ قَضٰائِكَ وَبِما صَرَفْتَ عَنّي مِنْ بَلائِكَ فَلا تَجْعَلْ حَظّي مِنْ رَحْمَتِكَ ما عَجَّلْتَ لي مِنْ عافِيَتِكَ فَأَكُونَ قَدْ شَقيتُ بِما أَحْبَبْتُ وَسَعِدَ غَيْري بِما كَرِهْتُ وَإِنْ يَكُنْ ما ظَلِلْتُ فيهِ أَوْ بِتُّ فيهِ مِنْ هٰذِهِ الْعافِيَةِ بَيْنَ يَدَيْ بَلاءٍ لا يَنْقَطِعُ وَوِزْرٍ لا يَرْتَفِعُ فَقَدِّمْ لي ما أَخَّرْتَ وَأَخِّرْ عَنّي ما قَدَّمْتَ فَغَيْرُ كَثيرٍ ما عاقِبَتُهُ الْفَناءُ وَغَيْرُ قَليلٍ ما عاقِبَتُهُ الْبَقاءُ وَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

نیایش هجدهم[1]

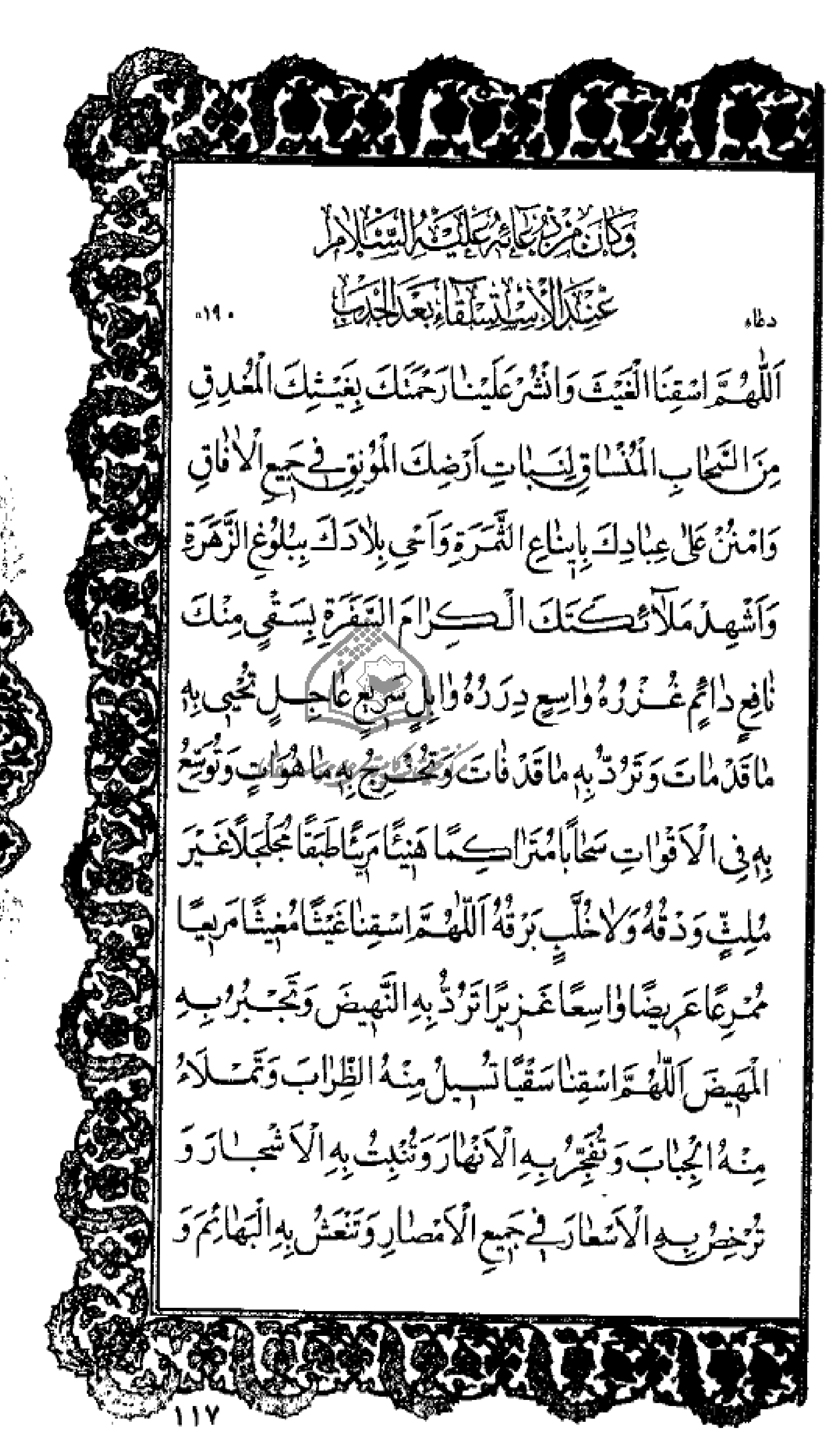
ای خداوند، حمد باد تو را بر آن حُسن تقدیر که نصیب من ساخته‌ای و آن بلاها که از من بگردانیده‌ای. چنان مباد که این تندرستی که اکنون مرا ارزانی داشته‌ای، همهٔ بهرهٔ من از رحمت تو باشد، تا آنچه دوست

۱. دعای آن حضرت است به هنگامی که چیزی که از آن بیمناک بود از او دور می شد یا نیازی که داشت روا می گردید.



می‌داشته‌ام سبب شوربختی من شود ودیگری، از آنچه من ناخوش می‌داشته‌ام به سعادت رسد.

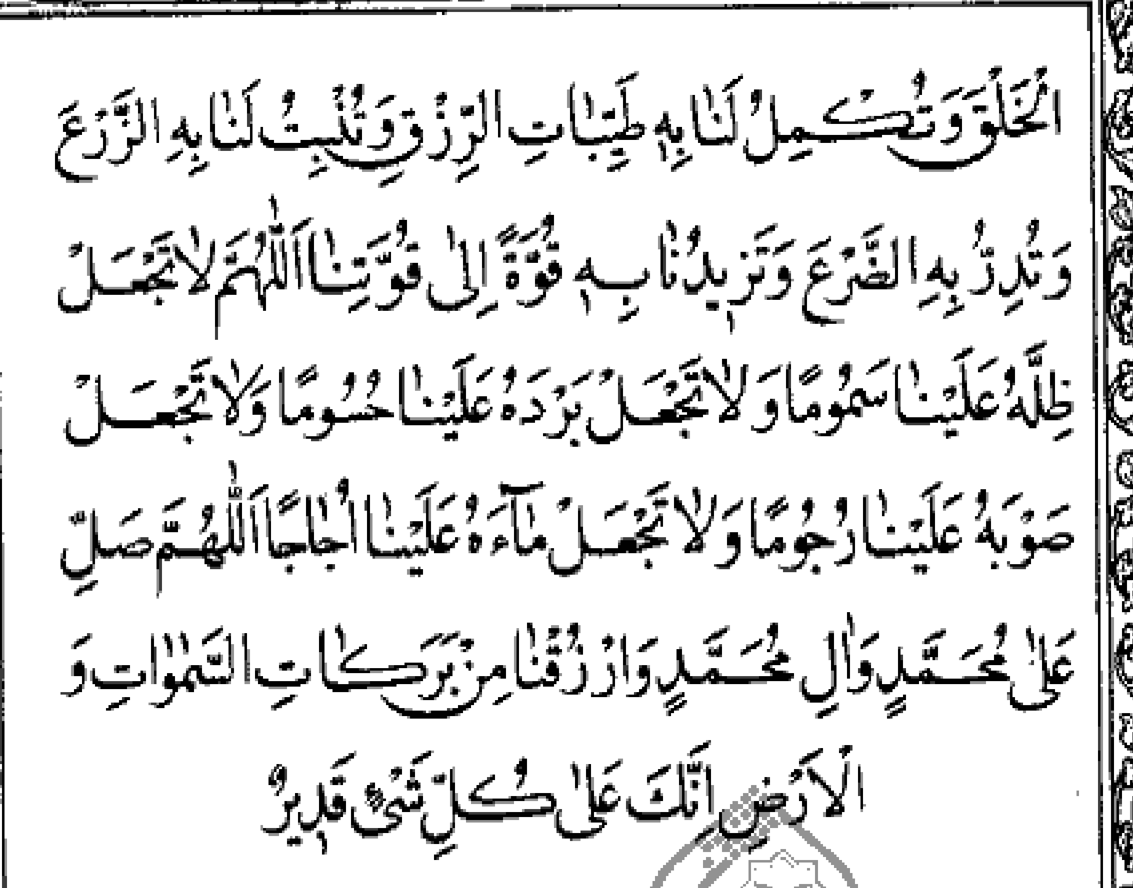
ای خداوند، اگر این تندرستی که مرا نصیب کرده‌ای و من شب و روزم را در آن به‌سر می‌آورم نشانهٔ بلایی باشد بر دوام یا وبالی پایدار، پس آنچه را که واپس داشته‌ای پیش افکن و آنچه را که پیش افکنده‌ای واپس دار. زیرا چیزی که به فنا انجامد بس ناچیز است هرچند فراوان بوَد، وچیزی که به بقا انجامد بسیار است هرچند اندك نماید. وبر محمد و خاندانش درود بفرست.



وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عِنْدَ الْاِسْتِسْقَاءِ بَعْدَ الْجَدْبِ

دعاء ١٩

اَللّٰهُمَّ اسْقِنَا الْغَيْثَ وَانْشُرْ عَلَيْنَا رَحْمَتَكَ بِغَيْثِكَ الْمُغْدِقِ مِنَ السَّحَابِ الْمُنْسَاقِ لِنَبَاتِ أَرْضِكَ الْمُونِقِ فِي جَمِيعِ الْآفَاقِ وَامْنُنْ عَلَى عِبَادِكَ بِإِينَاعِ الثَّمَرَةِ وَأَحْيِ بِلَادَكَ بِبُلُوغِ الزَّهَرَةِ وَأَشْهِدْ مَلَائِكَتَكَ الْكِرَامَ السَّفَرَةَ بِسَقْيٍ مِنْكَ نَافِعٍ دَائِمٍ غُزْرُهُ وَاسِعٍ دِرَرُهُ وَابِلٍ سَرِيعٍ عَاجِلٍ تُحْيِي بِهِ مَا قَدْ مَاتَ وَتَرُدُّ بِهِ مَا قَدْ فَاتَ وَتُخْرِجُ بِهِ مَا هُوَ آتٍ وَتُوَسِّعُ بِهِ فِي الْأَقْوَاتِ سَحَاباً مُتَرَاكِماً هَنِيئاً مَرِيئاً طَبَقاً مُجَلْجَلاً غَيْرَ مُلِثٍّ وَدْقُهُ وَلَا خُلَّبٍ بَرْقُهُ اَللّٰهُمَّ اسْقِنَا غَيْثاً مُغِيثاً مَرِيعاً مُمْرِعاً عَرِيضاً وَاسِعاً غَزِيراً تَرُدُّ بِهِ النَّهِيضَ وَتَجْبُرُ بِهِ الْمَهِيضَ اَللّٰهُمَّ اسْقِنَا سَقْياً تُسِيلُ مِنْهُ الظِّرَابَ وَتَمْلَأُ مِنْهُ الْجِبَابَ وَتُفَجِّرُ بِهِ الْأَنْهَارَ وَتُنْبِتُ بِهِ الْأَشْجَارَ وَتُرْخِصُ بِهِ الْأَسْعَارَ فِي جَمِيعِ الْأَمْصَارِ وَتَنْعَشُ بِهِ الْبَهَائِمَ وَ


الْخَلْقَ وَتُكْمِلُ لَنَا بِهِ طَيِّبَاتِ الرِّزْقِ وَتُنْبِتُ لَنَا بِهِ الزَّرْعَ
وَتُدِرُّ بِهِ الضَّرْعَ وَتَزِيدُنَا بِهِ قُوَّةً إِلَى قُوَّتِنَا اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْ
ظِلَّهُ عَلَيْنَا سَمُوماً وَلَا تَجْعَلْ بَرْدَهُ عَلَيْنَا حُسُوماً وَلَا تَجْعَلْ
صَوْبَهُ عَلَيْنَا رُجُوماً وَلَا تَجْعَلْ مَاءَهُ عَلَيْنَا أُجَاجاً اللَّهُمَّ صَلِّ
عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْزُقْنَا مِنْ بَرَكَاتِ السَّمَاوَاتِ وَ
الْأَرْضِ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

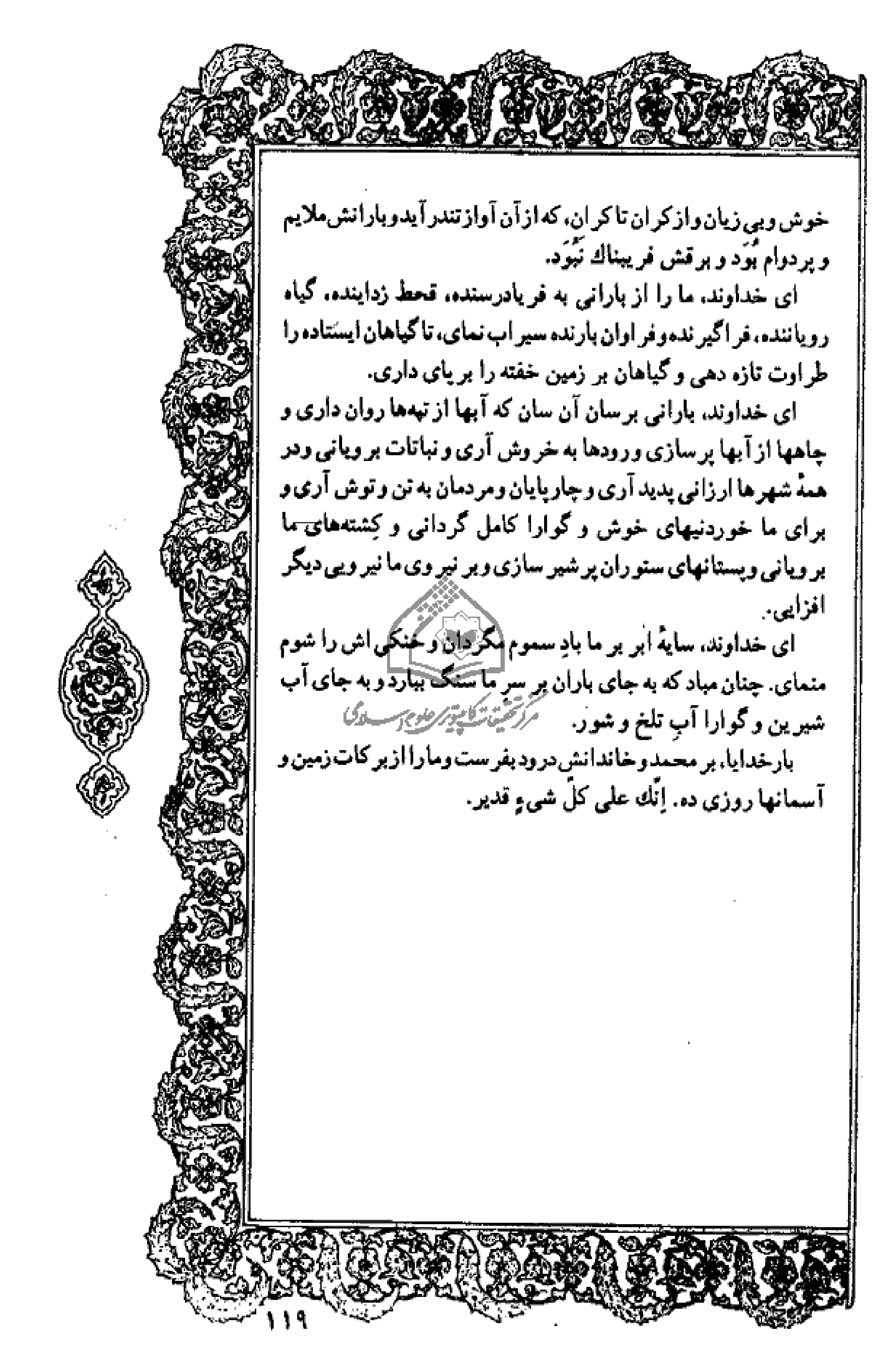
نیایش نوزدهم[1]



ای خداوند، باران بفرست و سیرابمان ساز و همراه با بارانی فزاینده وریزنده، ازابری درآفاق رونده وگیاهانِ زیبارویاننده، رحمت خود بر ما ارزانی دار.

ای خداوند، میوه‌ها را برسان و بر بندگانت احسان فرمای، گلها را شکفته گردان و زمین خود زنده نمای. فرشتگان خود، آن فرستادگان بزرگوار را بفرمای تا از سوی تو، بارانی سودمند و پیوسته وفراوان و گسترده وتندبار بیاورند وهمه جا را سیراب سازند، تا زمینِ مرده را زنده نمایی وهرچه را ازدست رفته است بازگردانی و آنچه رویدنی است برویانی ودر روزیِ مردم گشایش دهی، با چنان ابری انبوه، گرانبار،

۱. دعای آن حضرت است به هنگام طلب باران در خشکسالی.



خوش و بی‌زیان و از کران تا کران، که از آن آواز تندر آید و بارانش ملایم و پردوام بُوَد و برقش فریبناك نَبُوَد.

ای خداوند، ما را از بارانی به فریادرسنده، قحط زداینده، گیاه رویاننده، فراگیرنده و فراوان بارنده سیراب نمای، تا گیاهان ایستاده را طراوت تازه دهی و گیاهان بر زمین خفته را برپای داری.

ای خداوند، بارانی برسان آن سان که آبها از تپه‌ها روان داری و چاهها از آبها پرسازی و رودها به خروش آری و نباتات برویانی و در همهٔ شهرها ارزانی پدید آری و چارپایان و مردمان به تن و توش آری و برای ما خوردنیهای خوش و گوارا کامل گردانی و کِشته‌های ما برویانی و پستانهای ستوران پرشیر سازی و بر نیروی ما نیرویی دیگر افزایی.

ای خداوند، سایهٔ ابر بر ما بادِ سموم مگردان و خنکی اش را شوم منمای. چنان مباد که به جای باران بر سر ما سنگ ببارد و به جای آب شیرین و گوارا آبِ تلخ و شور.

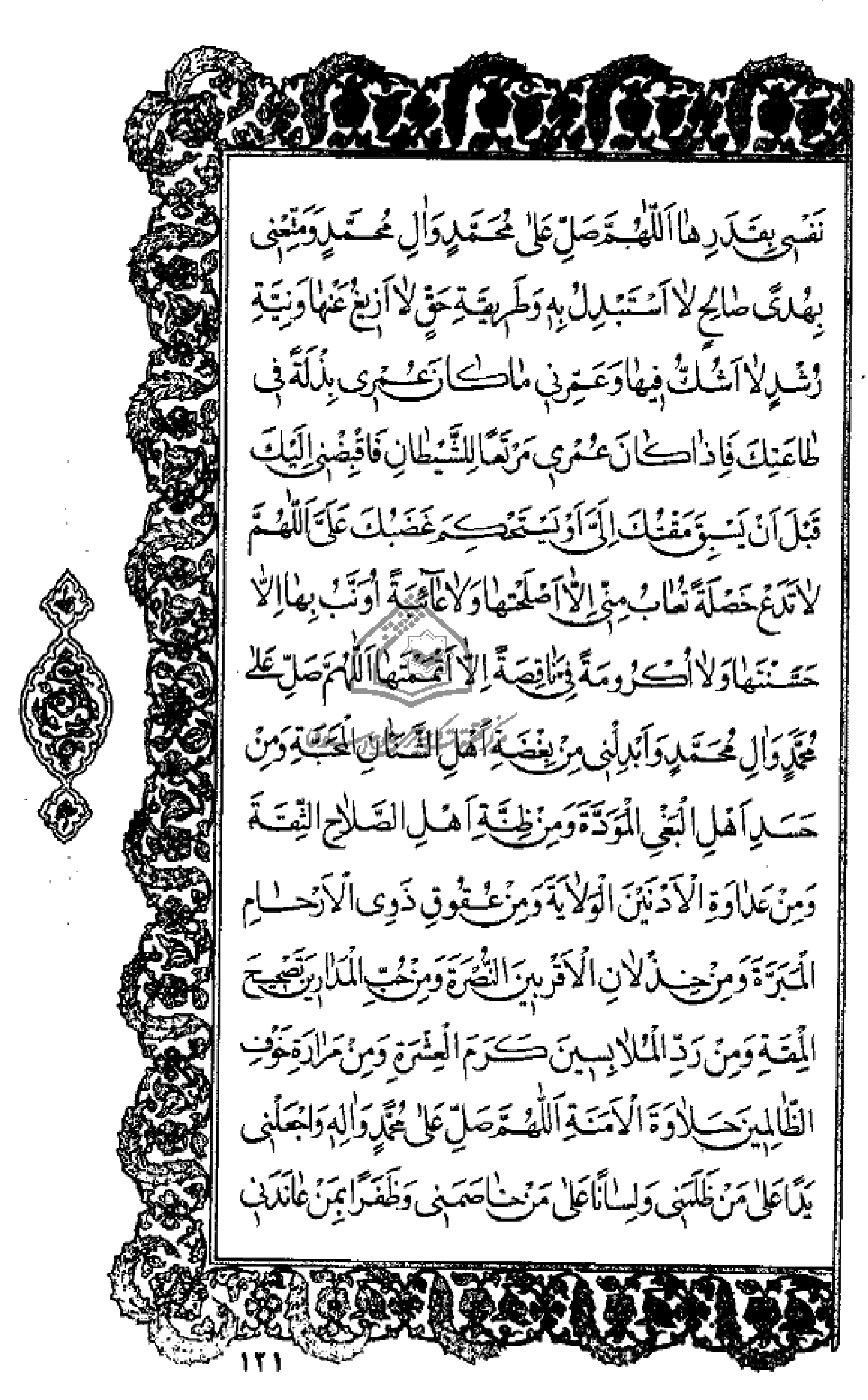
بارخدایا، بر محمد و خاندانش درود بفرست و ما را از برکات زمین و آسمانها روزی ده. إنّك علی كلّ شيءٍ قدير.

وكان من دعائه عليه السلام

في مكارم الأخلاق ومرضيّ الأفعال

دعاء ٢٠

اللّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَبَلِّغْ بِإِيمَانِي أَكْمَلَ الْإِيمَانِ وَاجْعَلْ يَقِينِي أَفْضَلَ الْيَقِينِ وَانْتَهِ بِنِيَّتِي إِلَى أَحْسَنِ النِّيَّاتِ وَبِعَمَلِي إِلَى أَحْسَنِ الْأَعْمَالِ اللّهُمَّ وَفِّرْ بِلُطْفِكَ نِيَّتِي وَصَحِّحْ بِمَا عِنْدَكَ يَقِينِي وَاسْتَصْلِحْ بِقُدْرَتِكَ مَا فَسَدَ مِنِّي اللّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاكْفِنِي مَا يَشْغَلُنِي الْاِهْتِمَامُ بِهِ وَاسْتَعْمِلْنِي بِمَا تَسْأَلُنِي غَداً عَنْهُ وَاسْتَفْرِغْ أَيَّامِي فِيمَا خَلَقْتَنِي لَهُ وَأَغْنِنِي وَأَوْسِعْ عَلَيَّ فِي رِزْقِكَ وَلَا تَفْتِنِّي بِالْبَطَرِ وَأَعِزَّنِي وَلَا تَبْتَلِيَنِّي بِالْكِبْرِ وَعَبِّدْنِي لَكَ وَلَا تُفْسِدْ عِبَادَتِي بِالْعُجْبِ وَأَجْرِ لِلنَّاسِ عَلَى يَدِيَ الْخَيْرَ وَلَا تَمْحَقْهُ بِالْمَنِّ وَهَبْ لِي مَعَالِيَ الْأَخْلَاقِ وَاعْصِمْنِي مِنَ الْفَخْرِ اللّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَلَا تَرْفَعْنِي فِي النَّاسِ دَرَجَةً إِلَّا حَطَطْتَنِي عِنْدَ نَفْسِي مِثْلَهَا وَلَا تُحْدِثْ لِي عِزّاً ظَاهِراً إِلَّا أَحْدَثْتَ لِي ذِلَّةً بَاطِنَةً عِنْدَ



نفسي بقدرها اللهم صل على محمد وآل محمد ومتعني

بهدى صالح لا أستبدل به وطريقة حق لا أزيغ عنها ونية

رشد لا أشك فيها وعمرني ما كان عمري بذلة في

طاعتك فإذا كان عمري مرتعا للشيطان فاقبضني إليك

قبل أن يسبق مقتك إلي أو يستحكم غضبك علي اللهم

لا تدع خصلة تعاب مني إلا أصلحتها ولا عائبة أؤنب بها إلا

حسنتها ولا أكرومة في ناقصة إلا أتممتها اللهم صل على

محمد وآل محمد وأبدلني من بغضة أهل الشنآن المحبة ومن

حسد أهل البغي المودة ومن ظنة أهل الصلاح الثقة

ومن عداوة الأدنين الولاية ومن عقوق ذوي الأرحام

المبرة ومن خذلان الأقربين النصرة ومن حب المدارين تصحيح

المقة ومن رد الملابسين كرم العشرة ومن مرارة خوف

الظالمين حلاوة الأمنة اللهم صل على محمد وآله واجعل لي

يدا على من ظلمني ولسانا على من خاصمني وظفرا بمن عاندني

وَهَبْ لِي مَكْراً عَلَى مَنْ كَايَدَنِي وَقُدْرَةً عَلَى مَنِ اضْطَهَدَنِي

وَتَكْذِيباً لِمَنْ قَصَبَنِي وَسَلاَمَةً مِمَّنْ تَوَعَّدَنِي وَوَفِّقْنِي

لِطَاعَةِ مَنْ سَدَّدَنِي وَمُتَابَعَةِ مَنْ أَرْشَدَنِي اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى

مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَسَدِّدْنِي لِأَنْ أُعَارِضَ مَنْ غَشَّنِي بِالنُّصْحِ وَأَجْزِيَ

مَنْ هَجَرَنِي بِالْبِرِّ وَأُثِيبَ مَنْ حَرَمَنِي بِالْبَذْلِ وَأُكَافِيَ

مَنْ قَطَعَنِي بِالصِّلَةِ وَأُخَالِفَ مَنِ اغْتَابَنِي إِلَى حُسْنِ الذِّكْرِ

وَأَنْ أَشْكُرَ الْحَسَنَةَ وَأُغْضِيَ عَنِ السَّيِّئَةِ اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى

مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَحَلِّنِي بِحِلْيَةِ الصَّالِحِينَ وَأَلْبِسْنِي زِينَةَ الْمُتَّقِينَ فِي

بَسْطِ الْعَدْلِ وَكَظْمِ الْغَيْظِ وَإِطْفَاءِ النَّائِرَةِ وَضَمِّ أَهْلِ

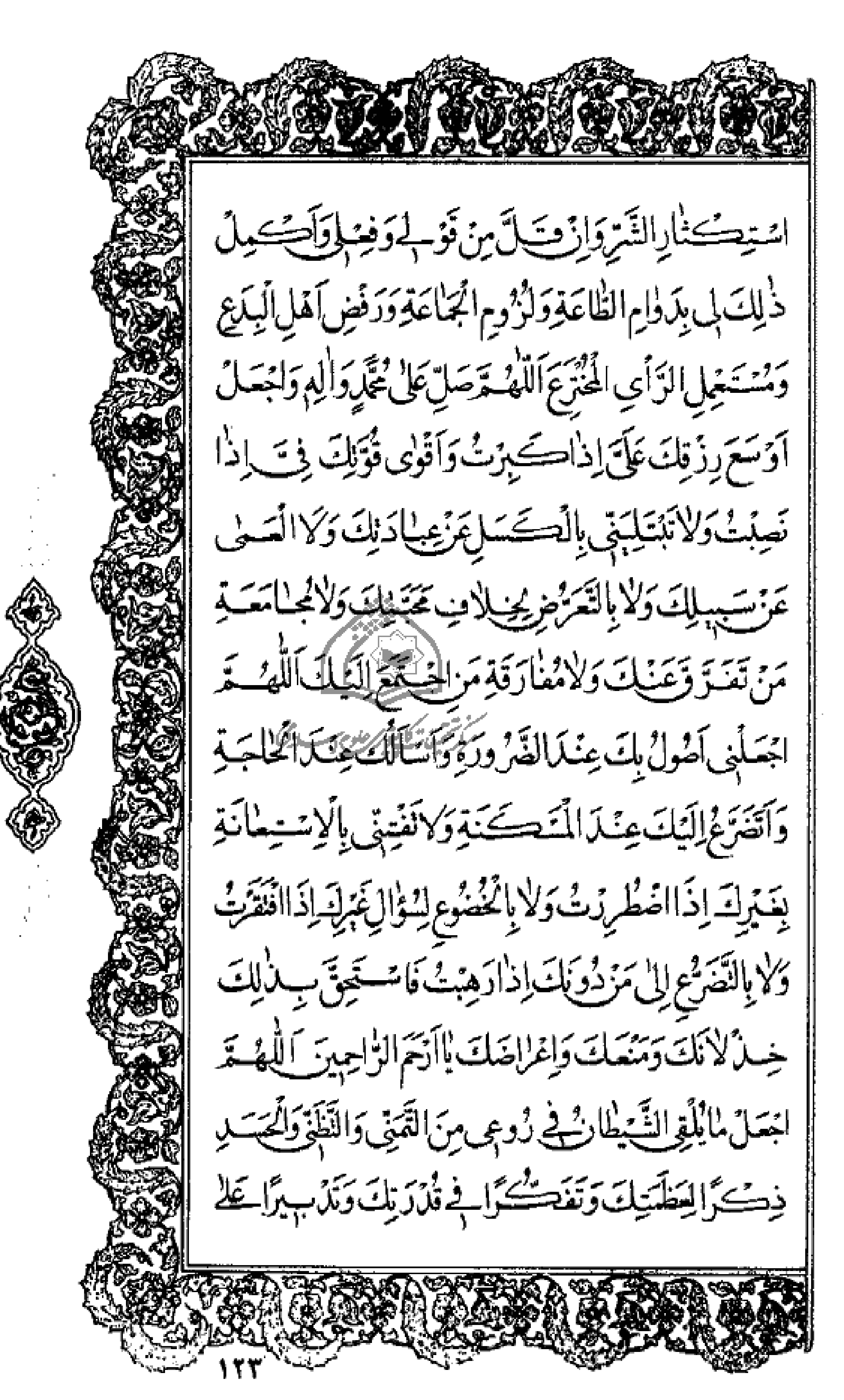
الْفُرْقَةِ وَإِصْلاَحِ ذَاتِ الْبَيْنِ وَإِفْشَاءِ الْعَارِفَةِ وَسَتْرِ الْعَائِبَةِ

وَلِينِ الْعَرِيكَةِ وَخَفْضِ الْجَنَاحِ وَحُسْنِ السِّيرَةِ وَسُكُونِ

الرِّيحِ وَطِيبِ الْمُخَالَقَةِ وَالسَّبْقِ إِلَى الْفَضِيلَةِ وَإِيثَارِ التَّفَضُّلِ

وَتَرْكِ التَّعْيِيرِ وَالْإِفْضَالِ عَلَى غَيْرِ الْمُسْتَحِقِّ وَالْقَوْلِ بِالْحَقِّ وَ

إِنْ عَزَّ وَاسْتِقْلاَلِ الْخَيْرِ وَإِنْ كَثُرَ مِنْ قَوْلِي وَفِعْلِي وَ



اسْتِكْثَارِ الشَّرِّ وَإِنْ قَلَّ مِنْ قَوْلِي وَفِعْلِي وَأَكْمِلْ
ذٰلِكَ لِي بِدَوَامِ الطَّاعَةِ وَلُزُومِ الْجَمَاعَةِ وَرَفْضِ أَهْلِ الْبِدَعِ
وَمُسْتَعْمِلِ الرَّأْيِ الْمُخْتَرَعِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْعَلْ
أَوْسَعَ رِزْقِكَ عَلَيَّ إِذَا كَبِرْتُ وَأَقْوَىٰ قُوَّتِكَ فِيَّ إِذَا
نَصِبْتُ وَلَا تَبْتَلِيَنِّي بِالْكَسَلِ عَنْ عِبَادَتِكَ وَلَا الْعَمَىٰ
عَنْ سَبِيلِكَ وَلَا بِالتَّعَرُّضِ لِخِلَافِ مَحَبَّتِكَ وَلَا مُجَامَعَةِ
مَنْ تَفَرَّقَ عَنْكَ وَلَا مُفَارَقَةِ مَنِ اجْتَمَعَ إِلَيْكَ اَللّٰهُمَّ
اجْعَلْنِي أَصُولُ بِكَ عِنْدَ الضَّرُورَةِ وَأَسْأَلُكَ عِنْدَ الْحَاجَةِ
وَأَتَضَرَّعُ إِلَيْكَ عِنْدَ الْمَسْكَنَةِ وَلَا تَفْتِنِّي بِالْاسْتِعَانَةِ
بِغَيْرِكَ إِذَا اضْطُرِرْتُ وَلَا بِالْخُضُوعِ لِسُؤَالِ غَيْرِكَ إِذَا افْتَقَرْتُ
وَلَا بِالتَّضَرُّعِ إِلَىٰ مَنْ دُونَكَ إِذَا رَهِبْتُ فَأَسْتَحِقَّ بِذٰلِكَ
خِذْلَانَكَ وَمَنْعَكَ وَإِعْرَاضَكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اَللّٰهُمَّ
اجْعَلْ مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ فِي رُوعِي مِنَ التَّمَنِّي وَالتَّظَنِّي وَالْحَسَدِ
ذِكْرًا لِعَظَمَتِكَ وَتَفَكُّرًا فِي قُدْرَتِكَ وَتَدْبِيرًا عَلَىٰ

عَدُوِّكَ وَمَا اَجْرَى عَلَى لِسَانِي مِنْ لَفْظَةِ فُحْشٍ اَوْ هُجْرٍ اَوْ شَتْمِ عِرْضٍ

اَوْ شَهَادَةِ بَاطِلٍ اَوِ اغْتِيَابِ مُؤْمِنٍ غَائِبٍ اَوْ سَبِّ حَاضِرٍ وَمَا

اَشْبَهَ ذٰلِكَ نُطْقاً بِالْحَمْدِ لَكَ وَاِغْرَاقاً فِي الثَّنَاۤءِ عَلَيْكَ وَذَهَاباً

فِي تَمْجِيدِكَ وَشُكْراً لِنِعْمَتِكَ وَاعْتِرَافاً بِاِحْسَانِكَ وَاِحْصَاۤءً

لِمِنَنِكَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَلَا اُظْلَمَنَّ وَاَنْتَ مُطِيقٌ لِلدَّفْعِ

عَنِّي وَلَا اَظْلِمَنَّ وَاَنْتَ الْقَادِرُ عَلَى الْقَبْضِ مِنِّي وَلَا اَضِلَّنَّ وَقَدْ

اَمْكَنَتْكَ هِدَايَتِي وَلَا اَفْتَقِرَنَّ وَمِنْ عِنْدِكَ وُسْعِي وَلَا

اَطْغَيَنَّ وَمِنْ عِنْدِكَ وُجْدِي اَللّٰهُمَّ اِلَى مَغْفِرَتِكَ وَفَدْتُ

وَاِلَى عَفْوِكَ قَصَدْتُ وَاِلَى تَجَاوُزِكَ اشْتَقْتُ وَبِفَضْلِكَ

وَثِقْتُ وَلَيْسَ عِنْدِي مَا يُوجِبُ لِي مَغْفِرَتَكَ وَلَا فِي عَمَلِي مَا

اَسْتَحِقُّ بِهِ عَفْوَكَ وَمَالِي بَعْدَ اَنْ حَكَمْتُ عَلَى نَفْسِي

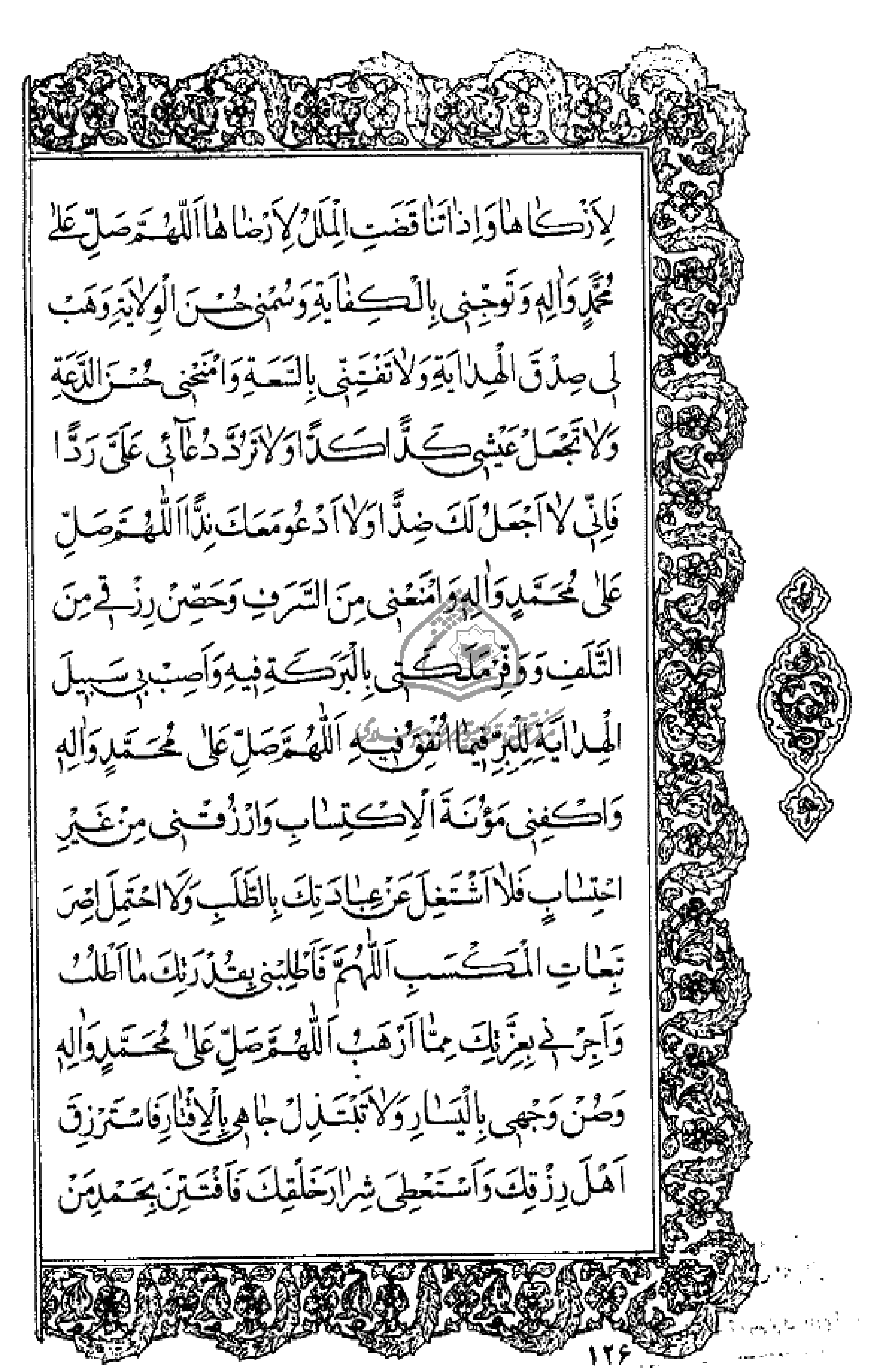
اِلَّا فَضْلُكَ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَتَفَضَّلْ عَلَيَّ اَللّٰهُمَّ وَاَنْطِقْنِي

بِالْهُدَى وَاَلْهِمْنِي التَّقْوَى وَوَفِّقْنِي لِلَّتِي هِيَ اَزْكَى

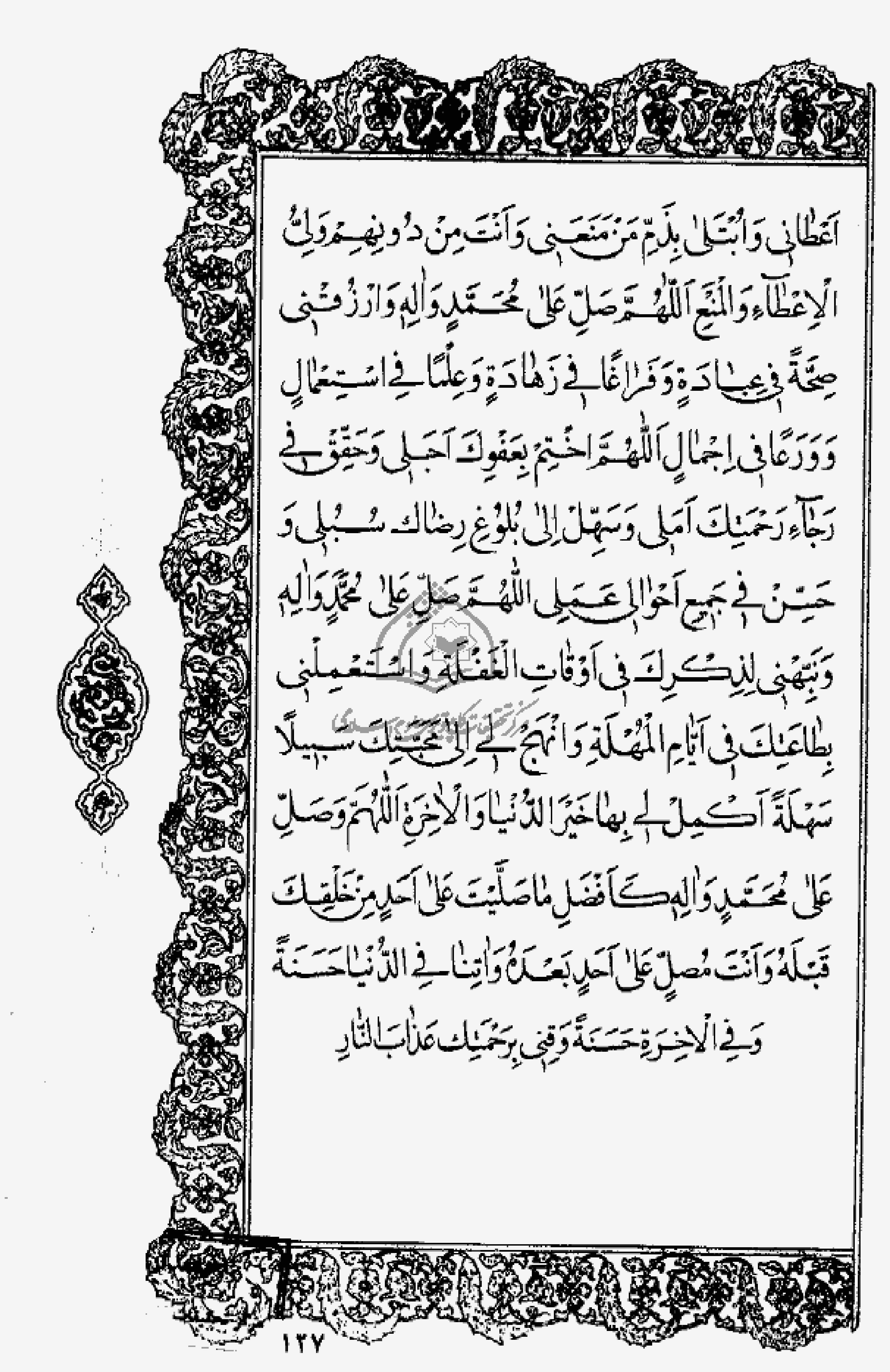
وَاسْتَعْمِلْنِي بِمَا هُوَ اَرْضَى اَللّٰهُمَّ اسْلُكْ بِيَ الطَّرِيقَةَ الْمُثْلَى



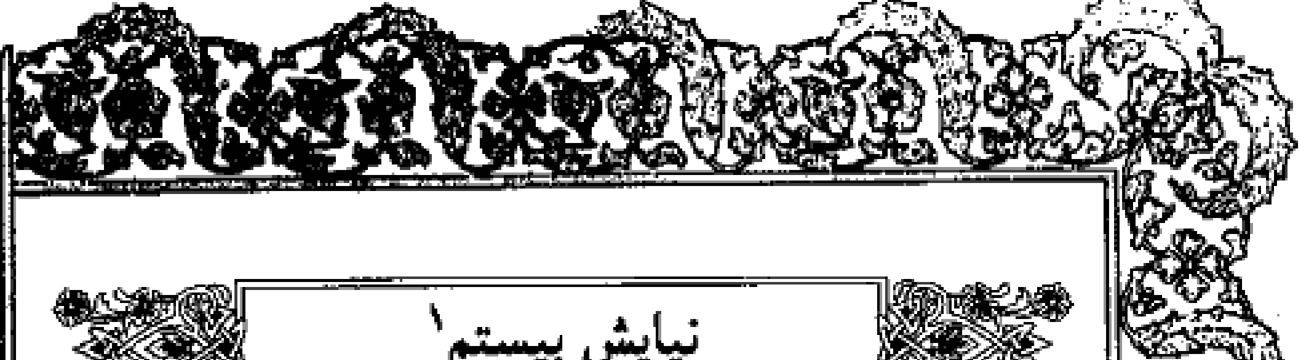
واجعلني على ملّتك اموت واحيى اللّهم صلّ على محمّد و
آله ومتّعني بالاقتصاد واجعلني من اهل السداد ومن ادلّة
الرشاد ومن صالحي العباد وارزقني فوز المعاد وسلامة
المرصاد اللّهمّ خذ لنفسك من نفسي ما يخلّصها وابق
لنفسي من نفسي ما يصلحها فانّ نفسي هالكة او تعصمها
اللّهمّ انت عدّتي ان حزنت وانت منتجعي ان حرمت و
بك استغاثتي ان كرثت وعندك ممّا فات خلف ولما
فسد صلاح وفيما انكرت تغيير فامنن عليّ قبل البلاء
بالعافية وقبل الطلب بالجدة وقبل الضلال بالرشاد
واكفني مؤونة معرّة العباد وهب لي امن يوم المعاد
وامنحني حسن الارشاد اللّهمّ صلّ على محمّد وآله وادرأ عنّي
بلطفك واغذني بنعمتك واصلحني بكرمك وداوني
بصنعك واظلّني في ذراك وجلّلني رضاك ووفّقني اذا
اشتكلت عليّ الامور لاهداها واذا تشابهت الاعمال



لا أزكاها وإذا أتانا قضت الملل لا أرضاها اللّهم صلّ على محمّد وآله وتوّجني بالكفاية وسُمني حسن الولاية وهب لي صدق الهداية ولا تفتنّي بالسّعة وامنحني حسن الدّعة ولا تجعل عيشي كدّاً كدّاً ولا تردّ دعائي عليّ ردّاً فإنّي لا أجعل لك ضدّاً ولا أدعو معك ندّاً اللّهمّ صلّ على محمّد وآله وامنعني من السّرف وحصّن رزقي من التّلف ووفّر ملكتي بالبركة فيه وأصب بي سبيل الهداية للبرّ فيما أُنفق منه اللّهمّ صلّ على محمّد وآله واكفني مؤونة الاكتساب وارزقني من غير احتساب فلا أشتغل عن عبادتك بالطّلب ولا أحتمل إصر تبعات المكسب اللّهمّ فأطلبني بقدرتك ما أطلب وأجرني بعزّتك ممّا أرهب اللّهمّ صلّ على محمّد وآله وصُن وجهي باليسار ولا تبتذل جاهي بالإقتار فأسترزق أهل رزقك وأستعطي شرار خلقك فأفتتن بحمد من



اَعْطانی وَ اُبْتَلی بِذَمِّ مَنْ مَنَعَنی وَ اَنْتَ مِنْ دُونِهِمْ وَلِیُّ
الْاِعْطاءِ وَ الْمَنْعِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ اٰلِهٖ وَ ارْزُقْنی
صِحَّةً فی عِبادَةٍ وَ فَراغاً فی زَهادَةٍ وَ عِلْماً فِی اسْتِعْمالٍ
وَ وَرَعاً فی اِجْمالٍ اَللّٰهُمَّ اخْتِمْ بِعَفْوِکَ اَجَلی وَ حَقِّقْ فی
رَجاءِ رَحْمَتِکَ اَمَلی وَ سَهِّلْ اِلٰی بُلُوغِ رِضاکَ سُبُلی وَ
حَسِّنْ فی جَمیعِ اَحْوالی عَمَلی اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ اٰلِهٖ
وَ نَبِّهْنی لِذِکْرِکَ فی اَوْقاتِ الْغَفْلَةِ وَ اسْتَعْمِلْنی
بِطاعَتِکَ فی اَیّامِ الْمُهْلَةِ وَ انْهَجْ لی اِلٰی مَحَبَّتِکَ سَبیلاً
سَهْلَةً اَکْمِلْ لی بِها خَیْرَ الدُّنْیا وَ الْاٰخِرَةِ اَللّٰهُمَّ وَ صَلِّ
عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ اٰلِهٖ کَاَفْضَلِ ما صَلَّیْتَ عَلٰی اَحَدٍ مِنْ خَلْقِکَ
قَبْلَهُ وَ اَنْتَ مُصَلٍّ عَلٰی اَحَدٍ بَعْدَهُ وَ اٰتِنا فِی الدُّنْیا حَسَنَةً
وَ فِی الْاٰخِرَةِ حَسَنَةً وَ قِنی بِرَحْمَتِکَ عَذابَ النّارِ



نیایش بیستم[1]

بارخدایا، درود بفرست بر محمد و خاندانش و ایمان مرا به کامل ترین درجاتِ ایمان ویقینِ مرا به برترین مراتبِ یقین ونیّت مرا به نیکوترینِ نیتها و عمل مرا به بهترینِ اعمال فرابر.

ای خداوند، به‌لطف خود نیّت مرا ازهر شائبه مصون دارو به‌رحمت خود یقین مرا استوار گردان و به قدرت خود فساد مرا به صلاح بدل نمای.

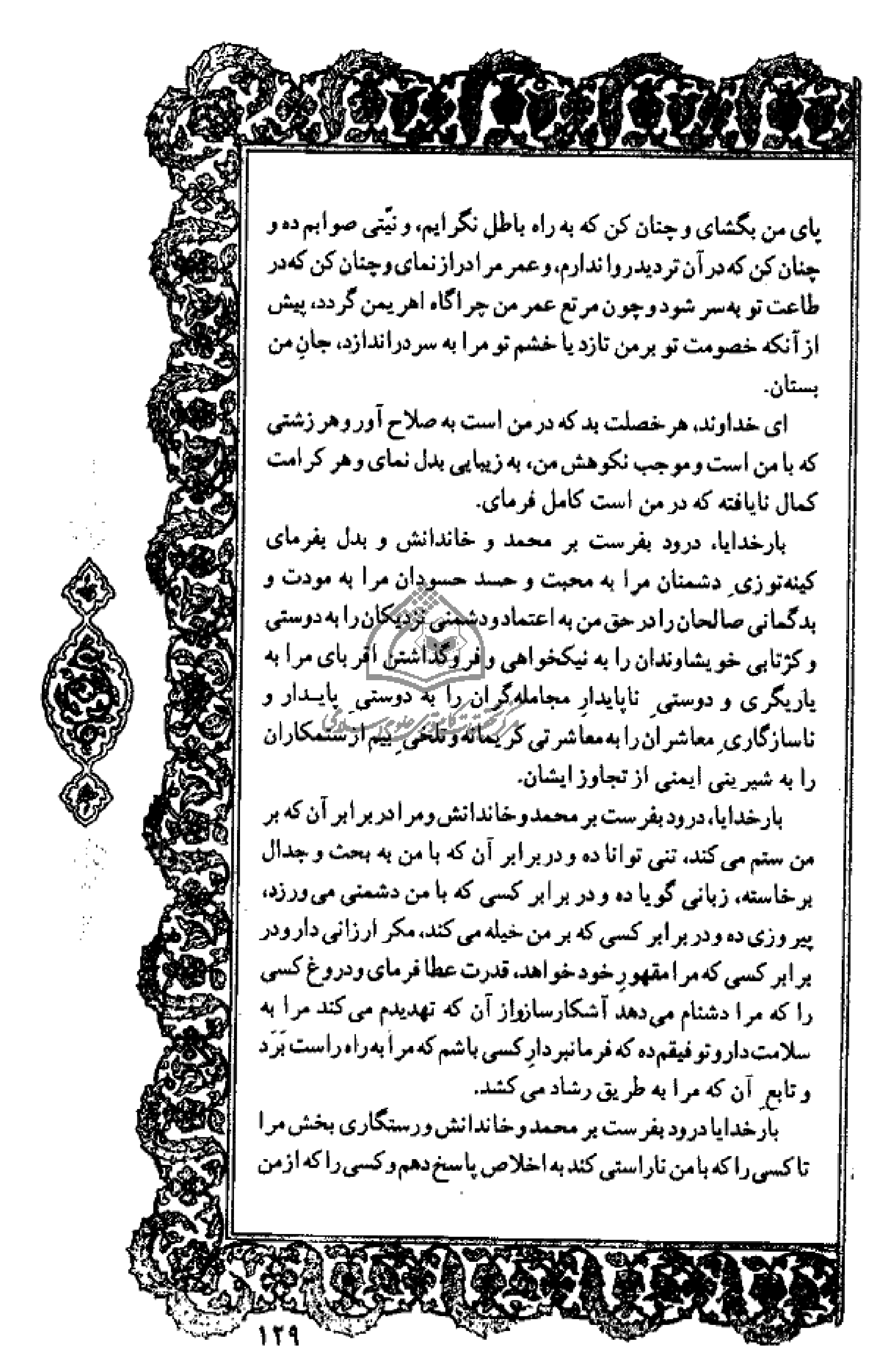
بارخدایا، درود بفرست بر محمد و خاندانش و مرا ازهر کار که پرداختن به آن از پرداختنم به تو بازمی‌دارد، بی نیاز گردان و به کاری برگمارکه درروز بازپسین ازمن خواهی وروزهای عمرِ مرادر کاری که مرا برای آن آفریده‌ای مصروف دارو مرا بی نیازفرمای ودَرِروزی بر من بگشای و به نگریستن به حسرت درمال وجاهِ کسان گرفتارمسازو عزیزم دارو به خودپسندی دچارم مکن. مرا به بندگیِ خود گیر و عبادتم را به عجب و غرور تباه مکن. و بر دستِ من، درحق مردم کارهای خیر جاری کن و کارهای خیرمن به شائبهٔ منت نهادن بر خلق خدای میامیزو از اخلاق متعالی بهره‌ورم دار و از نازش بر خویش درامان.

بارخدایا، درود بفرست بر محمد و خاندانش و هرگاه مرا در نظرمردم به درجتی فرامی بری به همان قدردرنفسِ خود خوارم گردان وهرگاه مرا به عزّتی آشکارمی نوازی به همان قدردر نفس خود ذلیل گردان.

بارخدایا، درود بفرست بر محمد وخاندانش و مرا به راه شایستهٔ هدایت راه بنمای وچنان کن که راه دیگرگون نکنم، وطریق حق پیش



1. دعای آن حضرت است در طلب اخلاق ستوده و افعال پسندیده.



پای من بگشای و چنان کن که به راه باطل نگرایم، و نیّتی صوابم ده و چنان کن که در آن تردید روا ندارم، و عمر مرا دراز نمای و چنان کن که در طاعت تو به‌سر شود و چون مرتع عمر من چراگاه اهریمن گردد، پیش از آنکه خصومت تو بر من تازد یا خشم تو مرا به سر دراندازد، جانِ من بستان.

ای خداوند، هر خصلت بد که در من است به صلاح آور و هر زشتی که با من است و موجب نکوهش من، به زیبایی بدل نمای و هر کرامت کمال نایافته که در من است کامل فرمای.

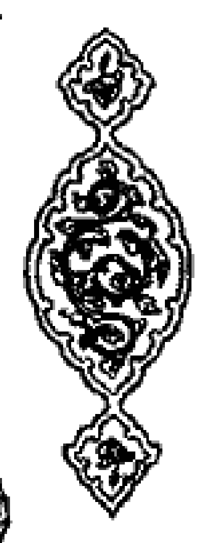
بارخدایا، درود بفرست بر محمد و خاندانش و بدل بفرمای کینه‌توزیِ دشمنان مرا به محبت و حسد حسودان مرا به مودت و بدگمانی صالحان را در حق من به اعتماد و دشمنی نزدیکان را به دوستی و کژتابی خویشاوندان را به نیکخواهی و فروگذاشتن اقربای مرا به یاریگری و دوستیِ ناپایدارِ مجامله‌گران را به دوستیِ پایدار و ناسازگاریِ معاشران را به معاشرتی کریمانه و تلخیِ بیم از ستمکاران را به شیرینی ایمنی از تجاوز ایشان.

بارخدایا، درود بفرست بر محمد و خاندانش و مرا در برابر آن که بر من ستم می کند، تنی توانا ده و در برابر آن که با من به بحث و جدال برخاسته، زبانی گویا ده و در برابر کسی که با من دشمنی می ورزد، پیروزی ده و در برابر کسی که بر من حیله می کند، مکر ارزانی دار و در برابر کسی که مرا مقهورِ خود خواهد، قدرت عطا فرمای و دروغ کسی را که مرا دشنام می‌دهد آشکار ساز و از آن که تهدیدم می کند مرا به سلامت دار و توفیقم ده که فرمانبردارِ کسی باشم که مرا به راه راست بَرَد و تابعِ آن که مرا به طریق رشاد می کشد.

بارخدایا درود بفرست بر محمد و خاندانش و رستگاری بخش مرا تا کسی را که با من ناراستی کند به اخلاص پاسخ دهم و کسی را که از من

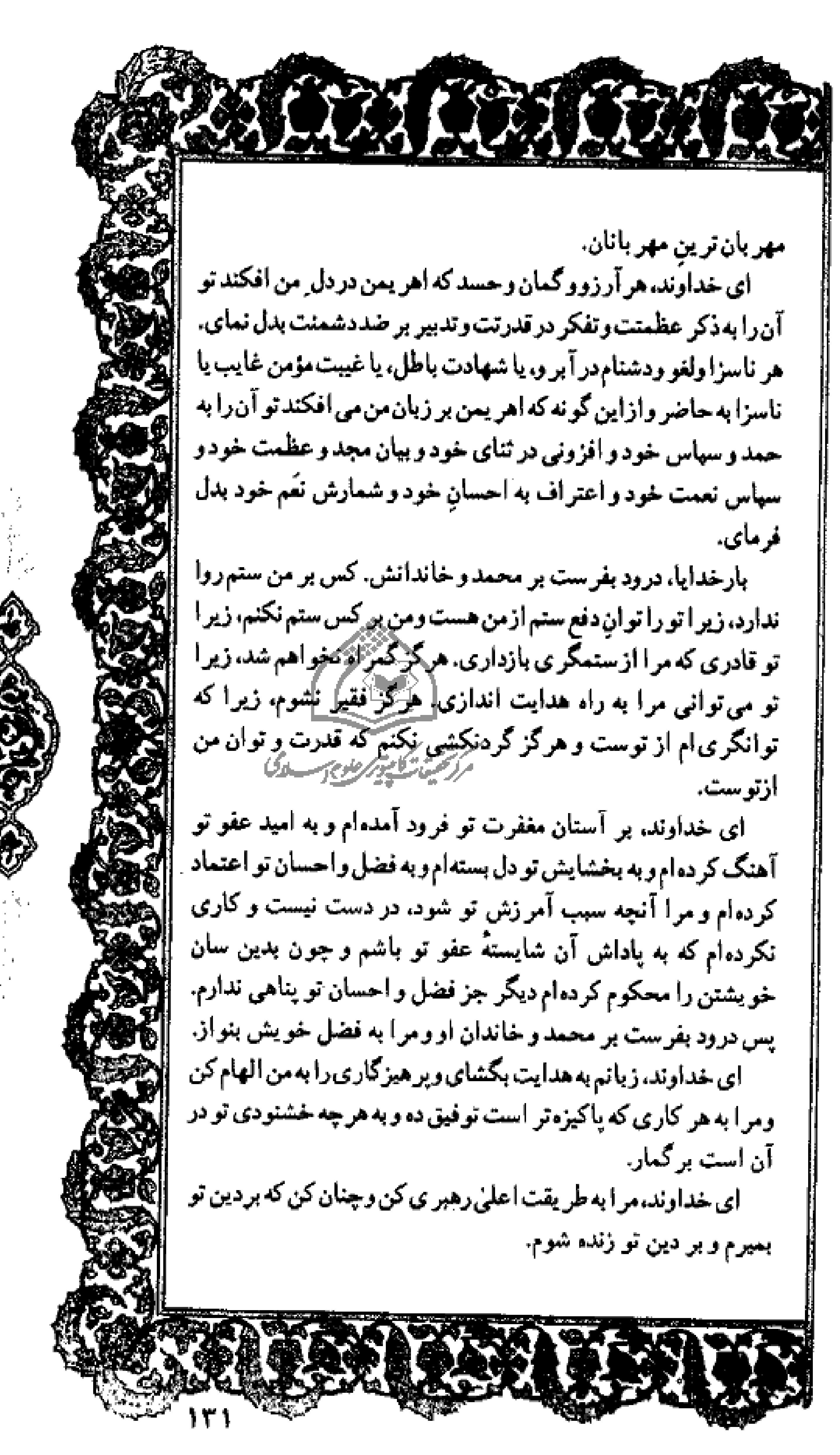
دوری گزیند به نیکویی جزا دهم و کسی را که مرا محروم می دارد به بذل و احسان بنوازم و با آن کس که رشتهٔ مودت بریده است بپیوندم و کسی را که ازمن به بدی یاد کرده به نیکی یاد کنم و خوبی را سپاس گویم و از بدی چشم فروبندم.

ای خداوند، مرا سیمای صالحان ده و جامهٔ پرهیزگاران: در گستردن عدل و فروخوردن خشم و خاموش کردن آتش دشمنی و به هم پیوستن تفرقه‌جویان و آشتی دادن خصمان و فاش کردن نیکی و پوشیدن عیبها و نرمخویی و فروتنی و نیک‌سیرتی و بیرون راندنِ باد غرور از سر و خوشخویی و سبقت در فضیلت و ایثار در بخشش و دم فروبستن از عیب دیگران و ترک اِفضال در حق کسی که درخور اِفضال نباشد و گفتن سخن حق، هرچند دشوار بُوَد و اندک شمردن نیکیهای خود در کردار و گفتار هرچند بسیار بود و بسیار شمردنِ بدیهای خود در کردار و گفتار هرچند اندک بود. ای خداوند، این صفات را در من به کمال رسان به دوام طاعت خود و همسویی با جماعتِ مقبول و دوری از بدعت جویان و پیروان باورهایِ مجعول.



بارخدایا، درود بفرست بر محمد و خاندانش و فراخ‌ترین روزی‌ات را به هنگام پیری به من ارزانی دار و نیرومندترین نیرویت را به هنگام درماندگی. در عبادت دچار کاهلیم مگردان و چنان مکن که دیدگانم از دیدن راه تو نابینا بُوَد، یا به خلاف محبت تو گام بردارم، یا به آنان که از تو بریده‌اند پیوندم، یا از آنان که به تو پیوسته‌اند بریده شوم.

ای خداوند، چنان کن که به هنگام ضرورت به نیروی تو بتازم و به هنگام نیاز از تو یاری خواهم و به هنگام مسکنت به درگاه تو تضرع کنم، و مرا میازمای که به هنگام اضطرار از جز تویی یاری جویم و به هنگام بینوایی به پیشگاه جز تویی خاضع شوم و به هنگام ترس در برابر جز تویی تضرع کنم، تا آنگاه مستحق خذلان و منع و اِعراض تو گردم. ای



مهربان‌ترینِ مهربانان.

ای خداوند، هر آرزو و گمان و حسد که اهریمن در دلِ من افکند تو آن را به ذکر عظمتت و تفکر در قدرتت و تدبیر بر ضد دشمنت بدل نمای. هر ناسزا و لغو و دشنام در آبرو، یا شهادت باطل، یا غیبت مؤمن غایب یا ناسزا به حاضر و از این گونه که اهریمن بر زبان من می افکند تو آن را به حمد و سپاس خود و افزونی در ثنای خود و بیان مجد و عظمت خود و سپاس نعمت خود و اعتراف به احسانِ خود و شمارش نِعَم خود بدل فرمای.

بارخدایا، درود بفرست بر محمد و خاندانش. کس بر من ستم روا ندارد، زیرا تو را توانِ دفع ستم از من هست و من بر کس ستم نکنم، زیرا تو قادری که مرا از ستمگری بازداری. هرگز گمراه نخواهم شد، زیرا تو می‌توانی مرا به راه هدایت اندازی. هرگز فقیر نشوم، زیرا که توانگری‌ام از توست و هرگز گردنکشی نکنم که قدرت و توان من از توست.

ای خداوند، بر آستان مغفرت تو فرود آمده‌ام و به امید عفو تو آهنگ کرده‌ام و به بخشایش تو دل بسته‌ام و به فضل و احسان تو اعتماد کرده‌ام و مرا آنچه سبب آمرزشِ تو شود، در دست نیست و کاری نکرده‌ام که به پاداش آن شایستهٔ عفو تو باشم و چون بدین سان خویشتن را محکوم کرده‌ام دیگر جز فضل و احسان تو پناهی ندارم. پس درود بفرست بر محمد و خاندانِ او و مرا به فضل خویش بنواز.

ای خداوند، زبانم به هدایت بگشای و پرهیزگاری را به من الهام کن و مرا به هر کاری که پاکیزه‌تر است توفیق ده و به هرچه خشنودی تو در آن است برگمار.

ای خداوند، مرا به طریقت اعلیٰ رهبری کن و چنان کن که بر دین تو بمیرم و بر دین تو زنده شوم.

بارخدایا، درود بفرست بر محمد و خاندانش و مرا از میانه‌روی بهره‌مند ساز و در زمرهٔ اهل صواب درآور. مرا از راهنمایان طریق حق قرار ده و در شمار بندگان صالح. در قیامت رستگاری را نصیب من فرمای و از آتش دوزخم در امان دار.

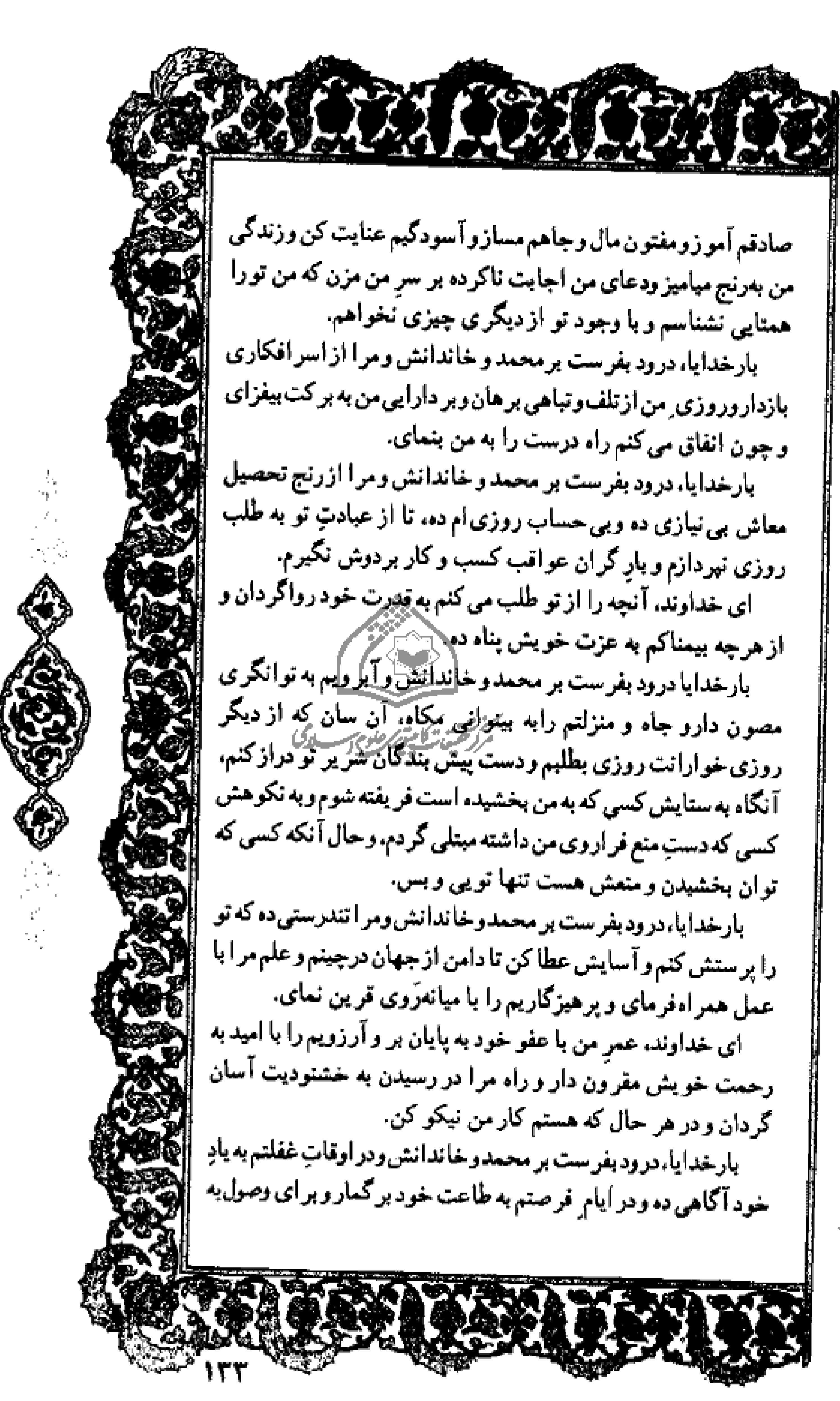
ای خداوند، هر خصلتی را که خلاص نفس من در آن نیست، از من بستان و هر خصلتی را که اصلاح نفس مرا سبب است برای من باقی گذار. زیرا نفس اگر تواش در امان خود نداری هلاك شونده است.

ای خداوند، چون محزون شوم تویی ساز و برگ من و چون محرومم دارند طلب روزی را به سوی تو آیم. هرگاه مصیبتی به من رسد به درگاهِ تو استغاثه کنم و هرچه از دست رود تواش جبران می کنی و هرچه تباه شود تواش به صلاح می آوری و هرچه تو را ناپسند افتد تواش دگرگون توانی کرد. پس ای خداوند، پیش از دررسیدن بلا، نعمت عافیتم ده و پیش از آنکه دست طلب فراکنم، توانگریم بخش و پیش از آنکه کارم به گمراهی کشد، راه هدایتم بنمای. رنج عیبجویی مردم ازمن دوربدار و ایمنی روزرستاخیز نصیب من فرمای و ارشاد نیك دیگران را به من ببخش.

بارخدایا، درود بفرست بر محمد و خاندانش و به لطف خود آسیب حوادث ازمن دوردار و به نعمت خودمرا بهروران و به کَرَمِ خود اصلاح فرمای و درد من دوا نمای و مرا در سایهٔ امن خود جای ده و پیکر من به جامهٔ خشنودی خود بیارای و چون کارها بر من آشوبد به گزاردنِ درست ترین آنها توفیقم ده و چون امور به یکدیگر مشتبه شوند به پاکیزه ترینِ آنها راه نمای و چون میان عقاید خلاف برخیزد، تو مرا به آن مذهب رَهبری کن که بیشتر مورد رضای توست.

بارخدایا، درود بفرست بر محمد و خاندانش وتاجِ بی نیازی بر سرِ من نِه و بر آنم دار که هر کار که می کنم نیکو به انجامش رسانم وهدایت





صادقم آموز و مفتون مال و جاهم مساز و آسودگیم عنایت کن و زندگی من به‌رنج میامیز و دعای من اجابت ناکرده بر سرِ من مزن که من تو را همتایی نشناسم و با وجود تو از دیگری چیزی نخواهم.

بارخدایا، درود بفرست بر محمد و خاندانش و مرا از اسرافکاری بازدار و روزیِ من از تلف و تباهی برهان و بر دارایی من به برکت بیفزای و چون انفاق می‌کنم راه درست را به من بنمای.

بارخدایا، درود بفرست بر محمد و خاندانش و مرا از رنج تحصیل معاش بی‌نیازی ده و بی‌حساب روزی‌ام ده، تا از عبادتِ تو به طلب روزی نپردازم و بارِ گران عواقب کسب و کار بردوش نگیرم.

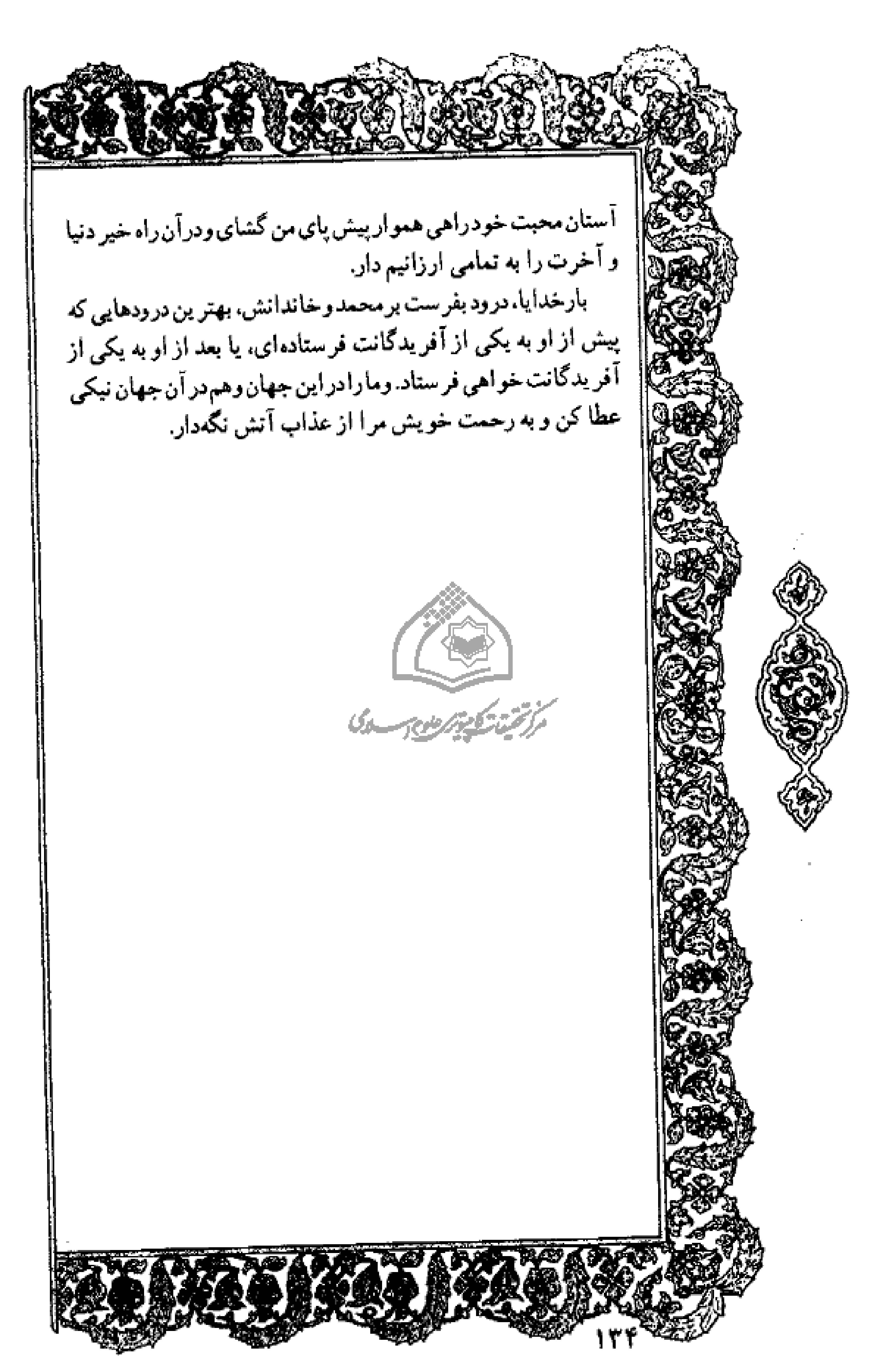
ای خداوند، آنچه را از تو طلب می‌کنم به قدرت خود رواگردان و از هرچه بیمناکم به عزت خویش پناه ده.

بارخدایا درود بفرست بر محمد و خاندانش و آبرویم به توانگری مصون دار و جاه و منزلتم را به بینوائی مکاه، آن سان که از دیگر روزی‌خوارانت روزی بطلبم و دست پیش بندگان شریر تو دراز کنم، آنگاه به ستایش کسی که به من بخشیده است فریفته شوم و به نکوهش کسی که دستِ منع فراروی من داشته مبتلی گردم، و حال آنکه کسی که توان بخشیدن و منعش هست تنها تویی و بس.

بارخدایا، درود بفرست بر محمد و خاندانش و مرا تندرستی ده که تو را پرستش کنم و آسایش عطا کن تا دامن از جهان درچینم و علم مرا با عمل همراه فرمای و پرهیزگاریم را با میانه‌رَوی قرین نمای.

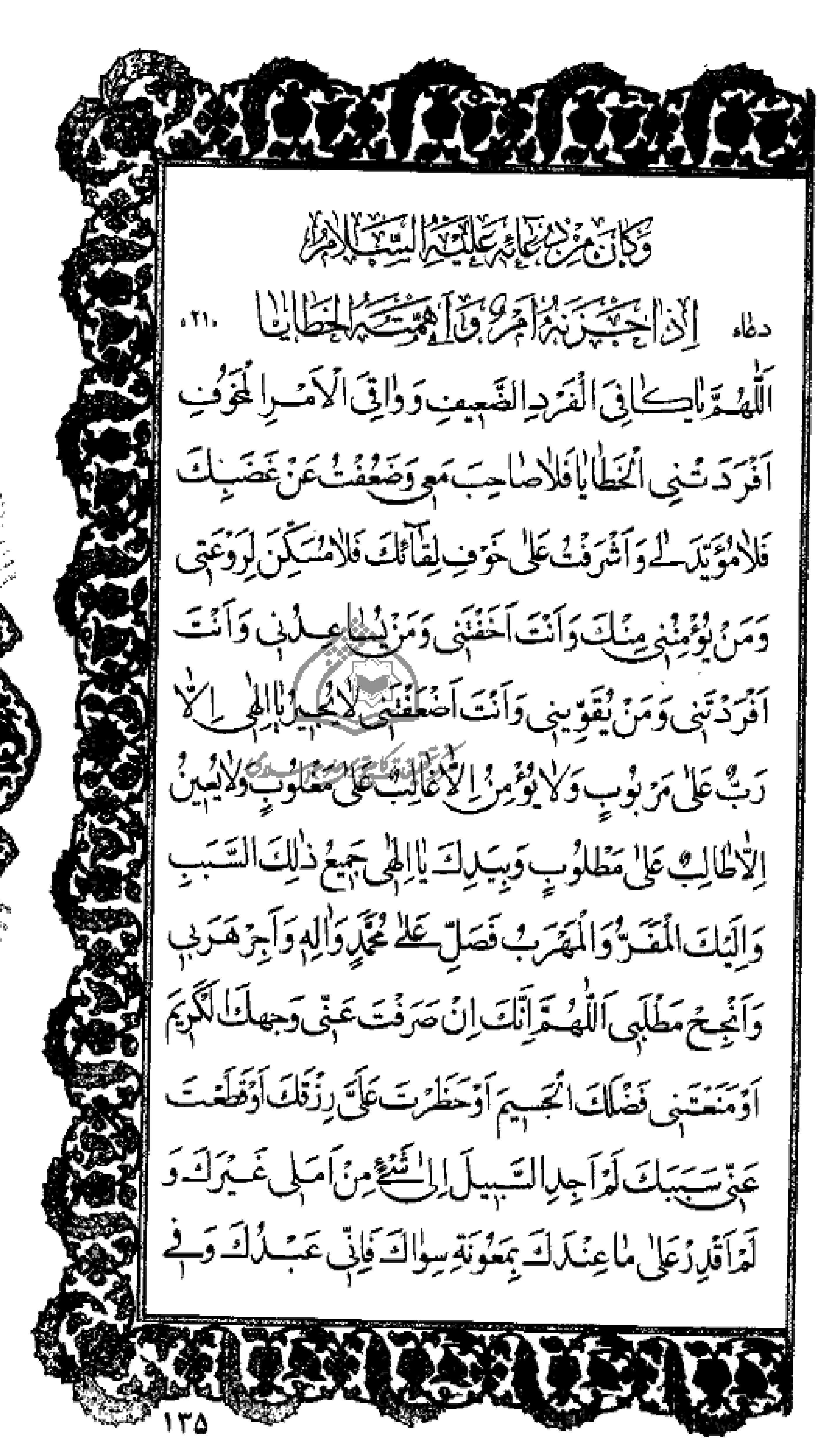
ای خداوند، عمرِ من با عفو خود به پایان بر و آرزویم را با امید به رحمت خویش مقرون دار و راه مرا در رسیدن به خشنودیت آسان گردان و در هر حال که هستم کار من نیکو کن.

بارخدایا، درود بفرست بر محمد و خاندانش و در اوقاتِ غفلتم به یادِ خود آگاهی ده و در ایامِ فرصتم به طاعت خود برگمار و برای وصول به



آستان محبت خود راهی هموار پیش پای من گشای و در آن راه خیر دنیا و آخرت را به تمامی ارزانیم دار.

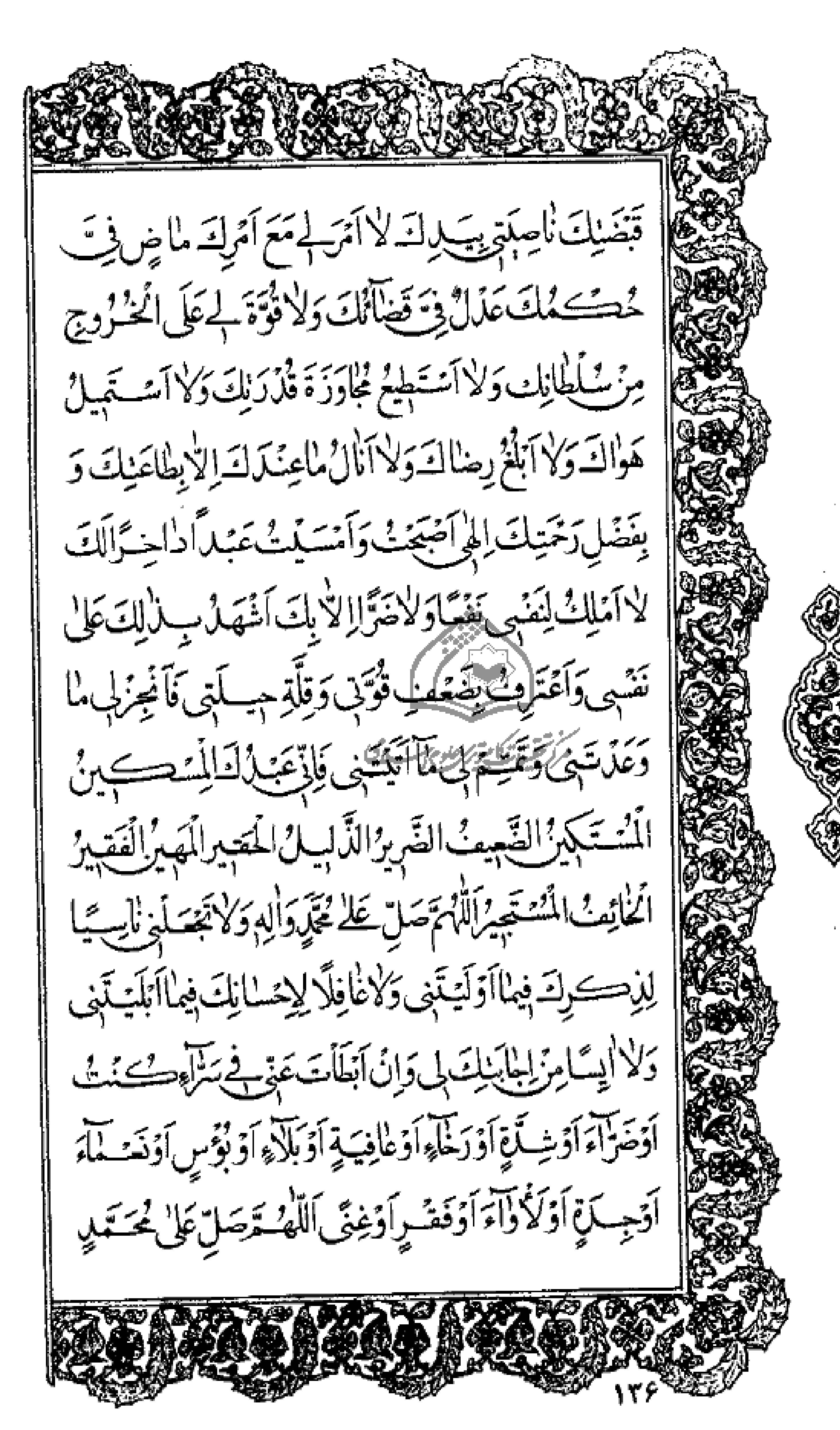
بارخدایا، درود بفرست بر محمد و خاندانش، بهترین درودهایی که پیش از او به یکی از آفریدگانت فرستاده‌ای، یا بعد از او به یکی از آفریدگانت خواهی فرستاد. و ما را در این جهان و هم در آن جهان نیکی عطا کن و به رحمت خویش مرا از عذاب آتش نگه‌دار.



وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ

دعاء ٢١٠ إِذَا حَزَنَهُ أَمْرٌ وَأَهَمَّتْهُ الْخَطَايَا

اَللّٰهُمَّ يَا كَافِيَ الْفَرْدِ الضَّعِيفِ وَوَاقِيَ الْأَمْرِ الْمَخُوفِ أَفْرَدَتْنِي الْخَطَايَا فَلَا صَاحِبَ مَعِي وَضَعُفْتُ عَنْ غَضَبِكَ فَلَا مُؤَيِّدَ لِي وَأَشْرَفْتُ عَلَىٰ خَوْفِ لِقَائِكَ فَلَا مُسَكِّنَ لِرَوْعَتِي وَمَنْ يُؤْمِنُنِي مِنْكَ وَأَنْتَ أَخَفْتَنِي وَمَنْ يُسَاعِدُنِي وَأَنْتَ أَفْرَدْتَنِي وَمَنْ يُقَوِّينِي وَأَنْتَ أَضْعَفْتَنِي لَا يُجِيرُ يَا إِلٰهِي إِلَّا رَبٌّ عَلَىٰ مَرْبُوبٍ وَلَا يُؤْمِنُ إِلَّا غَالِبٌ عَلَىٰ مَغْلُوبٍ وَلَا يُعِينُ إِلَّا طَالِبٌ عَلَىٰ مَطْلُوبٍ وَبِيَدِكَ يَا إِلٰهِي جَمِيعُ ذٰلِكَ السَّبَبِ وَإِلَيْكَ الْمَفَرُّ وَالْمَهْرَبُ فَصَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَجِرْ هَرَبِي وَأَنْجِحْ مَطْلَبِي اَللّٰهُمَّ إِنَّكَ إِنْ صَرَفْتَ عَنِّي وَجْهَكَ الْكَرِيمَ أَوْ مَنَعْتَنِي فَضْلَكَ الْجَسِيمَ أَوْ حَظَرْتَ عَلَيَّ رِزْقَكَ أَوْ قَطَعْتَ عَنِّي سَبَبَكَ لَمْ أَجِدِ السَّبِيلَ إِلَىٰ شَيْءٍ مِنْ أَمَلِي غَيْرَكَ وَلَمْ أَقْدِرْ عَلَىٰ مَا عِنْدَكَ بِمَعُونَةِ سِوَاكَ فَإِنِّي عَبْدُكَ وَفِي



قَبْضَتِكَ نَاصِيَتِي بِيَدِكَ لَا أَمْرَ لِي مَعَ أَمْرِكَ مَاضٍ فِيَّ

حُكْمُكَ عَدْلٌ فِيَّ قَضَاۤؤُكَ وَلَا قُوَّةَ لِي عَلَى الْخُرُوجِ

مِنْ سُلْطَانِكَ وَلَا أَسْتَطِيعُ مُجَاوَزَةَ قُدْرَتِكَ وَلَا أَسْتَمِيلُ

هَوَاكَ وَلَا أَبْلُغُ رِضَاكَ وَلَا أَنَالُ مَا عِنْدَكَ إِلَّا بِطَاعَتِكَ وَ

بِفَضْلِ رَحْمَتِكَ إِلٰهِي أَصْبَحْتُ وَأَمْسَيْتُ عَبْداً دَاخِراً لَكَ

لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعاً وَلَا ضَرّاً إِلَّا بِكَ أَشْهَدُ بِذٰلِكَ عَلَى

نَفْسِي وَأَعْتَرِفُ بِضَعْفِ قُوَّتِي وَقِلَّةِ حِيلَتِي فَأَنْجِزْ لِي مَا

وَعَدْتَنِي وَتَمِّمْ لِي مَا آتَيْتَنِي فَإِنِّي عَبْدُكَ الْمِسْكِينُ

الْمُسْتَكِينُ الضَّعِيفُ الضَّرِيرُ الذَّلِيلُ الْحَقِيرُ الْمَهِينُ الْفَقِيرُ

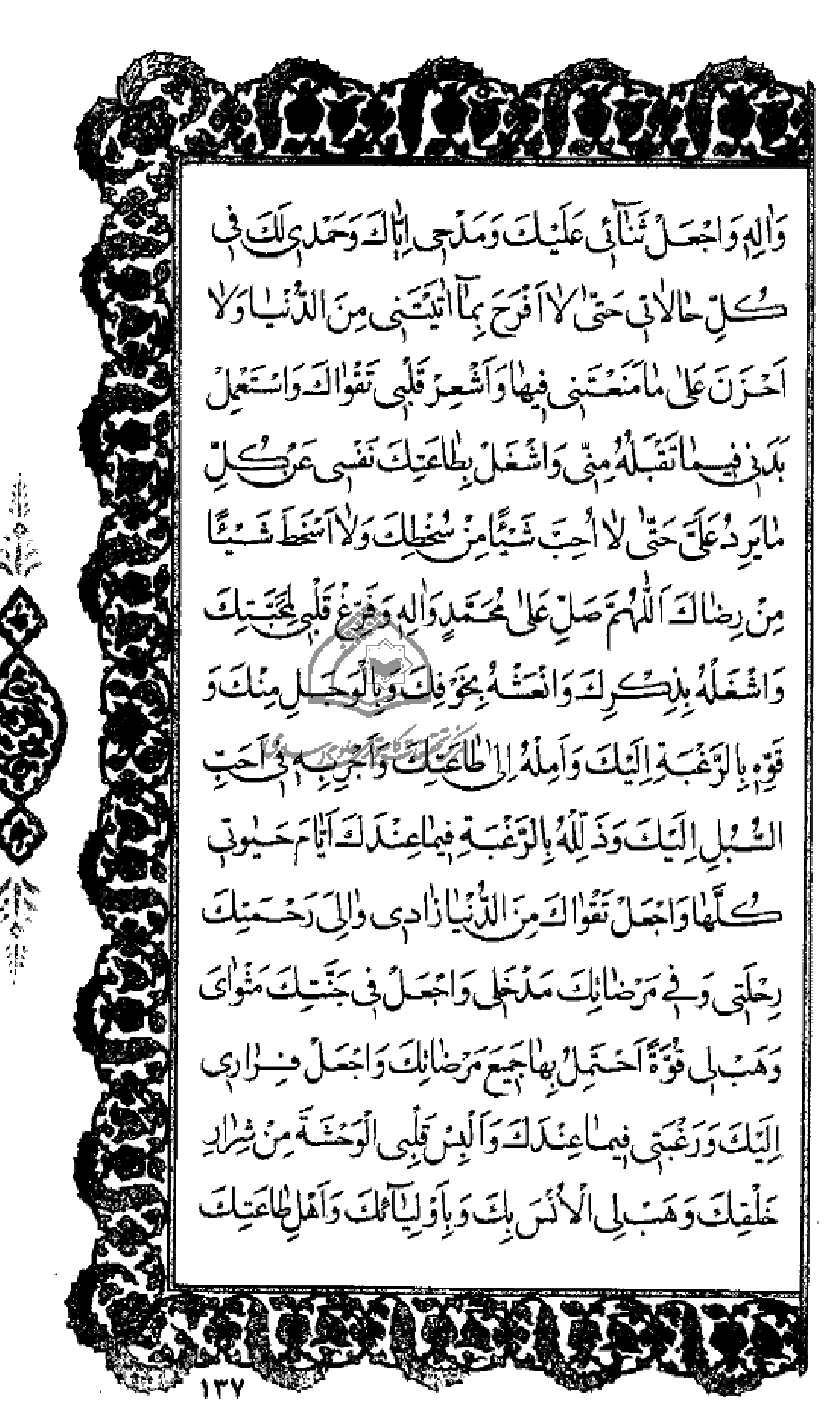
الْخَائِفُ الْمُسْتَجِيرُ اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَلَا تَجْعَلْنِي نَاسِياً

لِذِكْرِكَ فِيمَا أَوْلَيْتَنِي وَلَا غَافِلاً لِإِحْسَانِكَ فِيمَا أَبْلَيْتَنِي

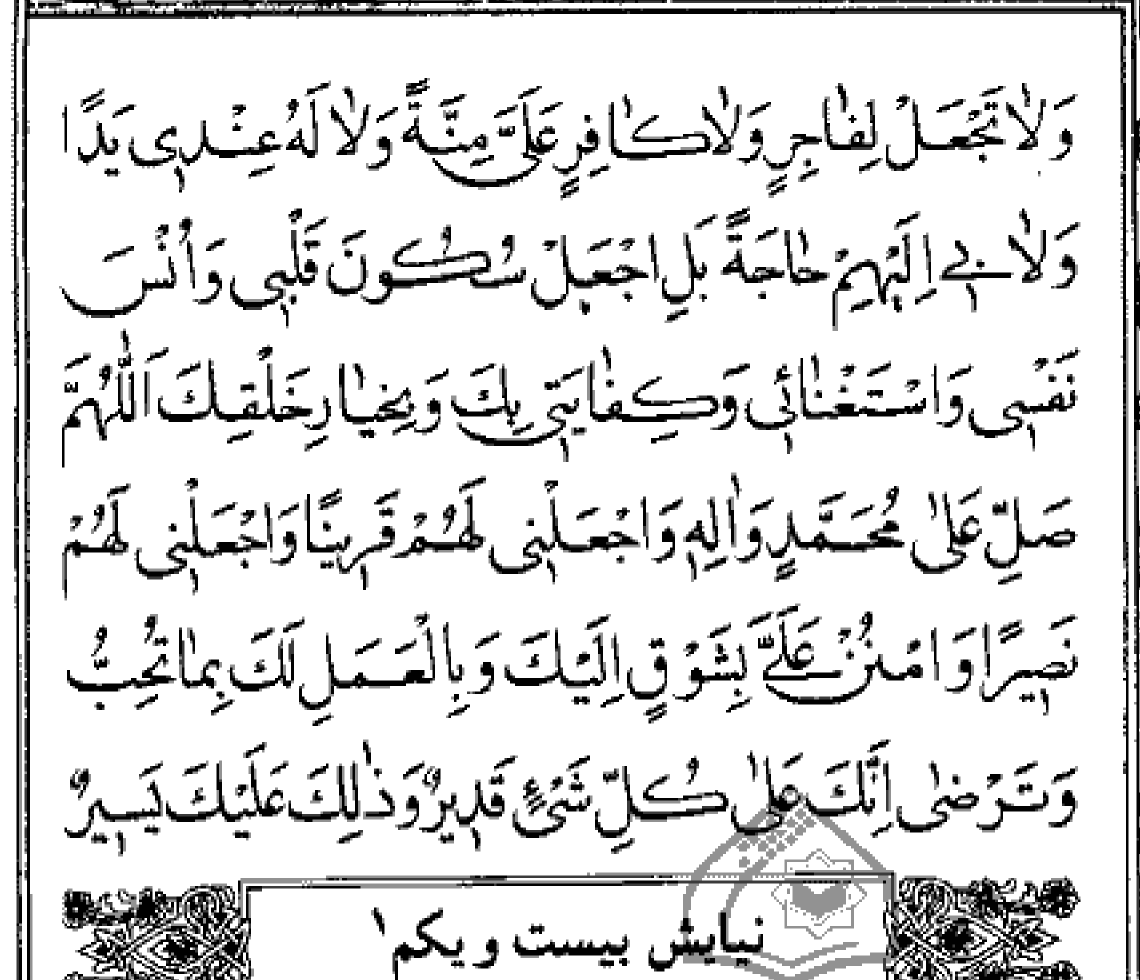
وَلَا آيِساً مِنْ إِجَابَتِكَ لِي وَإِنْ أَبْطَأَتْ عَنِّي فِي سَرَّاۤءَ كُنْتُ

أَوْ ضَرَّاۤءَ أَوْ شِدَّةٍ أَوْ رَخَاۤءٍ أَوْ عَافِيَةٍ أَوْ بَلَاۤءٍ أَوْ بُؤْسٍ أَوْ نَعْمَاۤءَ

أَوْ جِدَةٍ أَوْ لَأْوَاۤءَ أَوْ فَقْرٍ أَوْ غِنًى اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ



وَآلِهِ وَاجْعَلْ ثَنَائِي عَلَيْكَ وَمَدْحِي إِيَّاكَ وَحَمْدِي لَكَ فِي
كُلِّ حَالاتِي حَتَّى لا أَفْرَحَ بِمَا آتَيْتَنِي مِنَ الدُّنْيَا وَلا
أَحْزَنَ عَلَى مَا مَنَعْتَنِي فِيهَا وَأَشْعِرْ قَلْبِي تَقْوَاكَ وَاسْتَعْمِلْ
بَدَنِي فِيمَا تَقْبَلُهُ مِنِّي وَاشْغَلْ بِطَاعَتِكَ نَفْسِي عَنْ كُلِّ
مَا يَرِدُ عَلَيَّ حَتَّى لا أُحِبَّ شَيْئاً مِنْ سُخْطِكَ وَلا أَسْخَطَ شَيْئاً
مِنْ رِضَاكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَفَرِّغْ قَلْبِي لِمَحَبَّتِكَ
وَاشْغَلْهُ بِذِكْرِكَ وَانْعَشْهُ بِخَوْفِكَ وَبِالْوَجَلِ مِنْكَ وَ
قَوِّهِ بِالرَّغْبَةِ إِلَيْكَ وَأَمِلْهُ إِلَى طَاعَتِكَ وَأَجْرِ بِهِ فِي أَحَبِّ
السُّبُلِ إِلَيْكَ وَذَلِّلْهُ بِالرَّغْبَةِ فِيمَا عِنْدَكَ أَيَّامَ حَيَوتِي
كُلَّهَا وَاجْعَلْ تَقْوَاكَ مِنَ الدُّنْيَا زَادِي وَإِلَى رَحْمَتِكَ
رِحْلَتِي وَفِي مَرْضَاتِكَ مَدْخَلِي وَاجْعَلْ فِي جَنَّتِكَ مَثْوَايَ
وَهَبْ لِي قُوَّةً أَحْتَمِلُ بِهَا جَمِيعَ مَرْضَاتِكَ وَاجْعَلْ فِرَارِي
إِلَيْكَ وَرَغْبَتِي فِيمَا عِنْدَكَ وَأَلْبِسْ قَلْبِيَ الْوَحْشَةَ مِنْ شِرَارِ
خَلْقِكَ وَهَبْ لِيَ الْأُنْسَ بِكَ وَبِأَوْلِيَائِكَ وَأَهْلِ طَاعَتِكَ





نیایش بیست و یکم[1]

ای خداوندی که تنها تو بسنده‌ای بندهٔ تنها و ناتوان را، و ای خداوندی که تنها تو نگهدارنده‌ای از هر چه سهمناك و وحشت‌خیز است. خطاهای من سبب تنهایی من شده و یاور و همراهی برای من نمانده است. از خشم تو ناتوان گشته‌ام و کس مرا مددکار نیست. وحشت از دیدار تو بر من چیره شده و وحشتم را تسکین دهنده‌ای نیست.

ای خداوند، چه کسی مرا ایمنی بخشد، اگر تو مرا به وحشت افکنده باشی؟ چه کسی مرا یاری دهد، اگر تو بی کس و تنهایم ساخته باشی؟ چه کسی مرا توانایی بخشد، اگر تو ناتوانم خواسته باشی؟

۱. دعای آن حضرت است هنگامی که چیزی غمگینش می‌ساخت یا گناهان سبب اندوهش می‌شد.



ای خداوند من، تنها پرورنده است که پروردهٔ خود پناه تواند داد و غالب است که مغلوب خود را ایمنی تواند بخشید و جوینده است که گریخته را یاری تواند داد.

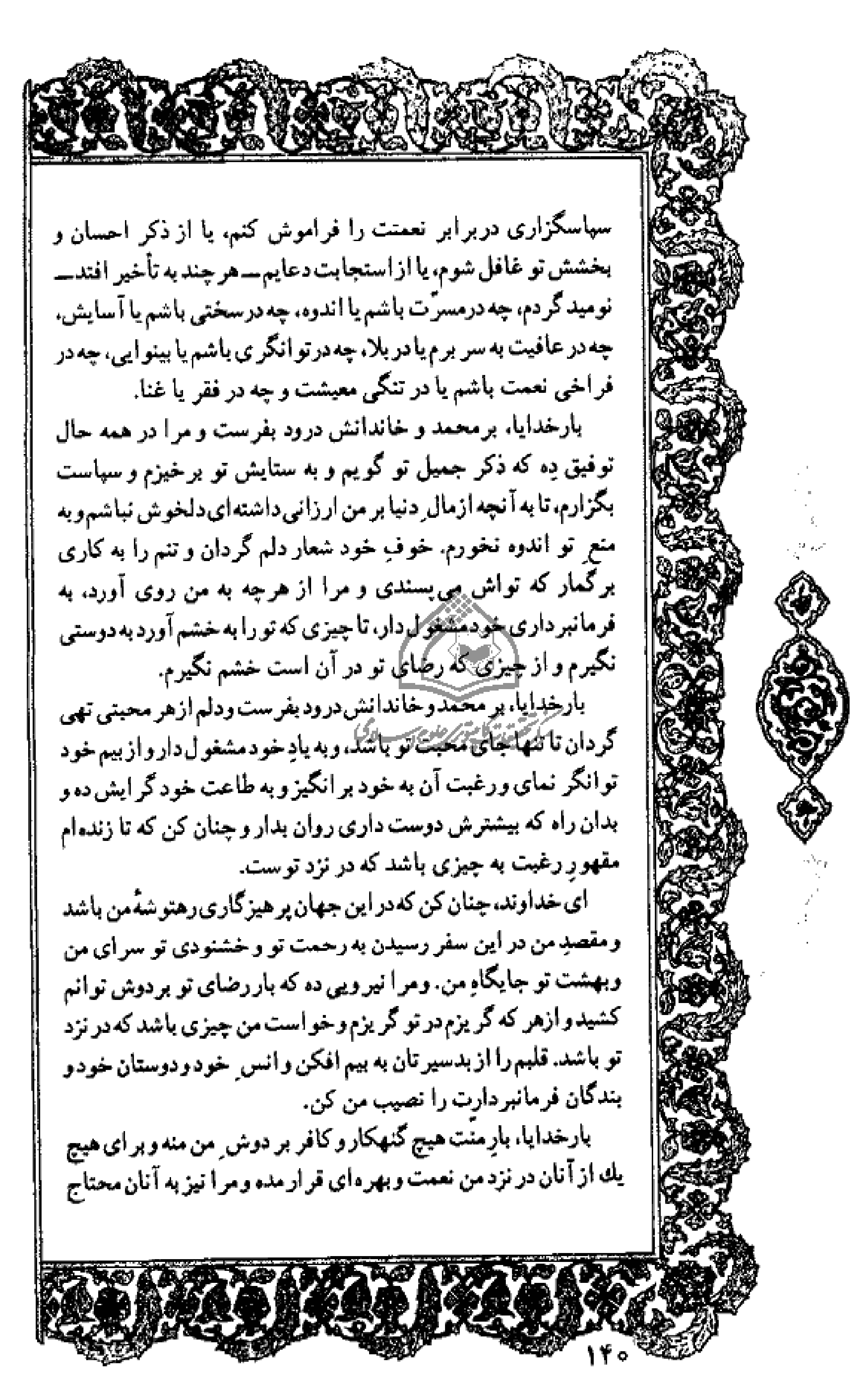
ای خداوند من، همهٔ اینها به دست توست و گریزگاهی جز به آستان تو نیست. پس بر محمد و خاندانش درود بفرست و اکنون که به سوی تو گریخته‌ام پناهم ده و اکنون که حاجت به تو آورده‌ام حاجت من برآور.

ای خداوند، اگر تو روی نیکوی خود از من بگردانی، یا مرا از فضل و احسان عظیم خویش منع فرمایی، یا روزیت را از من دریغ داری، یا رشتهٔ عنایت خود از من ببری، باز هم برای رسیدن به آرزوهایم راهی جز تو نمی‌یابم و برای رسیدن به رحمت تو جز تو یاوری نمی‌جویم، که من بندهٔ تو هستم و در قبضهٔ اقتدار تو و موی سرم چون زمام من به دست توست.

ای خداوند، جز آنچه تو فرمایی مرا فرمانی نیست. حکم تو بر من روان است. هر چه برای من مقدر گردانی عین عدالت است و مرا یارای بیرون شدن از حیطهٔ فرمانروایی تو نباشد. از دایرهٔ قدرت تو پای بیرون نتوانم نهاد. و نیارم که خود را محبوبِ تو گردانم و تو را از خود خشنود سازم. و به آنچه در نزد توست جز به طاعت و بخشش و بخشایش تو نتوانم رسید.

ای خداوند، شب را به روز می‌آورم و روز را به شب می‌رسانم، در حالی که بندهٔ ذلیل تو هستم. مالك سود و زیان خود نیستم مگر به نیروی تو. بر این گواهی می‌دهم و به ناتوانی و بیچارگی خود معترفم. پس ای خداوند، آن وعده که مرا داده‌ای برآور و هرچه مرا عطا کرده‌ای به کمال رسان، که من بندهٔ بینوای زارِ ناتوانِ زیان‌دیدهٔ حقیرِ بی مقدارِ فقیرِ ترسانِ پناهندهٔ توام.

بارخدایا، بر محمد و خاندانش درود بفرست و چنان مکن که



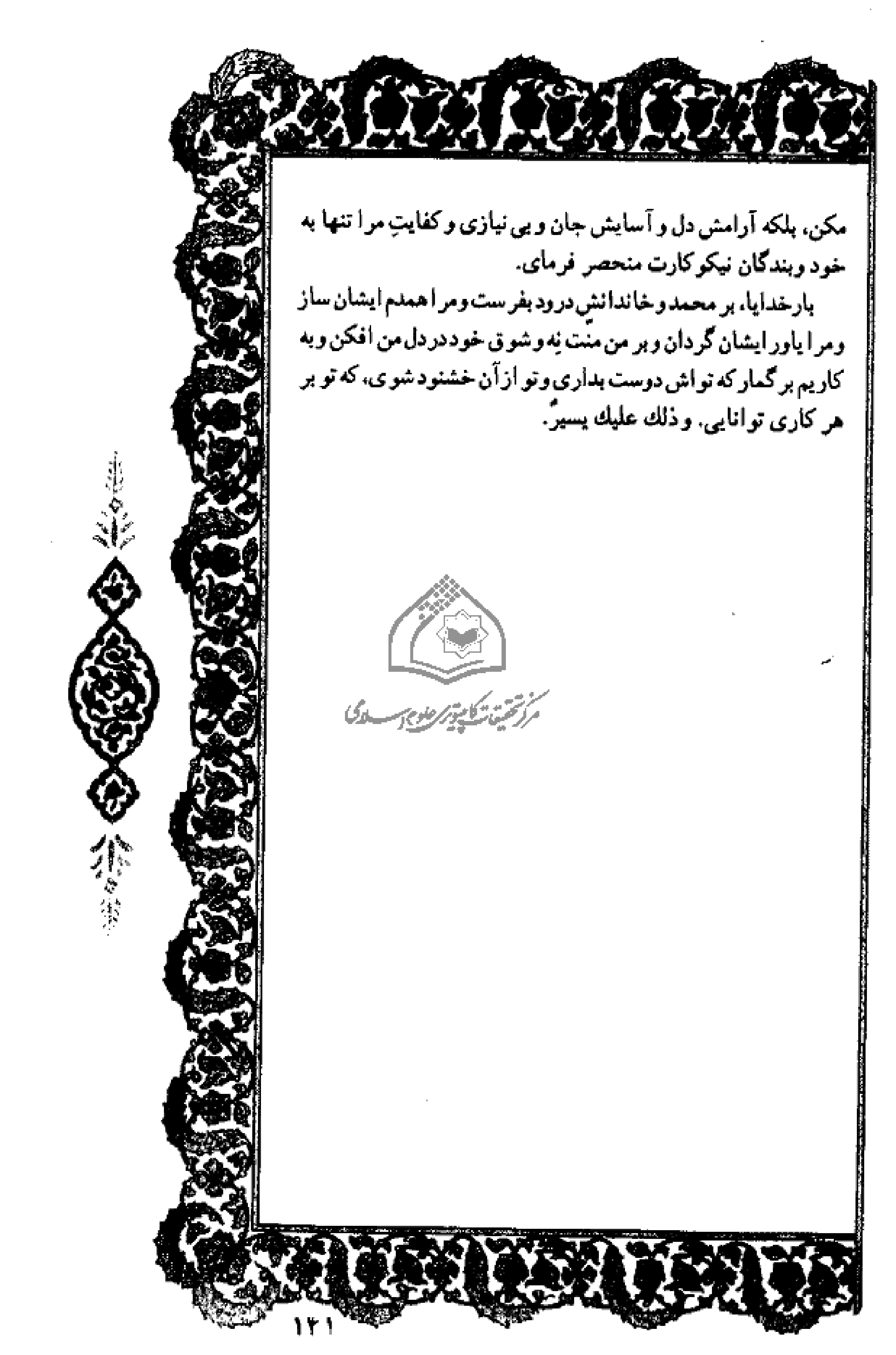
سپاسگزاری در برابر نعمتت را فراموش کنم، یا از ذکر احسان و بخشش تو غافل شوم، یا از استجابت دعایم ـ هر چند به تأخیر افتد ـ نومید گردم، چه در مسرّت باشم یا اندوه، چه در سختی باشم یا آسایش، چه در عافیت به سر برم یا در بلا، چه در توانگری باشم یا بینوایی، چه در فراخی نعمت باشم یا در تنگی معیشت و چه در فقر یا غنا.

بارخدایا، برمحمد و خاندانش درود بفرست و مرا در همه حال توفیق دِه که ذکر جمیل تو گویم و به ستایش تو برخیزم و سپاست بگزارم، تا به آنچه از مالِ دنیا بر من ارزانی داشته‌ای دلخوش نباشم و به منعِ تو اندوه نخورم. خوفِ خود شعار دلم گردان و تنم را به کاری برگمار که تواش می‌پسندی و مرا از هرچه به من روی آورد، به فرمانبرداری خود مشغول دار، تا چیزی که تو را به خشم آورد به دوستی نگیرم و از چیزی که رضای تو در آن است خشم نگیرم.

بارخدایا، بر محمد و خاندانش درود بفرست و دلم از هر محبتی تهی گردان تا تنها جای محبت تو باشد، و به یادِ خود مشغول دار و از بیم خود توانگر نمای و رغبت آن به خود برانگیز و به طاعت خود گرایش ده و بدان راه که بیشترش دوست داری روان بدار و چنان کن که تا زنده‌ام مقهورِ رغبت به چیزی باشد که در نزد توست.

ای خداوند، چنان کن که در این جهان پرهیزگاری رهتوشهٔ من باشد و مقصدِ من در این سفر رسیدن به رحمت تو و خشنودی تو سرای من و بهشت تو جایگاهِ من. و مرا نیرویی ده که باررضای تو بر دوش توانم کشید و از هر که گریزم در تو گریزم و خواست من چیزی باشد که در نزد تو باشد. قلبم را از بدسیرتان به بیم افکن و انسِ خود و دوستان خود و بندگان فرمانبردارت را نصیب من کن.

بارخدایا، بارِ منّت هیچ گنهکار و کافر بر دوشِ من منه و برای هیچ یک از آنان در نزد من نعمت و بهره‌ای قرار مده و مرا نیز به آنان محتاج



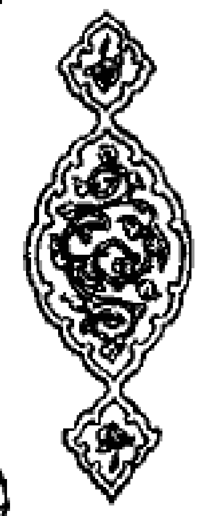
مکن، بلکه آرامش دل و آسایش جان و بی نیازی و کفایتِ مرا تنها به خود وبندگان نیکوکارت منحصر فرمای.

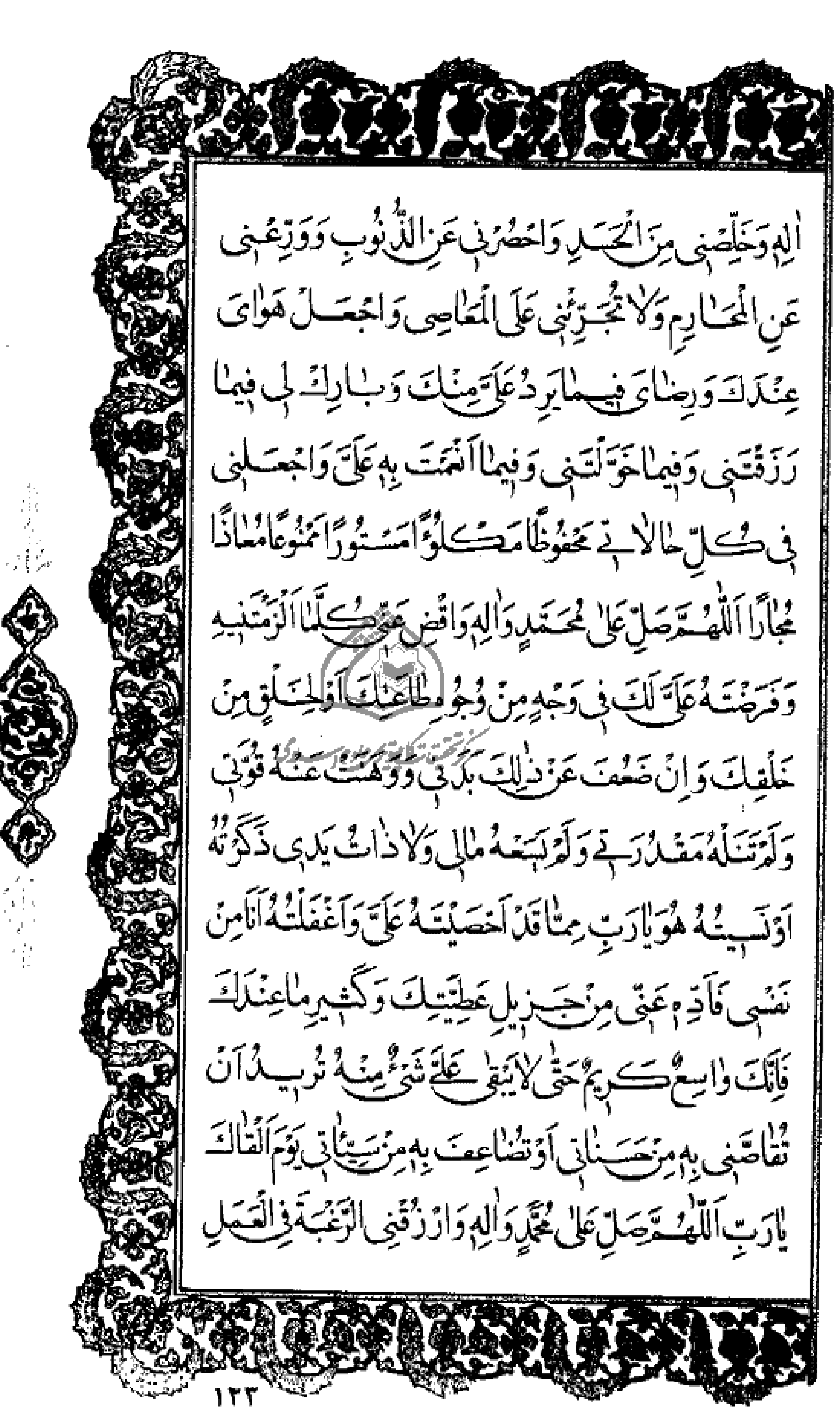
بارخدایا، بر محمد و خاندانش درود بفرست ومرا همدم ایشان ساز ومرا یاور ایشان گردان و بر من منت نِه و شوق خود در دل من افکن و به کاریم برگمار که تواش دوست بداری وتو ازآن خشنود شوی، که تو بر هر کاری توانایی. وذلك علیك یسیرٌ.

وكان من دعائه عليه السلام

دعاء «٢٢» عند الشدة والجهد وتعسر الأمور

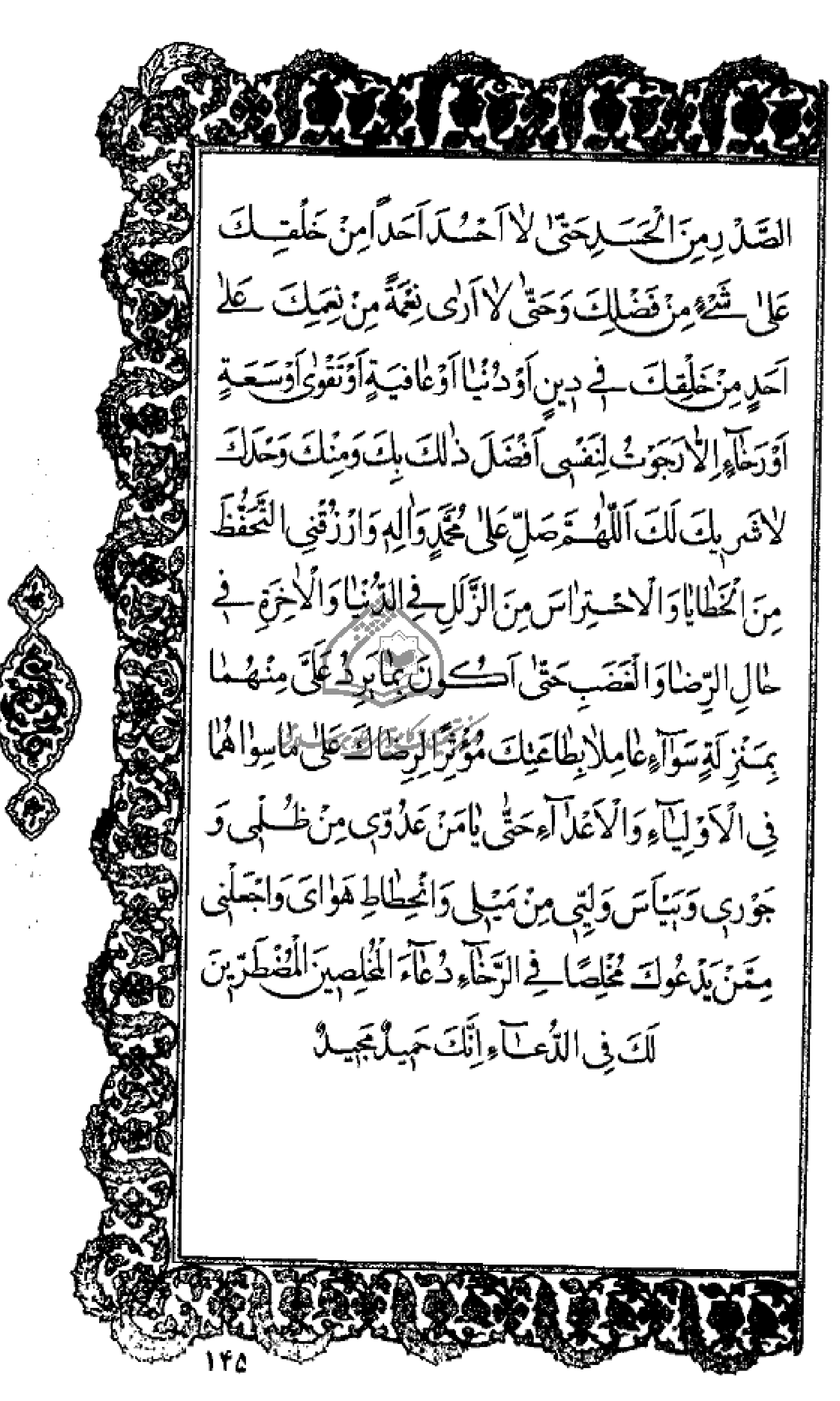
اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ كَلَّفْتَنِي مِنْ نَفْسِي مَا اَنْتَ اَمْلَكُ بِهِ مِنِّي وَ قُدْرَتُكَ عَلَيْهِ وَعَلَيَّ اَغْلَبُ مِنْ قُدْرَتِي فَاَعْطِنِي مِنْ نَفْسِي مَا يُرْضِيكَ عَنِّي وَخُذْ لِنَفْسِكَ رِضَاهَا مِنْ نَفْسِي فِي عَافِيَةٍ اَللّٰهُمَّ لَا طَاقَةَ لِي بِالْجَهْدِ وَلَا صَبْرَ لِي عَلَى الْبَلَاءِ وَلَا قُوَّةَ لِي عَلَى الْفَقْرِ فَلَا تَحْظُرْ عَلَيَّ رِزْقِي وَلَا تَكِلْنِي اِلَى خَلْقِكَ بَلْ تَفَرَّدْ بِحَاجَتِي وَتَوَلَّ كِفَايَتِي وَانْظُرْ اِلَيَّ وَانْظُرْ لِي فِي جَمِيعِ اُمُورِي فَاِنَّكَ اِنْ وَكَلْتَنِي اِلَى نَفْسِي عَجَزْتُ عَنْهَا وَلَمْ اُقِمْ مَا فِيهِ مَصْلَحَتُهَا وَاِنْ وَكَلْتَنِي اِلَى خَلْقِكَ تَجَهَّمُونِي وَاِنْ اَلْجَاْتَنِي اِلَى قَرَابَتِي حَرَمُونِي وَاِنْ اَعْطَوْا اَعْطَوْا قَلِيلًا نَكِدًا وَمَنُّوا عَلَيَّ طَوِيلًا وَذَمُّوا كَثِيرًا فَبِفَضْلِكَ اَللّٰهُمَّ فَاَغْنِنِي وَبِعَظَمَتِكَ فَانْعَشْنِي وَبِسَعَتِكَ فَابْسُطْ يَدِي وَبِمَا عِنْدَكَ فَاكْفِنِي اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ





اٰلِهٖ وَخَلِّصْنِیْ مِنَ الْحَسَدِ وَاحْصُرْنِیْ عَنِ الذُّنُوْبِ وَوَرِّعْنِیْ
عَنِ الْمَحَارِمِ وَلَا تُجَرِّئْنِیْ عَلَی الْمَعَاصِیْ وَاجْعَلْ هَوَایَ
عِنْدَكَ وَرِضَایَ فِیْمَا یَرِدُ عَلَیَّ مِنْكَ وَبَارِكْ لِیْ فِیْمَا
رَزَقْتَنِیْ وَفِیْمَا خَوَّلْتَنِیْ وَفِیْمَا اَنْعَمْتَ بِهٖ عَلَیَّ وَاجْعَلْنِیْ
فِیْ كُلِّ حَالَاتِیْ مَحْفُوْظًا مَكْلُوًّا مَسْتُوْرًا مَمْنُوْعًا مُعَاذًا
مُجَارًا اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاٰلِهٖ وَاقْضِ عَنِّیْ كُلَّ مَا اَلْزَمْتَنِیْهِ
وَفَرَضْتَهٗ عَلَیَّ لَكَ فِیْ وَجْهٍ مِنْ وُجُوْهِ طَاعَتِكَ اَوْ لِخَلْقٍ مِنْ
خَلْقِكَ وَاِنْ ضَعُفَ عَنْ ذٰلِكَ بَدَنِیْ وَوَهَنَتْ عَنْهُ قُوَّتِیْ
وَلَمْ تَنَلْهُ مَقْدُرَتِیْ وَلَمْ یَسَعْهُ مَالِیْ وَلَا ذَاتُ یَدِیْ ذَكَرْتُهٗ
اَوْ نَسِیْتُهٗ هُوَ یَا رَبِّ مِمَّا قَدْ اَحْصَیْتَهٗ عَلَیَّ وَاَغْفَلْتُهٗ اَنَا مِنْ
نَفْسِیْ فَاَدِّهٖ عَنِّیْ مِنْ جَزِیْلِ عَطِیَّتِكَ وَكَثِیْرِ مَا عِنْدَكَ
فَاِنَّكَ وَاسِعٌ كَرِیْمٌ حَتّٰی لَا یَبْقٰی عَلَیَّ شَیْءٌ مِنْهُ تُرِیْدُ اَنْ
تُقَاصِّنِیْ بِهٖ مِنْ حَسَنَاتِیْ اَوْ تُضَاعِفَ بِهٖ مِنْ سَیِّئَاتِیْ یَوْمَ اَلْقَاكَ
یَا رَبِّ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاٰلِهٖ وَارْزُقْنِی الرَّغْبَةَ فِی الْعَمَلِ

لَكَ لِآخِرَتي حَتّىٰ أَعْرِفَ صِدْقَ ذٰلِكَ مِنْ قَلْبي وَحَتّىٰ
يَكُونَ الْغالِبُ عَلَيَّ الزُّهْدَ في دُنْيايَ وَحَتّىٰ أَعْمَلَ
الْحَسَناتِ شَوْقاً وَآمَنَ مِنَ السَّيِّئاتِ فَرَقاً وَخَوْفاً وَهَبْ لي
نُوراً أَمْشي بِهِ فِي النّاسِ وَأَهْتَدي بِهِ فِي الظُّلُماتِ وَأَسْتَضيءُ
بِهِ مِنَ الشَّكِّ وَالشُّبُهاتِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
وَارْزُقْني خَوْفَ غَمِّ الْوَعيدِ وَشَوْقَ ثَوابِ الْمَوْعُودِ حَتّىٰ
أَجِدَ لَذَّةَ ما أَدْعُوكَ لَهُ وَكَأْبَةَ ما أَسْتَجيرُ بِكَ مِنْهُ
اَللّٰهُمَّ قَدْ تَعْلَمُ ما يُصْلِحُني مِنْ أَمْرِ دُنْيايَ وَآخِرَتي فَكُنْ
بِحَوائِجي حَفِيّاً اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْزُقْنِي
الْحَقَّ عِنْدَ تَقْصيري فِي الشُّكْرِ لَكَ بِما أَنْعَمْتَ عَلَيَّ فِي
الْيُسْرِ وَالْعُسْرِ وَالصِّحَّةِ وَالسَّقَمِ حَتّىٰ أَتَعَرَّفَ مِنْ نَفْسي
رَوْحَ الرِّضا وَطُمَأْنينَةَ النَّفْسِ مِنّي بِما يَجِبُ لَكَ فيما
يَحْدُثُ في حالِ الْخَوْفِ وَالْأَمْنِ وَالرِّضا وَالسُّخْطِ وَ
الضَّرِّ وَالنَّفْعِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَارْزُقْني سَلامَةَ



الصَّدْرِ مِنَ الْحَسَدِ حَتّٰى لَا أَحْسُدَ أَحَداً مِنْ خَلْقِكَ

عَلٰى شَيْءٍ مِنْ فَضْلِكَ وَحَتّٰى لَا أَرٰى نِعْمَةً مِنْ نِعَمِكَ عَلٰى

أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ فِي دِينٍ أَوْ دُنْيَا أَوْ عَافِيَةٍ أَوْ تَقْوٰى أَوْ سَعَةٍ

أَوْ رَخَاءٍ إِلَّا رَجَوْتُ لِنَفْسِي أَفْضَلَ ذٰلِكَ بِكَ وَمِنْكَ وَحْدَكَ

لَا شَرِيكَ لَكَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَارْزُقْنِي التَّحَفُّظَ

مِنَ الْخَطَايَا وَالِاحْتِرَاسَ مِنَ الزَّلَلِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فِي

حَالِ الرِّضَا وَالْغَضَبِ حَتّٰى أَكُونَ بِمَا يَرِدُ عَلَيَّ مِنْهُمَا

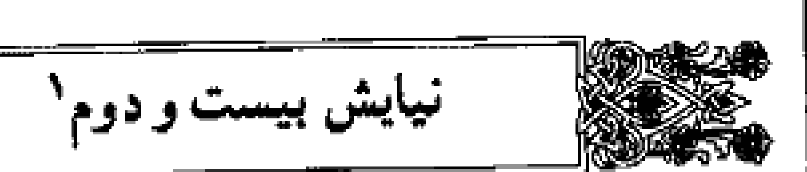
بِمَنْزِلَةٍ سَوَاءٍ عَامِلاً بِطَاعَتِكَ مُؤْثِراً لِرِضَاكَ عَلٰى مَا سِوَاهُمَا

فِي الْأَوْلِيَاءِ وَالْأَعْدَاءِ حَتّٰى يَأْمَنَ عَدُوِّي مِنْ ظُلْمِي وَ

جَوْرِي وَيَيْأَسَ وَلِيِّي مِنْ مَيْلِي وَانْحِطَاطِ هَوَايَ وَاجْعَلْنِي

مِمَّنْ يَدْعُوكَ مُخْلِصاً فِي الرَّخَاءِ دُعَاءَ الْمُخْلِصِينَ الْمُضْطَرِّينَ

لَكَ فِي الدُّعَاءِ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ



نیایش بیست و دوم[1]

بارخدایا، مرا در اصلاح خویش به کاری فرمان داده‌ای که خود به گزاردن آن تواناتر از من هستی و قدرت تو بر آن و بر من از قدرت من بیش است. پس مرا به کاری برانگیز که تو را از من خشنود می گرداند و خشنودیِ خود از من بخواه، بدان هنگام که از عافیت برخوردار باشم.

بارخدایا، مرا طاقت رنج نیست و مرا یارای شکیبایی در بلا نیست و مرا توانِ درویشی نیست. پس روزیِ من از من دریغ مدار و مرا به دیگر آفریدگانت وامگذار و تو خود نیاز من برآور و تو خود کفاف من بر عهده دار.

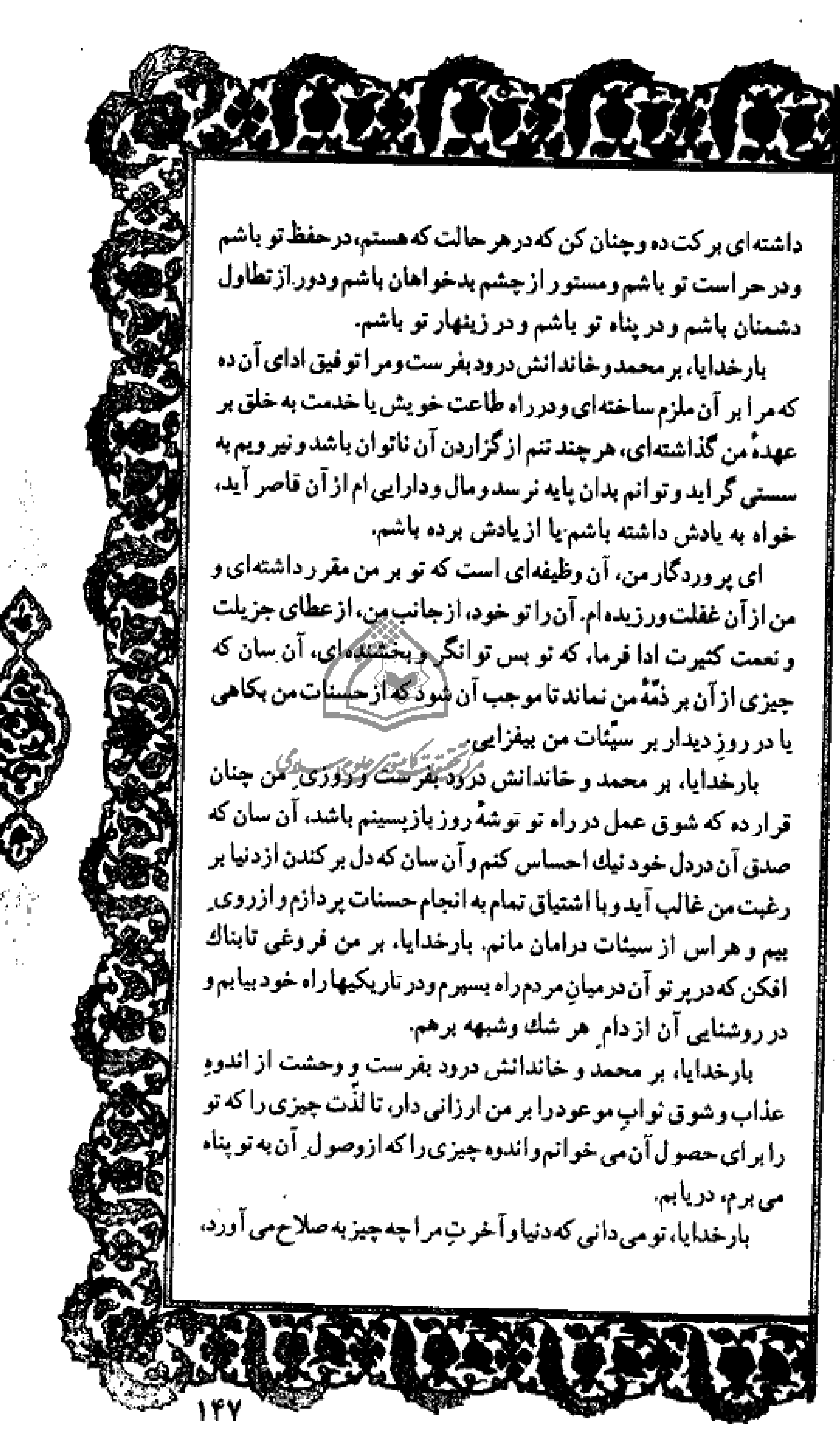
بارخدایا، در من بنگر و همهٔ کارهای من زیر نظر دار، که اگر مرا به خود واگذاری، از گزاردن هر کار ناتوانم و زمام مصلحت خویش از کف بدهم. و اگر کار من به آفریدگان خود واگذاری، بر من روی ترش کنند و اگر مرا به پناه خویشاوندانم فرستی، محرومم دارند و اگر دهند، اندك دهند و بی مقدار و بسی بر من منت نهند و مرا مذمّت کنند.

بارخدایا، به فضل خود توانگرم گردان و به عظمت خود مرتبتی بزرگم ده و به توانگری خود گشاده‌دستی ام عطا کن و از هر چه تو راست به من بخش تا بی نیاز گردم.



بارخدایا، بر محمد و خاندانش درود بفرست و مرا از حسد برهان و از گناهان در امان دار و از حرامها پرهیز ده و مرا بر ارتکاب معاصی گستاخ مفرمای و میل و خواهشم را به ساحت خود معطوف دار و چنان کن که به هر چه از تو می رسد خرسند باشم. ای خداوند، در هر چه مرا روزی کرده‌ای و در هرچه بخشیده‌ای و در هر نعمت که ارزانی ام

۱. دعای آن حضرت است به هنگام سختی و مشقت و بسته شدن کارها.



داشته‌ای برکت ده و چنان کن که در هر حالت که هستم، در حفظ تو باشم و در حراست تو باشم و مستور از چشم بدخواهان باشم و دور از تطاول دشمنان باشم و در پناه تو باشم و در زینهار تو باشم.

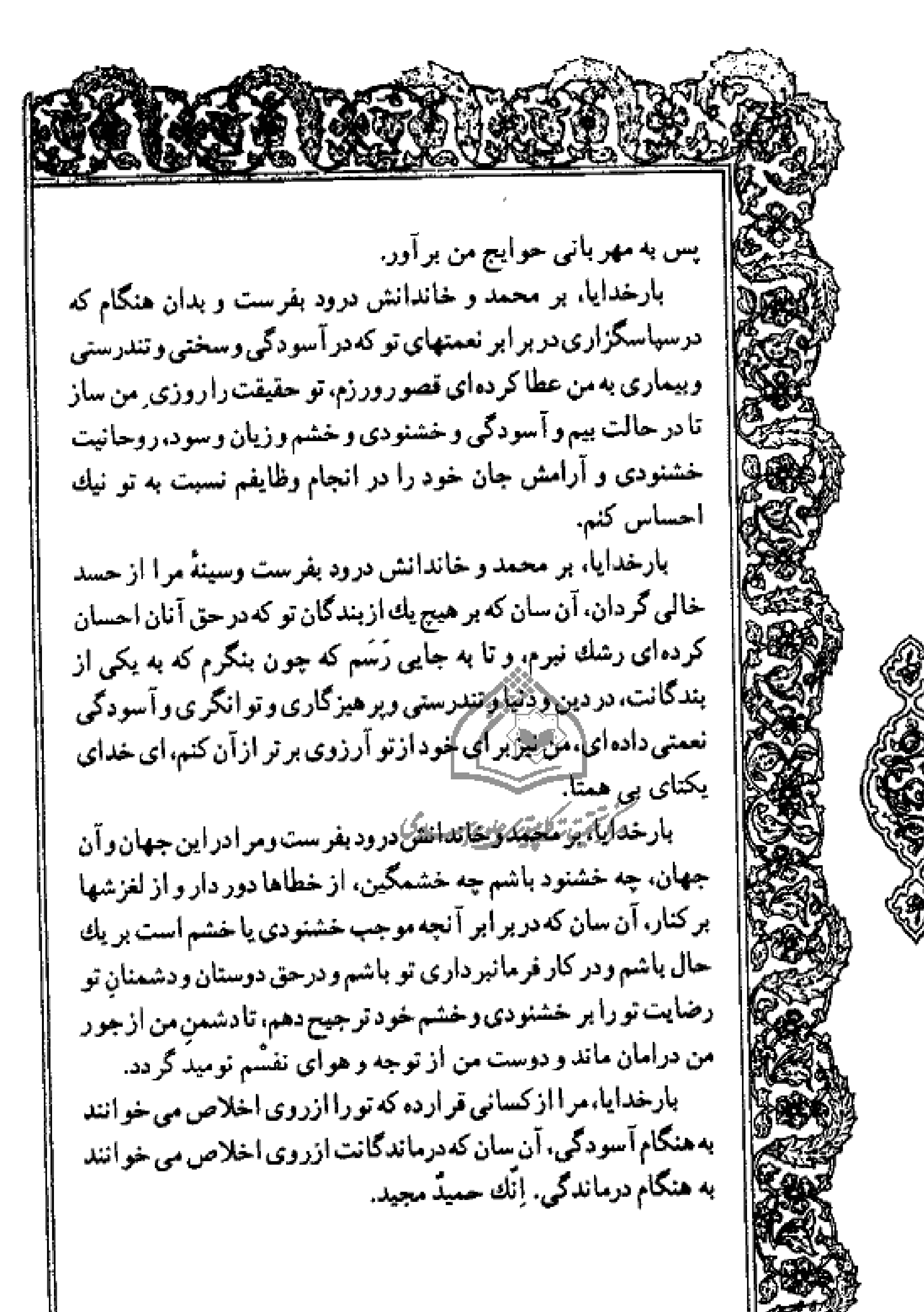
بارخدایا، بر محمد و خاندانش درود بفرست و مرا توفیق ادای آن ده که مرا بر آن ملزم ساخته‌ای و در راه طاعت خویش یا خدمت به خلق بر عهدهٔ من گذاشته‌ای، هرچند تنم از گزاردن آن ناتوان باشد و نیرویم به سستی گراید و توانم بدان پایه نرسد و مال و دارایی ام از آن قاصر آید، خواه به یادش داشته باشم یا از یادش برده باشم.

ای پروردگار من، آن وظیفه‌ای است که تو بر من مقرر داشته‌ای و من از آن غفلت ورزیده ام. آن را تو خود، از جانب من، از عطای جزیلت و نعمت کثیرت ادا فرما، که تو بس توانگر و بخشنده‌ای، آن سان که چیزی از آن بر ذمّهٔ من نماند تا موجب آن شود که از حسنات من بکاهی یا در روزِ دیدار بر سیّئات من بیفزایی.

بارخدایا، بر محمد و خاندانش درود بفرست و روزیِ من چنان قرار ده که شوق عمل در راه تو توشهٔ روز بازپسینم باشد، آن سان که صدق آن در دل خود نیک احساس کنم و آن سان که دل برکندن از دنیا بر رغبت من غالب آید و با اشتیاق تمام به انجام حسنات پردازم و از رویِ بیم و هراس از سیئات در امان مانم. بارخدایا، بر من فروغی تابناک افکن که در پرتو آن در میانِ مردم راه بسپرم و در تاریکیها راه خود بیابم و در روشنایی آن از دامِ هر شک و شبهه برهم.

بارخدایا، بر محمد و خاندانش درود بفرست و وحشت از اندوهِ عذاب و شوق ثوابِ موعود را بر من ارزانی دار، تا لذّت چیزی را که تو را برای حصول آن می خوانم و اندوه چیزی را که از وصولِ آن به تو پناه می برم، دریابم.

بارخدایا، تو می دانی که دنیا و آخرتِ مرا چه چیز به صلاح می آورد،



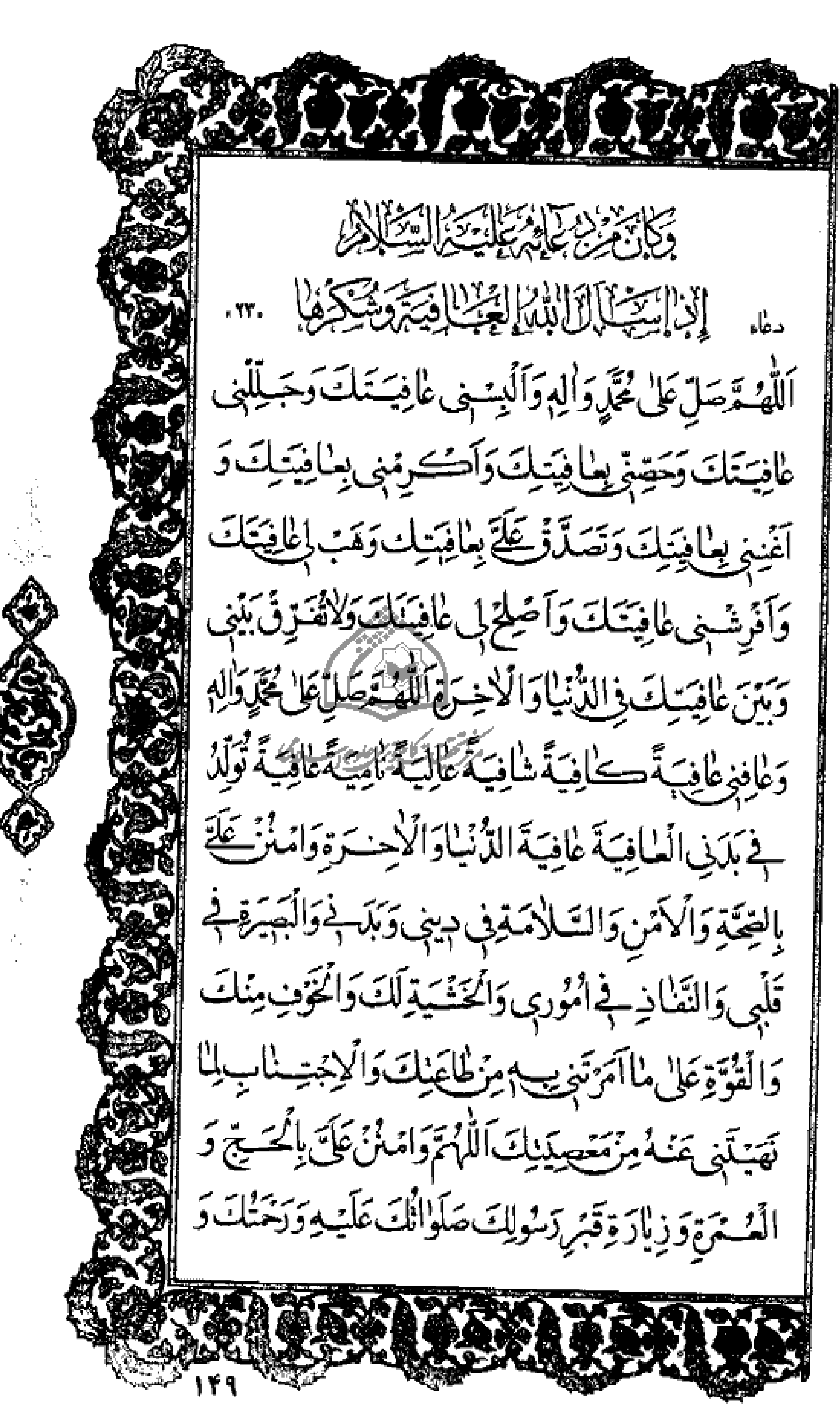
پس به مهربانی حوایج من برآور.

بارخدایا، بر محمد و خاندانش درود بفرست و بدان هنگام که درسپاسگزاری دربرابر نعمتهای تو که درآسودگی وسختی وتندرستی وبیماری به من عطا کرده‌ای قصورورزم، تو حقیقت را روزیِ من ساز تا درحالت بیم وآسودگی وخشنودی وخشم وزیان وسود، روحانیت خشنودی و آرامش جان خود را در انجام وظایفم نسبت به تو نیک احساس کنم.

بارخدایا، بر محمد و خاندانش درود بفرست وسینهٔ مرا از حسد خالی گردان، آن سان که بر هیچ یك ازبندگان تو که درحق آنان احسان کرده‌ای رشك نبرم، و تا به جایی رَسَم که چون بنگرم که به یکی از بندگانت، در دین و دنیا و تندرستی و پرهیزگاری و توانگری و آسودگی نعمتی داده‌ای، من نیز برای خود ازتو آرزوی برتر ازآن کنم، ای خدای یکتای بی همتا.

بارخدایا، بر محمد وخاندانش درود بفرست ومرا دراین جهان وآن جهان، چه خشنود باشم چه خشمگین، از خطاها دور دار و از لغزشها برکنار، آن سان که دربرابر آنچه موجب خشنودی یا خشم است بر یك حال باشم ودر کار فرمانبرداری تو باشم ودرحق دوستان ودشمنانِ تو رضایت تو را بر خشنودی وخشم خود ترجیح دهم، تا دشمنِ من ازجور من درامان ماند و دوست من از توجه و هوای نفسْم نومید گردد.

بارخدایا، مرا ازکسانی قرارده که تو را ازروی اخلاص می خوانند به هنگام آسودگی، آن سان که درماندگانت ازروی اخلاص می خوانند به هنگام درماندگی. إنّك حمیدٌ مجید.



وكان من دعائه عليه السلام

إذا سأل الله العافية وشكرها

دعاء ٢٣٠

اللهم صل على محمد وآله والبسني عافيتك وجللني عافيتك وحصني بعافيتك وأكرمني بعافيتك وأغنني بعافيتك وتصدق علي بعافيتك وهب لي عافيتك وأفرشني عافيتك وأصلح لي عافيتك ولا تفرق بيني وبين عافيتك في الدنيا والآخرة اللهم صل على محمد وآله وعافني عافية كافية شافية عالية نامية عافية تولد في بدني العافية عافية الدنيا والآخرة وامنن علي بالصحة والأمن والسلامة في ديني وبدني والبصيرة في قلبي والنفاذ في أموري والخشية لك والخوف منك والقوة على ما أمرتني به من طاعتك والاجتناب لما نهيتني عنه من معصيتك اللهم وامنن علي بالحج والعمرة وزيارة قبر رسولك صلواتك عليه ورحمتك و

بَرَكَاتُكَ عَلَيْهِ وَعَلَى آلِهِ وَآلِ رَسُولِكَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ أَبَدًا

مَا أَبْقَيْتَنِي فِي عَامِي هٰذَا وَفِي كُلِّ عَامٍ وَاجْعَلْ ذٰلِكَ

مَقْبُولًا مَشْكُورًا مَذْكُورًا لَدَيْكَ مَذْخُورًا عِنْدَكَ وَ

أَنْطِقْ بِحَمْدِكَ وَشُكْرِكَ وَذِكْرِكَ وَحُسْنِ الثَّنَاءِ

عَلَيْكَ لِسَانِي وَاشْرَحْ لِمَرَاشِدِ دِينِكَ قَلْبِي وَأَعِذْنِي وَ

ذُرِّيَّتِي مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ وَمِنْ شَرِّ السَّامَّةِ وَالْهَامَّةِ

وَالْعَامَّةِ وَاللَّامَّةِ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ وَمِنْ

شَرِّ كُلِّ سُلْطَانٍ عَنِيدٍ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ مُتْرَفٍ حَفِيدٍ وَ

مِنْ شَرِّ كُلِّ ضَعِيفٍ وَشَدِيدٍ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ شَرِيفٍ

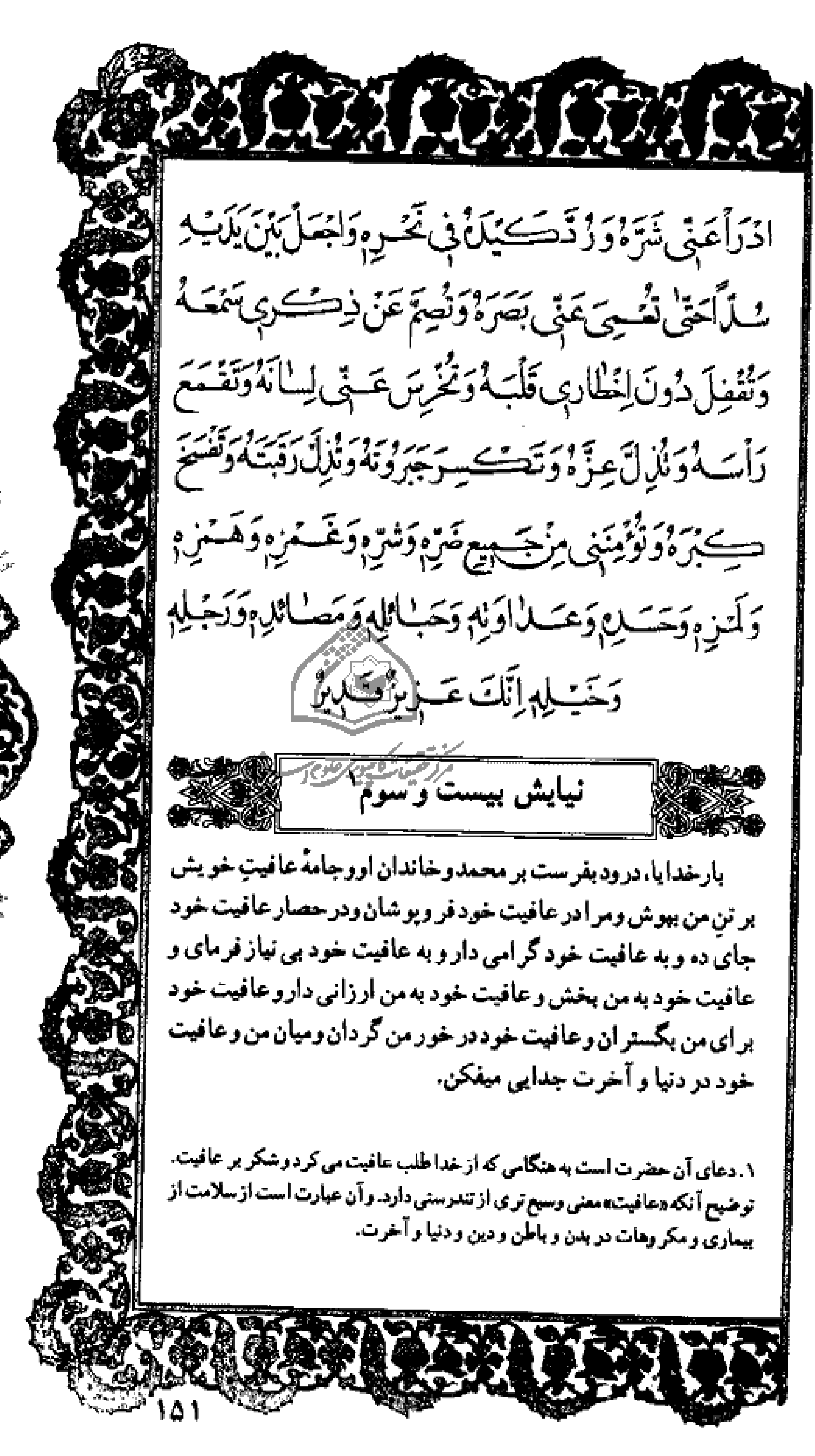
وَوَضِيعٍ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ صَغِيرٍ وَكَبِيرٍ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ قَرِيبٍ

وَبَعِيدٍ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ مَنْ نَصَبَ لِرَسُولِكَ وَلِأَهْلِ بَيْتِهِ

حَرْبًا مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ أَنْتَ آخِذٌ

بِنَاصِيَتِهَا إِنَّكَ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ

آلِهِ وَمَنْ أَرَادَنِي بِسُوءٍ فَاصْرِفْهُ عَنِّي وَادْحَرْ عَنِّي مَكْرَهُ وَ



ادْرَأْ عَنِّي شَرَّهُ وَرُدَّ كَيْدَهُ فِي نَحْرِهِ وَاجْعَلْ بَيْنَ يَدَيْهِ سُدّاً حَتَّى تُعْمِيَ عَنِّي بَصَرَهُ وَتُصِمَّ عَنْ ذِكْرِي سَمْعَهُ وَتُقْفِلَ دُونَ إِخْطَارِي قَلْبَهُ وَتُخْرِسَ عَنِّي لِسَانَهُ وَتَقْمَعَ رَأْسَهُ وَتُذِلَّ عِزَّهُ وَتَكْسِرَ جَبَرُوتَهُ وَتُذِلَّ رَقَبَتَهُ وَتَفْسَخَ كِبْرَهُ وَتُؤْمِنَنِي مِنْ جَمِيعِ ضَرِّهِ وَشَرِّهِ وَغَمْزِهِ وَهَمْزِهِ وَلَمْزِهِ وَحَسَدِهِ وَعَدَاوَتِهِ وَحَبَائِلِهِ وَمَصَائِدِهِ وَرَجِلِهِ وَخَيْلِهِ إِنَّكَ عَزِيزٌ قَدِيرٌ

نیایش بیست و سوم[1]

بارخدایا، درود بفرست بر محمد وخاندان او وجامهٔ عافیتِ خویش بر تنِ من بپوش ومرا در عافیت خود فرو پوشان ودر حصار عافیت خود جای ده و به عافیت خود گرامی دار و به عافیت خود بی نیاز فرمای و عافیت خود به من بخش و عافیت خود به من ارزانی دار و عافیت خود برای من بگستران و عافیت خود در خور من گردان و میان من و عافیت خود در دنیا و آخرت جدایی میفکن.

۱. دعای آن حضرت است به هنگامی که از خدا طلب عافیت می کرد و شکر بر عافیت. توضیح آنکه «عافیت» معنی وسیع تری از تندرستی دارد. وآن عبارت است از سلامت از بیماری و مکروهات در بدن و باطن و دین و دنیا و آخرت.

بارخدایا، درود بفرست بر محمد و خاندان او و مرا عافیت ده، عافیتی کفایت کننده وشفابخش وعالی وافزاینده. عافیتی که ازآن در تن من تندرستی زاید. عافیتِ این جهانی و آن جهانی.

ای خداوند، بر من احسان نمای به اعطای تندرستی و امنیت و سلامت در دین من وجسم من. و مرا به ارزانی داشتنِ بصیرت دل و نفاذِ امر وخشیت در برابر عظمت تو وخوف از تو بنوازو نیرویم ده بر طاعتی که بدان فرمان داده ای واجتناب ازهر معصیت که ازآن نهی فرموده ای.

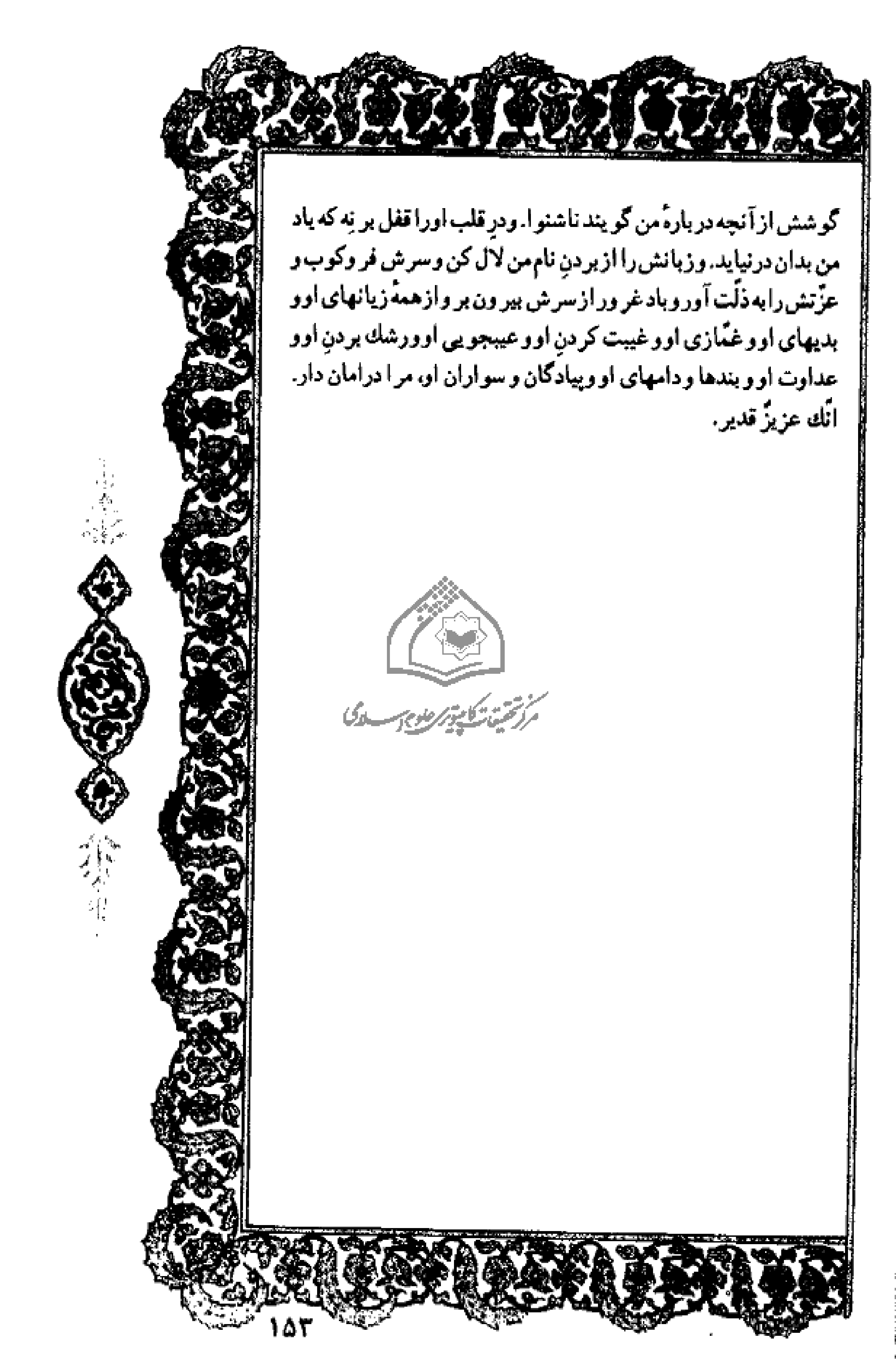
ای خداوند، بر من احسان نمای به اعطای نعمتِ ادای حج وعمره و زیارت قبر پیامبرت ـ صلوات تو ورحمت تو وبرکات تو بر او وآلش باد ـ وزیارت خاندان پیامبرت ـ بر ایشان سلام باد ـ همواره تا هرگاه که مرا زندگی بخشیده ای در این سال وهر سال دیگر، زیارتی که مقبول ومشکور تو افتد وتورا در نظر آید ودر نزد تو ذخیرهٔ روزبازپسین باشد.

ای خداوند، زبانم را به حمد خود وشکر خود وذکر خود وثنای نیك خود گویا کن ودریچه های دلم را در برابر مقاصد دین خود بگشای.

ای خداوند، مرا وذریّهٔ مرا ازشیطان رجیم درپناه خود دارواز آسیب هر گزندهٔ زهردارنده وهر بیم وهراس و بلا وچشم زخم درامان دار واز شر هر شیطان سرکش وهر پادشاهِ ستمگرِ کینه توز وهر مخدوم غرقه درنازو نعمت وهر ناتوان ونیرومند وهر بلندپایه وفرومایه وهر خرد و کلان وهر نزدیك ودور وهر کس ـ از پریان وآدمیان ـ که به خلافِ رسول تو واهل بیت او برخاسته وهر جنبنده ای که زمامش به دست قدرت توست، پناه ده. تو که فرمانروای دادگر وراستکاری.

بارخدایا، درود بفرست بر محمد وخاندان او، وهر کس را که با نیّتی پلید آهنگ من کند، ازمن بازگردان ومکر او ازمن دوردار وآسیبش از من دفع فرمای و نیرنگش را بر سرِ او زن.

بارخدایا، دربرابر او سدّی برآر تا دیده اش ازدیدنِ من نابینا گردد و

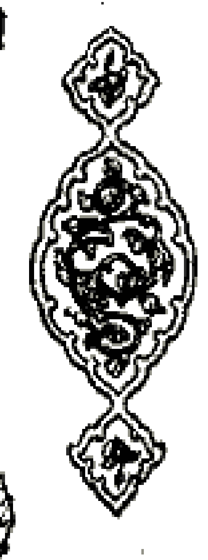


گوشش از آنچه دربارهٔ من گویند ناشنوا. ودرِ قلب اورا قفل بر نِه که یاد من بدان درنیاید. وزبانش را از بردنِ نام من لال کن وسرش فروکوب و عزّتش را به ذلّت آور و باد غرور از سرش بیرون بر و از همهٔ زیانهای او و بدیهای او و غمّازی او و غیبت کردنِ او و عیبجویی او و رشك بردنِ او و عداوت او و بندها و دامهای او و پیادگان و سواران او، مرا در امان دار. انّك عزیزٌ قدیر.

وكان من دعائه عليه السلام لأبويه عليهما السلام

دعاء ۲٤٠

اللّهمّ صلّ على محمّدٍ عبدك ورسولك وأهل بيته الطّاهرين واخصصهم بأفضل صلواتك ورحمتك وبركاتك وسلامك واخصص اللّهمّ والديّ بالكرامة لديك والصّلوة منك يا أرحم الرّاحمين اللّهمّ صلّ على محمّدٍ وآله وألهمني علم ما يجب لهما عليّ إلهاماً واجمع لي علم ذلك كلّه تماماً ثمّ استعملني بما تلهمني منه ووفّقني للنّفوذ فيما تبصّرني من علمه حتّى لا يفوتني استعمال شيءٍ علّمتنيه ولا تثقل أركاني عن الحفوف فيما ألهمتنيه اللّهمّ صلّ على محمّدٍ وآله كما شرّفتنا به وصلّ على محمّدٍ وآله كما أوجبت لنا الحقّ على الخلق بسببه اللّهمّ اجعلني أهابهما هيبة السّلطان العسوف وأبرّهما برّ الأمّ الرّؤوف واجعل طاعتي



لِوالِدَيَّ وَبِرّي بِهِما أَقَرَّ لِعَيني مِن رَقدَةِ الوَسنانِ

وَأَثلَجَ لِصَدري مِن شَربَةِ الظَّمآنِ حَتّى أُوثِرَ عَلى هَوايَ

هَواهُما وَأُقَدِّمَ عَلى رِضايَ رِضاهُما وَأَستَكثِرَ بِرَّهُما

بي وَإِن قَلَّ وَأَستَقِلَّ بِرّي بِهِما وَإِن كَثُرَ اللّهُمَّ

خَفِّض لَهُما صَوتي وَأَطِب لَهُما كَلامي وَأَلِن لَهُما

عَريكَتي وَاعطِف عَلَيهِما قَلبي وَصَيِّرني بِهِما رَفيقاً

وَعَلَيهِما شَفيقاً اللّهُمَّ اشكُر لَهُما تَربِيَتي وَأَثِبهُما عَلى

تَكرِمَتي وَاحفَظ لَهُما ما حَفِظاهُ مِنّي في صِغَري اللّهُمَّ

وَما مَسَّهُما مِنّي مِن أَذىً أَو خَلَصَ إِلَيهِما عَنّي مِن مَكروهٍ

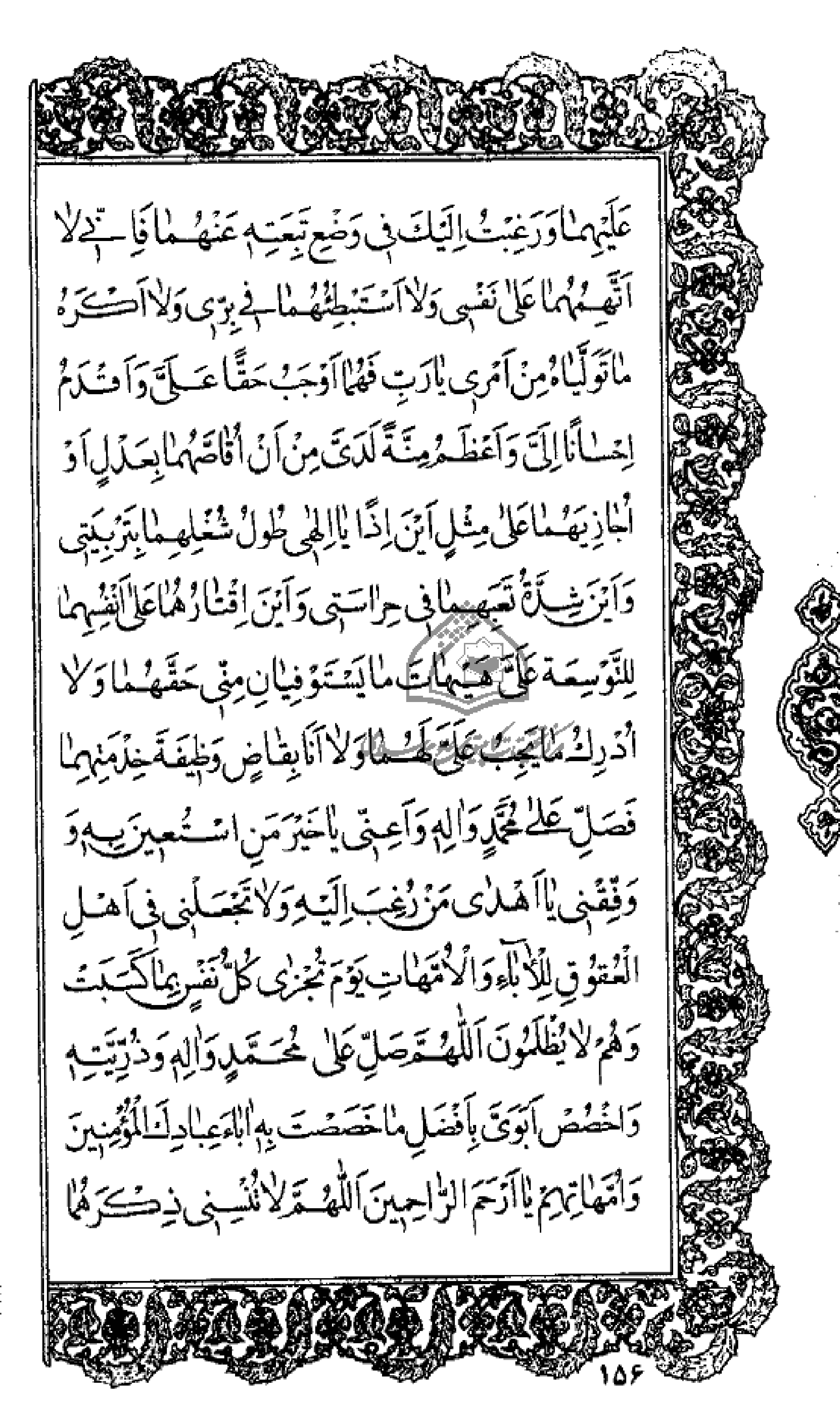
أَو ضاعَ قِبَلي لَهُما مِن حَقٍّ فَاجعَلهُ حِطَّةً لِذُنوبِهِما وَعُلُوّاً

في دَرَجاتِهِما وَزِيادَةً في حَسَناتِهِما يا مُبَدِّلَ السَّيِّئاتِ

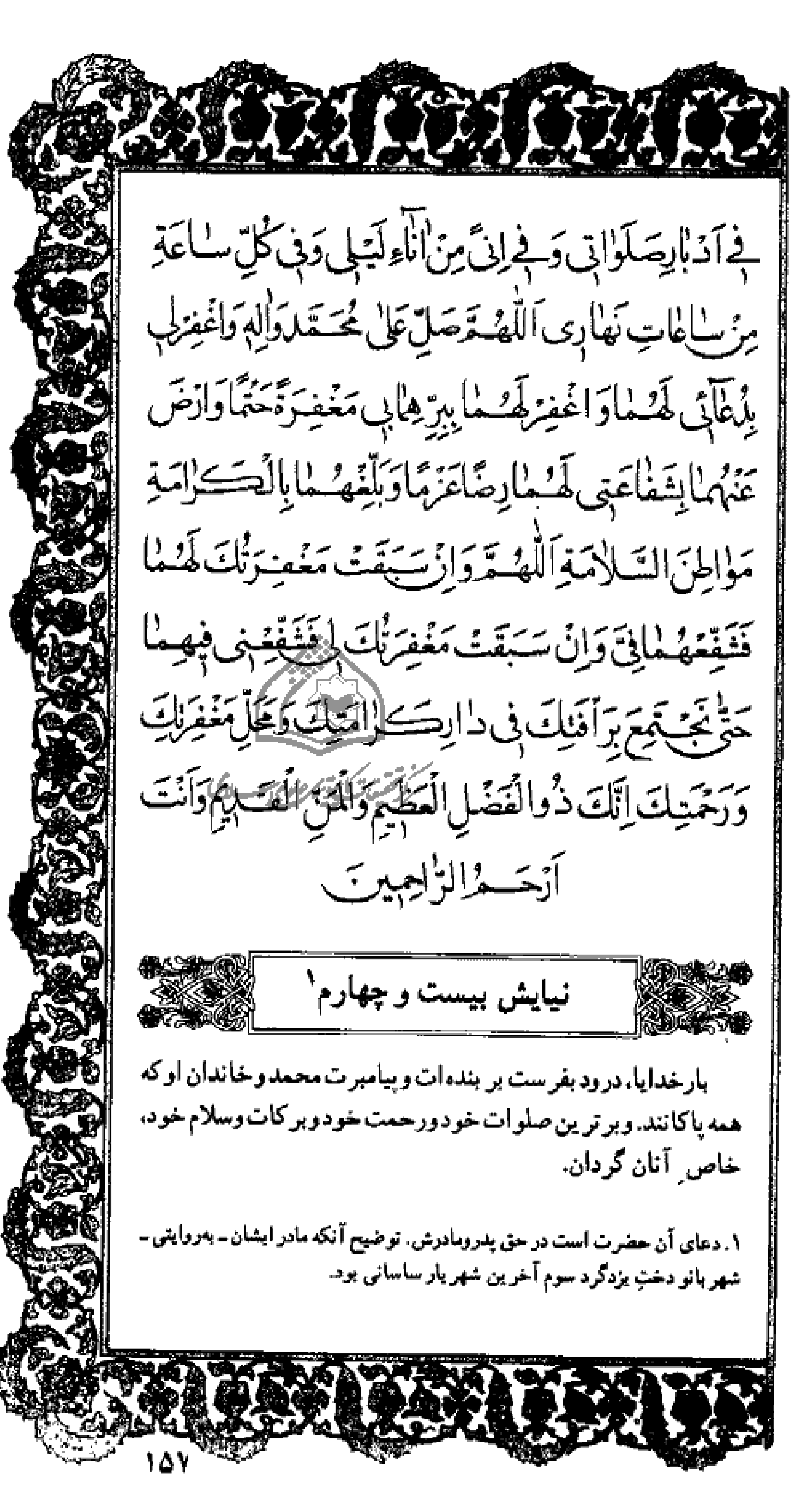
بِأَضعافِها مِنَ الحَسَناتِ اللّهُمَّ وَما تَعَدَّيا عَلَيَّ فيهِ مِن

قَولٍ أَو أَسرَفا عَلَيَّ فيهِ مِن فِعلٍ أَو ضَيَّعاهُ لي مِن حَقٍّ أَو

قَصَّرا بي عَنهُ مِن واجِبٍ فَقَد وَهَبتُهُ لَهُما وَجُدتُ بِهِ



عَلَيهِما وَرَغِبتُ اِلَيكَ في وَضعِ تَبِعَتِهِ عَنهُما فَاِنّي لا
اَتَّهِمُهُما عَلى نَفسي وَلا اَستَبطِئُهُما في بِرّي وَلا اَكرَهُ
ما تَوَلَّياهُ مِن اَمري يا رَبِّ فَهُما اَوجَبُ حَقّاً عَلَيَّ وَاَقدَمُ
اِحساناً اِلَيَّ وَاَعظَمُ مِنَّةً لَدَيَّ مِن اَن اُقاصَّهُما بِعَدلٍ اَو
اُجازِيَهُما عَلى مِثلٍ اَينَ اِذاً يا اِلهي طولُ شُغلِهِما بِتَربِيَتي
وَاَينَ شِدَّةُ تَعَبِهِما في حِراسَتي وَاَينَ اِقتارُهُما عَلى اَنفُسِهِما
لِلتَّوسِعَةِ عَلَيَّ هَيهاتَ ما يَستَوفِيانِ مِنّي حَقَّهُما وَلا
اُدرِكُ ما يَجِبُ عَلَيَّ لَهُما وَلا اَنَا بِقاضٍ وَظيفَةَ خِدمَتِهِما
فَصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاَعِنّي يا خَيرَ مَنِ استُعينَ بِهِ وَ
وَفِّقني يا اَهدى مَن رُغِبَ اِلَيهِ وَلا تَجعَلني في اَهلِ
العُقوقِ لِلآباءِ وَالاُمَّهاتِ يَومَ تُجزى كُلُّ نَفسٍ بِما كَسَبَت
وَهُم لا يُظلَمونَ اَللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَذُرِّيَّتِهِ
وَاخصُص اَبَوَيَّ بِاَفضَلِ ما خَصَصتَ بِهِ آباءَ عِبادِكَ المُؤمِنينَ
وَاُمَّهاتِهِم يا اَرحَمَ الرّاحِمينَ اَللّهُمَّ لا تُنسِني ذِكرَهُما



فِي أَدْبَارِ صَلَوَاتِي وَفِي إِنًى مِنْ آنَاءِ لَيْلِي وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ مِنْ سَاعَاتِ نَهَارِي اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاغْفِرْ لِي بِدُعَائِي لَهُمَا وَاغْفِرْ لَهُمَا بِبِرِّهِمَا بِي مَغْفِرَةً حَتْماً وَارْضَ عَنْهُمَا بِشَفَاعَتِي لَهُمَا رِضًى عَزْماً وَبَلِّغْهُمَا بِالْكَرَامَةِ مَوَاطِنَ السَّلَامَةِ اللّٰهُمَّ وَإِنْ سَبَقَتْ مَغْفِرَتُكَ لَهُمَا فَشَفِّعْهُمَا فِيَّ وَإِنْ سَبَقَتْ مَغْفِرَتُكَ لِي فَشَفِّعْنِي فِيهِمَا حَتَّى نَجْتَمِعَ بِرَأْفَتِكَ فِي دَارِ كَرَامَتِكَ وَمَحَلِّ مَغْفِرَتِكَ وَرَحْمَتِكَ إِنَّكَ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ وَالْمَنِّ الْقَدِيمِ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ

نیایش بیست و چهارم[1]

بارخدایا، درود بفرست بر بنده ات و پیامبرت محمد و خاندان او که همه پاکانند. و برترین صلوات خود و رحمت خود و برکات و سلام خود، خاص آنان گردان.

۱. دعای آن حضرت است در حق پدرومادرش. توضیح آنکه مادر ایشان ـ به‌روایتی ـ شهربانو دختِ یزدگرد سوم آخرین شهریار ساسانی بود.

ای خداوند، پدر و مادر مرا نیز به کرامت خود و رحمتِ خود مخصوص گردان، ای مهربان ترینِ مهربانان.

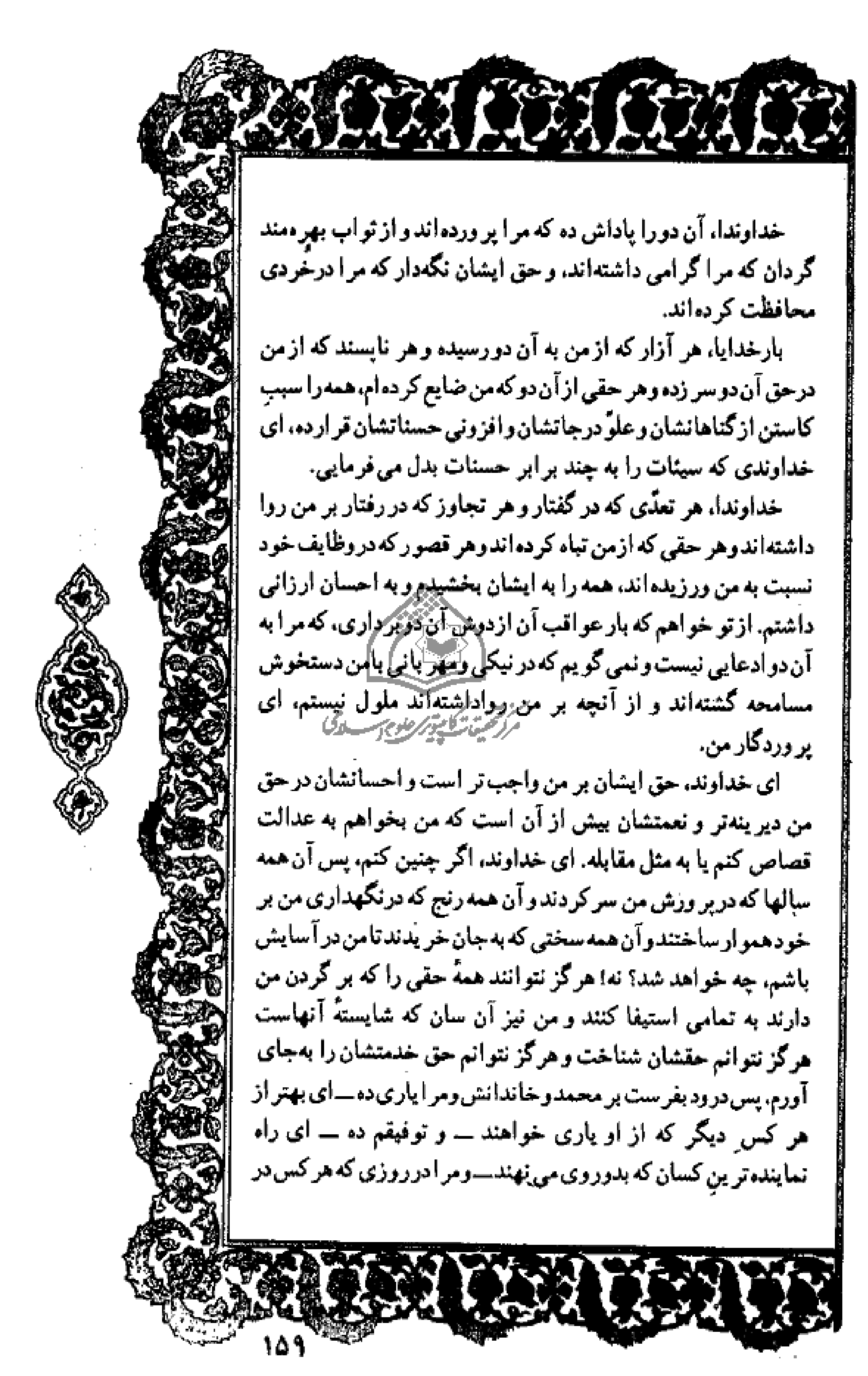
بارخدایا، درود بفرست بر محمد و خاندانش و وظیفه‌ام را نسبت به پدر و مادرم به من الهام کن و همهٔ دانش خدمتگزاری به آن دو را به من بیاموز و مرا به گزاردن آنچه به من الهام کرده‌ای برگمار و توفیق ده تا آنچه را که از علم به من ارزانی داشته‌ای به‌کار بندم، تا چیزی از آنچه مرا آموخته‌ای فرونگذارم و پیکرم از انجام آنچه مرا الهام کرده‌ای مانده نگردد.

بارخدایا، درود بفرست بر محمد و خاندانش همچنان که ما را به وجود او شرافت بخشیدی، و درود بفرست بر محمد و خاندانش همچنان که به برکت وجود او برای ما بردیگر مردم حقی واجب گردانیدی.

بارخدایا، چنان کن که هیبت پدرومادرم در دل من چنان باشد که هیبت پادشاهی سخت مهیب، و به آن دو نیکی و مهربانی کنم آن سان که مادری مهربان به فرزند خود نیکی و مهربانی کند. خداوندا، فرمانبرداری ازپدرومادرونیکی ومهربانیِ مرا درحق ایشان برای من شادی بخش‌تر گردان ازبه خواب رفتنِ بی‌خوابی کشیدگان وآب سرد نوشیدن جگرسوختگان، تا میل و خواهش ایشان را بر میل و خواهش خویش برتری نهم و خشنودیشان را بر خشنودی خود پیش دارم. خداوندا، چنان کن که نیکی و مهربانی آن دورا درحق خود بسیار شمرم هرچند اندك بُوَد و نیکی و مهربانی خود را در حق آن دواندك شُمرم هرچند بسیار بُوَد.

خداوندا، آوازِ مرا در پیشگاه ایشان پست گردان و سخنم را خوشایندشان نمای و با ایشان نرمخویم ده و دل من برایشان مهربان ساز و چنان کن که با آنان به مدارا رفتار کنم و برآنان مشفق باشم.



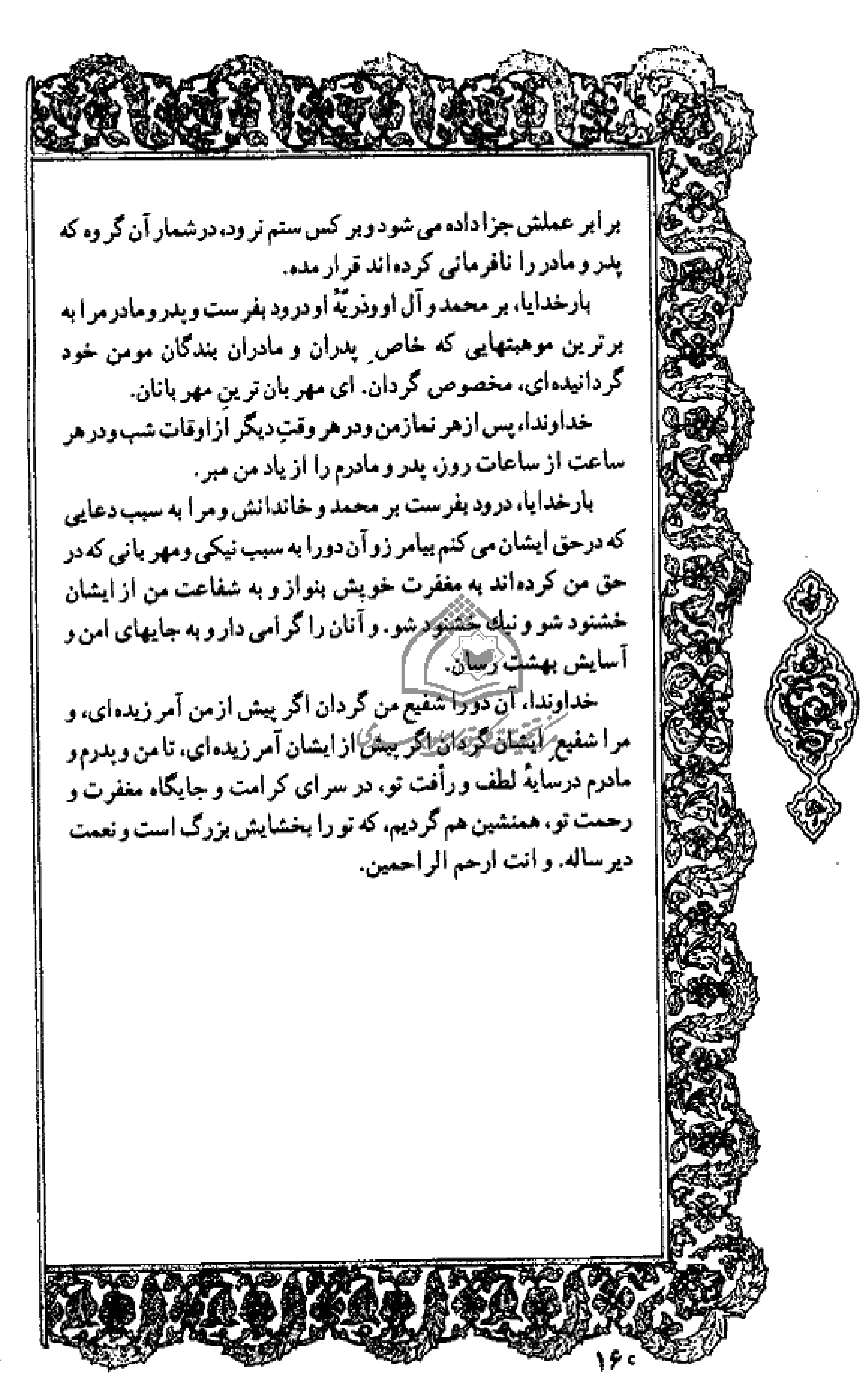


خداوندا، آن دو را پاداش ده که مرا پرورده‌اند و از ثواب بهره‌مند گردان که مرا گرامی داشته‌اند، و حق ایشان نگه‌دار که مرا در خردی محافظت کرده‌اند.

بارخدایا، هر آزار که از من به آن دو رسیده و هر ناپسند که از من درحق آن دو سر زده و هر حقی از آن دو که من ضایع کرده‌ام، همه‌را سببِ کاستن از گناهانشان و علوّ درجاتشان و افزونی حسناتشان قرارده، ای خداوندی که سیئات را به چند برابر حسنات بدل می‌فرمایی.

خداوندا، هر تعدّی که در گفتار و هر تجاوز که در رفتار بر من روا داشته‌اند و هر حقی که از من تباه کرده‌اند و هر قصور که در وظایف خود نسبت به من ورزیده‌اند، همه را به ایشان بخشیدم و به احسان ارزانی داشتم. از تو خواهم که بارعواقب آن از دوش آن دو برداری، که مرا به آن دو ادعایی نیست و نمی‌گویم که در نیکی و مهربانی با من دستخوش مسامحه گشته‌اند و از آنچه بر من رواداشته‌اند ملول نیستم، ای پروردگار من.

ای خداوند، حق ایشان بر من واجب‌تر است و احسانشان در حق من دیرینه‌تر و نعمتشان بیش از آن است که من بخواهم به عدالت قصاص کنم یا به مثل مقابله. ای خداوند، اگر چنین کنم، پس آن همه سالها که در پرورش من سر کردند و آن همه رنج که در نگهداری من بر خود هموار ساختند و آن همه سختی که به جان خریدند تا من در آسایش باشم، چه خواهد شد؟ نه! هرگز نتوانند همهٔ حقی را که بر گردن من دارند به تمامی استیفا کنند و من نیز آن سان که شایستهٔ آنهاست هرگز نتوانم حقشان شناخت و هرگز نتوانم حق خدمتشان را به‌جای آورم، پس درود بفرست بر محمد و خاندانش و مرا یاری ده — ای بهتر از هر کسِ دیگر که از او یاری خواهند — و توفیقم ده — ای راه نماینده‌ترینِ کسان که بدو روی می‌نهند — و مرا در روزی که هر کس در



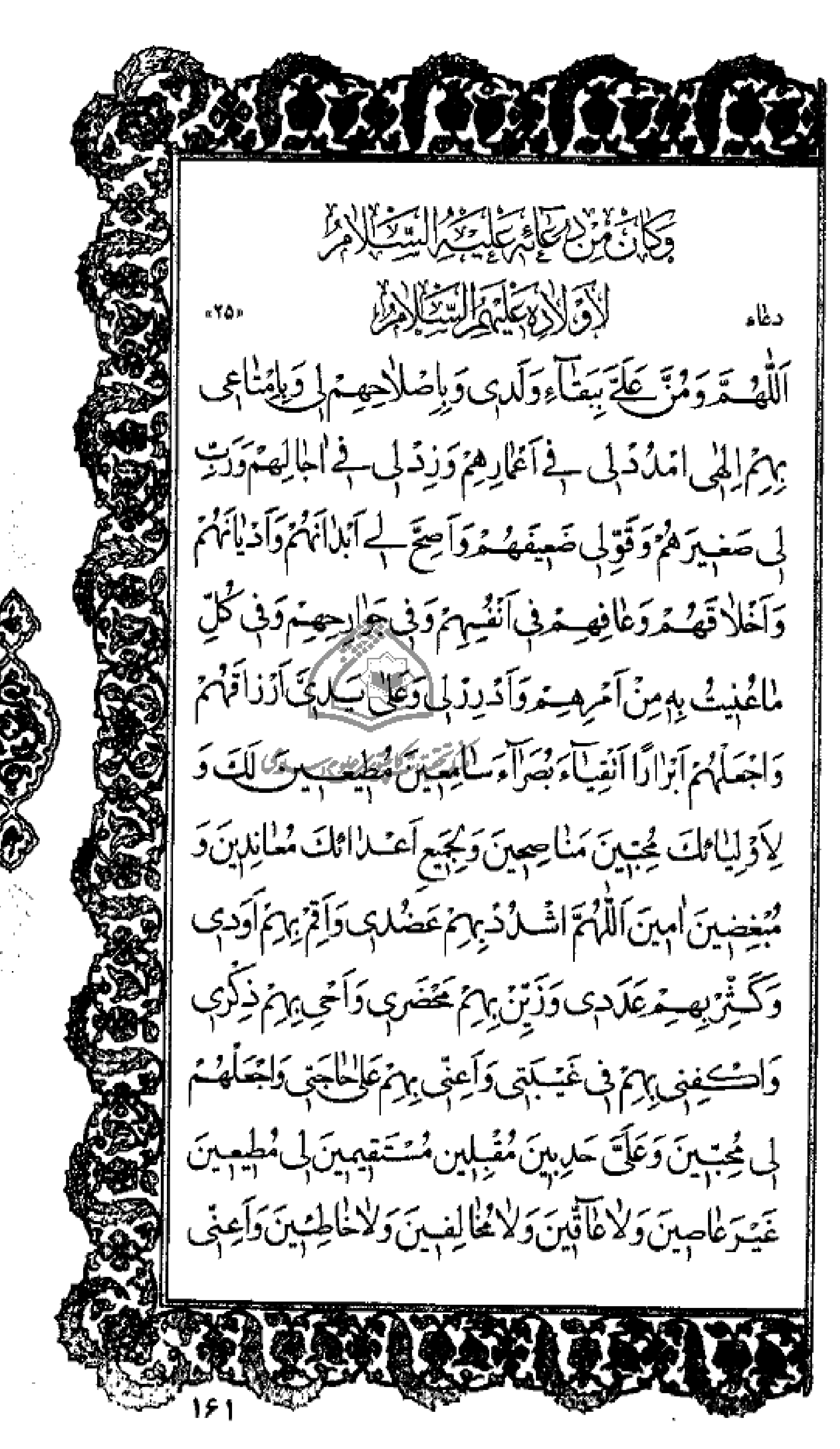
برابر عملش جزا داده می شود و بر کس ستم نرود، درشمار آن گروه که پدر و مادر را نافرمانی کرده اند قرار مده.

بارخدایا، بر محمد و آل او وذریّهٔ او درود بفرست و پدر و مادر مرا به برترین موهبتهایی که خاص ِ پدران و مادران بندگان مومن خود گردانیده‌ای، مخصوص گردان. ای مهربان ترین مهربانان.

خداوندا، پس از هر نماز من ودر هر وقتِ دیگر از اوقات شب ودر هر ساعت از ساعات روز، پدر و مادرم را از یاد من مبر.

بارخدایا، درود بفرست بر محمد و خاندانش و مرا به سبب دعایی که درحق ایشان می کنم بیامرز و آن دو را به سبب نیکی و مهربانی که در حق من کرده اند به مغفرت خویش بنواز و به شفاعت من از ایشان خشنود شو و نیک خشنود شو. و آنان را گرامی دار و به جایهای امن و آسایش بهشت رسان.

خداوندا، آن دو را شفیع من گردان اگر پیش از من آمرزیده‌ای، و مرا شفیع ایشان گردان اگر پیش از ایشان آمرزیده‌ای، تا من و پدرم و مادرم درسایهٔ لطف و رأفت تو، در سرای کرامت و جایگاه مغفرت و رحمت تو، همنشین هم گردیم، که تو را بخشایش بزرگ است و نعمت دیرساله. و انت ارحم الراحمین.

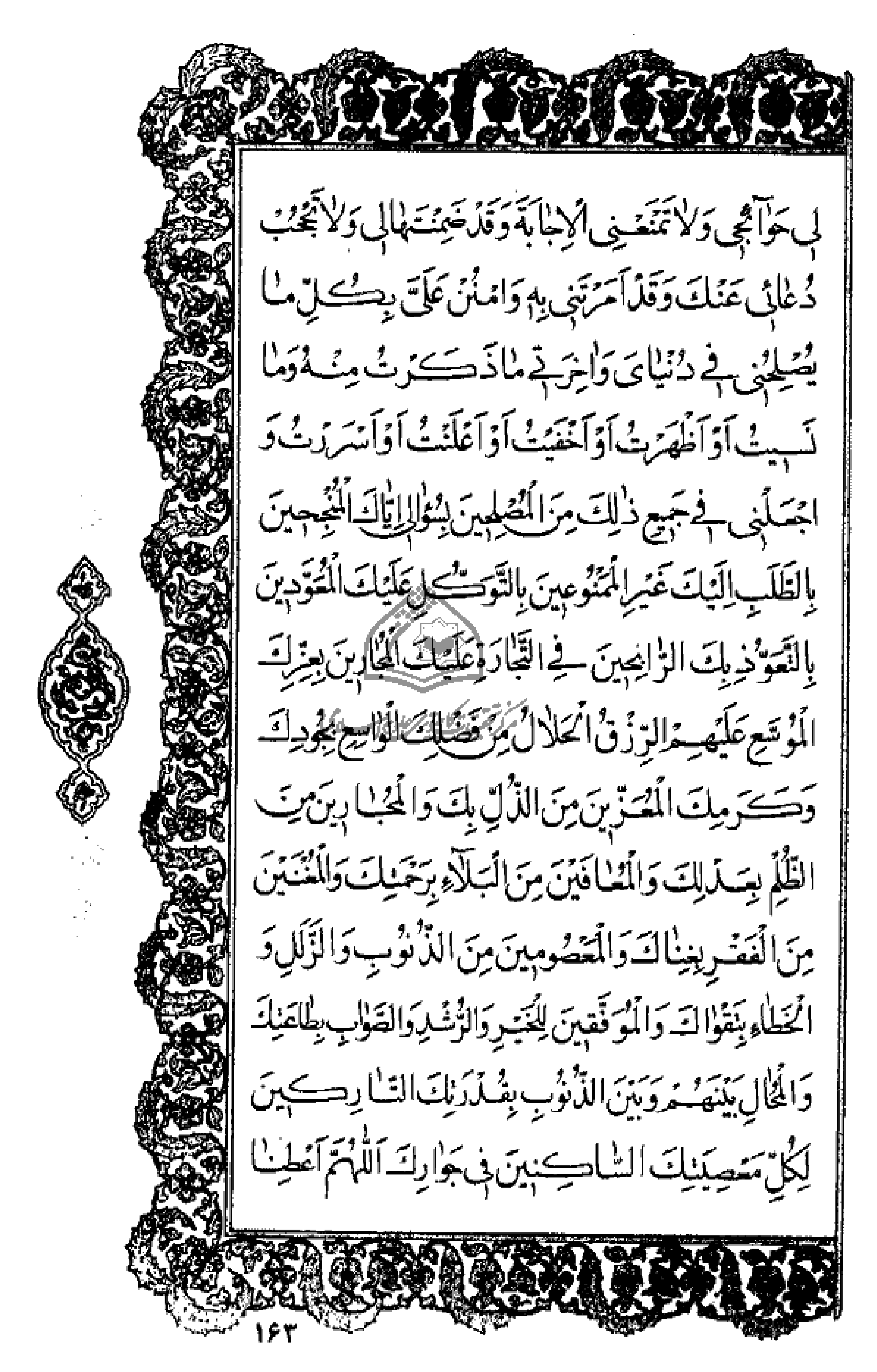


وكان من دعائه عليه السلام لأولاده عليهم السلام

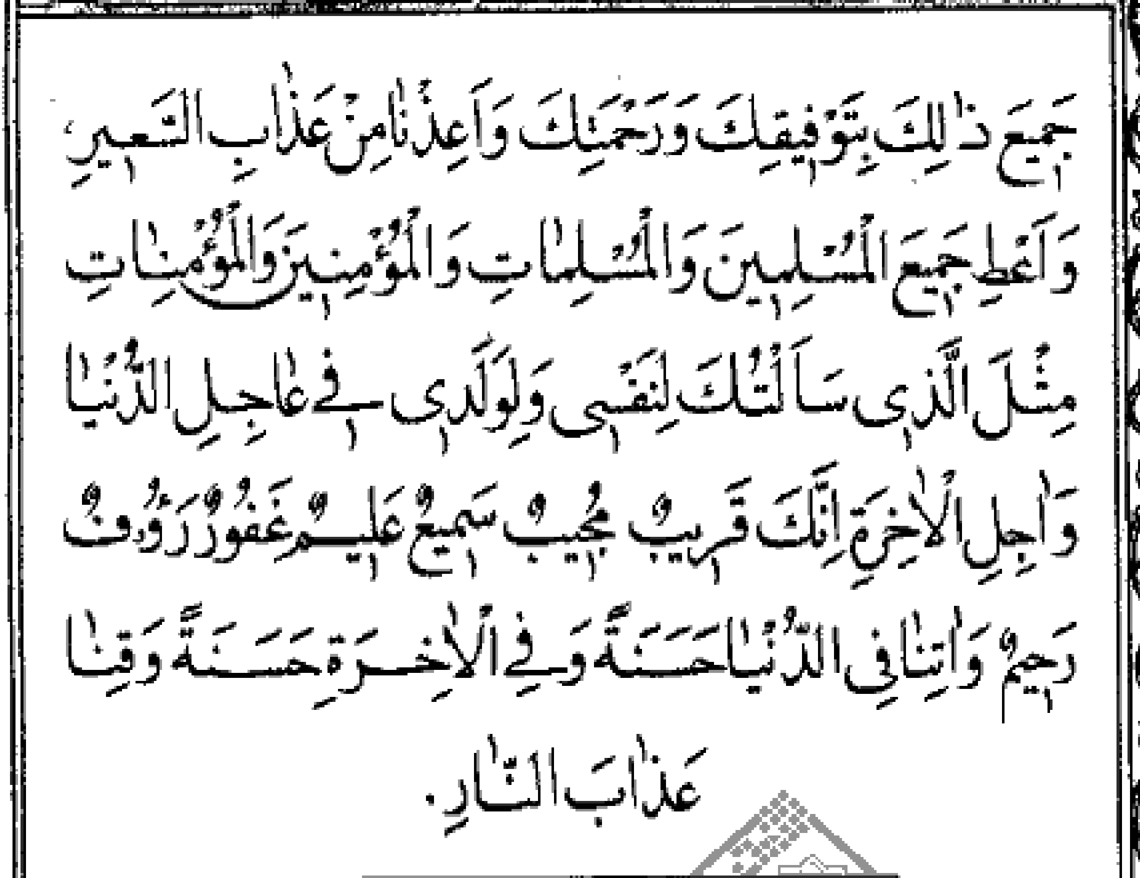
دعاء «٢٥»

اللّهُمَّ وَمُنَّ عَلَيَّ بِبَقَاءِ وُلْدِي وَبِإصْلاحِهِمْ لِي وَبِإمْتَاعِي
بِهِمْ إلهِي امْدُدْ لِي فِي أعْمَارِهِمْ وَزِدْ لِي فِي آجَالِهِمْ وَرَبِّ
لِي صَغِيرَهُمْ وَقَوِّ لِي ضَعِيفَهُمْ وَأصِحَّ لِي أبْدَانَهُمْ وَأدْيَانَهُمْ
وَأخْلاقَهُمْ وَعَافِهِمْ فِي أنْفُسِهِمْ وَفِي جَوَارِحِهِمْ وَفِي كُلِّ
مَا عُنِيتُ بِهِ مِنْ أمْرِهِمْ وَأدْرِرْ لِي وَعَلَى يَدِي أرْزَاقَهُمْ
وَاجْعَلْهُمْ أبْرَاراً أتْقِيَاءَ بُصَرَاءَ سَامِعِينَ مُطِيعِينَ لَكَ وَ
لِأوْلِيَائِكَ مُحِبِّينَ مُنَاصِحِينَ وَلِجَمِيعِ أعْدَائِكَ مُعَانِدِينَ وَ
مُبْغِضِينَ آمِينَ اللّهُمَّ اشْدُدْ بِهِمْ عَضُدِي وَأقِمْ بِهِمْ أوَدِي
وَكَثِّرْ بِهِمْ عَدَدِي وَزَيِّنْ بِهِمْ مَحْضَرِي وَأحْيِ بِهِمْ ذِكْرِي
وَاكْفِنِي بِهِمْ فِي غَيْبَتِي وَأعِنِّي بِهِمْ عَلَى حَاجَتِي وَاجْعَلْهُمْ
لِي مُحِبِّينَ وَعَلَيَّ حَدِبِينَ مُقْبِلِينَ مُسْتَقِيمِينَ لِي مُطِيعِينَ
غَيْرَ عَاصِينَ وَلا عَاقِّينَ وَلا مُخَالِفِينَ وَلا خَاطِئِينَ وَأعِنِّي

عَلَى تَرْبِيَتِهِمْ وَتَأْدِيبِهِمْ وَبِرِّهِمْ وَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ مَعَهُمْ
أَوْلَاداً ذُكُوراً وَاجْعَلْ ذٰلِكَ خَيْراً لِي وَاجْعَلْهُمْ لِي
عَوْناً عَلَى مَا سَأَلْتُكَ وَأَعِذْنِي وَذُرِّيَّتِي مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ
فَإِنَّكَ خَلَقْتَنَا وَأَمَرْتَنَا وَنَهَيْتَنَا وَرَغَّبْتَنَا فِي ثَوَابِ مَا أَمَرْتَنَا
وَرَهَّبْتَنَا عِقَابَهُ وَجَعَلْتَ لَنَا عَدُوّاً يَكِيدُنَا سَلَّطْتَهُ مِنَّا عَلَى مَا
لَمْ تُسَلِّطْنَا عَلَيْهِ مِنْهُ أَسْكَنْتَهُ صُدُورَنَا وَأَجْرَيْتَهُ
مَجَارِيَ دِمَائِنَا لَا يَغْفُلُ إِنْ غَفَلْنَا وَلَا يَنْسَى إِنْ نَسِينَا
يُؤْمِنُنَا عِقَابَكَ وَيُخَوِّفُنَا بِغَيْرِكَ إِنْ هَمَمْنَا بِفَاحِشَةٍ شَجَّعَنَا
عَلَيْهَا وَإِنْ هَمَمْنَا بِعَمَلٍ صَالِحٍ ثَبَّطَنَا عَنْهُ يَتَعَرَّضُ لَنَا بِا
لشَّهَوَاتِ وَيَنْصِبُ لَنَا بِالشُّبُهَاتِ إِنْ وَعَدَنَا كَذَبَنَا
وَإِنْ مَنَّانَا أَخْلَفَنَا وَإِلَّا تَصْرِفْ عَنَّا كَيْدَهُ يُضِلَّنَا وَإِلَّا
تَقِنَا خَبَالَهُ يَسْتَزِلَّنَا اَللّٰهُمَّ فَاقْهَرْ سُلْطَانَهُ عَنَّا بِسُلْطَانِكَ
حَتَّى تَحْبِسَهُ عَنَّا بِكَثْرَةِ الدُّعَاءِ لَكَ فَنُصْبِحَ مِنْ كَيْدِهِ
فِي الْمَعْصُومِينَ بِكَ اَللّٰهُمَّ أَعْطِنِي كُلَّ سُؤْلِي وَاقْضِ



لِي حَوَائِجِي وَلَا تَمْنَعْنِي الْإِجَابَةَ وَقَدْ ضَمِنْتَهَا لِي وَلَا تَحْجُبْ دُعَائِي عَنْكَ وَقَدْ أَمَرْتَنِي بِهِ وَامْنُنْ عَلَيَّ بِكُلِّ مَا يُصْلِحُنِي فِي دُنْيَايَ وَآخِرَتِي مَا ذَكَرْتُ مِنْهُ وَمَا نَسِيتُ أَوْ أَظْهَرْتُ أَوْ أَخْفَيْتُ أَوْ أَعْلَنْتُ أَوْ أَسْرَرْتُ وَاجْعَلْنِي فِي جَمِيعِ ذَلِكَ مِنَ الْمُصْلِحِينَ بِسُؤَالِي إِيَّاكَ الْمُنْجِحِينَ بِالطَّلَبِ إِلَيْكَ غَيْرِ الْمَمْنُوعِينَ بِالتَّوَكُّلِ عَلَيْكَ الْمُعَوَّدِينَ بِالتَّعَوُّذِ بِكَ الرَّابِحِينَ فِي التِّجَارَةِ عَلَيْكَ الْمُجَارِينَ بِعِزِّكَ الْمُوَسَّعِ عَلَيْهِمُ الرِّزْقُ الْحَلَالُ مِنْ فَضْلِكَ الْوَاسِعِ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ الْمُعَزِّينَ مِنَ الذُّلِّ بِكَ وَالْمُجَارِينَ مِنَ الظُّلْمِ بِعَدْلِكَ وَالْمُعَافَيْنَ مِنَ الْبَلَاءِ بِرَحْمَتِكَ وَالْمُغْنَيْنَ مِنَ الْفَقْرِ بِغِنَاكَ وَالْمَعْصُومِينَ مِنَ الذُّنُوبِ وَالزَّلَلِ وَالْخَطَاءِ بِتَقْوَاكَ وَالْمُوَفَّقِينَ لِلْخَيْرِ وَالرُّشْدِ وَالصَّوَابِ بِطَاعَتِكَ وَالْمُحَالِ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الذُّنُوبِ بِقُدْرَتِكَ التَّارِكِينَ لِكُلِّ مَعْصِيَتِكَ السَّاكِنِينَ فِي جِوَارِكَ اللَّهُمَّ أَعْطِنَا



جَميعَ ذٰلِكَ بِتَوْفيقِكَ وَرَحْمَتِكَ وَاَعِذْنا مِنْ عَذابِ السَّعيرِ وَاَعْطِ جَميعَ الْمُسْلِمينَ وَالْمُسْلِماتِ وَالْمُؤْمِنينَ وَالْمُؤْمِناتِ مِثْلَ الَّذي سَأَلْتُكَ لِنَفْسي وَلِوُلْدي في عاجِلِ الدُّنْيا وَآجِلِ الْآخِرَةِ اِنَّكَ قَريبٌ مُجيبٌ سَميعٌ عَليمٌ غَفُورٌ رَؤُفٌ رَحيمٌ وَآتِنا فِي الدُّنْيا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنا عَذابَ النّارِ.

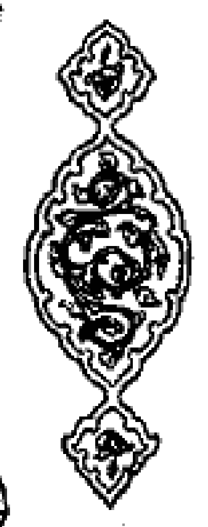
نیایش بیست و پنجم[۱]

ای خداوند، بر من احسان کن و فرزندانم را برایم باقی گذار و شایستگیشان بخش و مرا از ایشان بهره‌مند گردان.

ای خداوند، برای من، عمرشان دراز نمای و بر زندگانیشان بیفزای، خردسالشان را پرورش ده. ناتوانشان توانا گردان. تنشان و دینشان و اخلاقشان به سلامت دار. در جانشان و جسمشان و در هر کار از کارهایشان که روی در من دارد، عافیت بخش و وظیفهٔ روزی ایشان، برای من و بر دست من پیوسته گردان.

ای خداوند، فرزندان مرا همه نیکان و پرهیزگاران و بینایان قرار ده. وچنان کن که فرمانهای تو را بنیوشند و اطاعت کنند، یارانِ تو را محبان و نیکخواهان و با دشمنان تو دشمنان و کینه‌توزان باشند. آمین.

۱. دعای آن حضرت است در حق فرزندانش علیهم السلام.

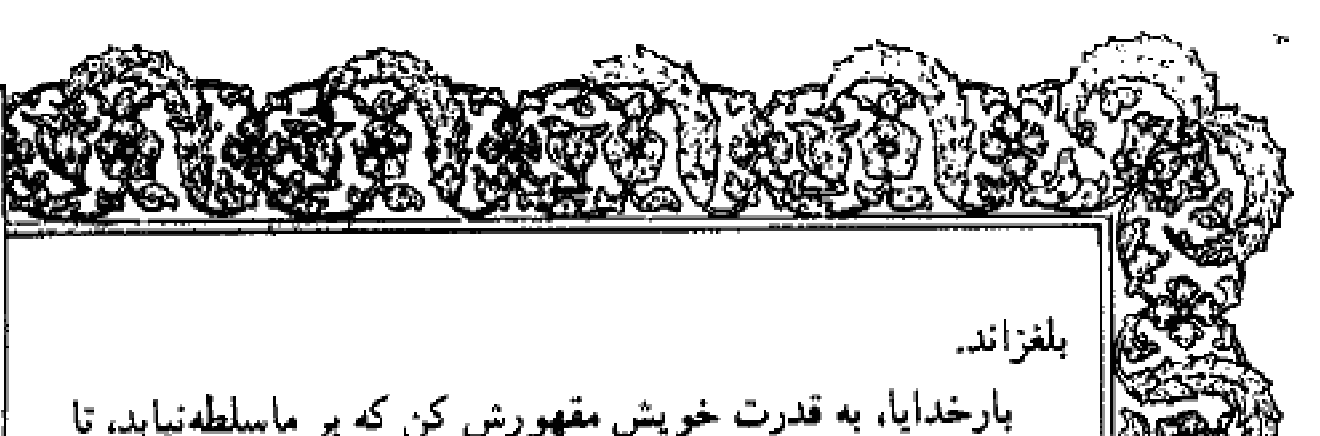




بارخدایا، بازوی من به نیروی فرزندانم توانا گردان و به آنان، نابسامانیهای من به سامان آور و به ایشان، شمار یاران من فزونی ده و مجلس من به وجود ایشان بیارای و نام من به ایشان زنده‌دار و در غیاب من ایشان را کارساز من گردان و به ایشان یاریم ده که بر حاجت خود دست یابم. ای خداوند، چنان کن که فرزندان من دوستدار من باشند و بر من مهر ورزند. روی دلشان با من باشد و در یاری من پایدار باشند. فرمانبرداران من باشند نه عصیانگران و نه نافرمانان و نه مخالفان و نه خطاکاران.

بارخدایا، مرا به تربیت ایشان و تأدیب ایشان و نیکی و مهربانی درحق ایشان یاری فرمای. و افزون بر ایشان مرا فرزندانی نرینه عطا کن و خیر مرا در آن قرارده و آنان را یاوران من بر هرچه از تو می‌طلبم.

ای خداوند، مرا و نسل مرا از شیطان رجیم در پناه خود دار. تو ما را آفریده‌ای و به نیکی امر کرده‌ای و از بدی نهی و به ثواب آنچه ما را بدان امر کرده‌ای مشتاق و از عقاب آن بیمناک. برای ما دشمنی ساخته‌ای همواره در کار نیرنگ و فریب ما. در اموری بر ما چیره‌اش گردانیده‌ای که ما را بر او چیرگی نداده‌ای. در درون سینهٔ ما جایش داده‌ای و چون خون در رگهای ما روانش گردانیده‌ای. اگر ما از او غافل شویم، او از ما غافل نشود. اگر ما فراموشش کنیم، او ما را فراموش نکند. عقاب تو را در نظر ما ناچیز می‌نماید و ما را از دیگری جز تو بیم می‌دهد. اگر آهنگ گناه کنیم، در ارتکاب آن دلیرمان گرداند و اگر آهنگ کاری شایسته کنیم، از گزاردن آن بازمان دارد. برای ما هرچه می‌طلبد هواهای نفسانی است و به هرچه اشارت می‌کند اعمال شبهه‌آمیز. اگر وعده دهد، وعده‌اش دروغ است و اگر آرزویی در دل ما برانگیزد، خود به خلاف آن برخیزد. ای خداوند ما، اگر مکرش را از ما بازنگردانی، گمراهمان کند و اگر ما را از تبهکاریهایش در امان نداری، پای ثبات ما



بلغزاند.

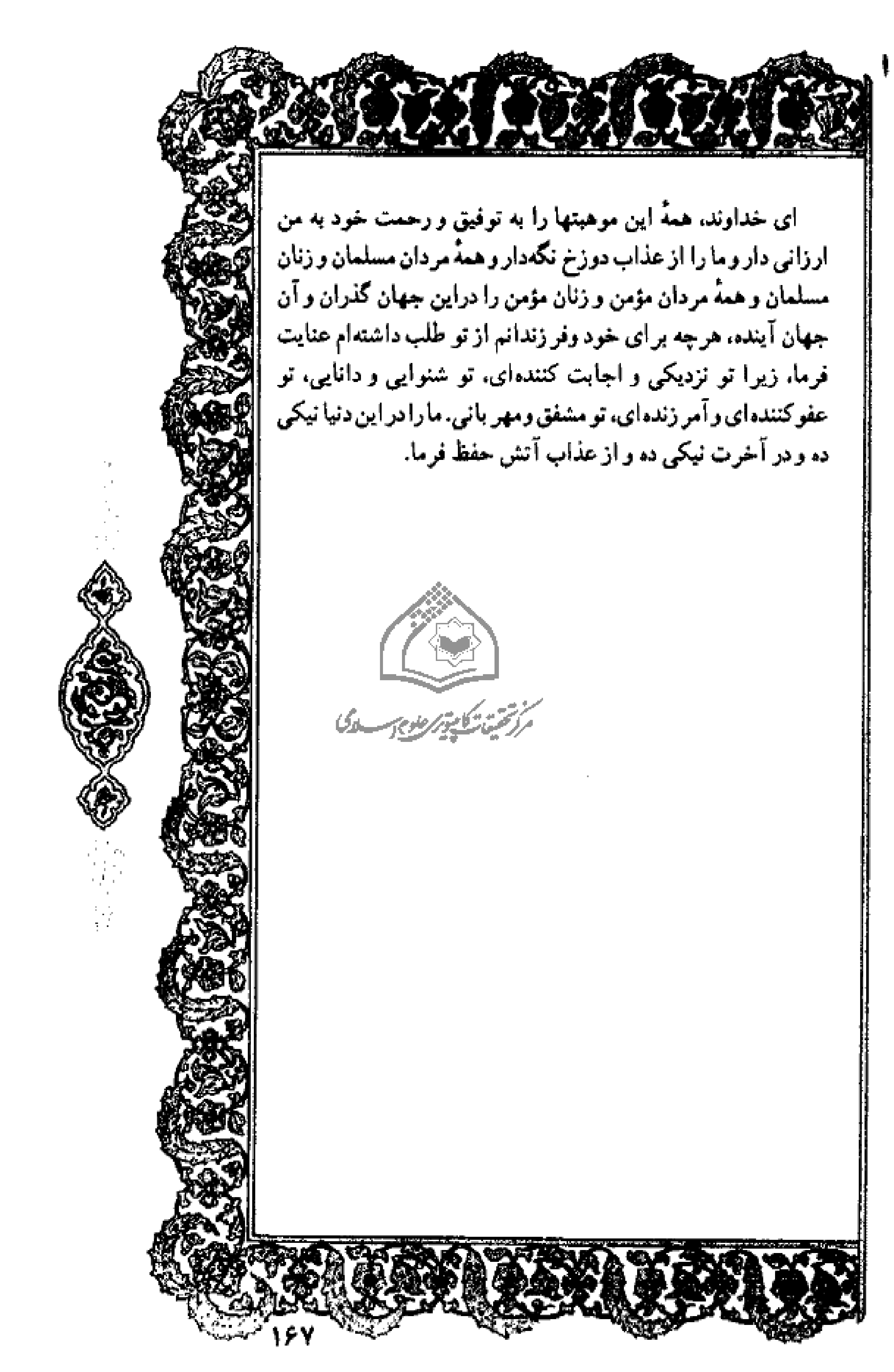
بارخدایا، به قدرت خویش مقهورش کن که بر ماسلطه‌نیابد، تا آنگاه که دستِ دعا به سوی تو برمی‌داریم نگذاری که سوی ما راه جوید و در زمرهٔ مصون ماندگان از کید او درآییم.

بارخدایا، هرچه از تو خواسته‌ام به‌من عطا کن و حوایج من بر آور. و چون بر عهده گرفته‌ای که‌دعای من به اجابت رسانی، پس دعای من از درگاه خود مران. و چون خود مرا به دعا فرمان داده‌ای، دعای من از آن پیشگاه محجوب مدار. ای خداوند، از فضل خویش هرچه سبب اصلاح من در دنیا و آخرت شود، به من عطا کن، خواه آن را بر زبان آورده باشم یا فراموش کرده‌باشم، آشکار کرده باشم یا نهان داشته باشم، دیگران را از آن آگاه کرده باشم یا ازدیگران پنهان کرده باشم.

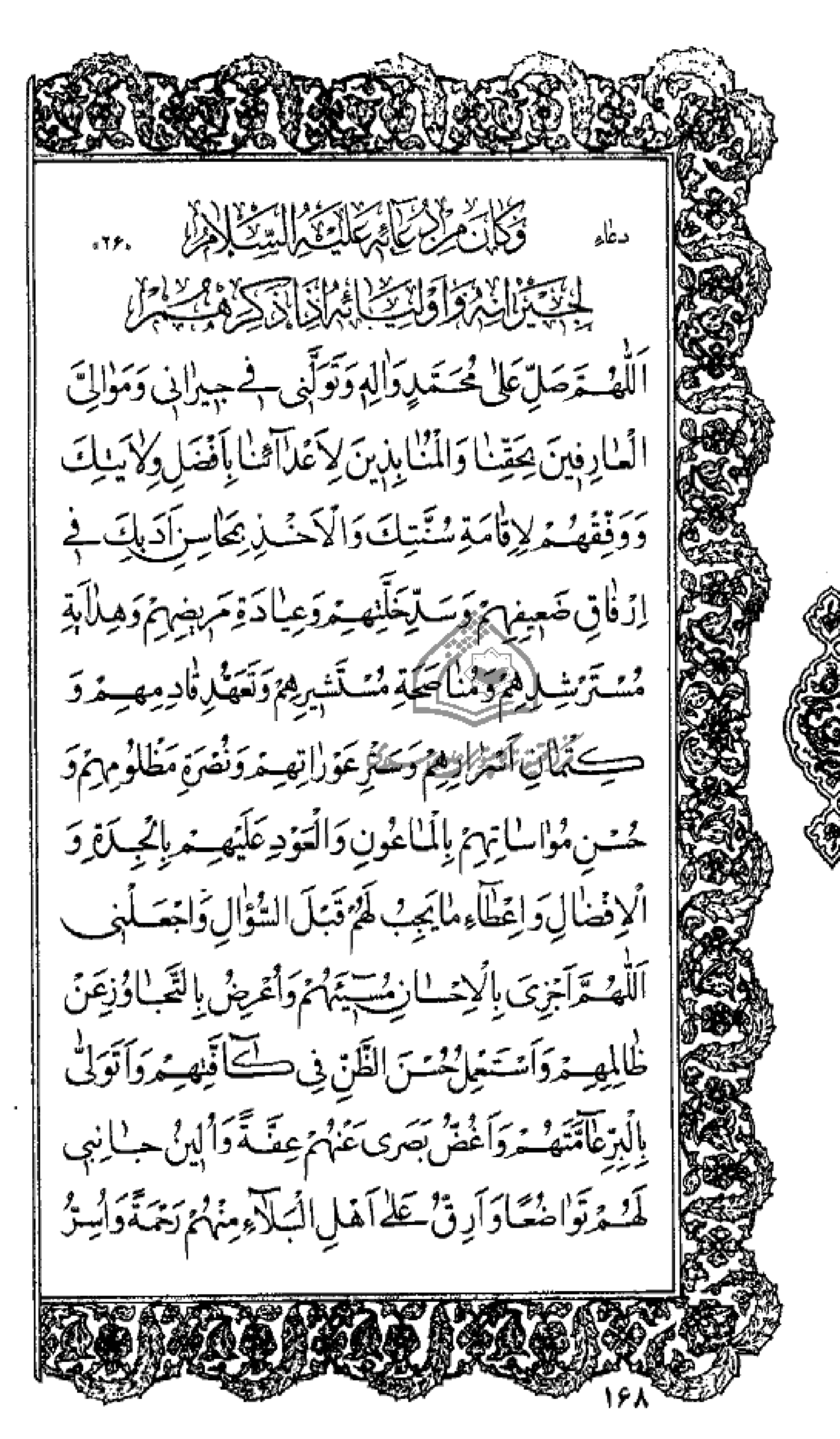
خداوندا، چنان کن که در همه حال به درخواستی که از تو می کنم در زمرهٔ مصلحان درآیم و به چیزی که از تو طلب می‌دارم در شمار کام یافتگان و به توکل بر تو در عِدادِ آن کسان که دست ردّشان بر سینه نزده‌ای.



ای خداوند، در شمارِ آنانم بَر که خو گرفته‌اند پناه جستن به تو را وسودها برده‌اند از سودای با تو و پناه گرفته‌اند در مأمنِ عِزّ تو و تو از خزانهٔ فضل و نعمت خویش به فراوانی روزی حلالشان داده‌ای و به جودوکرم تو فراخ نعمتی یافته‌اند و به تو ازذلت به عزت رسیده‌اند و از جور و ستم ستمکاران در سایهٔ دادگری تو غنوده‌اند و به رحمت تو از بلا رهیده‌اند و به توانگری تو از بینوایی به توانگری رسیده‌اند و به یمن تقوای تو از گناه و لغزش و خطا در امان مانده‌اند و به طاعت تو به خیر ورشاد وصواب توفیق یافته‌اند و به قدرت تو میان ایشان و گناهان مانع پدید آمده است، آن کسان که همهٔ معاصی تو را ترک گفته‌اند و در جوار رحمت تو خفته‌اند.

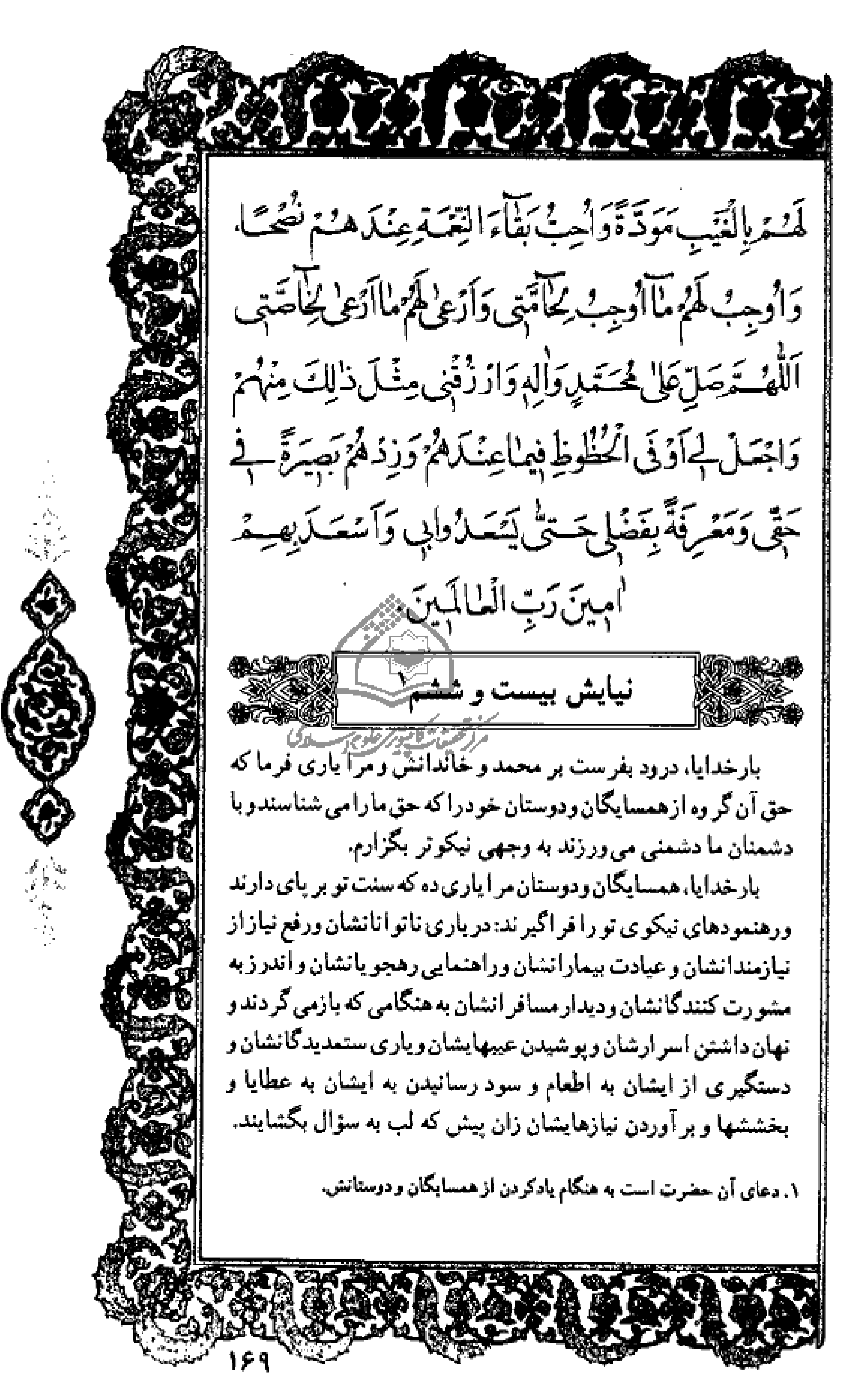


ای خداوند، همهٔ این موهبتها را به توفیق و رحمت خود به من ارزانی دار و ما را از عذاب دوزخ نگه‌دار و همهٔ مردان مسلمان و زنان مسلمان و همهٔ مردان مؤمن و زنان مؤمن را دراین جهان گذران و آن جهان آینده، هرچه برای خود وفرزندانم از تو طلب داشته‌ام عنایت فرما، زیرا تو نزدیکی و اجابت کننده‌ای، تو شنوایی و دانایی، تو عفوکننده‌ای وآمرزنده‌ای، تو مشفق ومهربانی. ما رادراین دنیا نیکی ده ودر آخرت نیکی ده و ازعذاب آتش حفظ فرما.



وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِجِيرَانِهِ وَأَوْلِيَائِهِ إِذَا ذَكَرَهُمْ

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَتَوَلَّنِي فِي جِيرَانِي وَمَوَالِيَّ
الْعَارِفِينَ بِحَقِّنَا وَالْمُنَابِذِينَ لِأَعْدَائِنَا بِأَفْضَلِ وَلَايَتِكَ
وَوَفِّقْهُمْ لِإِقَامَةِ سُنَّتِكَ وَالْأَخْذِ بِمَحَاسِنِ أَدَبِكَ فِي
إِرْفَاقِ ضَعِيفِهِمْ وَسَدِّ خَلَّتِهِمْ وَعِيَادَةِ مَرِيضِهِمْ وَهِدَايَةِ
مُسْتَرْشِدِهِمْ وَمُنَاصَحَةِ مُسْتَشِيرِهِمْ وَتَعَهُّدِ قَادِمِهِمْ وَ
كِتْمَانِ أَسْرَارِهِمْ وَسَتْرِ عَوْرَاتِهِمْ وَنُصْرَةِ مَظْلُومِهِمْ وَ
حُسْنِ مُوَاسَاتِهِمْ بِالْمَاعُونِ وَالْعَوْدِ عَلَيْهِمْ بِالْجِدَةِ وَ
الْإِفْضَالِ وَإِعْطَاءِ مَا يَجِبُ لَهُمْ قَبْلَ السُّؤَالِ وَاجْعَلْنِي
اللّٰهُمَّ أَجْزِي بِالْإِحْسَانِ مُسِيئَهُمْ وَأُعْرِضُ بِالتَّجَاوُزِ عَنْ
ظَالِمِهِمْ وَأَسْتَعْمِلُ حُسْنَ الظَّنِّ فِي كَافَّتِهِمْ وَأَتَوَلَّى
بِالْبِرِّ عَامَّتَهُمْ وَأَغُضُّ بَصَرِي عَنْهُمْ عِفَّةً وَأُلِينُ جَانِبِي
لَهُمْ تَوَاضُعاً وَأَرِقُّ عَلَى أَهْلِ الْبَلَاءِ مِنْهُمْ رَحْمَةً وَأُسِرُّ



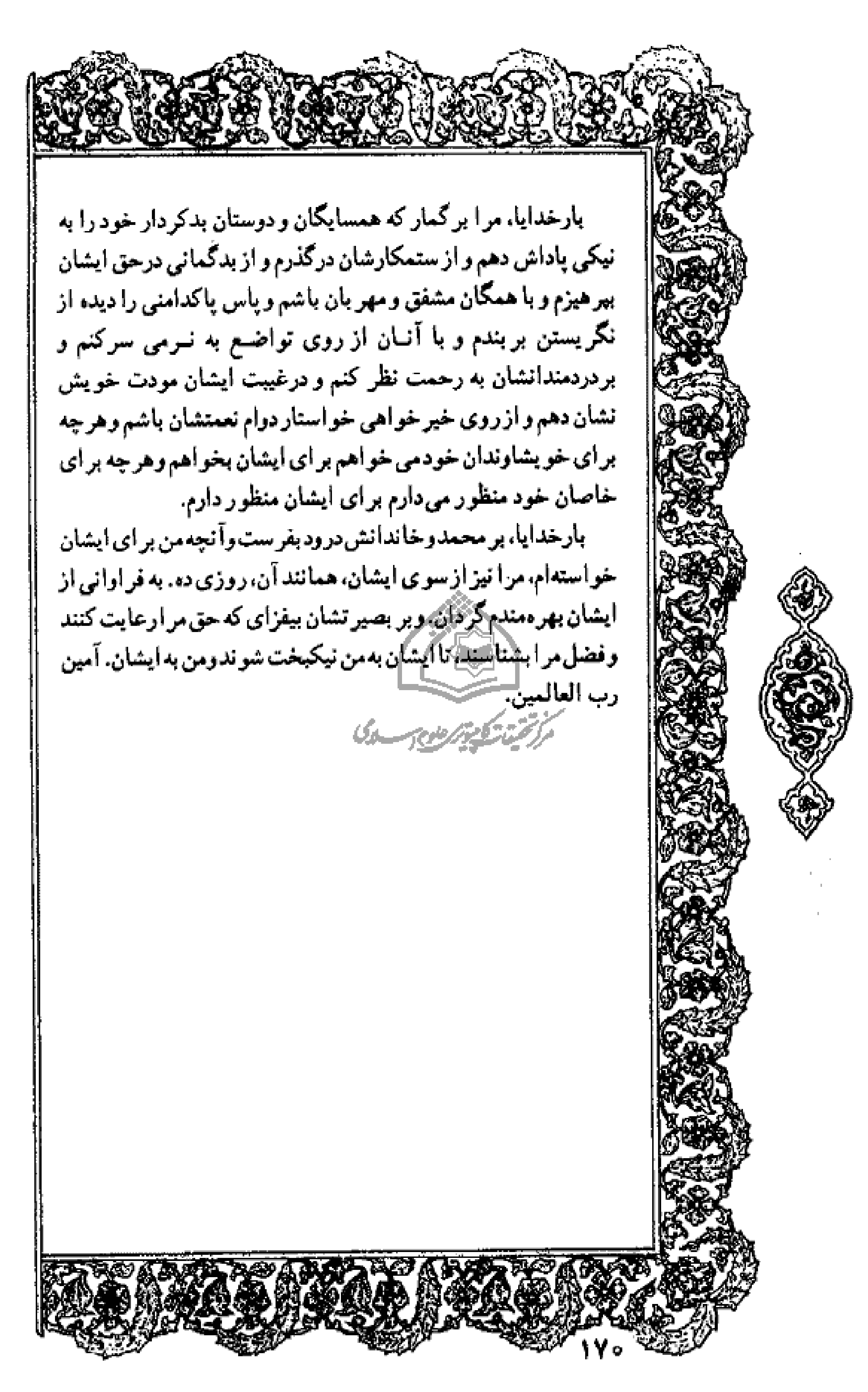
لَهُمْ بِالْغَيْبِ مَوَدَّةً وَاُحِبُّ بَقَآءَ النِّعْمَةِ عِنْدَهُمْ نُصْحاً، وَاُوجِبُ لَهُمْ مَا اُوجِبُ لِحَامَّتِي وَاَرْعَى لَهُمْ مَا اَرْعَى لِخَاصَّتِي اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ وَارْزُقْنِي مِثْلَ ذٰلِكَ مِنْهُمْ وَاجْعَلْ لِي اَوْفَى الْحُظُوظِ فِيمَا عِنْدَهُمْ وَزِدْهُمْ بَصِيرَةً فِي حَقِّي وَمَعْرِفَةً بِفَضْلِي حَتّٰى يَسْعَدُوا بِي وَاَسْعَدَ بِهِمْ اٰمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ.

نیایش بیست و ششم[1]

بارخدایا، درود بفرست بر محمد و خاندانش و مرا یاری فرما که حق آن گروه از همسایگان و دوستان خود را که حق ما را می شناسند و با دشمنان ما دشمنی می ورزند به وجهی نیکوتر بگزارم.

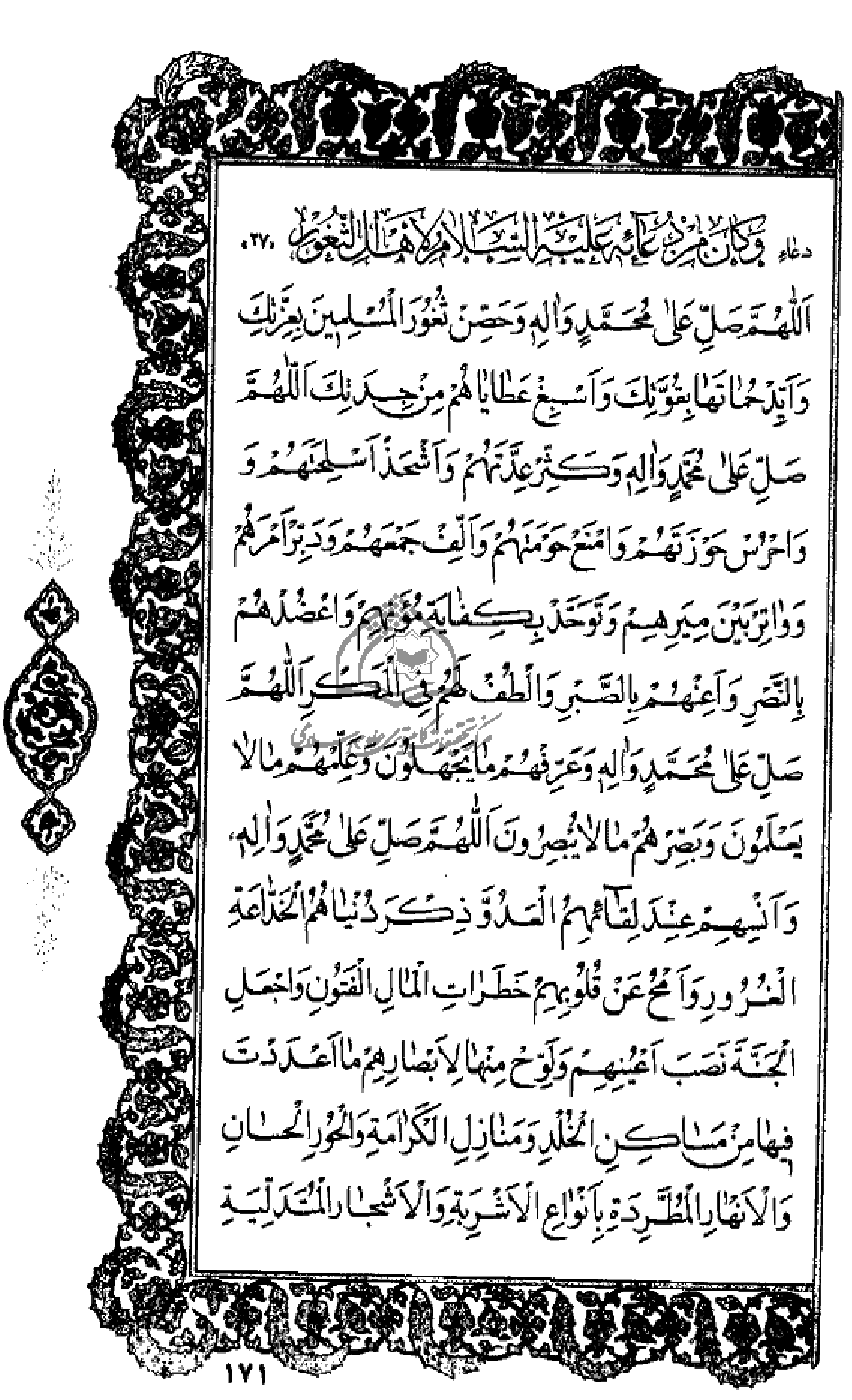
بارخدایا، همسایگان و دوستان مرا یاری ده که سنت تو بر پای دارند ورهنمودهای نیکوی تو را فرا گیرند: در یاری ناتوانانشان و رفع نیاز از نیازمندانشان و عیادت بیمارانشان و راهنمایی رهجویانشان و اندرز به مشورت کنندگانشان و دیدار مسافرانشان به هنگامی که بازمی گردند و نهان داشتن اسرارشان و پوشیدن عیبهایشان و یاری ستمدیدگانشان و دستگیری از ایشان به اطعام و سود رسانیدن به ایشان به عطایا و بخششها و برآوردن نیازهایشان زان پیش که لب به سؤال بگشایند.

۱. دعای آن حضرت است به هنگام یادکردن از همسایگان و دوستانش.



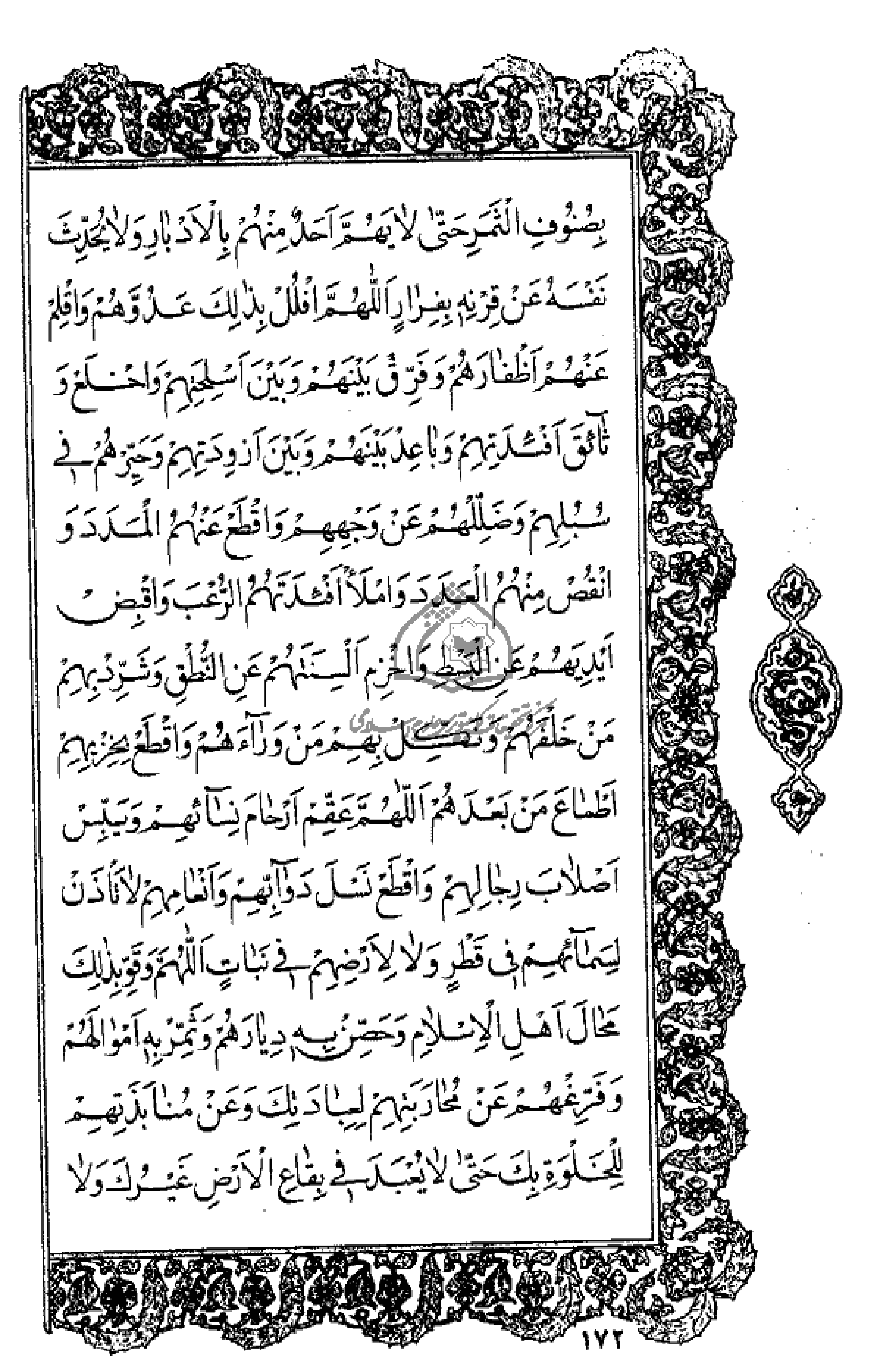
بارخدایا، مرا برگمار که همسایگان و دوستان بدکردار خود را به نیکی پاداش دهم و از ستمکارشان درگذرم و از بدگمانی درحق ایشان بپرهیزم و با همگان مشفق و مهربان باشم و پاس پاکدامنی را دیده از نگریستن بربندم و با آنان از روی تواضع به نرمی سرکنم و بردردمندانشان به رحمت نظر کنم و درغیبت ایشان مودت خویش نشان دهم و ازروی خیرخواهی خواستاردوام نعمتشان باشم وهرچه برای خویشاوندان خودمی خواهم برای ایشان بخواهم وهرچه برای خاصان خود منظور می‌دارم برای ایشان منظور دارم.

بارخدایا، برمحمدوخاندانش درود بفرست وآنچه من برای ایشان خواسته‌ام، مرا نیزازسوی ایشان، همانند آن، روزی ده. به فراوانی از ایشان بهره‌مندم گردان. وبر بصیرتشان بیفزای که حق مرارعایت کنند وفضل مرا بشناسند، تا ایشان به من نیکبخت شوندومن به ایشان. آمین رب العالمین.

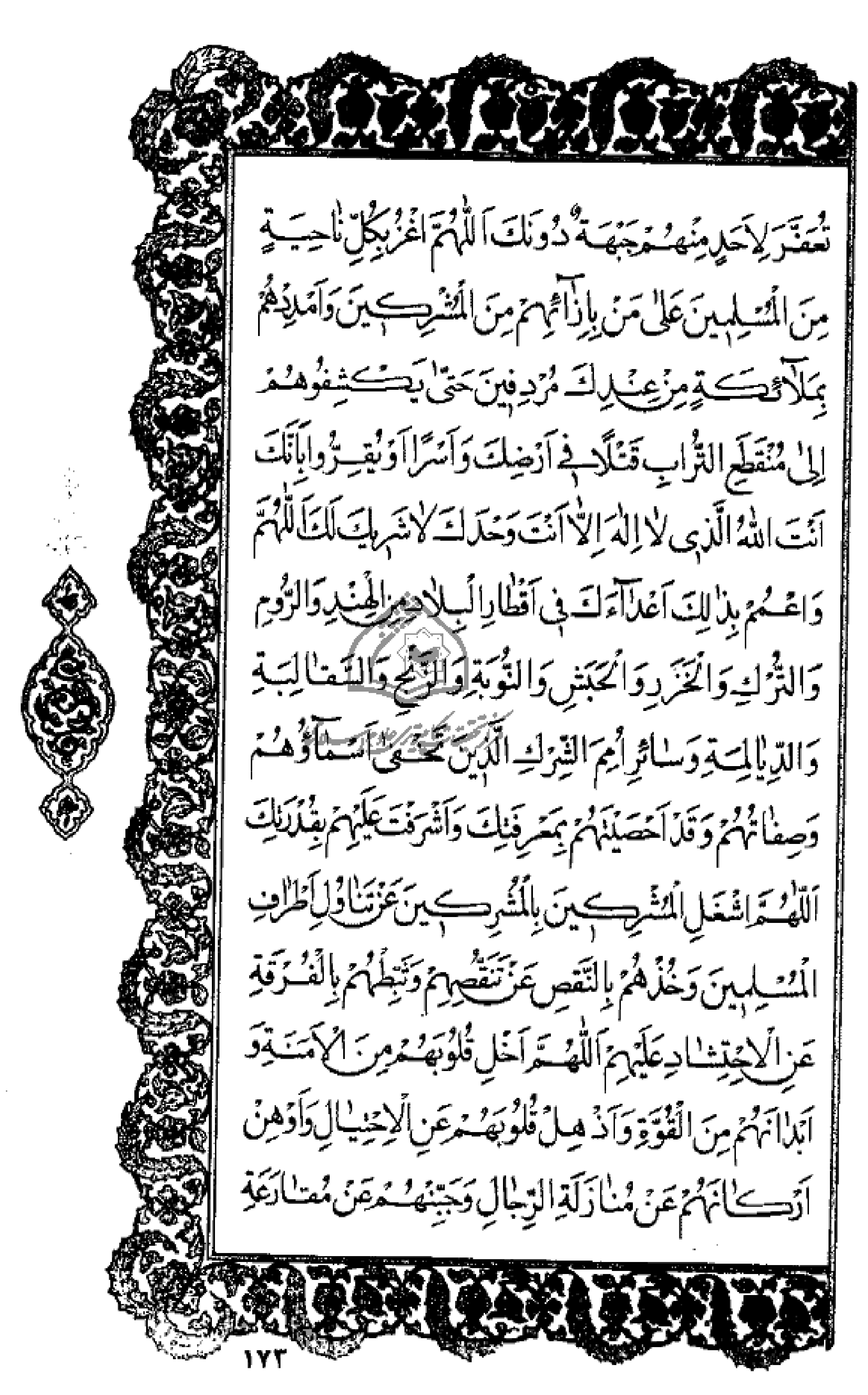


دعاء ٢٧ وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِأَهْلِ الثُّغُورِ

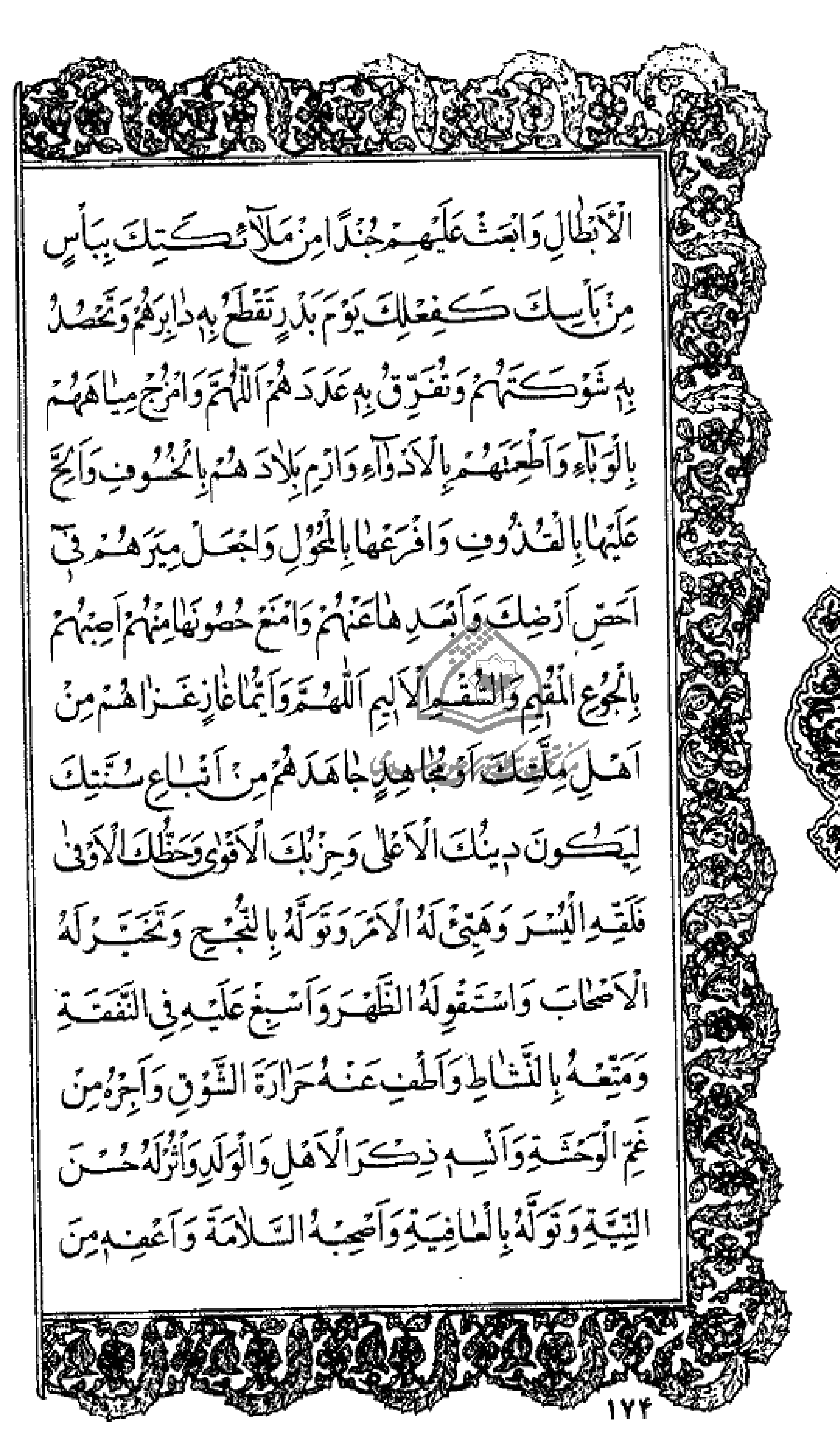
اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَحَصِّنْ ثُغُورَ الْمُسْلِمِينَ بِعِزَّتِكَ
وَأَيِّدْ حُمَاتَهَا بِقُوَّتِكَ وَأَسْبِغْ عَطَايَاهُمْ مِنْ جِدَتِكَ اَللّٰهُمَّ
صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَكَثِّرْ عِدَّتَهُمْ وَاشْحَذْ أَسْلِحَتَهُمْ وَ
احْرُسْ حَوْزَتَهُمْ وَامْنَعْ حَوْمَتَهُمْ وَأَلِّفْ جَمْعَهُمْ وَدَبِّرْ أَمْرَهُمْ
وَوَاتِرْ بَيْنَ مِيَرِهِمْ وَتَوَحَّدْ بِكِفَايَةِ مُؤَنِهِمْ وَاعْضُدْهُمْ
بِالنَّصْرِ وَأَعِنْهُمْ بِالصَّبْرِ وَالْطُفْ لَهُمْ فِي الْمَكْرِ اَللّٰهُمَّ
صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَعَرِّفْهُمْ مَا يَجْهَلُونَ وَعَلِّمْهُمْ مَا لَا
يَعْلَمُونَ وَبَصِّرْهُمْ مَا لَا يُبْصِرُونَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
وَأَنْسِهِمْ عِنْدَ لِقَائِهِمُ الْعَدُوَّ ذِكْرَ دُنْيَاهُمُ الْخَدَّاعَةِ
الْغَرُورِ وَامْحُ عَنْ قُلُوبِهِمْ خَطَرَاتِ الْمَالِ الْفَتُونِ وَاجْعَلِ
الْجَنَّةَ نُصْبَ أَعْيُنِهِمْ وَلَوِّحْ مِنْهَا لِأَبْصَارِهِمْ مَا أَعْدَدْتَ
فِيهَا مِنْ مَسَاكِنِ الْخُلْدِ وَمَنَازِلِ الْكَرَامَةِ وَالْحُورِ الْحِسَانِ
وَالْأَنْهَارِ الْمُطَّرِدَةِ بِأَنْوَاعِ الْأَشْرِبَةِ وَالْأَشْجَارِ الْمُتَدَلِّيَةِ



بِصُنُوفِ النَّقَمِ حَتّىٰ لا يَهُمَّ اَحَدٌ مِنْهُمْ بِالْاَدْبارِ وَلا يُحَدِّثَ
نَفْسَهُ عَنْ قِرْنِهِ بِفِرارٍ اَللّٰهُمَّ افْلُلْ بِذٰلِكَ عَدُوَّهُمْ وَاقْلِمْ
عَنْهُمْ اَظْفارَهُمْ وَفَرِّقْ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ اَسْلِحَتِهِمْ وَاخْلَعْ وَ
ثائِقَ اَفْئِدَتِهِمْ وَباعِدْ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ اَزْوِدَتِهِمْ وَحَيِّرْهُمْ فى
سُبُلِهِمْ وَضَلِّلْهُمْ عَنْ وَجْهِهِمْ وَاقْطَعْ عَنْهُمُ الْمَدَدَ وَ
انْقُصْ مِنْهُمُ الْعَدَدَ وَامْلَأْ اَفْئِدَتَهُمُ الرُّعْبَ وَاقْبِضْ
اَيْدِيَهُمْ عَنِ الْبَسْطِ وَاخْزِمْ اَلْسِنَتَهُمْ عَنِ النُّطْقِ وَشَرِّدْ بِهِمْ
مَنْ خَلْفَهُمْ وَنَكِّلْ بِهِمْ مَنْ وَرآءَهُمْ وَاقْطَعْ بِخِزْيِهِمْ
اَطْماعَ مَنْ بَعْدَهُمْ اَللّٰهُمَّ عَقِّمْ اَرْحامَ نِسآئِهِمْ وَيَبِّسْ
اَصْلابَ رِجالِهِمْ وَاقْطَعْ نَسْلَ دَوآبِّهِمْ وَاَنْعامِهِمْ لا تَأْذَنْ
لِسَمآئِهِمْ فى قَطْرٍ وَلا لِاَرْضِهِمْ فى نَباتٍ اَللّٰهُمَّ وَقَوِّ بِذٰلِكَ
مِحالَ اَهْلِ الْاِسْلامِ وَحَصِّنْ بِهِ دِيارَهُمْ وَثَمِّرْ بِهِ اَمْوالَهُمْ
وَفَرِّغْهُمْ عَنْ مُحارَبَتِهِمْ لِعِبادَتِكَ وَعَنْ مُنابَذَتِهِمْ
لِلْخَلْوَةِ بِكَ حَتّىٰ لا يُعْبَدَ فى بِقاعِ الْاَرْضِ غَيْرُكَ وَلا



تُعْفَرُ لِاَحَدٍ مِنْهُمْ جَبْهَةٌ دُونَكَ اَللّٰهُمَّ اغْزُ بِكُلِّ نَاحِيَةٍ
مِنَ الْمُسْلِمِينَ عَلٰى مَنْ بِاِزَآئِهِمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَاَمْدِدْهُمْ
بِمَلآئِكَةٍ مِنْ عِنْدِكَ مُرْدِفِينَ حَتّٰى يَكْشِفُوهُمْ
اِلٰى مُنْقَطَعِ التُّرَابِ قَتْلًا فِي اَرْضِكَ وَاَسْرًا اَوْ يُقِرُّوا بِاَنَّكَ
اَنْتَ اللّٰهُ الَّذِي لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ اَللّٰهُمَّ
وَاعْمُمْ بِذٰلِكَ اَعْدَآءَكَ فِي اَقْطَارِ الْبِلَادِ مِنَ الْهِنْدِ وَالرُّومِ
وَالتُّرْكِ وَالْخَزَرِ وَالْحَبَشِ وَالنُّوبَةِ وَالزَّنْجِ وَالسَّقَالِبَةِ
وَالدَّيَالِمَةِ وَسَائِرِ اُمَمِ الشِّرْكِ الَّذِينَ تَخْفٰى اَسْمَآؤُهُمْ
وَصِفَاتُهُمْ وَقَدْ اَحْصَيْتَهُمْ بِمَعْرِفَتِكَ وَاَشْرَفْتَ عَلَيْهِمْ بِقُدْرَتِكَ
اَللّٰهُمَّ اشْغَلِ الْمُشْرِكِينَ بِالْمُشْرِكِينَ عَنْ تَنَاوُلِ اَطْرَافِ
الْمُسْلِمِينَ وَخُذْهُمْ بِالنَّقْصِ عَنْ تَنَقُّصِهِمْ وَثَبِّطْهُمْ بِالْفُرْقَةِ
عَنِ الْاِحْتِشَادِ عَلَيْهِمْ اَللّٰهُمَّ اَخْلِ قُلُوبَهُمْ مِنَ الْاَمَنَةِ وَ
اَبْدَانَهُمْ مِنَ الْقُوَّةِ وَاَذْهِلْ قُلُوبَهُمْ عَنِ الْاِحْتِيَالِ وَاَوْهِنْ
اَرْكَانَهُمْ عَنْ مُنَازَلَةِ الرِّجَالِ وَجَبِّنْهُمْ عَنْ مُقَارَعَةِ



الْأَبْطَالِ وَابْعَثْ عَلَيْهِمْ جُنْداً مِنْ مَلَائِكَتِكَ بِبَأْسٍ

مِنْ بَأْسِكَ كَفِعْلِكَ يَوْمَ بَدْرٍ تَقْطَعُ بِهِ دَابِرَهُمْ وَتَحْصُدُ

بِهِ شَوْكَتَهُمْ وَتُفَرِّقُ بِهِ عَدَدَهُمْ اَللّٰهُمَّ وَامْزُجْ مِيَاهَهُمْ

بِالْوَبَاءِ وَاَطْعِمْهُمْ بِالْأَدْوَاءِ وَارْمِ بِلَادَهُمْ بِالْخُسُوفِ وَاَلِحَّ

عَلَيْهَا بِالْقُذُوفِ وَافْرَعْهَا بِالْمُحُولِ وَاجْعَلْ مِيَرَهُمْ فِي

اَحَصِّ اَرْضِكَ وَاَبْعَدِهَا عَنْهُمْ وَامْنَعْ حُصُونَهَا مِنْهُمْ اَصِبْهُمْ

بِالْجُوعِ الْمُقِيمِ وَالسُّقْمِ الْأَلِيمِ اَللّٰهُمَّ وَاَيُّمَا غَازٍ غَزَاهُمْ مِنْ

اَهْلِ مِلَّتِكَ اَوْ مُجَاهِدٍ جَاهَدَهُمْ مِنْ اَتْبَاعِ سُنَّتِكَ

لِيَكُونَ دِينُكَ الْأَعْلَى وَحِزْبُكَ الْأَقْوَى وَحَظُّكَ الْأَوْفَى

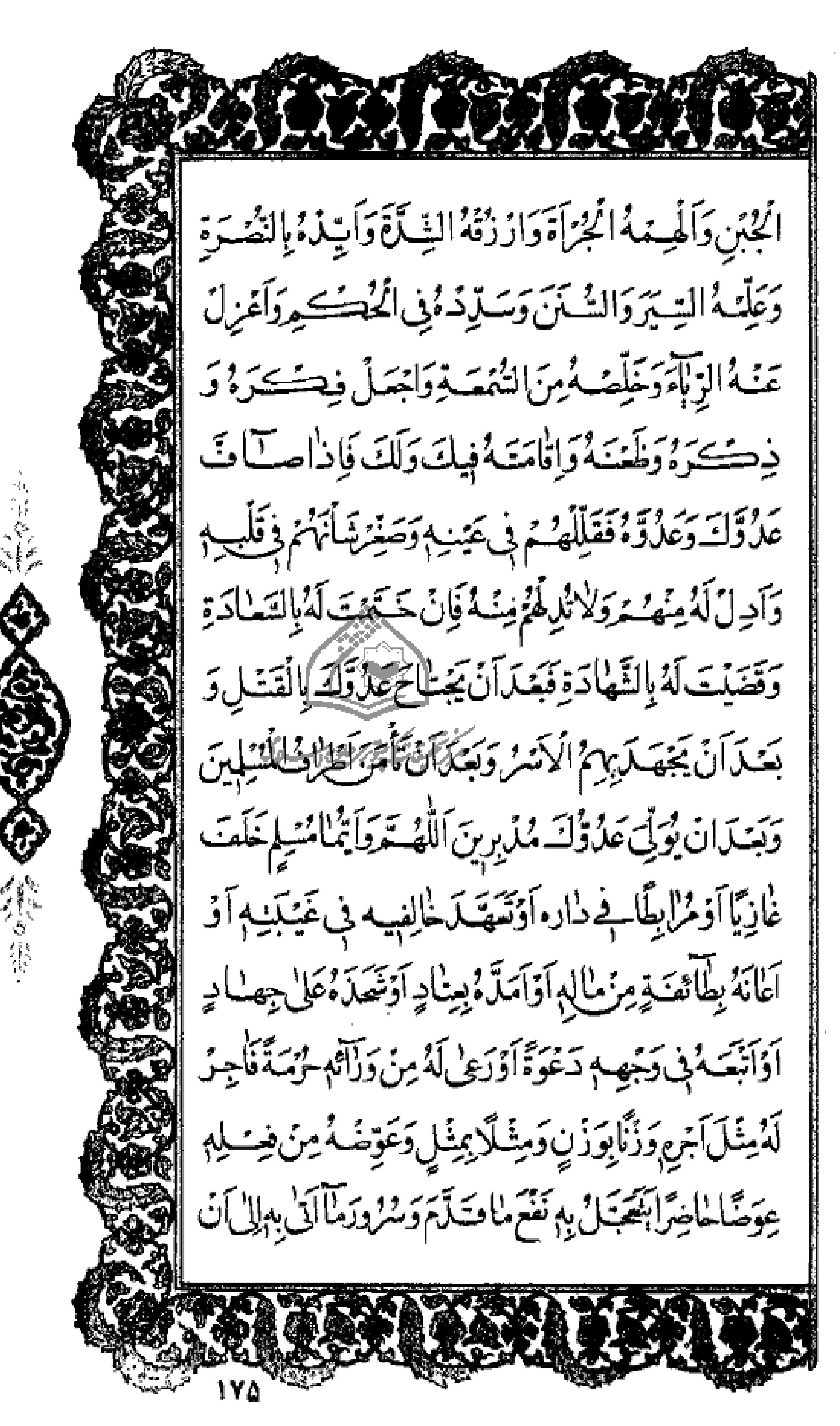
فَلَقِّهِ الْيُسْرَ وَهَيِّئْ لَهُ الْأَمْرَ وَتَوَلَّهُ بِالنُّجْحِ وَتَخَيَّرْ لَهُ

الْأَصْحَابَ وَاسْتَقْوِ لَهُ الظَّهْرَ وَاَسْبِغْ عَلَيْهِ فِي النَّفَقَةِ

وَمَتِّعْهُ بِالنَّشَاطِ وَاَطْفِ عَنْهُ حَرَارَةَ الشَّوْقِ وَاَجِرْهُ مِنْ

غَمِّ الْوَحْشَةِ وَاَنْسِهِ ذِكْرَ الْأَهْلِ وَالْوَلَدِ وَاْثُرْ لَهُ حُسْنَ

النِّيَّةِ وَتَوَلَّهُ بِالْعَافِيَةِ وَاَصْحِبْهُ السَّلَامَةَ وَاَعْفِهِ مِنَ



الْجُبْنَ وَأَلْهِمْهُ الْجُرْأَةَ وَارْزُقْهُ الشِّدَّةَ وَأَيِّدْهُ بِالنُّصْرَةِ
وَعَلِّمْهُ السِّيَرَ وَالسُّنَنَ وَسَدِّدْهُ فِي الْحُكْمِ وَاعْزِلْ
عَنْهُ الرِّيَاءَ وَخَلِّصْهُ مِنَ السُّمْعَةِ وَاجْعَلْ فِكْرَهُ وَ
ذِكْرَهُ وَظَعْنَهُ وَإِقَامَتَهُ فِيكَ وَلَكَ فَإِذَا صَافَّ
عَدُوَّكَ وَعَدُوَّهُ فَقَلِّلْهُمْ فِي عَيْنِهِ وَصَغِّرْ شَأْنَهُمْ فِي قَلْبِهِ
وَأَدِلْ لَهُ مِنْهُمْ وَلَا تُدِلْهُمْ مِنْهُ فَإِنْ خَتَمْتَ لَهُ بِالسَّعَادَةِ
وَقَضَيْتَ لَهُ بِالشَّهَادَةِ فَبَعْدَ أَنْ يَجْتَاحَ عَدُوَّكَ بِالْقَتْلِ وَ
بَعْدَ أَنْ يَجْهَدَ بِهِمُ الْأَسْرُ وَبَعْدَ أَنْ تَأْمَنَ أَطْرَافُ الْمُسْلِمِينَ
وَبَعْدَ أَنْ يُوَلِّيَ عَدُوُّكَ مُدْبِرِينَ اللَّهُمَّ وَأَيُّمَا مُسْلِمٍ خَلَفَ
غَازِياً أَوْ مُرَابِطاً فِي دَارِهِ أَوْ تَعَهَّدَ خَالِفِيهِ فِي غَيْبَتِهِ أَوْ
أَعَانَهُ بِطَائِفَةٍ مِنْ مَالِهِ أَوْ أَمَدَّهُ بِعِتَادٍ أَوْ شَحَذَهُ عَلَى جِهَادٍ
أَوْ أَتْبَعَهُ فِي وَجْهِهِ دَعْوَةً أَوْ رَعَى لَهُ مِنْ وَرَائِهِ حُرْمَةً فَأَجْرِ
لَهُ مِثْلَ أَجْرِهِ وَزْناً بِوَزْنٍ وَمِثْلاً بِمِثْلٍ وَعَوِّضْهُ مِنْ فِعْلِهِ
عِوَضاً حَاضِراً يَتَعَجَّلُ بِهِ نَفْعَ مَا قَدَّمَ وَسُرُورَ مَا أَتَى بِهِ إِلَى أَنْ

يَنْتَهِي بِهِ الْوَقْتُ إِلَى مَا أَجْرَيْتَ لَهُ مِنْ فَضْلِكَ وَأَعْدَدْتَ لَهُ مِنْ كَرَامَتِكَ. اللَّهُمَّ وَأَيُّمَا مُسْلِمٍ أَهَمَّهُ أَمْرُ الْإِسْلَامِ وَأَحْزَنَهُ تَحَزُّبُ أَهْلِ الشِّرْكِ عَلَيْهِمْ فَنَوَى غَزْواً أَوْ هَمَّ بِجِهَادٍ فَقَعَدَ بِهِ ضَعْفٌ أَوْ أَبْطَأَتْ بِهِ فَاقَةٌ أَوْ أَخَّرَهُ عَنْهُ حَادِثٌ أَوْ عَرَضَ لَهُ دُونَ إِرَادَتِهِ مَانِعٌ فَاكْتُبِ اسْمَهُ فِي الْعَابِدِينَ وَأَوْجِبْ لَهُ ثَوَابَ الْمُجَاهِدِينَ وَاجْعَلْهُ فِي نِظَامِ الشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلَاةً عَالِيَةً عَلَى الصَّلَوَاتِ مُشْرِفَةً فَوْقَ التَّحِيَّاتِ صَلَاةً لَا يَنْتَهِي أَمَدُهَا وَلَا يَنْقَطِعُ عَدَدُهَا كَأَتَمِّ مَا مَضَى مِنْ صَلَوَاتِكَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَوْلِيَائِكَ إِنَّكَ الْمَنَّانُ الْحَمِيدُ الْمُبْدِئُ الْمُعِيدُ الْفَعَّالُ لِمَا تُرِيدُ.

نیایش بیست و هفتم[1]

بارخدایا، درود بفرست بر محمد و خاندان او و مرزهای مسلمانان را

۱. دعای آن حضرت است دربارهٔ مرزبانان.



به پیروزمندی خویش استوار گردان و مرزبانان را به نیروی خود یاری ده و از خزانهٔ افضال خویش عطایاشان به فراوانی ارزانی دار.

(۷) بارخدایا، درود بفرست بر محمد و خاندان او و شمارشان افزون کن و سلاحشان برنده. حوزه‌هاشان حراست فرمای و پیرامونشان را نفوذناپذیر گردان. جمعشان متحد کن و خود به تدبیر کارهاشان پرداز. سررشتهٔ آذوقه‌شان گسسته مگردان و دشواریها از پیش پایشان بردار. آنان را به نصرت خویش قوت بخش و به شکیبایی مددنمای و دفع مکر دشمن را به ایشان بیاموز.

(۸) بارخدایا، درود بفرست بر محمد و خاندان او و به مدافعان مرزها هرچه نمی‌شناسند بشناسان و ایشان را هرچه نمی‌دانند بیاموز و چشمانشان را برهرچه نمی‌بینند بگشای.

(۹) بارخدایا، درود بفرست بر محمد و خاندان او و چون با دشمنان رویاروی شوند، یادِ دنیای مکار فریبنده از خاطرشان بزدای و هوس حُطامِ فتنه‌انگیز این جهانی از دلشان محو کن و بهشت را پیش چشم ایشان دار و آن مساکن جاوید و آن منازل کریم و آن حوران خوبروی و آن جویباران سرشار از آشامیدنیهای نغز و گوارا و آن درختانِ سرفروداشته و بارور از میوه‌های گونه‌گون بهشتی را به آنان بنمای، تا هوای پشت کردن به دشمن دردل هیچ یك از ایشان نجنبد و خیال گریختن از هماورد از خاطر کس نگذرد.

(۱۰) ای خداوند، به این نیایش، خصمشان درهم شکن و چنگال دشمن از تنشان کوتاه کن و میان دشمنان و سلاحهایشان جدایی افکن و بند دلشان بگسل و چنان کن که میان ایشان و زادوتوشهٔ ایشان فاصله‌ای بزرگ پدید آید و درراه سرگشته و حیرانشان گردان و آن سان کن که راه خویش گم کنند. ای خداوند، دشمنانشان را راه مدد بربند و از شمارشان بکاه و قلوبشان لبریز از وحشت نمای و دستشان از تطاول

کوتاه کن و زبانشان از گفتن به بند آر و چنان کن که شکست ایشان سبب پراکندگی و عبرت آن کسان گردد که از پی شان می آیند و چون ایشان را به خواری درافکنی از آن پس هیچ لشکرانگیز طمع در ستیز با ما نکند.

ای خداوند، زنانشان از زادن سترون دار و مردانشان را آبِ پشت بخشکان و نسل چارپایان و ستورانشان منقطع گردان. آسمانشان را مفرمای که بر آنان قطره‌ای ببارد و زمینشان را مفرمای که گیاهی بر رویاند.

بارخدایا، بدین نیایش، بلاد مسلمانان نیرومند گردان و شهرهاشان استوار. اموالشان را فزونی ده و چنان کن که از نبرد با دشمن فراغت جویند و روی به پرستش تو نهند و به جای پیکار با دشمن با تو خلوت کنند، تا مردم سراسر زمین کسی جز تو نپرستند و در برابر کس جز تو چهره بر خاک نسایند.

بارخدایا، مسلمانانِ هر ثغری را برای نبرد با مشرکانی که در برابر ایشانند بسیج فرمای و آنان را به گروههایی از ملائکه که پی در پی، از پس هم، به یاریشان فرودمی آیند یاری نمای، تا دشمنان تو را تا آنجا که خاک زمین به پایان می‌رسد به کشتن و اسیر کردن واپس رانند، یا آنکه مشرکان اقرار کنند که تویی الله، آن خدای که جز او خدایی نیست، یکتا و بی انباز.

ای خداوند، چنان کن که این دعا همهٔ دشمنانت را در اقطار بلاد دربر گیرد: از هندوان و رومیان و ترکان و خزران و حبشیان و مردم نوبه و زنگبار و سقلابیان و دیلمیان و دیگر امم مشرک که نام و صفاتشان کس نداند و تو خود به علم خود شمارشان کرده‌ای و به قدرت خود بر آنان اشراف داری.

ای خداوند، مشرکان را به مشرکان مشغول دار تا از تطاول بر بلاد





اسلامیان بازمانند و از شمار ایشان بکاه تا از شمار مسلمانان نکاهند. میانشان جدایی افکن تا برضد مسلمانان متحد شدن نتوانند.

بارخدایا، آرامش از دلشان و نیرومندی از تنشان دور کن و اندیشهٔ هر حیله و نیرنگ از قلوبشان بپرداز. به هنگام نبرد با مردانِ ما دست و پایشان سست گردان و در دلشان بیم افکن تا از جدال و آویز با سلحشوران اسلام عاجز آیند. لشکری از ملائکهٔ خود، همراه با خشم و عذاب خود بر سرشان فرست، آن سان که درجنگ بدرفرستادی، تا رگ حیاتشان قطع کنی و جاه و جلالشان از میان ببری و جمعشان پراکنده سازی.

ای خداوند، آبهاشان را به وبا بیالای و طعامشان به دردها بیامیز و شهرهاشان درزمین فرو بر وپی درپی سنگِ بلا بر سر زمینشان ببار و آن را به قحطسال دچار کن و توشه‌وزادشان را در بی باران ترین و خشک ترین ودورترین زمینها قرارده، پناهگاههای زمین به رویشان سد کن و به گرسنگی مداوم وبیماری دردناک مبتلایشان گردان.

بارخدایا، هر جنگجویی از گروندگان به آیینِ تو که به جنگ با آنان برخیزد و هر مجاهدی از پیروان سنت تو که با آنان جهاد کند تا دین تو بیشتر اعتلا یابد و حزب تو تواناتر شود و نصیب تو افزون تر گردد، پس هرچه خواهد برایش میسّر گردان و اسباب کار او مهیا کن و بر عهده گیر که پیروزی اش دهی. خداوندا، یارانی موافقش ده و پشتش محکم گردان و هزینه اش به فراوانی ارزانی دار واورا به نشاط و خرمی متمتع ساز و آتش اشتیاق او به یار و دیار دردلش فرونشان و از غم تنهاییش درپناه خود دار و یادِ زن و فرزند از خاطرش محو کن.

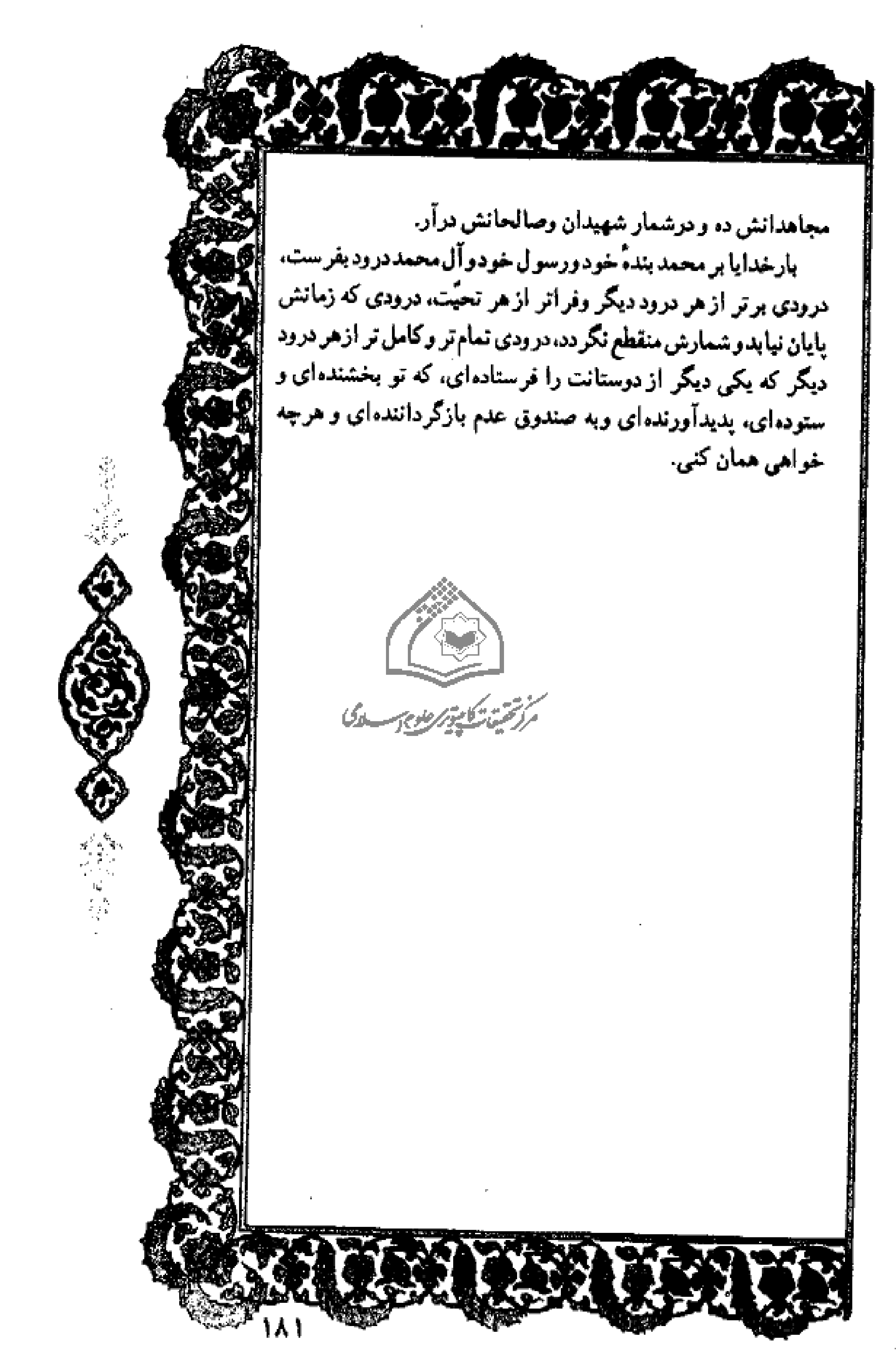
خداوندا، به حُسن نیّتش راه نمای و عافیتش بخش و سلامتش بدار وترس ازاودوردارودلش به جرئت و شهامت قوی گردان و صلابت و سختی اش ده وبه نصرت خویش یاری نما وسیرتها وسنتهای دین به او

بیاموز و در فرماندهی راه صوابش پیش پای بگشای و از ریاکاری بر کناردار و از دلبستگی به نام و آوازه برهان و چنان کن که فکر و سخن و سفر و حضرش در تو و برای تو باشد.

ای خداوند، هرگاه با دشمنِ تو و دشمن خود مصاف درپیوندد، شمار هماوردان در چشمش اندك آور و هیبتشان دردلش خُرد بنمای. او را بر دشمن چیره گردان و دشمن را بر او چیره مگردان. و اگر خواهی زندگی اش را به نیکبختی پایان دهی و به خلعت شهادتش بنوازی، چنان کن که شهادت او پس از آن باشد که دشمنت را هلاك ساخته باشد یا به بند اسارت آورده باشد و اطراف بلاد اسلامیان از تجاوزِ خصم ایمن گردیده باشد و دشمنان تو پشت کرده روی به هزیمت نهاده باشند.

ای خداوند، هر مسلمانی که پس از رفتن یکی از غازیان یا مرزبانان به میدان نبرد، به جای او عهده‌دار امورِ خانه‌اش گردد، یا بازماندگانش را سرپرستی کند یا به بخشی از مال خود جنگجو را مدد رساند یا به ساز و برگ نبرد یاری دهد، یا بر جهادش برانگیزد، یا دعای خیر خود بدرقهٔ راهش گرداند، یا در غیاب او حرمتش رعایت کند، او را پاداشی ده همچندِ پاداش آن جنگجو، به همان مقدار و همان گونه. ای خداوند، جزای کار او، بهره‌ی در این دنیا عطا کن که سود آن مال که تقدیم داشته و شادمانی عملی که به جای آورده، به زودی فراچنگ آرد و چون عمرش به پایان رسد فضل و نعمتی که برایش قرار داده‌ای و کرامتی که مهیا داشته‌ای، نصیبش گردد.

بارخدایا، هر مسلمانی که امر اسلام دلْ مشغولش دارد و بسیج مشرکان بر ضد مسلمانان ملولش کند و آهنگ جنگ در دل او پدید آید یا جهاد را کار بندد، سپس به سبب ناتوانی جسم از کار بازماند یا فقر و بینوایی کار او به تعویق افکند، یا حادثه‌ای از عزمش بازدارد، یا به ناگاه مانعی بر سر راهش پدید آید، نامش در زمرهٔ عابدان بنگار و ثواب



مجاهدانش ده و درشمار شهیدان وصالحانش درآر.

بارخدایا بر محمد بندهٔ خود ورسول خودوآل محمد درود بفرست، درودی برتر از هر درود دیگر وفراتر از هر تحیّت، درودی که زمانش پایان نیابد و شمارش منقطع نگردد، درودی تمام‌تر وکامل‌تر از هر درود دیگر که یکی دیگر از دوستانت را فرستاده‌ای، که تو بخشنده‌ای و ستوده‌ای، پدیدآورنده‌ای و به صندوق عدم بازگرداننده‌ای و هرچه خواهی همان کنی.

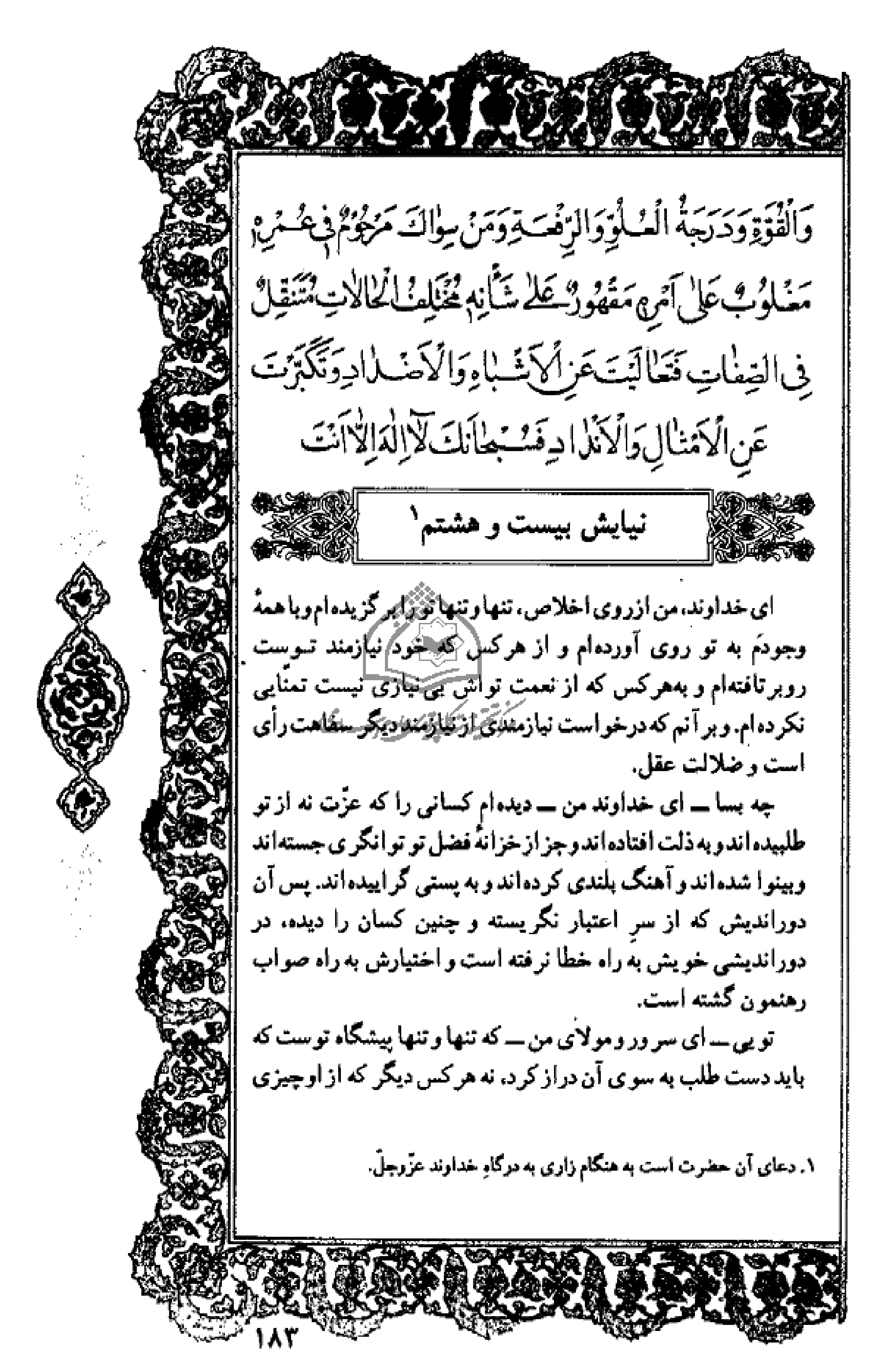
وكان من دعائه عليه السلام

دعاء «٢٨»

متفزعاً الى الله عزوجل

اللّهُمَّ إِنّي أَخْلَصْتُ بِانْقِطاعي إِلَيْكَ وَأَقْبَلْتُ بِكُلّي عَلَيْكَ وَصَرَفْتُ وَجْهي عَمَّنْ يَحْتاجُ إِلى رِفْدِكَ وَقَلَبْتُ مَسْأَلَتي عَمَّنْ لَمْ يَسْتَغْنِ عَنْ فَضْلِكَ وَرَأَيْتُ أَنَّ طَلَبَ الْمُحْتاجِ إِلَى الْمُحْتاجِ سَفَهٌ مِنْ رَأْيِهِ وَضَلَّةٌ مِنْ عَقْلِهِ فَكَمْ قَدْ رَأَيْتُ يا إِلهي مِنْ أُناسٍ طَلَبُوا الْعِزَّ بِغَيْرِكَ فَذَلُّوا وَرامُوا الثَّرْوَةَ مِنْ سِواكَ فَافْتَقَرُوا وَحاوَلُوا الْإِرْتِفاعَ فَاتَّضَعُوا فَصَحَّ بِمُعايَنَةِ أَمْثالِهِمْ حازِمٌ وَفَّقَهُ اعْتِبارُهُ وَأَرْشَدَهُ إِلى طَريقِ صَوابِهِ اخْتِيارُهُ فَأَنْتَ يا مَوْلايَ دُونَ كُلِّ مَسْؤُولٍ مَوْضِعُ مَسْأَلَتي وَدُونَ كُلِّ مَطْلُوبٍ إِلَيْهِ وَلِيُّ حاجَتي أَنْتَ الْمَخْصُوصُ قَبْلَ كُلِّ مَدْعُوٍّ بِدَعْوَتي لا يَشْرَكُكَ أَحَدٌ في رَجائي وَلا يَتَّفِقُ أَحَدٌ مَعَكَ في دُعائي وَلا يَنْظِمُهُ وَإِيّاكَ نِدائي لَكَ يا إِلهي وَحْدانِيَّةُ الْعَدَدِ وَمَلَكَةُ الْقُدْرَةِ الصَّمَدِ وَفَضيلَةُ الْحَوْلِ





وَالْقُوَّةِ وَدَرَجَةُ الْعُلُوِّ وَالرِّفْعَةِ وَمَنْ سِوَاكَ مَرْحُومٌ فِي عُمْرِهِ مَغْلُوبٌ عَلَى أَمْرِهِ مَقْهُورٌ عَلَى شَأْنِهِ مُخْتَلِفُ الْحَالاتِ مُتَنَقِّلٌ فِي الصِّفَاتِ فَتَعَالَيْتَ عَنِ الْأَشْبَاهِ وَالْأَضْدَادِ وَتَكَبَّرْتَ عَنِ الْأَمْثَالِ وَالْأَنْدَادِ فَسُبْحَانَكَ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ

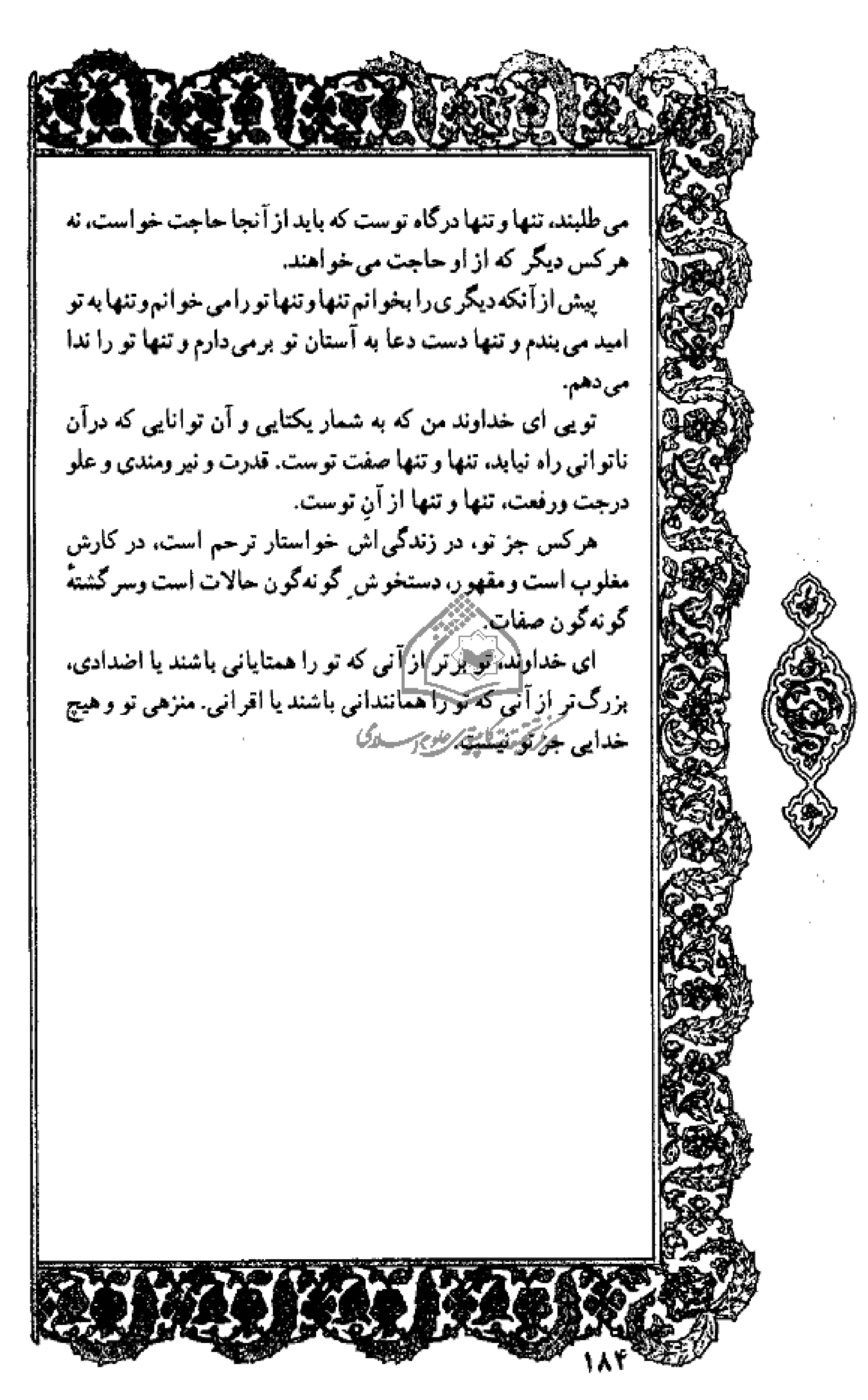
نیایش بیست و هشتم[1]

ای خداوند، من از روی اخلاص، تنها و تنها تو را برگزیده‌ام و با همهٔ وجودم به تو روی آورده‌ام و از هرکس که خود نیازمند توست روبرتافته‌ام و به‌هرکس که از نعمت تواش بی‌نیازی نیست تمنایی نکرده‌ام. و برآنم که درخواست نیازمندی از نیازمند دیگر سفاهت رأی است و ضلالت عقل.

چه بسا ــ ای خداوند من ــ دیده‌ام کسانی را که عزّت نه از تو طلبیده‌اند و به ذلت افتاده‌اند و جز از خزانهٔ فضل تو توانگری جسته‌اند و بینوا شده‌اند و آهنگ بلندی کرده‌اند و به پستی گراییده‌اند. پس آن دوراندیش که از سرِ اعتبار نگریسته و چنین کسان را دیده، در دوراندیشی خویش به راه خطا نرفته است و اختیارش به راه صواب رهنمون گشته است.

تویی ــ ای سرور و مولای من ــ که تنها و تنها پیشگاه توست که باید دست طلب به سوی آن دراز کرد، نه هرکس دیگر که از او چیزی

[1]. دعای آن حضرت است به هنگام زاری به درگاهِ خداوند عزّوجلّ.



می‌طلبند، تنها و تنها درگاه توست که باید از آنجا حاجت خواست، نه هرکس دیگر که از او حاجت می‌خواهند.

پیش از آنکه دیگری را بخوانم تنها و تنها تو را می‌خوانم و تنها به تو امید می‌بندم و تنها دست دعا به آستان تو برمی‌دارم و تنها تو را ندا می‌دهم.

تویی ای خداوند من که به شمار یکتایی و آن توانایی که در آن ناتوانی راه نیابد، تنها و تنها صفت توست. قدرت و نیرومندی و علو درجت ورفعت، تنها و تنها از آنِ توست.

هرکس جز تو، در زندگی‌اش خواستار ترحم است، در کارش مغلوب است ومقهور، دستخوشِ گونه‌گون حالات است وسرگشتهٔ گونه‌گون صفات.

ای خداوند، تو برتر از آنی که تو را همتایانی باشند یا اضدادی، بزرگ‌تر از آنی که تو را همانندانی باشند یا اقرانی. منزهی تو و هیچ خدایی جز تو نیست.



وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ
إِذَا قُتِّرَ عَلَيْهِ الرِّزْقُ

دعاء ٢٩

اَللّٰهُمَّ إِنَّكَ ابْتَلَيْتَنَا فِي أَرْزَاقِنَا بِسُوءِ الظَّنِّ وَفِي آجَالِنَا
بِطُولِ الْأَمَلِ حَتَّى الْتَمَسْنَا أَرْزَاقَكَ مِنْ عِنْدِ الْمَرْزُوقِينَ وَ
طَمِعْنَا بِآمَالِنَا فِي أَعْمَارِ الْمُعَمَّرِينَ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَهَبْ
لَنَا يَقِيناً صَادِقاً تَكْفِينَا بِهِ مِنْ مَؤُونَةِ الطَّلَبِ وَأَلْهِمْنَا ثِقَةً
خَالِصَةً تُعْفِينَا بِهَا مِنْ شِدَّةِ النَّصَبِ وَاجْعَلْ مَا صَرَّحْتَ بِهِ
مِنْ عِدَتِكَ فِي وَحْيِكَ وَأَتْبَعْتَهُ مِنْ قَسَمِكَ فِي كِتَابِكَ
قَاطِعاً لِاهْتِمَامِنَا بِالرِّزْقِ الَّذِي تَكَفَّلْتَ بِهِ وَحَسْماً
لِلِاشْتِغَالِ بِمَا ضَمِنْتَ الْكِفَايَةَ لَهُ فَقُلْتَ وَقَوْلُكَ الْحَقُّ
الْأَصْدَقُ وَأَقْسَمْتَ وَقَسَمُكَ الْأَبَرُّ الْأَوْفَى ، وَفِي السَّمَاءِ
رِزْقُكُمْ وَمَا تُوعَدُونَ ثُمَّ قُلْتَ فَوَرَبِّ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ
إِنَّهُ لَحَقٌّ مِثْلَ مَا أَنَّكُمْ تَنْطِقُونَ

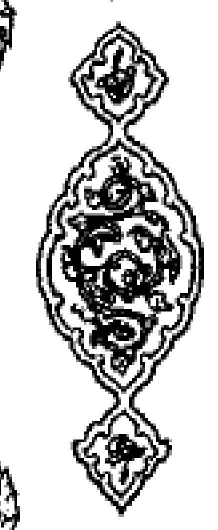


نیایش بیست و نهم[1]

خداوندا، تو ما را آزمودی تا در کم و بیش روزیهایمان بدگمان شدیم و در مدت عمرمان به آرزوهای دورودراز گرفتار آمدیم، تا آنگاه که روزی خود از درگاهِ دیگر روزیخواران طلبیدیم و به عمری درازچون عمر پیران کهنسال طمع بستیم.

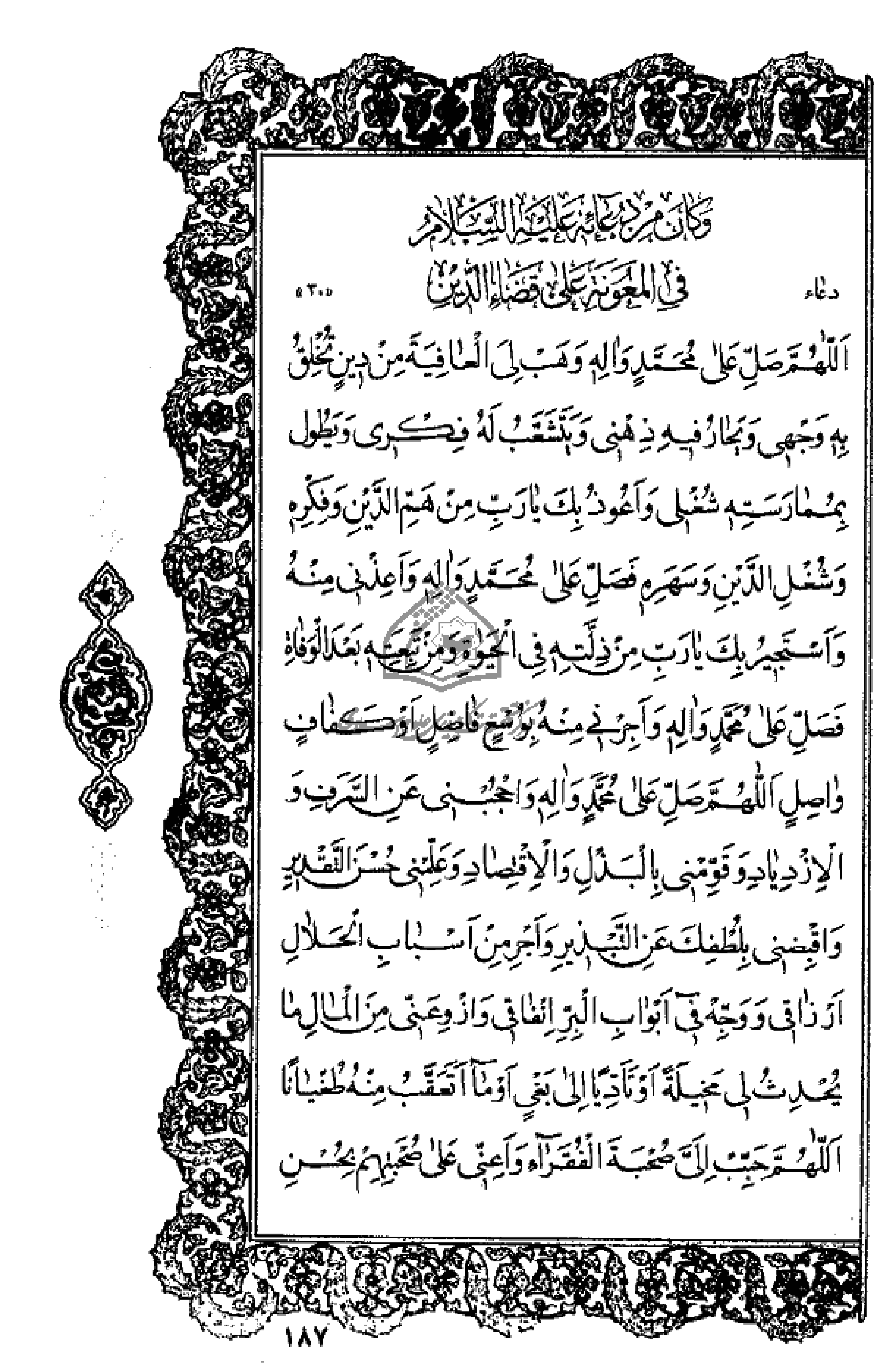
بارخدایا، بر محمد و خاندانش درود بفرست و ما را به یقینی صادق برسان که ما را از رنج طلب معاش کفایت کند و اطمینانی خالص بخش که ما را از شدت تعب معاف دارد.

خداوندا، آن وعده‌ای را که در وحی خود بر پیامبر (ص) بدان تصریح کرده‌ای و در قرآن بر آن سوگند خورده‌ای سبب قطع دلمشغولی ما به رزقی که خود آن را تکفل کرده‌ای قرار ده.



خداوندا، تو خود گفته‌ای «روزی شما و هرچه به شما وعده شده در آسمان است.»[2] و در پی آن سوگند خورده‌ای که «سوگند به پروردگار آسمانها و زمین که این سخن آن چنان که سخن می‌گویید حتمی است.»[3] ای خداوند گفتهٔ تو راست‌ترین گفته‌هاست و سوگند تو درست‌ترین و کامل‌ترین سوگندهاست.

۱. دعای آن حضرت است هنگامی که روزی بر او تنگ می‌شد.
۲. وفی السماء رزقکم و ما توعدون. (سورهٔ ۵۱/آیهٔ ۲۲)
۳. فوربِّ السماء والارض إنّه لحق مثل ما انّکم تنطقون. (سورهٔ ۵۱/آیهٔ ۲۳)



وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْمَعُونَةِ عَلَى قَضَاءِ الدَّيْنِ

اللّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَهَبْ لِيَ الْعَافِيَةَ مِنْ دَيْنٍ تُخْلِقُ
بِهِ وَجْهِي وَيَحَارُ فِيهِ ذِهْنِي وَيَتَشَعَّبُ لَهُ فِكْرِي وَيَطُولُ
بِمُمَارَسَتِهِ شُغْلِي وَأَعُوذُ بِكَ يَا رَبِّ مِنْ هَمِّ الدَّيْنِ وَفِكْرِهِ
وَشُغْلِ الدَّيْنِ وَسَهَرِهِ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَعِذْنِي مِنْهُ
وَأَسْتَجِيرُ بِكَ يَا رَبِّ مِنْ ذِلَّتِهِ فِي الْحَيَوةِ وَمِنْ تَبِعَتِهِ بَعْدَ الْوَفَاةِ
فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَجِرْنِي مِنْهُ بِوُسْعٍ فَاضِلٍ أَوْ كَفَافٍ
وَاصِلٍ اللّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاحْجُبْنِي عَنِ السَّرَفِ وَ
الْإِزْدِيَادِ وَقَوِّمْنِي بِالْبَذْلِ وَالْإِقْتِصَادِ وَعَلِّمْنِي حُسْنَ التَّقْدِيرِ
وَاقْبِضْنِي بِلُطْفِكَ عَنِ التَّبْذِيرِ وَأَجْرِ مِنْ أَسْبَابِ الْحَلَالِ
أَرْزَاقِي وَوَجِّهْ فِي أَبْوَابِ الْبِرِّ إِنْفَاقِي وَازْوِ عَنِّي مِنَ الْمَالِ مَا
يُحْدِثُ لِي مَخِيلَةً أَوْ تَأَدِّياً إِلَى بَغْيٍ أَوْ مَا أَتَعَقَّبُ مِنْهُ طُغْيَاناً
اللّهُمَّ حَبِّبْ إِلَيَّ صُحْبَةَ الْفُقَرَاءِ وَأَعِنِّي عَلَى صُحْبَتِهِمْ بِحُسْنِ

الصَّبْرِ وَما زَوَيْتَ عَنّي مِنْ مَتاعِ الدُّنْيَا الْفانِيَةِ فَاذْخَرْهُ لي في خَزائِنِكَ الْباقِيَةِ وَاجْعَلْ ما خَوَّلْتَني مِنْ حُطامِها وَ عَجَّلْتَ لي مِنْ مَتاعِها بُلْغَةً إِلى جِوارِكَ وَوُصْلَةً إِلى قُرْبِكَ وَ ذَريعَةً إِلى جَنَّتِكَ إِنَّكَ ذُو الْفَضْلِ الْعَظيمِ وَأَنْتَ الْجَوادُ الْكَريمُ

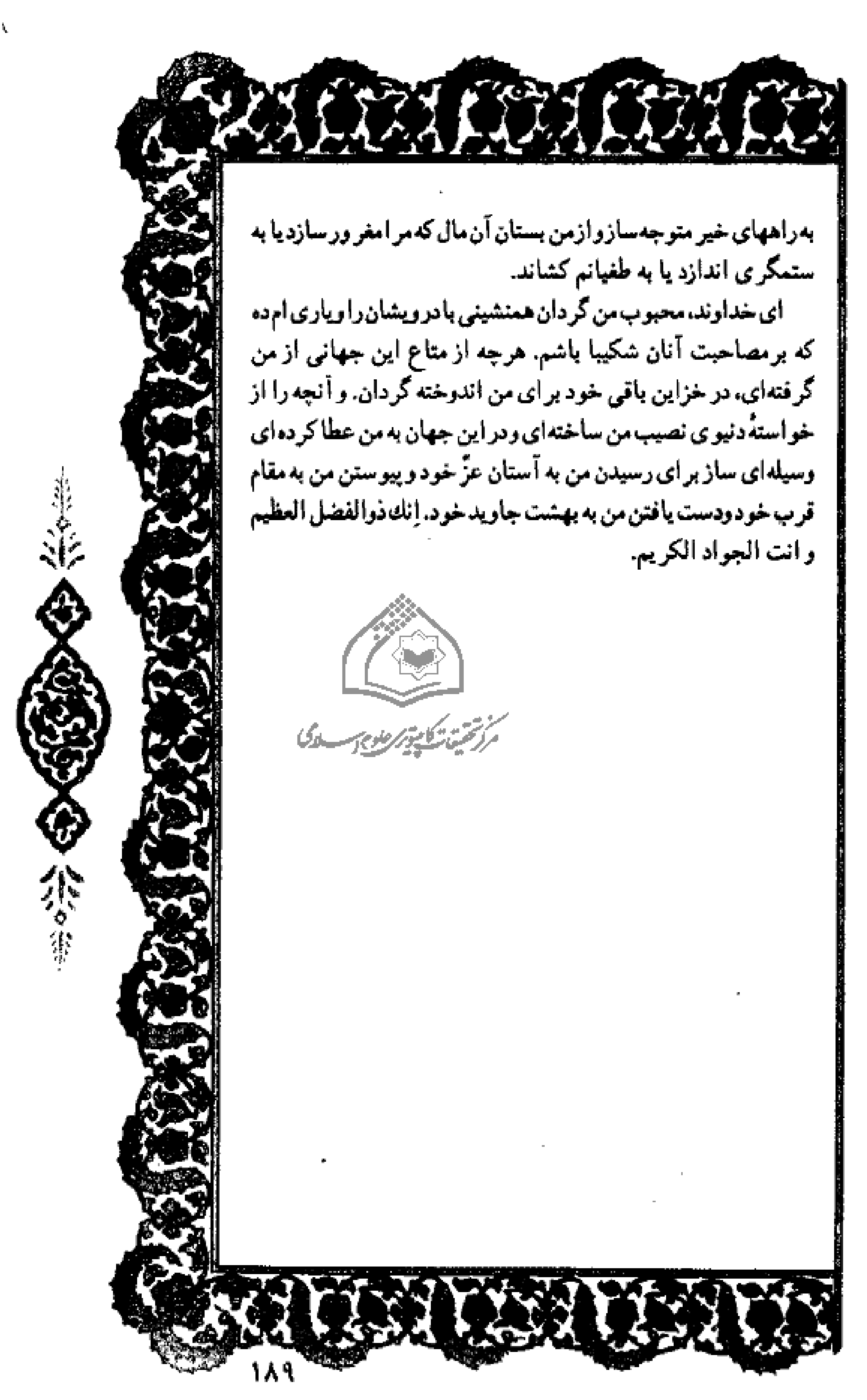
نیایش سی ام[1]

بارخدایا، درود بفرست بر محمد و خاندان او و مرا عافیت بخش از وامی که بدان چهره ام دژم شود و خاطرم پریشان گردد و فکرم پراکنده ماند و تلاش من در ادای آن به دراز کشد.

خداوندا، به تو پناه می آورم از اندوه وامداری و اندیشهٔ آن و دلمشغولی برای آن و بی خوابی کشیدن در غم آن. پس درود بفرست بر محمد و خاندانش و مرا از وام در پناه خود دار. ای پروردگار من، از تو زنهار می خواهم از ذلت وامداری در این جهان و از تبعات و عواقب آن پس از مرگ. پس درود بفرست بر محمد و خاندان او و مرا در امان خود گیر؛ یا به مالی سرشار یا به کفافی ناگسستنی.

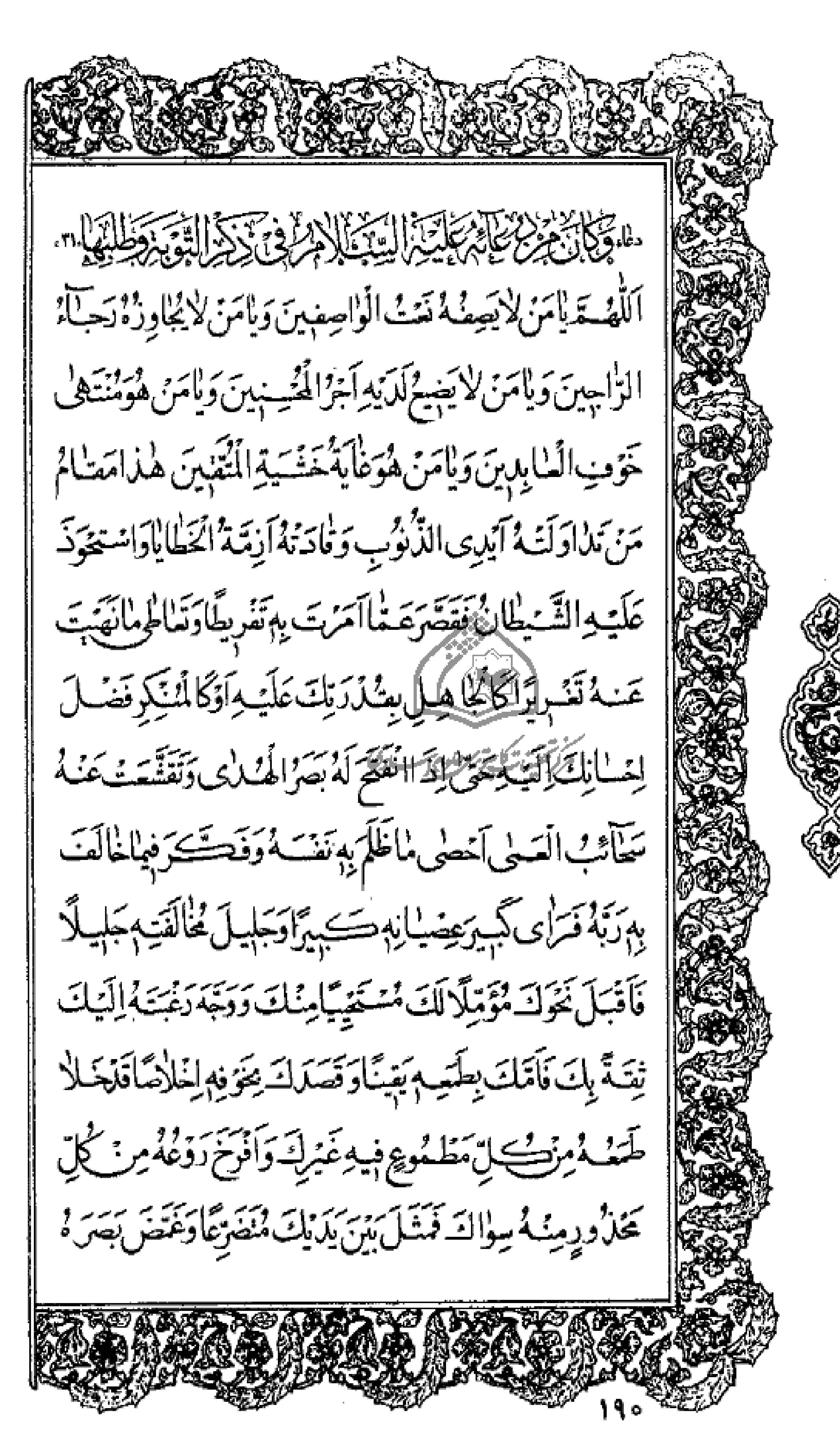
بارخدایا، درود بفرست بر محمد و خاندان او و مرا از اسراف و زیاده روی دور دار و به بخشش همراه با میانه روی از کجروی بازدار و به من بیاموز آن روش نیکو را که هزینه ام از درآمد بیش نبُوَد و به لطف خویش از تبذیر نگه دار و روزی من از حلال روان گردان و اتفاقهای مرا

۱. دعای آن حضرت است در یاری خواستن بر ادای وام.



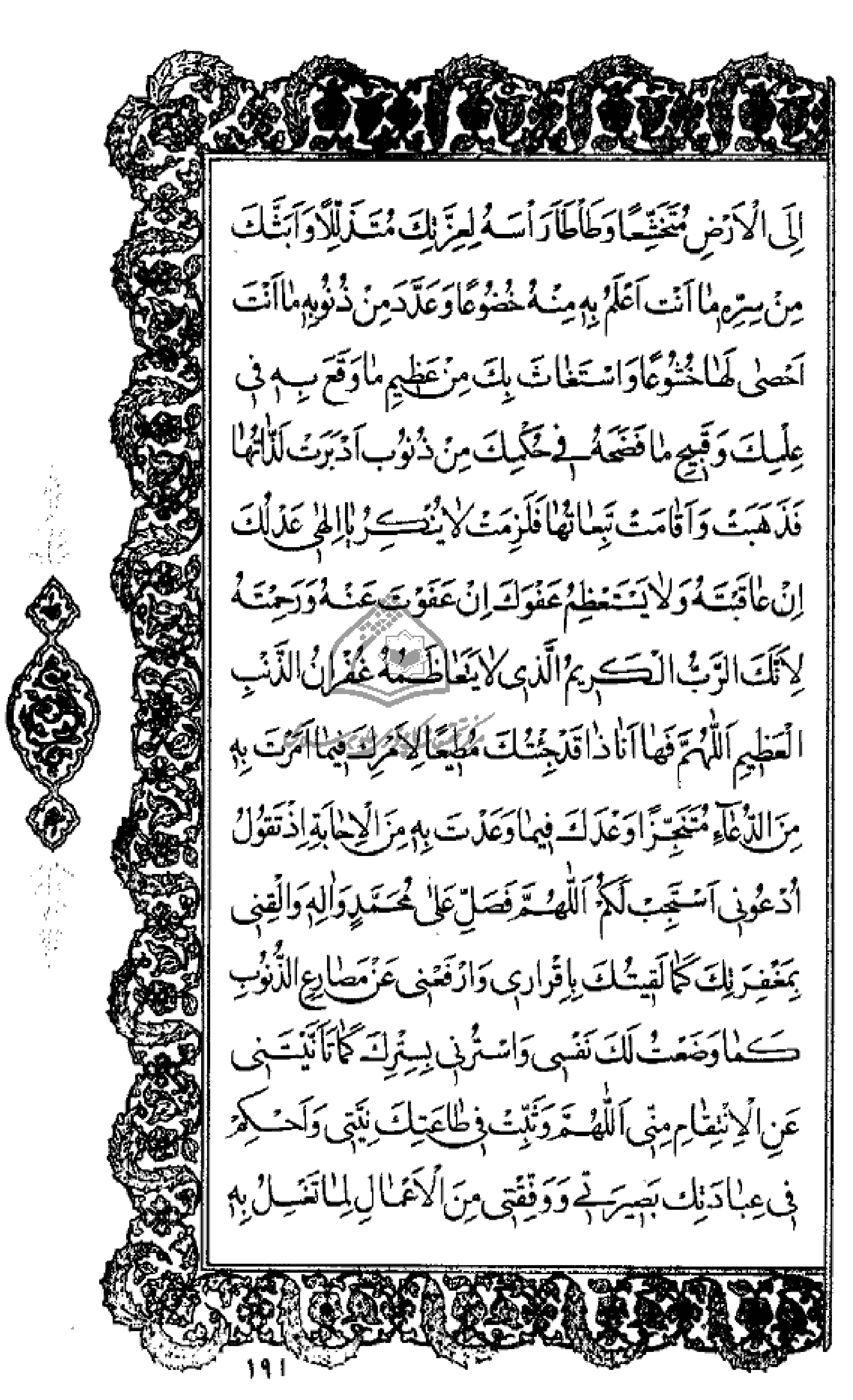
به راههای خیر متوجه ساز و از من بستان آن مال که مرا مغرور سازد یا به ستمگری اندازد یا به طغیانم کشاند.

ای خداوند، محبوب من گردان همنشینی با درویشان را و یاری ام ده که بر مصاحبت آنان شکیبا باشم. هرچه از متاع این جهانی از من گرفته‌ای، در خزاین باقی خود برای من اندوخته گردان. و آنچه را از خواستهٔ دنیوی نصیب من ساخته‌ای و در این جهان به من عطا کرده‌ای وسیله‌ای ساز برای رسیدن من به آستان عزّ خود و پیوستن من به مقام قرب خود و دست یافتن من به بهشت جاوید خود. اِنك ذوالفضل العظیم و انت الجواد الکریم.



وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي ذِكْرِ التَّوْبَةِ وَطَلَبِهَا (دعاء ۳۱)

اللّٰهُمَّ يَا مَنْ لَا يَصِفُهُ نَعْتُ الْوَاصِفِينَ وَيَا مَنْ لَا يُجَاوِزُهُ رَجَاءُ
الرَّاجِينَ وَيَا مَنْ لَا يَضِيعُ لَدَيْهِ أَجْرُ الْمُحْسِنِينَ وَيَا مَنْ هُوَ مُنْتَهَى
خَوْفِ الْعَابِدِينَ وَيَا مَنْ هُوَ غَايَةُ خَشْيَةِ الْمُتَّقِينَ هٰذَا مَقَامُ
مَنْ تَدَاوَلَتْهُ أَيْدِي الذُّنُوبِ وَقَادَتْهُ أَزِمَّةُ الْخَطَايَا وَاسْتَحْوَذَ
عَلَيْهِ الشَّيْطَانُ فَقَصَّرَ عَمَّا أَمَرْتَ بِهِ تَفْرِيطاً وَتَعَاطَى مَا نَهَيْتَ
عَنْهُ تَغْرِيراً كَالْجَاهِلِ بِقُدْرَتِكَ عَلَيْهِ أَوْ كَالْمُنْكِرِ فَضْلَ
إِحْسَانِكَ إِلَيْهِ حَتَّى إِذَا انْفَتَحَ لَهُ بَصَرُ الْهُدَى وَتَقَشَّعَتْ عَنْهُ
سَحَائِبُ الْعَمَى أَحْصَى مَا ظَلَمَ بِهِ نَفْسَهُ وَفَكَّرَ فِيمَا خَالَفَ
بِهِ رَبَّهُ فَرَأَى كَبِيرَ عِصْيَانِهِ كَبِيراً وَجَلِيلَ مُخَالَفَتِهِ جَلِيلاً
فَأَقْبَلَ نَحْوَكَ مُؤَمِّلاً لَكَ مُسْتَحْيِياً مِنْكَ وَوَجَّهَ رَغْبَتَهُ إِلَيْكَ
ثِقَةً بِكَ فَأَمَّكَ بِطَمَعِهِ يَقِيناً وَقَصَدَكَ بِخَوْفِهِ إِخْلَاصاً قَدْ خَلَا
طَمَعُهُ مِنْ كُلِّ مَطْمُوعٍ فِيهِ غَيْرِكَ وَأَفْرَخَ رَوْعُهُ مِنْ كُلِّ
مَحْذُورٍ مِنْهُ سِوَاكَ فَمَثَلَ بَيْنَ يَدَيْكَ مُتَضَرِّعاً وَغَمَّضَ بَصَرَهُ



إِلَى الْأَرْضِ مُتَخَشِّعاً وَطَأْطَأَ رَأْسَهُ لِعِزَّتِكَ مُتَذَلِّلاً وَأَبَثَّكَ
مِنْ سِرِّهِ مَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنْهُ خُضُوعاً وَعَدَّدَ مِنْ ذُنُوبِهِ مَا أَنْتَ
أَحْصَى لَهَا خُشُوعاً وَاسْتَغَاثَ بِكَ مِنْ عَظِيمِ مَا وَقَعَ بِهِ فِي
عِلْمِكَ وَقَبِيحِ مَا فَضَحَهُ فِي حُكْمِكَ مِنْ ذُنُوبٍ أَدْبَرَتْ لَذَّاتُهَا
فَذَهَبَتْ وَأَقَامَتْ تَبِعَاتُهَا فَلَزِمَتْ لَا يُنْكِرُ يَا إِلَهِي عَدْلَكَ
إِنْ عَاقَبْتَهُ وَلَا يَسْتَعْظِمُ عَفْوَكَ إِنْ عَفَوْتَ عَنْهُ وَرَحِمْتَهُ
لِأَنَّكَ الرَّبُّ الْكَرِيمُ الَّذِي لَا يَتَعَاظَمُهُ غُفْرَانُ الذَّنْبِ
الْعَظِيمِ اللَّهُمَّ فَهَا أَنَا ذَا قَدْ جِئْتُكَ مُطِيعاً لِأَمْرِكَ فِيمَا أَمَرْتَ بِهِ
مِنَ الدُّعَاءِ مُتَنَجِّزاً وَعْدَكَ فِيمَا وَعَدْتَ بِهِ مِنَ الْإِجَابَةِ إِذْ تَقُولُ
ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَالْقَنِي
بِمَغْفِرَتِكَ كَمَا لَقِيتُكَ بِإِقْرَارِي وَارْفَعْنِي عَنْ مَصَارِعِ الذُّنُوبِ
كَمَا وَضَعْتُ لَكَ نَفْسِي وَاسْتُرْنِي بِسِتْرِكَ كَمَا تَأَنَّيْتَنِي
عَنِ الْانْتِقَامِ مِنِّي اللَّهُمَّ وَثَبِّتْ فِي طَاعَتِكَ نِيَّتِي وَأَحْكِمْ
فِي عِبَادَتِكَ بَصِيرَتِي وَوَفِّقْنِي مِنَ الْأَعْمَالِ لِمَا تَغْسِلُ بِهِ

دَنَسَ الْخَطايا عَنّي وَ تَوَفَّني عَلى مِلَّتِكَ وَمِلَّةِ نَبِيِّكَ: مُحَمَّدٍ
عَلَيْهِ السَّلامُ. اِذا تَوَفَّيْتَني اَللّٰهُمَّ اِنّي اَتُوبُ اِلَيْكَ في
مَقامي هٰذا مِنْ كَبائِرِ ذُنُوبي وَصَغائِرِها وَبَواطِنِ سَيِّئاتي
وَظَواهِرِها وَسَوالِفِ زَلّاتي وَحَوادِثِها تَوْبَةَ مَنْ لا يُحَدِّثُ نَفْسَهُ
بِمَعْصِيَةٍ وَلا يُضْمِرُ اَنْ يَعُودَ في خَطيئَةٍ وَقَدْ قُلْتَ يا اِلٰهي في
مُحْكَمِ كِتابِكَ اِنَّكَ تَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبادِكَ وَتَعْفُو عَنِ
السَّيِّئاتِ وَتُحِبُّ التَّوّابينَ فَاقْبَلْ تَوْبَتي كَما وَعَدْتَ وَاعْفُ
عَنْ سَيِّئاتي كَما ضَمِنْتَ وَاَوْجِبْ لي مَحَبَّتَكَ كَما شَرَطْتَ
وَلَكَ يا رَبِّ شَرْطي اَلّا اَعُودَ في مَكْرُوهِكَ وَضَماني
اَنْ لا اَرْجِعَ في مَذْمُومِكَ وَعَهْدي اَنْ اَهْجُرَ جَميعَ مَعاصيكَ
اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ اَعْلَمُ بِما عَمِلْتُ فَاغْفِرْ لي ما عَلِمْتَ وَاصْرِفْني بِقُدْرَتِكَ
اِلى ما اَحْبَبْتَ اَللّٰهُمَّ وَعَلَيَّ تَبِعاتٌ قَدْ حَفِظْتُهُنَّ وَتَبِعاتٌ قَدْ
نَسيتُهُنَّ وَكُلُّهُنَّ بِعَيْنِكَ الَّتي لا تَنامُ وَعِلْمِكَ الَّذي
لا يَنْسى فَعَوِّضْ مِنْها اَهْلَها وَاحْطُطْ عَنّي وِزْرَها وَخَفِّفْ عَنّي

ثقلها واعصمني من أن أقارف مثلها اللهم وإنه لا وفاء لي

بالتوبة إلا بعصمتك ولا استمساك بي عن الخطايا إلا عن

قوتك فقوني بقوة كافية وتولني بعصمة مانعة اللهم

أيما عبد تاب إليك وهو في علم الغيب عندك فاسخ لتوبته

وعائد في ذنبه وخطيئته فإني أعوذ بك أن أكون كذلك

فاجعل توبتي هذه توبة لا أحتاج بعدها إلى توبة توبة

موجبة لمحو ما سلف والسلامة فيما بقي اللهم إني أعتذر

إليك من جهلي وأستوهبك سوء فعلي فاضممني إلى

كنف رحمتك تطولا واسترني بستر عافيتك تفضلا

اللهم وإني أتوب إليك من كل ما خالف إرادتك أو زال

عن محبتك من خطرات قلبي ولحظات عيني وحكايات

لساني توبة تسلم بها كل جارحة على حيالها من تبعاتك

وتأمن مما يخاف المعتدون من أليم سطواتك اللهم فارحم

وحدتي بين يديك ووجيب قلبي من خشيتك واضطراب

اَرْكَانِي مِنْ هَيْبَتِكَ فَقَدْ اَقَامَتْنِي يَا رَبِّ ذُنُوبِي مَقَامَ

الْخِزْيِ بِفِنَائِكَ فَاِنْ سَكَتُّ لَمْ يَنْطِقْ عَنِّي اَحَدٌ وَاِنْ

شَفَعْتُ فَلَسْتُ بِاَهْلِ الشَّفَاعَةِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ

اٰلِهِ وَشَفِّعْ فِي خَطَايَايَ كَرَمَكَ وَعُدْ عَلٰى سَيِّئَاتِي بِعَفْوِكَ

وَلَا تَجْزِنِي جَزَائِي مِنْ عُقُوبَتِكَ وَابْسُطْ عَلَيَّ طَوْلَكَ

وَجَلِّلْنِي بِسِتْرِكَ وَافْعَلْ بِي فِعْلَ عَزِيزٍ تَضَرَّعَ اِلَيْهِ عَبْدٌ

ذَلِيلٌ فَرَحِمَهُ اَوْ غَنِيٍّ تَعَرَّضَ لَهُ عَبْدٌ فَقِيرٌ فَنَعَشَهُ

اَللّٰهُمَّ لَا خَفِيرَ لِي مِنْكَ فَلْيَخْفُرْنِي عِزُّكَ وَلَا شَفِيعَ لِي اِلَيْكَ

فَلْيَشْفَعْ لِي فَضْلُكَ وَقَدْ اَوْجَلَتْنِي خَطَايَايَ فَلْيُؤْمِنِّي عَفْوُكَ

فَمَا كُلُّ مَا نَطَقْتُ بِهِ عَنْ جَهْلٍ مِنِّي بِسُوءِ اَثَرِي وَلَا نِسْيَانٍ

لِمَا سَبَقَ مِنْ ذَمِيمِ فِعْلِي لٰكِنْ لِتَسْمَعَ سَمَاؤُكَ وَمَنْ

فِيهَا وَاَرْضُكَ وَمَنْ عَلَيْهَا مَا اَظْهَرْتُ لَكَ مِنَ النَّدَمِ وَلَجَاْتُ

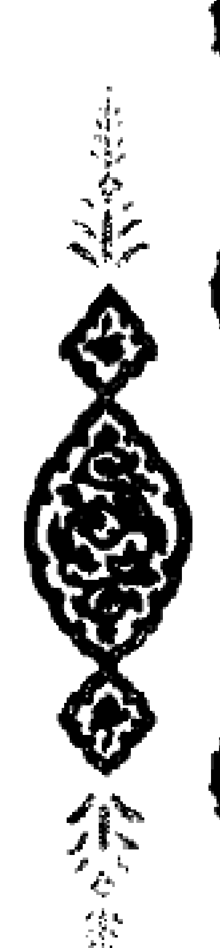
اِلَيْكَ فِيهِ مِنَ التَّوْبَةِ فَلَعَلَّ بَعْضَهُمْ بِرَحْمَتِكَ يَرْحَمُنِي لِسُوءِ

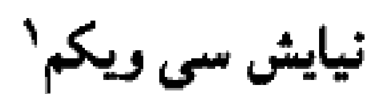
مَوْقِفِي اَوْ تُدْرِكُهُ الرِّقَّةُ عَلَيَّ لِسُوءِ حَالِي فَيَنَالَنِي مِنْهُ

بِدَعْوَةٍ هِيَ اَسْمَعُ لَدَيْكَ مِنْ دُعَائِي اَوْ شَفَاعَةٍ اَوْكَدُ عِنْدَكَ مِنْ شَفَاعَتِي تَكُونُ بِهَا نَجَاتِي مِنْ غَضَبِكَ وَفَوْزَتِي بِرِضَاكَ

اَللّٰهُمَّ اِنْ يَكُنِ النَّدَمُ تَوْبَةً اِلَيْكَ فَاَنَا اَنْدَمُ النَّادِمِينَ وَاِنْ يَكُنِ التَّرْكُ لِمَعْصِيَتِكَ اِنَابَةً فَاَنَا اَوَّلُ الْمُنِيبِينَ وَاِنْ يَكُنِ الْاِسْتِغْفَارُ حِطَّةً لِلذُّنُوبِ فَاِنِّي لَكَ مِنَ الْمُسْتَغْفِرِينَ

اَللّٰهُمَّ فَكَمَا اَمَرْتَ بِالتَّوْبَةِ وَضَمِنْتَ الْقَبُولَ وَحَثَثْتَ عَلَى الدُّعَاءِ وَوَعَدْتَ الْاِجَابَةَ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ وَاقْبَلْ تَوْبَتِي وَلَا تَرْجِعْنِي مَرْجِعَ الْخَيْبَةِ مِنْ رَحْمَتِكَ اِنَّكَ اَنْتَ التَّوَّابُ عَلَى الْمُذْنِبِينَ وَالرَّحِيمُ لِلْخَاطِئِينَ الْمُنِيبِينَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ كَمَا هَدَيْتَنَا بِهِ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ كَمَا اسْتَنْقَذْتَنَا بِهِ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ صَلٰوةً تَشْفَعُ لَنَا يَوْمَ الْقِيٰمَةِ وَيَوْمَ الْفَاقَةِ اِلَيْكَ اِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَهُوَ عَلَيْكَ يَسِيرٌ.





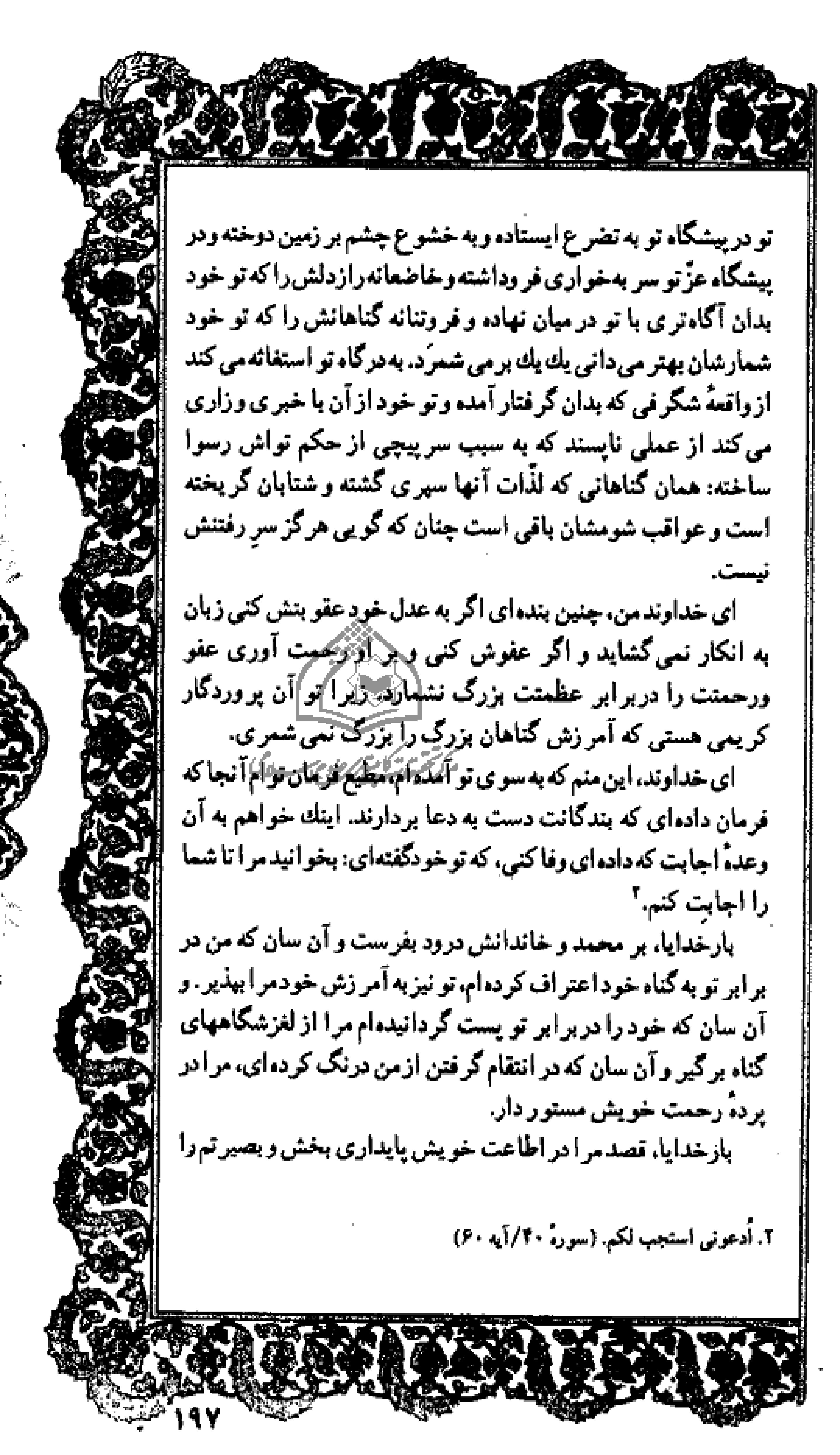
نیایش سی و یکم[1]

بارخدایا، ای آن که توصیف واصفان، وصف کردنت نتواند و ای آن که امید امیدواران از تو درنگذرد و ای آن که پاداش نیکوکاران در نزد تو تباه نگردد. ای خداوندی که پرستندگان چون از تو ترسند ازدیگر کس نترسند و ای خداوندی که پرهیزگاران چون بیم تو به‌دل دارند، بیمِ کس به دل راه ندهند.

اینجا که من ایستاده‌ام، جایگاه کسی است که بازیچهٔ دست گناهان است و زمام اختیارش در کف خطاها و لغزشها. شیطان بر او تاخته و چیرگی یافته، پس، از روی تفریط، از انجام هرچه بدان فرمان داده‌ای قصور ورزیده و از سر غرور، هرچه را از آن نهی کرده‌ای مرتکب شده؛ همانند کسی که گستردگی عرصهٔ قدرت تو را نمی‌شناسد یا آنکه احسان تو را در حق خود انکار می‌کند. و آنگاه که دیدهٔ هدایتش بینا شود و آن ابرهایی که بصیرتش را فروپوشانیده پراکنده گردد، آن ستمها که در حق خود کرده برشمرَد و در آن خلافها که در امر پروردگارش مرتکب شده بیندیشد. پس عصیان بزرگِ خودرا به همان بزرگی که هست بنگرد و خلاف عظیم خودرا به همان عظمت که هست مشاهده کند. آنگاه با دلی پرامید به تو روی نهد در حالی که دیده از پشت پای خجالت برنتواند داشت. همهٔ رغبت خویش در تو بسته و تنها اعتمادش به توست. با امیدی که دردل خود پرورده ازروی یقین آهنگ تو کرده و یا دلی بیمناك و اخلاصی تمام به درگاه تو روی آورده است. و اگر دیگران طمع دردیگری بسته‌اند او جزدر تو طمع نبسته، اگر دیگران ازدیگری هراسناکند اورا جزاز تو هراسی دردل نیست. بارخدایا، بندهٔ



۱. دعای آن حضرت است در ذکر توبه و طلب توبه.



تو در پیشگاه تو به تضرع ایستاده و به خشوع چشم بر زمین دوخته و در پیشگاه عزّ تو سر به‌خواری فرو داشته و خاضعانه راز دلش را که تو خود بدان آگاه‌تری با تو در میان نهاده و فروتنانه گناهانش را که تو خود شمارشان بهتر می‌دانی یك یك برمی شمرَد. به درگاه تو استغاثه می کند از واقعهٔ شگرفی که بدان گرفتار آمده و تو خود از آن با خبری وزاری می کند از عملی ناپسند که به سبب سرپیچی از حکم تو اش رسوا ساخته: همان گناهانی که لذّات آنها سپری گشته و شتابان گریخته است و عواقب شومشان باقی است چنان که گویی هرگز سرِ رفتنش نیست.

ای خداوند من، چنین بنده‌ای اگر به عدل خود عقوبتش کنی زبان به انکار نمی گشاید و اگر عفوش کنی و بر او رحمت آوری عفو ورحمتت را دربرابر عظمتت بزرگ نشمارد. زیرا تو آن پروردگار کریمی هستی که آمرزش گناهان بزرگ را بزرگ نمی شمری.

ای خداوند، این منم که به سوی تو آمده‌ام، مطیع فرمان توام آنجا که فرمان داده‌ای که بندگانت دست به دعا بردارند. اینك خواهم به آن وعدهٔ اجابت که داده‌ای وفا کنی، که تو خود گفته‌ای: بخوانید مرا تا شما را اجابت کنم.[۲]

بارخدایا، بر محمد و خاندانش درود بفرست و آن سان که من در برابر تو به گناه خود اعتراف کرده‌ام، تو نیز به آمرزش خود مرا بپذیر. و آن سان که خود را در برابر تو پست گردانیده‌ام مرا از لغزشگاههای گناه برگیر و آن سان که در انتقام گرفتن از من درنگ کرده‌ای، مرا در پردهٔ رحمت خویش مستور دار.

بارخدایا، قصد مرا در اطاعت خویش پایداری بخش و بصیرتم را

۲. اُدعونی استجب لکم. (سورهٔ ۴۰/آیه ۶۰)

در پرستشت قوی گردان و مرا توفیق کارهایی ده که با آن از آلودگی گناه شست‌وشویم دهی، و چون بمیرانی بر آیینِ خود و آیین پیامبرت محمد ـ علیه‌السلام ـ بمیران.

ای خداوند، در همین مکان که ایستاده‌ام، از گناهانِ خُرد و کلان خود، از بدیهای پنهان و آشکار خود، از لغزشهای گذشته و حال خود به درگاه تو توبه می کنم، چونان توبهٔ کسی که از آن پس حتی با خود سخن از گناه نگوید و در خاطر نگذراند که خطای پیشین ازسر گیرد.

ای خداوند من، تو خود در کتاب محکمت گفته‌ای که توبهٔ بندگانت را می‌پذیری و گناهانشان را عفو می کنی[3] و توبه‌کنندگان را دوست می‌داری[4]، پس همچنان که وعده داده‌ای توبهٔ من بپذیر و همچنان که بر عهده گرفته‌ای از خطاهای من درگذر و آن سان که شرط کرده‌ای محبت خود نصیب من ساز.

ای پروردگار من، من نیز شرط می کنم که زین پس کاری را که تواش ناخوش داشته‌ای مرتکب نشوم و بر عهده می گیرم که عملی را که تواش ناپسند دانسته‌ای انجام ندهم و از هر چه معصیت توست دوری گزینم.

ای خداوند، تو بهتر می‌دانی که من چه کرده‌ام، پس آن گناهان را که خود بدانها آگاهی بیامرز و به قدرت خود مرا بدان سو ببر که خود دوست داری.

ای خداوند، بر ذمّهٔ من تبعاتی است که در حفظ دارم و تبعاتی که از یاد برده‌ام، ولی همه را چشم تو که هرگز به خواب نمی‌رود، می نگرد و علم

۳. وهو الذی یقبل التوبة عن عباده ویعفو عن السیئات ویعلم ما تفعلون. (سورهٔ ۴۲/آیهٔ ۲۵)

۴. ان الله یحب التوّابین ویحب المتطهّرین. (سورهٔ ۲/آیهٔ ۲۲۲)





تو که هیچ چیز از آن نهان نمی ماند، می داند. تو خود کسانی را که بر من ذمّه دارند عوض ده و بارِ گناه آن از دوش من برگیر و از سنگینی آن بکاه و مرا از ارتکاب چنان گناهانی نگه‌دار.

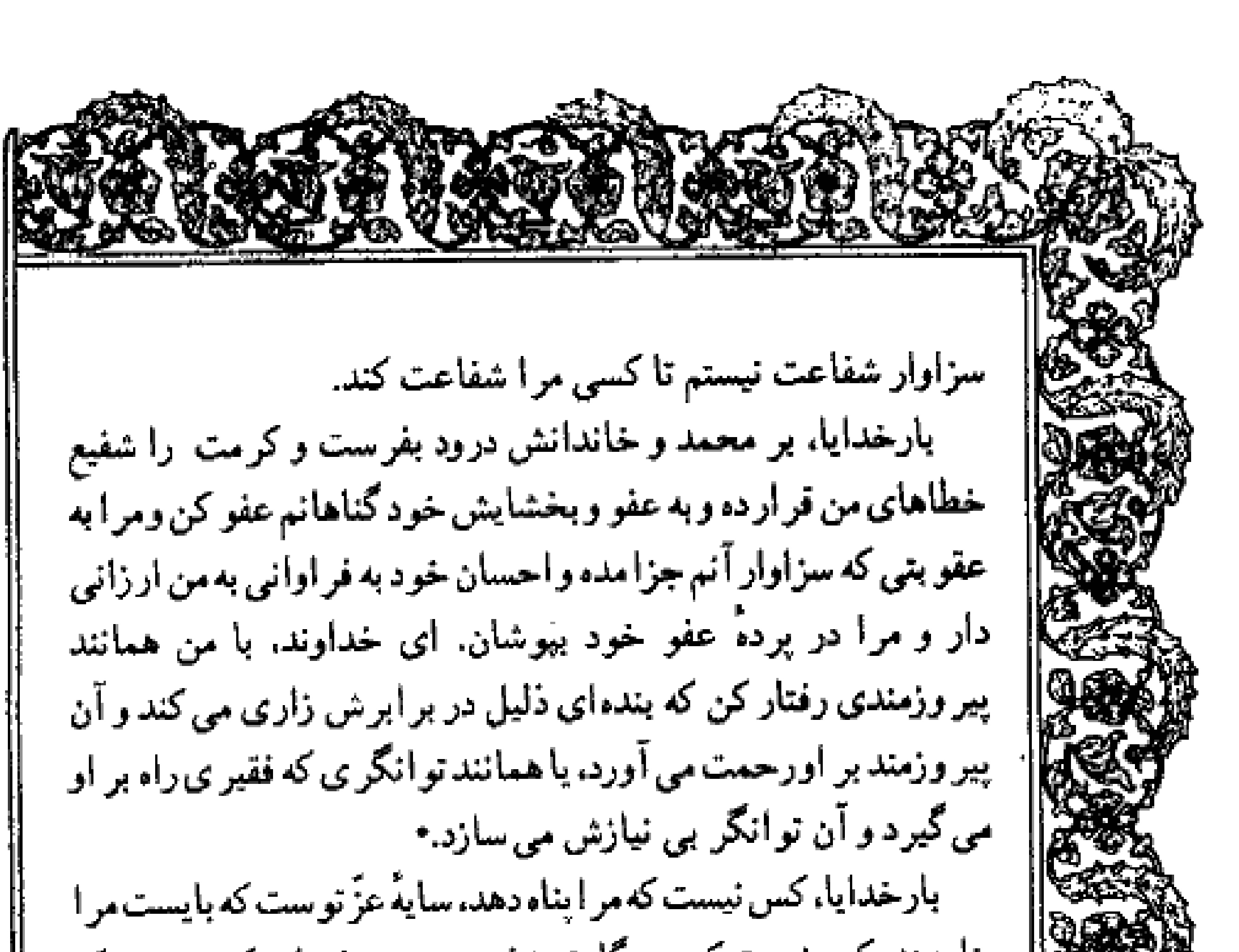
ای خداوند، من در توبهٔ خویش پایداری نتوانم، مگر تو مرا از گناه نگه‌داری و از گناه پرهیز نتوانم مگر تو توانِ آنم دهی. پس مرا به نیرویی به حد کفایت توانا گردان و به عصمتی بازدارنده از گناه، مدد فرمای.

ای خداوند، هر بنده‌ای، به درگاه تو توبه می کند و حال آنکه تو به علم خود می دانی که توبهٔ خود خواهد شکست و بار دیگر به گناه و خطای خود بازخواهد گشت. خداوندا، به تو پناه می آورم اگر دراین زمره باشم. ای خداوند، این توبهٔ من از آن گونه قرارده که بعد از آن نیازمند توبه نشوم. توبه‌ای که موجب زدایيدن گناهان گذشتهٔ من باشد و سبب در امان ماندن در باقی عمر از گنهکاری.

ای خداوند، از نادانی خود، از درگاه تو، پوزش می طلبم و بخشایش کردار بدم را از تو می خواهم. به احسان خویش مرا درکنف رحمت خود جای ده و به فضل و کرم خویش در پردهٔ عافیت خود بپوشان.

ای خداوند، به درگاه تو توبه می کنم از هر خاطرهٔ بد که در دلم خطور کرده و هر نگاه گناه‌آلود که چشمم مرتکب شده و هر سخن بیجا که بر زبانم جاری گشته که خلاف ارادهٔ تو و بیرون از دایرهٔ دوستی تو بوده است؛ توبه می کنم آن چنان که یك یك اعضایم از عقوبتهای تو به سلامت مانند و از خشم دردناك تو که متجاوزان و ستمکاران از آن بیمناکند در امان باشند.

بارخدایا به تنهایی من در برابر خود و تپیدنهای دلم از خوف خود و لرزش اعضایم از هیبت خود رحمت آور، که گناهانم، ای پروردگار من، مرا در پیشگاه تو در مقام رسوایی برپای داشته. اگر خود خاموشی گزینم، کسی دربارهٔ من سخن نخواهد گفت و اگر شفیعی بطلبم، دانم که



سزاوار شفاعت نیستم تا کسی مرا شفاعت کند.

بارخدایا، بر محمد و خاندانش درود بفرست و کرمت را شفیع خطاهای من قرار ده و به عفو و بخشایش خود گناهانم عفو کن و مرا به عقوبتی که سزاوار آنم جزا مده و احسان خود به فراوانی به من ارزانی دار و مرا در پردهٔ عفو خود بپوشان. ای خداوند، با من همانند پیروزمندی رفتار کن که بنده‌ای ذلیل در برابرش زاری می کند و آن پیروزمند بر او رحمت می آورد، یا همانند توانگری که فقیری راه بر او می گیرد و آن توانگر بی نیازش می سازد.*

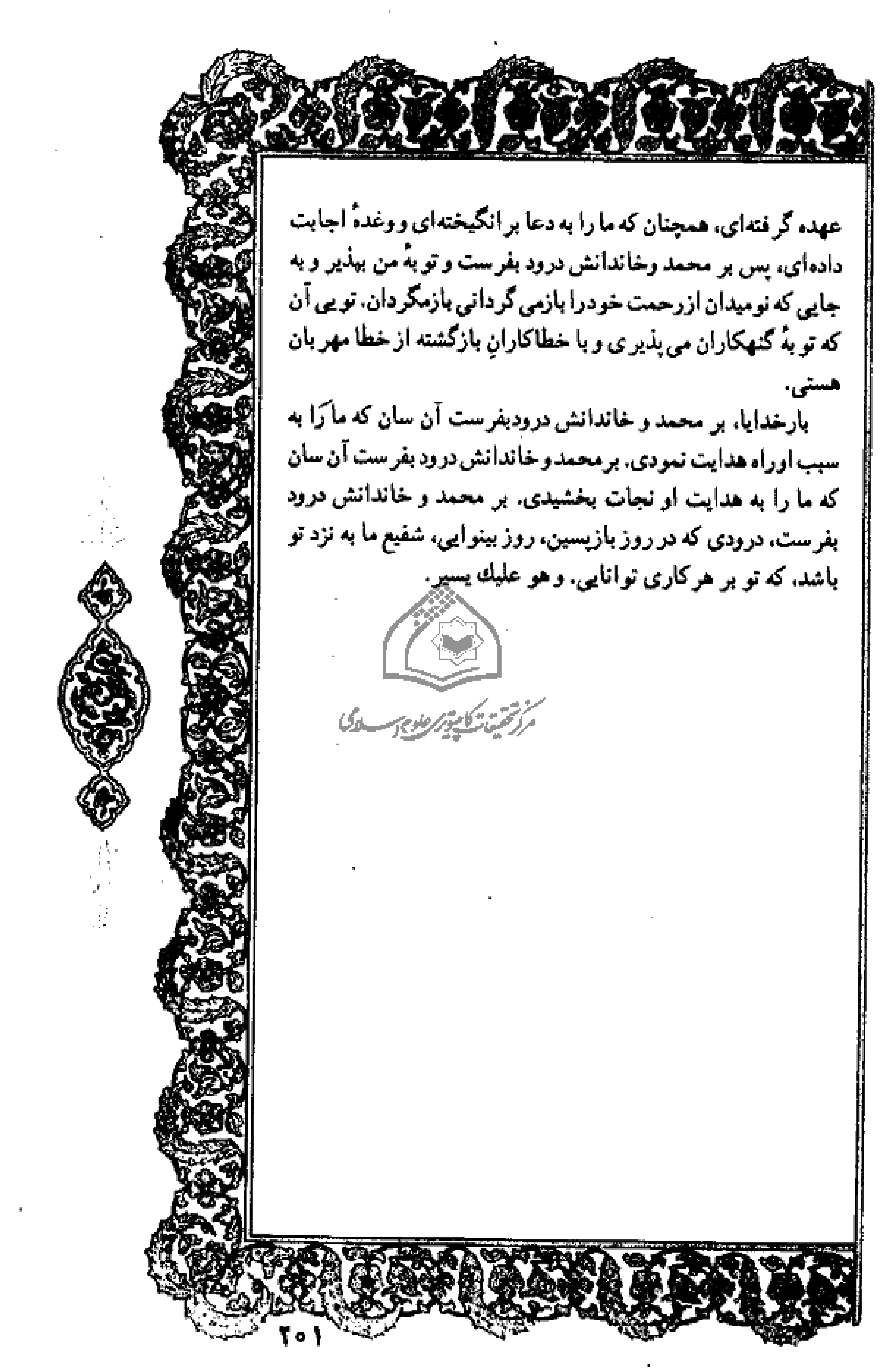
بارخدایا، کس نیست که مرا پناه دهد، سایهٔ عزّ توست که بایست مرا پناه دهد. کس نیست که به درگاه تو شفیع من شود، فضل و کرم توست که بایست مرا شفاعت کند. گناهانم مرا می ترساند، عفو توست که بایست مرا ایمنی بخشد.

ای خداوند من، آنچه بر زبان می آورم نه از آن روست که از اعمال ناستودهٔ خود بی خبرم، یا کردارهای ناپسند خود از یاد برده ام، بل برای آن است که آسمانها و ساکنان آنها و زمین و هرچه بر روی آن است، پشیمانی مرا که در برابر تو اظهار کرده‌ام بشنوند و بدانند که توبه کرده‌ام و به تو پناه آورده‌ام. باشد که یکی از آنها بر شوربختی من رحمت آرد یا بر بدحالی منش رقّت آید و درحق من دعایی کند که تو زودتر از دعای من مستجاب فرمایی، یا روی شفاعت بر زمین نهد و شفاعت او از درخواست من مقبول تر افتد و سبب رهایی من از خشم تو و توفیق یافتن من به خشنودی تو باشد.

بارخدایا، اگر پشیمانی به درگاهِ تو توبه است، من پشیمان ترینِ پشیمانانم و اگر ترکِ گناه بازگشت به توست، من نخستینِ بازگشتگانم و اگر استغفار است که گناهان را می ریزد، من در زمرهٔ استغفار کنندگانم.

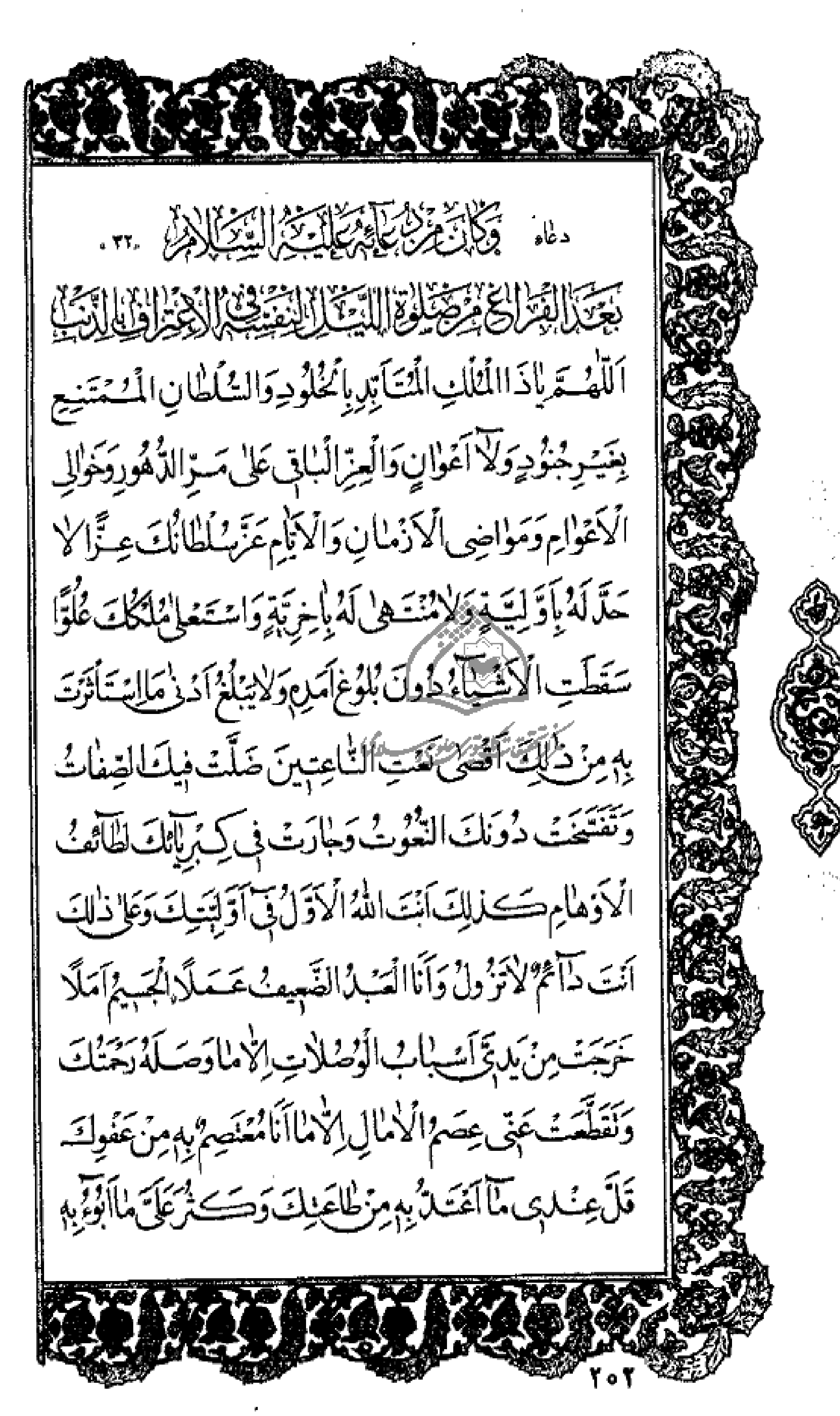
ای خداوند، همچنان که ما را به توبه فرمان داده‌ای و پذیرفتنش بر





عهده گرفته‌ای، همچنان که ما را به دعا برانگیخته‌ای و وعدهٔ اجابت داده‌ای، پس بر محمد وخاندانش درود بفرست و توبهٔ من بپذیر و به جایی که نومیدان ازرحمت خودرا بازمی گردانی بازمگردان. تویی آن که توبهٔ گنهکاران می پذیری و با خطاکارانِ بازگشته از خطا مهربان هستی.

بارخدایا، بر محمد و خاندانش درودبفرست آن سان که ما را به سبب اوراه هدایت نمودی. برمحمد و خاندانش درود بفرست آن سان که ما را به هدایت او نجات بخشیدی. بر محمد و خاندانش درود بفرست، درودی که در روز بازپسین، روز بینوایی، شفیع ما به نزد تو باشد، که تو بر هرکاری توانایی. و هو علیك یسیر.

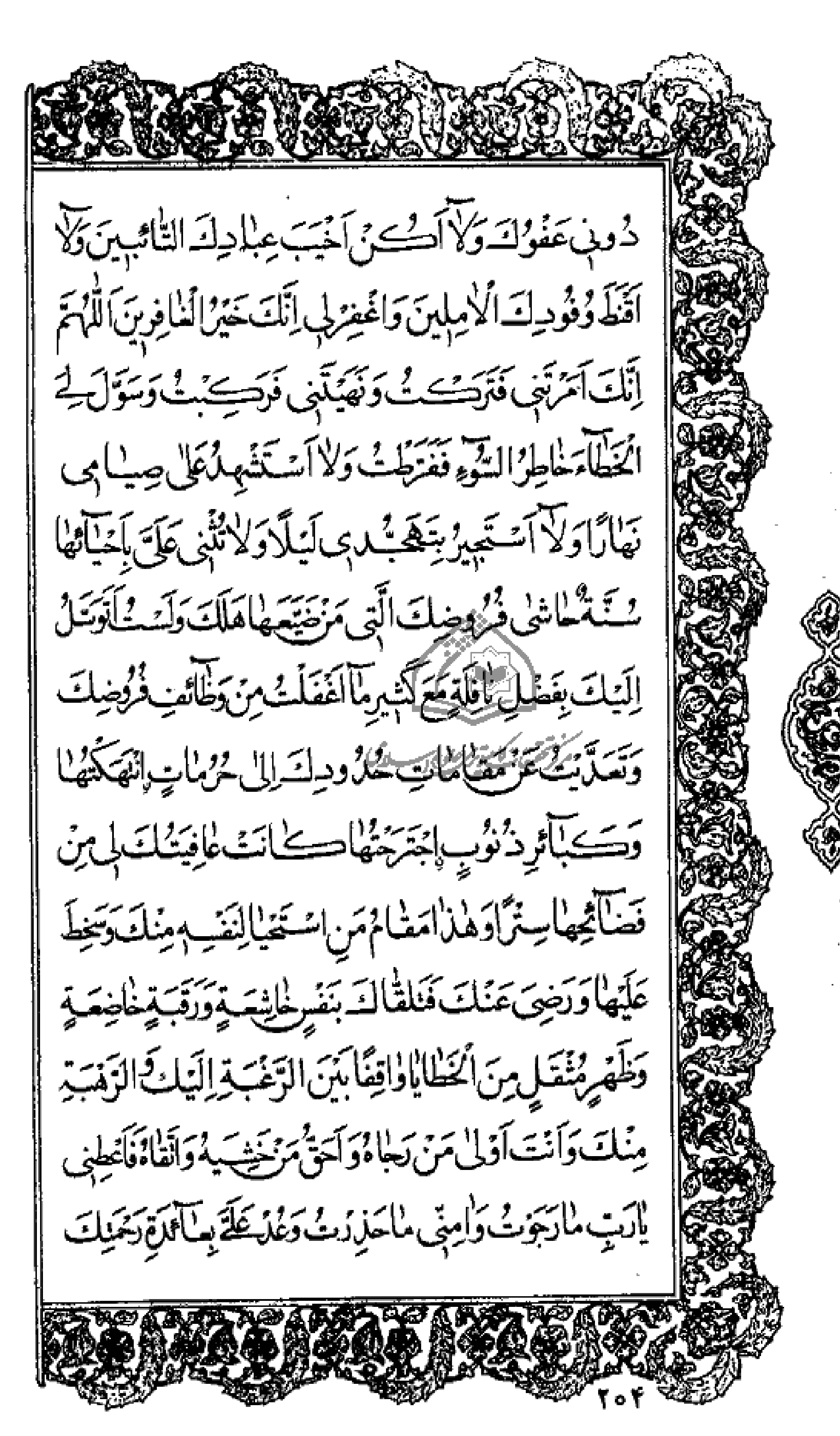


دعاء ٣٢ — وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ

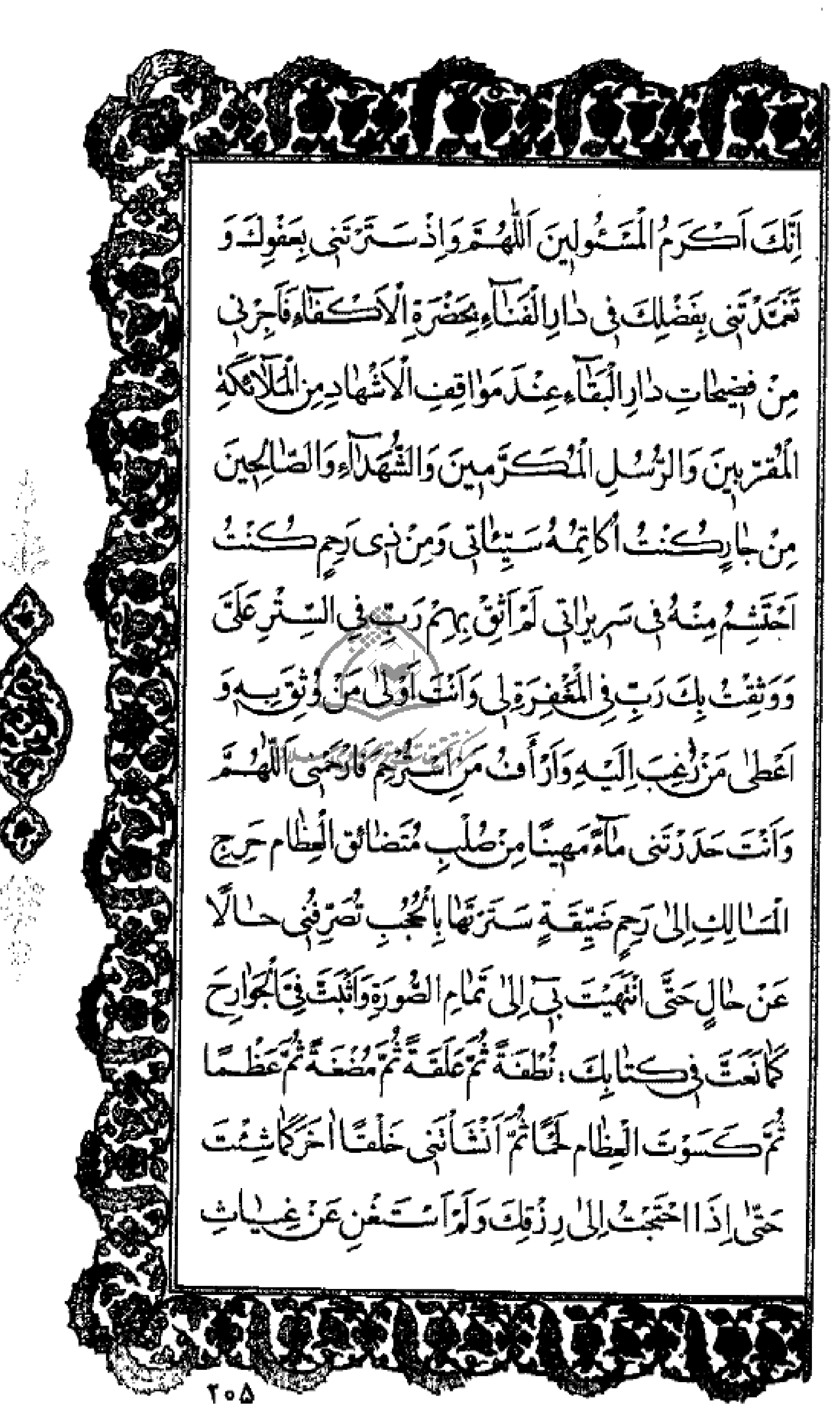
بَعْدَ الْفَرَاغِ مِنْ صَلٰوةِ اللَّيْلِ لِنَفْسِهِ فِي الْاِعْتِرَافِ بِالذَّنْبِ

اَللّٰهُمَّ يَا ذَا الْمُلْكِ الْمُتَأَبِّدِ بِالْخُلُودِ وَالسُّلْطَانِ الْمُمْتَنِعِ
بِغَيْرِ جُنُودٍ وَلَا أَعْوَانٍ وَالْعِزِّ الْبَاقِي عَلَى مَرِّ الدُّهُورِ وَخَوَالِي
الْأَعْوَامِ وَمَوَاضِي الْأَزْمَانِ وَالْأَيَّامِ عَزَّ سُلْطَانُكَ عِزًّا لَا
حَدَّ لَهُ بِأَوَّلِيَّةٍ وَلَا مُنْتَهَى لَهُ بِآخِرِيَّةٍ وَاسْتَعْلَى مُلْكُكَ عُلُوًّا
سَقَطَتِ الْأَشْيَاءُ دُونَ بُلُوغِ أَمَدِهِ وَلَا يَبْلُغُ أَدْنَى مَا اسْتَأْثَرْتَ
بِهِ مِنْ ذٰلِكَ أَقْصَى نَعْتِ النَّاعِتِينَ ضَلَّتْ فِيكَ الصِّفَاتُ
وَتَفَسَّخَتْ دُونَكَ النُّعُوتُ وَحَارَتْ فِي كِبْرِيَائِكَ لَطَائِفُ
الْأَوْهَامِ كَذٰلِكَ أَنْتَ اللّٰهُ الْأَوَّلُ فِي أَوَّلِيَّتِكَ وَعَلَى ذٰلِكَ
أَنْتَ دَائِمٌ لَا تَزُولُ وَأَنَا الْعَبْدُ الضَّعِيفُ عَمَلًا الْجَسِيمُ أَمَلًا
خَرَجَتْ مِنْ يَدَيَّ أَسْبَابُ الْوُصُلَاتِ إِلَّا مَا وَصَلَهُ رَحْمَتُكَ
وَتَقَطَّعَتْ عَنِّي عِصَمُ الْآمَالِ إِلَّا مَا أَنَا مُعْتَصِمٌ بِهِ مِنْ عَفْوِكَ
قَلَّ عِنْدِي مَا أَعْتَدُّ بِهِ مِنْ طَاعَتِكَ وَكَثُرَ عَلَيَّ مَا أَبُوءُ بِهِ

مِن مَعصِيَتِكَ وَلَن يَضيقَ عَلَيكَ عَفوٌ عَن عَبدِكَ وَاِن اَساءَ
فَاعفُ عَنّي اَللّهُمَّ وَقَد اَشرَفَ عَلى خَفايَا الاَعمالِ عِلمُكَ
وَانكَشَفَ كُلُّ مَستورٍ دونَ خُبرِكَ وَلا تَنطَوي عَنكَ
دَقائِقُ الاُمورِ وَلا تَعزُبُ عَنكَ غَيِّباتُ السَّرائِرِ وَقَدِ
استَحوَذَ عَلَيَّ عَدُوُّكَ الَّذِي استَنظَرَكَ لِغَوايَتي فَاَنظَرتَهُ
وَاستَمهَلَكَ اِلى يَومِ الدّينِ لِاِضلالي فَاَمهَلتَهُ فَاَوقَعَني وَ
قَد هَرَبتُ اِلَيكَ مِن صَغائِرِ ذُنوبٍ موبِقَةٍ وَكَبائِرِ
اَعمالٍ مُردِيَةٍ حَتّى اِذا قارَفتُ مَعصِيَتَكَ وَاستَوجَبتُ
بِسوءِ سَعيي سَخطَتَكَ فَتَلَ عَنّي عِذارَ غَدرِهِ وَتَلَقّاني بِكَلِمَةِ
كُفرٍ وَتَوَلَّى البَراءَةَ مِنّي وَاَدبَرَ مُوَلِّيًا عَنّي فَاَصحَرَني
لِغَضَبِكَ فَريدًا وَاَخرَجَني اِلى فِناءِ نَقِمَتِكَ طَريدًا لا شَفيعٌ
يَشفَعُ لي اِلَيكَ وَلا خَفيرٌ يُؤمِنُني عَلَيكَ وَلا حِصنٌ يَحجُبُني
عَنكَ وَلا مَلاذٌ اَلجَاُ اِلَيهِ مِنكَ فَهذا مَقامُ العائِذِ بِكَ
وَمَحَلُّ المُعتَرِفِ لَكَ فَلا يَضيقَنَّ عَنّي فَضلُكَ وَلا يَقصُرَنَّ



دُونِ عَفْوِكَ وَلا اَكُنْ اَخْيَبَ عِبادِكَ التّائِبينَ وَلا
اَقْنَطَ وُفُودِكَ الْامِلينَ وَاغْفِرْ لي اِنَّكَ خَيْرُ الْغافِرينَ اَللّهُمَّ
اِنَّكَ اَمَرْتَني فَتَرَكْتُ وَنَهَيْتَني فَرَكِبْتُ وَسَوَّلَ لِيَ
الْخَطاءَ خاطِرُ السُّوءِ فَفَرَّطْتُ وَلا اَسْتَشْهِدُ عَلى صِيامي
نَهاراً وَلا اَسْتَجيرُ بِتَهَجُّدي لَيْلاً وَلا تُثْني عَلَيَّ بِاِحْيائِها
سُنَّةٌ حاشى فُرُوضِكَ الَّتي مَنْ ضَيَّعَها هَلَكَ وَلَسْتُ اَتَوَسَّلُ
اِلَيْكَ بِفَضْلِ نافِلَةٍ مَعَ كَثيرِ ما اَغْفَلْتُ مِنْ وَظائِفِ فُرُوضِكَ
وَتَعَدَّيْتُ عَنْ مَقاماتِ حُدُودِكَ اِلى حُرُماتٍ اِنْتَهَكْتُها
وَكَبائِرِ ذُنُوبٍ اجْتَرَحْتُها كانَتْ عافِيَتُكَ لي مِنْ
فَضائِحِها سِتْراً وَهذا مَقامُ مَنِ اسْتَحْيا لِنَفْسِهِ مِنْكَ وَسَخِطَ
عَلَيْها وَرَضِيَ عَنْكَ فَتَلَقّاكَ بِنَفْسٍ خاشِعَةٍ وَرَقَبَةٍ خاضِعَةٍ
وَظَهْرٍ مُثْقَلٍ مِنَ الْخَطايا واقِفاً بَيْنَ الرَّغْبَةِ اِلَيْكَ وَالرَّهْبَةِ
مِنْكَ وَاَنْتَ اَوْلى مَنْ رَجاهُ وَاَحَقُّ مَنْ خَشِيَهُ وَاتَّقاهُ فَاَعْطِني
يا رَبِّ ما رَجَوْتُ وَاَمِنّي ما حَذِرْتُ وَعُدْ عَلَيَّ بِعائِدَةِ رَحْمَتِكَ



اِنَّكَ اَكْرَمُ الْمَسْؤُلِينَ اَللّٰهُمَّ وَاِذْ سَتَرْتَنِي بِعَفْوِكَ وَ

تَغَمَّدْتَنِي بِفَضْلِكَ فِي دَارِ الْفَنَاۤءِ بِحَضْرَةِ الْاَكْفَاۤءِ فَاَجِرْنِي

مِنْ فَضِيحَاتِ دَارِ الْبَقَاۤءِ عِنْدَ مَوَاقِفِ الْاَشْهَادِ مِنَ الْمَلٰۤئِكَةِ

الْمُقَرَّبِينَ وَالرُّسُلِ الْمُكَرَّمِينَ وَالشُّهَدَاۤءِ وَالصَّالِحِينَ

مِنْ جَارٍ كُنْتُ اُكَاتِمُهُ سَيِّئَاتِي وَمِنْ ذِي رَحِمٍ كُنْتُ

اَحْتَشِمُ مِنْهُ فِي سَرِيرَاتِي لَمْ اَثِقْ بِهِمْ رَبِّ فِي السِّتْرِ عَلَيَّ

وَوَثِقْتُ بِكَ رَبِّ فِي الْمَغْفِرَةِ لِي وَاَنْتَ اَوْلٰى مَنْ وُثِقَ بِهِ وَ

اَعْطٰى مَنْ رُغِبَ اِلَيْهِ وَاَرْاَفُ مَنِ اسْتُرْحِمَ فَارْحَمْنِي اَللّٰهُمَّ

وَاَنْتَ حَدَرْتَنِي مَاۤءً مَهِيناً مِنْ صُلْبٍ مُتَضَائِقِ الْعِظَامِ حَرِجِ

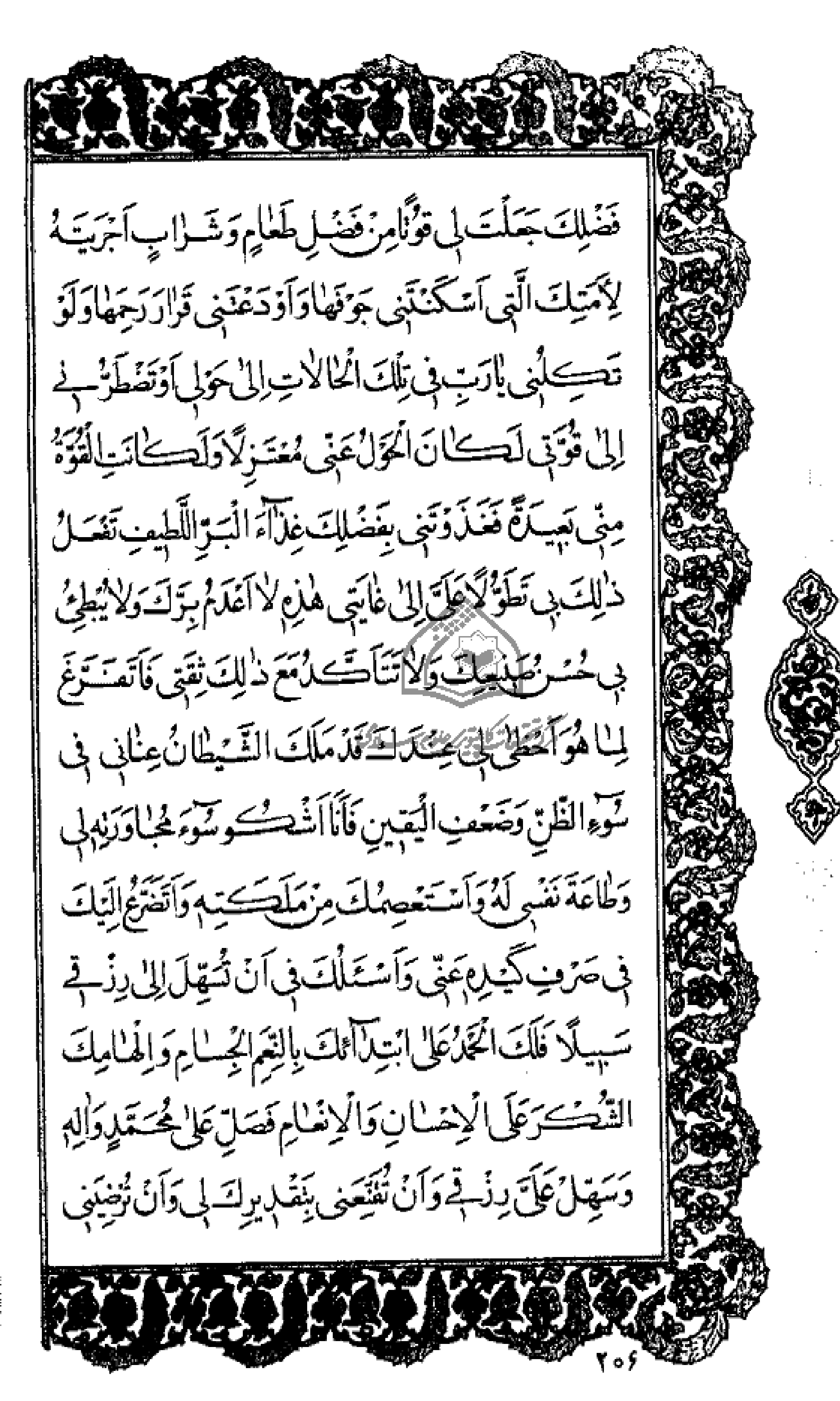
الْمَسَالِكِ اِلٰى رَحِمٍ ضَيِّقَةٍ سَتَرْتَهَا بِالْحُجُبِ تُصَرِّفُنِي حَالاً

عَنْ حَالٍ حَتّٰى انْتَهَيْتَ بِي اِلٰى تَمَامِ الصُّورَةِ وَاَثْبَتَّ فِيَّ الْجَوَارِحَ

كَمَا نَعَتَّ فِي كِتَابِكَ: نُطْفَةً ثُمَّ عَلَقَةً ثُمَّ مُضْغَةً ثُمَّ عَظْماً

ثُمَّ كَسَوْتَ الْعِظَامَ لَحْماً ثُمَّ اَنْشَاْتَنِي خَلْقاً اٰخَرَ كَمَا شِئْتَ

حَتّٰى اِذَا احْتَجْتُ اِلٰى رِزْقِكَ وَلَمْ اَسْتَغْنِ عَنْ غِيَاثِ



فَضْلِكَ جَعَلْتَ لِي قُوتاً مِنْ فَضْلِ طَعَامٍ وَ شَرَابٍ أَجْرَيْتَهُ

لِأَمَتِكَ الَّتِي أَسْكَنْتَنِي جَوْفَهَا وَ أَوْدَعْتَنِي قَرَارَ رَحِمِهَا وَ لَوْ

تَكِلُنِي يَا رَبِّ فِي تِلْكَ الْحَالاتِ إِلَى حَوْلِي أَوْ تَضْطَرُّنِي

إِلَى قُوَّتِي لَكَانَ الْحَوْلُ عَنِّي مُعْتَزِلاً وَ لَكَانَتِ الْقُوَّةُ

مِنِّي بَعِيدَةً فَغَذَوْتَنِي بِفَضْلِكَ غِذَاءَ الْبَرِّ اللَّطِيفِ تَفْعَلُ

ذَلِكَ بِي تَطَوُّلاً عَلَيَّ إِلَى غَايَتِي هَذِهِ لا أَعْدَمُ بِرَّكَ وَ لا يُبْطِئُ

بِي حُسْنُ صَنِيعِكَ وَ لا تَتَأَكَّدُ مَعَ ذَلِكَ ثِقَتِي فَأَتَفَرَّغَ

لِمَا هُوَ أَحْظَى لِي عِنْدَكَ قَدْ مَلَكَ الشَّيْطَانُ عِنَانِي فِي

سُوءِ الظَّنِّ وَ ضَعْفِ الْيَقِينِ فَأَنَا أَشْكُو سُوءَ مُجَاوَرَتِهِ لِي

وَ طَاعَةَ نَفْسِي لَهُ وَ أَسْتَعْصِمُكَ مِنْ مَلَكَتِهِ وَ أَتَضَرَّعُ إِلَيْكَ

فِي صَرْفِ كَيْدِهِ عَنِّي وَ أَسْئَلُكَ فِي أَنْ تُسَهِّلَ إِلَى رِزْقِي

سَبِيلاً فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى ابْتِدَائِكَ بِالنِّعَمِ الْجِسَامِ وَ إِلْهَامِكَ

الشُّكْرَ عَلَى الْإِحْسَانِ وَ الْإِنْعَامِ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ

وَ سَهِّلْ عَلَيَّ رِزْقِي وَ أَنْ تُقَنِّعَنِي بِتَقْدِيرِكَ لِي وَ أَنْ تُرْضِيَنِي



بحصتي فيما قسمت لي وأن تجعل ما ذهب من جسمي وعمري

في سبيل طاعتك إنك خير الرازقين اللهم إني أعوذ بك

من نار تغلظت بها على من عصاك وتوعدت من صدف

عن رضاك ومن نار نورها ظلمة وهينها أليم وبعيدها قريب

ومن نار يأكل بعضها بعض ويصول بعضها على بعض و

من نار تذر العظام رميما وتسقي أهلها حميما ومن نار

لا تبقي على من تضرع إليها ولا ترحم من استعطفها ولا تقدر

على التخفيف عمن خشع لها واستسلم إليها تلقى سكانها

بأحر ما لديها من أليم النكال وشديد الوبال وأعوذ بك

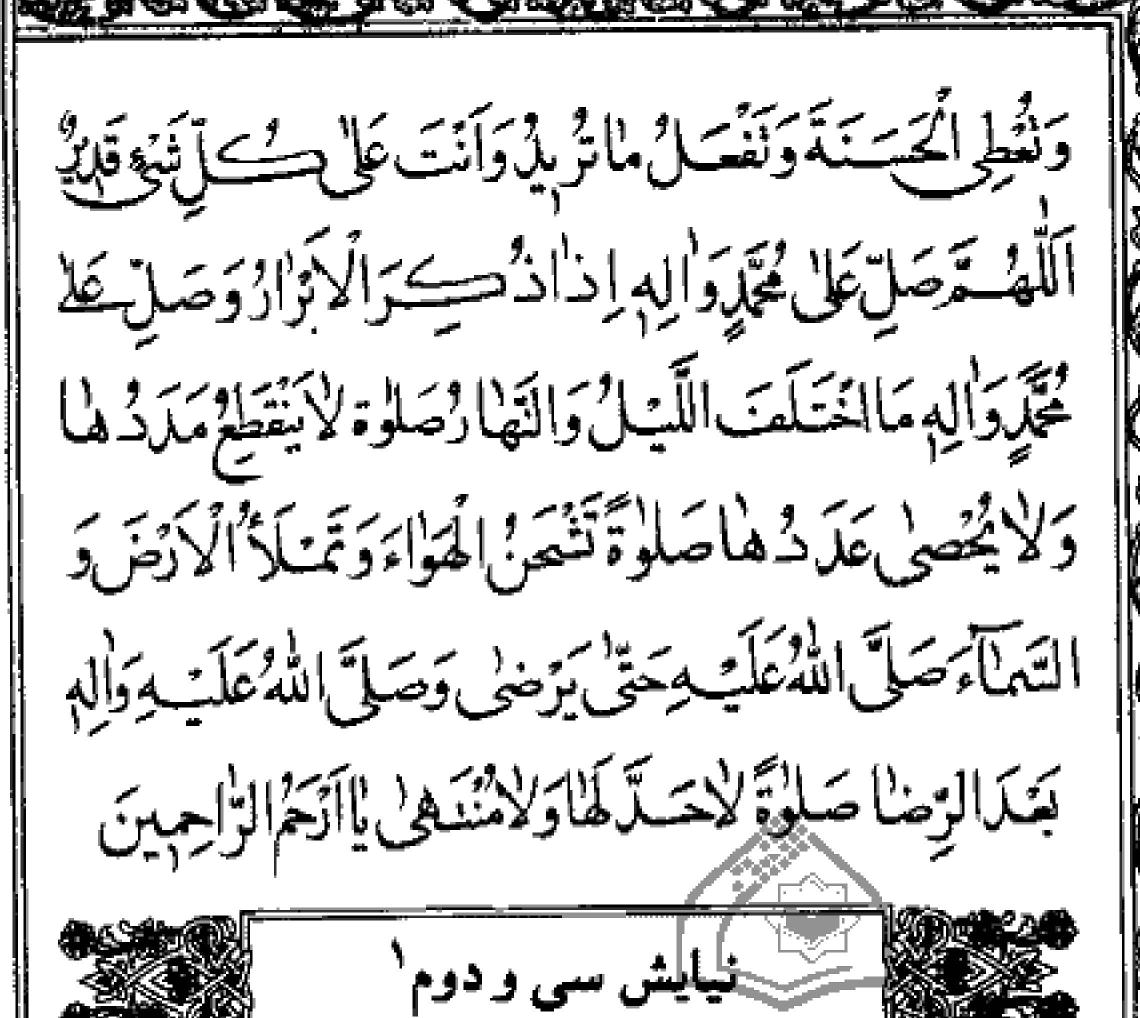
من عقاربها الفاغرة أفواهها وحياتها الصالقة بأنيابها

وشرابها الذي يقطع أمعاء وأفئدة سكانها وينزع قلوبهم

وأستهديك لما باعد منها وأخر عنها اللهم صل على محمد

وآله وأجرني منها بفضل رحمتك وأقلني عثراتي بحسن إقالتك

ولا تخذلني يا خير المجيرين اللهم إنك تقي الكريهة



وَنُعْطِي الْحَسَنَةَ وَنَفْعَلُ مَا تُرِيدُ وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ إِذَا ذُكِرَ الْأَبْرَارُ وَصَلِّ عَلَى
مُحَمَّدٍ وَآلِهِ مَا اخْتَلَفَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ صَلَوةً لَا يَنْقَطِعُ مَدَدُهَا
وَلَا يُحْصَى عَدَدُهَا صَلَوةً تَشْحَنُ الْهَوَاءَ وَتَمْلَأُ الْأَرْضَ وَ
السَّمَاءَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ حَتَّى يَرْضَى وَصَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ
بَعْدَ الرِّضَا صَلَوةً لَا حَدَّ لَهَا وَلَا مُنْتَهَى يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ



نیایش سی و دوم[1]

ای خداوندی که از آنِ توست پادشاهیِ ابدیِ جاویدان.

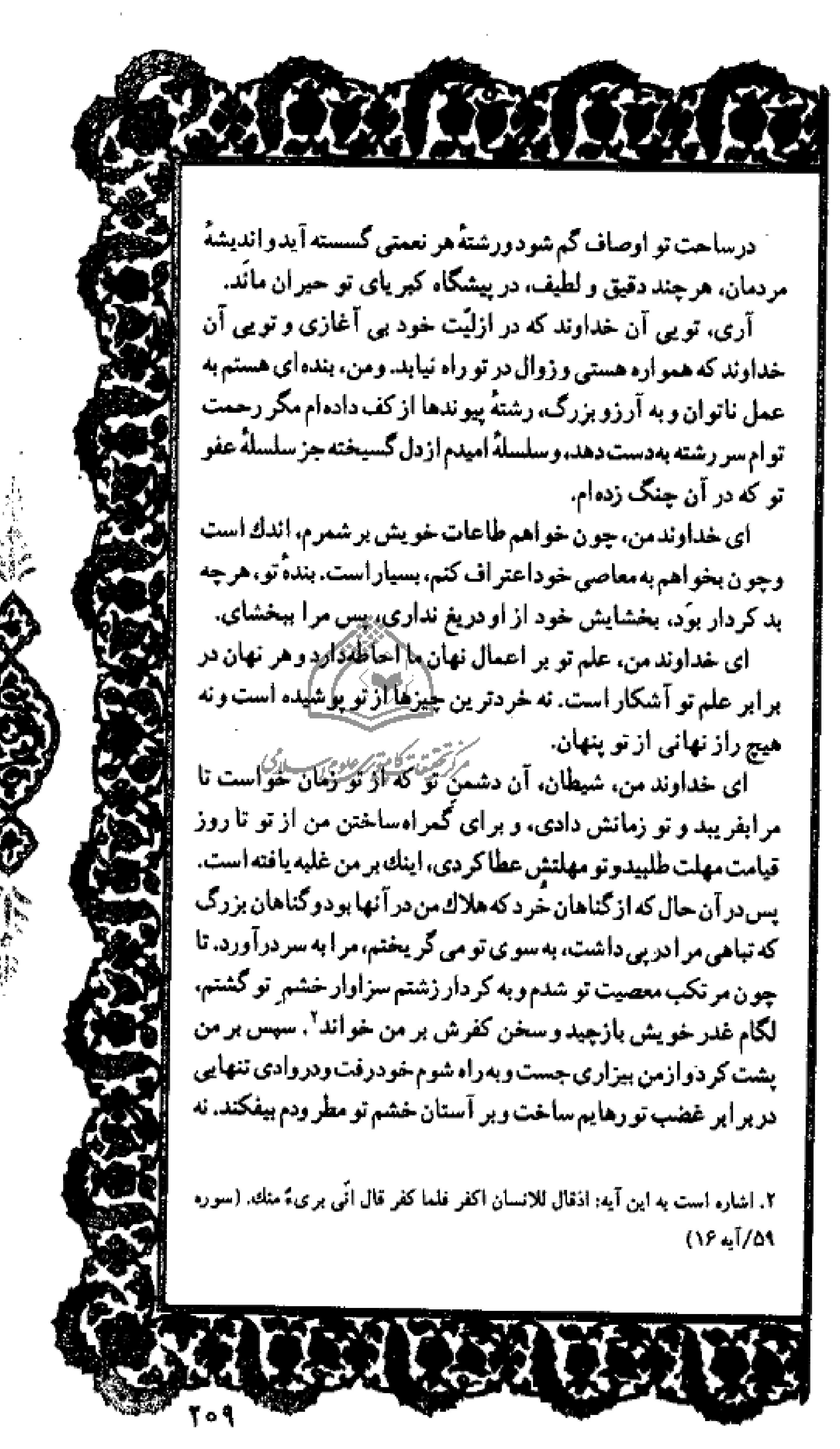
ای خداوندی که از آنِ توست آن سلطهٔ نیرومندی بی مددِ هیچ لشکر و هیچ یاور.

ای خداوندی که از آنِ توست عزّت و غلبهٔ جاودانه، هرچند روزگاران بگذرند و سالها به‌سر آیند و زمانها و روزها سپری شوند.

سلطهٔ تو را آن پیروزمندی است که نه آغاز شناسد و نه انجام.

ملک تو را رفعتی است که هیچ چیزش درنیابد و توصیف واصفان هرچه فرارود، به فروترین پایهٔ آن رفعت و اعتلا که برای خود گزیده‌ای نخواهد رسید.

۱. دعای آن حضرت است در حق خود پس از فراغت از نافلهٔ شب و اعتراف اوست به گناهان.



درساحت تو اوصاف گم شود ورشتهٔ هر نعمتی گسسته آید و اندیشهٔ مردمان، هرچند دقیق و لطیف، در پیشگاه کبریای تو حیران مانَد.

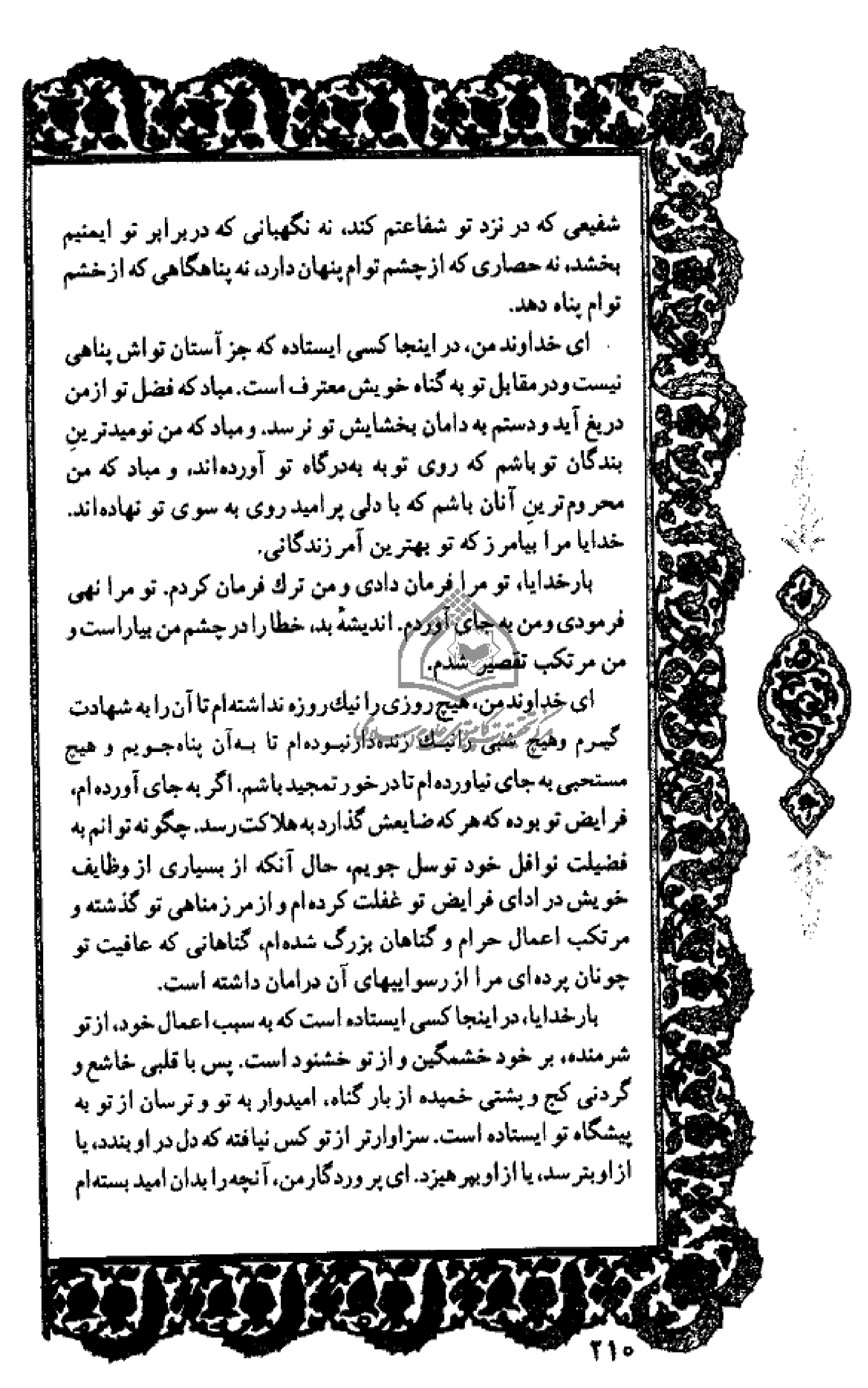
آری، تویی آن خداوند که در ازلیّت خود بی آغازی و تویی آن خداوند که همواره هستی و زوال در تو راه نیابد. ومن، بنده‌ای هستم به عمل ناتوان و به آرزو بزرگ، رشتهٔ پیوندها از کف داده‌ام مگر رحمت توام سر رشته به‌دست دهد، و سلسلهٔ امیدم از دل گسیخته جز سلسلهٔ عفو تو که در آن چنگ زده‌ام.

ای خداوند من، چون خواهم طاعات خویش بر شمرم، اندك است وچون بخواهم به معاصی خود اعتراف کنم، بسیار است. بندهٔ تو، هرچه بد کردار بوَد، بخشایش خود از او دریغ نداری، پس مرا ببخشای.

ای خداوند من، علم تو بر اعمال نهان ما احاطه‌دارد و هر نهان در برابر علم تو آشکار است. نه خردترین چیزها از تو پوشیده است و نه هیچ راز نهانی از تو پنهان.

ای خداوند من، شیطان، آن دشمن تو که از تو زمان خواست تا مرابفریبد و تو زمانش دادی، و برای گمراه ساختن من از تو تا روز قیامت مهلت طلبیدو تو مهلتش عطا کردی، اینك بر من غلبه یافته است. پس درآن حال که ازگناهان خرد که هلاك من درآنها بود و گناهان بزرگ که تباهی مرا درپی داشت، به سوی تو می گریختم، مرا به سردرآورد. تا چون مرتکب معصیت تو شدم و به کردار زشتم سزاوار خشمِ تو گشتم، لگام غدر خویش بازچید و سخن کفرش بر من خواند[۲]. سپس بر من پشت کردو ازمن بیزاری جست و به راه شوم خود درفت ودروادی تنهایی دربرابر غضب تو رهایم ساخت و بر آستان خشم تو مطرودم بیفکند. نه

۲. اشاره است به این آیه: اذقال للانسان اکفر فلما کفر قال انّی بریءٌ منك. (سوره ۵۹/آیه ۱۶)



شفیعی که در نزد تو شفاعتم کند، نه نگهبانی که دربرابر تو ایمنیم بخشد، نه حصاری که ازچشم توام پنهان دارد، نه پناهگاهی که ازخشم توام پناه دهد.

ای خداوند من، در اینجا کسی ایستاده که جز آستان تواش پناهی نیست ودرمقابل تو به گناه خویش معترف است. مباد که فضل تو ازمن دریغ آید و دستم به دامان بخشایش تو نرسد. و مباد که من نومیدترینِ بندگان تو باشم که روی توبه به‌درگاه تو آورده‌اند، و مباد که من محروم‌ترینِ آنان باشم که با دلی پرامید روی به سوی تو نهاده‌اند. خدایا مرا بیامرز که تو بهترین آمرزندگانی.

بارخدایا، تو مرا فرمان دادی و من ترک فرمان کردم. تو مرا نهی فرمودی ومن به جای آوردم. اندیشهٔ بد، خطا را درچشم من بیاراست و من مرتکب تقصیر شدم.

ای خداوندمن، هیچ روزی را نیک‌روزه نداشته‌ام تا آن را به شهادت گیرم وهیچ شبی را نیک زنده‌دارنبوده‌ام تا بـه‌آن پناه‌جـویم و هیچ مستحبی به جای نیاورده‌ام تادرخورتمجید باشم. اگر به جای آورده‌ام، فرایض تو بوده که هرکه ضایعش گذارد به هلاکت رسد. چگونه توانم به فضیلت نوافل خود توسل جویم، حال آنکه از بسیاری از وظایف خویش درادای فرایض تو غفلت کرده‌ام وازمرزمناهی تو گذشته و مرتکب اعمال حرام و گناهان بزرگ شده‌ام، گناهانی که عافیت تو چونان پرده‌ای مرا از رسواییهای آن درامان داشته است.

بارخدایا، دراینجا کسی ایستاده است که به سبب اعمال خود، ازتو شرمنده، بر خود خشمگین و ازتو خشنود است. پس با قلبی خاشع و گردنی کج و پشتی خمیده از بارگناه، امیدوار به تو و ترسان از تو به پیشگاه تو ایستاده است. سزاوارتر ازتو کس نیافته که دل دراو بندد، یا ازاوبترسد، یا ازاوبپرهیزد. ای پروردگارمن، آنچه را بدان امید بسته‌ام



به من ارزانی دار و از آنچه بیمناکم امان ده و رحمت سودمند خویش صلهٔ من ساز، که تو کریم تر کسی هستی که دست سؤال پیش او دارند.

ای خداوند من، همچنان که مرا در این جهان فانی، در محضر اقران و همسران پردهٔ عفو بر گناهان کشیدی و فضل و احسان خویش ارزانی داشتی، در آن جهان باقی هم در محضر ملائکهٔ مقرب و رسولان مکرّم و شهیدان و صالحان، از رسوایی نزد آن همسایه که گناهان خود از او پوشیده می‌داشتم و آن خویشاوند که در اعمال نهانی خود از او شرم می‌داشتم، در پناه خود دار.

ای پروردگار من، به آنان اعتماد نکردم که راز مرا پوشیده دارند و به تو ــ ای پروردگار من ــ اعتماد دارم که مرا می‌آمرزی و تنها تو شایان آنی که بر تو اعتماد کنند. تو بخشنده‌ترین کسان هستی که به او روی توان کرد، تو مهربان‌ترینِ کسان هستی که از او رحمت توان خواست. پس بر من رحمت آور.

بارخدایا، من قطره آبی بی‌مقدار بودم که مرا از پشت پدر از میان آن استخوانهای درهم فشرده و راههای باریک به تنگنای رحم مادر ــ در پس آن پرده‌ها که بر آن پوشیده‌ای ــ فرو افکندی. مرا از حالی به حالی درآوردی، تا آنگاه که صورتی تمام یافتم و اعضا و جوارح من قوام گرفت، آن سان که در کتاب خود آورده‌ای: نطفه‌ای بود، آن را خونی لخته ساختی، سپس چیزی همانند گوشتِ جویده، سپس استخوان آفریدی و آن استخوان به گوشت پوشانیدی و مرا چنان که خود خواسته بودی، آفرینش دیگر دادی[۲]. تا چون نیازمند روزی تو شدم و از

۲. اشاره است به این آیه: ثم خلقنا النطفة عَلَقَة فخلقنا العلقة مضغة فخلقنا المضغة عظاماً فکسونا العظامَ لحماً، ثم انشأناه خلقاً آخر، فتبارك الله احسن الخالقین. (سورهٔ ۲۳/آیهٔ ۱۴)

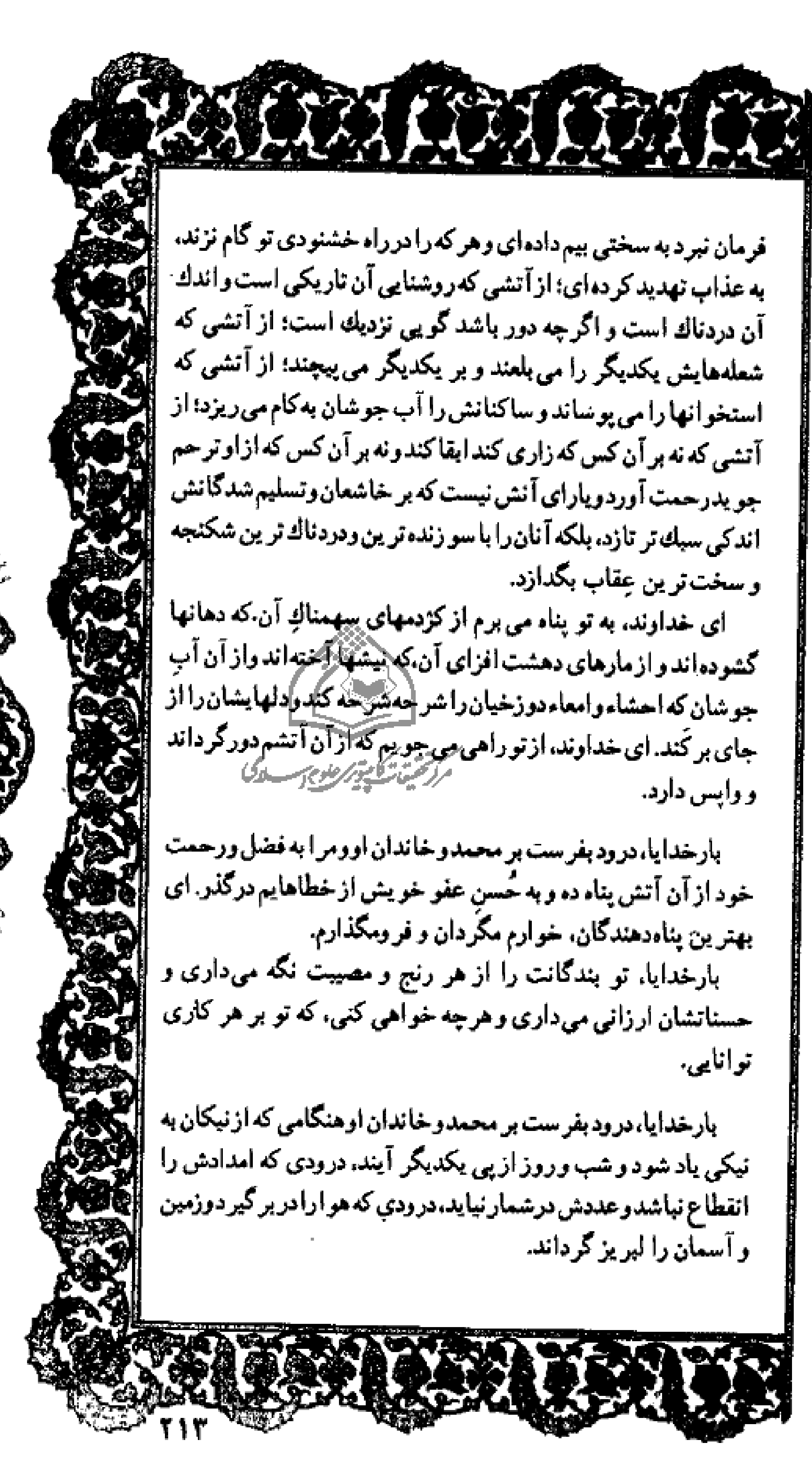
فریادرسیِ فضل و احسان تو بی نیاز نبودم، از زیاد آمدِ طعام و آبی که به کنیز خود ــ همان که مرا در درون او در قرارگاه زهدانش نشاندی ــ روزی می دادی، قوت مرا مقرر داشتی.

ای پروردگار من، اگر مرا در این حالات به توان خود وامی گذاشتی یا ناچارم می ساختی که از نیروی خویش مدد جویم، نه توانم می بود و نه نیرویی. تو مرا از روی احسان به مهربانی و لطف غذا دادی و آن مهربانی و لطف تا این زمان که هستم همچنان از من دریغ نداشته‌ای. سایهٔ نیکی و مهربانی تو همچنان بر سرِ من است و جویبار احسان تو بی هیچ درنگی همچنان روان است. با این همه، اعتمادم به روزی دادنِ تو استواری نگیرد، تا همهٔ سعی خویش در پرستش تو به کار دارم و آن سود گرامند سرشار نصیب من گردد.

شیطان عنان من به دست گرفته و مرا به عرصهٔ بدگمانی می کشد و پایه‌های یقین من سست می گرداند. پس ای خداوند من، از مجاورت چنین همنشین نابکار، که مرا به اطاعت خود وامی‌دارد، به تو شکایت می کنم و از تسلطِ او بر خود، به تو پناه می آورم و به درگاه تو زاری می کنم، مگر کید و مکر او از من دور داری.

بارخدایا، از تو می خواهم که راه مرا به روزی ام هموار سازی. پس حمد باد تو را بر آن نعمتهای بزرگم که در آغاز دادی، و حمد باد تو را که سپاس احسان و انعام خود به من الهام فرمودی. بر محمد و خاندانش درود بفرست و روزیِ من به آسانی به من برسان و به هر مقدار که برای من مقدّر می فرمایی خرسند گردان و به حصّه‌ای که برای من مقرّر می داری خشنودم ساز و چنان کن که هرچه از جسم من می کاهد و از عمر من سپری می شود، در راهِ فرمانبرداری تو باشد، که تو بهترین روزی دهندگانی.

ای خداوند، پناه می برم به تو از آتشی که به لهیب آن هر که را از تو



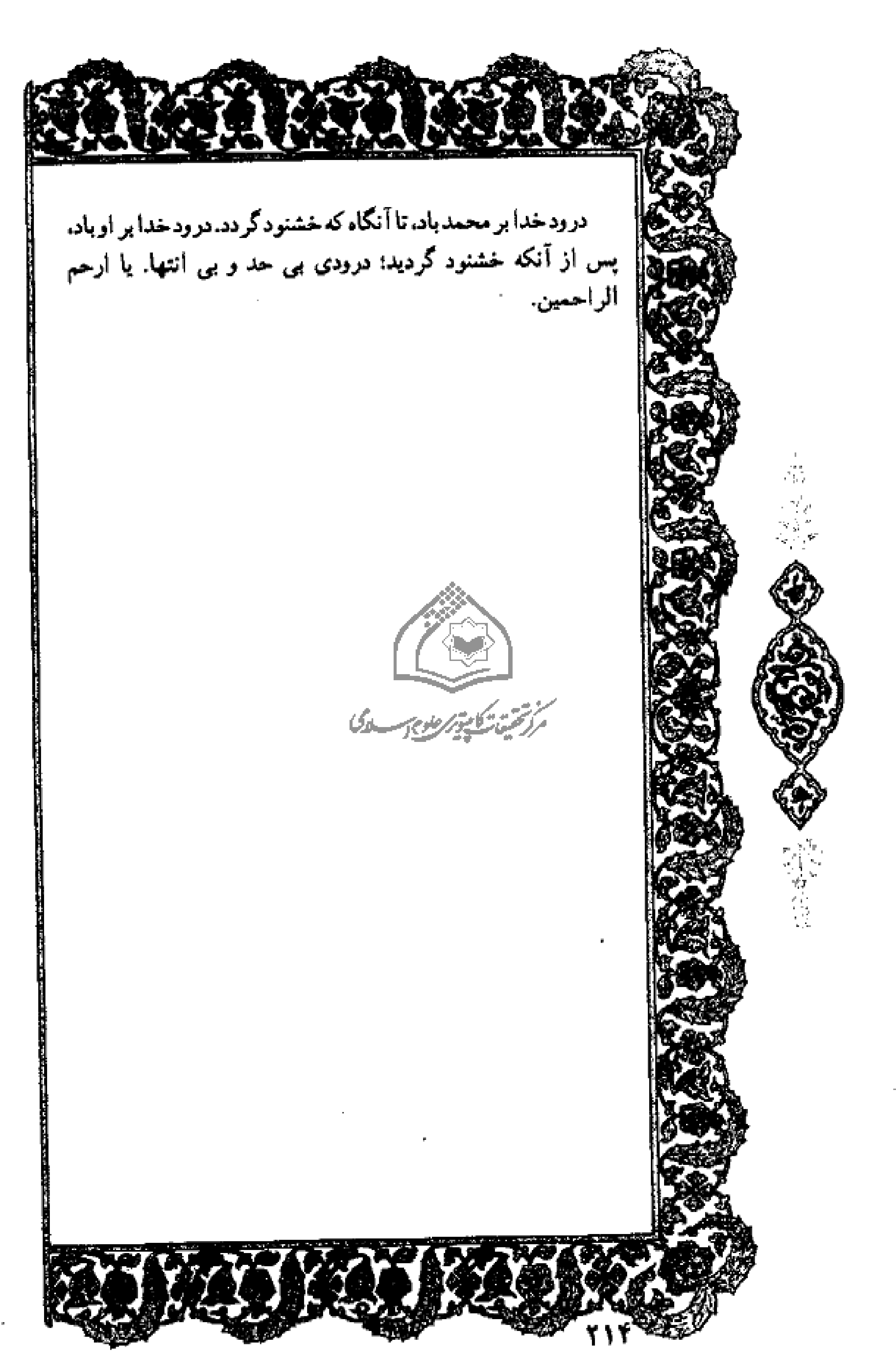
فرمان نبرد به سختی بیم داده‌ای و هر که را در راه خشنودی تو گام نزند، به عذاب تهدید کرده‌ای؛ از آتشی که روشنایی آن تاریکی است و اندک آن دردناک است و اگرچه دور باشد گویی نزدیک است؛ از آتشی که شعله‌هایش یکدیگر را می‌بلعند و بر یکدیگر می‌پیچند؛ از آتشی که استخوانها را می‌پوساند و ساکنانش را آب جوشان به کام می‌ریزد؛ از آتشی که نه بر آن کس که زاری کند ابقا کند و نه بر آن کس که از او ترحم جوید رحمت آورد و یارای آنش نیست که بر خاشعان و تسلیم شدگانش اندکی سبک‌تر تازد، بلکه آنان را با سوزنده‌ترین و دردناک‌ترین شکنجه و سخت‌ترین عِقاب بگدازد.

ای خداوند، به تو پناه می‌برم از کژدمهای سهمناکِ آن، که دهانها گشوده‌اند و از مارهای دهشت‌افزای آن، که نیشها آخته‌اند و از آن آبِ جوشان که احشاء و امعاء دوزخیان را شرحه‌شرحه کند و دلهایشان را از جای بر کَند. ای خداوند، از تو راهی می‌جویم که از آن آتشم دور گرداند و واپس دارد.

بارخدایا، درود بفرست بر محمد و خاندان او و مرا به فضل و رحمت خود از آن آتش پناه ده و به حُسنِ عفو خویش از خطاهایم درگذر. ای بهترین پناه‌دهندگان، خوارم مگردان و فرومگذارم.

بارخدایا، تو بندگانت را از هر رنج و مصیبت نگه می‌داری و حسناتشان ارزانی می‌داری و هرچه خواهی کنی، که تو بر هر کاری توانایی.

بارخدایا، درود بفرست بر محمد و خاندان او هنگامی که از نیکان به نیکی یاد شود و شب و روز از پی یکدیگر آیند. درودی که امدادش را انقطاع نباشد و عددش در شمار نیاید. درودی که هوا را در بر گیرد و زمین و آسمان را لبریز گرداند.



درود خدا بر محمد باد، تا آنگاه که خشنود گردد. درود خدا بر او باد، پس از آنکه خشنود گردید؛ درودی بی حد و بی انتها. یا ارحم الراحمین.

دعاء ۳۳
وكان من دعائه عليه السلام في الاستخارة

اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْتَخيرُكَ بِعِلْمِكَ فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
وَاقْضِ لي بِالْخِيَرَةِ وَاَلْهِمْنا مَعْرِفَةَ الْاِخْتِيارِ وَاجْعَلْ ذٰلِكَ
ذَريعَةً اِلَى الرِّضا بِما قَضَيْتَ لَنا وَالتَّسْليمِ لِما حَكَمْتَ
فَاَزِحْ عَنّا رَيْبَ الْاِرْتِيابِ وَاَيِّدْنا بِيَقينِ الْمُخْلِصينَ وَلا تَسُمْنا
عَجْزَ الْمَعْرِفَةِ عَمّا تَخَيَّرْتَ فَنَغْمِطَ قَدْرَكَ وَنَكْرَهَ مَوْضِعَ
رِضاكَ وَنَجْنَحَ اِلَى الَّتي هِيَ اَبْعَدُ مِنْ حُسْنِ الْعاقِبَةِ وَ
اَقْرَبُ اِلىٰ ضِدِّ الْعافِيَةِ حَبِّبْ اِلَيْنا ما نَكْرَهُ مِنْ قَضائِكَ
وَسَهِّلْ عَلَيْنا ما نَسْتَصْعِبُ مِنْ حُكْمِكَ وَاَلْهِمْنَا الْاِنْقِيادَ
لِما اَوْرَدْتَ عَلَيْنا مِنْ مَشِيَّتِكَ حَتّىٰ لا نُحِبَّ تَأْخيرَ ما عَجَّلْتَ
وَلا تَعْجيلَ ما اَخَّرْتَ وَلا نَكْرَهَ ما اَحْبَبْتَ وَلا نَتَخَيَّرَ
ما كَرِهْتَ وَاخْتِمْ لَنا بِالَّتي هِيَ اَحْمَدُ عاقِبَةً وَاَكْرَمُ
مَصيراً اِنَّكَ تُفيدُ الْكَريمَةَ وَتُعْطِي الْجَسيمَةَ وَتَفْعَلُ
ما تُريدُ وَاَنْتَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ



نیایش سی وسوم[1]

بارخدایا، از تو راه خیر را می طلبم، که تو به آن آگاهی. پس درود بفرست بر محمدوخاندان اووهرچه خیر است برای من مقدر فرمای. و به ما الهام کن شناختِ راهی را که باید اختیار کنیم. وآن را وسیله‌ای ساز که به آنچه برای ما مقرر کرده‌ای راضی باشیم ودر برابر حکم تو تسلیم شویم. پس غبار تردید از دل ما بزدای و ما را به یقینی چون یقین مخلصان یاری فرمای.

بارخدایا، برای ما مخواه که در شناخت آنچه برای ما گزیده‌ای عاجزآییم، آنگاه تقدیر تو را حقیر شماریم وآنچه را خشنودی تو در آن است مکروه داریم وبه راهی رویم که ما را ازسرانجام نیك دور دارد و به غیرِ عافیت نزدیك گرداند.

خداوندا، ناخشنودی ما را ازقضای خود به خشنودی بدل فرمای و هرحکم تو را که دشوار می شماریم بر ما آسان گردان. دردلِ ما انداز که مطیع اراده ومنقادمشیت تو باشیم، تادرگزاردن هر کار که فرمان داده‌ای درآن شتاب ورزیم درنگ نکنیم ودر هر کار که خواسته‌ای درنگ کنیم شتاب نورزیم وآنچه را که تو دوست می داری ناخوش نینگاریم وآنچه را تو ناخوش می‌داری اختیار نکنیم.

بارخدایا، کار ما به راهی انداز که فرجامش پسندیده‌تر بود وسرانجامش بهتر، که هر فایدت که از تو رسد گرانبهاست و هر بخشش که کنی عظیم است وهرچه خواهی کنی، وانت علی کلّ شیءٍ قدیر.

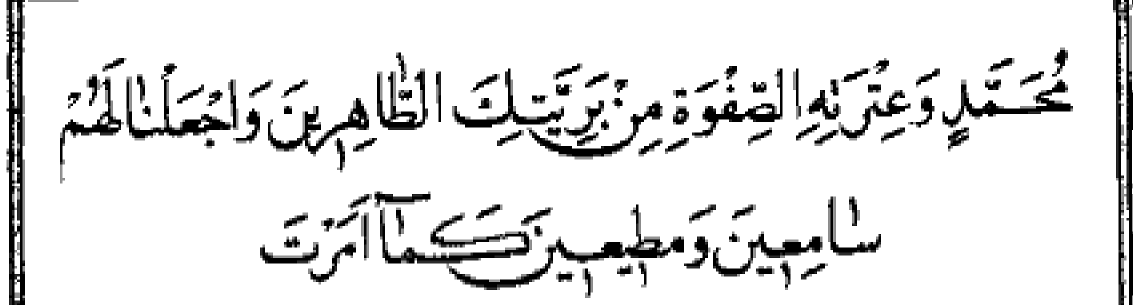
۱. دعای آن حضرت است در طلب خیر.



وكان من دعائه عليه السلام
اذا ابتلى او رأى مبتلى بفضيحة بذنب

دعاء «٣٤»

اللهم لك الحمد على سترك بعد علمك و معافاتك بعد خبرك فكلنا قد اقترف العائبة فلم تشهره و ارتكب الفاحشة فلم تفضحه و تستر بالمساوى فلم تدلل عليه كم نهى لك قد اتيناه و امر قد وقفتنا عليه فتعديناه و سيئة اكتسبناها و خطيئة ارتكبناها كنت المطلع عليها دون الناظرين و القادر على اعلانها فوق القادرين كانت عافيتك لنا حجابا دون ابصارهم و ردما دون اسماعهم فاجعل ما سترت من العورة و اخفيت من الدخيلة واعظا لنا و زاجرا عن سوء الخلق و اقتراف الخطيئة و سعيا الى التوبة الماحية و الطريق المحمودة و قرب الوقت فيه و لا تسمنا الغفلة عنك انا اليك راغبون و من الذنوب تائبون و صل على خيرتك اللهم من خلقك



نیایش سی وچهارم[1]

ای خداوند، حمد باد تو را که گناهان را می‌دانی و می‌پوشانی. حمد باد تو را که بر حال درون ما آگاهی و ما را عافیت عطا می کنی.

ای خداوند، ما همگان در پی عیب و عار بوده‌ایم و حال آنکه تو ما را بر زبانها نیفکنده‌ای. مرتکب گناهان بزرگ شده‌ایم و حال آنکه تو رسوایمان نساخته‌ای. در نهان بدیها کرده‌ایم و حال آنکه تو کسی را بر بدیهای ما راه ننموده‌ای.

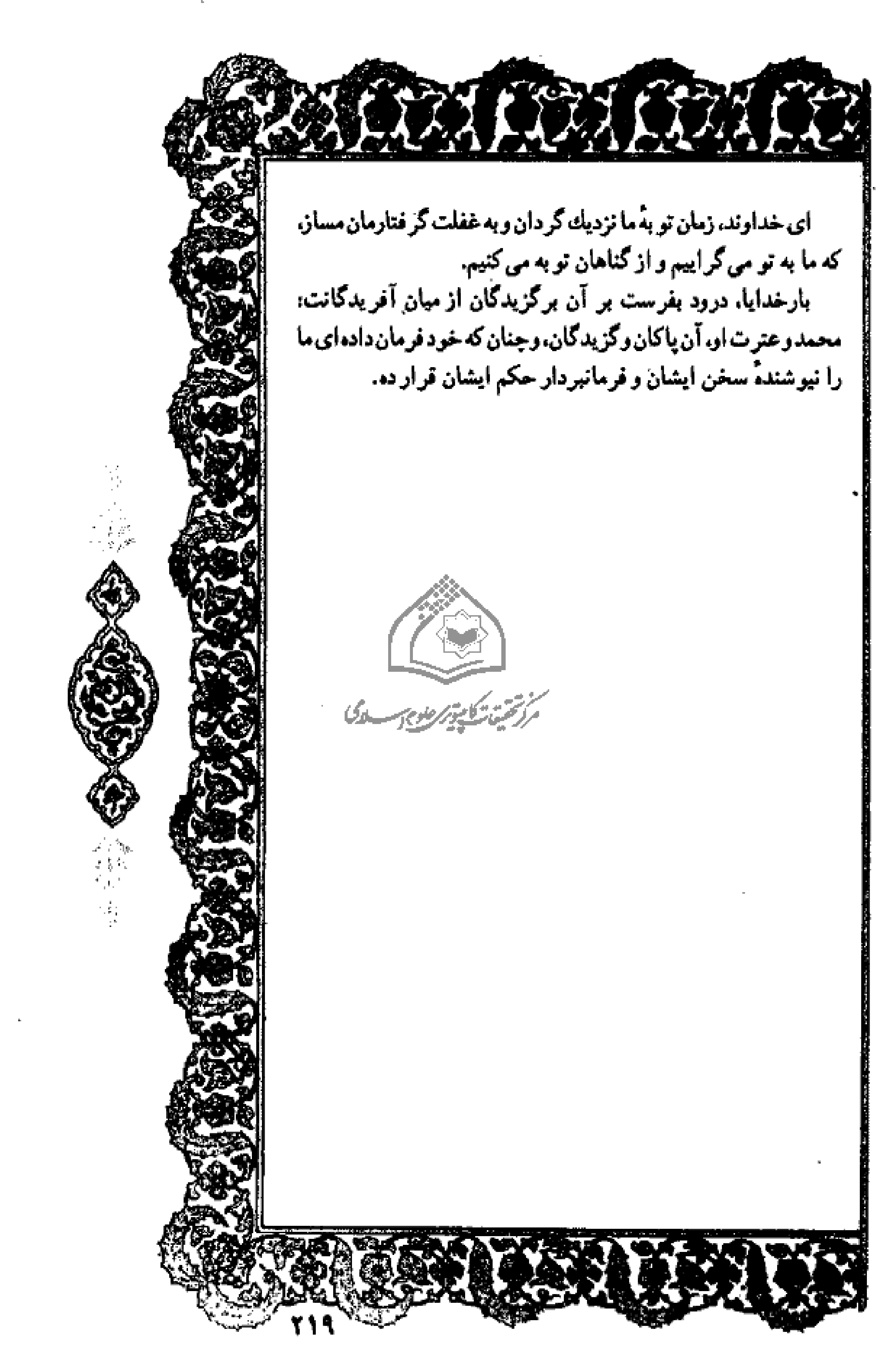
بسا کارها که نهی فرموده‌ای و ما به جای آورده‌ایم. بسا کارها که فرمان داده‌ای و ما را بر آنها آگاه ساخته‌ای، و ما تجاوز ورزیده‌ایم.

بسا گناهان که درکسب آن کوشیده‌ایم و بسا خطاها که مرتکب شده‌ایم و تنها تو از آن آگاه بوده‌ای نه نگرندگان و تو از هر کس دیگر به افشای آن تواناتر بوده‌ای. ای خداوند، عافیت تو چونان پرده‌ای بر روی چشمانشان فروافتاد و چون سدی راه گوشهایشان را بگرفت.

ای خداوند، چنان کن که هر عیب ما که پوشیده داشته‌ای و هر گناه که نهان کرده‌ای، ما را اندرزدهنده‌ای شود که از اخلاق بد و ارتکاب خطاها بازمان دارد و به سوی توبه‌ای محوکنندهٔ گناهان براند و به آن راه که پسند توست بکشاند.

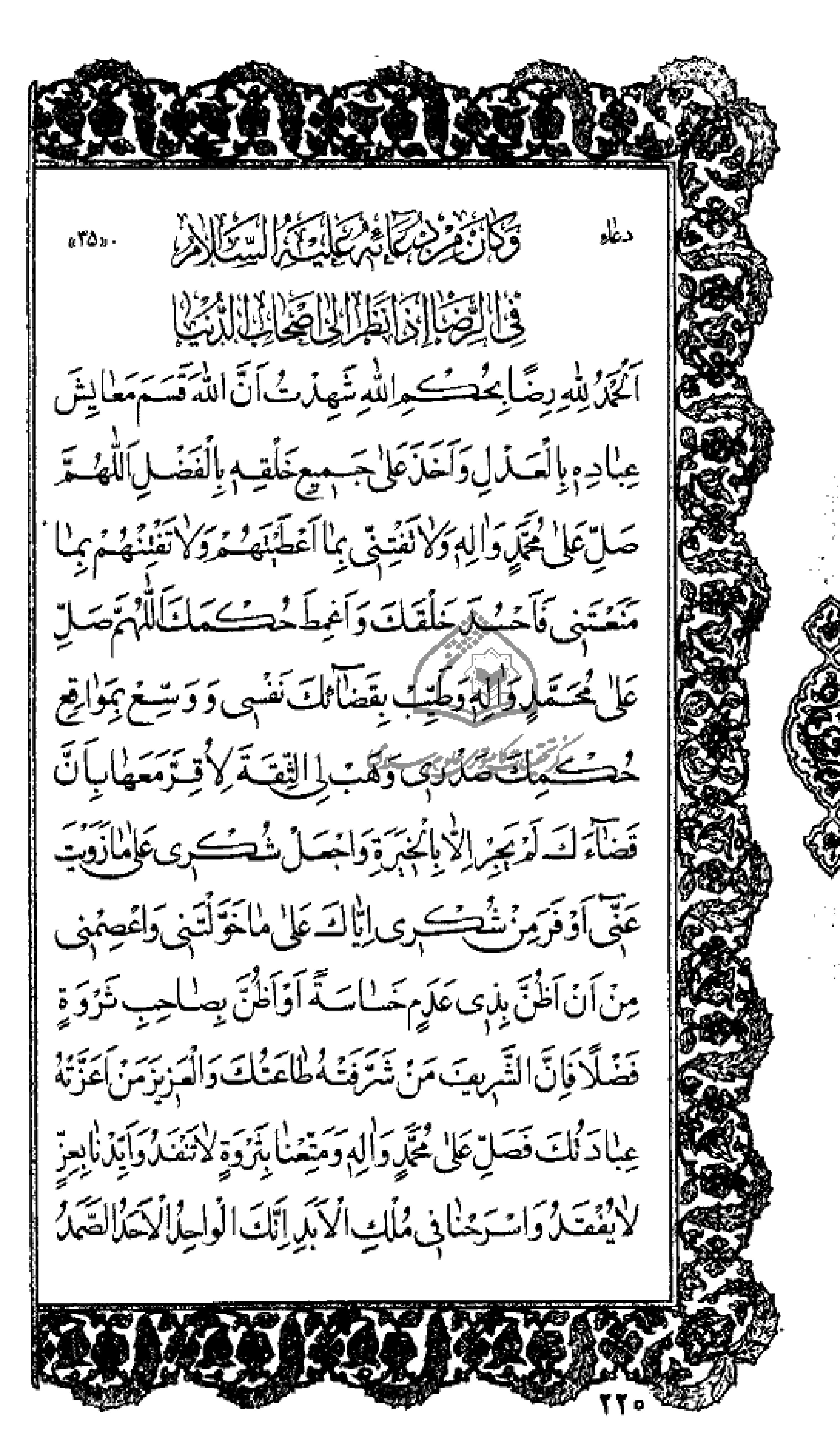


۱. دعای آن حضرت است به هنگام ابتلا و یا به هنگامی که کسی را به رسوایی گناهی گرفتار می دید.



ای خداوند، زمان توبهٔ ما نزدیک گردان و به غفلت گرفتارمان مساز، که ما به تو می گراییم و از گناهان توبه می کنیم.

بارخدایا، درود بفرست بر آن برگزیدگان از میان آفریدگانت؛ محمد و عترت او، آن پاکان و گزیدگان، و چنان که خود فرمان داده‌ای ما را نیوشندهٔ سخن ایشان و فرمانبردار حکم ایشان قرار ده.



دعاء «۳۵»

وكان من دعائه عليه السلام في الرضا إذا نظر إلى أصحاب الدنيا

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رِضاً بِحُكْمِ اللّٰهِ شَهِدْتُ اَنَّ اللّٰهَ قَسَمَ مَعايِشَ عِبادِهِ بِالْعَدْلِ وَاَخَذَ عَلىٰ جَميعِ خَلْقِهِ بِالْفَضْلِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَلا تَفْتِنّي بِما اَعْطَيْتَهُمْ وَلا تَفْتِنْهُمْ بِما مَنَعْتَني فَاَحْسُدَ خَلْقَكَ وَاَغْمِطَ حُكْمَكَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَطَيِّبْ بِقَضائِكَ نَفْسي وَوَسِّعْ بِمَواقِعِ حُكْمِكَ صَدْري وَهَبْ لِيَ الثِّقَةَ لِاُقِرَّ مَعَها بِاَنَّ قَضاءَكَ لَمْ يَجْرِ اِلّا بِالْخِيَرَةِ وَاجْعَلْ شُكْري لَكَ عَلىٰ ما زَوَيْتَ عَنّي اَوْفَرَ مِنْ شُكْري اِيّاكَ عَلىٰ ما خَوَّلْتَني وَاعْصِمْني مِنْ اَنْ اَظُنَّ بِذي عَدَمٍ خَساسَةً اَوْ اَظُنَّ بِصاحِبِ ثَرْوَةٍ فَضْلاً فَاِنَّ الشَّريفَ مَنْ شَرَّفَتْهُ طاعَتُكَ وَالْعَزيزَ مَنْ اَعَزَّتْهُ عِبادَتُكَ فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَمَتِّعْنا بِثَرْوَةٍ لا تَنْفَدُ وَاَيِّدْنا بِعِزٍّ لا يُفْقَدُ وَاسْرَحْنا في مُلْكِ الْاَبَدِ اِنَّكَ الْواحِدُ الْاَحَدُ الصَّمَدُ

الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُواً أَحَدٌ.

نیایش سی و پنجم[1]

حمد خداوند را رضا به قضای خداوندی را. شهادت می‌دهم که خدای یکتاروزیهای بندگانش را به عدالت تقسیم کرده و با همهٔ بندگانش به فضل و احسان رفتار کند.

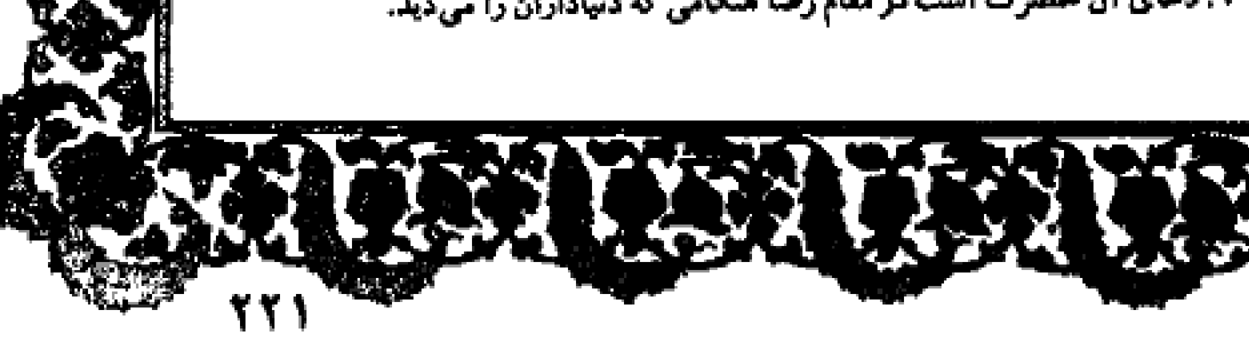
بارخدایا، درود بفرست بر محمد و خاندان او و مرا به آنچه توانگران را عطا کرده‌ای مفتون منمای و آنان را به آنچه مرا نداده‌ای به عُجب میفکن، تا مباد بر آفریدگانت رشك برم و تقدیر تو حقیر شمارم.

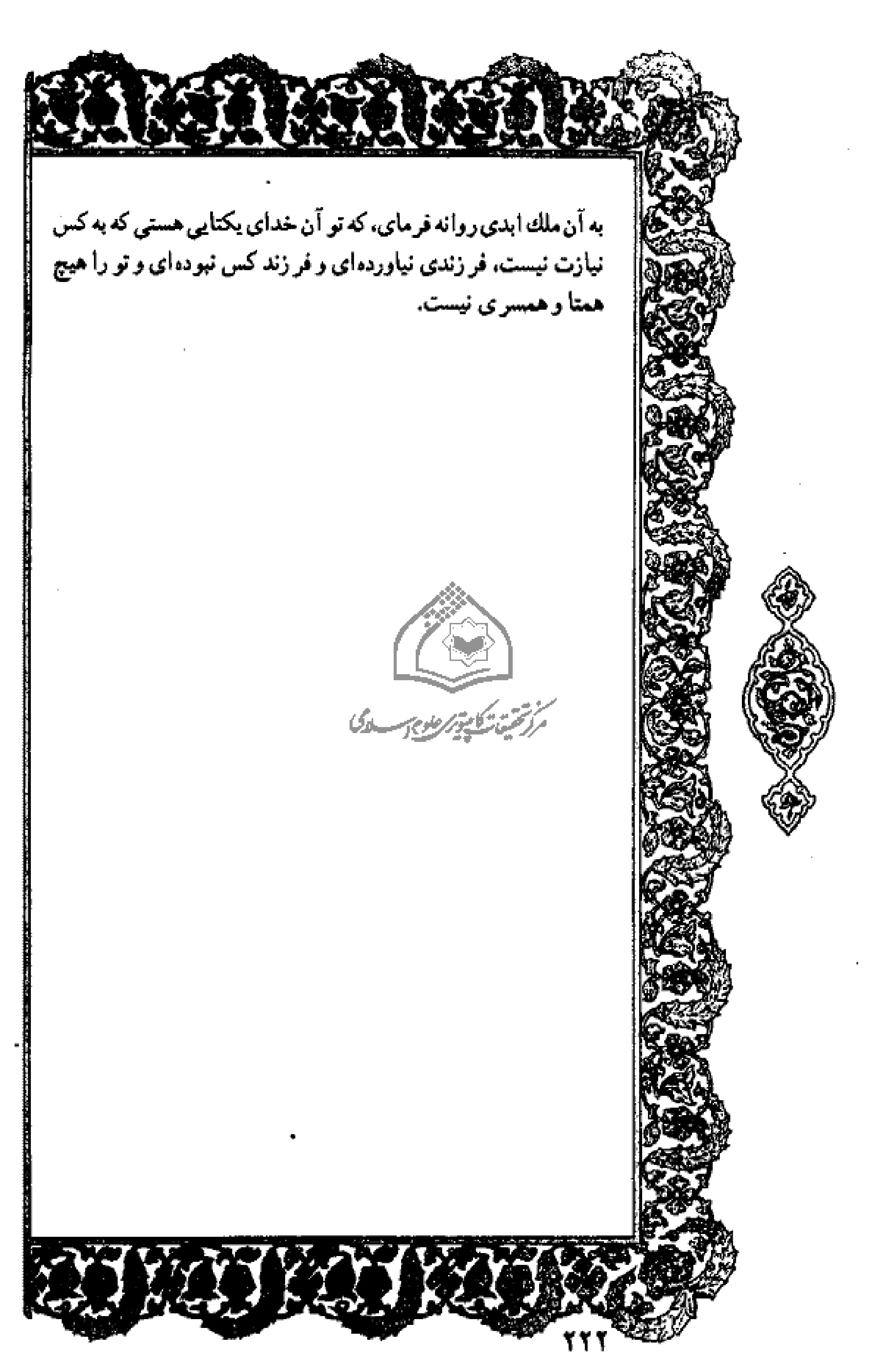
بارخدایا، درود بفرست بر محمد و خاندان او و خاطر من به قضای خود شاددار و آنجا که تقدیر توست سینهٔ من بگشای و همتی بلند عطا کن و دلم را اطمینانی چنان بخش که به پایمردی آن اقرار کنم که قضای تو جز به خیر ونیکی روان نگشته است. ای خداوند، سپاس مرا به درگاهت بر آنچه مرا نداده‌ای افزون تر نمای از سپاس من به درگاهت بر آنچه مرا عطا کرده‌ای.

ای خداوند، مرا در امان دار از اینکه به درویشی گمانِ فرومایگی برم یا به توانگری گمان فضل و شرف. زیرا شریف کسی است که فرمانبرداری تو شرافتش بخشیده باشد و عزیز کسی است که از پرستش تو عزت یافته باشد.

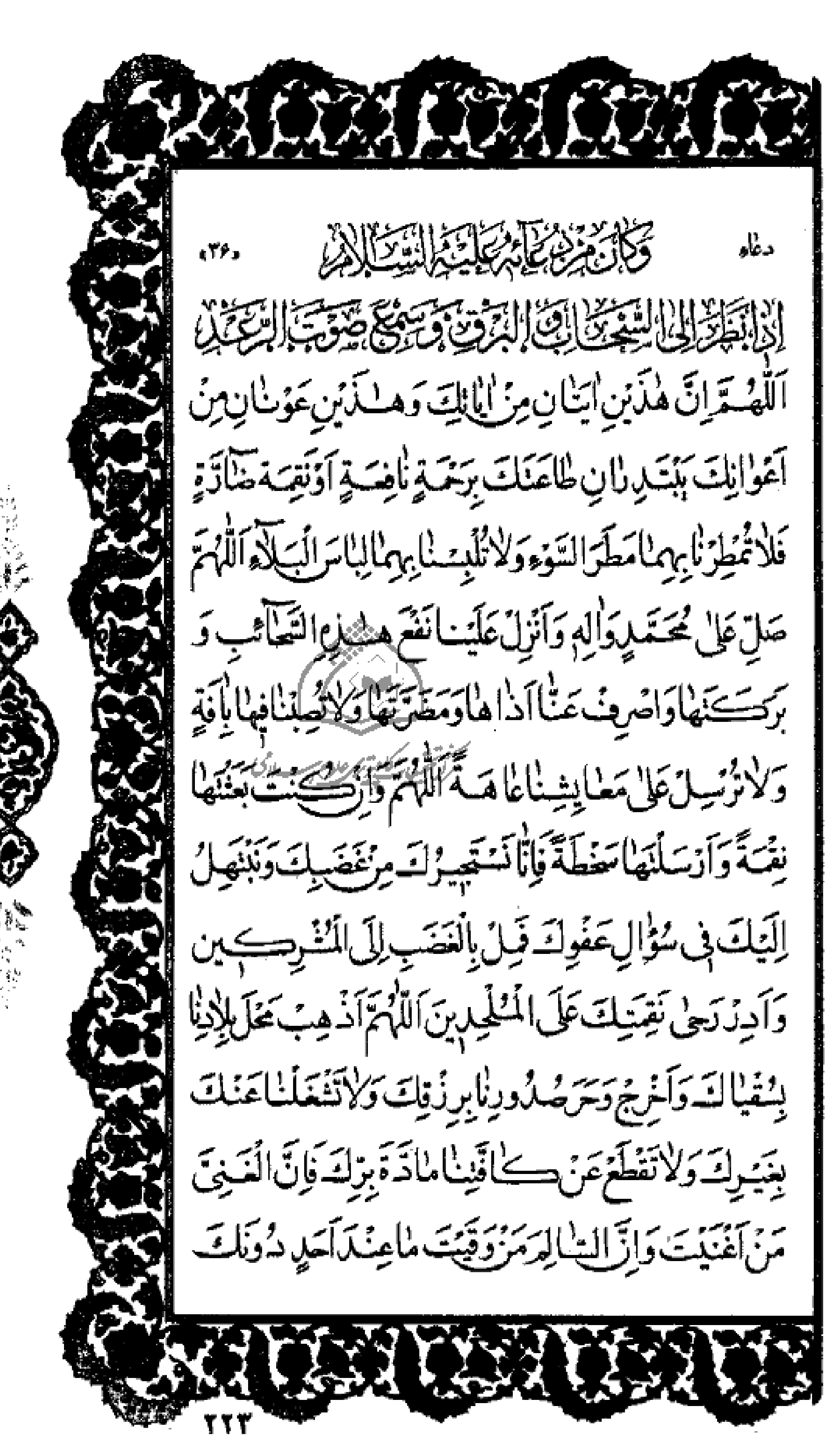
پس بر محمد و خاندان او درود بفرست و ما را از خواسته‌ای بهره‌مند گردان که پایان نپذیرد و به عزتی یاری ده که زوال نگیرد و ما را

۱. دعای آن حضرت است در مقام رضا هنگامی که دنیاداران را می‌دید.





به آن ملك ابدی روانه فرمای، که تو آن خدای یکتایی هستی که به کس نیازت نیست، فرزندی نیاورده‌ای و فرزند کس نبوده‌ای و تو را هیچ همتا و همسری نیست.

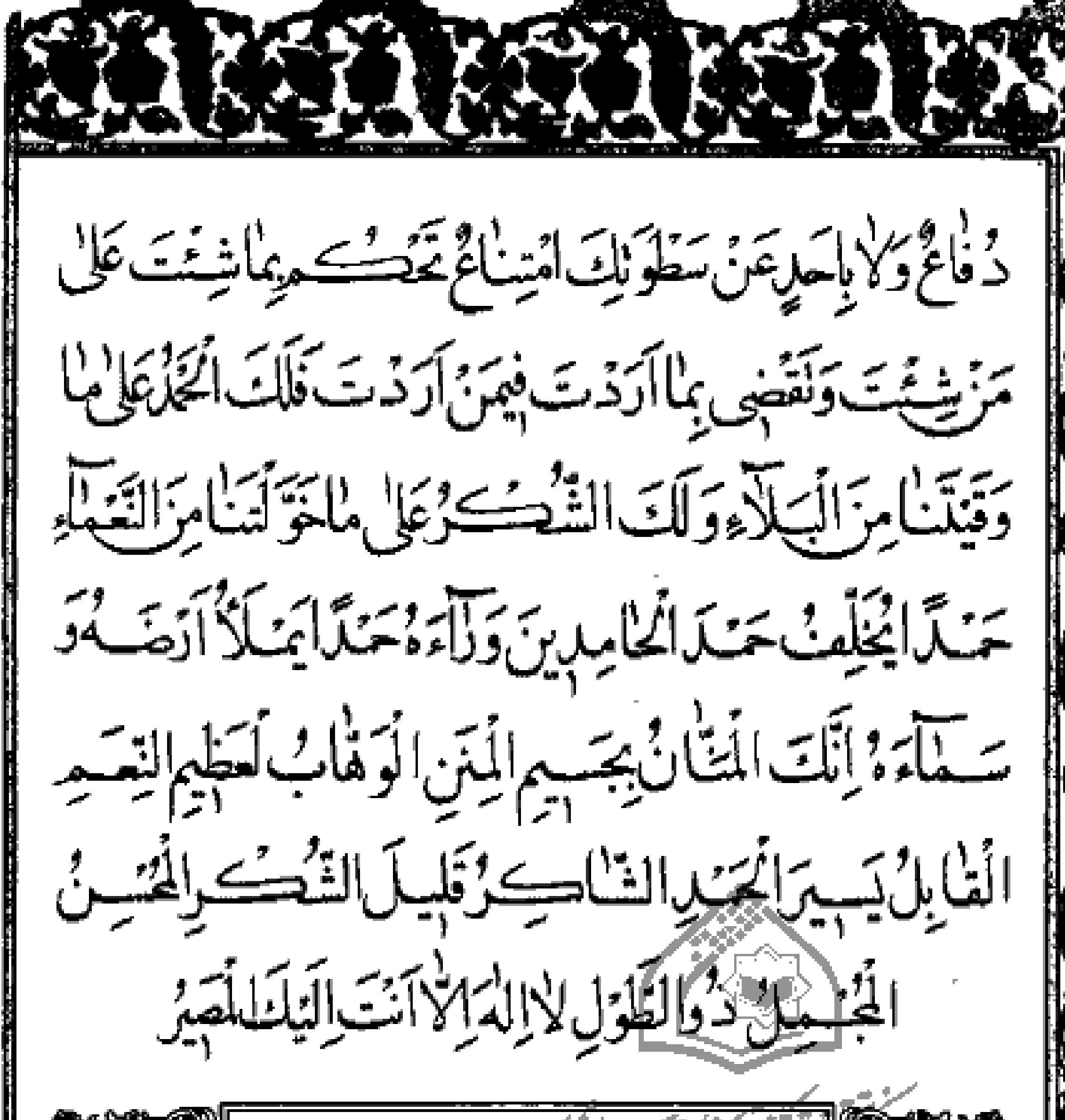


دعاء «٣٦»

وكان من دعائه عليه السلام

إذا نظر إلى السحاب والبرق وسمع صوت الرعد

اللهم إن هذين آيتان من آياتك وهذين عونان من
أعوانك يبتدران طاعتك برحمة نافعة أو نقمة ضارة
فلا تمطرنا بهما مطر السوء ولا تلبسنا بهما لباس البلاء اللهم
صل على محمد وآله وأنزل علينا نفع هذه السحائب و
بركتها واصرف عنا أذاها ومضرتها ولا تصبنا فيها بآفة
ولا ترسل على معايشنا عاهة اللهم وإن كنت بعثتها
نقمة وأرسلتها سخطة فإنا نستجيرك من غضبك ونبتهل
إليك في سؤال عفوك فمل بالغضب إلى المشركين
وأدر رحى نقمتك على الملحدين اللهم أذهب محل بلادنا
بسقياك وأخرج وحر صدورنا برزقك ولا تشغلنا عنك
بغيرك ولا تقطع عن كافتنا مادة برك فإن الغني
من أغنيت وإن السالم من وقيت ما عند أحد دونك

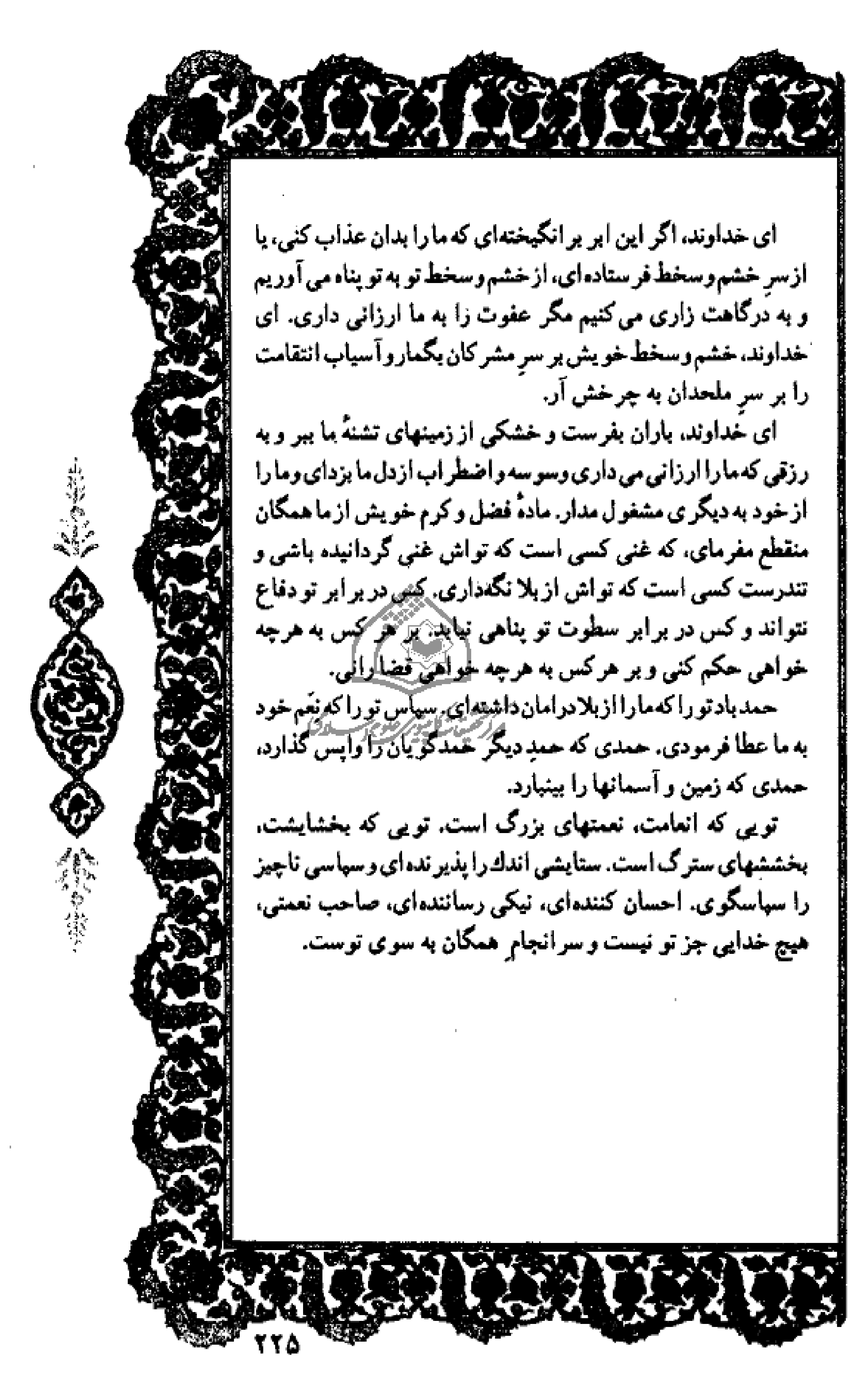


نیایش سی و ششم[1]

بارخدایا، این دو، دو نشانه از نشانه‌های تو و دو کارگزار از کارگزاران تو اند، که به فرمانبرداری تو می شتابند. آنگاه که بخواهی رحمت سودمند خود را فرستی یا عقوبت و عذاب زیانبار خویش را. ای خداوند، به آن دو، باران عذاب بر ما مبار و جامهٔ محنت و بلا بر ما میوشان.

بارخدایا، درود بفرست بر محمد و خاندانش و سود و برکت این ابرها را بر ما بباران و آزار و زیانشان از ما دور گردان و به آفت آن گرفتار مساز و برگ معیشت ما دچار بلا مگردان.

۱. دعای آن حضرت است هنگامی که به ابر و برق می نگریست یا آواز رعد می شنید.

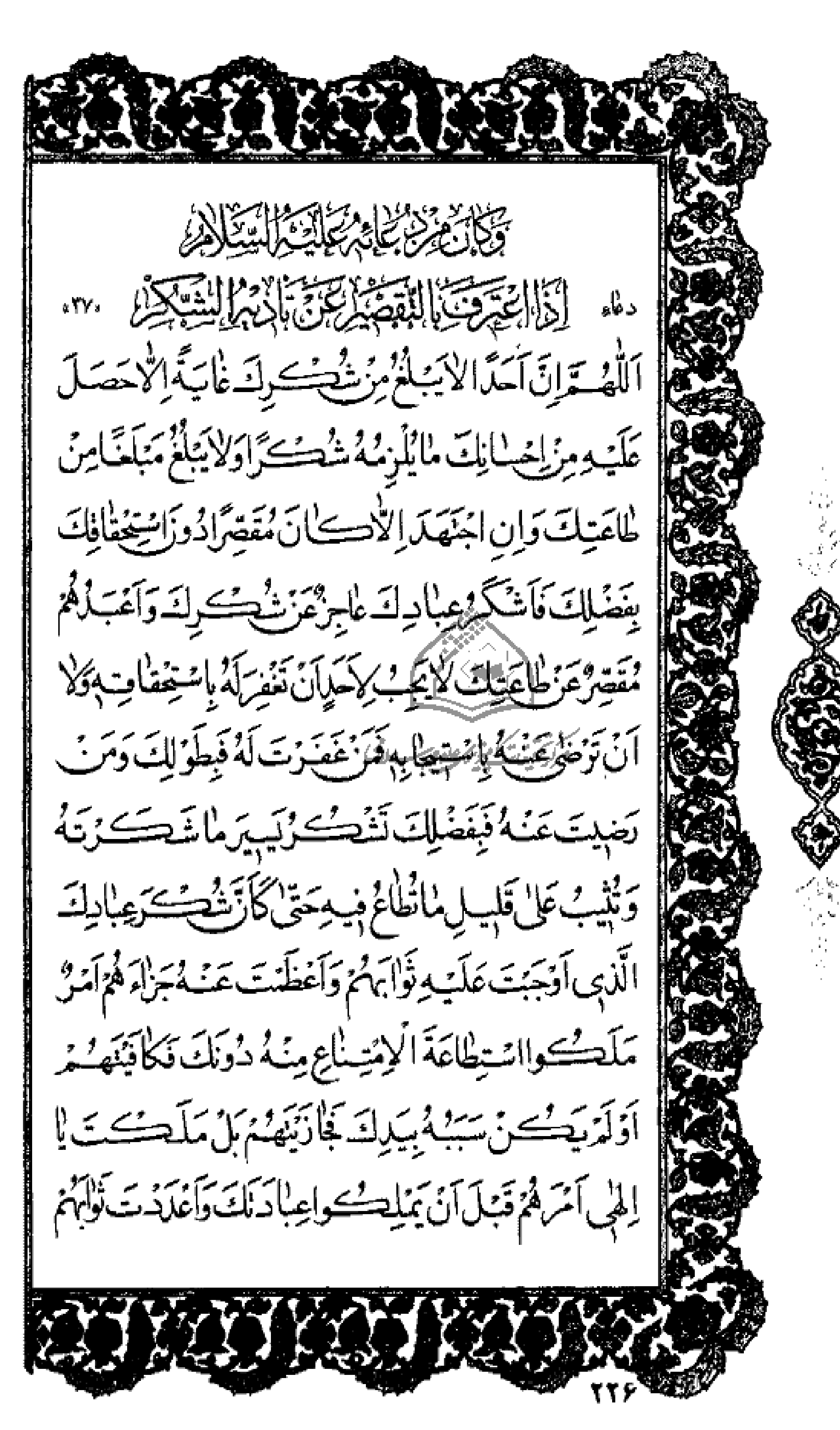


ای خداوند، اگر این ابر برانگیخته‌ای که ما را بدان عذاب کنی، یا ازسرِ خشم وسخط فرستاده‌ای، ازخشم وسخط تو به تو پناه می آوریم و به درگاهت زاری می کنیم مگر عفوت را به ما ارزانی داری. ای خداوند، خشم وسخط خویش بر سرِ مشرکان بگمار وآسیاب انتقامت را بر سرِ ملحدان به چرخش آر.

ای خداوند، باران بفرست و خشکی از زمینهای تشنهٔ ما ببر و به رزقی که ما را ارزانی می داری وسوسه واضطراب ازدل ما بزدای وما را ازخود به دیگری مشغول مدار. مادهٔ فضل و کرم خویش ازما همگان منقطع مفرمای، که غنی کسی است که تواش غنی گردانیده باشی و تندرست کسی است که تواش از بلا نگه‌داری. کس در برابر تو دفاع نتواند و کس در برابر سطوت تو پناهی نیابد. بر هر کس به هرچه خواهی حکم کنی و بر هرکس به هرچه خواهی قضا رانی.

حمد باد تو را که ما را ازبلا درامان داشته‌ای. سپاس تو را که نعَم خود به ما عطا فرمودی. حمدی که حمدِ دیگر حمدگویان را واپس گذارد، حمدی که زمین و آسمانها را بینبارد.

تویی که انعامت، نعمتهای بزرگ است. تویی که بخشایشت، بخششهای سترگ است. ستایشی اندک را پذیرنده‌ای وسپاسی ناچیز را سپاسگوی. احسان کننده‌ای، نیکی رساننده‌ای، صاحب نعمتی، هیچ خدایی جز تو نیست و سرانجامِ همگان به سوی توست.



وَكانَ مِنْ دُعائِهِ عَلَيْهِ السَّلامُ

إذا اعْتَرَفَ بِالتَّقْصيرِ عَنْ تَأْدِيَةِ الشُّكْرِ

دعاء ٣٧

اللّهُمَّ إنَّ أحَداً لا يَبْلُغُ مِنْ شُكْرِكَ غايَةً إلّا حَصَلَ
عَلَيْهِ مِنْ إحْسانِكَ ما يُلْزِمُهُ شُكْراً وَلا يَبْلُغُ مَبْلَغاً مِنْ
طاعَتِكَ وَإنِ اجْتَهَدَ إلّا كانَ مُقَصِّراً دُونَ اسْتِحْقاقِكَ
بِفَضْلِكَ فَأشْكَرُ عِبادِكَ عاجِزٌ عَنْ شُكْرِكَ وَأعْبَدُهُمْ
مُقَصِّرٌ عَنْ طاعَتِكَ لا يَجِبُ لِأحَدٍ أنْ تَغْفِرَ لَهُ بِاسْتِحْقاقِهِ وَلا
أنْ تَرْضى عَنْهُ بِاسْتِيجابِهِ فَمَنْ غَفَرْتَ لَهُ فَبِطَوْلِكَ وَمَنْ
رَضِيتَ عَنْهُ فَبِفَضْلِكَ تَشْكُرُ يَسيرَ ما شَكَرْتَهُ
وَتُثيبُ عَلى قَليلِ ما تُطاعُ فيهِ حَتّى كَأنَّ شُكْرَ عِبادِكَ
الَّذي أوْجَبْتَ عَلَيْهِ ثَوابَهُمْ وَأعْظَمْتَ عَنْهُ جَزاءَهُمْ أمْرٌ
مَلَكُوا اسْتِطاعَةَ الِامْتِناعِ مِنْهُ دُونَكَ فَكافَيْتَهُمْ
أوْ لَمْ يَكُنْ سَبَبُهُ بِيَدِكَ فَجازَيْتَهُمْ بَلْ مَلَكْتَ يا
إلهي أمْرَهُمْ قَبْلَ أنْ يَمْلِكُوا عِبادَتَكَ وَأعْدَدْتَ ثَوابَهُمْ

قَبْلَ اَنْ يُفيضُوا في طاعَتِكَ وَذلِكَ اَنَّ سُنَّتَكَ الْاِفْضالُ

وَعادَتَكَ الْاِحْسانُ وَسَبيلَكَ الْعَفْوُ فَكُلُّ الْبَرِيَّةِ

مُعْتَرِفَةٌ بِاَنَّكَ غَيْرُ ظالِمٍ لِمَنْ عاقَبْتَ وَشاهِدَةٌ بِاَنَّكَ مُتَفَضِّلٌ

عَلى مَنْ عافَيْتَ وَكُلٌّ مُقِرٌّ عَلى نَفْسِهِ بِالتَّقْصيرِ عَمَّا

اسْتَوْجَبْتَ فَلَوْلا اَنَّ الشَّيْطانَ يَخْتَدِعُهُمْ عَنْ طاعَتِكَ

ما عَصاكَ عاصٍ وَلَوْلا اَنَّهُ صَوَّرَ لَهُمُ الْباطِلَ في مِثالِ

الْحَقِّ ما ضَلَّ عَنْ طَريقِكَ ضالٌّ فَسُبْحانَكَ ما اَبْيَنَ كَرَمَكَ

في مُعامَلَةِ مَنْ اَطاعَكَ اَوْ عَصاكَ تَشْكُرُ لِلْمُطيعِ ما

اَنْتَ تَوَلَّيْتَهُ لَهُ وَتُمْلي لِلْعاصي فيما تَمْلِكُ مُعاجَلَتَهُ فيهِ

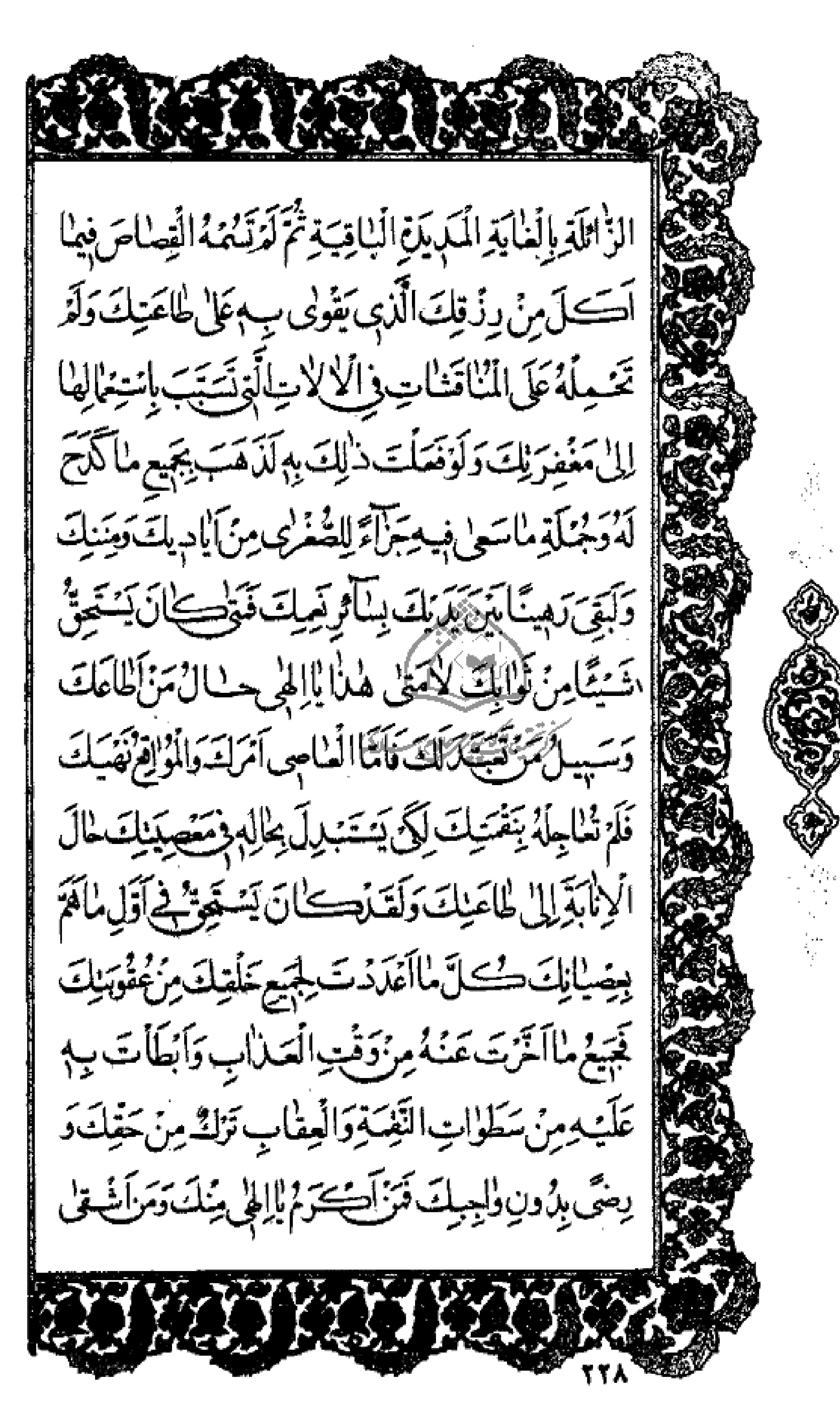
اَعْطَيْتَ كُلًّا مِنْهُما ما لَمْ يَجِبْ لَهُ وَتَفَضَّلْتَ عَلى كُلٍّ

مِنْهُما بِما يَقْصُرُ عَمَلُهُ عَنْهُ وَلَوْ كافَاْتَ الْمُطيعَ عَلى ما

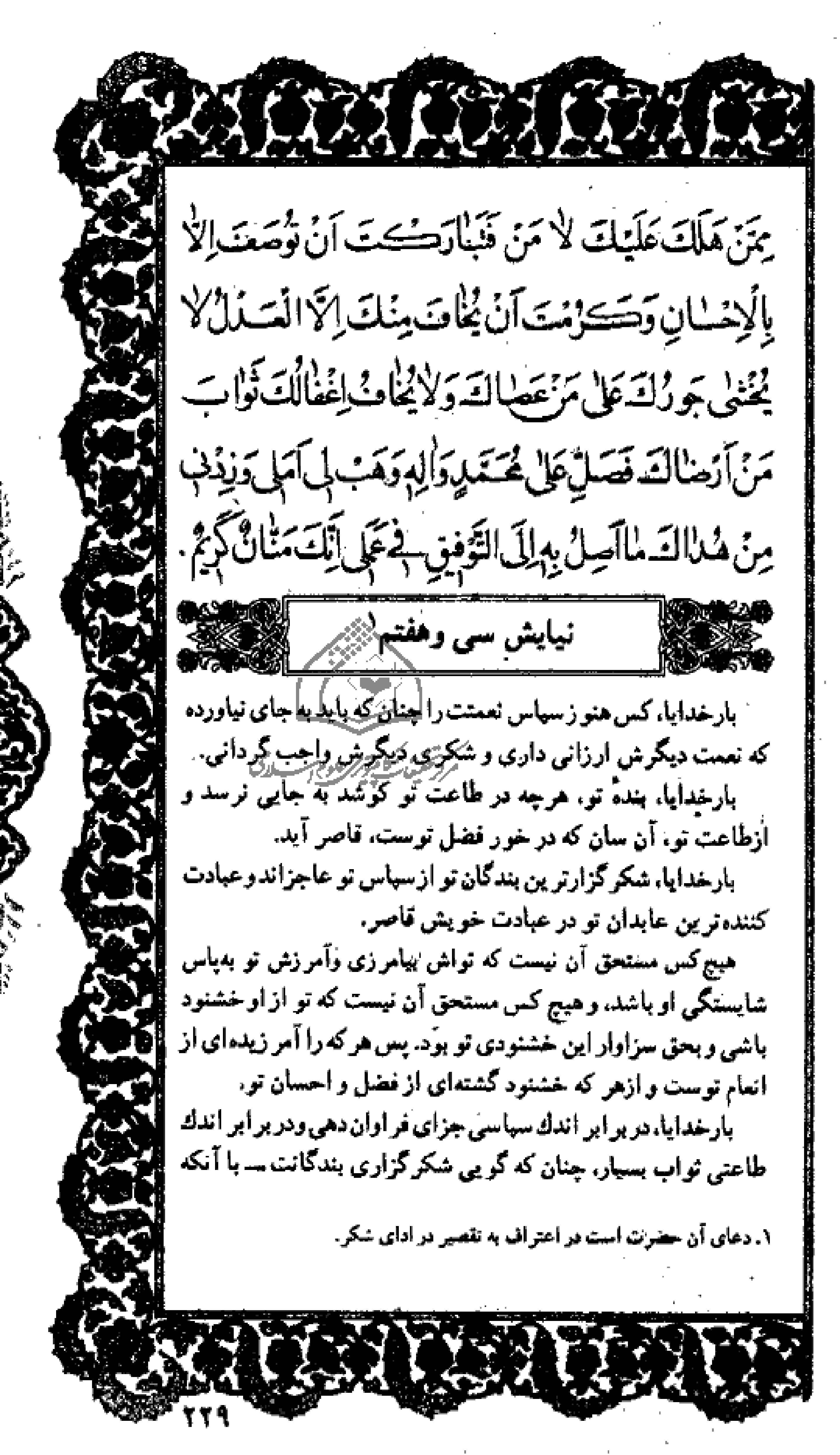
اَنْتَ تَوَلَّيْتَهُ لَاَوْشَكَ اَنْ يَفْقِدَ ثَوابَكَ وَاَنْ تَزُولَ عَنْهُ

نِعْمَتُكَ وَلكِنَّكَ بِكَرَمِكَ جازَيْتَهُ عَلَى الْمُدَّةِ

الْقَصيرَةِ الْفانِيَةِ بِالْمُدَّةِ الطَّويلَةِ الْخالِدَةِ وَعَلَى الْغايَةِ الْقَريبَةِ



الزّائلة بالغاية المديدة الباقية ثمّ لم تسمه القصاص فيما
اكل من رزقك الّذي يقوى به على طاعتك ولم
تحمله على المناقشات في الآلات الّتي تسبّب باستعمالها
الى مغفرتك ولو فعلت ذلك به لذهب بجميع ما كدح
له وجملة ما سعى فيه جزاءً للصّغرى من اياديك ومننك
ولبقي رهيناً بين يديك بسائر نعمك فمتى كان يستحقّ
شيئاً من ثوابك لا متى هذا يا الهي حال من اطاعك
وسبيل من تعبّد لك فامّا العاصي امرك والمواقع نهيك
فلم تعاجله بنقمتك لكي يستبدل بحاله في معصيتك حال
الانابة الى طاعتك ولقد كان يستحقّ في اوّل ما همّ
بعصيانك كلّ ما اعددت لجميع خلقك من عقوبتك
فجميع ما اخّرت عنه من وقت العذاب وابطأت به
عليه من سطوات النّقمة والعقاب ترك من حقّك و
رضىً بدون واجبك فمن اكرم يا الهي منك ومن اشقى



مِمَّنْ هَلَكَ عَلَيْكَ لا مَنْ فَتَبارَكْتَ أَنْ تُوصَفَ إِلاّ بِالْإِحْسانِ وَكَرُمْتَ أَنْ يُخافَ مِنْكَ إِلاَّ الْعَدْلُ لا يُخْشى جَوْرُكَ عَلى مَنْ عَصاكَ وَلا يُخافُ إِغْفالُكَ ثَوابَ مَنْ أَرْضاكَ فَصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَهَبْ لي أَمَلي وَزِدْني مِنْ هُداكَ ما أَصِلُ بِهِ إِلَى التَّوْفيقِ في عَمَلي إِنَّكَ مَنّانٌ كَريمٌ.

نیایش سی و هفتم[1]

بارخدایا، کس هنوز سپاس نعمت را چنان که باید به جای نیاورده که نعمت دیگرش ارزانی داری و شکری دیگرش واجب گردانی.

بارخدایا، بندهٔ تو، هرچه در طاعت تو کوشد به جایی نرسد و ازطاعت تو، آن سان که در خور فضل توست، قاصر آید.

بارخدایا، شکرگزارترین بندگان تو ازسپاس تو عاجزاند وعبادت کننده ترین عابدان تو در عبادت خویش قاصر.

هیچ کس مستحق آن نیست که تواش بیامرزی وآمرزش تو به‌پاس شایستگی او باشد، وهیچ کس مستحق آن نیست که تو از او خشنود باشی و بحق سزاوار این خشنودی تو بود. پس هر که را آمرزیده‌ای از انعام توست و ازهر که خشنود گشته‌ای از فضل و احسان تو.

بارخدایا، دربرابر اندك سپاسی جزای فراوان دهی ودربرابر اندك طاعتی ثواب بسیار، چنان که گویی شکرگزاری بندگانت ـ با آنکه

۱. دعای آن حضرت است در اعتراف به تقصیر در ادای شکر.

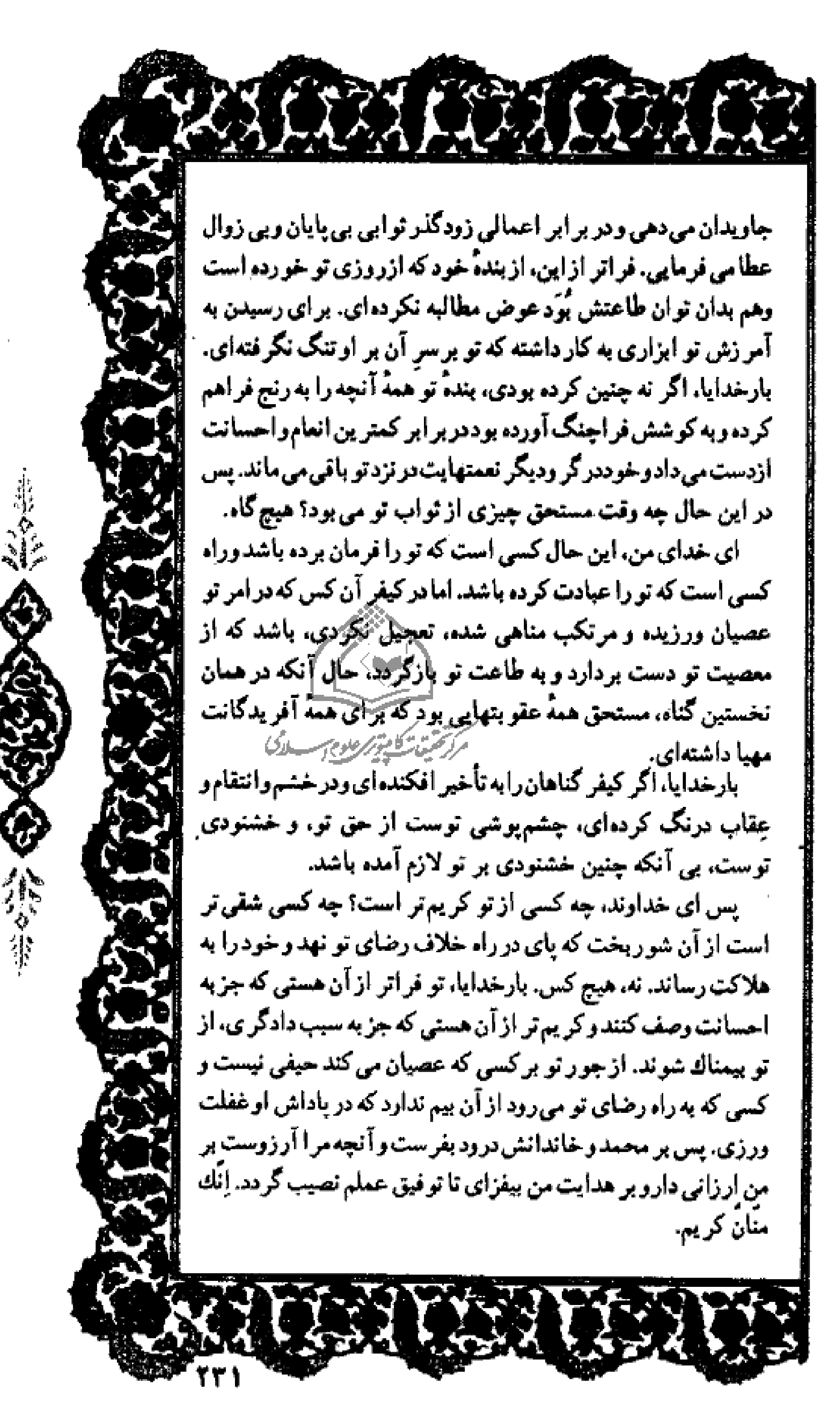
دربرابر آن برایشان ثوابی مقرر داشته‌ای و اجری عظیم داده‌ای ــ چیزی است که آنان را در برابر تو یارای سر برتافتن از آن بوده است که پاداششان می‌دهی، یا آنکه خود سبب آن نبوده‌ای که اکنون جزایشان عطا می‌فرمایی! نه چنین است ــ ای خداوندِ من ــ که زمام کار بندگان تو به دست تو بوده پیش از آنکه توان عبادتشان باشد و ثواب ایشان را مهیا کرده‌ای پیش از آنکه به اطاعتت روی آرند. زیرا شیوهٔ تو بخشندگی است و خوی تو نیکوکاری است و راه و آیین تو بخشایندگی.

بارخدایا، همهٔ آفریدگان معترفند که هر که را عقوبت کنی بر او ستم نکرده‌ای و همگان بر این گواهند که هر که را از عذاب رهایی بخشی درحق او احسان کرده‌ای و همه اقرار می‌کنند که حق عبادت و شکر تو را آن چنان که درخور آن هستی به جای نیاورده‌اند.

بارخدایا، اگر آدمیان را شیطان نفریفته و از طاعت تو بازنداشته بود، هیچ گنهکاری جامهٔ جان به گناه نمی‌آلود و اگر باطل را در چهرهٔ حق جلوه نمی‌داد، هیچ گمگشته‌ای راه تو گم نمی‌کرد.

خداوندا، منزهی تو. وه که چه آشکار است نشان کَرَم تو در معامله با آن که اطاعتت کند یا معصیتت ورزد: فرمانبردار را پاداش نیکو می‌دهی وحال آنکه تو خود توان فرمانبرداری اش داده‌ای و کیفر گناهکار را با آنکه در موآخذتش قدرت داری به تأخیر می‌افکنی. هردو را چیزی عنایت می‌کنی که نه سزاوار آن بوده‌اند و اعمالشان از احسانی که درحقشان روامی‌داری قاصر است.

بارخدایا، اگر آن را که فرمانبردار توست، به مقتضای عملش ــ که تو خود بر آنش گماشته‌ای ــ پاداش می‌دادی، بیم آن بود که ثواب تو از دست بدهد و نعمتی که عنایتش داشته‌ای زایل گردد. ولی تو به کَرَم خود، در برابر اندك زمانی عبادت در این دنیای فانی، پاداشی طولانی و

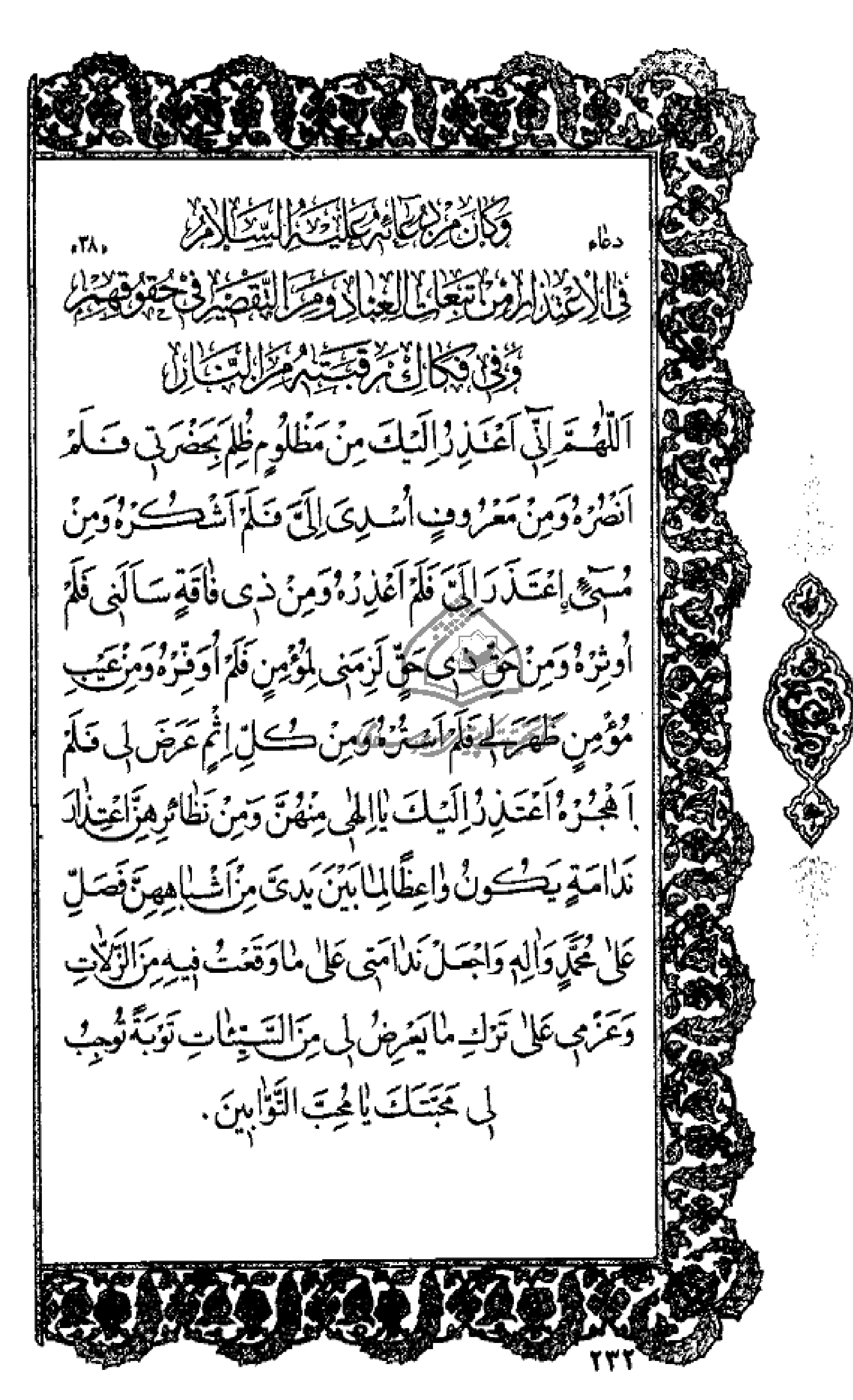


جاویدان می‌دهی و در برابر اعمالی زودگذر ثوابی بی‌پایان و بی‌زوال عطا می‌فرمایی. فراتر از این، از بندهٔ خود که از روزی تو خورده است و هم بدان توان طاعتش بُوَد عوض مطالبه نکرده‌ای. برای رسیدن به آمرزش تو ابزاری به کار داشته که تو بر سرِ آن بر او تنگ نگرفته‌ای. بارخدایا، اگر نه چنین کرده بودی، بندهٔ تو همهٔ آنچه را به رنج فراهم کرده و به کوشش فراچنگ آورده بود در برابر کمترین انعام و احسانت از دست می‌داد و خود در گرو دیگر نعمتهایت در نزد تو باقی می‌ماند. پس در این حال چه وقت مستحق چیزی از ثواب تو می‌بود؟ هیچ گاه.

ای خدای من، این حال کسی است که تو را فرمان برده باشد و راه کسی است که تو را عبادت کرده باشد. اما در کیفر آن کس که در امر تو عصیان ورزیده و مرتکب مناهی شده، تعجیل نکردی، باشد که از معصیت تو دست بردارد و به طاعت تو بازگردد، حال آنکه در همان نخستین گناه، مستحق همهٔ عقوبتهایی بود که برای همهٔ آفریدگانت مهیا داشته‌ای.

بارخدایا، اگر کیفر گناهان را به تأخیر افکنده‌ای و در خشم و انتقام و عِقاب درنگ کرده‌ای، چشم‌پوشی توست از حق تو، و خشنودی توست، بی آنکه چنین خشنودی بر تو لازم آمده باشد.

پس ای خداوند، چه کسی از تو کریم‌تر است؟ چه کسی شقی‌تر است از آن شوربخت که پای در راه خلاف رضای تو نهد و خود را به هلاکت رساند. نه، هیچ کس. بارخدایا، تو فراتر از آن هستی که جز به احسانت وصف کنند و کریم‌تر از آن هستی که جز به سبب دادگری، از تو بیمناک شوند. از جور تو بر کسی که عصیان می‌کند حیفی نیست و کسی که به راه رضای تو می‌رود از آن بیم ندارد که در پاداش او غفلت ورزی. پس بر محمد و خاندانش درود بفرست و آنچه مرا آرزوست بر من ارزانی دار و بر هدایت من بیفزای تا توفیق عملم نصیب گردد. إنّك منّانٌ كريم.

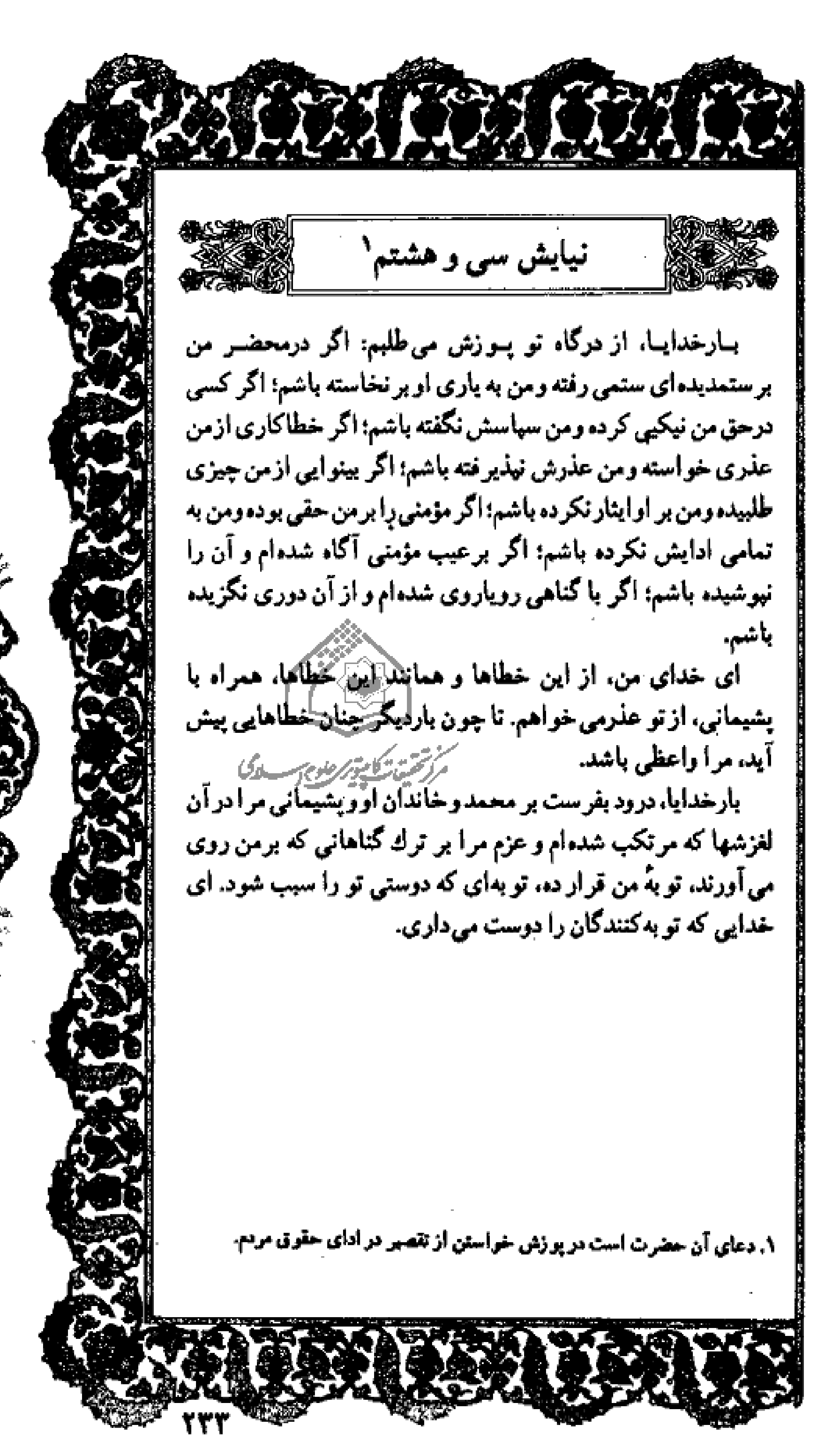


وكان من دعائه عليه السلام

دعاء ٣٨

في الاعتذار من تبعات العباد ومن التقصير في حقوقهم وفي فكاك رقبته من النار

اَللّٰهُمَّ اِنّي اَعْتَذِرُ اِلَيْكَ مِنْ مَظْلُومٍ ظُلِمَ بِحَضْرَتي فَلَمْ اَنْصُرْهُ وَمِنْ مَعْرُوفٍ اُسْدِيَ اِلَيَّ فَلَمْ اَشْكُرْهُ وَمِنْ مُسيءٍ اِعْتَذَرَ اِلَيَّ فَلَمْ اَعْذِرْهُ وَمِنْ ذي فاقَةٍ سَاَلَني فَلَمْ اُوثِرْهُ وَمِنْ حَقِّ ذي حَقٍّ لَزِمَني لِمُؤْمِنٍ فَلَمْ اُوَفِّرْهُ وَمِنْ عَيْبِ مُؤْمِنٍ ظَهَرَ لي فَلَمْ اَسْتُرْهُ وَمِنْ كُلِّ اِثْمٍ عَرَضَ لي فَلَمْ اَهْجُرْهُ اَعْتَذِرُ اِلَيْكَ يا اِلٰهي مِنْهُنَّ وَمِنْ نَظائِرِهِنَّ اعْتِذارَ نَدامَةٍ يَكُونُ واعِظاً لِما بَيْنَ يَدَيَّ مِنْ اَشْباهِهِنَّ فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْعَلْ نَدامَتي عَلىٰ ما وَقَعْتُ فيهِ مِنَ الزَّلّاتِ وَعَزْمي عَلىٰ تَرْكِ ما يَعْرِضُ لي مِنَ السَّيِّئاتِ تَوْبَةً تُوجِبُ لي مَحَبَّتَكَ يا مُحِبَّ التَّوّابينَ.



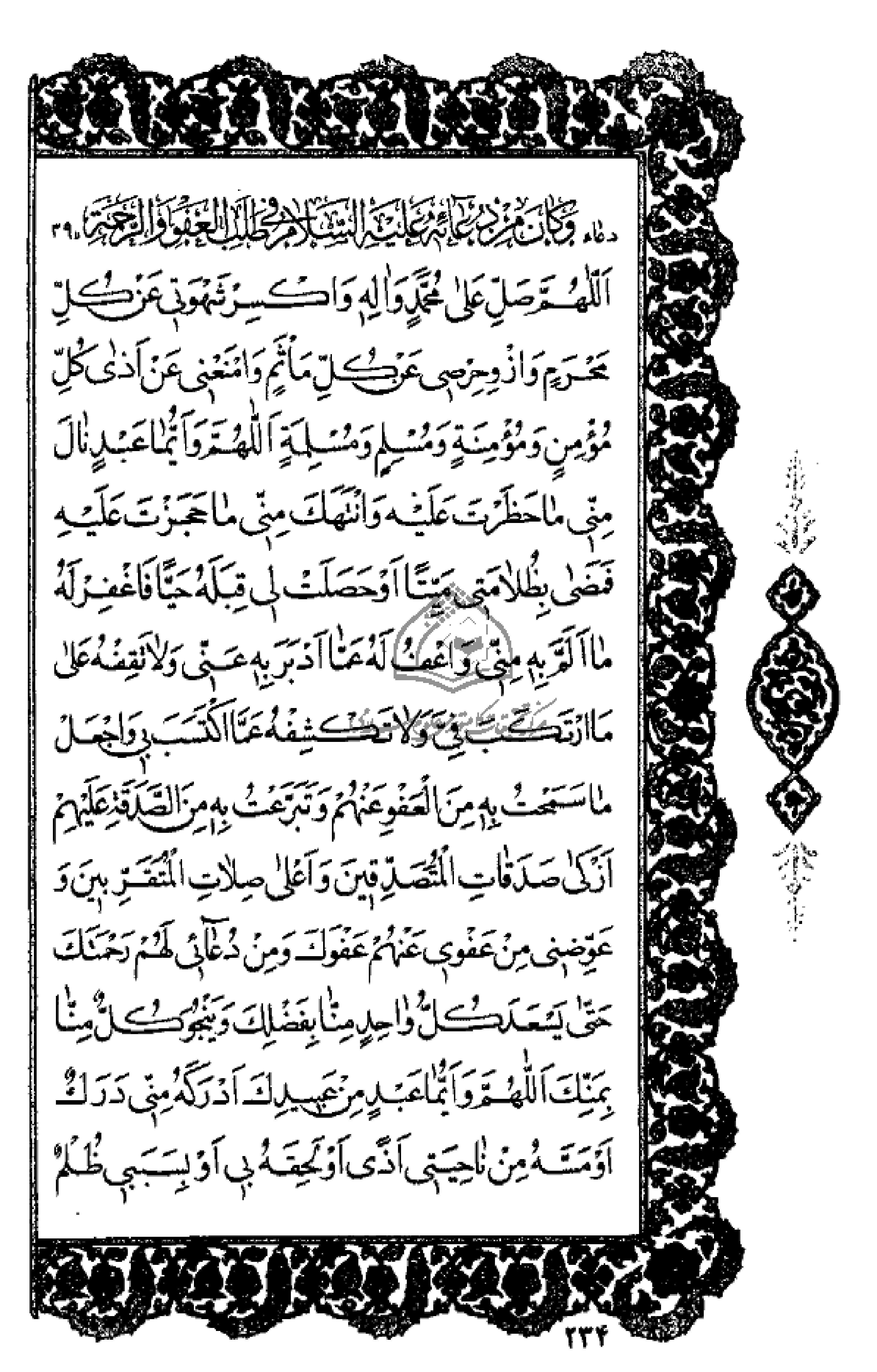
نیایش سی و هشتم[1]

بارخدایا، از درگاه تو پوزش می‌طلبم: اگر درمحضر من بر ستمدیده‌ای ستمی رفته و من به یاری او برنخاسته باشم؛ اگر کسی درحق من نیکیی کرده و من سپاسش نگفته باشم؛ اگر خطاکاری از من عذری خواسته و من عذرش نپذیرفته باشم؛ اگر بینوایی از من چیزی طلبیده و من بر او ایثار نکرده باشم؛ اگر مؤمنی را بر من حقی بوده و من به تمامی ادایش نکرده باشم؛ اگر برعیب مؤمنی آگاه شده‌ام و آن را نپوشیده باشم؛ اگر با گناهی رویاروی شده‌ام و از آن دوری نگزیده باشم.

ای خدای من، از این خطاها و همانند این خطاها، همراه با پشیمانی، از تو عذرمی خواهم. تا چون باردیگر چنان خطاهایی پیش آید، مرا واعظی باشد.

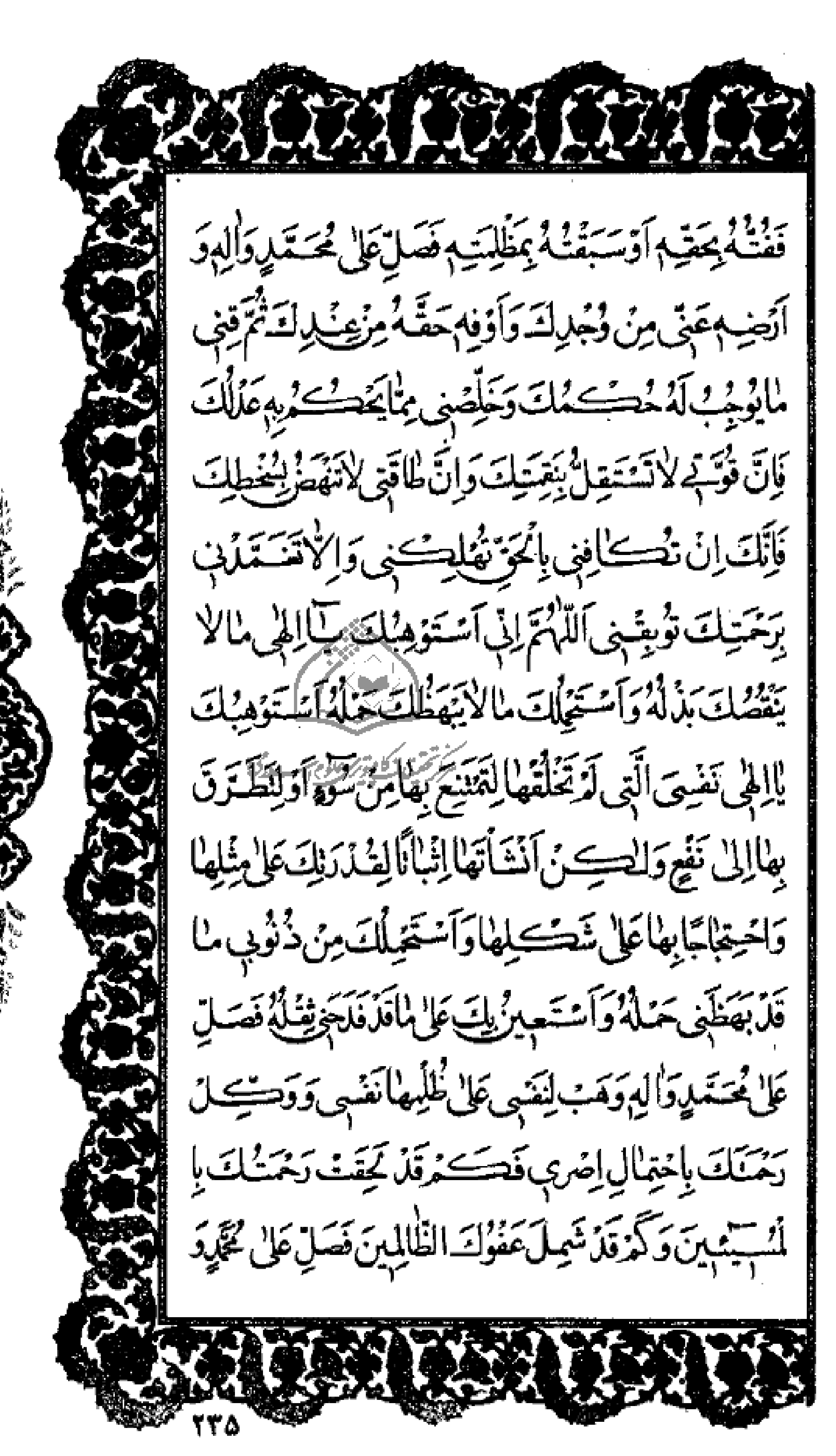
بارخدایا، درود بفرست بر محمد وخاندان او وپشیمانی مرا در آن لغزشها که مرتکب شده‌ام و عزم مرا بر ترک گناهانی که برمن روی می‌آورند، توبهٔ من قرار ده، توبه‌ای که دوستی تو را سبب شود. ای خدایی که توبه‌کنندگان را دوست می‌داری.

۱. دعای آن حضرت است درپوزش خواستن از تقصیر در ادای حقوق مردم.



وكان من دعائه عليه السلام في طلب العفو والرحمة ﴿دعاء ٣٩﴾

اللهم صل على محمد وآله واكسر شهوتي عن كل
محرم وازو حرصي عن كل مأثم وامنعني عن أذى كل
مؤمن ومؤمنة ومسلم ومسلمة اللهم وأيما عبد نال
مني ما حظرت عليه وانتهك مني ما حجرت عليه
فمضى بظلامتي ميتا أو حصلت لي قبله حيا فاغفر له
ما ألم به مني واعف له عما أدبر به عني ولا تقفه على
ما ارتكب في ولا تكشفه عما اكتسب بي واجعل
ما سمحت به من العفو عنهم وتبرعت به من الصدقة عليهم
أزكى صدقات المتصدقين وأعلى صلات المتقربين و
عوضني من عفوي عنهم عفوك ومن دعائي لهم رحمتك
حتى يسعد كل واحد منا بفضلك وينجو كل منا
بمنك اللهم وأيما عبد من عبيدك أدركه مني درك
أو مسه من ناحيتي أذى أو لحقه بي أو بسببي ظلم

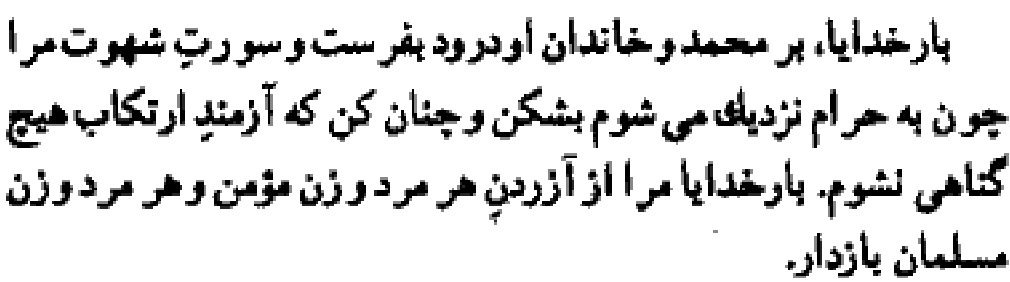


فَفُتُّهُ بِحَقِّهِ أَوْ سَبَقْتُهُ بِمَظْلَمَتِهِ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَ
أَرْضِهِ عَنِّي مِنْ وُجْدِكَ وَأَوْفِهِ حَقَّهُ مِنْ عِنْدِكَ ثُمَّ قِنِي
مَا يُوجِبُ لَهُ حُكْمُكَ وَخَلِّصْنِي مِمَّا يَحْكُمُ بِهِ عَدْلُكَ
فَإِنَّ قُوَّتِي لَا تَسْتَقِلُّ بِنَقِمَتِكَ وَإِنَّ طَاقَتِي لَا تَنْهَضُ بِسُخْطِكَ
فَإِنَّكَ إِنْ تُكَافِنِي بِالْحَقِّ تُهْلِكْنِي وَإِلَّا تَغَمَّدْنِي
بِرَحْمَتِكَ تُوبِقْنِي اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْتَوْهِبُكَ يَا إِلٰهِي مَا لَا
يَنْقُصُكَ بَذْلُهُ وَأَسْتَحْمِلُكَ مَا لَا يَبْهَظُكَ حَمْلُهُ أَسْتَوْهِبُكَ
يَا إِلٰهِي نَفْسِيَ الَّتِي لَمْ تَخْلُقْهَا لِتَمْتَنِعَ بِهَا مِنْ سُوءٍ أَوْ لِتَطَرَّقَ
بِهَا إِلَى نَفْعٍ وَلٰكِنْ أَنْشَأْتَهَا إِثْبَاتًا لِقُدْرَتِكَ عَلَى مِثْلِهَا
وَاحْتِجَاجًا بِهَا عَلَى شَكْلِهَا وَأَسْتَحْمِلُكَ مِنْ ذُنُوبِي مَا
قَدْ بَهَظَنِي حَمْلُهُ وَأَسْتَعِينُ بِكَ عَلَى مَا قَدْ فَدَحَنِي ثِقْلُهُ فَصَلِّ
عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَهَبْ لِنَفْسِي عَلَى ظُلْمِهَا نَفْسِي وَوَكِّلْ
رَحْمَتَكَ بِاحْتِمَالِ إِصْرِي فَكَمْ قَدْ لَحِقَتْ رَحْمَتُكَ بِا
لْمُسِيئِينَ وَكَمْ قَدْ شَمِلَ عَفْوُكَ الظَّالِمِينَ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ

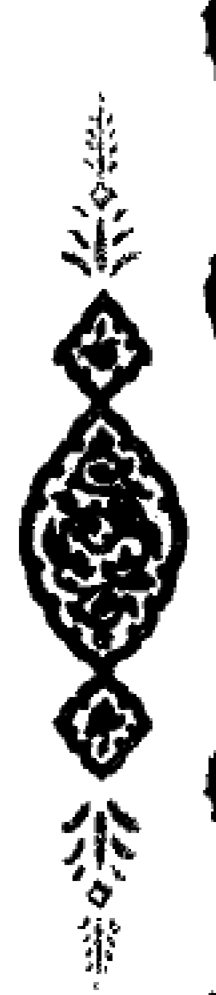
إلهي واجعلني أسوة من قد أنهضته بتجاوزك عن مصارع الخاطئين وخلصته بتوفيقك من ورطات المجرمين فأصبح طليق عفوك من إسار سخطك وعتيق صنعك من وثاق عدلك إنك إن تفعل ذلك يا إلهي تفعله بمن لا يجحد استحقاق عقوبتك ولا يبرئ نفسه من استيجاب نقمتك تفعل ذلك يا إلهي بمن خوفه منك أكثر من طمعه فيك وبمن يأسه من النجاة أوكد من رجائه للخلاص لا أن يكون يأسه قنوطا أو أن يكون طمعه اغترارا بل لقلة حسناته بين سيئاته وضعف حججه في جميع تبعاته فأما أنت يا إلهي فأهل أن لا يغتر بك الصديقون ولا ييأس منك المجرمون لأنك الرب العظيم الذي لا يمنع أحدا فضله ولا يستقصي من أحد حقه تعالى ذكرك عن المذكورين وتقدست أسماؤك عن المنسوبين وفشت نعمتك في جميع المخلوقين فلك الحمد على ذلك



یارَبَّ العالَمینَ.



نیایش سی و نهم[1]



بارخدایا، بر محمد و خاندان او درود بفرست و سورتِ شهوت مرا چون به حرام نزدیک می شوم بشکن و چنان کن که آزمندِ ارتکاب هیچ گناهی نشوم. بارخدایا مرا از آزردنِ هر مرد و زن مؤمن و هر مرد و زن مسلمان بازدار.

بارخدایا، هر بنده‌ای که دربارهٔ من مرتکب عملی شده که تو آن را نهی کرده ای، یا در آنچه تو منع فرموده ای پردهٔ حرمت من دریده، و اینک که حق مرا ضایع کرده درگذشته، یا هنوز زنده است و حقی از من برگردن اوست، او را در این ستمی که بر من رواداشته و اکنون گریبانگیر اوست بیامرز، و در حقی که از من تباه کرده عفو نمای. بارخدایا، اگردر حق من خلافی به جای آورده است، او را سرزنش مکن. اگر به سبب آزار من گناهی براوست، او را رسوا مساز. ای خداوند، این عفو و گذشتِ مرا و این صدقه‌ای را که به آنان ارزانی داشته‌ام پاک ترین صدقهٔ بخشندگان و برتر از هر صله و عطیه‌ای قرارده که برای تقرب جستن به تو ارزانی شده است.

آن سان که من از آنان درگذشته‌ام، تو نیز از من درگذر و آن سان که من درحق آنان دعای خیر کرده‌ام تو نیز رحمت خود از من دریغ مدار، تا هم من و هم ایشان به برکت فضل و احسان تو به سعادت رسیم و رهایی یابیم.

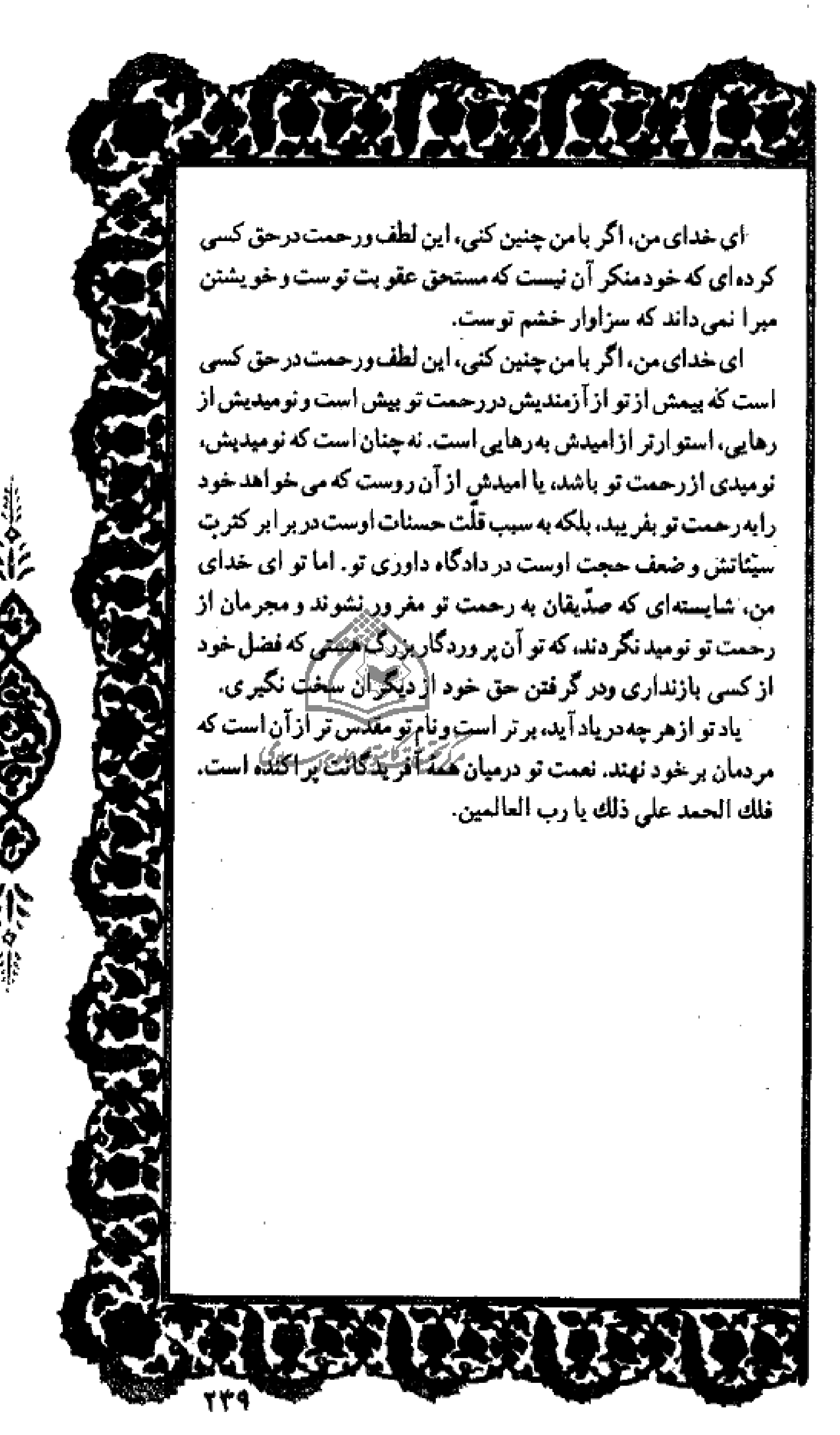
بارخدایا، هر بنده‌ای از بندگانت که از من به او آسیبی رسیده یا از

۱. دعای آن حضرت است در طلب عفو و رحمت.

من آزاری دیده یا به سبب من ستمی بر او شده و من حقش را ضایع کرده‌ام یا مانع دادخواهی او شده‌ام، پس بر محمد و خاندانش درود بفرست و به بزرگواری و بخشندگی خویش از من خشنودش گردان و از خزانهٔ کرمت حقش ادا فرما. آنگاه مرا از کیفری که به موجب حکم تو مستوجب آنم در امان آر و از عقوبتی که به مقتضای عدل توست رهایی بخش، زیرا که مرا نیروی تحمل خشم و انتقام تو نیست و تاب و توان من غضب تو را بر نمی‌تابد، که اگر به مقتضای استحقاق من جزایم دهی هلاکم ساخته‌ای و اگر جامهٔ رحمت خود بر من نپوشانی تباهم کرده‌ای.

ای خداوندِ من، از تو چیزی را می‌طلبم که عطای آن از تو هیچ نکاهد و بر گرفتن باری را درخواست می‌کنم که بر تو گران نمی‌آید. از تو می‌طلبم بخشایش نفسم را، نفسی که او را نیافریدی تا از خود، زیانی را دور سازی یا به سودی دست یابی، بلکه او را آفریده‌ای تا قدرت خویش در آفرینش چنان چیزها به اثبات رسانی و آن را دلیل توانایی خود بر خلقت همانندانِ آن قرار دهی.

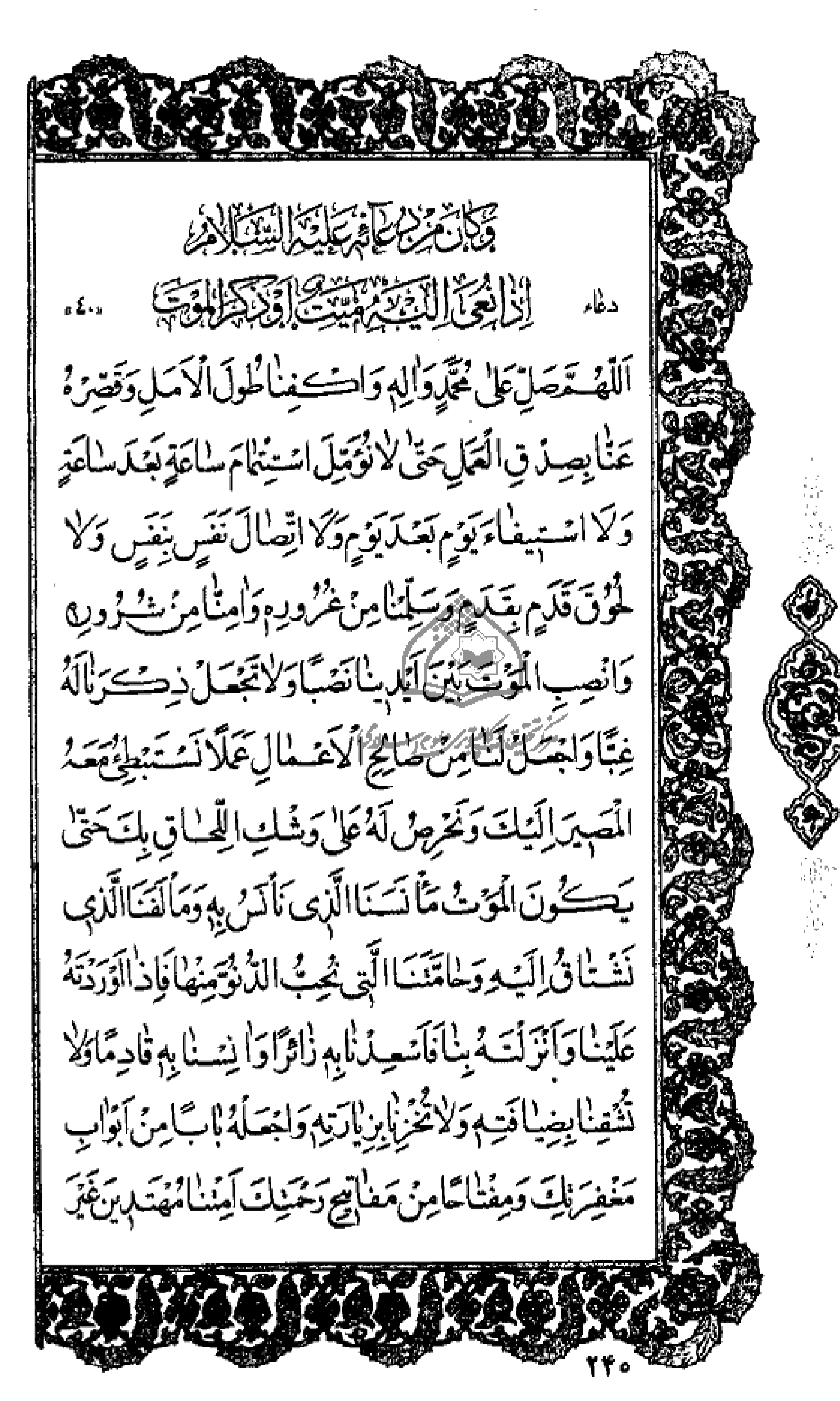
بارخدایا، از تو می‌خواهمْ که بارِ گناه من برگیری، که سخت گرانبارم ساخته. از تو در تحمل بارِ گرانی که از پایم درآورده است یاری می‌جویم. پس بر محمد و خاندان او درود بفرست و مرا که بر خود ستم کرده‌ام عفو کن و رحمت خود بر گمار تا سبکبارم سازد. چه بسا رحمت تو گنهکاران را رسد و چه بسا ستمکاران که مشمول عفو تو گردند. پس بر محمد و خاندان او درود بفرست و مرا سردستهٔ کسانی قرار ده که از گناهانشان گذشته‌ای و از گودالی که خطاکاران در آن سرنگون شوند بیرون آورده‌ای و به توفیق خود از ورطهٔ هلاکت مجرمان خلاصی داده‌ای، تا آزادکردهٔ عفو تو از بند اسارتِ سخطِ تو گشتند و رهایی یافتهٔ احسان تو از زندان عدالت تو شدند.



ای خدای من، اگر با من چنین کنی، این لطف ورحمت درحق کسی کرده‌ای که خود منکر آن نیست که مستحق عقوبت توست و خویشتن مبرا نمی‌داند که سزاوار خشم توست.

ای خدای من، اگر با من چنین کنی، این لطف ورحمت درحق کسی است که بیمش از تو از آزمندیش دررحمت تو بیش است و نومیدیش از رهایی، استوارتر ازامیدش به رهایی است. نه چنان است که نومیدیش، نومیدی ازرحمت تو باشد، یا امیدش از آن روست که می‌خواهد خود را به رحمت تو بفریبد، بلکه به سبب قلّت حسنات اوست دربرابر کثرت سیئاتش و ضعف حجت اوست در دادگاه داوری تو. اما تو ای خدای من، شایسته‌ای که صدّیقان به رحمت تو مغرور نشوند و مجرمان از رحمت تو نومید نگردند، که تو آن پروردگار بزرگ هستی که فضل خود از کسی بازنداری ودر گرفتن حق خود از دیگران سخت نگیری.

یاد تو ازهرچه دریاد آید، برتر است ونام تو مقدس تر ازآن است که مردمان برخود نهند. نعمت تو درمیان همهٔ آفریدگانت پراکنده است. فلك الحمد علي ذلك يا رب العالمين.

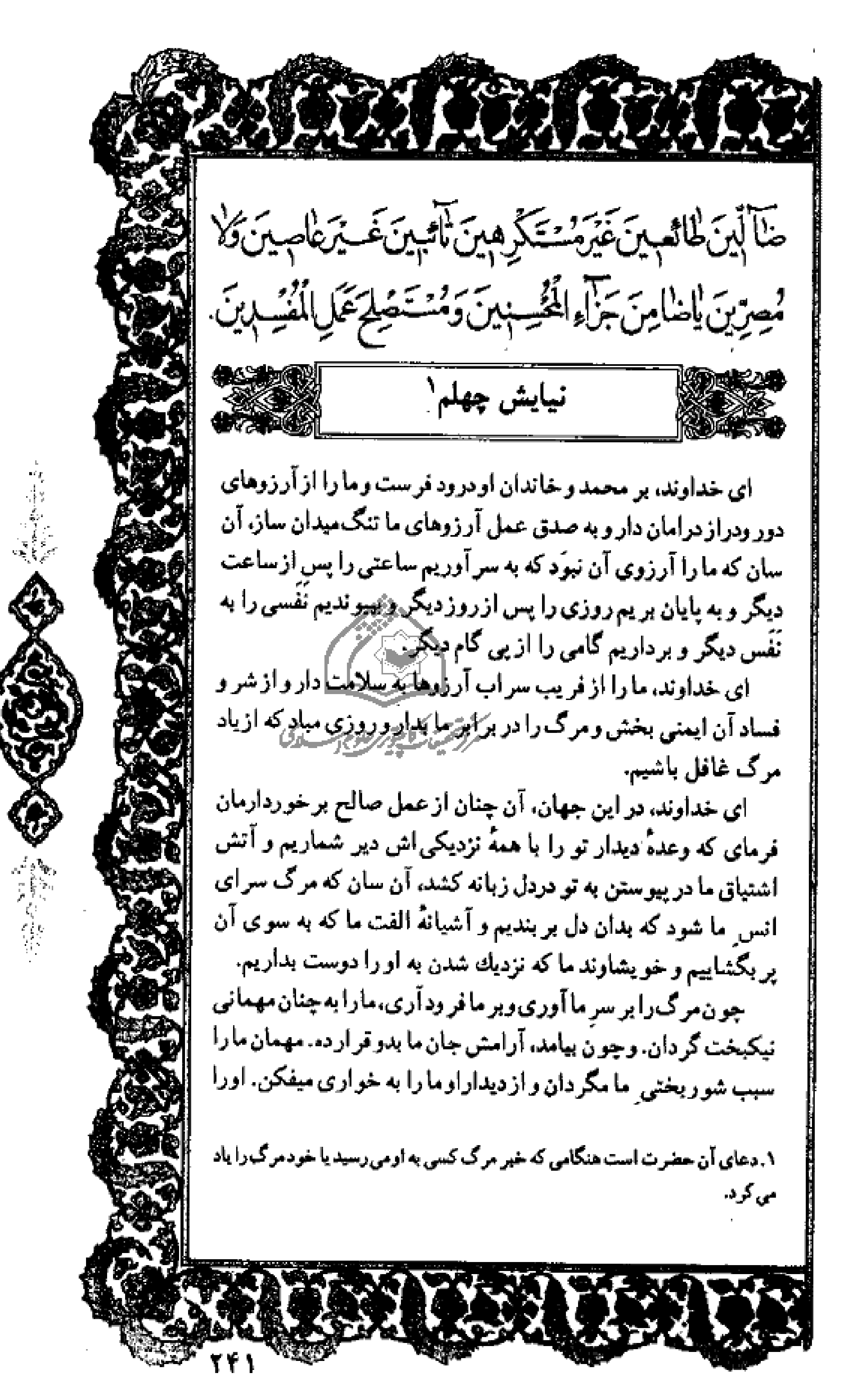


وكان من دعائه عليه السلام

إذا نُعي إليه ميت أو ذكر الموت

دعاء «٤٠»

اللهم صل على محمد وآله واكفنا طول الأمل وقصره
عنا بصدق العمل حتى لا نؤمل استتمام ساعة بعد ساعة
ولا استيفاء يوم بعد يوم ولا اتصال نفس بنفس ولا
لحوق قدم بقدم وسلمنا من غروره وآمنا من شروره
وانصب الموت بين أيدينا نصبا ولا تجعل ذكرنا له
غبا واجعل لنا من صالح الأعمال عملا نستبطئ معه
المصير إليك ونحرص له على وشك اللحاق بك حتى
يكون الموت مأنسنا الذي نأنس به ومألفنا الذي
نشتاق إليه وحامتنا التي نحب الدنو منها فإذا أوردته
علينا وأنزلته بنا فأسعدنا به زائرا وآنسنا به قادما ولا
تشقنا بضيافته ولا تخزنا بزيارته واجعله بابا من أبواب
مغفرتك ومفتاحا من مفاتيح رحمتك أمتنا مهتدين غير



ضَآلّينَ طائِعينَ غَيْرَ مُسْتَكْرِهينَ تائِبينَ غَيْرَ عاصينَ وَلا مُصِرّينَ يا ضامِنَ جَزاءِ الْمُحْسِنينَ وَمُسْتَصْلِحَ عَمَلِ الْمُفْسِدينَ.

نیایش چهلم[1]

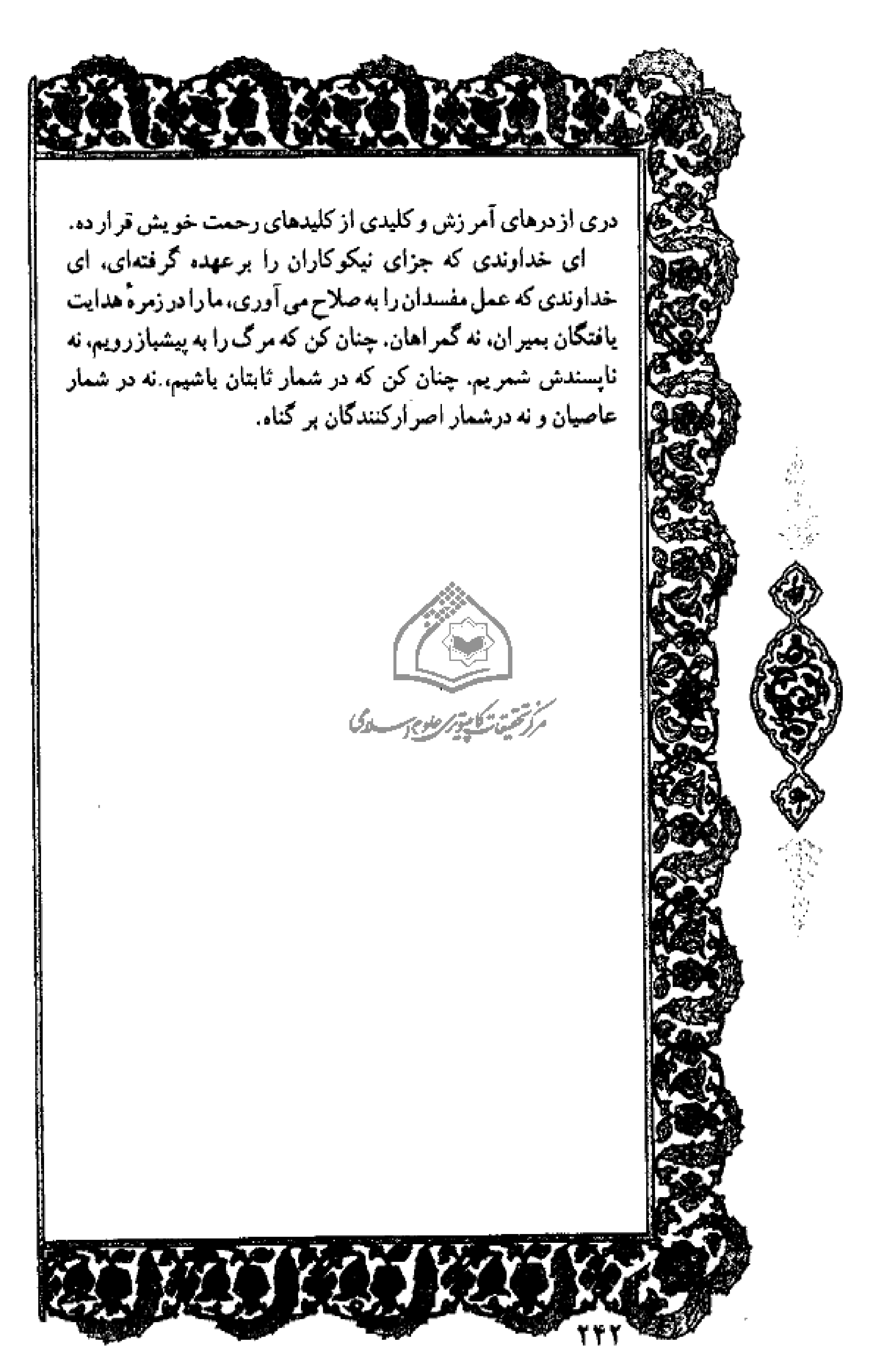
ای خداوند، بر محمد و خاندان او درود فرست و ما را از آرزوهای دور و دراز در امان دار و به صدق عمل آرزوهای ما تنگ‌میدان ساز، آن سان که ما را آرزوی آن نبوَد که به سر آوریم ساعتی را پس از ساعت دیگر و به پایان بریم روزی را پس از روز دیگر و بپیوندیم نَفَسی را به نَفَس دیگر و برداریم گامی را از پی گام دیگر.

ای خداوند، ما را از فریب سراب آرزوها به سلامت دار و از شر و فساد آن ایمنی بخش و مرگ را در برابر ما بدار و روزی مباد که از یاد مرگ غافل باشیم.

ای خداوند، در این جهان، آن چنان از عمل صالح برخوردارمان فرمای که وعدهٔ دیدار تو را با همهٔ نزدیکی‌اش دیر شماریم و آتش اشتیاق ما در پیوستن به تو در دل زبانه کشد، آن سان که مرگ سرای انس ما شود که بدان دل بر بندیم و آشیانهٔ الفت ما که به سوی آن پر بگشاییم و خویشاوند ما که نزدیک شدن به او را دوست بداریم.

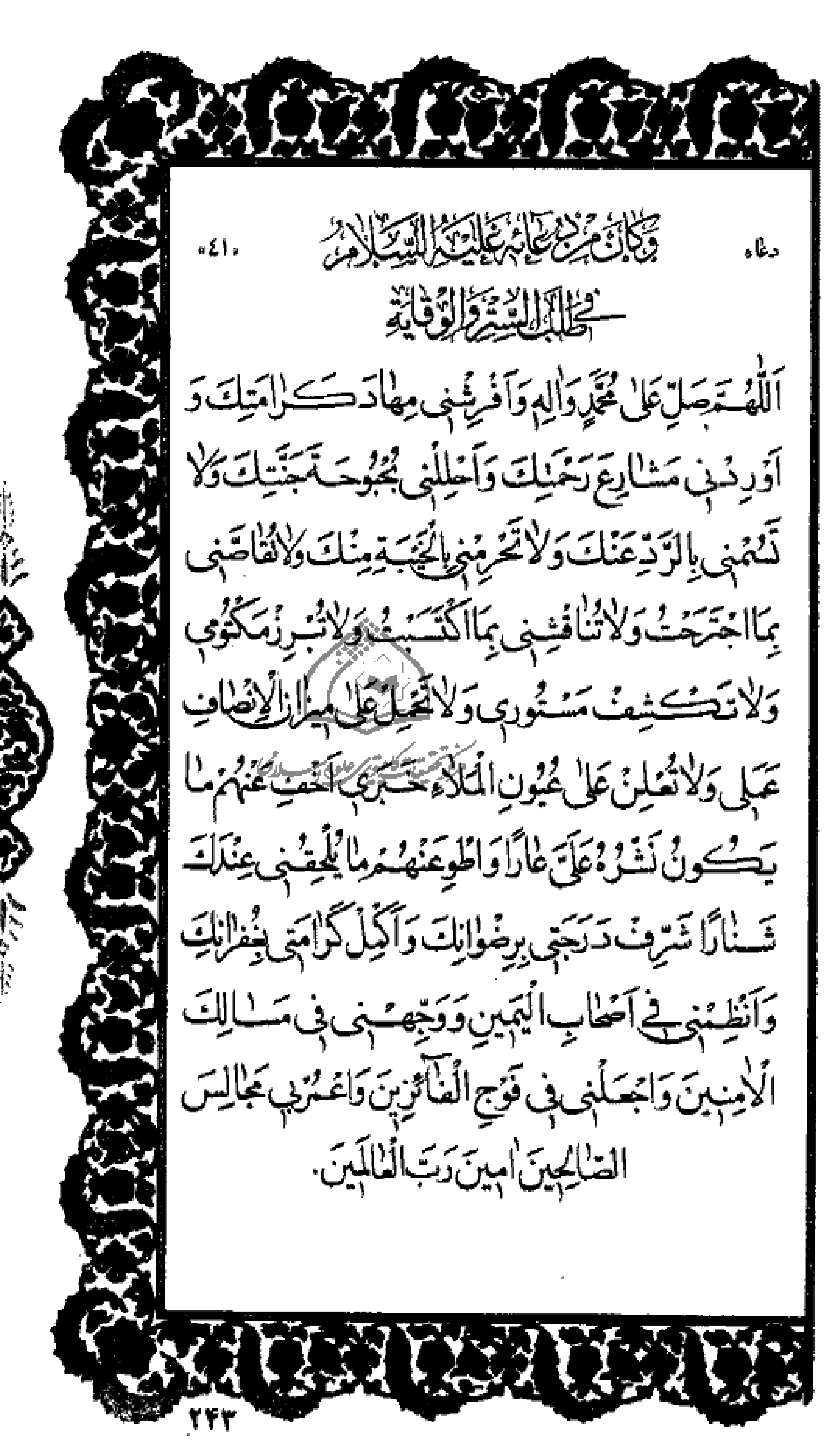
چون مرگ را بر سر ما آوری و بر ما فرود آری، ما را به چنان مهمانی نیکبخت گردان. و چون بیامد، آرامش جان ما بدو قرار ده. مهمان ما را سبب شوربختی ما مگردان و از دیدار او ما را به خواری میفکن. او را

۱. دعای آن حضرت است هنگامی که خبر مرگ کسی به او می‌رسید یا خود مرگ را یاد می‌کرد.



دری از درهای آمرزش و کلیدی از کلیدهای رحمت خویش قرار ده.

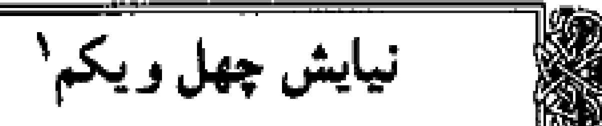
ای خداوندی که جزای نیکوکاران را برعهده گرفته‌ای، ای خداوندی که عمل مفسدان را به صلاح می آوری، ما را در زمرهٔ هدایت یافتگان بمیران، نه گمراهان. چنان کن که مرگ را به پیشباز رویم، نه ناپسندش شمریم. چنان کن که در شمار ثابتان باشیم، نه در شمار عاصیان و نه درشمار اصرارکنندگان بر گناه.



دعاء «٤١»

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي طَلَبِ السَّتْرِ وَالْوِقَايَةِ

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَافْرِشْنِي مِهَادَ كَرَامَتِكَ وَ
أَوْرِدْنِي مَشَارِعَ رَحْمَتِكَ وَأَحْلِلْنِي بُحْبُوحَةَ جَنَّتِكَ وَلَا
تَسُمْنِي بِالرَّدِّ عَنْكَ وَلَا تَحْرِمْنِي بِالْخَيْبَةِ مِنْكَ وَلَا تُقَاصَّنِي
بِمَا اجْتَرَحْتُ وَلَا تُنَاقِشْنِي بِمَا اكْتَسَبْتُ وَلَا تُبْرِزْ مَكْتُومِي
وَلَا تَكْشِفْ مَسْتُورِي وَلَا تَحْمِلْ عَلٰى مِيزَانِ الْإِنْصَافِ
عَمَلِي وَلَا تُعْلِنْ عَلٰى عُيُونِ الْمَلَإِ خَبَرِي أَخْفِ عَنْهُمْ مَا
يَكُونُ نَشْرُهُ عَلَيَّ عَارًا وَاطْوِ عَنْهُمْ مَا يُلْحِقُنِي عِنْدَكَ
شَنَارًا شَرِّفْ دَرَجَتِي بِرِضْوَانِكَ وَأَكْمِلْ كَرَامَتِي بِغُفْرَانِكَ
وَانْظِمْنِي فِي أَصْحَابِ الْيَمِينِ وَوَجِّهْنِي فِي مَسَالِكِ
الْآمِنِينَ وَاجْعَلْنِي فِي فَوْجِ الْفَائِزِينَ وَاعْمُرْ بِي مَجَالِسَ
الصَّالِحِينَ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ.

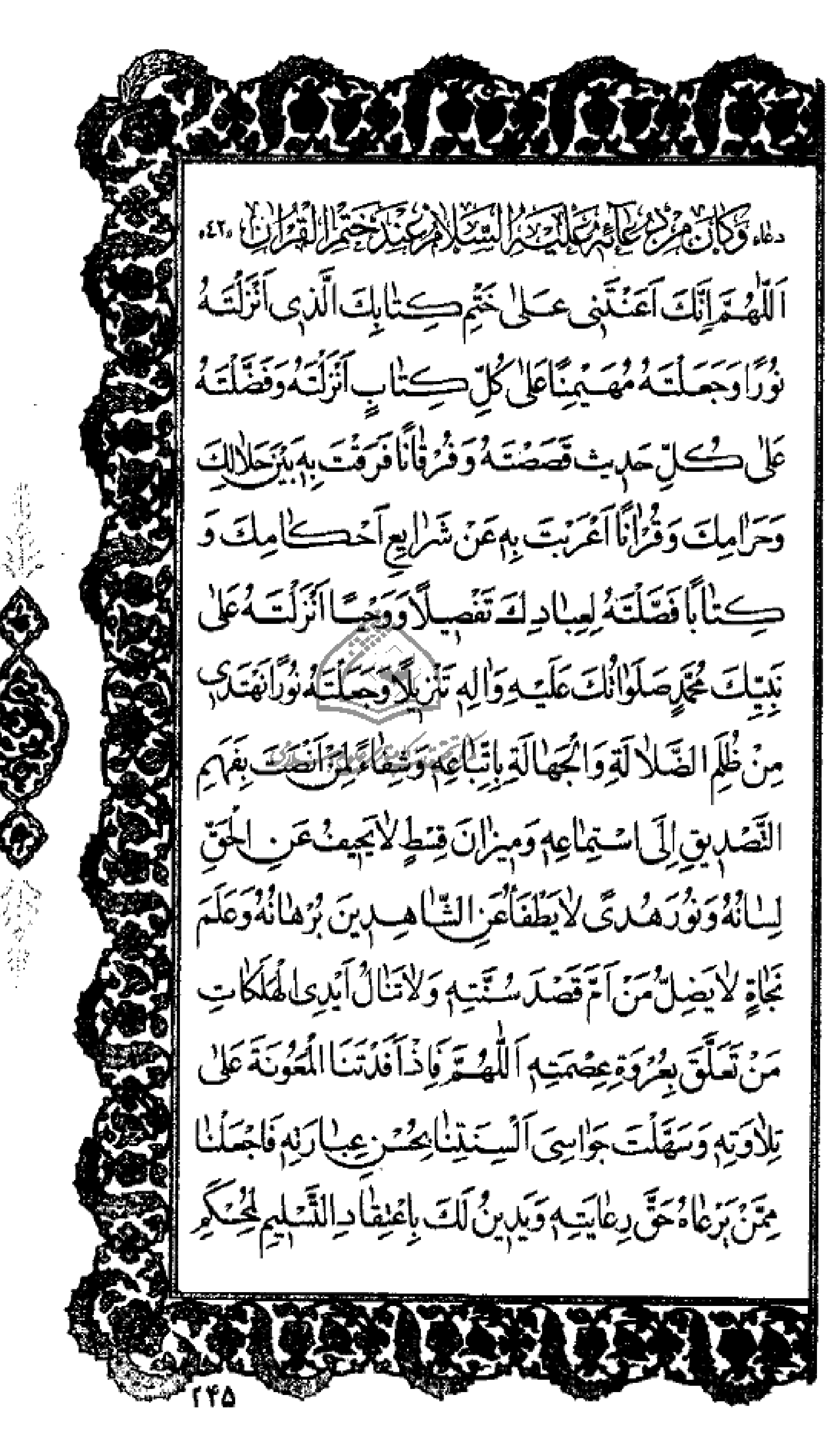


نیایش چهل و یکم[1]

بارخدایا، بر محمد و خاندانش درود بفرست و فرشهای کرامت خویش برای من بگستران و مرا به آبشخور رحمت خود درآور و در درون بهشت جای ده و از درگاهت مران که رنجیده شوم و از خود نومید مگردان که محروم مانم. به آنچه مرتکب شده‌ام قصاص مکن. به آنچه کرده‌ام خرده مگیر. آنچه را نهان داشته‌ام آشکار منمای. از آنچه پوشیده داشته‌ام پرده برمگیر. اعمال من به ترازوی عدالت مسنج. کردارهای پنهانی ام را در برابر مردم فاش مگوی. هرچه را افشای آن مرا اندوهگین می سازد از مردم پوشیده دار. هرچه را سبب رسوایی من نزد تو می شود، از ایشان نهان کن. به خشنودی خود مقام و مرتبت من فرا بر و به آمرزش خویش کرامت من به کمال رسان. مرا در زمرهٔ اصحاب الیمین درآور و به راه ایمنی یافتگان بران. مرا در شمار رستگاران قرار ده. مجالس صالحان را به من آبادانی و رونق بخش. آمین ربّ العالمین.

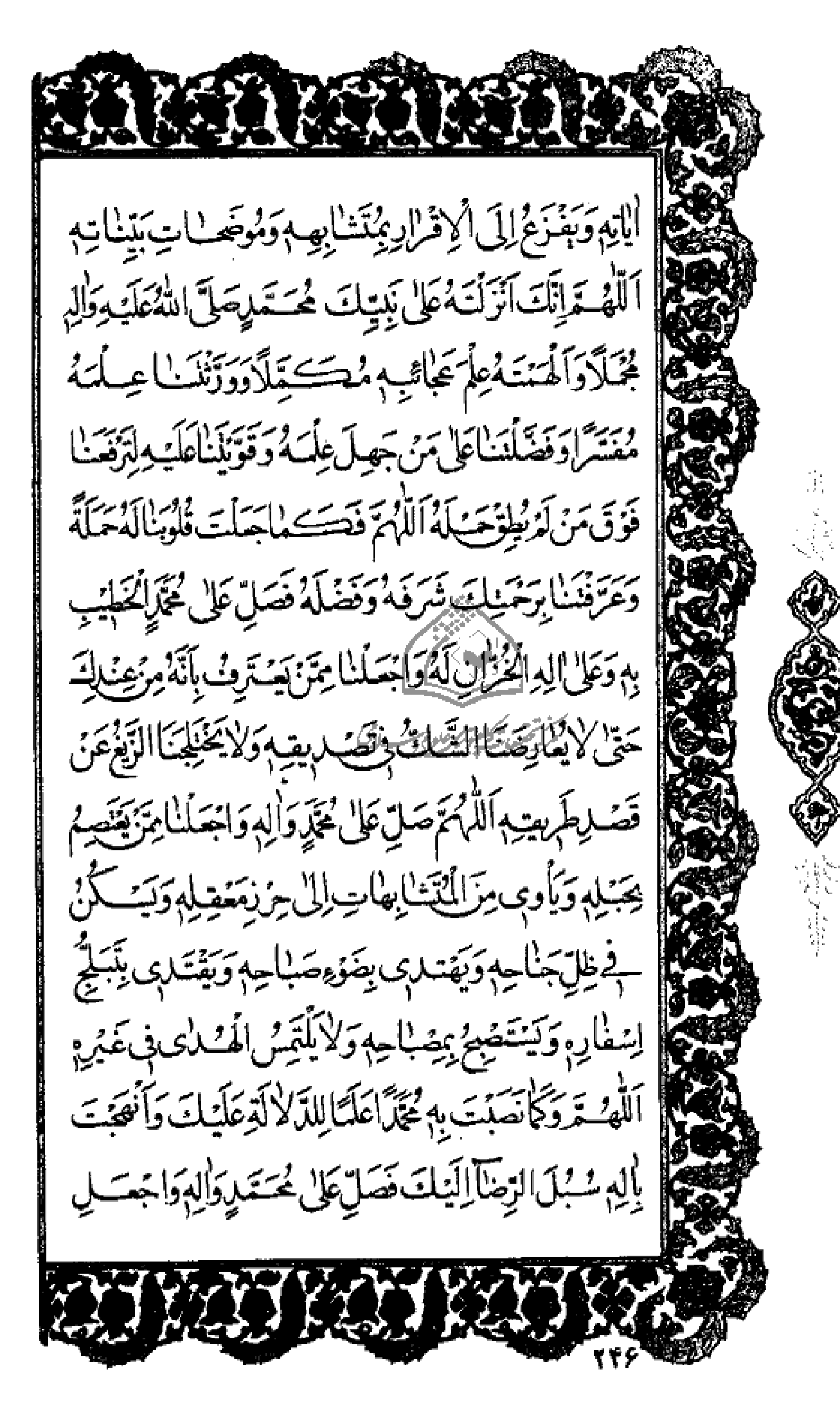
۱. دعای آن حضرت است در طلب پرده‌پوشی و نگهداری از گناه.





دعاء (٤٢) وَكانَ مِنْ دُعائِهِ عَلَيْهِ السَّلامُ عِنْدَ خَتْمِ الْقُرْآنِ

اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ اَعَنْتَنِي عَلٰى خَتْمِ كِتابِكَ الَّذِي اَنْزَلْتَهُ نُوراً وَجَعَلْتَهُ مُهَيْمِناً عَلٰى كُلِّ كِتابٍ اَنْزَلْتَهُ وَفَضَّلْتَهُ عَلٰى كُلِّ حَدِيثٍ قَصَصْتَهُ وَفُرْقاناً فَرَقْتَ بِهِ بَيْنَ حَلالِكَ وَحَرامِكَ وَقُرْآناً اَعْرَبْتَ بِهِ عَنْ شَرايِعِ اَحْكامِكَ وَكِتاباً فَصَّلْتَهُ لِعِبادِكَ تَفْصِيلاً وَوَحْياً اَنْزَلْتَهُ عَلٰى نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ تَنْزِيلاً وَجَعَلْتَهُ نُوراً نَهْتَدِي مِنْ ظُلَمِ الضَّلالَةِ وَالْجَهالَةِ بِاتِّباعِهِ وَشِفاءً لِمَنْ اَنْصَتَ بِفَهْمِ التَّصْدِيقِ اِلَى اسْتِماعِهِ وَمِيزانَ قِسْطٍ لا يَحِيفُ عَنِ الْحَقِّ لِسانُهُ وَنُورَ هُدًى لا يَطْفَأُ عَنِ الشّاهِدِينَ بُرْهانُهُ وَعَلَمَ نَجاةٍ لا يَضِلُّ مَنْ اَمَّ قَصْدَ سُنَّتِهِ وَلا تَنالُ اَيْدِي الْهَلَكاتِ مَنْ تَعَلَّقَ بِعُرْوَةِ عِصْمَتِهِ اَللّٰهُمَّ فَاِذْ اَفَدْتَنَا الْمَعُونَةَ عَلٰى تِلاوَتِهِ وَسَهَّلْتَ جَواسِيَ اَلْسِنَتِنا بِحُسْنِ عِبارَتِهِ فَاجْعَلْنا مِمَّنْ يَرْعاهُ حَقَّ رِعايَتِهِ وَيَدِينُ لَكَ بِاعْتِقادِ التَّسْلِيمِ لِمُحْكَمِ



آياتِهِ وَيَفْزَعُ إِلَى الْإِقْرارِ بِمُتَشابِهِهِ وَمُوضِحاتِ بَيِّناتِهِ

اللّٰهُمَّ إِنَّكَ أَنْزَلْتَهُ عَلَى نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

مُجْمَلاً وَأَلْهَمْتَهُ عِلْمَ عَجائِبِهِ مُكَمَّلاً وَوَرَّثْتَنا عِلْمَهُ

مُفَسَّراً وَفَضَّلْتَنا عَلَى مَنْ جَهِلَ عِلْمَهُ وَقَوَّيْتَنا عَلَيْهِ لِتَرْفَعَنا

فَوْقَ مَنْ لَمْ يُطِقْ حَمْلَهُ اللّٰهُمَّ فَكَما جَعَلْتَ قُلُوبَنا لَهُ حَمَلَةً

وَعَرَّفْتَنا بِرَحْمَتِكَ شَرَفَهُ وَفَضْلَهُ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ الْخَطِيبِ

بِهِ وَعَلَى آلِهِ الْخُزّانِ لَهُ وَاجْعَلْنا مِمَّنْ يَعْتَرِفُ بِأَنَّهُ مِنْ عِنْدِكَ

حَتّى لا يُعارِضَنَا الشَّكُّ فِي تَصْدِيقِهِ وَلا يَخْتَلِجَنَا الزَّيْغُ عَنْ

قَصْدِ طَرِيقِهِ اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْعَلْنا مِمَّنْ يَعْتَصِمُ

بِحَبْلِهِ وَيَأْوِي مِنَ الْمُتَشابِهاتِ إِلَى حِرْزِ مَعْقِلِهِ وَيَسْكُنُ

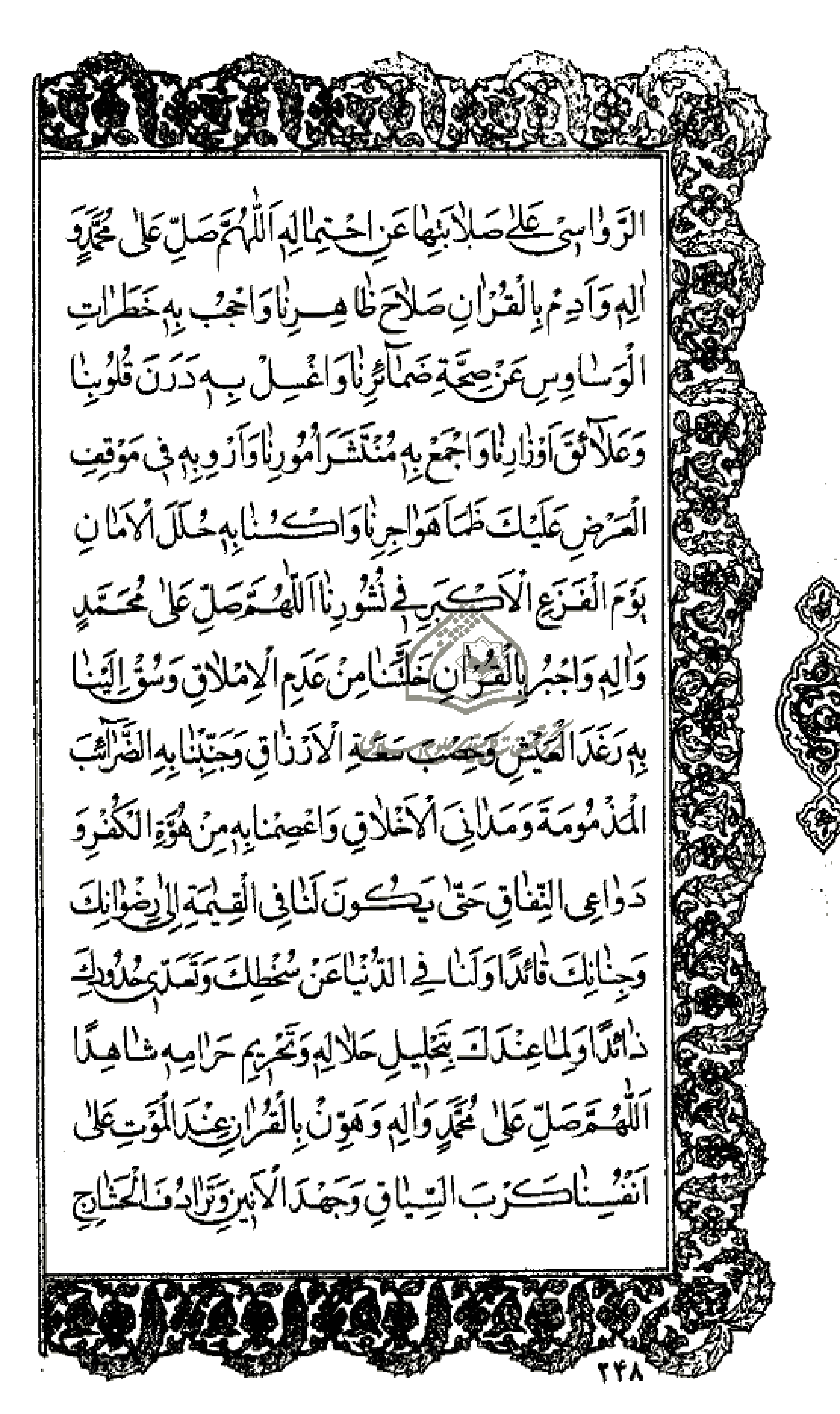
فِي ظِلِّ جَناحِهِ وَيَهْتَدِي بِضَوْءِ صَباحِهِ وَيَقْتَدِي بِتَبَلُّجِ

إِسْفارِهِ وَيَسْتَصْبِحُ بِمِصْباحِهِ وَلا يَلْتَمِسُ الْهُدَى فِي غَيْرِهِ

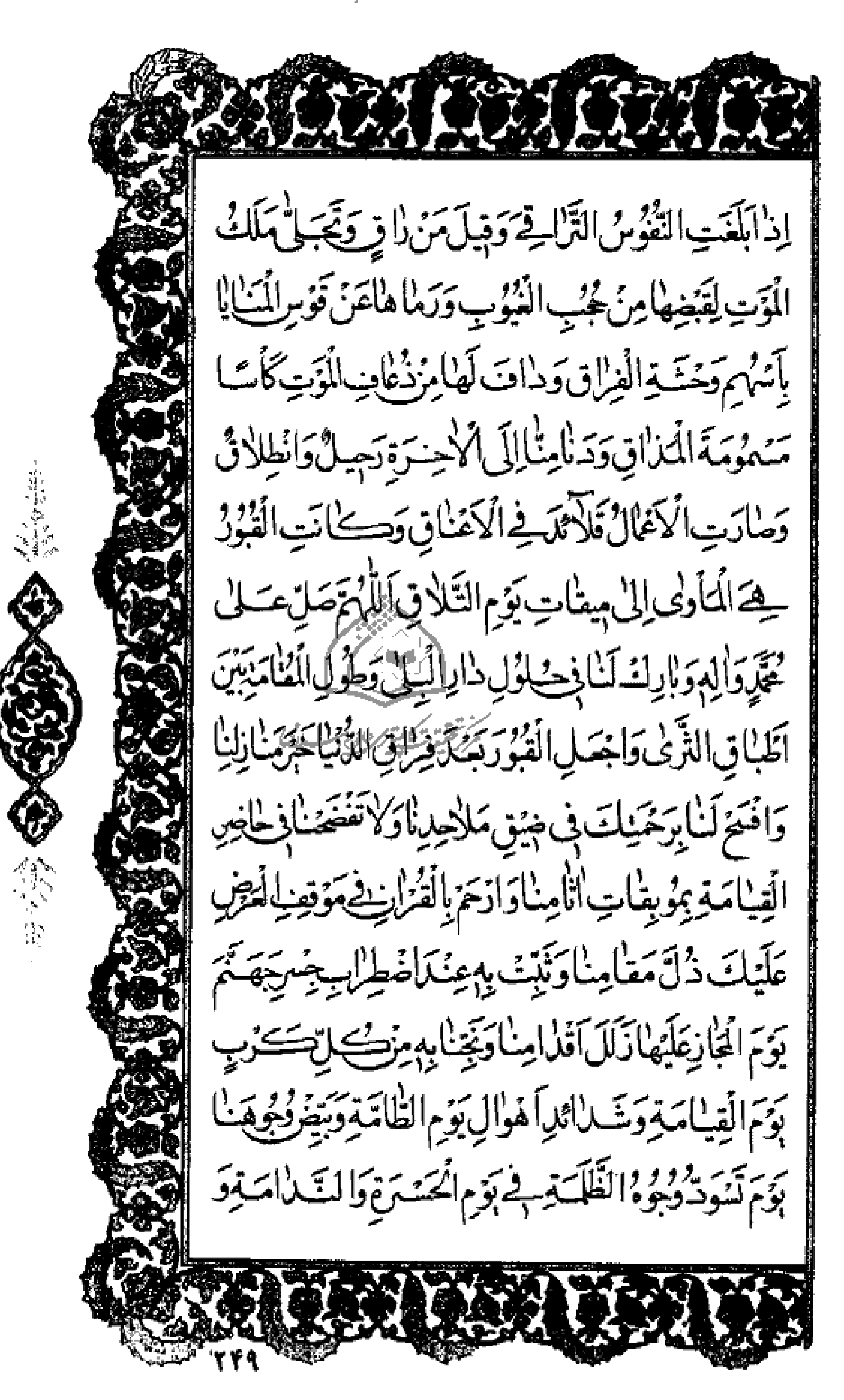
اللّٰهُمَّ وَكَما نَصَبْتَ بِهِ مُحَمَّداً عَلَماً لِلدَّلالَةِ عَلَيْكَ وَأَنْهَجْتَ

بِآلِهِ سُبُلَ الرِّضا إِلَيْكَ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْعَلِ

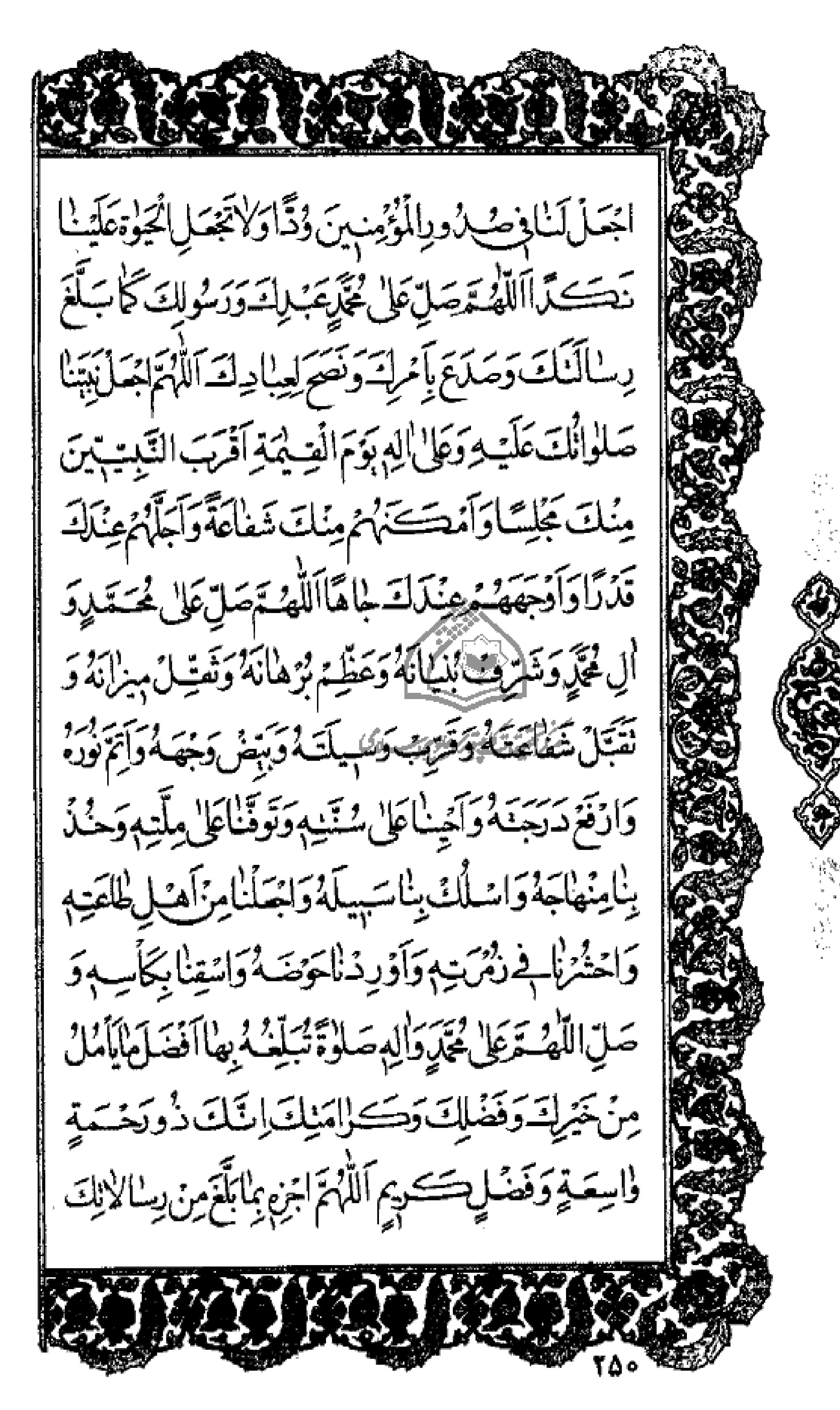
القرآن وسيلة لنا إلى أشرف منازل الكرامة وسلّما
نعرج فيه إلى محل السلامة وسببا نجزى به النجاة في
عرصة القيامة وذريعة نقدم بها على نعيم دار المقامة
اللهم صل على محمد وآله واحطط بالقرآن عنا ثقل الأوزار
وهب لنا حسن شمائل الأبرار واقف بنا آثار الذين قاموا
لك به آناء الليل وأطراف النهار حتى تطهرنا من كل
دنس بتطهيره وتقفو بنا آثار الذين استضاؤا بنوره ولم يلههم
الأمل عن العمل فيقطعهم بخدع غروره اللهم صل على
محمد وآله واجعل القرآن لنا في ظلم الليالي مونسا ومن نزغات
الشيطان وخطرات الوساوس حارسا ولأقدامنا عن
نقلها إلى المعاصي حابسا ولألسنتنا عن الخوض في الباطل
من غير ما آفة مخرسا ولجوارحنا عن اقتراف الآثام زاجرا
ولما طوت الغفلة عنا من تصفح الاعتبار ناشرا حتى توصل
إلى قلوبنا فهم عجائبه وزواجر أمثاله التي ضعفت الجبال



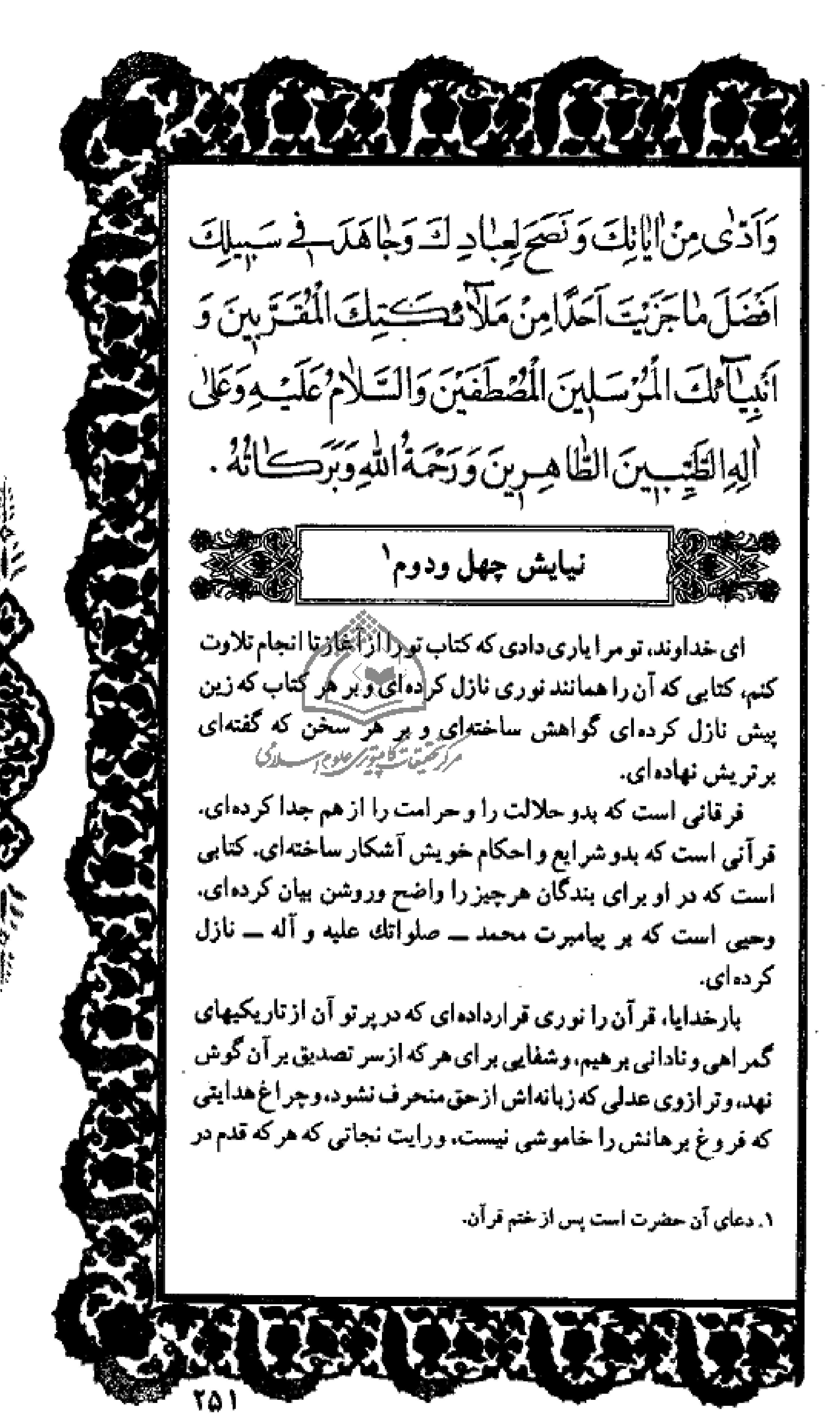
الرَّوَاسِي عَلَى صَلابَتِهَا عَنِ احْتِمَالِهِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ
آلِهِ وَأَدِمْ بِالْقُرْآنِ صَلاحَ ظَاهِرِنَا وَاحْجُبْ بِهِ خَطَرَاتِ
الْوَسَاوِسِ عَنْ صِحَّةِ ضَمَائِرِنَا وَاغْسِلْ بِهِ دَرَنَ قُلُوبِنَا
وَعَلائِقَ أَوْزَارِنَا وَاجْمَعْ بِهِ مُنْتَشَرَ أُمُورِنَا وَأَرْوِ بِهِ فِي مَوْقِفِ
الْعَرْضِ عَلَيْكَ ظَمَأَ هَوَاجِرِنَا وَاكْسُنَا بِهِ حُلَلَ الْأَمَانِ
يَوْمَ الْفَزَعِ الْأَكْبَرِ فِي نُشُورِنَا اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
وَآلِهِ وَاجْبُرْ بِالْقُرْآنِ خَلَّتَنَا مِنْ عَدَمِ الْإِمْلاقِ وَسُقْ إِلَيْنَا
بِهِ رَغَدَ الْعَيْشِ وَخِصْبَ سَعَةِ الْأَرْزَاقِ وَجَنِّبْنَا بِهِ الضَّرَائِبَ
الْمَذْمُومَةَ وَمَدَانِيَ الْأَخْلاقِ وَاعْصِمْنَا بِهِ مِنْ هُوَّةِ الْكُفْرِ وَ
دَوَاعِي النِّفَاقِ حَتَّى يَكُونَ لَنَا فِي الْقِيَامَةِ إِلَى رِضْوَانِكَ
وَجِنَانِكَ قَائِدًا وَلَنَا فِي الدُّنْيَا عَنْ سُخْطِكَ وَتَعَدِّي حُدُودِكَ
ذَائِدًا وَلِمَا عِنْدَكَ بِتَحْلِيلِ حَلالِهِ وَتَحْرِيمِ حَرَامِهِ شَاهِدًا
اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَهَوِّنْ بِالْقُرْآنِ عِنْدَ الْمَوْتِ عَلَى
أَنْفُسِنَا كَرْبَ السِّيَاقِ وَجَهْدَ الْأَنِينِ وَتَرَادُفَ الْحَشَارِجِ



اِذا بَلَغَتِ النُّفُوسُ التَّراقِيَ وَقيلَ مَنْ راقٍ وَتَجَلّى مَلَكُ
الْمَوْتِ لِقَبْضِها مِنْ حُجُبِ الْغُيُوبِ وَرَماها عَنْ قَوْسِ الْمَنايا
بِاَسْهُمِ وَحْشَةِ الْفِراقِ وَداقَ لَها مِنْ ذُعافِ الْمَوْتِ كَأْساً
مَسْمُومَةَ الْمَذاقِ وَدَنا مِنّا اِلَى الْاخِرَةِ رَحيلٌ وَانْطِلاقٌ
وَصارَتِ الْاَعْمالُ قَلائِدَ فِي الْاَعْناقِ وَكانَتِ الْقُبُورُ
هِيَ الْمَأْوى اِلى ميقاتِ يَوْمِ التَّلاقِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلى
مُحَمَّدٍ وَالِهِ وَبارِكْ لَنا في حُلُولِ دارِ الْبِلى وَطُولِ الْمُقامَةِ بَيْنَ
اَطْباقِ الثَّرى وَاجْعَلِ الْقُبُورَ بَعْدَ فِراقِ الدُّنْيا خَيْرَ مَنازِلِنا
وَافْسَحْ لَنا بِرَحْمَتِكَ في ضيقِ مَلاحِدِنا وَلا تَفْضَحْنا في حاضِرِي
الْقِيامَةِ بِمُوبِقاتِ اثامِنا وَارْحَمْ بِالْقُرْانِ في مَوْقِفِ الْعَرْضِ
عَلَيْكَ ذُلَّ مَقامِنا وَثَبِّتْ بِهِ عِنْدَ اضْطِرابِ جِسْرِ جَهَنَّمَ
يَوْمَ الْمَجازِ عَلَيْها زَلَلَ اَقْدامِنا وَنَجِّنا بِهِ مِنْ كُلِّ كَرْبٍ
يَوْمَ الْقِيامَةِ وَشَدائِدِ اَهْوالِ يَوْمِ الطّامَّةِ وَبَيِّضْ وُجُوهَنا
يَوْمَ تَسْوَدُّ وُجُوهُ الظَّلَمَةِ في يَوْمِ الْحَسْرَةِ وَالنَّدامَةِ وَ



اجعل لنا في صدور المؤمنين وُدًّا ولا تجعل الحيوة علينا
نكدًا اللّهمّ صلّ على محمّدٍ عبدك ورسولك كما بلّغ
رسالاتك وصدع بأمرك ونصح لعبادك اللّهمّ اجعل نبيّنا
صلواتك عليه وعلى آله يوم القيمة أقرب النّبيّين
منك مجلسًا وأمكنهم منك شفاعةً وأجلّهم عندك
قدرًا وأوجههم عندك جاهًا اللّهمّ صلّ على محمّدٍ و
آل محمّدٍ وشرّف بنيانه وعظّم برهانه وثقّل ميزانه و
تقبّل شفاعته وقرّب وسيلته وبيّض وجهه وأتمّ نوره
وارفع درجته وأحينا على سنّته وتوفّنا على ملّته وخذ
بنا منهاجه واسلك بنا سبيله واجعلنا من أهل طاعته
واحشرنا في زمرته وأوردنا حوضه واسقنا بكأسه و
صلّ اللّهمّ على محمّدٍ وآله صلوةً تبلّغه بها أفضل ما يأمل
من خيرك وفضلك وكرامتك إنّك ذو رحمةٍ
واسعةٍ وفضلٍ كريمٍ اللّهمّ اجزه بما بلّغ من رسالاتك



وَ اَدّٰی مِنْ اٰیٰاتِكَ وَ نَصَحَ لِعِبٰادِكَ وَ جٰاهَدَ فی سَبیلِكَ اَفْضَلَ مٰا جَزَیْتَ اَحَداً مِنْ مَلاٰئِكَتِكَ الْمُقَرَّبینَ وَ اَنْبِیٰائِكَ الْمُرْسَلینَ الْمُصْطَفَیْنَ وَ السَّلاٰمُ عَلَیْهِ وَ عَلیٰ اٰلِهِ الطَّیِّبینَ الطّٰاهِرینَ وَ رَحْمَةُ اللّٰهِ وَ بَرَكٰاتُهُ.

نیایش چهل ودوم[1]

ای خداوند، تو مرا یاری دادی که کتاب تو را از آغاز تا انجام تلاوت کنم، کتابی که آن را همانند نوری نازل کرده‌ای و بر هر کتاب که زین پیش نازل کرده‌ای گواهش ساخته‌ای و بر هر سخن که گفته‌ای برتریش نهاده‌ای.

فرقانی است که بدو حلالت را و حرامت را از هم جدا کرده‌ای. قرآنی است که بدو شرایع و احکام خویش آشکار ساخته‌ای. کتابی است که در او برای بندگان هرچیز را واضح وروشن بیان کرده‌ای، وحیی است که بر پیامبرت محمد ــ صلواتك علیه و آله ــ نازل کرده‌ای.

بارخدایا، قرآن را نوری قرارداده‌ای که در پرتو آن از تاریکیهای گمراهی ونادانی برهیم، وشفایی برای هر که ازسر تصدیق بر آن گوش نهد، وترازوی عدلی که زبانه‌اش ازحق منحرف نشود، وچراغ هدایتی که فروغ برهانش را خاموشی نیست، ورایت نجاتی که هر که قدم در

۱. دعای آن حضرت است پس از ختم قرآن.

پی اش نهاد و آیین او پیشه ساخت گمراه نگردد و آن که چنگ در دست‌آویز عصمتش زد دست هلاکت بدو نرسد.

ای خداوند، همچنان که ما را به تلاوت قرآن یاری دادی و به عبارات نیکویش خشونت از زبانِ ما برگرفتی، اینک ما را از کسانی قرار ده که در نگهداشت و حراست او آن سان که در خور اوست سعی می ورزند و با اعتقاد به تسلیم در برابر آیات محکماتش، تو را عبادت می کنند و در برابر متشابهات و دلایل واضحاتش از سر تسلیم اقرار می نمایند.

بارخدایا، تو این قرآن را بی هیچ شرح و تفسیری، بر پیامبرت محمد صلی الله علیه و آله فرستادی و علم به شگفتیهایش را سراسر به او الهام فرمودی و علم تفسیر آن را به ما به میراث دادی و ما را بر آن کس که از علم قرآنش بهره‌ای نبود برتری نهادی و ما را به شناخت قرآن توانایی بخشیدی، تا بر کسانی که یارای حمل آن ندارند شرف و برتری دهی.

بارخدایا، همچنان که دلهای ما را حاملانِ قرآن ساختی و به رحمت خود شرف و فضیلت آن به ما شناساندی، بر محمد (ص) که خطیب قرآن است و خاندان او که خازنان علم قرآنند، درود بفرست و ما را در زمرهٔ کسانی قرار ده که از سر صدق معترفند که قرآن از نزد تو نازل شده، تا هیچ شك و تردید، با یقین ما معارضه نکند و چون قدم به راه راست قرآن نهادیم هیچ چیز ما را در راه نلغزاند.

بارخدایا، بر محمد و خاندان او درود بفرست و ما را در زمرهٔ کسانی قرار ده که در ریسمان قرآن چنگ می زنند و چون در شناخت حق از باطل وامانند به دژ استوار او پناه می جویند و در سایهٔ گستردهٔ بالهایش می آرامند و در پرتو صبح تابناکش راه خویش می یابند و آن مشعل فروزان را فراراه خود می دارند و چراغ معرفت خویش از چراغ او می افروزند و جز او از کس هدایت نمی آموزند.



ای خداوند، همچنان که محمد را قرآن دادی و او را چون عَلَمی برافراشتی تا راهنمای خلق به سوی تو باشد و به راهنمایی آل محمد راههای خشنودی خویش آشکارساختی، پس بر محمد و خاندان او درود بفرست وقرآن را برای ما وسیله‌ای ساز که بدان بر شریف‌ترین منازل کرامت فرارویم، و نردبانی که بدان به جایگاه امن و سلامت عروج کنیم، وسببی که بدان رهایی در عرصهٔ رستاخیزرا پاداش یابیم و دست افزاری که بدان از نعیم دارالمقام بهشت تمتع جوییم.

بارخدایا، بر محمد و خاندان او درود بفرست وبه یمن قرآن بار سنگینی گناهان ازدوش ما بردار وصفات وخصال نیکانمان ارزانی دار و به راه آنان بر که در همه حال، شب هنگام و بامداد و شامگاه، برای رضای تو قرآن می‌خوانند وبه کارش می بندند، تا به آب رحمتش ما را ازهر آلودگی پاکیزه سازی وراهِ کسانی فراپیشمان گذاری که ازنور قرآن روشنایی جسته‌اند و آرزوها و خواهشهای نفسانی از کارشان بازنداشت تا به خدعه وفریب تباهشان سازد.

بارخدایا، بر محمد و خاندانش درود بفرست و قرآن را درتاریکی شب مونس ما گردان ودر برابر کششها و گرایشهای شیطان وخاطرات وسوسه‌انگیز، نگهبان ما قرار ده. وچنان کن که قرآن پایهای ما را از سپردن راه معاصی بازدارد وزبان را ازگفتن سخن باطل ــ بی هیچ آفتی که زبان را رسیده باشد ــ لال گرداند، واعضا وجوارح ما را ازارتکاب گناهان مانع آید وطومار عبرتها را که به دست غفلت پیچیده شده پیش روی ما بگشاید، تا عجایب قرآن ومَثَلها وقصه‌های هشداردهندهٔ آن ــ که کوههای سخت از تحمل آن ناتوانند ــ به دلهای ما راه یابد.

بارخدایا، بر محمد وخاندان او درود بفرست وبه قرآن آراستگی ظاهر ما را دوام بخش و تطاول خاطره‌های وسوسه‌انگیز از صفای ضمایر ما دوربدار وآلودگی ازدلهای ما بزدای وپیوند دل ما ازگناهان

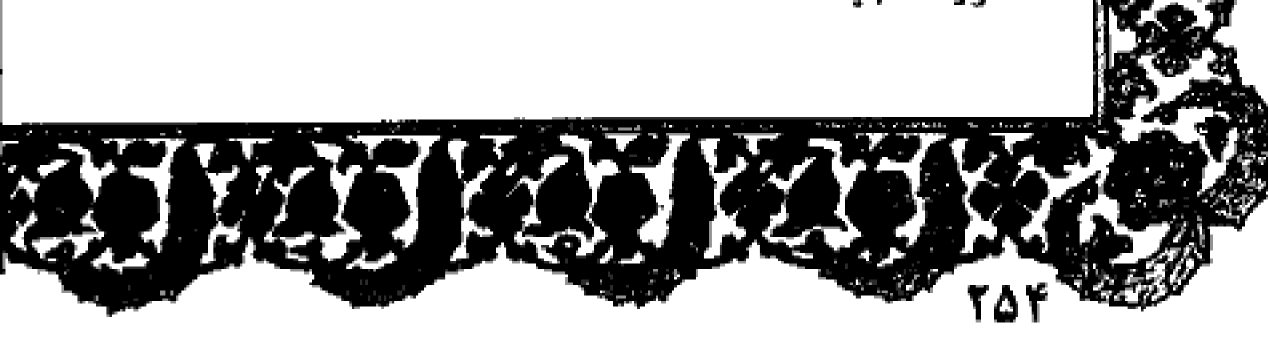
بگسل و پریشانیهای ما به سامان آور و چون در گرمای طاقت سوزِ قیامت بازخواست را به پیشگاه تو می ایستیم، تشنگی ما تسکین ده و در روز رستاخیز ــ روز وحشت بزرگ ــ بر پیکر ما جامهٔ ایمنی بپوش.

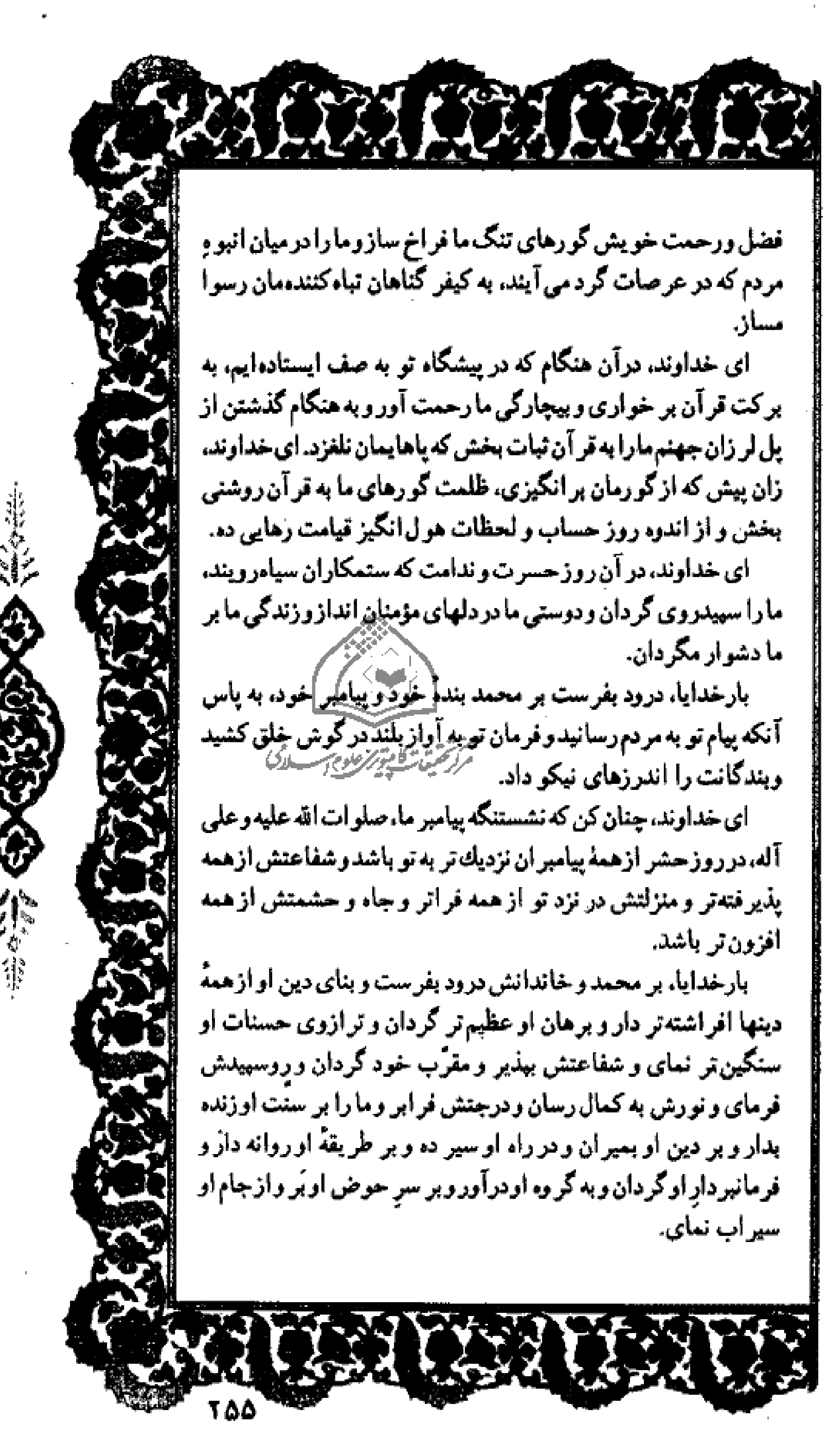
بارخدایا، بر محمد و خاندانش درود بفرست و به یمنِ قرآن، بینوایی ما را به بی نیازی جبران تمای وزندگی خوش و فراوانی نعمت و وسعت رزق به ما عطا کن و ما را از صفات ناپسند و خصال نکوهیده دور دار و از فروغلتیدن به گودال کفر و آنچه موجب نفاق است در امان دار، تا در قیامت رهنمای ما به سوی خشنودی و بهشت تو باشد و ما را در دنیا از سخط تو و تجاوز از حدود تو حفظ کند و احکام حلال و حرام تو را گواه باشد.

بارخدایا، بر محمد و خاندانش درود بفرست و چون مرگ فرارسد، به مدد قرآن بر ما آسان کن اندوه جان کندن را و رنج نالیدن را و به تنگنا افتادن نفسها را به هنگامی که جان به گلوگاه می رسد و در آن حال یکی گوید: آیا افسون کننده‌ای نیست؟[2] در این حال فرشتهٔ مرگ برای گرفتن جان، از درون پرده‌های غیب آشکار شود و از کمان مرگ تیرهای وحشتِ فراق به سوی او بگشاید و برایش جامی از زهر قتّال مرگ بیامیزد و زمان رحیل و رخت بر بستن به سرای آخرت نزدیك شود و اعمال چونان قلاده‌هایی[3] بر گردنها افتد و از آن پس تا روز رستاخیز گورها مأوای ما شود.

بارخدایا، بر محمد و خاندانش درود بفرست و ورود ما را به آن سرای کهنه و درنگِ درازِ ما را میان طبقات خاكِ سرد بر ما مبارك گردان. پس از بیرون شدن ما از دنیا، گورهای ما را بهترین منازلِ ما گردان و به

۲. سورهٔ ۷۵/آیهٔ ۲۶ و ۲۷
۳. سورهٔ ۱۷/آیهٔ ۱۳





فضل و رحمت خویش گورهای تنگ ما فراخ ساز و ما را در میان انبوهِ مردم که در عرصات گرد می آیند، به کیفر گناهان تباه کننده‌مان رسوا مساز.

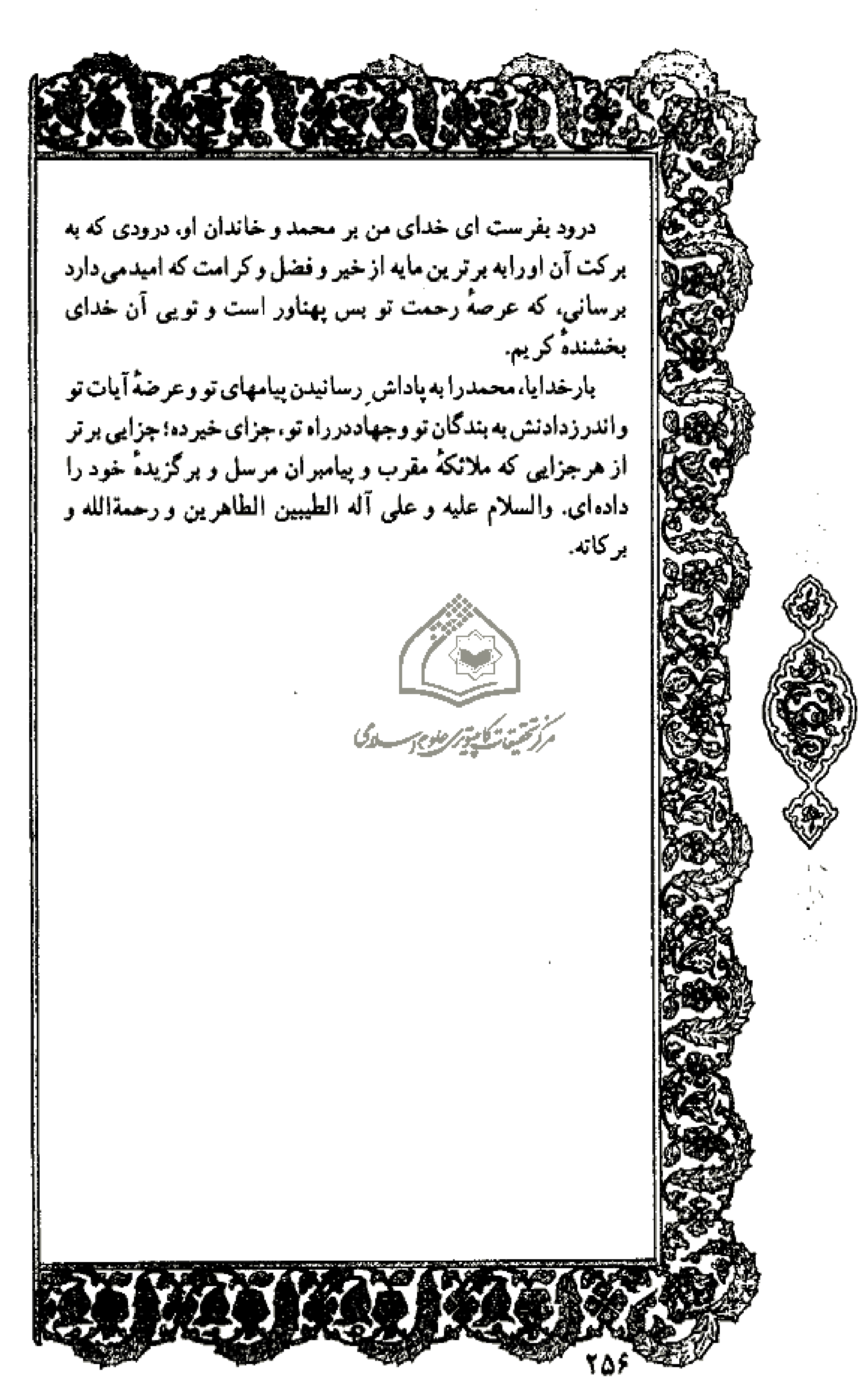
ای خداوند، در آن هنگام که در پیشگاه تو به صف ایستاده‌ایم، به برکت قرآن بر خواری و بیچارگی ما رحمت آور و به هنگام گذشتن از پل لرزان جهنم ما را به قرآن ثبات بخش که پاهایمان نلغزد. ای خداوند، زان پیش که از گورمان برانگیزی، ظلمت گورهای ما به قرآن روشنی بخش و از اندوه روز حساب و لحظات هول انگیز قیامت رهایی ده.

ای خداوند، در آن روز حسرت و ندامت که ستمکاران سیاه‌رویند، ما را سپیدروی گردان و دوستی ما در دلهای مؤمنان انداز و زندگی ما بر ما دشوار مگردان.

بارخدایا، درود بفرست بر محمد بندهٔ خود و پیامبر خود، به پاس آنکه پیام تو به مردم رسانید و فرمان تو به آواز بلند در گوش خلق کشید و بندگانت را اندرزهای نیکو داد.

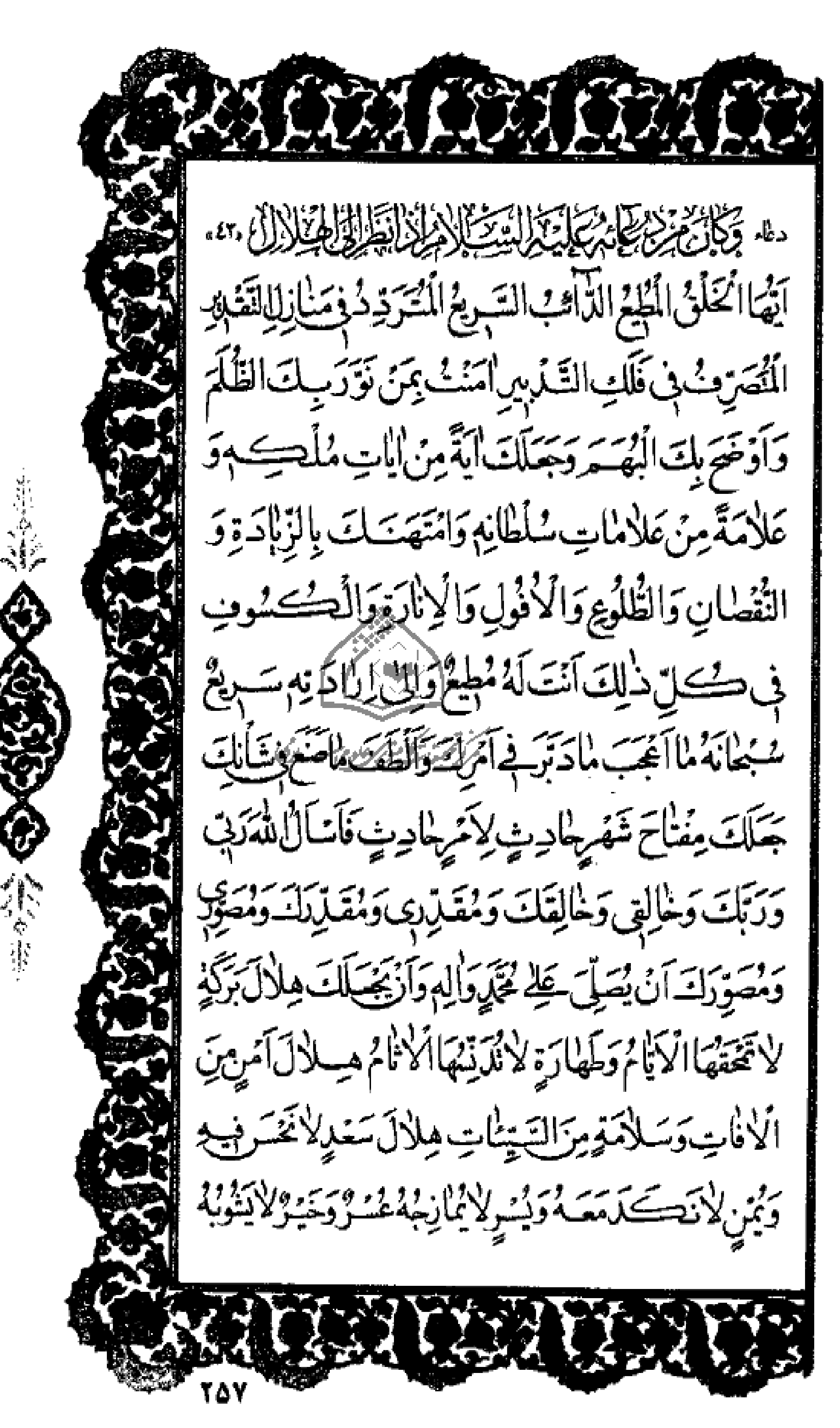
ای خداوند، چنان کن که نشستنگه پیامبر ما، صلوات الله علیه و علی آله، در روز حشر از همهٔ پیامبران نزدیک تر به تو باشد و شفاعتش از همه پذیرفته‌تر و منزلتش در نزد تو از همه فراتر و جاه و حشمتش از همه افزون تر باشد.

بارخدایا، بر محمد و خاندانش درود بفرست و بنای دین او از همهٔ دینها افراشته‌تر دار و برهان او عظیم تر گردان و ترازوی حسنات او سنگین‌تر نمای و شفاعتش بپذیر و مقرّب خود گردان و روسپیدش فرمای و نورش به کمال رسان و درجتش فرابر و ما را بر سنت او زنده بدار و بر دین او بمیران و در راه او سیر ده و بر طریقهٔ او روانه دار و فرمانبردارِ او گردان و به گروه او درآور و بر سرِ حوض او بَر و از جام او سیراب نمای.



درود بفرست ای خدای من بر محمد و خاندان او، درودی که به برکت آن او را به برترین مایه از خیر و فضل و کرامت که امید می‌دارد برسانی، که عرصهٔ رحمت تو بس پهناور است و تویی آن خدای بخشندهٔ کریم.

بارخدایا، محمد را به پاداش رسانیدن پیامهای تو و عرضهٔ آیات تو واندرزدادنش به بندگان تو و جهاد در راه تو، جزای خیر ده؛ جزایی برتر از هرجزایی که ملائکهٔ مقرب و پیامبران مرسل و برگزیدهٔ خود را داده‌ای. والسلام علیه و علی آله الطیبین الطاهرین و رحمة‌الله و برکاته.



دعاء «٤٣» وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلاَمُ إِذَا نَظَرَ إِلَى الْهِلاَلِ

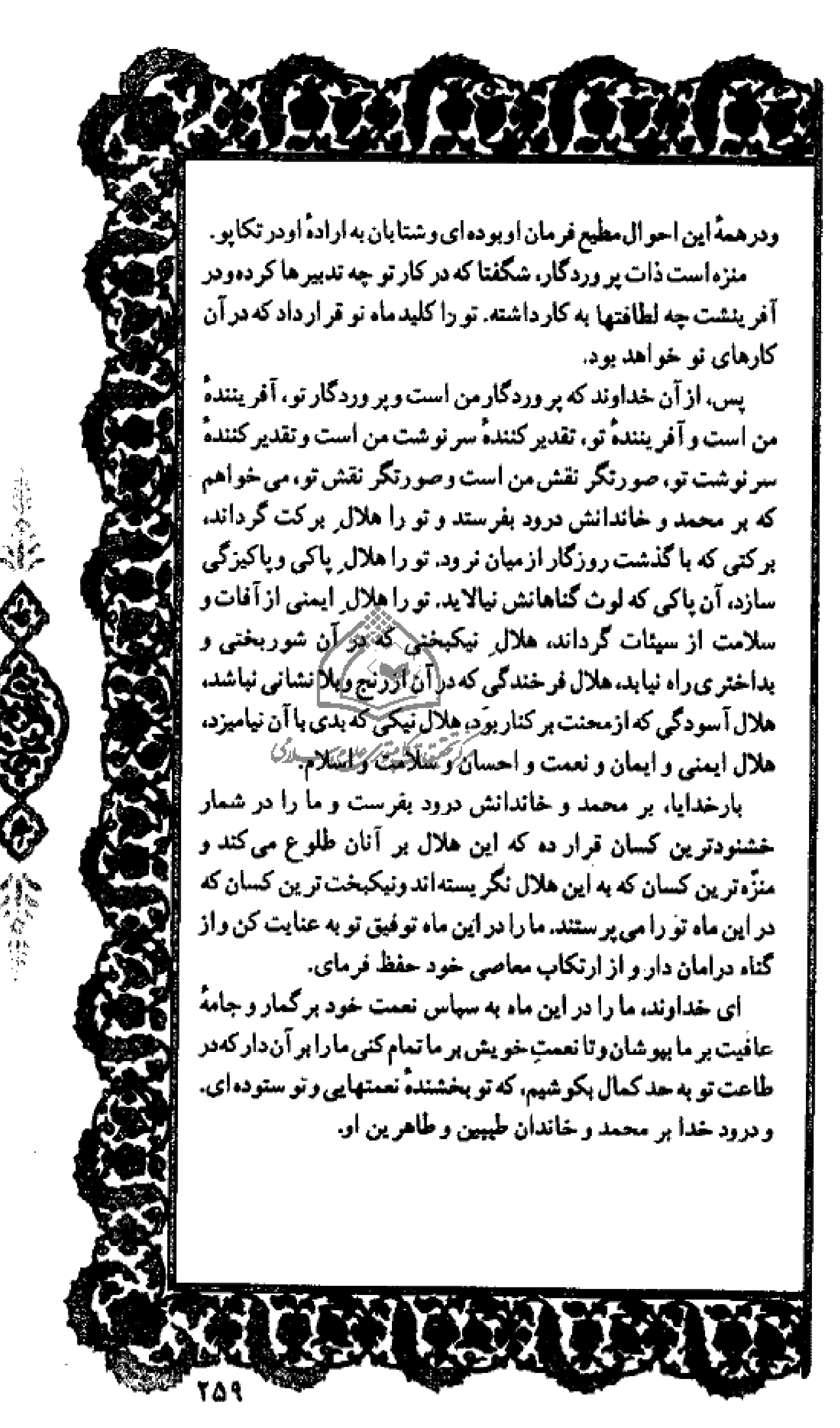
أَيُّهَا الْخَلْقُ الْمُطِيعُ الدَّائِبُ السَّرِيعُ الْمُتَرَدِّدُ فِي مَنَازِلِ التَّقْدِيرِ
الْمُتَصَرِّفُ فِي فَلَكِ التَّدْبِيرِ آمَنْتُ بِمَنْ نَوَّرَ بِكَ الظُّلَمَ
وَأَوْضَحَ بِكَ الْبُهَمَ وَجَعَلَكَ آيَةً مِنْ آيَاتِ مُلْكِهِ وَ
عَلاَمَةً مِنْ عَلاَمَاتِ سُلْطَانِهِ وَامْتَهَنَكَ بِالزِّيَادَةِ وَ
النُّقْصَانِ وَالطُّلُوعِ وَالْأُفُولِ وَالْإِنَارَةِ وَالْكُسُوفِ
فِي كُلِّ ذَلِكَ أَنْتَ لَهُ مُطِيعٌ وَإِلَى إِرَادَتِهِ سَرِيعٌ
سُبْحَانَهُ مَا أَعْجَبَ مَا دَبَّرَ فِي أَمْرِكَ وَأَلْطَفَ مَا صَنَعَ فِي شَأْنِكَ
جَعَلَكَ مِفْتَاحَ شَهْرٍ حَادِثٍ لِأَمْرٍ حَادِثٍ فَأَسْأَلُ اللَّهَ رَبِّي
وَرَبَّكَ وَخَالِقِي وَخَالِقَكَ وَمُقَدِّرِي وَمُقَدِّرَكَ وَمُصَوِّرِي
وَمُصَوِّرَكَ أَنْ يُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَنْ يَجْعَلَكَ هِلاَلَ بَرَكَةٍ
لاَ تَمْحَقُهَا الْأَيَّامُ وَطَهَارَةٍ لاَ تُدَنِّسُهَا الْآثَامُ هِلاَلَ أَمْنٍ مِنَ
الْآفَاتِ وَسَلاَمَةٍ مِنَ السَّيِّئَاتِ هِلاَلَ سَعْدٍ لاَ نَحْسَ فِيهِ
وَيُمْنٍ لاَ نَكَدَ مَعَهُ وَيُسْرٍ لاَ يُمَازِجُهُ عُسْرٌ وَخَيْرٍ لاَ يَشُوبُهُ

شَرٍّ هِلالَ اَمْنٍ وَ ایمانٍ وَ نِعْمَةٍ وَ اِحْسانٍ وَ سَلامَةٍ وَ اِسْلامٍ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ اجْعَلْنا مِنْ اَرْضىٰ مَنْ طَلَعَ عَلَيْهِ وَ اَزْكىٰ مَنْ نَظَرَ اِلَيْهِ وَ اَسْعَدَ مَنْ تَعَبَّدَ لَكَ فيهِ وَ وَفِّقْنا فيهِ لِلتَّوْبَةِ وَ اعْصِمْنا فيهِ مِنَ الْحَوْبَةِ وَ احْفَظْنا فيهِ مِنْ مُباشَرَةِ مَعْصِيَتِكَ وَ اَوْزِعْنا فيهِ شُكْرَ نِعْمَتِكَ وَ اَلْبِسْنا فيهِ جُنَنَ الْعافِيَةِ وَ اَتْمِمْ عَلَيْنا بِاسْتِكْمالِ طاعَتِكَ فيهِ الْمِنَّةَ اِنَّكَ الْمَنّانُ الْحَميدُ وَ صَلَّى اللّٰهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبينَ الطّاهِرينَ.

نیایش چهل و سوم[1]

ای موجود فرمانبردار، ای کوشندهٔ گرمپوی، ای آینده و رونده در منازلی که خداوندت مقرر داشته، ای کارگزار خداوندی بر سپهر، ایمان آوردم به آن خداوندی که تاریکیها را به فروغ تو روشن ساخت وسایه‌های مبهم را به پرتو تو پدیدار کرد و تو را آیتی از آیات عرصهٔ فرمانروایی و نشانی از نشانه‌های قدرت خویش گردانید و به افزودن و کاستن و بر آمدن و فروشدن و درخشندگی و تیرگی، در فرمان خود گرفت

۱. دعای آن حضرت است به هنگام دیدن هلال ماه نو.



ودر همهٔ این احوال مطیع فرمان او بوده ای وشتابان به ارادهٔ اودر تکاپو.

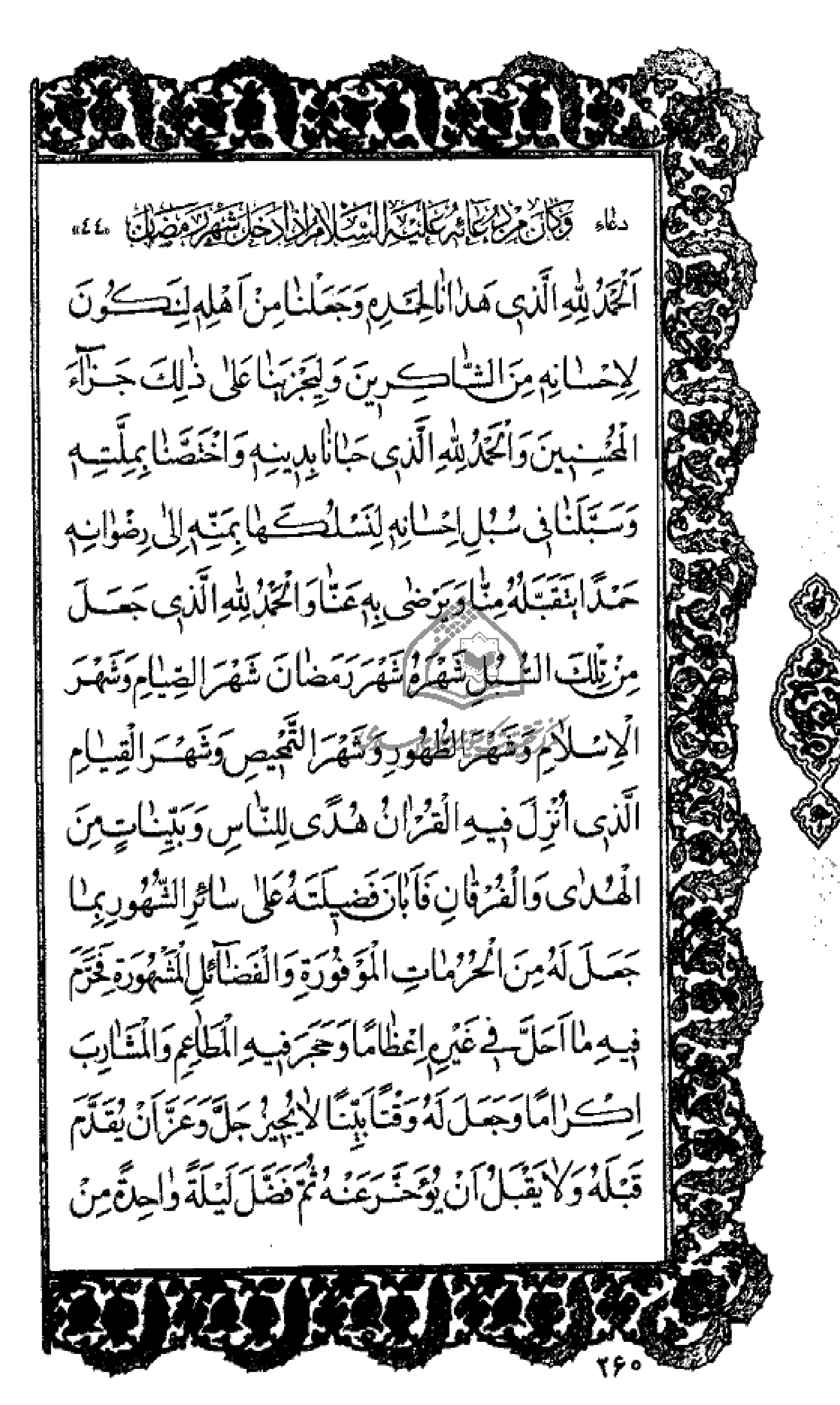
منزه است ذات پروردگار، شگفتا که در کار تو چه تدبیرها کرده ودر آفرینشت چه لطافتها به کار داشته. تو را کلید ماه نو قرارداد که در آن کارهای نو خواهد بود.

پس، از آن خداوند که پروردگار من است و پروردگار تو، آفرینندهٔ من است و آفرینندهٔ تو، تقدیر کنندهٔ سرنوشت من است و تقدیر کنندهٔ سرنوشت تو، صورتگر نقش من است وصورتگر نقش تو، می خواهم که بر محمد و خاندانش درود بفرستد و تو را هلال برکت گرداند، برکتی که با گذشت روزگار ازمیان نرود. تو را هلال پاکی وپاکیزگی سازد، آن پاکی که لوث گناهانش نیالاید. تو را هلال ایمنی از آفات و سلامت از سیئات گرداند، هلال نیکبختی که در آن شوربختی و بداختری راه نیابد، هلال فرخندگی که در آن از رنج وبلا نشانی نباشد، هلال آسودگی که ازمحنت بر کنار بود، هلال نیکی که بدی با آن نیامیزد، هلال ایمنی و ایمان و نعمت و احسان و سلامت و اسلام.

بارخدایا، بر محمد و خاندانش درود بفرست و ما را در شمار خشنودترین کسان قرار ده که این هلال بر آنان طلوع می کند و منزّه ترین کسان که به این هلال نگریسته اند ونیکبخت ترین کسان که در این ماه تو را می پرستند. ما را در این ماه توفیق توبه عنایت کن واز گناه درامان دار و از ارتکاب معاصی خود حفظ فرمای.

ای خداوند، ما را در این ماه به سپاس نعمت خود برگمار و جامهٔ عافیت بر ما بپوشان وتا نعمتِ خویش بر ما تمام کنی ما را بر آن دار که در طاعت تو به حد کمال بکوشیم، که تو بخشندهٔ نعمتهایی و تو ستوده ای.

و درود خدا بر محمد و خاندان طیبین و طاهرین او.



دعاء «٤٤» وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا دَخَلَ شَهْرُ رَمَضَانَ

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي هَدَانَا لِحَمْدِهِ وَجَعَلَنَا مِنْ أَهْلِهِ لِنَكُونَ
لِإِحْسَانِهِ مِنَ الشَّاكِرِينَ وَلِيَجْزِيَنَا عَلَى ذٰلِكَ جَزَاءَ
الْمُحْسِنِينَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي حَبَانَا بِدِينِهِ وَاخْتَصَّنَا بِمِلَّتِهِ
وَسَبَّلَنَا فِي سُبُلِ إِحْسَانِهِ لِنَسْلُكَهَا بِمَنِّهِ إِلَى رِضْوَانِهِ
حَمْدًا يَتَقَبَّلُهُ مِنَّا وَيَرْضَى بِهِ عَنَّا وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي جَعَلَ
مِنْ تِلْكَ السُّبُلِ شَهْرَهُ شَهْرَ رَمَضَانَ شَهْرَ الصِّيَامِ وَشَهْرَ
الْإِسْلَامِ وَشَهْرَ الطَّهُورِ وَشَهْرَ التَّمْحِيصِ وَشَهْرَ الْقِيَامِ
الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِنَ
الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ فَأَبَانَ فَضِيلَتَهُ عَلَى سَائِرِ الشُّهُورِ بِمَا
جَعَلَ لَهُ مِنَ الْحُرُمَاتِ الْمَوْفُورَةِ وَالْفَضَائِلِ الْمَشْهُورَةِ فَحَرَّمَ
فِيهِ مَا أَحَلَّ فِي غَيْرِهِ إِعْظَامًا وَحَجَرَ فِيهِ الْمَطَاعِمَ وَالْمَشَارِبَ
إِكْرَامًا وَجَعَلَ لَهُ وَقْتًا بَيِّنًا لَا يُجِيزُ جَلَّ وَعَزَّ أَنْ يُقَدَّمَ
قَبْلَهُ وَلَا يَقْبَلُ أَنْ يُؤَخَّرَ عَنْهُ ثُمَّ فَضَّلَ لَيْلَةً وَاحِدَةً مِنْ

لَيالِيهِ عَلى لَيالي أَلْفِ شَهْرٍ وَسَمّاها لَيْلَةَ الْقَدْرِ تَنَزَّلُ

الْمَلائِكَةُ وَالرُّوحُ فيها بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ

سَلامٌ دائِمُ الْبَرَكَةِ إِلى طُلُوعِ الْفَجْرِ عَلى مَنْ يَشاءُ

مِنْ عِبادِهِ بِما أَحْكَمَ مِنْ قَضائِهِ اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ

وَآلِهِ وَأَلْهِمْنا مَعْرِفَةَ فَضْلِهِ وَإِجْلالَ حُرْمَتِهِ وَالتَّحَفُّظَ مِمّا

حَظَرْتَ فيهِ وَأَعِنّا عَلى صِيامِهِ بِكَفِّ الْجَوارِحِ عَنْ

مَعاصيكَ وَاسْتِعْمالِها فيهِ بِما يُرْضيكَ حَتّى لا نُصْغِيَ

بِأَسْماعِنا إِلى لَغْوٍ وَلا نُسْرِعَ بِأَبْصارِنا إِلى لَهْوٍ وَحَتّى لا نَبْسُطَ

أَيْدِيَنا إِلى مَحْظُورٍ وَلا نَخْطُوَ بِأَقْدامِنا إِلى مَحْجُورٍ وَحَتّى لا تَعِيَ

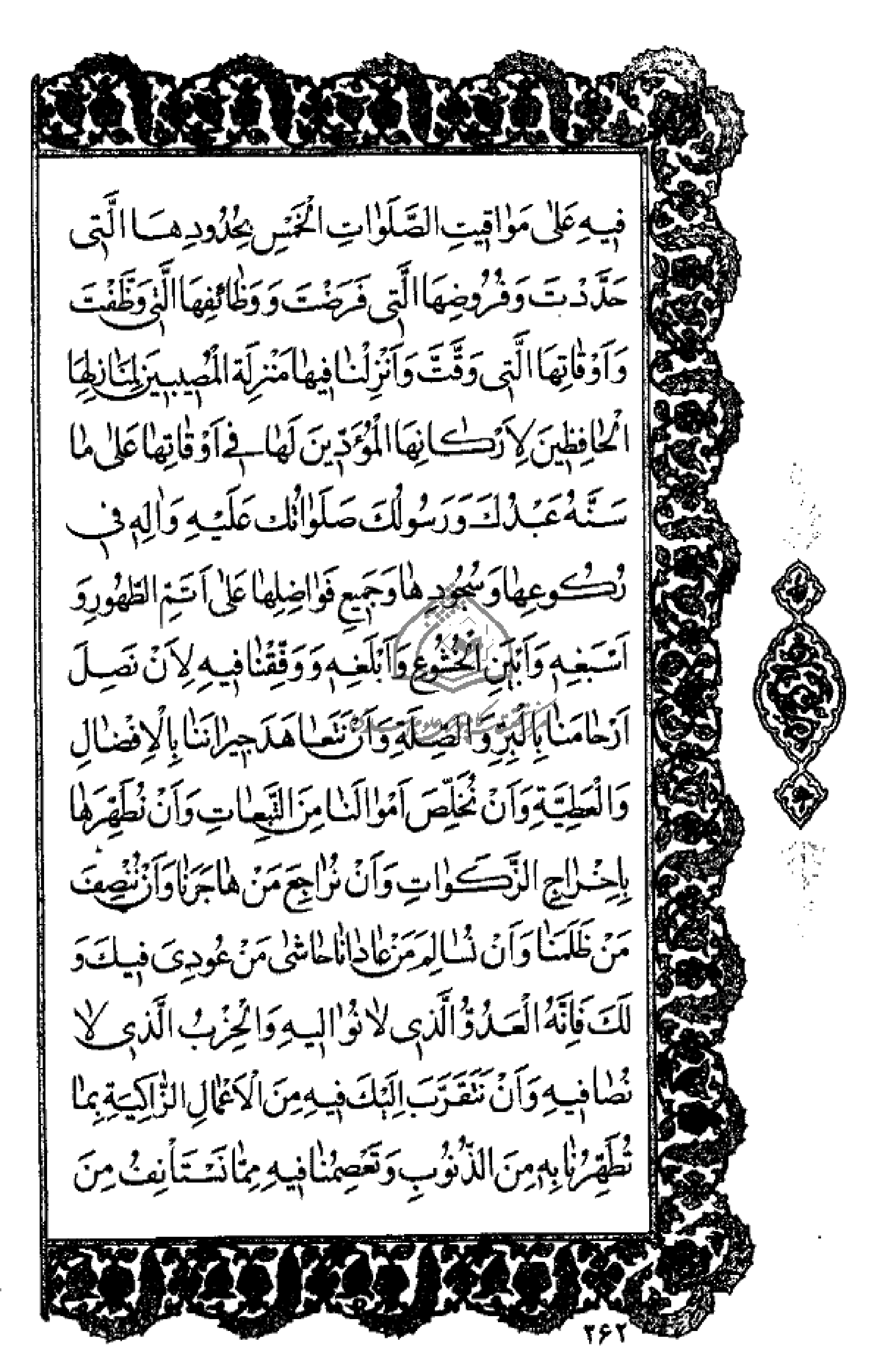
بُطُونُنا إِلّا ما أَحْلَلْتَ وَلا تَنْطِقَ أَلْسِنَتُنا إِلّا بِما مَثَّلْتَ وَلا

نَتَكَلَّفَ إِلّا ما يُدْني مِنْ ثَوابِكَ وَلا نَتَعاطى إِلَّا الَّذي

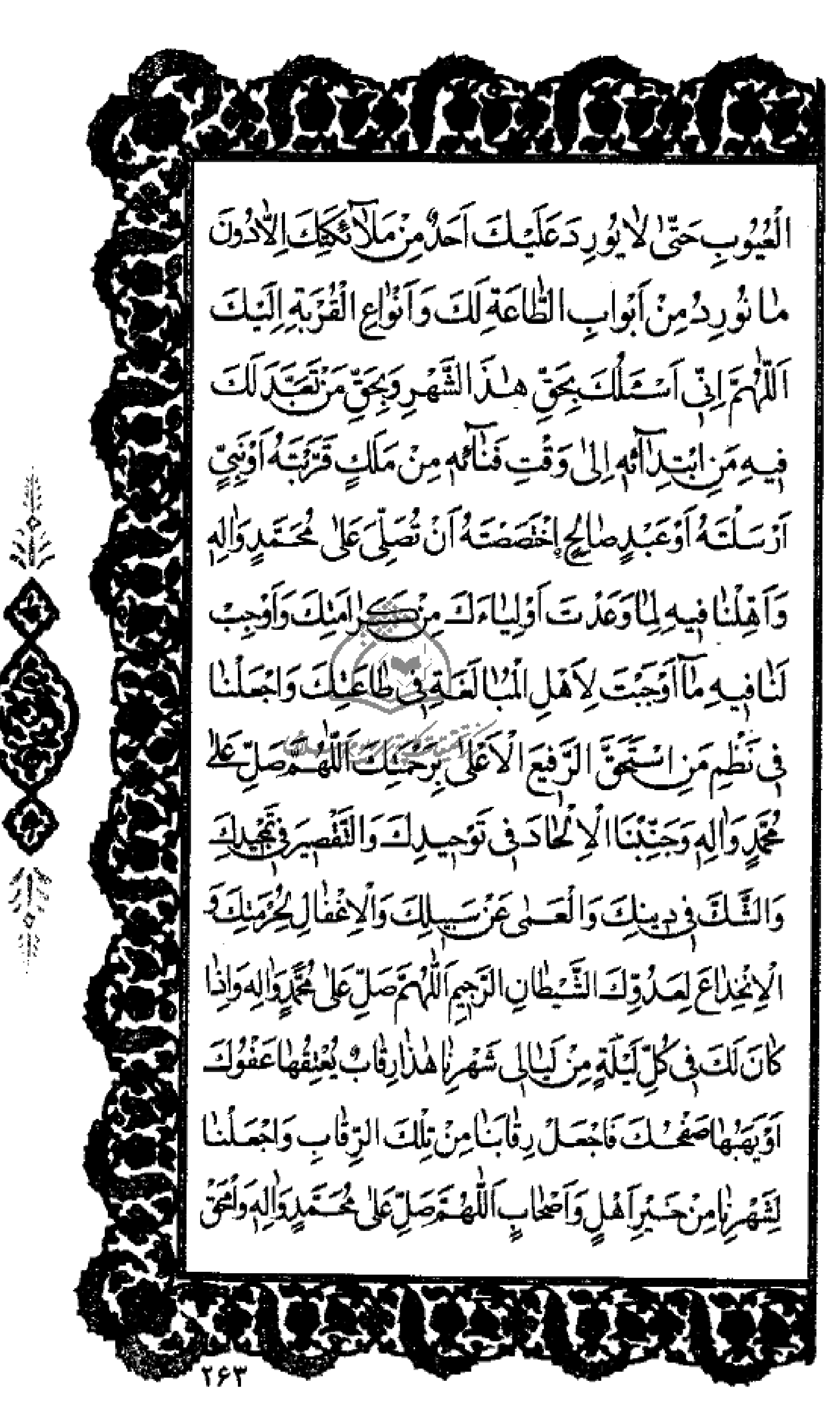
يَقي مِنْ عِقابِكَ ثُمَّ خَلِّصْ ذلِكَ كُلَّهُ مِنْ رِئاءِ الْمُرائينَ

وَسُمْعَةِ الْمُسْمِعينَ لا نُشْرِكُ فيهِ أَحَداً دُونَكَ وَلا

نَبْتَغي فيهِ مُراداً سِواكَ اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَقِفْنا



فِيهِ عَلَى مَوَاقِيتِ الصَّلَوَاتِ الْخَمْسِ بِحُدُودِهَا الَّتِي
حَدَّدْتَ وَفُرُوضِهَا الَّتِي فَرَضْتَ وَوَظَائِفِهَا الَّتِي وَظَّفْتَ
وَأَوْقَاتِهَا الَّتِي وَقَّتَّ وَأَنْزِلْنَا فِيهَا مَنْزِلَةَ الْمُصِيبِينَ لِمَنَازِلِهَا
الْحَافِظِينَ لِأَرْكَانِهَا الْمُؤَدِّينَ لَهَا فِي أَوْقَاتِهَا عَلَى مَا
سَنَّهُ عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي
رُكُوعِهَا وَسُجُودِهَا وَجَمِيعِ فَوَاضِلِهَا عَلَى أَتَمِّ الطَّهُورِ وَ
أَسْبَغِهِ وَأَبْيَنِ الْخُشُوعِ وَأَبْلَغِهِ وَوَفِّقْنَا فِيهِ لِأَنْ نَصِلَ
أَرْحَامَنَا بِالْبِرِّ وَالصِّلَةِ وَأَنْ نَتَعَاهَدَ جِيرَانَنَا بِالْإِفْضَالِ
وَالْعَطِيَّةِ وَأَنْ نُخَلِّصَ أَمْوَالَنَا مِنَ التَّبِعَاتِ وَأَنْ نُطَهِّرَهَا
بِإِخْرَاجِ الزَّكَوَاتِ وَأَنْ نُرَاجِعَ مَنْ هَاجَرَنَا وَأَنْ نُنْصِفَ
مَنْ ظَلَمَنَا وَأَنْ نُسَالِمَ مَنْ عَادَانَا حَاشَى مَنْ عُودِيَ فِيكَ وَ
لَكَ فَإِنَّهُ الْعَدُوُّ الَّذِي لَا نُوَالِيهِ وَالْحِزْبُ الَّذِي لَا
نُصَافِيهِ وَأَنْ نَتَقَرَّبَ إِلَيْكَ فِيهِ مِنَ الْأَعْمَالِ الزَّاكِيَةِ بِمَا
تُطَهِّرُنَا بِهِ مِنَ الذُّنُوبِ وَتَعْصِمُنَا فِيهِ مِمَّا نَسْتَأْنِفُ مِنَ



الْغُيُوبِ حَتّٰى لَا يُورِدَ عَلَيْكَ اَحَدٌ مِنْ مَلٰٓائِكَتِكَ اِلَّا دُونَ
مَا نُورِدُ مِنْ اَبْوَابِ الطَّاعَةِ لَكَ وَاَنْوَاعِ الْقُرْبَةِ اِلَيْكَ
اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ بِحَقِّ هٰذَا الشَّهْرِ وَبِحَقِّ مَنْ تَعَبَّدَ لَكَ
فِيهِ مِنِ ابْتِدَآئِهِ اِلٰى وَقْتِ فَنَآئِهِ مِنْ مَلَكٍ قَرَّبْتَهُ اَوْ نَبِيٍّ
اَرْسَلْتَهُ اَوْ عَبْدٍ صَالِحٍ اخْتَصَصْتَهُ اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
وَاَهِّلْنَا فِيهِ لِمَا وَعَدْتَ اَوْلِيَاءَكَ مِنْ كَرَامَتِكَ وَاَوْجِبْ
لَنَا فِيهِ مَا اَوْجَبْتَ لِاَهْلِ الْمُبَالَغَةِ فِي طَاعَتِكَ وَاجْعَلْنَا
فِي نَظْمِ مَنِ اسْتَحَقَّ الرَّفِيعَ الْاَعْلٰى بِرَحْمَتِكَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى
مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَجَنِّبْنَا الْاِلْحَادَ فِي تَوْحِيدِكَ وَالتَّقْصِيرَ فِي تَمْجِيدِكَ
وَالشَّكَّ فِي دِينِكَ وَالْعَمٰى عَنْ سَبِيلِكَ وَالْاِغْفَالَ لِحُرْمَتِكَ وَ
الْاِنْخِدَاعَ لِعَدُوِّكَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاِذَا
كَانَ لَكَ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ مِنْ لَيَالِي شَهْرِنَا هٰذَا رِقَابٌ يُعْتِقُهَا عَفْوُكَ
اَوْ يَهَبُهَا صَفْحُكَ فَاجْعَلْ رِقَابَنَا مِنْ تِلْكَ الرِّقَابِ وَاجْعَلْنَا
لِشَهْرِنَا مِنْ خَيْرِ اَهْلٍ وَاَصْحَابٍ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَامْحَقْ

ذُنُوبَنَا مَعَ امِّحَاقِ هِلاَلِهِ وَاسْلَخْ عَنَّا تَبِعَاتِنَا مَعَ انْسِلاَخِ

اَيَّامِهِ حَتَّى يَنْقَضِيَ عَنَّا وَقَدْ صَفَّيْتَنَا فِيهِ مِنَ الْخَطِيئَاتِ

وَاَخْلَصْتَنَا فِيهِ مِنَ السَّيِّئَاتِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

وَاِنْ مِلْنَا فِيهِ فَعَدِّلْنَا وَاِنْ زُغْنَا فِيهِ فَقَوِّمْنَا وَاِنِ اشْتَمَلَ

عَلَيْنَا عَدُوُّكَ الشَّيْطَانُ فَاسْتَنْقِذْنَا مِنْهُ اَللّٰهُمَّ اشْحَنْهُ

بِعِبَادَتِنَا اِيَّاكَ وَزَيِّنْ اَوْقَاتَهُ بِطَاعَتِنَا لَكَ وَاَعِنَّا فِي نَهَارِهِ

عَلَى صِيَامِهِ وَفِي لَيْلِهِ عَلَى الصَّلٰوةِ وَالتَّضَرُّعِ اِلَيْكَ وَالْخُشُوعِ

لَكَ وَالذِّلَّةِ بَيْنَ يَدَيْكَ حَتَّى لاَ يَشْهَدَ نَهَارُهُ عَلَيْنَا بِغَفْلَةٍ

وَلاَ لَيْلُهُ بِتَفْرِيطٍ اَللّٰهُمَّ وَاجْعَلْنَا فِي سَائِرِ الشُّهُورِ وَالاَيَّامِ

كَذٰلِكَ مَا عَمَّرْتَنَا وَاجْعَلْنَا مِنْ عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ الَّذِينَ

يَرِثُونَ الْفِرْدَوْسَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ وَالَّذِينَ يُؤْتُونَ مَا آتَوْا

وَقُلُوبُهُمْ وَجِلَةٌ اَنَّهُمْ اِلَى رَبِّهِمْ رَاجِعُونَ وَمِنَ الَّذِينَ

يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَهُمْ لَهَا سَابِقُونَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ فِي كُلِّ وَقْتٍ وَكُلِّ اَوَانٍ وَعَلَى كُلِّ



حَالٍ عَدَدَ مَا صَلَّيْتَ عَلَىٰ مَنْ صَلَّيْتَ عَلَيْهِ وَأَضْعَافَ ذٰلِكَ كُلِّهِ بِالْأَضْعَافِ الَّتِي لَا يُحْصِيهَا غَيْرُكَ إِنَّكَ فَعَّالٌ لِمَا تُرِيدُ

نیایش چهل و چهارم[1]

حمد وسپاس خداوندی را که ما را به حمد وسپاس خویش راه نمود و از جملهٔ حامدان خود قرار داد، تا از شکر گزارانِ احسان او باشیم. و ما را در برابر حمد وسپاس خویش پاداش داد، آن سان که نیکوکاران را پاداش دهد.

حمد و سپاس خداوندی را که دینِ خود به ما ارزانی فرمود و ما را به آیین خویش اختصاص داد و به راههای احسان خود درآورد، تا به مدد احسانش در طریق خشنودی اش گام برداریم. حمد و سپاسی که شایان قبولش افتد و بدان از ما خشنود گردد.

حمد و سپاس خداوندی را که یکی از آن راهها که در برابر ما گشوده، ماهِ خود، ماه رمضان است، ماه صیام و ماه اسلام، ماه پاکیزگی از آلودگیها، ماه رهایی از گناهان، ماه نماز، ماهی که در آن قرآن نازل شده، قرآنی که راهنمای مردم است و نشانهٔ آشکار هدایت است و تمیزدهندهٔ حق از باطل است.

پس به حرمت بی شمار و فضیلت بسیاری که بدین ماه ارزانی داشت، برتری آن را بر دیگر ماهها آشکار ساخت. برای بزرگداشت آن، هر چیز را که در دیگر ماهها حلال داشته بود، در این ماه حرام کرد. گرامیداشتِ آن را هر خوردنی و آشامیدنی ممنوع داشت و برای آن

۱. دعای آن حضرت است هنگامی که ماه رمضان فرا می‌رسید.

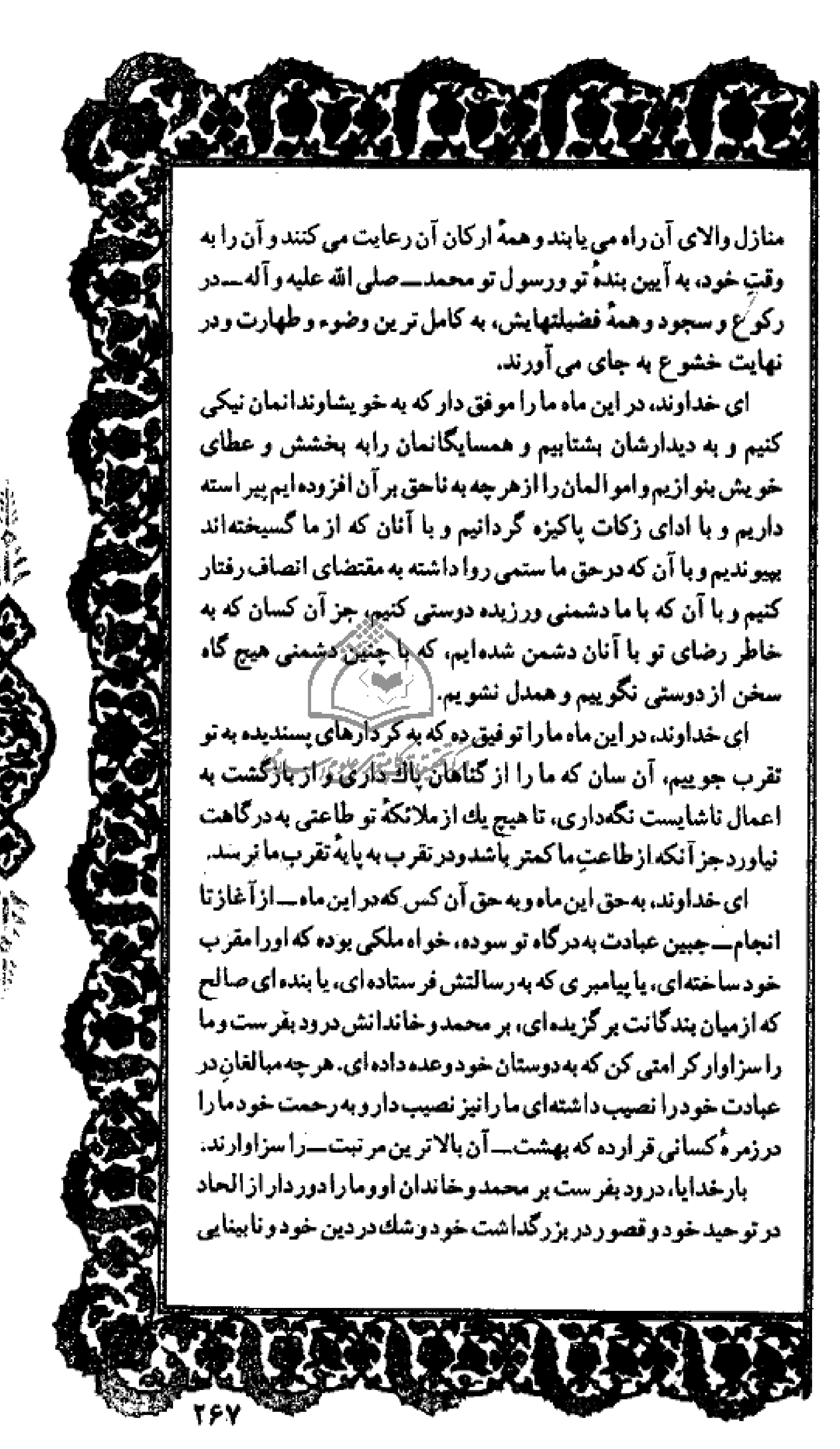
زمانی معین قرارداد، آن سان که اجازت ندهد روزهٔ آن پیشتر ادا گردد و نپذیرد که به تأخیر افتد.

آنگاه شبی از شبهای این ماه برگزید و بر شبهای هزارماه برتری داد. و آن شب را «لیلة‌القدر» نامید. در آن شب، فرشتگان و روح، به فرمان پروردگارشان، بر هریك از بندگان او ـ که بخواهد ـ نازل می‌شوند، همراه با تقدیری تغییرناپذیر. آن شب، شب سلام و درود فرشتگان است و دامنهٔ برکاتش تا سپیده‌دم کشیده‌شود.

بارخدایا، درود بفرست بر محمد و خاندانش و شناخت فضیلت این ماه و بزرگداشتِ حرمت آن و پرهیز از هرچه در این ماه ما را از آن منع کرده‌ای، به ما الهام کن. و ما را به روزه‌داشتن یاری ده: آن سان که اعضای بدن خویش از معاصی تو بازداریم و درآنچه سبب خشنودی توست به کار داریم، تا به هیچ سخن بیهوده گوش نسپاریم و به هیچ لهو و بازیچه ننگریم و به هیچ ممنوع دست نگشاییم و به سوی هیچ حرامی گام برنداریم و چیزی جز آنچه تو حلال کرده‌ای در شکمهای خود جای ندهیم و زبانمان جز سخن تو نگوید و رنجی بر خود هموار نکنیم جز آنکه ما را به ثواب تو نزدیك سازد و کاری نکنیم جز آنچه ما را از عقاب تو درامان دارد. ای خداوند، از تو می‌خواهیم که این همه اعمال را از ریای ریاکاران و آوازه درافکندنِ آوازه‌افکنان دورنگه‌داری. وچنان باد که کسی را در عبادت با تو شریك نسازیم و جز تو/برای خود مرادی نجوییم.

بارخدایا، درود بفرست بر محمد و خاندان او و در این ماه ما را به اوقات نمازهای پنجگانه آگاه فرما؛ به حدود و احکامش که مقرر داشته‌ای و واجباتش که واجب ساخته‌ای و شروط و هنگامش که معین کرده‌ای.

ای خداوند، چنان کن که به هنگام نماز همانند کسانی باشیم که به



منازل والای آن راه می یابند و همهٔ ارکان آن رعایت می کنند و آن را به وقتِ خود، به آیین بندهٔ تو ورسول تو محمد ـ صلی الله علیه و آله ـ در رکوع و سجود و همهٔ فضیلتهایش، به کامل ترین وضوء و طهارت ودر نهایت خشوع به جای می آورند.

ای خداوند، در این ماه ما را موفق دار که به خویشاوندانمان نیکی کنیم و به دیدارشان بشتابیم و همسایگانمان رابه بخشش و عطای خویش بنوازیم واموالمان را ازهرچه به ناحق بر آن افزوده ایم پیراسته داریم و با ادای زکات پاکیزه گردانیم و با آنان که از ما گسیخته‌اند بپیوندیم و با آن که درحق ما ستمی روا داشته به مقتضای انصاف رفتار کنیم و با آن که با ما دشمنی ورزیده دوستی کنیم، جز آن کسان که به خاطر رضای تو با آنان دشمن شده‌ایم، که با چنین دشمنی هیچ گاه سخن از دوستی نگوییم و همدل نشویم.

ای خداوند، در این ماه ما را توفیق ده که به کردارهای پسندیده به تو تقرب جوییم، آن سان که ما را از گناهان پاک داری و از بازگشت به اعمال ناشایست نگه‌داری، تا هیچ یك از ملائکهٔ تو طاعتی به درگاهت نیاورد جز آنکه ازطاعتِ ما کمتر باشدودرتقرب به پایهٔ تقرب ما نرسد.

ای خداوند، به‌حق این ماه وبه حق آن کس که دراین ماه ـ ازآغازتا انجام ـ جبین عبادت به درگاه تو سوده، خواه ملکی بوده که اورا مقرب خود ساخته‌ای، یا پیامبری که به رسالتش فرستاده‌ای، یا بنده ای صالح که ازمیان بندگانت بر گزیده‌ای، بر محمد وخاندانش درود بفرست وما را سزاوار کرامتی کن که به‌دوستان خود وعده داده ای. هرچه مبالغانِ در عبادت خودرا نصیب داشته‌ای ما رانیز نصیب دار و به رحمت خودما را درزمرهٔ کسانی قرارده که بهشت ـ آن بالاترین مرتبت ـ را سزاوارند.

بارخدایا، درود بفرست بر محمد وخاندان اوومارا دوردار ازالحاد در توحید خود وقصور در بزرگداشت خود وشك در دین خود ونابینایی



در طریق خود و غفلت از تعظیم خود و فریفته شدن به دشمنت، آن شیطان رجیم.

بارخدایا، درود بفرست بر محمد و خاندان او و چون در شبهای این ماه ارادهٔ عفو و بخشایش کنی ما را در شمار آن بندگان درآور که به عفو تو آزاد می شوند و در خور بخشایش تو می گردند. ای خداوند، ما را از بهترین کسانی قرارده که در این ماه زیسته اند و این ماه به سر آورده اند.

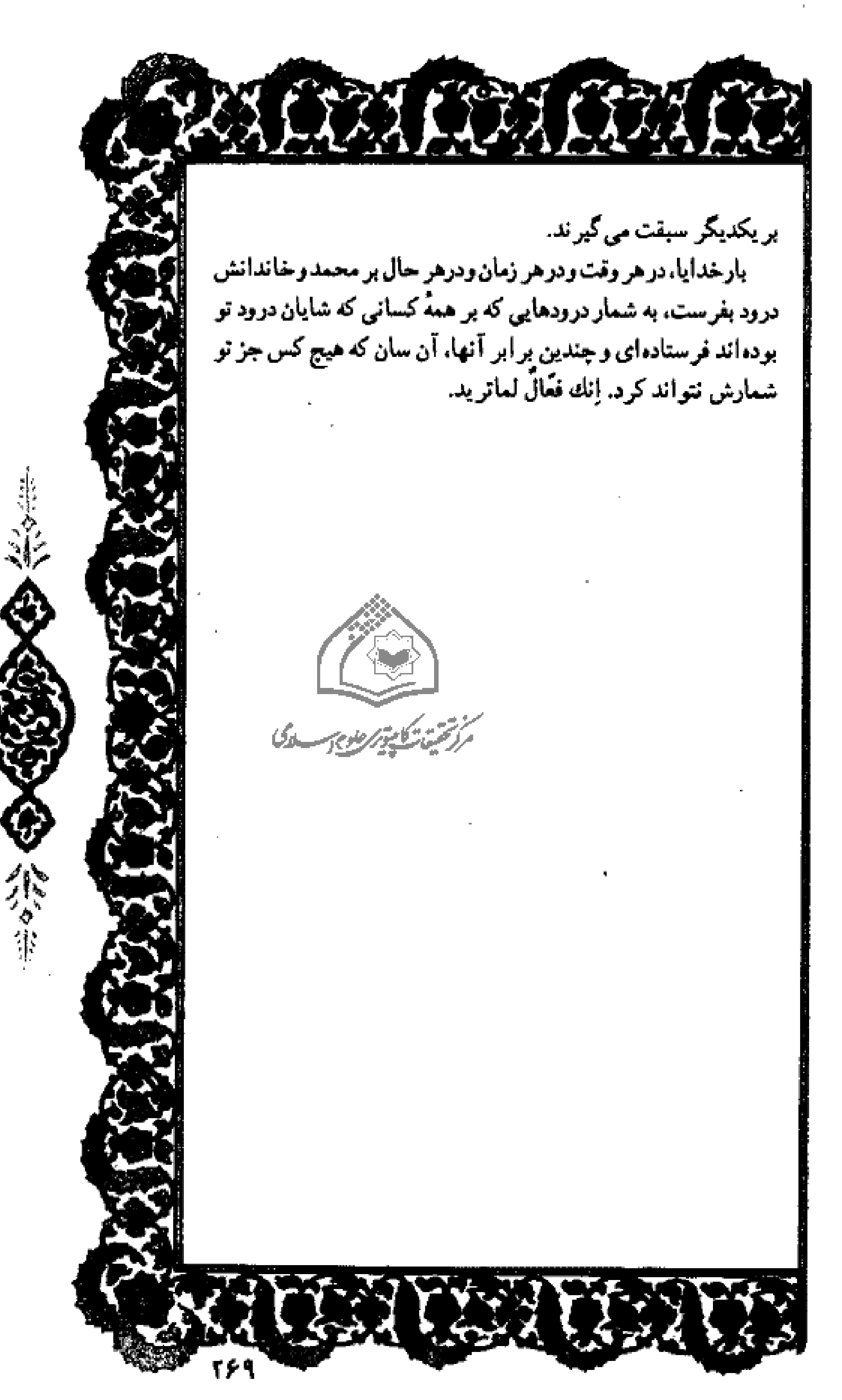
بارخدایا، درود بفرست بر محمد و خاندان او و آنگاه که هلال ماه رمضان به محاق می افتد، گناهان ما محو کن. و چون به سلخ رسد و روزهایش به آخر آید، جامهٔ شوخگن گناهان از تن ما بیرون کن، آن سان که چون به سر شود ما را از هر خطا پیراسته و از هر گناه، پاك ساخته باشی.

بارخدایا، بر محمد و خاندان او درود بفرست. اگر در این ماه به راه کج رفته ایم، به راهِ راستمان آور و اگر از حق عدول کرده ایم، به حقمان بازگردان و اگر دشمن تو، شیطان، بر ما چیره شد، ما را از چنگال او رهایی بخش.

ای خداوند، ماه رمضان را از زمزمهٔ عبادت ما پر ساز و شب و روزش را به طاعات ما آراسته گردان. ما را یاری ده که روزهایش را روزه بداریم و شبهایش را به نماز و تضرع و خشوع و مذلّت در پیشگاه تو به سحر رسانیم، تامباد که روزهایش به غفلت ما شهادت دهند و شبهایش به سهل انگاری ما.

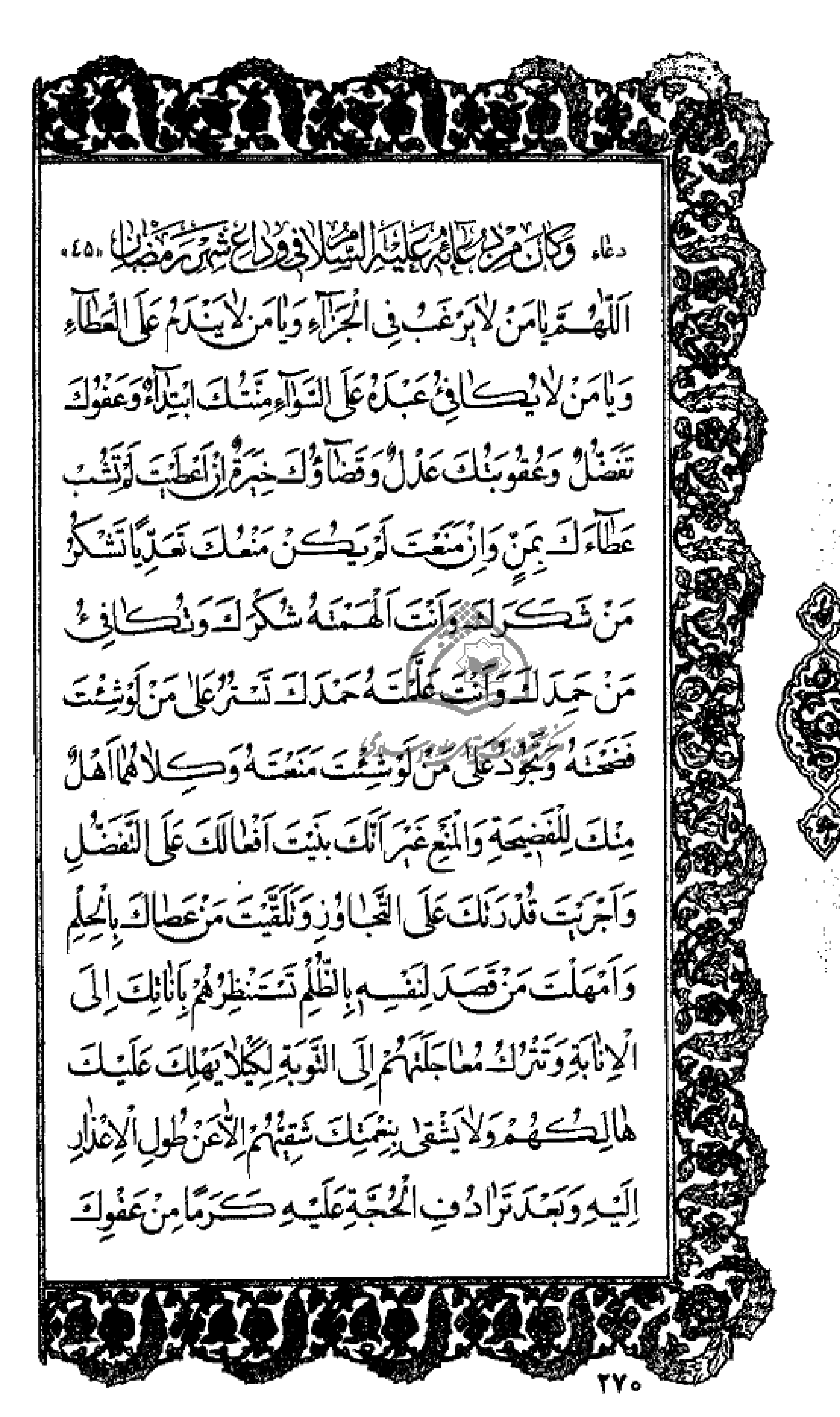
ای خداوند، چنان کن که در دیگر ماهها و روزها تا زنده ایم چنین باشیم. چنان کن که در شمار بندگانِ صالح تو درآییم: آنان که بهشت را به میراث برده اند و در آن جاویدانند، آنان که همهٔ آنچه را که باید ادا کنند ادا می کنند و باز هم دلهایشان ترسان است، آنان که باید نزد پروردگارشان بازگردند، آنان که به کارهای نیك می شتابند و در آن





بر یکدیگر سبقت می گیرند.

بارخدایا، درهر وقت و درهر زمان و درهر حال بر محمد و خاندانش درود بفرست، به شمار درودهایی که بر همهٔ کسانی که شایان درود تو بوده اند فرستاده‌ای و چندین برابر آنها، آن سان که هیچ کس جز تو شمارش نتواند کرد. إنك فعّالٌ لما ترید.



دعاء «٤٥» وكان من دعائه عليه السلام في وداع شهر رمضان

اللّٰهُمَّ يا مَنْ لا يَرْغَبُ فِي الْجَزاءِ وَيا مَنْ لا يَنْدَمُ عَلَى الْعَطاءِ

وَيا مَنْ لا يُكافِئُ عَبْدَهُ عَلَى السَّواءِ مِنَّتُكَ ابْتِداءٌ وَعَفْوُكَ

تَفَضُّلٌ وَعُقُوبَتُكَ عَدْلٌ وَقَضاؤُكَ خِيَرَةٌ إِنْ أَعْطَيْتَ لَمْ تَشُبْ

عَطاءَكَ بِمَنٍّ وَإِنْ مَنَعْتَ لَمْ يَكُنْ مَنْعُكَ تَعَدِّياً تَشْكُرُ

مَنْ شَكَرَكَ وَأَنْتَ أَلْهَمْتَهُ شُكْرَكَ وَتُكافِئُ

مَنْ حَمِدَكَ وَأَنْتَ عَلَّمْتَهُ حَمْدَكَ تَسْتُرُ عَلَى مَنْ لَوْ شِئْتَ

فَضَحْتَهُ وَتَجُودُ عَلَى مَنْ لَوْ شِئْتَ مَنَعْتَهُ وَكِلاهُما أَهْلٌ

مِنْكَ لِلْفَضِيحَةِ وَالْمَنْعِ غَيْرَ أَنَّكَ بَنَيْتَ أَفْعالَكَ عَلَى التَّفَضُّلِ

وَأَجْرَيْتَ قُدْرَتَكَ عَلَى التَّجاوُزِ وَتَلَقَّيْتَ مَنْ عَصاكَ بِالْحِلْمِ

وَأَمْهَلْتَ مَنْ قَصَدَ لِنَفْسِهِ بِالظُّلْمِ تَسْتَنْظِرُهُمْ بِأَناتِكَ إِلَى

الْإِنابَةِ وَتَتْرُكُ مُعاجَلَتَهُمْ إِلَى التَّوْبَةِ لِكَيْلا يَهْلِكَ عَلَيْكَ

هالِكُهُمْ وَلا يَشْقىٰ بِنِعْمَتِكَ شَقِيُّهُمْ إِلّا عَنْ طُولِ الْإِعْذارِ

إِلَيْهِ وَبَعْدَ تَرادُفِ الْحُجَّةِ عَلَيْهِ كَرَماً مِنْ عَفْوِكَ

يا كريم وعائدة من عطفك يا حليم أنت الذي فتحت

لعبادك باباً إلى عفوك وسميته التوبة وجعلت على ذلك

الباب دليلاً من وحيك لئلا يضلوا عنه فقلت تبارك

اسمك، توبوا إلى الله توبة نصوحاً عسى ربكم أن يكفر

عنكم سيئاتكم ويدخلكم جنات تجري من

تحتها الأنهار يوم لا يخزي الله النبي والذين آمنوا معه

نورهم يسعى بين أيديهم وبأيمانهم يقولون ربنا أتمم

لنا نورنا واغفر لنا إنك على كل شيء قدير فما عذر

من أغفل دخول ذلك المنزل بعد فتح الباب وإقامة

الدليل، وأنت الذي زدت في السوم على نفسك

لعبادك تريد ربحهم في متاجرتهم لك وفوزهم بالوفادة

عليك والزيادة منك فقلت تبارك اسمك وتعاليت

من جاء بالحسنة فله عشر أمثالها ومن جاء بالسيئة

فلا يجزى إلا مثلها وقلت مثل الذين ينفقون أموالهم

فِي سَبِيلِ اللّٰهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ اَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِي

كُلِّ سُنْبُلَةٍ مِائَةُ حَبَّةٍ وَاللّٰهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَآءُ وَقُلْتَ

مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللّٰهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ اَضْعَافًا

كَثِيرَةً وَمَا اَنْزَلْتَ مِنْ نَظَائِرِهِنَّ فِي الْقُرْاٰنِ مِنْ تَضَاعِيفِ

الْحَسَنَاتِ وَاَنْتَ الَّذِي دَلَلْتَهُمْ بِقَوْلِكَ مِنْ غَيْبِكَ وَ

تَرْغِيبِكَ الَّذِي فِيهِ حَظُّهُمْ عَلٰى مَا لَوْ سَتَرْتَهُ عَنْهُمْ

لَمْ تُدْرِكْهُ اَبْصَارُهُمْ وَلَمْ تَعِهِ اَسْمَاعُهُمْ وَلَمْ تَلْحَقْهُ

اَوْهَامُهُمْ فَقُلْتَ اذْكُرُونِي اَذْكُرْكُمْ وَاشْكُرُوا لِي

وَلَا تَكْفُرُونِ. وَقُلْتَ لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَاَزِيدَنَّكُمْ

وَلَئِنْ كَفَرْتُمْ اِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ وَقُلْتَ ادْعُونِي اَسْتَجِبْ

لَكُمْ اِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ

دَاخِرِينَ فَسَمَّيْتَ دُعَآءَكَ عِبَادَةً وَتَرْكَهُ اسْتِكْبَارًا

وَتَوَعَّدْتَ عَلٰى تَرْكِهِ دُخُولَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ فَذَكَرُوكَ

بِمَنِّكَ وَشَكَرُوكَ بِفَضْلِكَ وَدَعَوْكَ بِاَمْرِكَ وَتَصَدَّقُوا

لَكَ طَلَبَ الْمَزِيدِ وَفِيهَا كَانَتْ نَجَاتُهُمْ مِنْ غَضَبِكَ
وَفَوْزُهُمْ بِرِضَاكَ وَلَوْ دَلَّ مَخْلُوقٌ مَخْلُوقاً مِنْ نَفْسِهِ عَلَى
مِثْلِ الَّذِي دَلَلْتَ عَلَيْهِ عِبَادَكَ مِنْكَ كَانَ مَوْصُوفاً
بِالْإِحْسَانِ وَمَنْعُوتاً بِالْإِمْتِنَانِ وَمَحْمُوداً بِكُلِّ لِسَانٍ
فَلَكَ الْحَمْدُ مَا وُجِدَ فِي حَمْدِكَ مَذْهَبٌ وَمَا بَقِيَ لِلْحَمْدِ لَفْظٌ
تُحْمَدُ بِهِ وَمَعْنًى يَنْصَرِفُ إِلَيْهِ يَا مَنْ تَحَمَّدَ إِلَى عِبَادِهِ
بِالْإِحْسَانِ وَالْفَضْلِ وَغَمَرَهُمْ بِالْمَنِّ وَالطَّوْلِ مَا أَفْشَى فِينَا
نِعْمَتَكَ وَأَسْبَغَ عَلَيْنَا مِنَّتَكَ وَأَخَصَّنَا بِبِرِّكَ هَدَيْتَنَا
لِدِينِكَ الَّذِي اصْطَفَيْتَ وَمِلَّتِكَ الَّتِي ارْتَضَيْتَ وَسَبِيلِكَ
الَّذِي سَهَّلْتَ وَبَصَّرْتَنَا الزُّلْفَةَ لَدَيْكَ وَالْوُصُولَ إِلَى كَرَامَتِكَ
اللَّهُمَّ وَأَنْتَ جَعَلْتَ مِنْ صَفَايَا تِلْكَ الْوَظَائِفِ وَخَصَائِصِ
تِلْكَ الْفُرُوضِ شَهْرَ رَمَضَانَ الَّذِي خَصَصْتَهُ مِنْ سَائِرِ
الشُّهُورِ وَتَخَيَّرْتَهُ مِنْ جَمِيعِ الْأَزْمِنَةِ وَالدُّهُورِ وَآثَرْتَهُ عَلَى
كُلِّ أَوْقَاتِ السَّنَةِ بِمَا أَنْزَلْتَ فِيهِ مِنَ الْقُرْآنِ وَالنُّورِ

وَضاعَفْتَ فيهِ مِنَ الايمانِ وَفَرَضْتَ فيهِ مِنَ الصِّيامِ
وَرَغَّبْتَ فيهِ مِنَ الْقِيامِ وَاَجْلَلْتَ فيهِ مِنْ لَيْلَةِ الْقَدْرِ
الَّتي هِيَ خَيْرٌ مِنْ اَلْفِ شَهْرٍ ثُمَّ آثَرْتَنا بِهِ عَلى سائِرِ الْاُمَمِ
وَاصْطَفَيْتَنا بِفَضْلِهِ دُونَ اَهْلِ الْمِلَلِ فَصُمْنا بِاَمْرِكَ نَهارَهُ
وَقُمْنا بِعَوْنِكَ لَيْلَهُ مُتَعَرِّضينَ بِصِيامِهِ وَقِيامِهِ لِما عَرَّضْتَنا
لَهُ مِنْ رَحْمَتِكَ وَتَسَبَّبْنا اِلَيْهِ مِنْ مَثُوبَتِكَ وَاَنْتَ الْمَليءُ بِما
رُغِبَ فيهِ اِلَيْكَ الْجَوادُ بِما سُئِلْتَ مِنْ فَضْلِكَ الْقَريبُ
اِلى مَنْ حاوَلَ قُرْبَكَ وَقَدْ اَقامَ فينا هذَا الشَّهْرُ مُقامَ
حَمْدٍ وَصَحِبَنا صُحْبَةَ مَبْرُورٍ وَاَرْبَحَنا اَفْضَلَ اَرْباحِ الْعالَمينَ
ثُمَّ قَدْ فارَقَنا عِنْدَ تَمامِ وَقْتِهِ وَانْقِطاعِ مُدَّتِهِ وَوَفاءِ عَدَدِهِ
فَنَحْنُ مُوَدِّعُوهُ وِداعَ مَنْ عَزَّ فِراقُهُ عَلَيْنا وَغَمَّنا وَاَوْحَشَنَا
انْصِرافُهُ عَنّا وَلَزِمَنا لَهُ الذِّمامُ الْمَحْفُوظُ وَالْحُرْمَةُ الْمَرْعِيَّةُ
وَالْحَقُّ الْمَقْضِيُّ فَنَحْنُ قائِلُونَ: اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا شَهْرَ اللهِ
الْاَكْبَرَ وَيا عيدَ اَوْلِيائِهِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا اَكْرَمَ مَصْحُوبٍ

مِنَ الْاَوْقاتِ وَيا خَيْرَ شَهْرٍ فِي الْاَيّامِ وَالسّاعاتِ اَلسَّلامُ

عَلَيْكَ مِنْ شَهْرٍ قَرُبَتْ فيهِ الْاٰمالُ وَنُشِرَتْ فيهِ الْاَعْمالُ

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ مِنْ قَرينٍ جَلَّ قَدْرُهُ مَوْجُوداً وَاَفْجَعَ فَقْدُهُ

مَفْقُوداً وَمَرْجُوٍّ آلَمَ فِراقُهُ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ مِنْ اَليفٍ آنَسَ

مُقْبِلاً فَسَرَّ وَاَوْحَشَ مُنْقَضِياً فَمَضَّ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ مِنْ مُجاوِرٍ

رَقَّتْ فيهِ الْقُلُوبُ وَقَلَّتْ فيهِ الذُّنُوبُ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ

مِنْ ناصِرٍ اَعانَ عَلَى الشَّيْطانِ وَصاحِبٍ سَهَّلَ سُبُلَ

الْاِحْسانِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ ما اَكْثَرَ عُتَقاءَ اللهِ فيكَ وَ

ما اَسْعَدَ مَنْ رَعىٰ حُرْمَتَكَ بِكَ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ ما كانَ

اَمْحاكَ لِلذُّنُوبِ وَاَسْتَرَكَ لِاَنْواعِ الْعُيُوبِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ

ما كانَ اَطْوَلَكَ عَلَى الْمُجْرِمينَ وَاَهْيَبَكَ فِي صُدُورِ

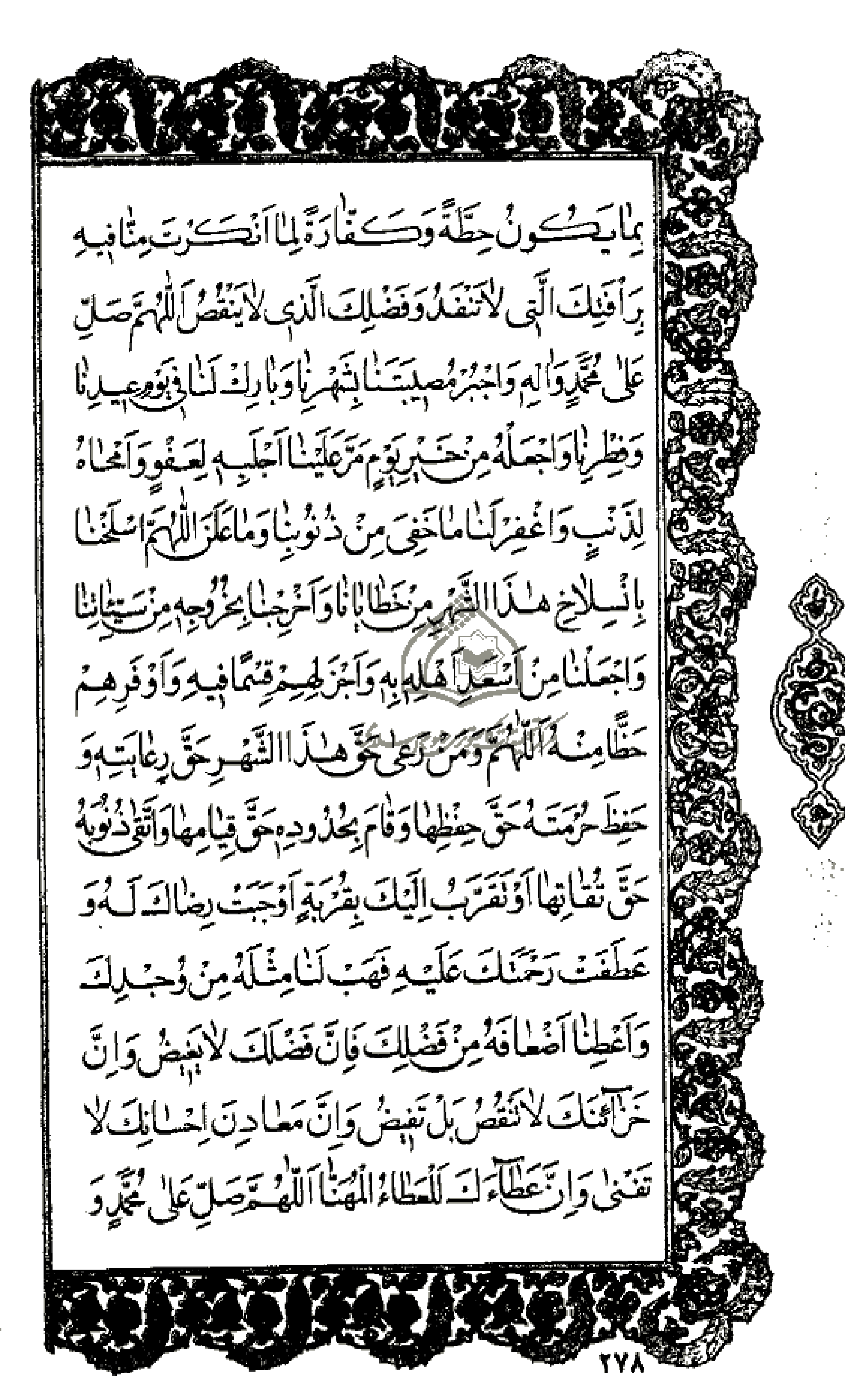
الْمُؤْمِنينَ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ مِنْ شَهْرٍ لا تُنافِسُهُ الْاَيّامُ اَلسَّلامُ

عَلَيْكَ مِنْ شَهْرٍ هُوَ مِنْ كُلِّ اَمْرٍ سَلامٌ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ

غَيْرَ كَريهِ الْمُصاحَبَةِ وَلا ذَميمِ الْمُلابَسَةِ اَلسَّلامُ

عَلَيْكَ كَمَا وَفَدْتَ عَلَيْنَا بِالْبَرَكَاتِ وَغَسَلْتَ عَنَّا دَنَسَ الْخَطِيئَاتِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ غَيْرَ مُوَدَّعٍ بَرَماً وَلَا مَتْرُوكٍ صِيَامُهُ سَأَماً اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ مِنْ مَطْلُوبٍ قَبْلَ وَقْتِهِ وَمَحْزُونٍ عَلَيْهِ قَبْلَ فَوْتِهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ كَمْ مِنْ سُوءٍ صُرِفَ بِكَ عَنَّا وَكَمْ مِنْ خَيْرٍ اُفِيضَ بِكَ عَلَيْنَا اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى لَيْلَةِ الْقَدْرِ الَّتِي هِيَ خَيْرٌ مِنْ اَلْفِ شَهْرٍ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ مَا كَانَ اَحْرَصَنَا بِالْاَمْسِ عَلَيْكَ وَاَشَدَّ شَوْقَنَا غَداً اِلَيْكَ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى فَضْلِكَ الَّذِي حُرِمْنَاهُ وَعَلَى مَاضٍ مِنْ بَرَكَاتِكَ سُلِبْنَاهُ اَللّٰهُمَّ اِنَّا اَهْلُ هٰذَا الشَّهْرِ الَّذِي شَرَّفْتَنَا بِهِ وَوَفَّقْتَنَا بِمَنِّكَ لَهُ حِينَ جَهِلَ الْاَشْقِيَاءُ وَقْتَهُ وَحُرِمُوا لِشَقَائِهِمْ فَضْلَهُ اَنْتَ وَلِيُّ مَا آثَرْتَنَا بِهِ مِنْ مَعْرِفَتِهِ وَهَدَيْتَنَا لَهُ مِنْ سُنَّتِهِ وَقَدْ تَوَلَّيْنَا بِتَوْفِيقِكَ صِيَامَهُ وَقِيَامَهُ عَلَى تَقْصِيرٍ وَاَدَّيْنَا فِيهِ قَلِيلاً مِنْ كَثِيرٍ اَللّٰهُمَّ فَلَكَ الْحَمْدُ اِقْرَاراً بِالْاِسَاءَةِ وَاعْتِرَافاً

بِالْإِضَاعَةِ وَلَكَ مِنْ قُلُوبِنَا عَقْدُ النَّدَمِ وَمِنْ أَلْسِنَتِنَا صِدْقُ
الْإِعْتِذَارِ فَأْجُرْنَا عَلَى مَا أَصَابَنَا فِيهِ مِنَ التَّفْرِيطِ أَجْراً
نَسْتَدْرِكُ بِهِ الْفَضْلَ الْمَرْغُوبَ فِيهِ وَنَعْتَاضُ بِهِ مِنْ
أَنْوَاعِ الذُّخْرِ الْمَحْرُوصِ عَلَيْهِ وَأَوْجِبْ لَنَا عُذْرَكَ عَلَى مَا قَصَّرْنَا
فِيهِ مِنْ حَقِّكَ وَابْلُغْ بِأَعْمَارِنَا مَا بَيْنَ أَيْدِينَا مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ
الْمُقْبِلِ فَإِذَا بَلَّغْتَنَاهُ فَأَعِنَّا عَلَى تَنَاوُلِ مَا أَنْتَ أَهْلُهُ مِنَ
الْعِبَادَةِ وَأَدِّنَا إِلَى الْقِيَامِ بِمَا يَسْتَحِقُّهُ مِنَ الطَّاعَةِ وَأَجْرِ لَنَا
مِنْ صَالِحِ الْعَمَلِ مَا يَكُونُ دَرَكاً لِحَقِّكَ فِي الشَّهْرَيْنِ
مِنْ شُهُورِ الدَّهْرِ اللَّهُمَّ وَمَا أَلْمَمْنَا بِهِ فِي شَهْرِنَا هَذَا مِنْ
لَمَمٍ أَوْ إِثْمٍ أَوْ وَاقَعْنَا فِيهِ مِنْ ذَنْبٍ وَاكْتَسَبْنَا فِيهِ مِنْ
خَطِيئَةٍ عَلَى تَعَمُّدٍ مِنَّا أَوْ عَلَى نِسْيَانٍ ظَلَمْنَا فِيهِ أَنْفُسَنَا
أَوِ انْتَهَكْنَا بِهِ حُرْمَةً مِنْ غَيْرِنَا فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاسْتُرْنَا
بِسِتْرِكَ وَاعْفُ عَنَّا بِعَفْوِكَ وَلَا تَنْصِبْنَا فِيهِ لِأَعْيُنِ
الشَّامِتِينَ وَلَا تَبْسُطْ عَلَيْنَا فِيهِ أَلْسُنَ الطَّاعِنِينَ وَاسْتَعْمِلْنَا



بِمَا يَكُونُ حِطَّةً وَكَفَّارَةً لِمَا أَنْكَرْتَ مِنَّا فِيهِ

بِرَأْفَتِكَ الَّتِي لَا تَنْفَدُ وَفَضْلِكَ الَّذِي لَا يَنْقُصُ اللَّهُمَّ صَلِّ

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْبُرْ مُصِيبَتَنَا بِشَهْرِنَا وَبَارِكْ لَنَا فِي يَوْمِ عِيدِنَا

وَفِطْرِنَا وَاجْعَلْهُ مِنْ خَيْرِ يَوْمٍ مَرَّ عَلَيْنَا أَجْلَبِهِ لِعَفْوٍ وَأَمْحَاهُ

لِذَنْبٍ وَاغْفِرْ لَنَا مَا خَفِيَ مِنْ ذُنُوبِنَا وَمَا عَلَنَ اللَّهُمَّ اسْلَخْنَا

بِانْسِلَاخِ هَذَا الشَّهْرِ مِنْ خَطَايَانَا وَأَخْرِجْنَا بِخُرُوجِهِ مِنْ سَيِّئَاتِنَا

وَاجْعَلْنَا مِنْ أَسْعَدِ أَهْلِهِ بِهِ وَأَجْزَلِهِمْ قِسَماً فِيهِ وَأَوْفَرِهِمْ

حَظّاً مِنْهُ اللَّهُمَّ وَمَنْ رَعَى حَقَّ هَذَا الشَّهْرِ حَقَّ رِعَايَتِهِ وَ

حَفِظَ حُرْمَتَهُ حَقَّ حِفْظِهَا وَقَامَ بِحُدُودِهِ حَقَّ قِيَامِهَا وَاتَّقَى ذُنُوبَهُ

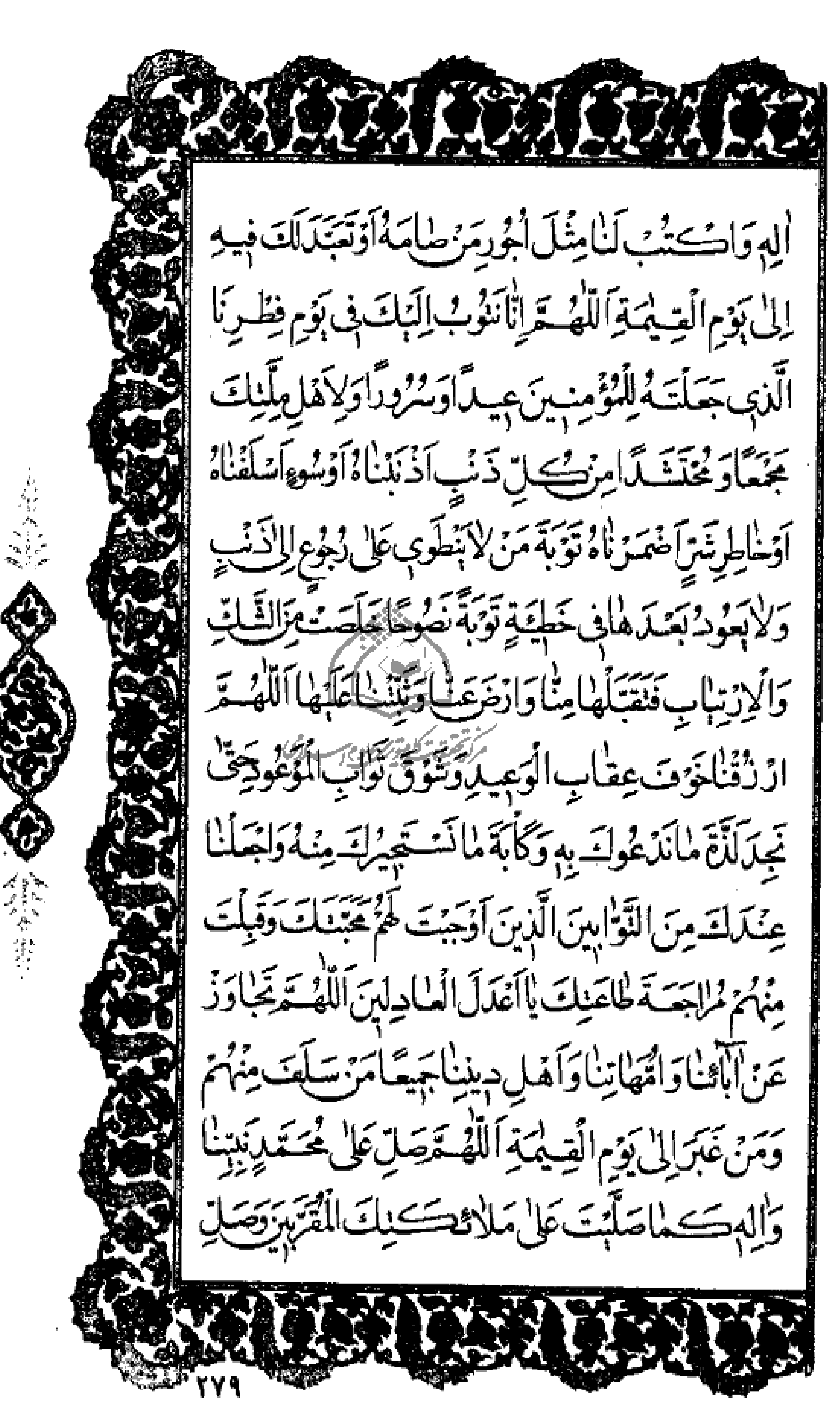
حَقَّ تُقَاتِهَا أَوْ تَقَرَّبَ إِلَيْكَ بِقُرْبَةٍ أَوْجَبَتْ رِضَاكَ لَهُ وَ

عَطَفَتْ رَحْمَتَكَ عَلَيْهِ فَهَبْ لَنَا مِثْلَهُ مِنْ وُجْدِكَ

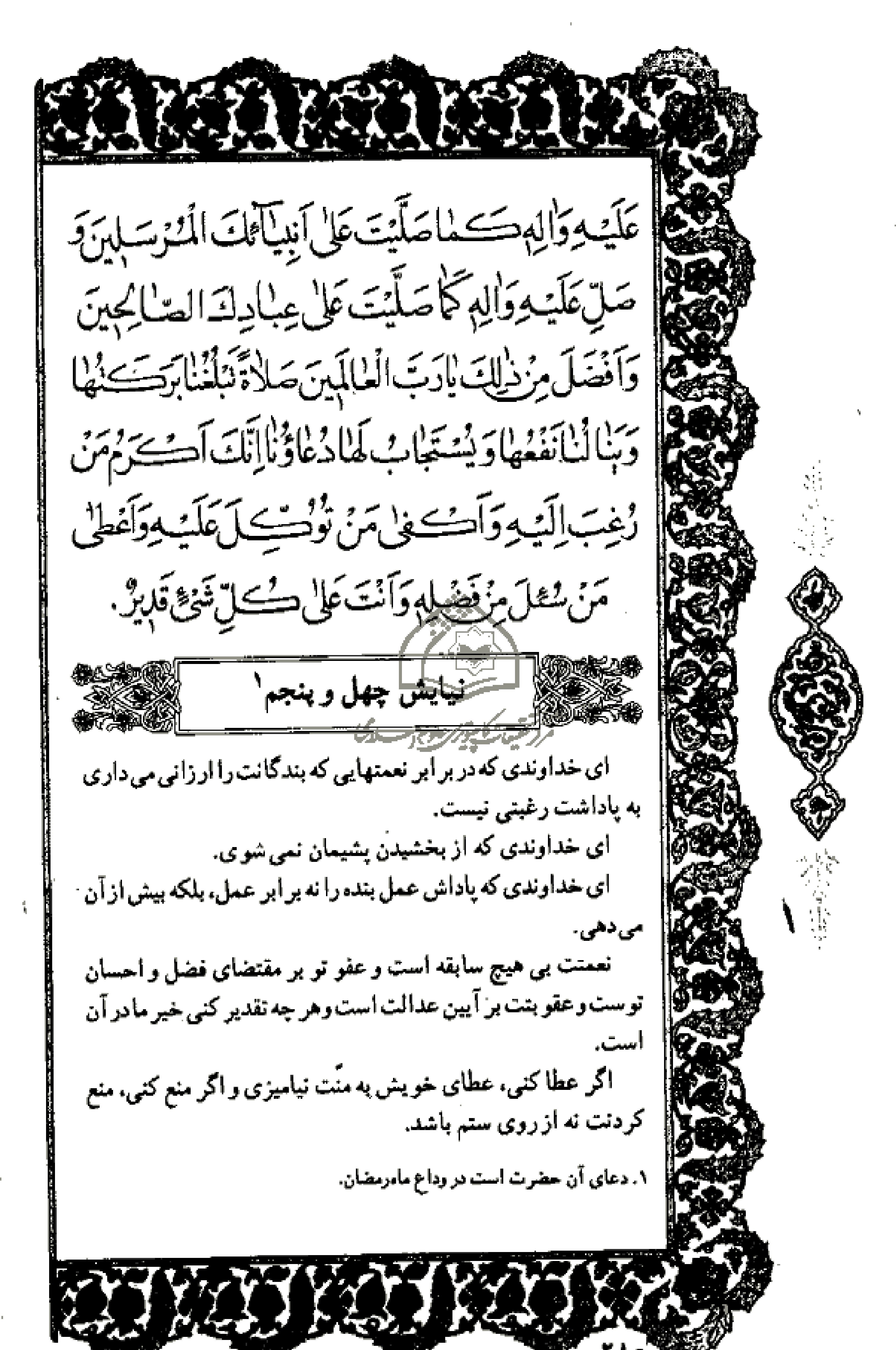
وَأَعْطِنَا أَضْعَافَهُ مِنْ فَضْلِكَ فَإِنَّ فَضْلَكَ لَا يَغِيضُ وَإِنَّ

خَزَائِنَكَ لَا تَنْقُصُ بَلْ تَفِيضُ وَإِنَّ مَعَادِنَ إِحْسَانِكَ لَا

تَفْنَى وَإِنَّ عَطَاءَكَ لَلْعَطَاءُ الْمُهَنَّا اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ



آلِهِ وَاكْتُبْ لَنَا مِثْلَ أُجُورِ مَنْ صَامَهُ أَوْ تَعَبَّدَ لَكَ فِيهِ
إِلَى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ اللّٰهُمَّ إِنَّا نَتُوبُ إِلَيْكَ فِي يَوْمِ فِطْرِنَا
الَّذِي جَعَلْتَهُ لِلْمُؤْمِنِينَ عِيداً وَسُرُوراً وَلِأَهْلِ مِلَّتِكَ
مُجْتَمَعاً وَمُحْتَشَداً مِنْ كُلِّ ذَنْبٍ أَذْنَبْنَاهُ أَوْ سُوءٍ أَسْلَفْنَاهُ
أَوْ خَاطِرِ شَرٍّ أَضْمَرْنَاهُ تَوْبَةَ مَنْ لَا يَنْطَوِي عَلَى رُجُوعٍ إِلَى ذَنْبٍ
وَلَا يَعُودُ بَعْدَهَا فِي خَطِيئَةٍ تَوْبَةً نَصُوحاً خَلَصَتْ مِنَ الشَّكِّ
وَالْاِرْتِيَابِ فَتَقَبَّلْهَا مِنَّا وَارْضَ عَنَّا وَثَبِّتْنَا عَلَيْهَا اللّٰهُمَّ
ارْزُقْنَا خَوْفَ عِقَابِ الْوَعِيدِ وَشَوْقَ ثَوَابِ الْمَوْعُودِ حَتَّى
نَجِدَ لَذَّةَ مَا نَدْعُوكَ بِهِ وَكَآبَةَ مَا نَسْتَجِيرُكَ مِنْهُ وَاجْعَلْنَا
عِنْدَكَ مِنَ التَّوَّابِينَ الَّذِينَ أَوْجَبْتَ لَهُمْ مَحَبَّتَكَ وَقَبِلْتَ
مِنْهُمْ مُرَاجَعَةَ طَاعَتِكَ يَا أَعْدَلَ الْعَادِلِينَ اللّٰهُمَّ تَجَاوَزْ
عَنْ آبَائِنَا وَأُمَّهَاتِنَا وَأَهْلِ دِينِنَا جَمِيعاً مَنْ سَلَفَ مِنْهُمْ
وَمَنْ غَبَرَ إِلَى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ نَبِيِّنَا
وَآلِهِ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى مَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ وَصَلِّ



عَلَيْهِ وَآلِهِ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى أَنْبِيَائِكَ الْمُرْسَلِينَ وَ
صَلِّ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ
وَأَفْضَلَ مِنْ ذَلِكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ صَلَاةً تَبْلُغُنَا بَرَكَتُهَا
وَيَنَالُنَا نَفْعُهَا وَيُسْتَجَابُ لَهَا دُعَاؤُنَا إِنَّكَ أَكْرَمُ مَنْ
رُغِبَ إِلَيْهِ وَأَكْفَى مَنْ تُوُكِّلَ عَلَيْهِ وَأَعْطَى
مَنْ سُئِلَ مِنْ فَضْلِهِ وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

نیایش چهل و پنجم[1]

ای خداوندی که در برابر نعمتهایی که بندگانت را ارزانی می داری به پاداشت رغبتی نیست.

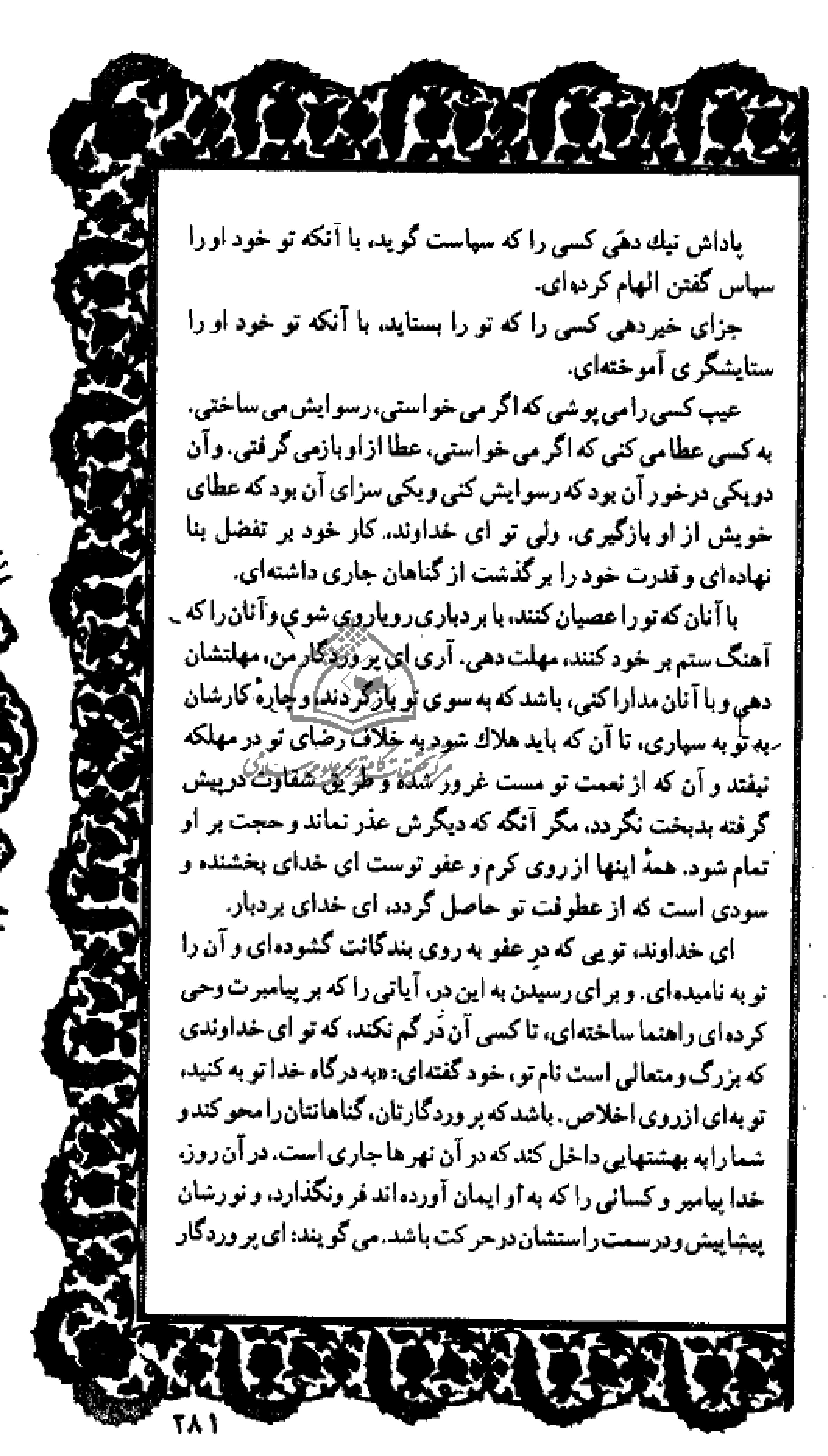
ای خداوندی که از بخشیدن پشیمان نمی شوی.

ای خداوندی که پاداش عمل بنده را نه برابر عمل، بلکه بیش از آن می دهی.

نعمتت بی هیچ سابقه است و عفو تو بر مقتضای فضل و احسان توست و عقوبتت بر آیین عدالت است و هر چه تقدیر کنی خیر ما در آن است.

اگر عطا کنی، عطای خویش به منّت نیامیزی و اگر منع کنی، منع کردنت نه از روی ستم باشد.

۱. دعای آن حضرت است در وداع ماه رمضان.



پاداش نیك دهی کسی را که سپاست گوید، با آنکه تو خود او را سپاس گفتن الهام کرده‌ای.

جزای خیر دهی کسی را که تو را بستاید، با آنکه تو خود او را ستایشگری آموخته‌ای.

عیب کسی را می پوشی که اگر می خواستی، رسوایش می ساختی، به کسی عطا می کنی که اگر می خواستی، عطا از او بازمی گرفتی. و آن دو یکی درخور آن بود که رسوایش کنی و یکی سزای آن بود که عطای خویش از او بازگیری. ولی تو ای خداوند، کار خود بر تفضل بنا نهاده‌ای و قدرت خود را بر گذشت از گناهان جاری داشته‌ای.

با آنان که تو را عصیان کنند، با بردباری رویاروی شوی و آنان را که آهنگ ستم بر خود کنند، مهلت دهی. آری ای پروردگار من، مهلتشان دهی و با آنان مدارا کنی، باشد که به سوی تو بازگردند، و چارهٔ کارشان به تو به سپاری، تا آن که باید هلاك شود به خلاف رضای تو در مهلکه نیفتد و آن که از نعمت تو مست غرور شده و طریق شقاوت درپیش گرفته بدبخت نگردد، مگر آنکه که دیگرش عذر نماند و حجت بر او تمام شود. همهٔ اینها از روی کرم و عفو توست ای خدای بخشنده و سودی است که از عطوفت تو حاصل گردد، ای خدای بردبار.

ای خداوند، تویی که درِ عفو به روی بندگانت گشوده‌ای و آن را تو به نامیده‌ای. و برای رسیدن به این در، آیاتی را که بر پیامبرت وحی کرده‌ای راهنما ساخته‌ای، تا کسی آن دَر گم نکند، که تو ای خداوندی که بزرگ و متعالی است نام تو، خود گفته‌ای: «به درگاه خدا تو به کنید، تو به‌ای ازروی اخلاص. باشد که پروردگارتان، گناهانتان را محو کند و شما را به بهشتهایی داخل کند که در آن نهرها جاری است. در آن روز، خدا پیامبر و کسانی را که به او ایمان آورده‌اند فرونگذارد، و نورشان پیشاپیش و درسمت راستشان درحرکت باشد. می گویند: ای پروردگار

ما، نور ما را برای ما به کمال رسان و ما را بیامرز، که تو بر هر کاری توانایی.»[2] پس کسی که ازدخول به چنین سرایی ـــ سرای توبه ـــ پس از گشودن در و برگماشتن راهنما غفلت ورزد، چه عذر تواند آورد؟

ای خدای من، تو کسی هستی که درمعامله با بندگان خود، همواره به سود آنان در بها می افزایی و می خواهی که در معاملهٔ با تو سود برند و به افزون دهی و نزول بر آستان تو کامیاب شوند، که تو خود گفته‌ای ـــ بزرگ و متعالی است نام تو و بلند است مرتبت تو ـــ «هر کس کارِ نیکی انجام دهد، ده برابر به او پاداش داده شود و هر که کار بدی انجام دهد، تنها همانند آن کیفر بیند.»[3] و نیز تو خود گفته‌ای: «مَثَل آنان که مال خود را در راهِ خدا انفاق می کنند مَثَل دانه‌ای است که هفت خوشه برآورد، و در هر خوشه‌ای صد دانه باشد، خدا پاداشِ هر که را که بخواهد، چند برابر می کند.»[4] و نیز تو خود گفته‌ای: «کیست که به خدا قرض الحسنه دهد، تا خدا بر آن چند برابر بیفزاید؟»[5] و نظایر این آیات که در قرآن در باب مضاعف شدن حسنات نازل کرده‌ای.

بارخدایا، تویی که به وسیلهٔ وحیی که از عالمِ غیب فرستادی و به ترغیب خویش، آدمیان را به چیزهایی راه نمودی که اگر پنهان می‌داشتی، از دیدگانشان پنهان می بود. گوششان از شنیدن آواز آن ناتوان و اندیشه‌هایشان از تصور آن عاجز می آمد، که تو خود گفته‌ای: «مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم. مرا سپاس گویید و ناسپاسی من مکنید.»[6] و نیز گفته‌ای: «اگر مرا سپاس گویید، بر نعمت شما می افزایم و اگر کفران کنید، بدانید که عذاب من سخت است.»[7] و گفته‌ای:

۲. سورهٔ ۶۶/آیهٔ ۸
۳. سورهٔ ۶/آیهٔ ۱۶۰
۴. سورهٔ ۲/آیهٔ ۲۶۱
۵. سورهٔ ۲/ آیهٔ ۲۴۵
۶. سورهٔ ۲/آیهٔ ۱۵۲
۷. سورهٔ ۱۴/آیهٔ ۷





«بخوانید مرا، تا شما را پاسخ گویم. آنهایی که از پرستش من سرکشی می‌کنند زودا که درعین خواری به جهنم درآیند.»[۸] بارخدایا، دعای بندگان را به درگاه خود، عبادت خوانده‌ای و ترک آن را خودپسندی و سرکشی، و کسانی را که از آن سر برتابند وعدهٔ جهنم و خواریِ آن داده‌ای. ازاین روست که تو را به نعمت و بخششت یاد کردند و به فضل و احسانت سپاس گفتند و هم به فرمان تو، تو را به دعا خواندند، و درراه تو صدقه دادند تا به ثوابشان بیفزایی، و در آن بود رهاییشان از خشم تو و کامیابیشان به خشنودی تو.

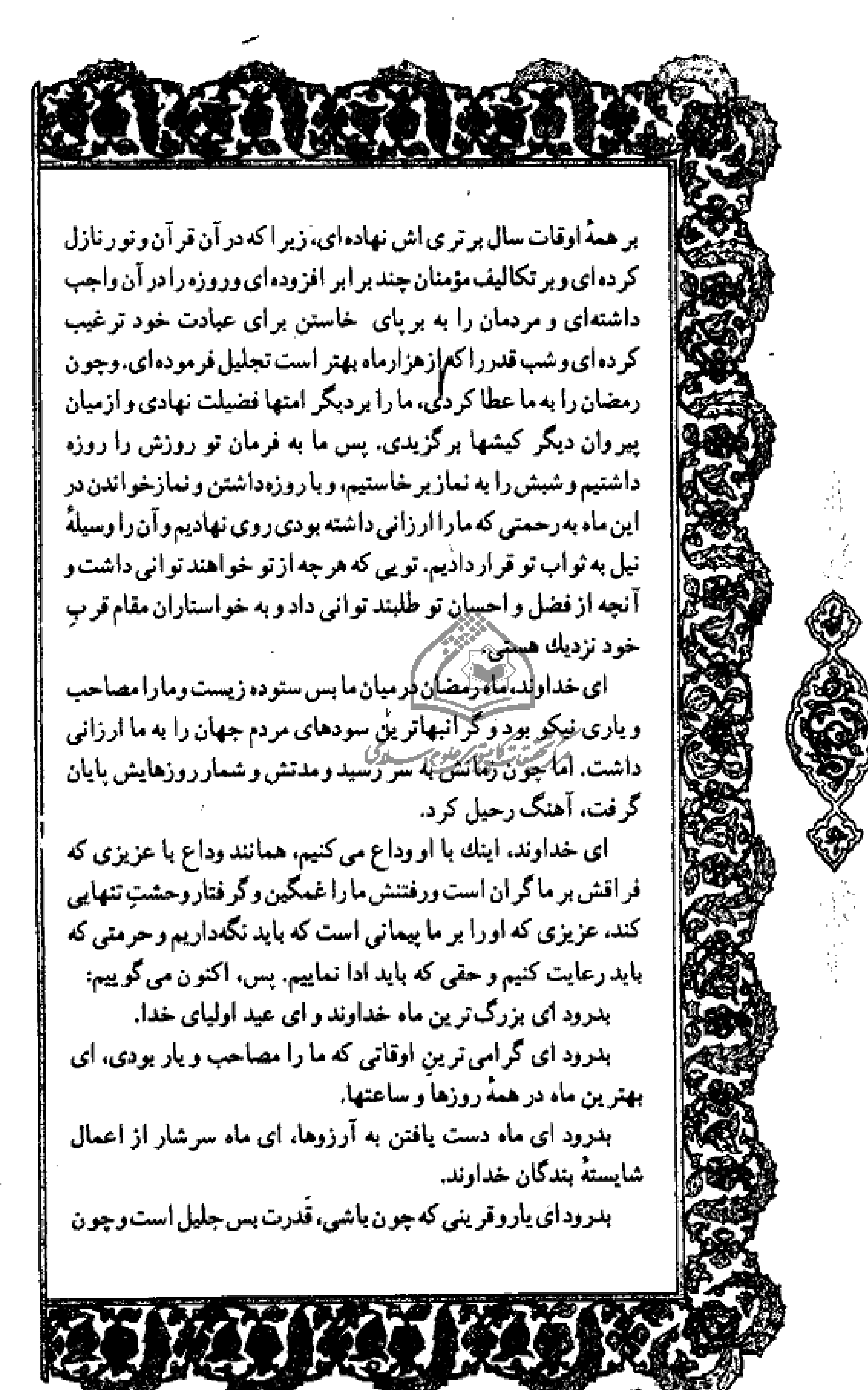
بارخدایا، اگر یکی از آفریدگان تو، آفریدهٔ دیگر را چنان راهنمایی کرده بود که تو بندگانت را راهنمایی کرده‌ای، او را به صفت انعام و احسان متصف می‌ساختند و به هر زبان می‌ستودندش. پس حمد وسپاس تو را، تا هر زمان که سپاست توان گفت و تا آنگاه که بر حمد تو لفظی باقی است و معنایی که دراین طریق بهره‌ای از آن توان یافت.

ای خداوندی که احسان و فضل خویش به بندگانت عطا کرده‌ای و آنان را در بخشش و عطا غرقه ساخته‌ای. آثار نعمت تو بر ما چه آشکار است و احسان تو در حق ما چه بسیار. و چه بسیار ما را به برّ و نیکی خویش مخصوص گردانیده‌ای.

ما را به دین برگزیدهٔ خود، آیین پسندیدهٔ خود، شریعت سهل و آسان خود هدایت کردی و دیدگانمان را بینا ساختی که به تو تقرب جوییم و به مقام کرامت تو واصل آییم.

بارخدایا، یکی ازاین برگزیده‌ترین وظایف و خاص‌ترین واجبات، ماه رمضان را قراردادی. ماهی که آن را از میان دیگر ماهها ویژگی دیگری بخشیده‌ای و ازمیان همهٔ زمانها و روزگارها اختیارش کرده‌ای و

۸. سورهٔ ۴۰/آیهٔ ۶۰



بر همهٔ اوقات سال برتری اش نهاده‌ای، زیرا که در آن قرآن و نور نازل کرده‌ای و بر تکالیف مؤمنان چند برابر افزوده‌ای و روزه را در آن واجب داشته‌ای و مردمان را به برپای خاستن برای عبادت خود ترغیب کرده‌ای و شب قدر را که از هزار ماه بهتر است تجلیل فرموده‌ای. وچون رمضان را به ما عطا کردی، ما را بر دیگر امتها فضیلت نهادی و ازمیان پیروان دیگر کیشها برگزیدی. پس ما به فرمان تو روزش را روزه داشتیم و شبش را به نماز برخاستیم، و با روزه‌داشتن و نمازخواندن در این ماه به رحمتی که ما را ارزانی داشته بودی روی نهادیم و آن را وسیلهٔ نیل به ثواب تو قرار دادیم. تویی که هر چه از تو خواهند توانی داشت و آنچه از فضل و احسان تو طلبند توانی داد و به خواستاران مقام قربِ خود نزدیك هستی.

ای خداوند، ماه رمضان در میان ما بس ستوده زیست و ما را مصاحب و یاری نیکو بود و گرانبهاترین سودهای مردم جهان را به ما ارزانی داشت. اما چون زمانش به سر رسید و مدتش و شمار روزهایش پایان گرفت، آهنگ رحیل کرد.

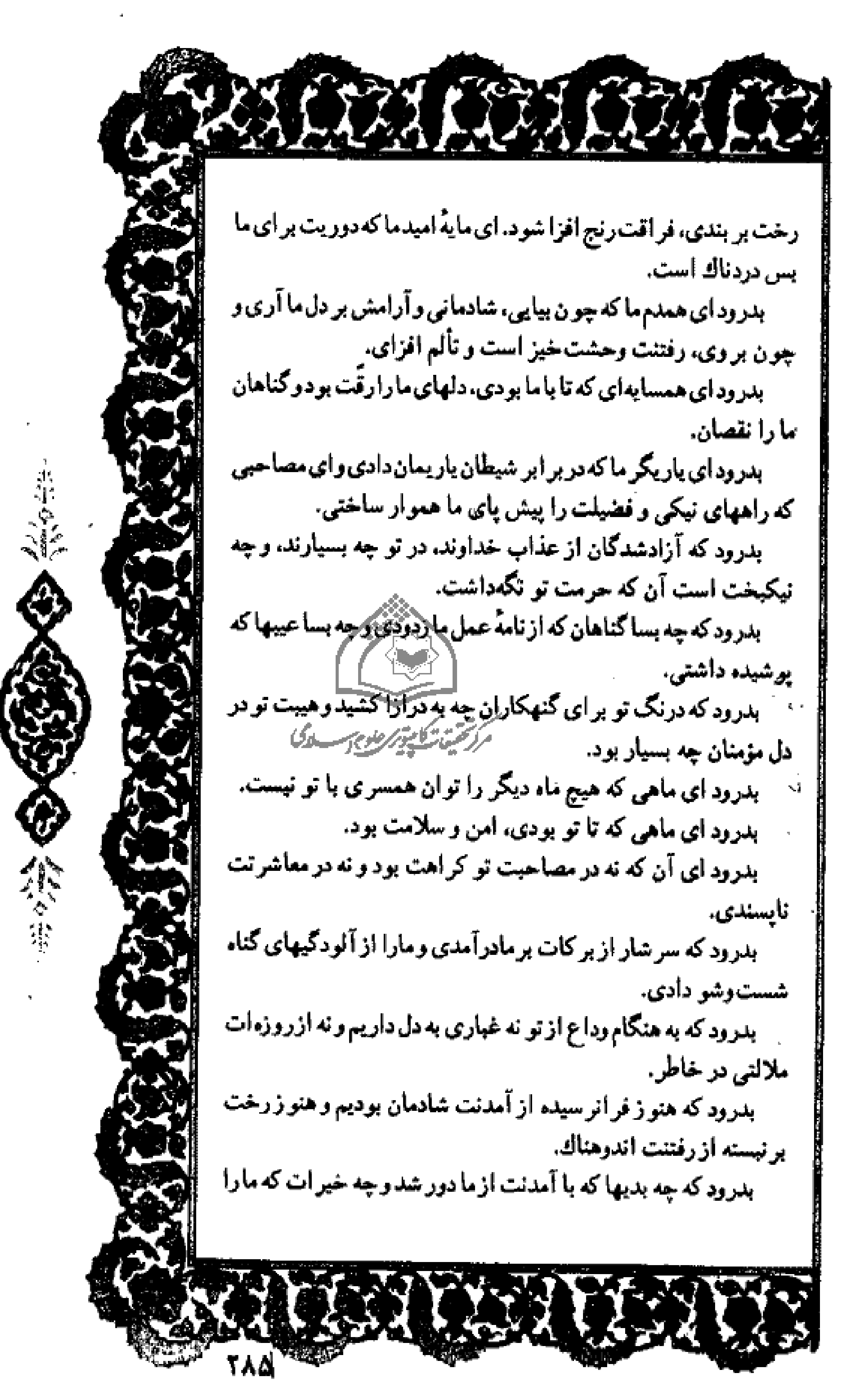
ای خداوند، اینك با او وداع می کنیم، همانند وداع با عزیزی که فراقش بر ما گران است ورفتنش ما را غمگین و گرفتار وحشتِ تنهایی کند، عزیزی که او را بر ما پیمانی است که باید نگه‌داریم و حرمتی که باید رعایت کنیم و حقی که باید ادا نماییم. پس، اکنون می گوییم:

بدرود ای بزرگ‌ترین ماه خداوند و ای عید اولیای خدا.

بدرود ای گرامی ترینِ اوقاتی که ما را مصاحب و یار بودی، ای بهترین ماه در همهٔ روزها و ساعتها.

بدرود ای ماه دست یافتن به آرزوها، ای ماه سرشار از اعمال شایستهٔ بندگان خداوند.

بدرود ای یار و قرینی که چون باشی، قَدرت بس جلیل است و چون



رخت بر بندی، فراقت رنج افزا شود. ای مایهٔ امید ما که دوریت برای ما بس دردناك است.

بدرود ای همدم ما که چون بیایی، شادمانی و آرامش بر دل ما آری و چون بروی، رفتنت وحشت‌خیز است و تألم افزای.

بدرود ای همسایه‌ای که تا با ما بودی، دلهای ما را رقّت بود و گناهان ما را نقصان.

بدرود ای یاریگر ما که در برابر شیطان یاریمان دادی و ای مصاحبی که راههای نیکی و فضیلت را پیش پای ما هموار ساختی.

بدرود که آزادشدگان از عذاب خداوند، در تو چه بسیارند، و چه نیکبخت است آن که حرمت تو نگه‌داشت.

بدرود که چه بسا گناهان که از نامهٔ عمل ما زدودی و چه بسا عیبها که پوشیده داشتی.

بدرود که درنگ تو برای گنهکاران چه به درازا کشید و هیبت تو در دل مؤمنان چه بسیار بود.

بدرود ای ماهی که هیچ ماه دیگر را توان همسری با تو نیست.

بدرود ای ماهی که تا تو بودی، امن و سلامت بود.

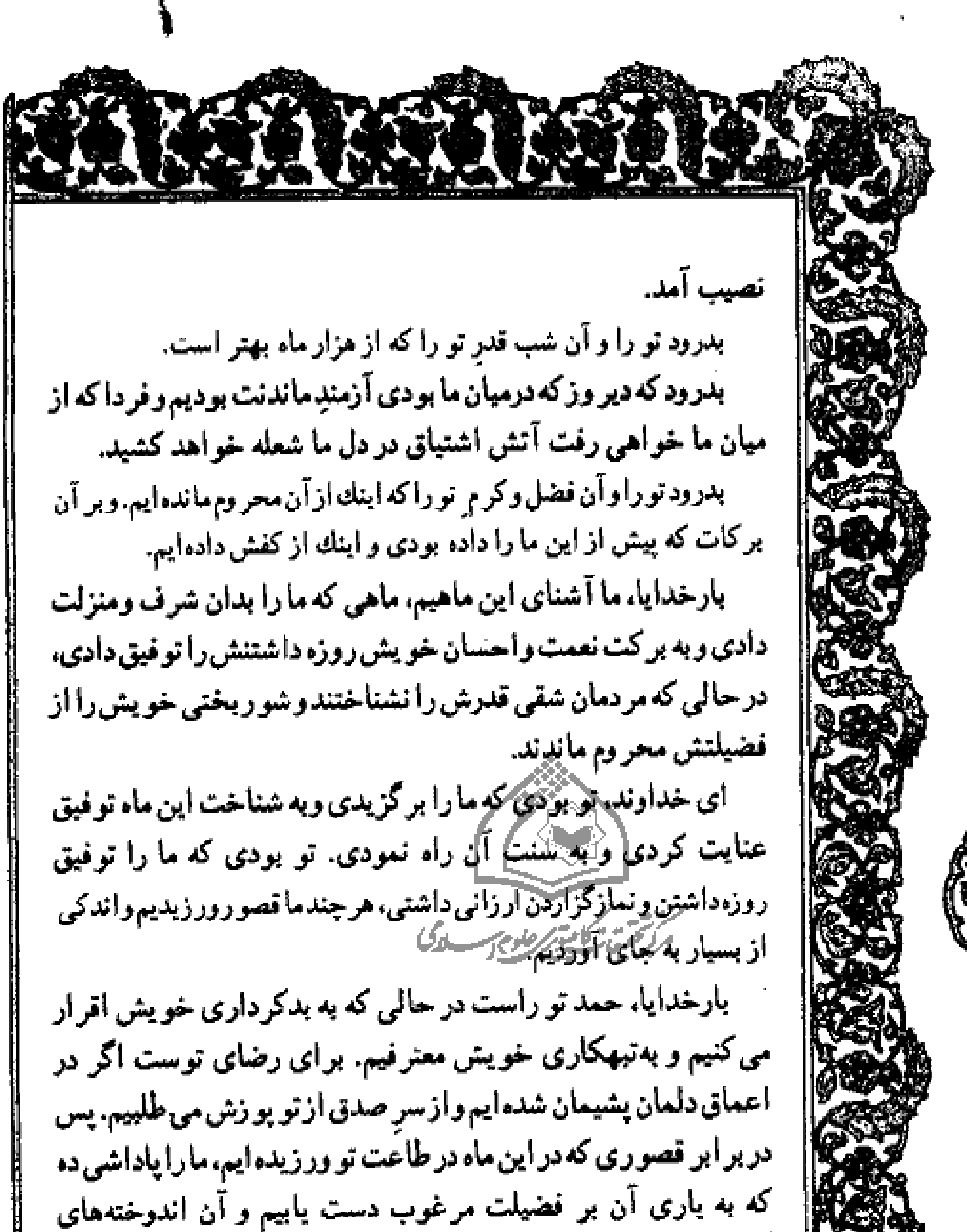
بدرود ای آن که نه در مصاحبت تو کراهت بود و نه در معاشرتت ناپسندی.

بدرود که سرشار از برکات بر ما درآمدی و ما را از آلودگیهای گناه شست‌وشو دادی.

بدرود که به هنگام وداع از تو نه غباری به دل داریم و نه از روزه‌ات ملالتی در خاطر.

بدرود که هنوز فرانرسیده از آمدنت شادمان بودیم و هنوز رخت برنبسته از رفتنت اندوهناك.

بدرود که چه بدیها که با آمدنت از ما دور شد و چه خیرات که ما را



نصیب آمد.

بدرود تو را و آن شب قدرِ تو را که از هزار ماه بهتر است.

بدرود که دیروز که درمیان ما بودی آزمندِ ماندنت بودیم و فردا که از میان ما خواهی رفت آتش اشتیاق در دل ما شعله خواهد کشید.

بدرود تو را و آن فضل و کرمِ تو را که اینك از آن محروم مانده‌ایم. و بر آن برکات که پیش از این ما را داده بودی و اینك از کفش داده‌ایم.

بارخدایا، ما آشنای این ماهیم، ماهی که ما را بدان شرف و منزلت دادی و به برکت نعمت و احسان خویش روزه داشتنش را توفیق دادی، درحالی که مردمان شقی قدرش را نشناختند و شوربختی خویش را از فضیلتش محروم ماندند.

ای خداوند، تو بودی که ما را برگزیدی و به شناخت این ماه توفیق عنایت کردی و به سنت آن راه نمودی. تو بودی که ما را توفیق روزه داشتن و نمازگزاردن ارزانی داشتی، هرچند ما قصور ورزیدیم و اندکی از بسیار به جای آوردیم.

بارخدایا، حمد تو راست در حالی که به بدکرداری خویش اقرار می‌کنیم و به‌تبهکاری خویش معترفیم. برای رضای توست اگر در اعماق دلمان پشیمان شده‌ایم و از سرِ صدق از تو پوزش می‌طلبیم. پس در برابر قصوری که در این ماه در طاعت تو ورزیده‌ایم، ما را پاداشی ده که به یاری آن بر فضیلت مرغوب دست یابیم و آن اندوخته‌های گوناگون را که به آن مشتاق شده‌ایم بستانیم. عذر تقصیر ما را در ادای حق خود بپذیر و عمر ما را تا رمضان دیگر دراز کن. و چون به رمضان دیگر رسیدیم، یاریمان ده تا آن سان که سزای خداوندی توست عبادتت کنیم و ما را به منزلتی رسان که سزاوار طاعت توست و به چنان اعمال شایسته‌ای برگمار که ادای حق تو را در این رمضان و رمضان دیگر، بایسته باشد.

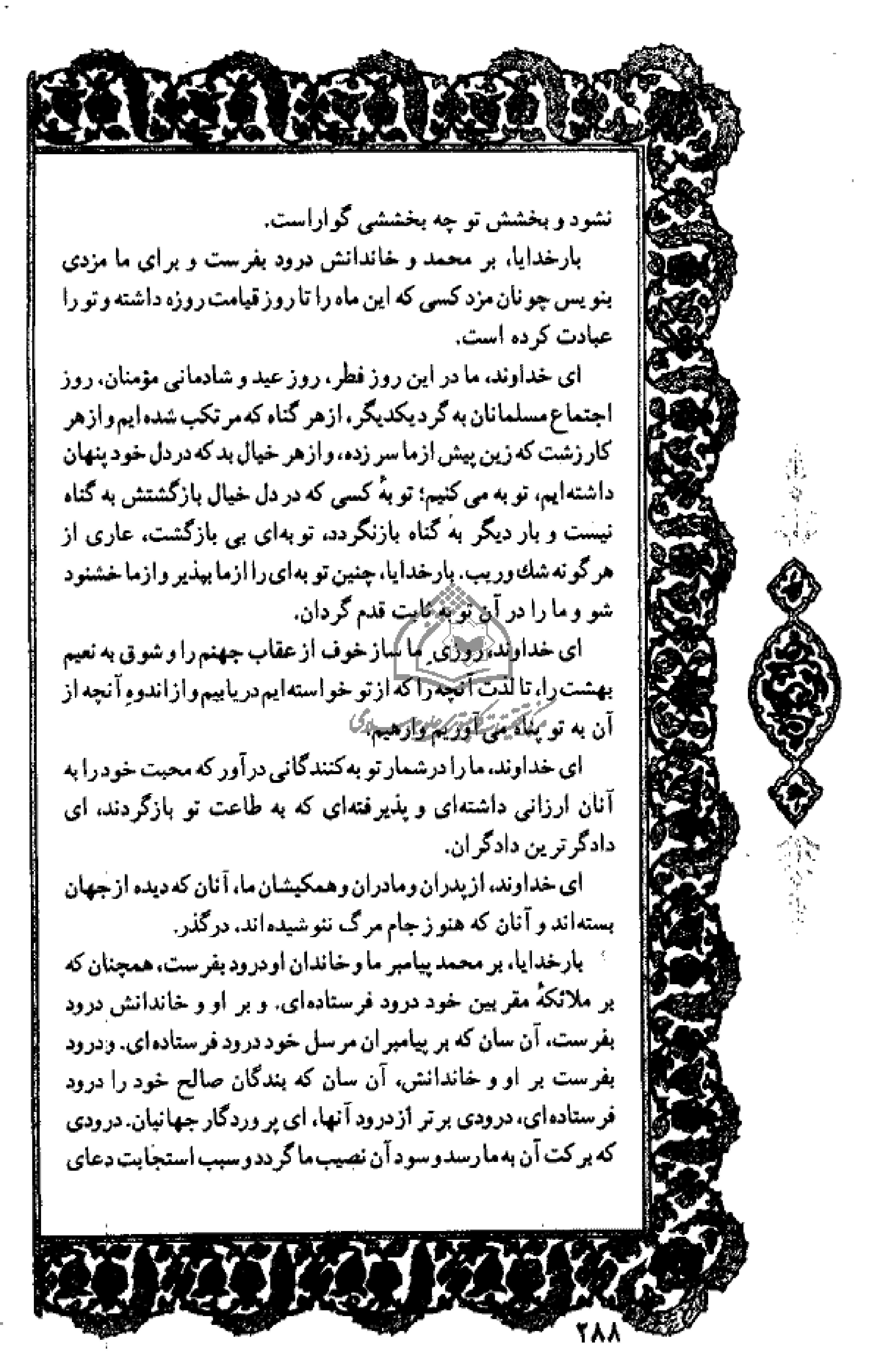


بارخدایا، در این ماه اگر قصد گناه کرده‌ایم، یا مرتکب آن شده‌ایم، یا به عمد خطایی از ما سر زده، یا از سرِ فراموشی ستمی بر خود روا داشته‌ایم، یا پردهٔ حرمتِ دیگری را دریده‌ایم، بارخدایا بر محمد و خاندانش درود بفرست و گناه ما در پردهٔ اغماض فروپوش و ما را عفو کن و در برابر دیدگانِ شماتت کنندگان قرار مده و زبان طاعنان در حق ما دراز مگردان و ما را به رأفت پایان نیافتنی و فضل و کرم نقصان ناپذیر خود به کاری برگمار که خطاهایی را که در این ماه مرتکب شده‌ایم و تو آن را نپسندیده‌ای، از میان ببرد یا فروپوشد.

بارخدایا، درود بفرست بر محمد و خاندان او. ما از سپری شدن رمضان اندوهگینیم، تو ما را بر اندوه این فراق پاداش خیر ده و این روز عید و روزِ روزه گشادن را بر ما مبارک گردان. چنان کن که روزِ عید از شمار بهترین روزهایی باشد که بر ما گذشته و عفو تو را به سوی ما آورده و گناه ما را زدوده است. بارخدایا، گناهان آشکار و نهانِ ما را بیامرز.

ای خداوند، با به پایان رسیدن این ماه، ما را از لوث گناه پاک نمای و با رفتنش، از ورطهٔ گناهان برهان و از نیکبخت ترین کسانی قرارده که در آن به عبادت تو پرداخته‌اند و نصیبشان از همه بیشتر بوده و بیش از همه از آن بهره یافته‌اند.

بارخدایا، اگر کسی از بندگان تو، حق این ماه آن چنان که شایستهٔ اوست رعایت کرده و حرمتش نگه‌داشته و وظایف خود و احکام آن را به جای آورده و از گناهان پرهیز کرده و به تو تقرب جسته، آن سان که خشنودی تو نصیبش شده و رحمت تو بر او روی نهاده، ای خداوند، همانند مزدی که او را می دهی، از خزانهٔ بی نیازیت به ما نیز ارزانی دار و چند برابر آن از فضل خود عطا فرمای، که خزاین فضل تو را نقصان نیست، بلکه همواره در افزایش است، و معادن احسان تو دستخوش فنا



نشود و بخشش تو چه بخششی گواراست.

بارخدایا، بر محمد و خاندانش درود بفرست و برای ما مزدی بنویس چونان مزد کسی که این ماه را تا روز قیامت روزه داشته و تو را عبادت کرده است.

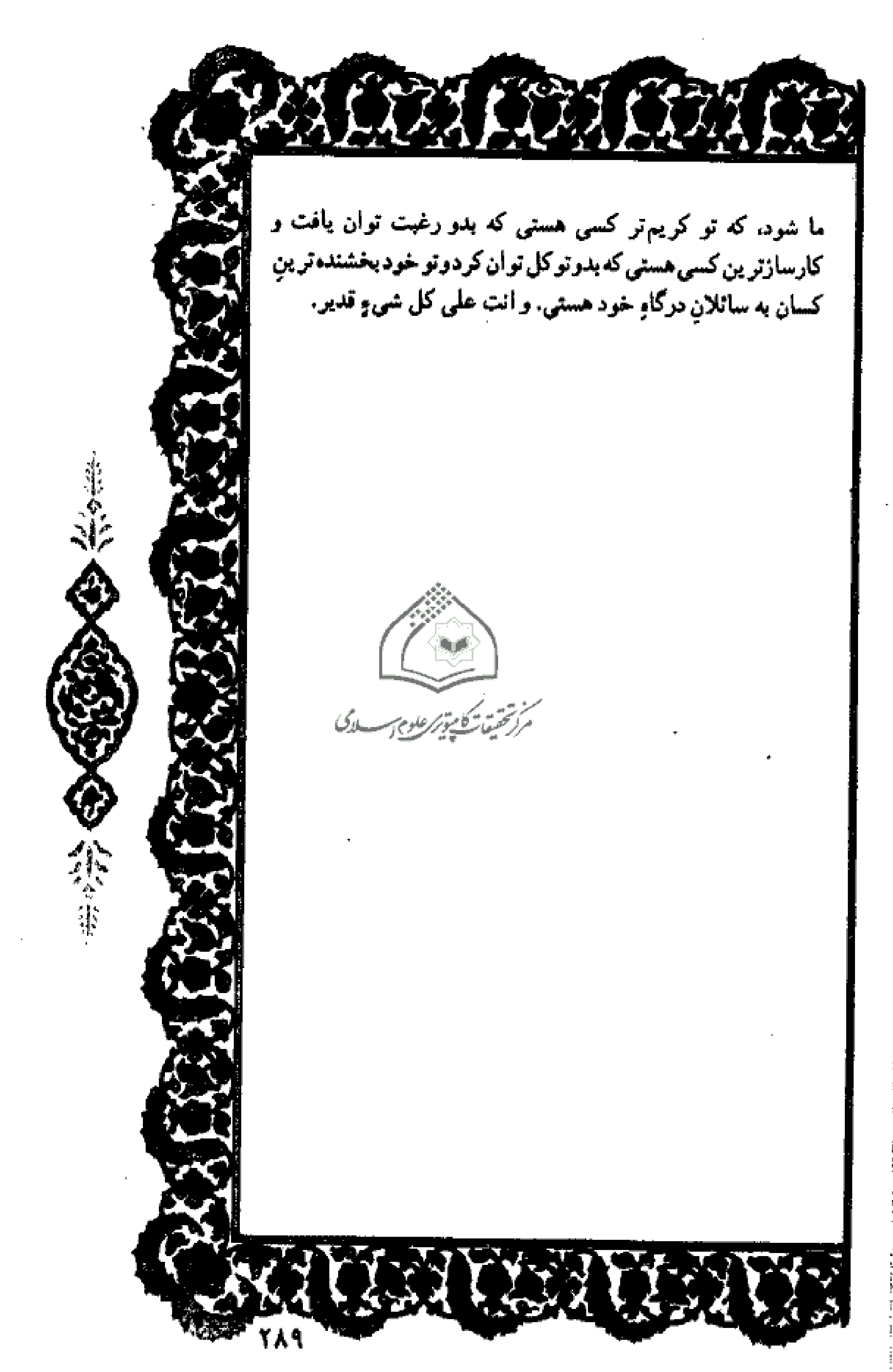
ای خداوند، ما در این روز فطر، روز عید و شادمانی مؤمنان، روز اجتماع مسلمانان به گرد یکدیگر، از هر گناه که مرتکب شده‌ایم و از هر کار زشت که زین پیش از ما سر زده، و از هر خیال بد که در دل خود پنهان داشته‌ایم، توبه می کنیم؛ توبهٔ کسی که در دل خیال بازگشتش به گناه نیست و بار دیگر به گناه بازنگردد، توبه‌ای بی بازگشت، عاری از هرگونه شك وریب. بارخدایا، چنین توبه‌ای را از ما بپذیر و از ما خشنود شو و ما را در آن توبه ثابت قدم گردان.

ای خداوند، روزی ما ساز خوف از عقاب جهنم را و شوق به نعیم بهشت را، تا لذت آنچه را که از تو خواسته‌ایم دریابیم و از اندوهِ آنچه از آن به تو پناه می آوریم وارهیم.

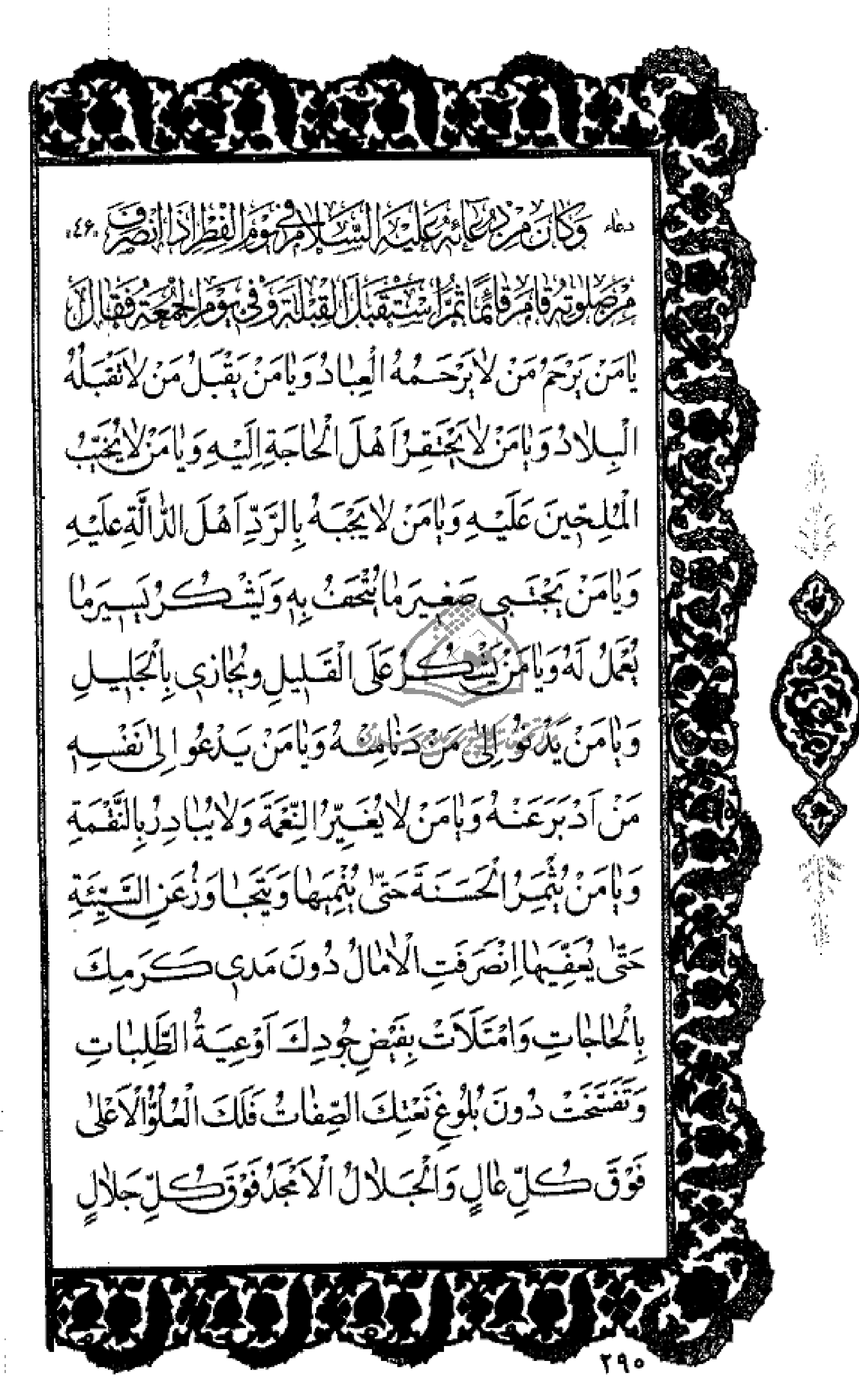
ای خداوند، ما را درشمار توبه‌کنندگانی درآور که محبت خود را به آنان ارزانی داشته‌ای و پذیرفته‌ای که به طاعت تو بازگردند، ای دادگرترین دادگران.

ای خداوند، از پدران و مادران و همکیشان ما، آنان که دیده از جهان بسته‌اند و آنان که هنوز جام مرگ ننوشیده‌اند، درگذر.

بارخدایا، بر محمد پیامبر ما و خاندان او درود بفرست، همچنان که بر ملائکهٔ مقربین خود درود فرستاده‌ای. و بر او و خاندانش درود بفرست، آن سان که بر پیامبران مرسل خود درود فرستاده‌ای. و درود بفرست بر او و خاندانش، آن سان که بندگان صالح خود را درود فرستاده‌ای، درودی برتر از درود آنها، ای پروردگار جهانیان. درودی که برکت آن به ما رسد و سود آن نصیب ما گردد و سبب استجابت دعای



ما شود، که تو کریم‌تر کسی هستی که بدو رغبت توان یافت و کارسازترین کسی هستی که بدو توکل توان کرد و تو خود بخشنده‌ترینِ کسان به سائلانِ درگاهِ خود هستی. و انت علی کل شیء قدیر.



دعاء ٤٦ وكان من دعائه عليه السلام في يوم الفطر إذا انصرف

من صلوته قام قائماً ثم استقبل القبلة وفي يوم الجمعة فقال

يا من يرحم من لا يرحمه العباد ويا من يقبل من لا تقبله

البلاد ويا من لا يحتقر أهل الحاجة إليه ويا من لا يخيب

الملحين عليه ويا من لا يجبه بالرد أهل الدالة عليه

ويا من يجتبي صغير ما يتحف به ويشكر يسير ما

يعمل له ويا من يشكر على القليل ويجازي بالجليل

ويا من يدنو إلى من دنا منه ويا من يدعو إلى نفسه

من أدبر عنه ويا من لا يغير النعمة ولا يبادر بالنقمة

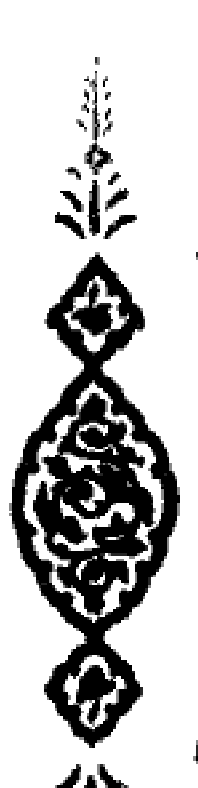
ويا من يثمر الحسنة حتى ينميها ويتجاوز عن السيئة

حتى يعفيها انصرفت الآمال دون مدى كرمك

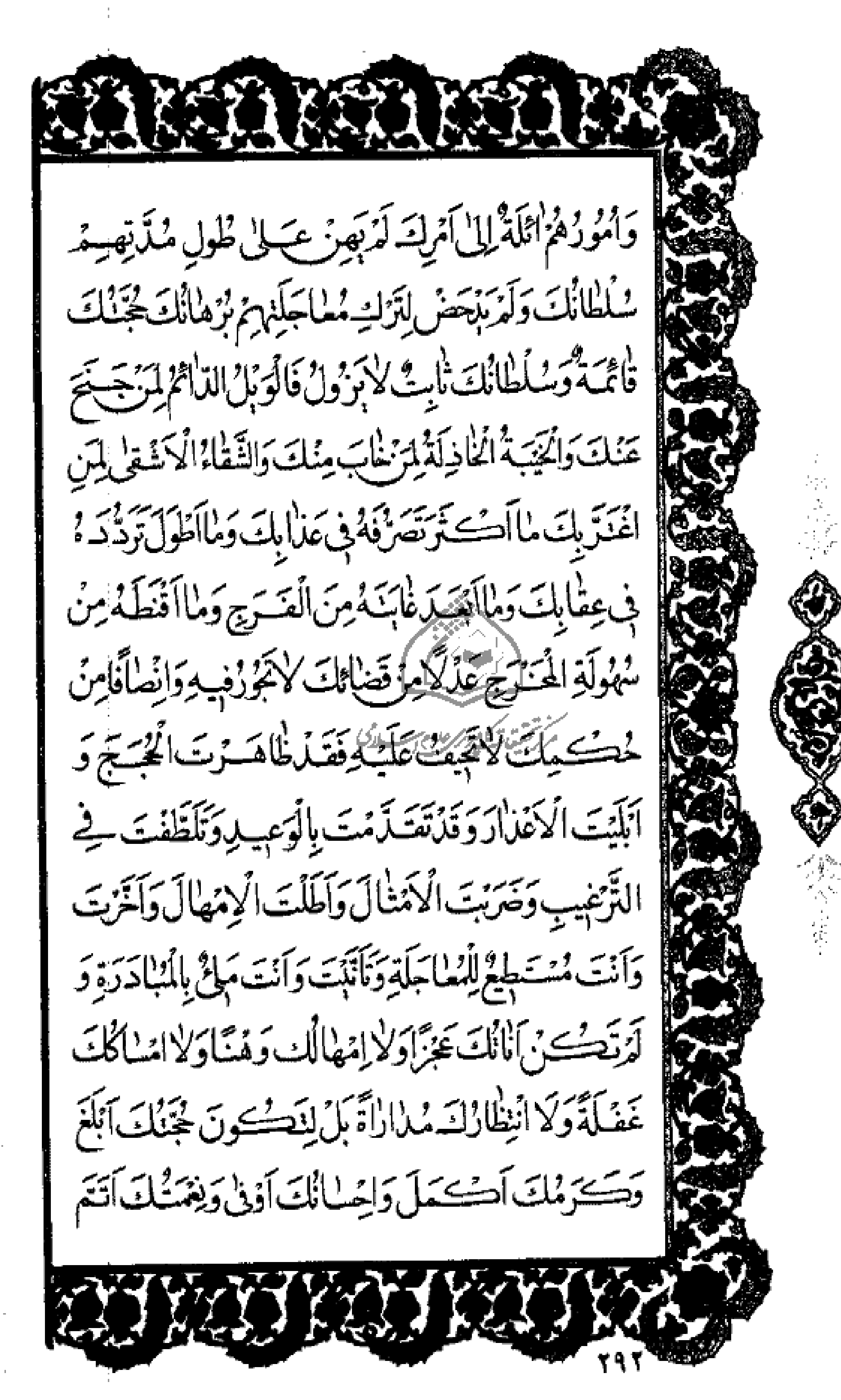
بالحاجات وامتلأت بفيض جودك أوعية الطلبات

وتفسخت دون بلوغ نعتك الصفات فلك العلو الأعلى

فوق كل عال والجلال الأمجد فوق كل جلال



كُلُّ جَليلٍ عِنْدَكَ صَغيرٌ وَكُلُّ شَريفٍ في جَنْبِ
شَرَفِكَ حَقيرٌ خابَ الْوافِدُونَ عَلى غَيْرِكَ وَخَسِرَ
الْمُتَعَرِّضُونَ اِلاّ لَكَ وَضاعَ الْمُلِمُّونَ اِلاّ بِكَ وَاَجْدَبَ
الْمُنْتَجِعُونَ اِلاّ مَنِ انْتَجَعَ فَضْلَكَ بابُكَ مَفْتُوحٌ
لِلرّاغِبينَ وَجُودُكَ مُباحٌ لِلسّائِلينَ وَاِغاثَتُكَ قَريبَةٌ
مِنَ الْمُسْتَغيثينَ لا يَخيبُ مِنْكَ الْآمِلُونَ وَلا يَيْأَسُ مِنْ
عَطائِكَ الْمُتَعَرِّضُونَ وَلا يَشْقى بِنَقِمَتِكَ الْمُسْتَغْفِرُونَ
رِزْقُكَ مَبْسُوطٌ لِمَنْ عَصاكَ وَحِلْمُكَ مُعْتَرِضٌ لِمَنْ ناواكَ
عادَتُكَ الْاِحْسانُ اِلَى الْمُسيئينَ وَسُنَّتُكَ الْاِبْقاءُ
عَلَى الْمُعْتَدينَ حَتّى لَقَدْ غَرَّتْهُمْ اَناتُكَ عَنِ الرُّجُوعِ وَصَدَّهُمْ
اِمْهالُكَ عَنِ النُّزُوعِ وَاِنَّما تَاَنَّيْتَ بِهِمْ لِيَفيئُوا اِلى
اَمْرِكَ وَاَمْهَلْتَهُمْ ثِقَةً بِدَوامِ مُلْكِكَ فَمَنْ كانَ
مِنْ اَهْلِ السَّعادَةِ خَتَمْتَ لَهُ بِها وَمَنْ كانَ مِنْ اَهْلِ
الشَّقاوَةِ خَذَلْتَهُ لَها كُلُّهُمْ صائِرُونَ اِلى حُكْمِكَ



وامورهم آئلة الى امرك لم يهن على طول مدتهم
سلطانك ولم يدحض لترك معاجلتهم برهانك حجتك
قائمة وسلطانك ثابت لا يزول فالويل الدائم لمن جنح
عنك والخيبة الخاذلة لمن خاب منك والشقاء الاشقى لمن
اغتر بك ما اكثر تصرفه في عذابك وما اطول تردده
في عقابك وما ابعد غايته من الفرج وما اقنطه من
سهولة المخرج عدلا من قضائك لا تجور فيه وانصافا من
حكمك لا تحيف عليه فقد ظاهرت الحجج و
ابليت الاعذار وقد تقدمت بالوعيد وتلطفت في
الترغيب وضربت الامثال واطلت الامهال واخرت
وانت مستطيع للمعاجلة وتانيت وانت ملي بالمبادرة و
لم تكن اناتك عجزا ولا امهالك وهنا ولا امساكك
غفلة ولا انتظارك مداراة بل لتكون حجتك ابلغ
وكرمك اكمل واحسانك اوفى ونعمتك اتم

كُلُّ ذٰلِكَ كانَ وَلَمْ تَزَلْ وَهُوَ كائِنٌ وَلا تَزالُ جَلَّتْ

اَجَلُّ مِنْ اَنْ تُوصَفَ بِكُلِّها وَمَجْدُكَ اَرْفَعُ مِنْ اَنْ تُحَدَّ

بِكُنْهِهِ وَنِعَمُكَ اَكْثَرُ مِنْ اَنْ تُحْصىٰ بِاَسْرِها وَ

اِحْسانُكَ اَكْثَرُ مِنْ اَنْ تُشْكَرَ عَلىٰ اَقَلِّهِ وَقَدْ قَصَّرَ بِيَ

السُّكُوتُ عَنْ تَحْمِيدِكَ وَفَهَّهَنِي الْاِمْساكُ عَنْ تَمْجِيدِكَ

وَقُصارايَ الْاِقْرارُ بِالْحُسُورِ لا رَغْبَةً يا اِلٰهِي بَلْ عَجْزاً فَها

اَنَا ذا اَؤُمُّكَ بِالْوِفادَةِ وَاَسْئَلُكَ حُسْنَ الرِّفادَةِ فَصَلِّ

عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاسْمَعْ نَجْوايَ وَاسْتَجِبْ دُعائِي وَلا تَخْتِمْ

يَوْمِي بِخَيْبَتِي وَلا تَجْبَهْنِي بِالرَّدِّ فِي مَسْئَلَتِي وَاَكْرِمْ

مِنْ عِنْدِكَ مُنْصَرَفِي وَاِلَيْكَ مُنْقَلَبِي اِنَّكَ غَيْرُ ضائِقٍ بِما

تُرِيدُ وَلا عاجِزٍ عَمّا تُسْئَلُ وَاَنْتَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ اِلَّا بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ.



نیایش چهل و ششم[1]

ای خداوندی که رحمت می آوری بر آن کس که بندگان تو بر او رحمت نمی آورند.

ای خداوندی که می پذیری آن را که راندهٔ هر شهر و دیار است.

ای خداوندی که تحقیر نمی کنی آنان را که دست نیاز به سوی تو دراز کنند.

ای خداوندی که نومید نمی گردانی آنان را که به اصرار از تو چیزی خواهند.

ای خداوندی که از درگاه خود نمی رانی آنان را که در خواهندگی دلیری می کنند.

ای خداوندی که واپس نمی زنی ارمغانی را که به پیشگاهت آرند، هرچند خرد و بی مقدار باشد؛ و هیچ کاری را بی اجر نمی گذاری، هرچند ناچیز باشد.

ای خداوندی که اندك عملی را می پذیری و بر آن پاداش بزرگ می دهی.

ای خداوندی که نزدیك می شوی به هر کس که به تو نزدیك گردد.

ای خداوندی که به نزد خود فرا می خوانی آن کس را که از تو روی گردانیده است.

ای خداوندی که نعمت خود دیگرگون نکنی و در کیفر گنهکاران شتاب نورزی.

ای خداوندی که نهال نیکی را می پروری تا به ثمر نشیند و از گناهان

۱. دعای آن حضرت است در روز عید فطر و روز جمعه. چون از نماز باز می گشت روی به قبله می ایستاد و این دعا می خواند.





عفو می کنی تا یکسره از میان بروند.

آرزوها پیش از آنکه عرصهٔ کَرَم تو پیمایند، روا شده بازگشتند و کاسه‌های حاجت حاجتمندان از فیض جود تو لبالب گردید و اوصاف را پیش از آنکه به حقیقت تو رسند رشته از هم بگسیخت. تو راست فراترین فرازها، فراتر از هر فراورنده‌ای؛ و تو راست بزرگ‌ترین جلالتها، برتر از هر جلالتی.

هر صاحب جلالت در برابر جلالت تو خرد است و هرشریف در جوار شرف تو حقیر. آنان که رخت به آستان دیگری جز آستان تو کشیدند، نومید شدند و آنان که به درگاهی جز درگاه تو روی نهادند زیانمند گردیدند و آنان که جز به تو پرداختند تباه گشتند و آنان که در طلب قوت نه به صحرای فضل تو آمدند به قحطسال گرفتار شدند.

بارخدایا، درگاه تو به روی خواهندگان گشوده است و عطایت سائلان را رایگان است و فریادرسیت فریادخواهان را نزدیک.

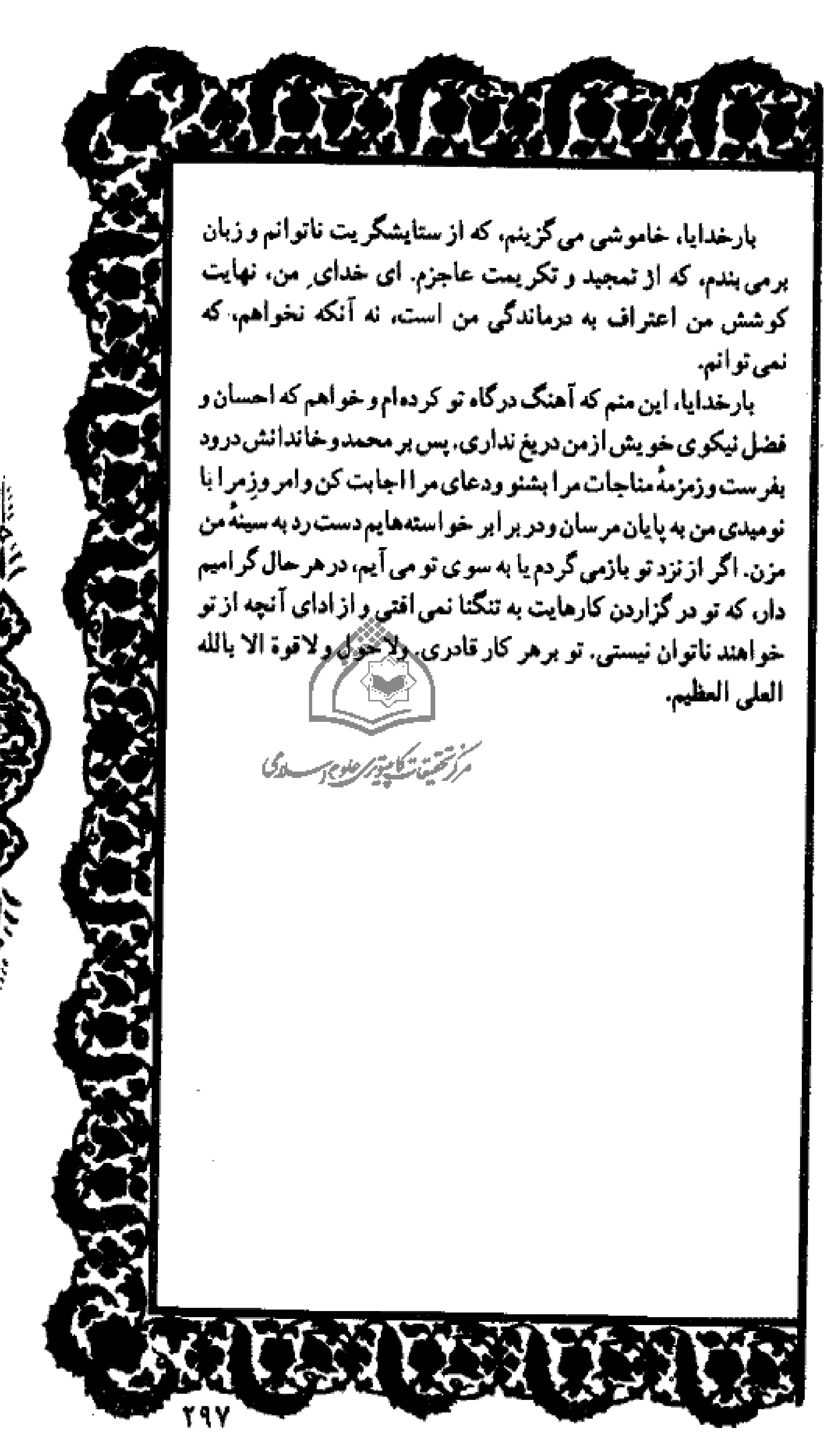
امیدواران از تو نومید نشوند و جویندگان از عطای تو مأیوس نگردند و آمرزش خواهان از عقوبتت به شقاوت نیفتند.

ای خداوند، خوان نعمتت برای آنان که نافرمانیت کنند گسترده است. و بردباریت درحق آنان که با تو خصومت ورزند مهیّاست. نیکی درحق بدان شیوهٔ توست و شفقت بر متجاوزان سنت تو. آن سان که درنگ کردن تو در مؤاخذت، ایشان را فریفته است که تو به نکنند و مهلت دادن تو آنان را از گرایش به تو بازداشته است. وحال آنکه درکیفر آنان درنگ کرده‌ای تامگر به فرمان تو سر نهند، وآن را که مهلت عنایت کرده‌ای ازآن روست که به دوام ملك خود اعتماد داری. پس هر کس که سزاوارسعادت باشد روزگارش به سعادت پایان یابد و هر که سزاوار شقاوت بُوَد به شقاوتش خوار خواهی ساخت. همه بر مقتضای حکم تو شوند هرچه شوند و بازگشت امورشان به توست. هرچند زمان

سرکشیشان به دراز کشد از سلطهٔ تو فرونخواهد کاست و چون در بازخواستشان شتاب نکنی حجت تو باطل نگردد، که حجت تو پای برجای است و بطلان ناپذیر و سلطهٔ تو ثابت است و بی زوال. پس وای برکسی که از تو رخ برتافته و خواری و نومیدی کسی راست که از تو نومید گردد و بدترین شوربختی نصیب کسی است که به حلم تو فریفته آید. در چنین حالتی چنین کسی چه بسیار عذابهای گونه‌گون که خواهد چشید و چه زمانهای دراز که در وادی عقابِ تو سرگردان خواهد ماند و میان او و سر آمدن اندوهش چه فاصله‌ای بعید است و به رهایی از تنگنایی که در آن افتاده هیچ امیدیش نیست. ای خداوند، همهٔ اینها که می کنی بر مقتضای عدالت و انصاف توست که در آن نه جور بر کس کنی نه ستم بر کس رواداری.

بارخدایا، تو حجتهای خود، درپی یکدیگر و به یاری یکدیگر اقامه کرده‌ای و دلیلهای خود از دیر باز آشکار ساخته‌ای و پیش از این مردم را از عذاب خود بیم داده‌ای و از روی تلطف ترغیب کرده‌ای و مثالها آورده‌ای و مهلتهای دراز داده‌ای و عذاب خود به تأخیر افکنده‌ای هرچند یارای شتابت بود ودر کارِ مؤاخذت درنگ ورزیده‌ای هرچند یارای تعجیلت بود. نه درنگ ورزیدنت از رویِ ناتوانی بوده است و نه مهلت دادنت نشانهٔ سستی. اگر از مؤاخذت دست بازداشته‌ای، نه از روی غفلت بوده و اگر حکم خود به تعویق افکنده‌ای، نه از روی مدارا. بلکه تا حجّتت رساتر افتد و کرمت کامل تر و احسانت وافی تر و نعمتت تمام تر نمایان شود. همهٔ اینها بوده است و همواره هست و خواهد بود.

ای خداوند، حجت تو فراتر از آن است که همه‌اش به وصف گنجد و مجد و بزرگیت برتر از آن است که کس به کنه آن رسد و نعمتت بیشتر از آن است که درشمار آید و احسانت افزون تر از آن است که کمترین آن را شکر توان گفت.



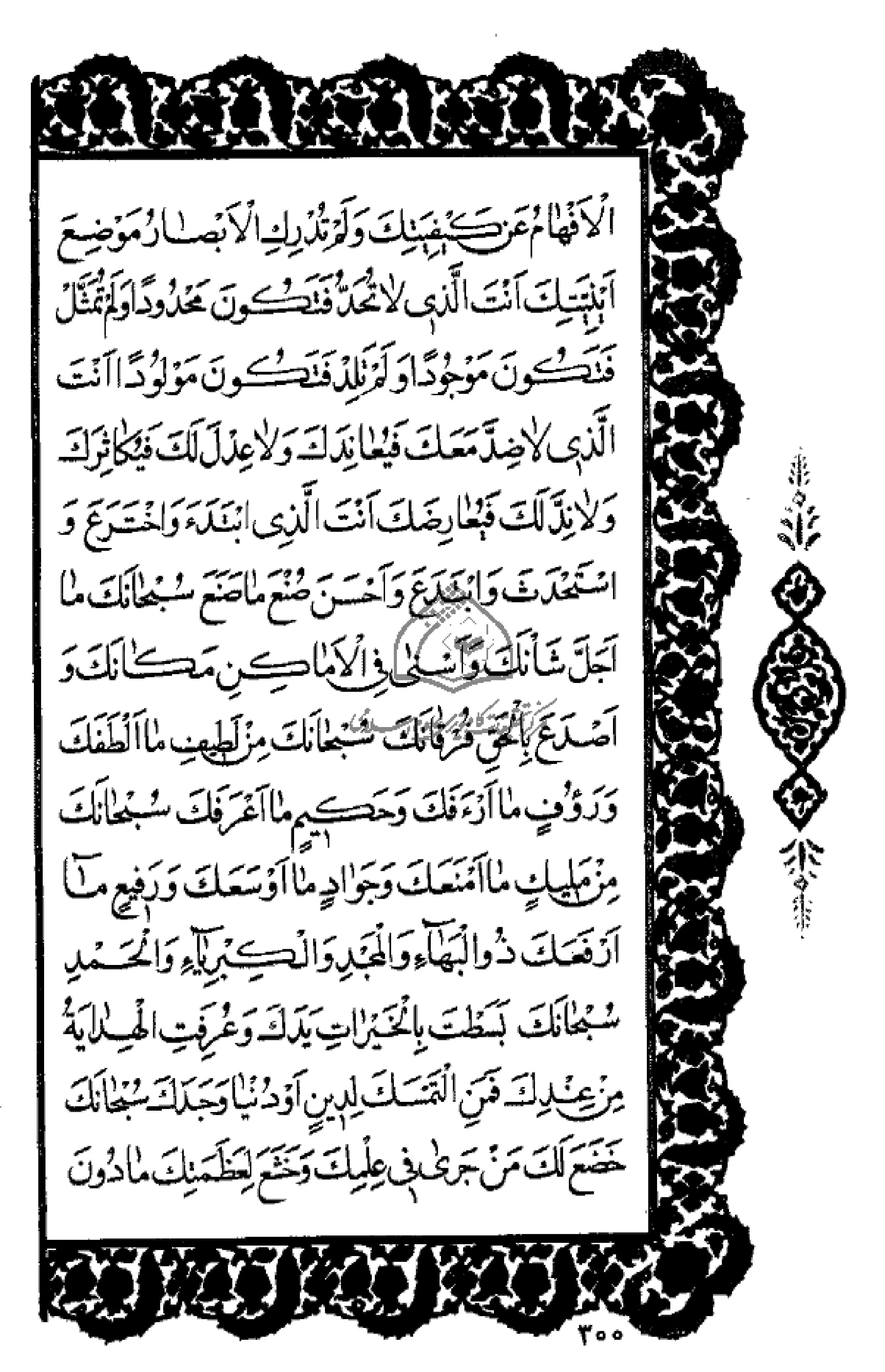
بارخدایا، خاموشی می گزینم، که از ستایشگریت ناتوانم و زبان برمی بندم، که از تمجید و تکریمت عاجزم. ای خدای من، نهایت کوشش من اعتراف به درماندگی من است، نه آنکه نخواهم، که نمی توانم.

بارخدایا، این منم که آهنگ درگاه تو کرده‌ام و خواهم که احسان و فضل نیکوی خویش ازمن دریغ نداری، پس بر محمد و خاندانش درود بفرست و زمزمهٔ مناجات مرا بشنو ودعای مرا اجابت کن وامر وزم را با نومیدی من به پایان مرسان ودر برابر خواسته‌هایم دست رد به سینهٔ من مزن. اگر از نزد تو بازمی گردم یا به سوی تو می آیم، درهرحال گرامیم دار، که تو در گزاردن کارهایت به تنگنا نمی افتی و از ادای آنچه از تو خواهند ناتوان نیستی. تو برهر کار قادری. ولا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم.

دعاء «٤٧» وكان من دعائه عليه السلام في يوم عرفة

الحمد لله رب العالمين اللهم لك الحمد بديع السموات و
والارض ذا الجلال والاكرام رب الارباب واله كل
مألوه وخالق كل مخلوق ووارث كل شيء ليس
كمثله شيء ولا يعزب عنه علم شيء وهو بكل
شيء محيط وهو على كل شيء رقيب انت الله لا اله الا
انت الاحد المتوحد الفرد المتفرد وانت الله لا اله الا انت
الكريم المتكرم العظيم المتعظم الكبير المتكبر
وانت الله لا اله الا انت العلي المتعال الشديد المحال
وانت الله لا اله الا انت الرحمن الرحيم العليم الحكيم
وانت الله لا اله الا انت السميع البصير القديم الخبير وانت
الله لا اله الا انت الكريم الاكرم الدائم الادوم
وانت الله لا اله الا انت الاول قبل كل احد والاخر
بعد كل عدد وانت الله لا اله الا انت الداني في علوه

وَالْعَالِي فِي دُنُوِّهِ وَأَنْتَ اللهُ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ ذُو الْبَهَاءِ وَ
الْمَجْدِ وَالْكِبْرِيَاءِ وَالْحَمْدِ وَأَنْتَ اللهُ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ
الَّذِي أَنْشَأْتَ الْأَشْيَاءَ مِنْ غَيْرِ سِنْخٍ وَصَوَّرْتَ مَا صَوَّرْتَ
مِنْ غَيْرِ مِثَالٍ وَابْتَدَعْتَ الْمُبْتَدَعَاتِ بِلَا احْتِذَاءٍ أَنْتَ
الَّذِي قَدَّرْتَ كُلَّ شَيْءٍ تَقْدِيرًا وَيَسَّرْتَ كُلَّ شَيْءٍ
تَيْسِيرًا وَدَبَّرْتَ مَا دُونَكَ تَدْبِيرًا أَنْتَ الَّذِي لَمْ يُعِنْكَ
عَلَى خَلْقِكَ شَرِيكٌ وَلَمْ يُوَازِرْكَ فِي أَمْرِكَ وَزِيرٌ وَلَمْ يَكُنْ
لَكَ مُشَاهِدٌ وَلَا نَظِيرٌ أَنْتَ الَّذِي أَرَدْتَ فَكَانَ حَتْمًا
مَا أَرَدْتَ وَقَضَيْتَ فَكَانَ عَدْلًا مَا قَضَيْتَ وَحَكَمْتَ
فَكَانَ نِصْفًا مَا حَكَمْتَ أَنْتَ الَّذِي لَا يَحْوِيكَ
مَكَانٌ وَلَمْ يَقُمْ لِسُلْطَانِكَ سُلْطَانٌ وَلَمْ يُعْيِكَ بُرْهَانٌ
وَلَا بَيَانٌ أَنْتَ الَّذِي أَحْصَيْتَ كُلَّ شَيْءٍ عَدَدًا وَ
جَعَلْتَ لِكُلِّ شَيْءٍ أَمَدًا وَقَدَّرْتَ كُلَّ شَيْءٍ تَقْدِيرًا
أَنْتَ الَّذِي قَصُرَتِ الْأَوْهَامُ عَنْ ذَاتِيَّتِكَ وَعَجَزَتِ



الْاَفْهامُ عَنْ كَيْفِيَّتِكَ وَلَمْ تُدْرِكِ الْاَبْصارُ مَوْضِعَ اَيْنِيَّتِكَ اَنْتَ الَّذى لا تُحَدُّ فَتَكُونَ مَحْدُودًا وَلَمْ تُمَثَّلْ فَتَكُونَ مَوْجُودًا وَلَمْ تَلِدْ فَتَكُونَ مَوْلُودًا اَنْتَ الَّذى لا ضِدَّ مَعَكَ فَيُعانِدَكَ وَلا عِدْلَ لَكَ فَيُكاثِرَكَ وَلا نِدَّ لَكَ فَيُعارِضَكَ اَنْتَ الَّذِى ابْتَدَءَ وَاخْتَرَعَ وَ اسْتَحْدَثَ وَابْتَدَعَ وَاَحْسَنَ صُنْعَ ما صَنَعَ سُبْحانَكَ ما اَجَلَّ شَاْنَكَ وَاَسْنى فِى الْاَماكِنِ مَكانَكَ وَ اَصْدَعَ بِالْحَقِّ فُرْقانَكَ سُبْحانَكَ مِنْ لَطيفٍ ما اَلْطَفَكَ وَرَؤُفٍ ما اَرْاَفَكَ وَحَكيمٍ ما اَعْرَفَكَ سُبْحانَكَ مِنْ مَليكٍ ما اَمْنَعَكَ وَجَوادٍ ما اَوْسَعَكَ وَرَفيعٍ ما اَرْفَعَكَ ذُوالْبَهآءِ وَالْمَجْدِ وَالْكِبْرِيآءِ وَالْحَمْدِ سُبْحانَكَ بَسَطْتَ بِالْخَيْراتِ يَدَكَ وَعُرِفَتِ الْهِدايَةُ مِنْ عِنْدِكَ فَمَنِ الْتَمَسَكَ لِدينٍ اَوْ دُنْيا وَجَدَكَ سُبْحانَكَ خَضَعَ لَكَ مَنْ جَرى فى عِلْمِكَ وَخَشَعَ لِعَظَمَتِكَ ما دُونَ

عَرْشِكَ وَانْقادَ لِلتَّسْليمِ لَكَ كُلُّ خَلْقِكَ سُبْحانَكَ

لا تُحَسُّ وَلا تُجَسُّ وَلا تُمَسُّ وَلا تُكادُ وَلا تُماطُ وَلا

تُنازَعُ وَلا تُجارى وَلا تُمارى وَلا تُخادَعُ وَلا تُماكَرُ سُبْحانَكَ

سَبيلُكَ جَدَدٌ وَاَمْرُكَ رَشَدٌ وَاَنْتَ حَيٌّ صَمَدٌ سُبْحانَكَ

قَوْلُكَ حُكْمٌ وَقَضاؤُكَ حَتْمٌ وَاِرادَتُكَ عَزْمٌ

سُبْحانَكَ لا رادَّ لِمَشِيَّتِكَ وَلا مُبَدِّلَ لِكَلِماتِكَ

سُبْحانَكَ باهِرَ الْاياتِ فاطِرَ السَّمواتِ بارِئَ النَّسَماتِ

لَكَ الْحَمْدُ حَمْداً يَدُومُ بِدَوامِكَ وَلَكَ الْحَمْدُ حَمْداً خالِداً

بِنِعْمَتِكَ وَلَكَ الْحَمْدُ حَمْداً يُوازى صُنْعَكَ وَلَكَ الْحَمْدُ

حَمْداً يَزيدُ عَلى رِضاكَ وَلَكَ الْحَمْدُ حَمْداً مَعَ حَمْدِ كُلِّ

حامِدٍ وَشُكْراً يَقْصُرُ عَنْهُ شُكْرُ كُلِّ شاكِرٍ

حَمْداً لا يَنْبَغى اِلاّ لَكَ وَلا يُتَقَرَّبُ بِهِ اِلاّ اِلَيْكَ حَمْداً

يُسْتَدامُ بِهِ الْاَوَّلُ وَيُسْتَدْعى بِهِ دَوامُ الْاخِرِ حَمْداً يَتَضاعَفُ

عَلى كُرُورِ الْاَزْمِنَةِ وَيَتَزايَدُ اَضْعافاً مُتَرادِفَةً حَمْداً

يَعجِزُ عَن اِحصآئِهِ الحَفَظَةُ وَيَزيدُ عَلىٰ ما اَحصَتهُ في كِتابِكَ

الكَتَبَةُ حَمداً يُوازِنُ عَرشَكَ المَجيدَ وَيُعادِلُ كُرسِيَّكَ

الرَّفيعَ حَمداً يَكمُلُ لَدَيكَ ثَوابُهُ وَيَستَغرِقُ كُلَّ جَزآءٍ

جَزآؤُهُ حَمداً ظاهِرُهُ وَفقٌ لِباطِنِهِ وَباطِنُهُ وَفقٌ لِصِدقِ

النِّيَّةِ فيهِ حَمداً لَم يَحمَدكَ خَلقٌ مِثلَهُ وَلا يَعرِفُ اَحَدٌ

سِواكَ فَضلَهُ حَمداً يُعانُ مَنِ اجتَهَدَ في تَعديدِهِ وَيُؤَيَّدُ

مَن اَغرَقَ نَزعاً في تَوفِيَتِهِ حَمداً يَجمَعُ ما خَلَقتَ مِنَ الحَمدِ

وَيَنتَظِمُ ما اَنتَ خالِقُهُ مِن بَعدُ حَمداً لا حَمدَ اَقرَبُ اِلىٰ

قَولِكَ مِنهُ وَلا اَحمَدَ مِمَّن يَحمَدُكَ بِهِ حَمداً يوجِبُ

بِكَرَمِكَ المَزيدَ بِوُفورِهِ وَتَصِلُهُ بِمَزيدٍ بَعدَ مَزيدٍ طَولاً

مِنكَ حَمداً يَجِبُ لِكَرَمِ وَجهِكَ وَيُقابِلُ عِزَّ

جَلالِكَ رَبِّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ المُنتَجَبِ المُصطَفَى

المُكَرَّمِ المُقَرَّبِ اَفضَلَ صَلَواتِكَ وَبارِك عَلَيهِ اَتَمَّ

بَرَكاتِكَ وَتَرَحَّم عَلَيهِ اَمتَعَ رَحَماتِكَ رَبِّ صَلِّ عَلىٰ

مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ صَلَاةً زَاكِيَةً لَا تَكُونُ صَلَاةٌ أَزْكَى

مِنْهَا وَ صَلِّ عَلَيْهِ صَلَاةً نَامِيَةً لَا تَكُونُ صَلَوةٌ أَنْمَى

مِنْهَا وَ صَلِّ عَلَيْهِ صَلَوةً رَاضِيَةً لَا تَكُونُ صَلَوةٌ

فَوْقَهَا رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ صَلَوةً تُرْضِيهِ وَ تَزِيدُ عَلَى رِضَاهُ

وَ صَلِّ عَلَيْهِ صَلَوةً تُرْضِيكَ وَ تَزِيدُ عَلَى رِضَاكَ لَهُ وَ صَلِّ

عَلَيْهِ صَلَوةً لَا تَرْضَى لَهُ إِلَّا بِهَا وَ لَا تَرَى غَيْرَهُ لَهَا أَهْلًا

رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ صَلَوةً تُجَاوِزُ رِضْوَانَكَ وَ يَتَّصِلُ

اِتِّصَالُهَا بِبَقَائِكَ وَ لَا يَنْفَدُ كَمَا لَا تَنْفَدُ كَلِمَاتُكَ

رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ صَلَوةً تَنْتَظِمُ صَلَوَاتِ مَلَائِكَتِكَ

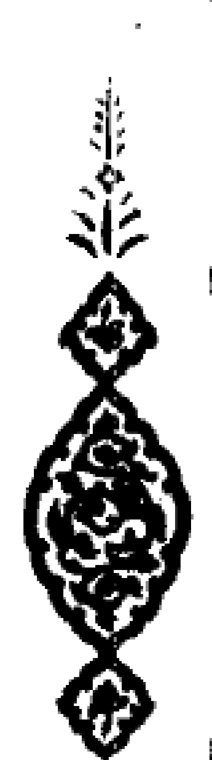
وَ أَنْبِيَائِكَ وَ رُسُلِكَ وَ أَهْلِ طَاعَتِكَ وَ تَشْتَمِلُ عَلَى صَلَوَاتِ

عِبَادِكَ مِنْ جِنِّكَ وَ إِنْسِكَ وَ أَهْلِ إِجَابَتِكَ وَ تَجْتَمِعُ

عَلَى صَلَوةِ كُلِّ مَنْ ذَرَأْتَ وَ بَرَأْتَ مِنْ أَصْنَافِ خَلْقِكَ

رَبِّ صَلِّ عَلَيْهِ وَ آلِهِ صَلَوةً تُحِيطُ بِكُلِّ صَلَوةٍ سَالِفَةٍ

وَ مُسْتَأْنَفَةٍ وَ صَلِّ عَلَيْهِ وَ عَلَى آلِهِ صَلَوةً مَرْضِيَّةً لَكَ وَ



لِمَنْ دُونَكَ وَتُنْشِئُ مَعَ ذٰلِكَ صَلَوٰاتٍ تُضاعِفُ مَعَها

تِلْكَ الصَّلَوٰاتِ عِنْدَها وَتَزِيدُها عَلىٰ كُرُورِ الْاَيّامِ

زِيادَةً فِي تَضاعِيفَ لا يَعُدُّها غَيْرُكَ رَبِّ صَلِّ عَلىٰ اَطائِبِ

اَهْلِ بَيْتِهِ الَّذِينَ اخْتَرْتَهُمْ لِاَمْرِكَ وَجَعَلْتَهُمْ خَزَنَةَ

عِلْمِكَ وَحَفَظَةَ دِينِكَ وَخُلَفاءَكَ فِي اَرْضِكَ وَحُجَجَكَ

عَلىٰ عِبادِكَ وَطَهَّرْتَهُمْ مِنَ الرِّجْسِ وَالدَّنَسِ تَطْهِيراً

بِاِرادَتِكَ وَجَعَلْتَهُمُ الْوَسِيلَةَ اِلَيْكَ وَالْمَسْلَكَ اِلىٰ جَنَّتِكَ

رَبِّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ صَلٰوةً تُجْزِلُ لَهُمْ بِها مِنْ نُحَلِكَ وَ

كَرامَتِكَ وَتُكْمِلُ لَهُمُ الْاَشْياءَ مِنْ عَطاياكَ وَ

نَوافِلِكَ وَتُوَفِّرُ عَلَيْهِمُ الْحَظَّ مِنْ عَوائِدِكَ وَفَوائِدِكَ رَبِّ

صَلِّ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ صَلاةً لا اَمَدَ فِي اَوَّلِها وَلا غايَةَ

لِاَمَدِها وَلا نِهايَةَ لِاٰخِرِها رَبِّ صَلِّ عَلَيْهِمْ زِنَةَ عَرْشِكَ

وَما دُونَهُ وَمِلْاَ سَمٰواتِكَ وَما فَوْقَهُنَّ وَعَدَدَ اَرَضِيكَ وَما

تَحْتَهُنَّ وَما بَيْنَهُنَّ صَلاةً تُقَرِّبُهُمْ مِنْكَ زُلْفىٰ وَتَكُونُ

لَكَ وَلَهُمْ رِضًا وَمُتَّصِلَةً بِنَظَائِرِهِنَّ اَبَدًا اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ اَيَّدْتَ

دِينَكَ فِي كُلِّ اَوَانٍ بِاِمَامٍ اَقَمْتَهُ عَلَمًا لِعِبَادِكَ وَمَنَارًا

فِي بِلَادِكَ بَعْدَ اَنْ وَصَلْتَ حَبْلَهُ بِحَبْلِكَ وَجَعَلْتَهُ

الذَّرِيعَةَ اِلَى رِضْوَانِكَ وَافْتَرَضْتَ طَاعَتَهُ وَحَذَّرْتَ

مَعْصِيَتَهُ وَاَمَرْتَ بِامْتِثَالِ اَوَامِرِهِ وَالْاِنْتِهَاءِ عِنْدَ نَهْيِهِ

وَاَلَّا يَتَقَدَّمَهُ مُتَقَدِّمٌ وَلَا يَتَاَخَّرَ عَنْهُ مُتَاَخِّرٌ فَهُوَ عِصْمَةُ

اللَّائِذِينَ وَكَهْفُ الْمُؤْمِنِينَ وَعُرْوَةُ الْمُتَمَسِّكِينَ

وَبَهَاءُ الْعَالَمِينَ اَللّٰهُمَّ فَاَوْزِعْ لِوَلِيِّكَ شُكْرَ مَا اَنْعَمْتَ

بِهِ عَلَيْهِ وَاَوْزِعْنَا مِثْلَهُ فِيهِ وَآتِهِ مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا

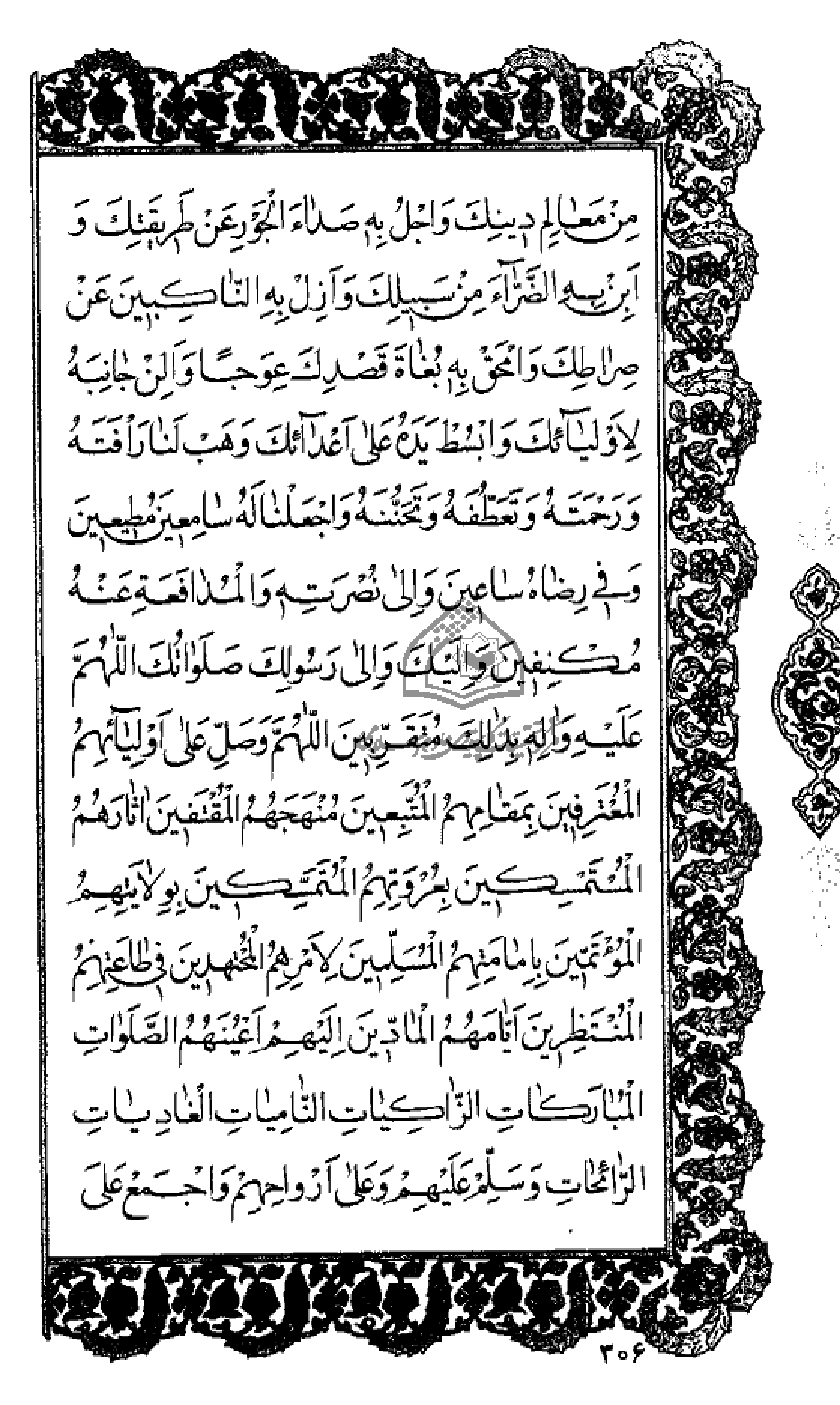
نَصِيرًا وَافْتَحْ لَهُ فَتْحًا يَسِيرًا وَاَعِنْهُ بِرُكْنِكَ الْاَعَزِّ وَاشْدُدْ

اَزْرَهُ وَقَوِّ عَضُدَهُ وَرَاعِهِ بِعَيْنِكَ وَاحْمِهِ بِحِفْظِكَ وَانْصُرْهُ

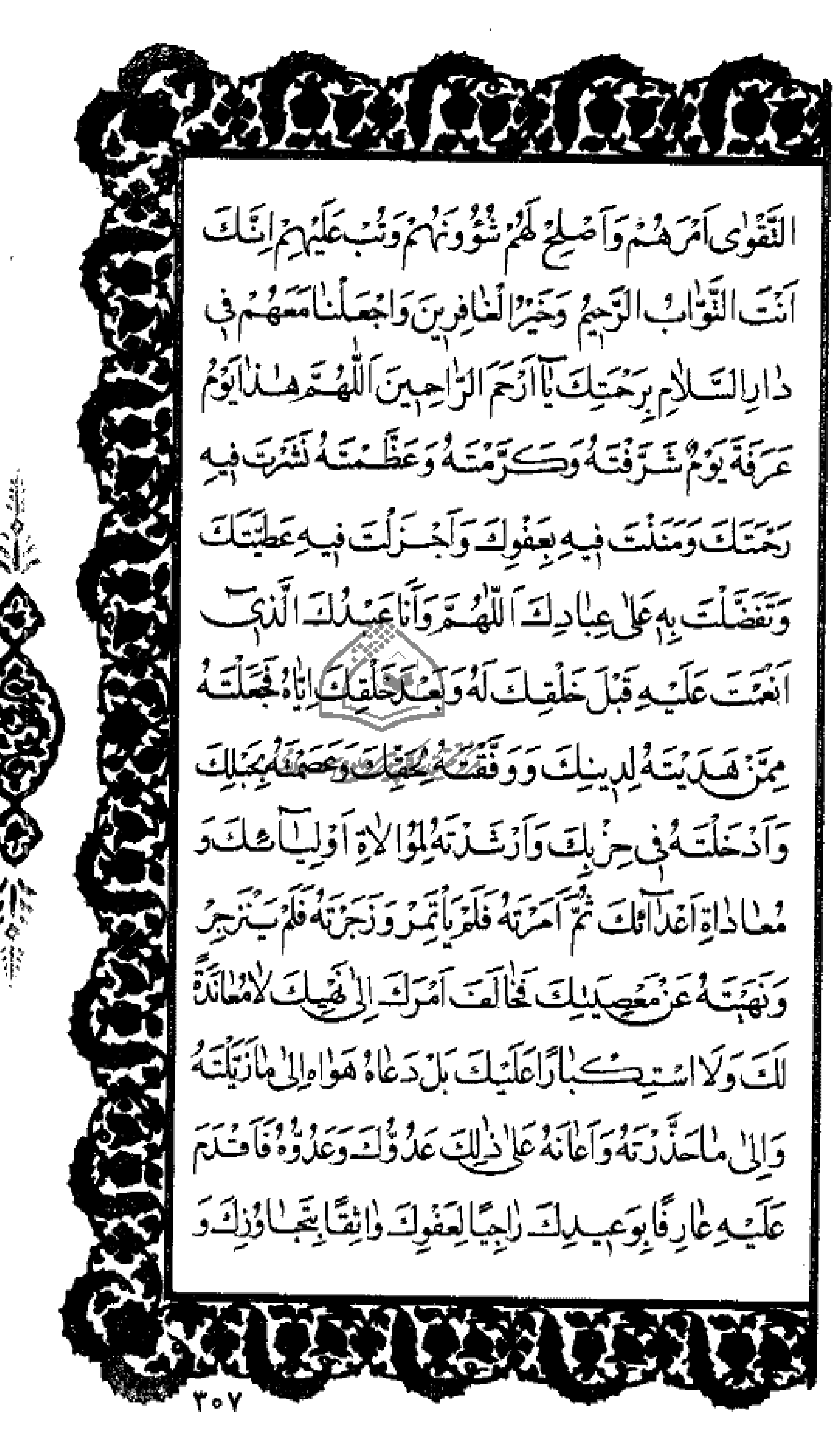
بِمَلَائِكَتِكَ وَامْدُدْهُ بِجُنْدِكَ الْاَغْلَبِ وَاَقِمْ بِهِ

كِتَابَكَ وَحُدُودَكَ وَشَرَائِعَكَ وَسُنَنَ رَسُولِكَ

صَلَوَاتُكَ اللّٰهُمَّ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَاَحْيِ بِهِ مَا اَمَاتَهُ الظَّالِمُونَ

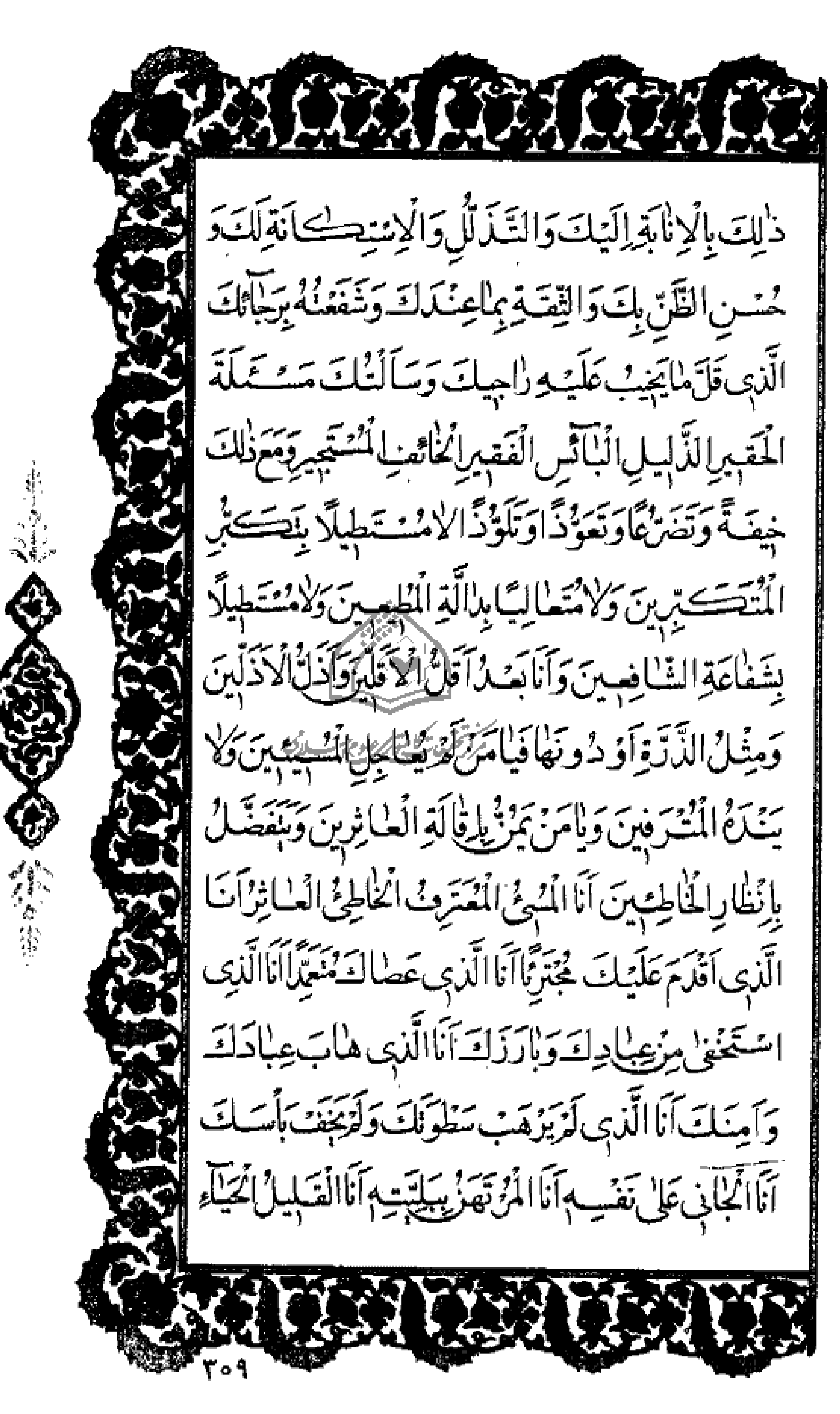


مِنْ مَعالِمِ دينِكَ وَاجْلُ بِهِ صَداءَ الْجَوْرِ عَنْ طَريقَتِكَ وَ
اَبِنْ بِهِ الضَّرّآءَ مِنْ سَبيلِكَ وَاَزِلْ بِهِ النّاكِبينَ عَنْ
صِراطِكَ وَامْحَقْ بِهِ بُغاةَ قَصْدِكَ عِوَجاً وَاَلِنْ جانِبَهُ
لِاَوْلِيآئِكَ وَابْسُطْ يَدَهُ عَلى اَعْدآئِكَ وَهَبْ لَنا رَاْفَتَهُ
وَرَحْمَتَهُ وَتَعَطُّفَهُ وَتَحَنُّنَهُ وَاجْعَلْنا لَهُ سامِعينَ مُطيعينَ
وَفي رِضاهُ ساعينَ وَاِلى نُصْرَتِهِ وَالْمُدافَعَةِ عَنْهُ
مُكْتَنِفينَ وَاِلَيْكَ وَاِلى رَسُولِكَ صَلَواتُكَ اللّٰهُمَّ
عَلَيْهِ وَآلِهِ بِذلِكَ مُتَقَرِّبينَ اَللّٰهُمَّ وَصَلِّ عَلى اَوْلِيآئِهِمُ
الْمُعْتَرِفينَ بِمَقامِهِمُ الْمُتَّبِعينَ مَنْهَجَهُمُ الْمُقْتَفينَ آثارَهُمُ
الْمُسْتَمْسِكينَ بِعُرْوَتِهِمُ الْمُتَمَسِّكينَ بِوِلايَتِهِمُ
الْمُؤْتَمّينَ بِاِمامَتِهِمُ الْمُسَلِّمينَ لِاَمْرِهِمُ الْمُجْتَهِدينَ في طاعَتِهِمُ
الْمُنْتَظِرينَ اَيّامَهُمُ الْمادّينَ اِلَيْهِمْ اَعْيُنَهُمُ الصَّلَواتِ
الْمُبارَكاتِ الزّاكِياتِ النّامِياتِ الْغادِياتِ
الرّائِحاتِ وَسَلِّمْ عَلَيْهِمْ وَعَلى اَرْواحِهِمْ وَاجْمَعْ عَلى



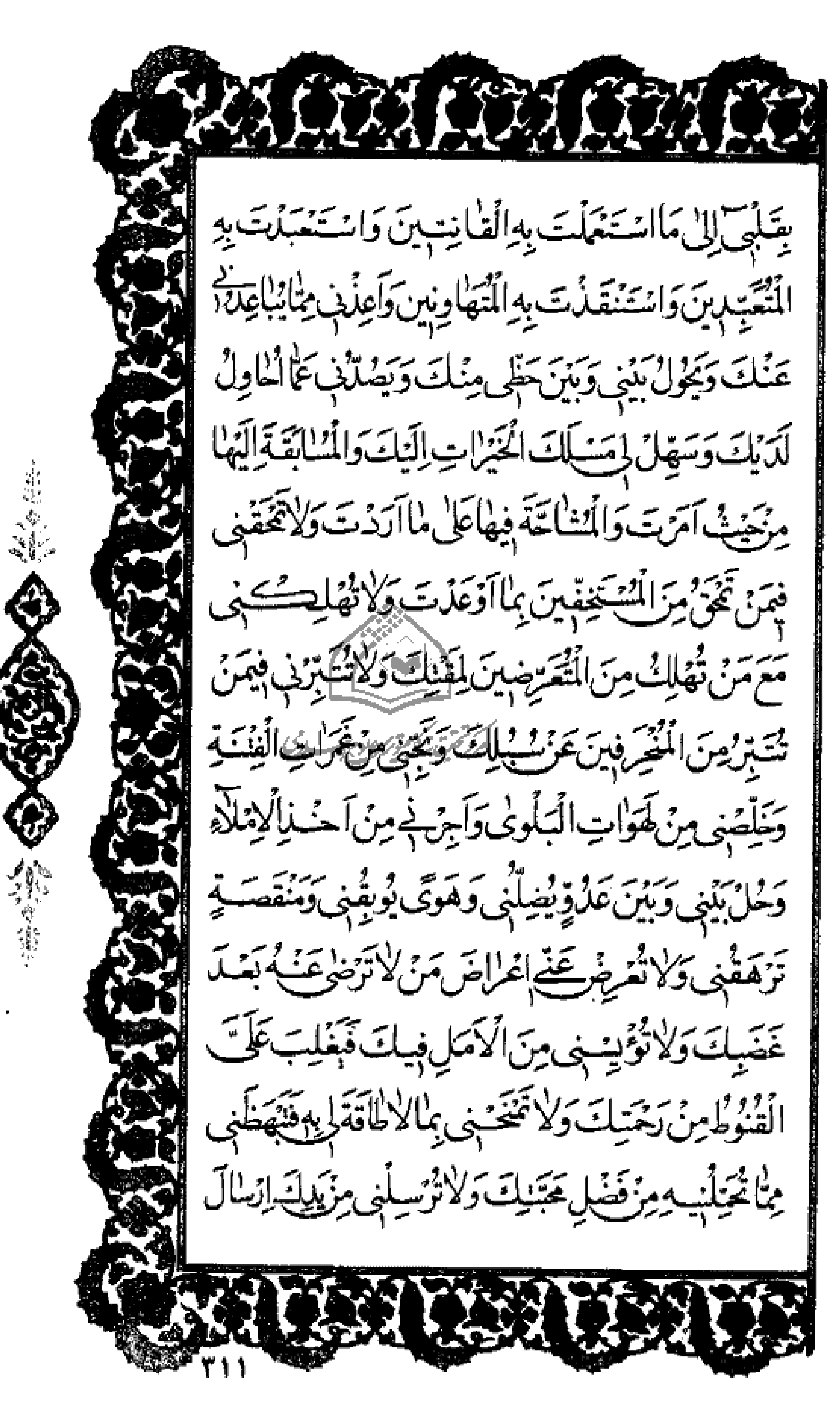
التَّقوىٰ اَمرَهُم وَاَصلِح لَهُم شُؤونَهُم وَتُب عَلَيهِم اِنَّكَ
اَنتَ التَّوّابُ الرَّحيمُ وَخَيرُ الغافِرينَ وَاجعَلنا مَعَهُم في
دارِ السَّلامِ بِرَحمَتِكَ يا اَرحَمَ الرّاحِمينَ اَللّٰهُمَّ هٰذا يَومُ
عَرَفَةَ يَومٌ شَرَّفتَهُ وَكَرَّمتَهُ وَعَظَّمتَهُ نَشَرتَ فيهِ
رَحمَتَكَ وَمَنَنتَ فيهِ بِعَفوِكَ وَاَجزَلتَ فيهِ عَطِيَّتَكَ
وَتَفَضَّلتَ بِهِ عَلىٰ عِبادِكَ اَللّٰهُمَّ وَاَنَا عَبدُكَ الَّذي
اَنعَمتَ عَلَيهِ قَبلَ خَلقِكَ لَهُ وَبَعدَ خَلقِكَ اِيّاهُ فَجَعَلتَهُ
مِمَّن هَدَيتَهُ لِدينِكَ وَوَفَّقتَهُ لِحَقِّكَ وَعَصَمتَهُ بِحَبلِكَ
وَاَدخَلتَهُ في حِزبِكَ وَاَرشَدتَهُ لِمُوالاةِ اَولِيآئِكَ وَ
مُعاداةِ اَعدآئِكَ ثُمَّ اَمَرتَهُ فَلَم يَأتَمِر وَزَجَرتَهُ فَلَم يَنزَجِر
وَنَهَيتَهُ عَن مَعصِيَتِكَ فَخالَفَ اَمرَكَ اِلىٰ نَهيِكَ لا مُعانَدَةً
لَكَ وَلَا استِكباراً عَلَيكَ بَل دَعاهُ هَواهُ اِلىٰ ما زَيَّلتَهُ
وَاِلىٰ ما حَذَّرتَهُ وَاَعانَهُ عَلىٰ ذٰلِكَ عَدُوُّكَ وَعَدُوُّهُ فَاَقدَمَ
عَلَيهِ عارِفاً بِوَعيدِكَ راجِياً لِعَفوِكَ واثِقاً بِتَجاوُزِكَ وَ

كَانَ أَحَقَّ عِبَادِكَ مَعَ مَا مَنَنْتَ عَلَيْهِ أَلَّا يَفْعَلَ وَ
هَا أَنَا ذَا بَيْنَ يَدَيْكَ صَاغِراً ذَلِيلاً خَاضِعاً خَاشِعاً خَائِفاً
مُعْتَرِفاً بِعَظِيمٍ مِنَ الذُّنُوبِ تَحَمَّلْتُهُ وَجَلِيلٍ مِنَ الْخَطَايَا
اجْتَرَمْتُهُ مُسْتَجِيراً بِصَفْحِكَ لَائِذاً بِرَحْمَتِكَ مُوقِناً أَنَّهُ لَا
يُجِيرُنِي مِنْكَ مُجِيرٌ وَلَا يَمْنَعُنِي مِنْكَ مَانِعٌ فَعُدْ عَلَيَّ بِمَا
تَعُودُ بِهِ عَلَى مَنِ اقْتَرَفَ مِنْ تَغَمُّدِكَ وَجُدْ عَلَيَّ بِمَا تَجُودُ بِهِ
عَلَى مَنْ أَلْقَى بِيَدِهِ إِلَيْكَ مِنْ عَفْوِكَ وَامْنُنْ عَلَيَّ بِمَا لَا
يَتَعَاظَمُكَ أَنْ تَمُنَّ بِهِ عَلَى مَنْ أَمَّلَكَ مِنْ غُفْرَانِكَ
وَاجْعَلْ لِي فِي هَذَا الْيَوْمِ نَصِيباً أَنَالُ بِهِ حَظّاً مِنْ رِضْوَانِكَ
وَلَا تَرُدَّنِي صِفْراً مِمَّا يَنْقَلِبُ بِهِ الْمُتَعَبِّدُونَ لَكَ مِنْ عِبَادِكَ
وَإِنِّي وَإِنْ لَمْ أُقَدِّمْ مَا قَدَّمُوهُ مِنَ الصَّالِحَاتِ فَقَدْ قَدَّمْتُ
تَوْحِيدَكَ وَنَفْيَ الْأَضْدَادِ وَالْأَنْدَادِ وَالْأَشْبَاهِ عَنْكَ
وَأَتَيْتُكَ مِنَ الْأَبْوَابِ الَّتِي أَمَرْتَ أَنْ تُؤْتَى مِنْهَا وَتَقَرَّبْتُ
إِلَيْكَ بِمَا لَا يَقْرُبُ أَحَدٌ مِنْكَ إِلَّا بِالتَّقَرُّبِ بِهِ ثُمَّ أَتْبَعْتُ



ذٰلِكَ بِالْإِنَابَةِ إِلَيْكَ وَالتَّذَلُّلِ وَالْاِسْتِكَانَةِ لَكَ وَ
حُسْنِ الظَّنِّ بِكَ وَالثِّقَةِ بِمَا عِنْدَكَ وَشَفَعْتُهُ بِرَجَائِكَ
الَّذِي قَلَّ مَا يَخِيبُ عَلَيْهِ رَاجِيكَ وَسَأَلْتُكَ مَسْأَلَةَ
الْحَقِيرِ الذَّلِيلِ الْبَائِسِ الْفَقِيرِ الْخَائِفِ الْمُسْتَجِيرِ وَمَعَ ذٰلِكَ
خِيفَةً وَتَضَرُّعاً وَتَعَوُّذاً وَتَلَوُّذاً لَا مُسْتَطِيلاً بِتَكَبُّرِ
الْمُتَكَبِّرِينَ وَلَا مُتَعَالِياً بِدَالَّةِ الْمُطِيعِينَ وَلَا مُسْتَطِيلاً
بِشَفَاعَةِ الشَّافِعِينَ وَأَنَا بَعْدُ أَقَلُّ الْأَقَلِّينَ وَأَذَلُّ الْأَذَلِّينَ
وَمِثْلُ الذَّرَّةِ أَوْ دُونَهَا فَيَا مَنْ لَمْ يُعَاجِلِ الْمُسِيئِينَ وَلَا
يَنْدَهُ الْمُتْرَفِينَ وَيَا مَنْ يَمُنُّ بِإِقَالَةِ الْعَاثِرِينَ وَيَتَفَضَّلُ
بِإِنْظَارِ الْخَاطِئِينَ أَنَا الْمُسِيءُ الْمُعْتَرِفُ الْخَاطِئُ الْعَاثِرُ أَنَا
الَّذِي أَقْدَمَ عَلَيْكَ مُجْتَرِئاً أَنَا الَّذِي عَصَاكَ مُتَعَمِّداً أَنَا الَّذِي
اسْتَخْفَىٰ مِنْ عِبَادِكَ وَبَارَزَكَ أَنَا الَّذِي هَابَ عِبَادَكَ
وَأَمِنَكَ أَنَا الَّذِي لَمْ يَرْهَبْ سَطْوَتَكَ وَلَمْ يَخَفْ بَأْسَكَ
أَنَا الْجَانِي عَلَىٰ نَفْسِهِ أَنَا الْمُرْتَهَنُ بِبَلِيَّتِهِ أَنَا الْقَلِيلُ الْحَيَاءِ

أَنَا الطَّوِيلُ الْعَنَاءِ بِحَقِّ مَنِ انْتَجَبْتَ مِنْ خَلْقِكَ وَ بِمَنِ
اصْطَفَيْتَهُ لِنَفْسِكَ بِحَقِّ مَنِ اخْتَرْتَ مِنْ بَرِيَّتِكَ وَ مَنِ
اجْتَبَيْتَ لِشَأْنِكَ بِحَقِّ مَنْ وَصَلْتَ طَاعَتَهُ بِطَاعَتِكَ وَ
مَنْ جَعَلْتَ مَعْصِيَتَهُ كَمَعْصِيَتِكَ بِحَقِّ مَنْ قَرَنْتَ مُوَالاتَهُ
بِمُوَالاتِكَ وَ مَنْ نُطْتَ مُعَادَاتَهُ بِمُعَادَاتِكَ تَغَمَّدْنِي فِي
يَوْمِي هَذَا بِمَا تَتَغَمَّدُ بِهِ مَنْ جَارَ إِلَيْكَ مُتَنَصِّلاً وَ عَاذَ
بِاسْتِغْفَارِكَ تَائِباً وَ تَوَلَّنِي بِمَا تَتَوَلَّى بِهِ أَهْلَ طَاعَتِكَ
وَ الزُّلْفَى لَدَيْكَ وَ الْمَكَانَةِ مِنْكَ وَ تَوَحَّدْنِي بِمَا تَتَوَحَّدُ
بِهِ مَنْ وَفَى بِعَهْدِكَ وَ أَتْعَبَ نَفْسَهُ فِي ذَاتِكَ وَ أَجْهَدَ
هَا فِي مَرْضَاتِكَ وَ لا تُؤَاخِذْنِي بِتَفْرِيطِي فِي جَنْبِكَ وَ
تَعَدِّي طَوْرِي فِي حُدُودِكَ وَ مُجَاوَزَةِ أَحْكَامِكَ وَ
لا تَسْتَدْرِجْنِي بِإِمْلائِكَ لِي اسْتِدْرَاجَ مَنْ مَنَعَنِي خَيْرَ مَا
عِنْدَهُ وَ لَمْ يَشْرَكْكَ فِي حُلُولِ نِعْمَتِهِ بِي وَ نَبِّهْنِي مِنْ رَقْدَةِ
الْغَافِلِينَ وَ سِنَةِ الْمُسْرِفِينَ وَ نَعْسَةِ الْمَخْذُولِينَ وَ خُذْ



بقلبي إلى ما استعملت به القانتين واستعبدت به
المتعبدين واستنقذت به المتهاونين وأعذني مما يباعدني
عنك ويحول بيني وبين حظي منك ويصدني عما أحاول
لديك وسهل لي مسلك الخيرات إليك والمسابقة إليها
من حيث أمرت والمشاحة فيها على ما أردت ولا تمحقني
فيمن تمحق من المستخفين بما أوعدت ولا تهلكني
مع من تهلك من المتعرضين لمقتك ولا تتبرني فيمن
تتبر من المنحرفين عن سبلك ونجني من غمرات الفتنة
وخلصني من لهوات البلوى وأجرني من أخذ الإملاء
وحل بيني وبين عدو يضلني وهوى يوبقني ومنقصة
ترهقني ولا تعرض عني إعراض من لا ترضى عنه بعد
غضبك ولا تؤيسني من الأمل فيك فيغلب علي
القنوط من رحمتك ولا تمنحني بما لا طاقة لي به فتبهظني
مما تحملنيه من فضل محبتك ولا ترسلني من يدك إرسال

مَن لاخَيرَ فيهِ وَلاحاجَةَ بِكَ اِلَيهِ وَلااِنابَةَ لَهُ وَلاتَرمِ

بى رَمىَ مَن سَقَطَ مِن عَينِ رِعايَتِكَ وَمَنِ اشتَمَلَ عَلَيهِ

الخِزىُ مِن عِندِكَ بَل خُذ بِيَدى مِن سَقطَةِ المُتَرَدّينَ وَ

وَهلَةِ المُتَعَسِّفينَ وَزَلَّةِ المَغرُورينَ وَوَرطَةِ الهالِكينَ

وَعافِنى مِمَّا ابتَلَيتَ بِهِ طَبَقاتِ عَبيدِكَ وَاِمائِكَ وَ

بَلِّغنى مَبالِغَ مَن عُنيتَ بِهِ وَاَنعَمتَ عَلَيهِ وَرَضيتَ

عَنهُ فَاَعَشتَهُ حَميداً وَتَوَفَّيتَهُ سَعيداً وَطَوِّقنى طَوقَ

الاِقلاعِ عَمّا يُحبِطُ الحَسَناتِ وَيَذهَبُ بِالبَرَكاتِ وَ

اَشعِر قَلبِى الاِزدِجارَ عَن قَبايِحِ السَّيِّئاتِ وَفَواضِحِ

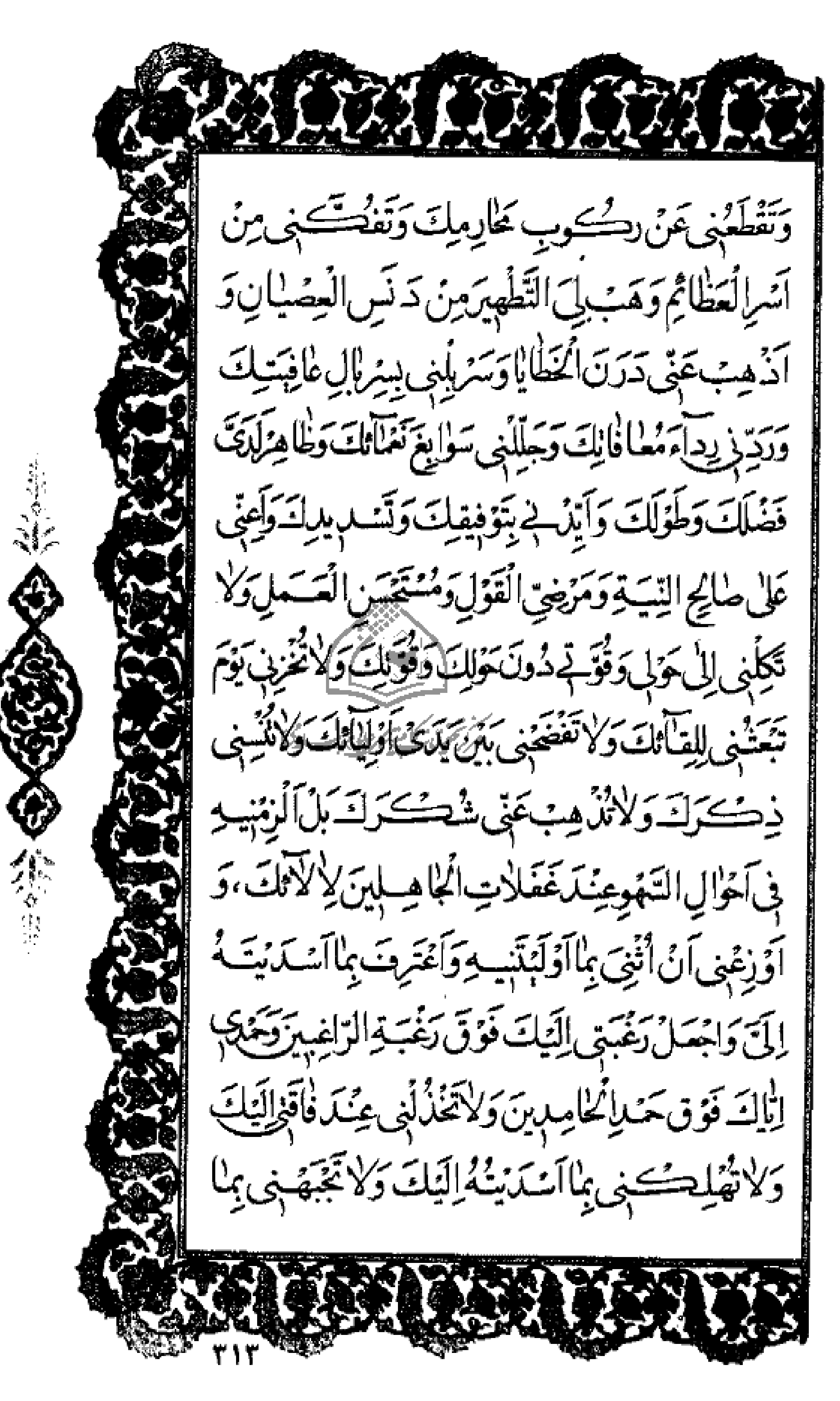
الحَوباتِ وَلاتَشغَلنى بِما لا اُدرِكُهُ اِلاّ بِكَ عَمّا

لايُرضيكَ عَنّى غَيرُهُ وَانزِع مِن قَلبى حُبَّ دُنيا دَنِيَّةٍ

تَنهى عَمّا عِندَكَ وَتَصُدُّ عَنِ ابتِغاءِ الوَسيلَةِ اِلَيكَ

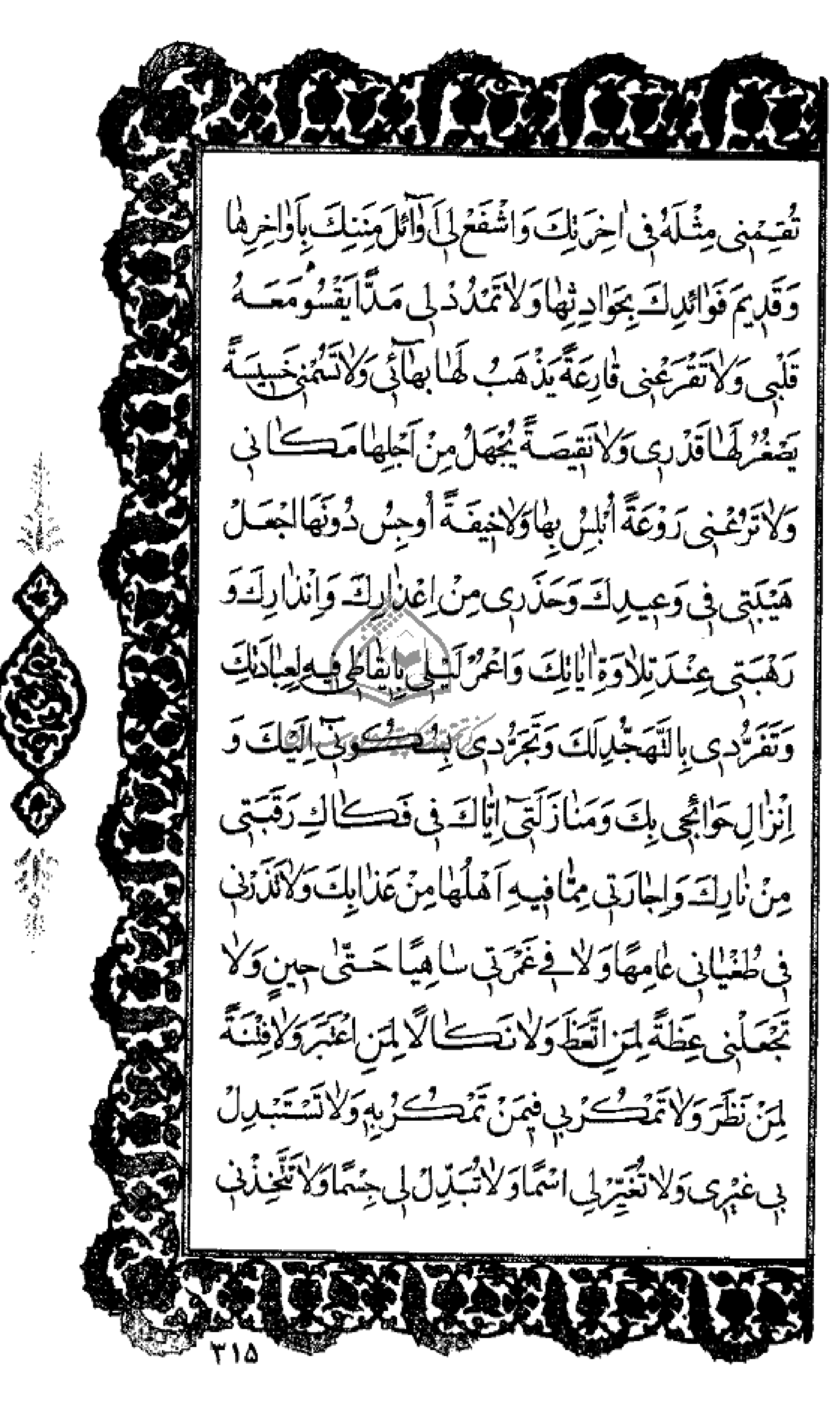
وَتُذهِلُ عَنِ التَّقَرُّبِ مِنكَ وَزَيِّن لِىَ التَّفَرُّدَ بِمُناجاتِكَ

بِاللَّيلِ وَالنَّهارِ وَهَب لى عِصمَةً تُدنينى مِن خَشيَتِكَ



وَتَقْطَعُنِي عَنْ رُكُوبِ مَحَارِمِكَ وَتَفُكَّنِي مِنْ
اَسْرِ الْعَظَائِمِ وَهَبْ لِيَ التَّطْهِيرَ مِنْ دَنَسِ الْعِصْيَانِ وَ
اَذْهِبْ عَنِّي دَرَنَ الْخَطَايَا وَسَرْبِلْنِي بِسِرْبَالِ عَافِيَتِكَ
وَرَدِّنِي رِدَاءَ مُعَافَاتِكَ وَجَلِّلْنِي سَوَابِغَ نَعْمَائِكَ وَظَاهِرْ لَدَيَّ
فَضْلَكَ وَطَوْلَكَ وَاَيِّدْنِي بِتَوْفِيقِكَ وَتَسْدِيدِكَ وَاَعِنِّي
عَلَى صَالِحِ النِّيَّةِ وَمَرْضِيِّ الْقَوْلِ وَمُسْتَحْسَنِ الْعَمَلِ وَلَا
تَكِلْنِي اِلَى حَوْلِي وَقُوَّتِي دُونَ حَوْلِكَ وَقُوَّتِكَ وَلَا تُخْزِنِي يَوْمَ
تَبْعَثُنِي لِلِقَائِكَ وَلَا تَفْضَحْنِي بَيْنَ يَدَيْ اَوْلِيَائِكَ وَلَا تُنْسِنِي
ذِكْرَكَ وَلَا تُذْهِبْ عَنِّي شُكْرَكَ بَلْ اَلْزِمْنِيهِ
فِي اَحْوَالِ السَّهْوِ عِنْدَ غَفَلَاتِ الْجَاهِلِينَ لِآلَائِكَ، وَ
اَوْزِعْنِي اَنْ اُثْنِيَ بِمَا اَوْلَيْتَنِيهِ وَاَعْتَرِفَ بِمَا اَسْدَيْتَهُ
اِلَيَّ وَاجْعَلْ رَغْبَتِي اِلَيْكَ فَوْقَ رَغْبَةِ الرَّاغِبِينَ وَحَمْدِي
اِيَّاكَ فَوْقَ حَمْدِ الْحَامِدِينَ وَلَا تَخْذُلْنِي عِنْدَ فَاقَتِي اِلَيْكَ
وَلَا تُهْلِكْنِي بِمَا اَسْدَيْتُهُ اِلَيْكَ وَلَا تَجْبَهْنِي بِمَا

جبهت به المعاندين لك فاني لك مسلم اعلم ان الحجة
لك وانك اولى بالفضل واعود بالاحسان واهل التقوى
واهل المغفرة وانك بان تعفوا اولى منك بان تعاقب
وانك بان تستر اقرب منك الى ان تشهر فاحيني
حيوة طيبة تنتظم بما اريد وتبلغ ما احب من حيث لا اتي
ما تكره ولا ارتكب ما نهيت عنه وامتني ميتة من
يسعى نوره بين يديه وعن يمينه وذللني بين يديك و
اعزني عند خلقك وضعني اذا خلوت بك وارفعني
بين عبادك واغنني عمن هو غني عني وزدني اليك فاقة
وفقرا واعذني من شماتة الاعداء ومن حلول البلاء
ومن الذل والعناء تغمدني فيما اطلعت عليه مني بما
يتغمد به القادر على البطش لولا حلمه والاخذ على
الجريرة لولا اناته واذا اردت بقوم فتنة او سوء فنجني
منها لواذا بك واذ لم تقمني مقام فضيحة في دنياك فلا



تُقِمْنِي مِثْلَهُ فِي آخِرَتِكَ وَاشْفَعْ لِي أَوَائِلَ مِنَنِكَ بِأَوَاخِرِهَا
وَقَدِيمَ فَوَائِدِكَ بِحَوَادِثِهَا وَلَا تَمْدُدْ لِي مَدّاً يَقْسُو مَعَهُ
قَلْبِي وَلَا تَقْرَعْنِي قَارِعَةً يَذْهَبُ لَهَا بَهَائِي وَلَا تَسُمْنِي خَسِيسَةً
يَصْغُرُ لَهَا قَدْرِي وَلَا نَقِيصَةً يُجْهَلُ مِنْ أَجْلِهَا مَكَانِي
وَلَا تَرُعْنِي رَوْعَةً أُبْلِسُ بِهَا وَلَا خِيفَةً أُوجِسُ دُونَهَا اجْعَلْ
هَيْبَتِي فِي وَعِيدِكَ وَحَذَرِي مِنْ إِعْذَارِكَ وَإِنْذَارِكَ وَ
رَهْبَتِي عِنْدَ تِلَاوَةِ آيَاتِكَ وَاعْمُرْ لَيْلِي بِإِيقَاظِي فِيهِ لِعِبَادَتِكَ
وَتَفَرُّدِي بِالتَّهَجُّدِ لَكَ وَتَجَرُّدِي بِسُكُونِي إِلَيْكَ وَ
إِنْزَالِ حَوَائِجِي بِكَ وَمُنَازَلَتِي إِيَّاكَ فِي فَكَاكِ رَقَبَتِي
مِنْ نَارِكَ وَإِجَارَتِي مِمَّا فِيهِ أَهْلُهَا مِنْ عَذَابِكَ وَلَا تَذَرْنِي
فِي طُغْيَانِي عَامِهاً وَلَا فِي غَمْرَتِي سَاهِياً حَتَّى حِينٍ وَلَا
تَجْعَلْنِي عِظَةً لِمَنِ اتَّعَظَ وَلَا نَكَالًا لِمَنِ اعْتَبَرَ وَلَا فِتْنَةً
لِمَنْ نَظَرَ وَلَا تَمْكُرْ بِي فِيمَنْ تَمْكُرُ بِهِ وَلَا تَسْتَبْدِلْ
بِي غَيْرِي وَلَا تُغَيِّرْ لِي اسْماً وَلَا تُبَدِّلْ لِي جِسْماً وَلَا تَتَّخِذْنِي

هُزُواً لِخَلْقِكَ وَلا سُخْرِيّاً لَكَ وَلا تَبَعاً إِلّا لِمَرْضاتِكَ وَلا مُمْتَهَناً إِلّا بِالإِنْتِقامِ لَكَ وَأَوْجِدْنِي بَرْدَ عَفْوِكَ وَحَلاوَةَ رَحْمَتِكَ وَرَوْحِكَ وَرَيْحانِكَ وَجَنَّةِ نَعِيمِكَ وَأَذِقْنِي طَعْمَ الْفَراغِ لِما تُحِبُّ بِسَعَةٍ مِنْ سَعَتِكَ وَالإِجْتِهادِ فِيما يُزْلِفُ لَدَيْكَ وَعِنْدَكَ وَأَتْحِفْنِي بِتُحْفَةٍ مِنْ تُحَفاتِكَ وَاجْعَلْ تِجارَتِي رابِحَةً وَكَرَّتِي غَيْرَ خاسِرَةٍ وَأَخِفْنِي مَقامَكَ وَشَوِّقْنِي لِقاءَكَ وَتُبْ عَلَيَّ تَوْبَةً نَصُوحاً لا تُبْقِ مَعَها ذُنُوباً صَغِيرَةً وَلا كَبِيرَةً وَلا تَذَرْ مَعَها عَلانِيَةً وَلا سَرِيرَةً وَانْزَعِ الْغِلَّ مِنْ صَدْرِي لِلْمُؤْمِنِينَ وَاعْطِفْ بِقَلْبِي عَلَى الْخاشِعِينَ وَكُنْ لِي كَما تَكُونُ لِلصّالِحِينَ وَحَلِّنِي حِلْيَةَ الْمُتَّقِينَ وَاجْعَلْ لِي لِسانَ صِدْقٍ فِي الْغابِرِينَ وَذِكْراً نامِياً فِي الآخِرِينَ وَوافِ بِي عَرْصَةَ الأَوَّلِينَ، وَتَمِّمْ سُبُوغَ نِعْمَتِكَ عَلَيَّ وَظاهِرْ كَراماتِها لَدَيَّ امْلَأْ مِنْ فَوائِدِكَ يَدَيَّ وَسُقْ كَرائِمَ مَواهِبِكَ إِلَيَّ وَ

جاورني الأطيبين من أوليائك في الجنان التي زينتها

لأصفيائك وجللني شرائف نحلك في المقامات المعدة

لأحبائك واجعل لي عندك مقيلاً آوي إليه مطمئناً

ومثابة أتبوؤها وأقر عيناً ولا تقايسني بعظيمات

الجرائر ولا تهلكني يوم تبلى السرائر وأزل عني

كل شك وشبهة واجعل لي في الحق طريقاً من

كل رحمة وأجزل لي قسم المواهب من نوالك ووفر

علي حظوظ الإحسان من إفضالك واجعل قلبي واثقاً

بما عندك وهمي مستفرغاً لما هو لك واستعملني بما

تستعمل به خالصتك وأشرب قلبي عند ذهول العقول

طاعتك واجمع لي الغنى والعفاف والدعة والمعافاة

والصحة والسعة والطمأنينة والعافية ولا تحبط

حسناتي بما يشوبها من معصيتك ولا خلواتي بما يعرض

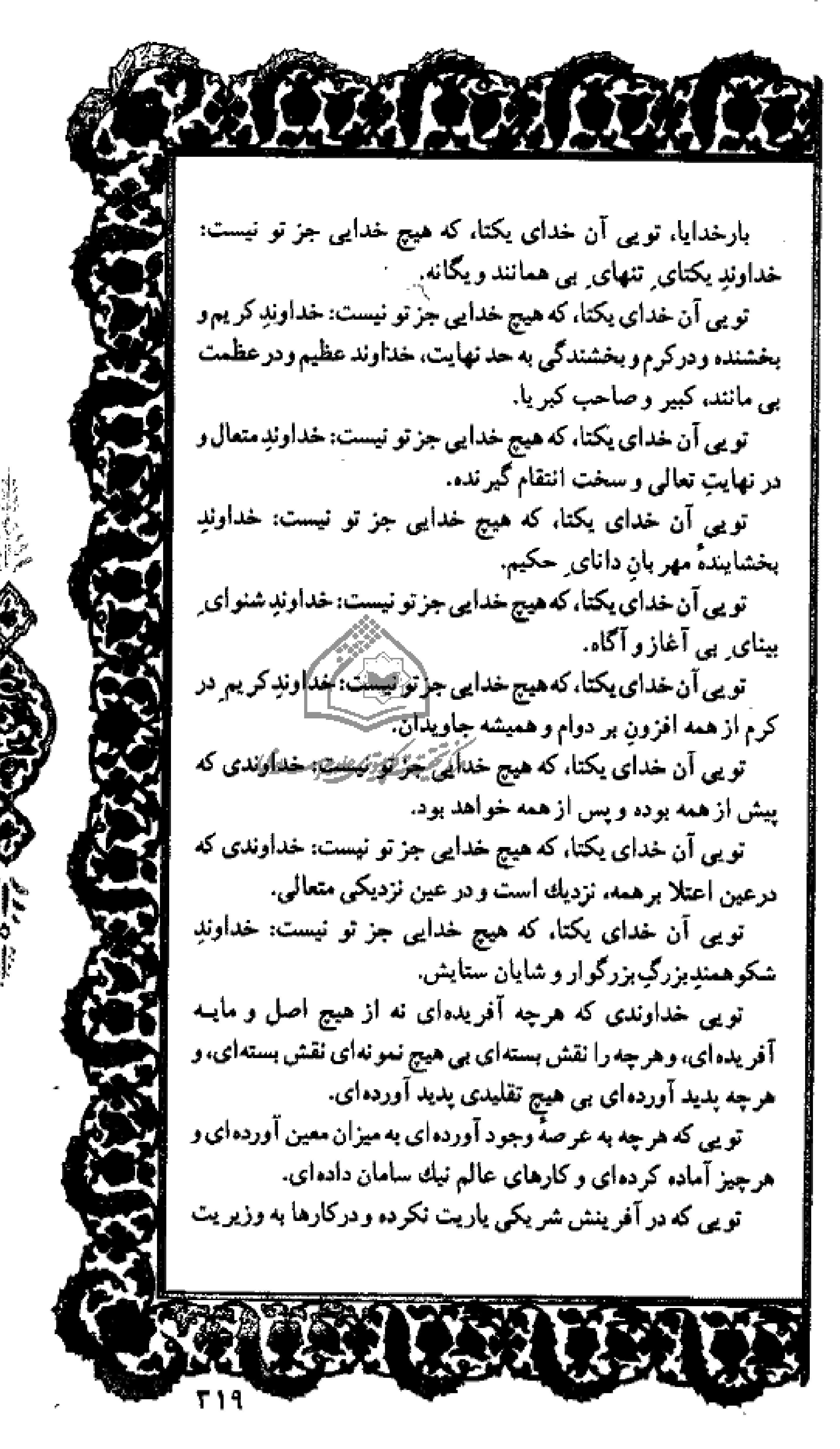
لي من نزغات فتنتك وصن وجهي عن الطلب إلى أحد

مِنَ الْعالَمِينَ وَذُبَّنِي عَنِ الْتِماسِ ما عِنْدَ الْفاسِقِينَ وَ لا تَجْعَلْنِي لِلظّالِمِينَ ظَهِيراً وَلا لَهُمْ عَلى مَحْوِ كِتابِكَ يَداً وَنَصِيراً وَحُطْنِي مِنْ حَيْثُ لا أَعْلَمُ حِياطَةً تَقِينِي بِها وَافْتَحْ لِي أَبْوابَ تَوْبَتِكَ وَرَحْمَتِكَ وَرَأْفَتِكَ وَرِزْقِكَ الْواسِعِ إِنِّي إِلَيْكَ مِنَ الرّاغِبِينَ وَأَتْمِمْ لِي إِنْعامَكَ إِنَّكَ خَيْرُ الْمُنْعِمِينَ وَاجْعَلْ باقِيَ عُمْرِي فِي الْحَجِّ وَالْعُمْرَةِ ابْتِغاءَ وَجْهِكَ يا رَبَّ الْعالَمِينَ وَصَلَّى اللهُ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطّاهِرِينَ وَالسَّلامُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ أَبَدَ الْآبِدِينَ

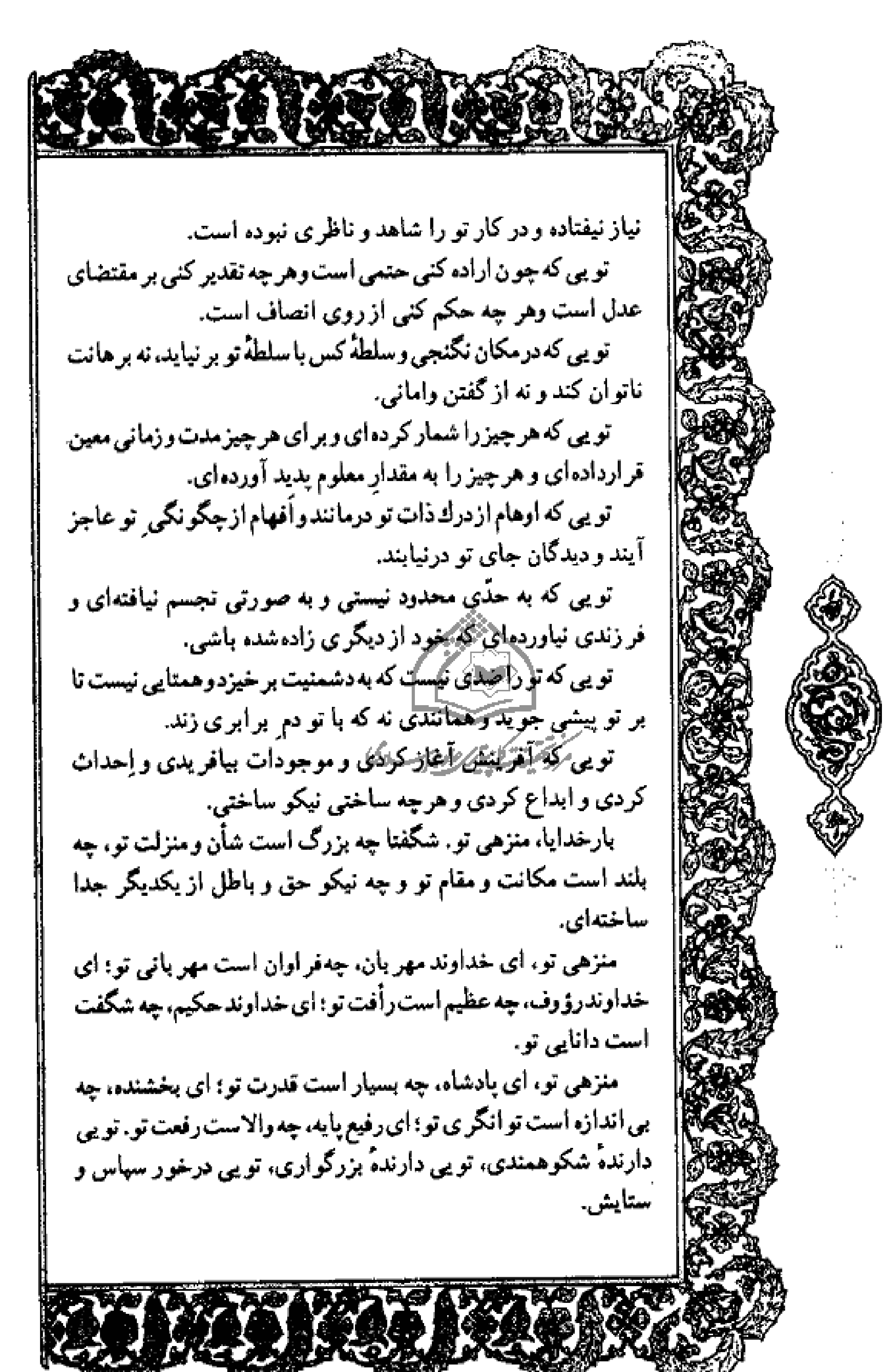
نیایش چهل و هفتم[1]

حمد خداوندی را که پروردگار جهانیان است. بارخدایا، حمد باد تو را، ای پدیدآورندهٔ آسمانها و زمین، ای صاحب جلالت و عظمت، ای مهترِ مهتران، ای معبود هر معبود، ای آفرینندهٔ هر موجود، ای خداوندی که چون همگان ازمیان بروند تو باقی هستی، خدایی که هیچ چیز همانندش نیست و هیچ چیز از حیطهٔ علم او بیرون نیست و او بر هر چیز احاطه دارد و هر چیز را نگهبان است.

۱. دعای آن حضرت است در روز عرفه.



بارخدایا، تویی آن خدای یکتا، که هیچ خدایی جز تو نیست: خداوندِ یکتای، تنهای، بی همانند و یگانه.
تویی آن خدای یکتا، که هیچ خدایی جز تو نیست: خداوندِ کریم و بخشنده و درکرم و بخشندگی به حد نهایت، خداوند عظیم و در عظمت بی مانند، کبیر و صاحب کبریا.
تویی آن خدای یکتا، که هیچ خدایی جز تو نیست: خداوندِ متعال و در نهایتِ تعالی و سخت انتقام گیرنده.
تویی آن خدای یکتا، که هیچ خدایی جز تو نیست: خداوندِ بخشایندهٔ مهربانِ دانای، حکیم.
تویی آن خدای یکتا، که هیچ خدایی جز تو نیست: خداوندِ شنوای، بینای، بی آغاز و آگاه.
تویی آن خدای یکتا، که هیچ خدایی جز تو نیست: خداوندِ کریم، در کرم از همه افزونِ بر دوام و همیشه جاویدان.
تویی آن خدای یکتا، که هیچ خدایی جز تو نیست: خداوندی که پیش از همه بوده و پس از همه خواهد بود.
تویی آن خدای یکتا، که هیچ خدایی جز تو نیست: خداوندی که درعین اعتلا برهمه، نزدیك است و در عین نزدیکی متعالی.
تویی آن خدای یکتا، که هیچ خدایی جز تو نیست: خداوندِ شکوهمندِ بزرگِ بزرگوار و شایان ستایش.
تویی خداوندی که هرچه آفریده‌ای نه از هیچ اصل و مایه آفریده‌ای، و هرچه را نقش بسته‌ای بی هیچ نمونه‌ای نقش بسته‌ای، و هرچه پدید آورده‌ای بی هیچ تقلیدی پدید آورده‌ای.
تویی که هرچه به عرصهٔ وجود آورده‌ای به میزان معین آورده‌ای و هرچیز آماده کرده‌ای و کارهای عالم نیك سامان داده‌ای.
تویی که در آفرینش شریکی یاریت نکرده و درکارها به وزیریت



نیاز نیفتاده و در کار تو را شاهد و ناظری نبوده است.

تویی که چون اراده کنی حتمی است و هر چه تقدیر کنی بر مقتضای عدل است و هر چه حکم کنی از روی انصاف است.

تویی که در مکان نگنجی و سلطهٔ کس با سلطهٔ تو بر نیاید، نه برهانت ناتوان کند و نه از گفتن وامانی.

تویی که هرچیز را شمار کرده‌ای و برای هر چیز مدت و زمانی معین قرارداده‌ای و هر چیز را به مقدارِ معلوم پدید آورده‌ای.

تویی که اوهام از درک ذات تو درمانند و اَفهام از چگونگیِ تو عاجز آیند و دیدگان جای تو درنیابند.

تویی که به حدّی محدود نیستی و به صورتی تجسم نیافته‌ای و فرزندی نیاورده‌ای که خود از دیگری زاده شده باشی.

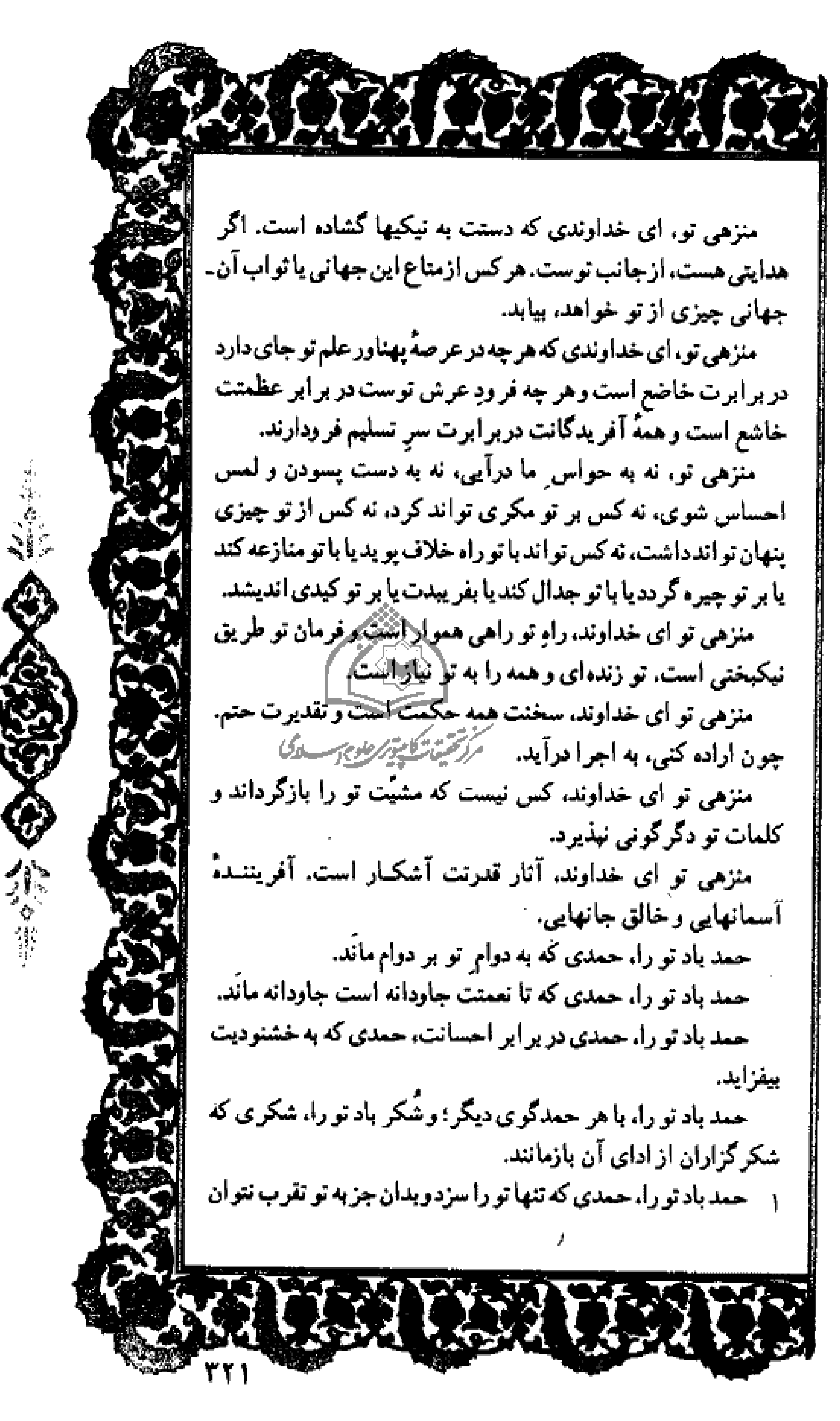
تویی که تو را ضدی نیست که به دشمنیت برخیزد و همتایی نیست تا بر تو پیشی جوید و همانندی نه که با تو دمِ برابری زند.

تویی که آفرینش آغاز کردی و موجودات بیافریدی و اِحداث کردی و ابداع کردی و هرچه ساختی نیکو ساختی.

بارخدایا، منزهی تو. شگفتا چه بزرگ است شأن و منزلت تو، چه بلند است مکانت و مقام تو و چه نیکو حق و باطل از یکدیگر جدا ساخته‌ای.

منزهی تو، ای خداوند مهربان، چه فراوان است مهربانی تو؛ ای خداوند رؤوف، چه عظیم است رأفت تو؛ ای خداوند حکیم، چه شگفت است دانایی تو.

منزهی تو، ای پادشاه، چه بسیار است قدرت تو؛ ای بخشنده، چه بی‌اندازه است توانگری تو؛ ای رفیع پایه، چه والاست رفعت تو. تویی دارندهٔ شکوهمندی، تویی دارندهٔ بزرگواری، تویی درخور سپاس و ستایش.



منزهی تو، ای خداوندی که دستت به نیکیها گشاده است. اگر هدایتی هست، از جانب توست. هرکس از متاع این جهانی یا ثواب آن‌جهانی چیزی از تو خواهد، بیابد.

منزهی تو، ای خداوندی که هرچه در عرصهٔ پهناور علم تو جای دارد در برابرت خاضع است و هرچه فرودِ عرش توست در برابر عظمتت خاشع است و همهٔ آفریدگانت دربرابرت سرِ تسلیم فرودارند.

منزهی تو، نه به حواسِ ما درآیی، نه به دست پسودن و لمس احساس شوی، نه کس بر تو مکری تواند کرد، نه کس از تو چیزی پنهان تواند داشت، نه کس تواند با تو راه خلاف پوید یا با تو منازعه کند یا بر تو چیره گردد یا با تو جدال کند یا بفریبدت یا بر تو کیدی اندیشد.

منزهی تو ای خداوند، راهِ تو راهی هموار است و فرمان تو طریق نیکبختی است. تو زنده‌ای و همه را به تو نیاز است.

منزهی تو ای خداوند، سخنت همه حکمت است و تقدیرت حتم. چون اراده کنی، به اجرا درآید.

منزهی تو ای خداوند، کس نیست که مشیّت تو را بازگرداند و کلمات تو دگرگونی نپذیرد.

منزهی تو ای خداوند، آثار قدرتت آشکار است. آفرینندهٔ آسمانهایی و خالق جانهایی.

حمد باد تو را، حمدی که به دوامِ تو بر دوام مانَد.

حمد باد تو را، حمدی که تا نعمتت جاودانه است جاودانه مانَد.

حمد باد تو را، حمدی در برابر احسانت، حمدی که به خشنودیت بیفزاید.

حمد باد تو را، با هر حمدگوی دیگر؛ و شُکر باد تو را، شکری که شکرگزاران از ادای آن بازمانند.

حمد باد تو را، حمدی که تنها تو را سزد و بدان جز به تو تقرب نتوان

جست.

حمدی که دوام نعمت پیشین را سبب شود و نعمتهای تازه را دوام بخشد.

حمدی که با گذشت روزگاران مضاعف گردد و همواره وپی درپی روی درفزونی نهد.

حمدی که فرشتگان حسابگر از شمارِ آن درمانند وبرآنچه فرشتگان کاتب در لوح محفوظ ثبت کرده‌اند فزونی گیرد.

حمدی که همتر از عرش مجید تو بُوَد و با کرسی رفیع تو همسنگ باشد.

حمدی که ثوابش در نزد تو به کمال باشد وجزای آن، هر جزای دیگر را مستغرق خود سازد.

حمدی که آشکارش عینِ نهانش بوَد ونهانش با صدق نیّت همراه.

حمدی که هیچ مخلوقی همانند آن تو را نستوده باشد وکس جز تو ارج آن نشناسید.

حمدی که جهدِ شمارگرانش را نیاز به یاری افتد وهرکس آهنگ آن کند که حق ادای آن به جای آرد، به تأیید تواش حاجت باشد.

حمدی که هر حمد دیگر را که آفریده‌ای در خود گردآوردو هر حمدی را که زین پس بیافرینی دررشتهٔ انتظام کشد.

حمدی که هیچ حمدی به سخن تو نزدیک تر از او نباشد وازسرایندهٔ آن، حمد گوینده‌تری نبوَد.

حمدی که به پاس کَرَم تو بر نعمتها بیفزاید وتو به پاس احسانت پی درپی برآن بیفزایی.

حمدی که شایان عظمت ذات تو باشد و با عزت وجلال تو برابر شود.

ای پروردگارمن، تحیّت ودرود بفرست بر محمد وخاندان محمد،



آن پیامبرِ برگزیدهٔ پسندیدهٔ گرامیِ مقرّبِ درگاهت، برترین تحیات و درودهای خود را، و او را برکت ده سرشارترین برکاتِ خود، و رحمت خود بر او فرست ممتع ترین رحمتهایت را.

ای پروردگار من، تحیّت و درود بفرست بر محمد و خاندان او، تحیت و درودی پاک که هیچ تحیت و درودی پاک تر از آن نباشد، تحیت و درودی فزاینده که هیچ تحیت و درودی فزاینده تر از آن نبوَد، تحیّت و درودی خشنودکننده که برتر از آن تحیت و درودی صورت نبندد.

ای پروردگار من، تحیت و درود بفرست بر محمد و خاندان او، تحیت و درودی که خشنودش گرداند و بر خشنودیش بیفزاید، تحیت و درودی که تو را خشنود گرداند و خشنودیت از او فزونی گیرد، تحیّت و درودی آن چنان که جز آن را بر او نپسندی و جز او را شایانِ آن ندانی.

ای پروردگار من، تحیّت و درود بفرست بر محمد و خاندانِ او، تحیت و درودی که از غایت رضای تو فراتر رود و به بقای تو باقی ماند و آن سان که کلماتِ تو را پایانی نیست پایان نپذیرد.

ای پروردگار من، تحیت و درود بفرست بر محمد و خاندان او، تحیتی که تحیات ملائکهٔ تو را و پیامبران تو و رسولان تو را و اهل طاعت تو را در یک رشته گرد آورد و درودهای بندگان تو را از جن و انس و آنان که دعوت تو را اجابت کرده‌اند، در بر گیرد و تحیت و درود همهٔ اصناف آفریدگانت را در خود گردآورَد.

ای پروردگار من، تحیت و درود بفرست بر او و خاندانش، تحیت و درودی که بر هر درود و تحیتی که زین پیش بوده یا ازین پس خواهد بود احاطه یابد. و بر او و خاندانش تحیت و درود بفرست، تحیت و درودی که در نزد تو و در نزد غیر تو پسندیده آید و با آن، تحیّات و درودهایی بیافرینی که آنچه پیش ازاین درود و تحیت فرستاده ایم مضاعف گردد و با گذشتِ روزگاران بر آن بیفزایی و بیفزایی تا آنجا که کس جز تو آنها را

احصا نتواند کرد.

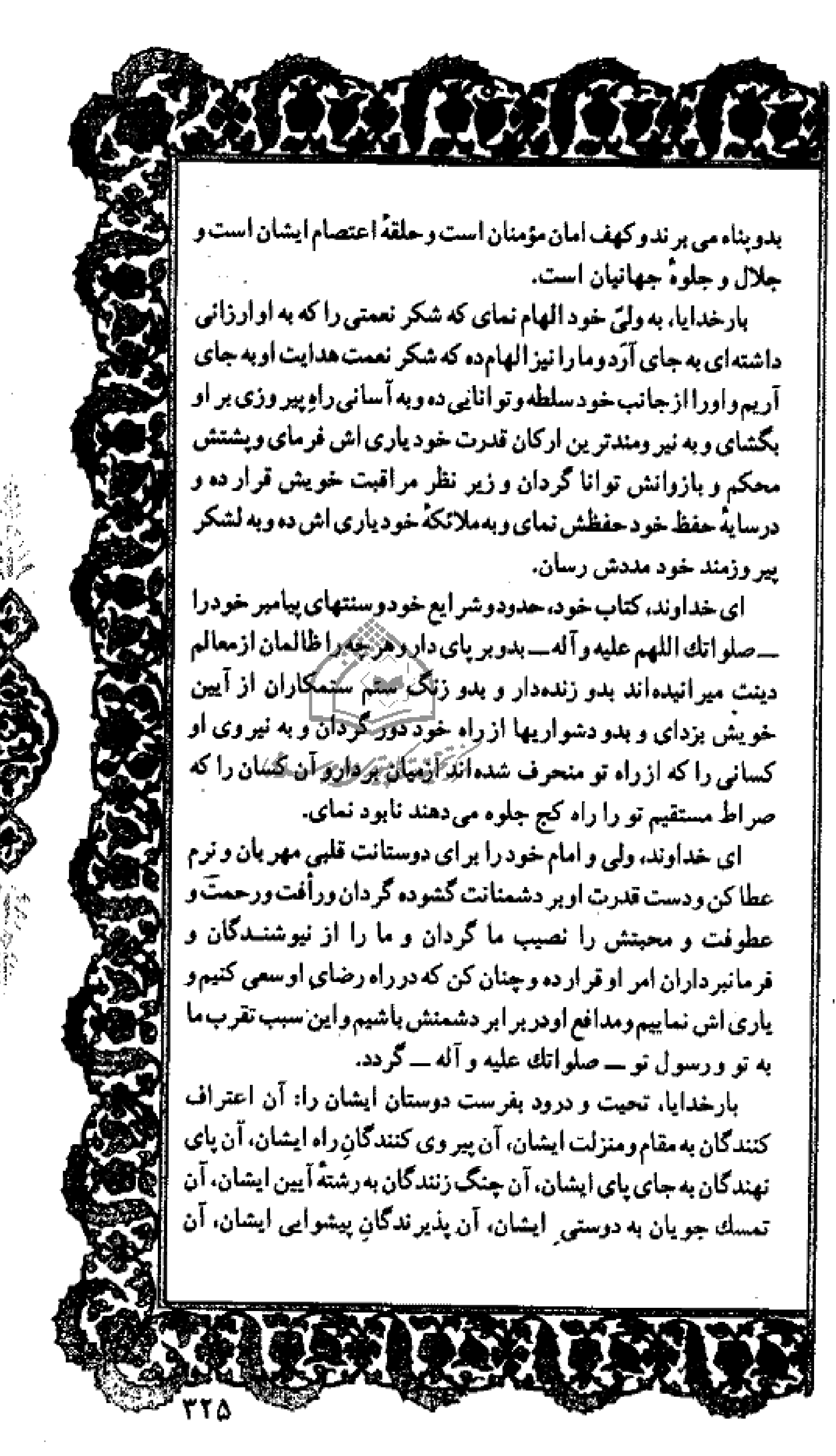
- ای پروردگار من، بر اهل بیتِ طیّبین او که آنان را برای قیام به امر خود برگزیده‌ای و خازنانِ علم خود و حافظان دین خود و خلفای خود بر روی زمین و حجتهای خود بر بندگان قرار داده‌ای و آنان را به خواست خود از هر ناپاك پاك گردانیده‌ای و طریق رسیدن به مقام قرب خود و وصول به بهشت ساخته‌ای، تحیّت و درود بفرست.

ای پروردگار من، بر محمد و خاندان او تحیّت و درود بفرست، تحیت و درودی که بدان بخشش و انعامت را در حق آنان فراوان گردانی و هر گونه عطایای خود به ایشان به کمال رسانی و عواید و فواید فراوان نصیبشان سازی.

ای پروردگار من، بر محمد و خاندان او تحیت و درودی بفرست که نه آغازش را حدّی باشد، نه مدتش را پایانی و نهایتی.

ای پروردگار من، تحیت و درود بفرست بر ایشان، تحیت و درودی همسنگ عرش عظیم خود و هرچه در فرودِ عرش جای دارد، لبالبِ آسمانها و هرچه فراتر از آنهاست و به شمارِ زمینها و هرچه در زیرِ آنهاست و هرچه بین آنهاست. تحیت و درودی که تقرب تو را در پی داشته باشد و تو را و ایشان را خشنود گرداند. همواره و همانند اینها تا ابد.

بارخدایا، در هر زمان دینِ خویش به امامی یاری بخشیده‌ای که او را برپای داشته‌ای تا عَلَمِ راهنمای بندگانت شود و در بلاد تو چراغ فروزانِ هدایت گردد و رشتهٔ پیمان او به رشتهٔ پیمان خود پیوسته‌ای و او را وسیلهٔ خشنودی خود ساخته‌ای و اطاعت او فریضه گردانیده‌ای و مردم را از سرکشی در برابر او برحذر داشته‌ای و فرمان داده‌ای که به هرچه امر می کند اطاعت کنند و از هرچه نهی می کند بازایستند و کس بر او پیشی نگیرد و کس از او واپس نماند و او نگهدارِ کسانی است که



بدو پناه می برند و کهف امان مؤمنان است و حلقهٔ اعتصام ایشان است و جلال و جلوهٔ جهانیان است.

بارخدایا، به ولیّ خود الهام نمای که شکر نعمتی را که به او ارزانی داشته ای به جای آرَد و ما را نیز الهام ده که شکر نعمت هدایت او به جای آریم و او را از جانب خود سلطه و توانایی ده و به آسانی راهِ پیروزی بر او بگشای و به نیرومندترین ارکان قدرت خود یاری اش فرمای و پشتش محکم و بازوانش توانا گردان و زیر نظر مراقبت خویش قرار ده و در سایهٔ حفظ خود حفظش نمای و به ملائکهٔ خود یاری اش ده و به لشکر پیروزمند خود مددش رسان.

ای خداوند، کتاب خود، حدود و شرایع خود و سنتهای پیامبر خود را ــ صلواتك اللهم علیه و آله ــ بدو برپای دار و هرچه را ظالمان از معالم دینت میرانیده اند بدو زنده دار و بدو زنگ ستم ستمکاران از آیین خویش بزدای و بدو دشواریها از راه خود دور گردان و به نیروی او کسانی را که از راه تو منحرف شده اند از میان بردار و آن کسان را که صراط مستقیم تو را راه کج جلوه می دهند نابود نمای.

ای خداوند، ولی و امام خود را برای دوستانت قلبی مهربان و نرم عطا کن و دست قدرت او بر دشمنانت گشوده گردان و رأفت و رحمت و عطوفت و محبتش را نصیب ما گردان و ما را از نیوشندگان و فرمانبرداران امر او قرار ده و چنان کن که در راه رضای او سعی کنیم و یاری اش نماییم و مدافع او در برابر دشمنش باشیم و این سبب تقرب ما به تو و رسول تو ــ صلواتك علیه و آله ــ گردد.

بارخدایا، تحیت و درود بفرست دوستان ایشان را: آن اعتراف کنندگان به مقام و منزلت ایشان، آن پیروی کنندگانِ راه ایشان، آن پای نهندگان به جای پای ایشان، آن چنگ زنندگان به رشتهٔ آیین ایشان، آن تمسک جویان به دوستیِ ایشان، آن پذیرندگانِ پیشوایی ایشان، آن

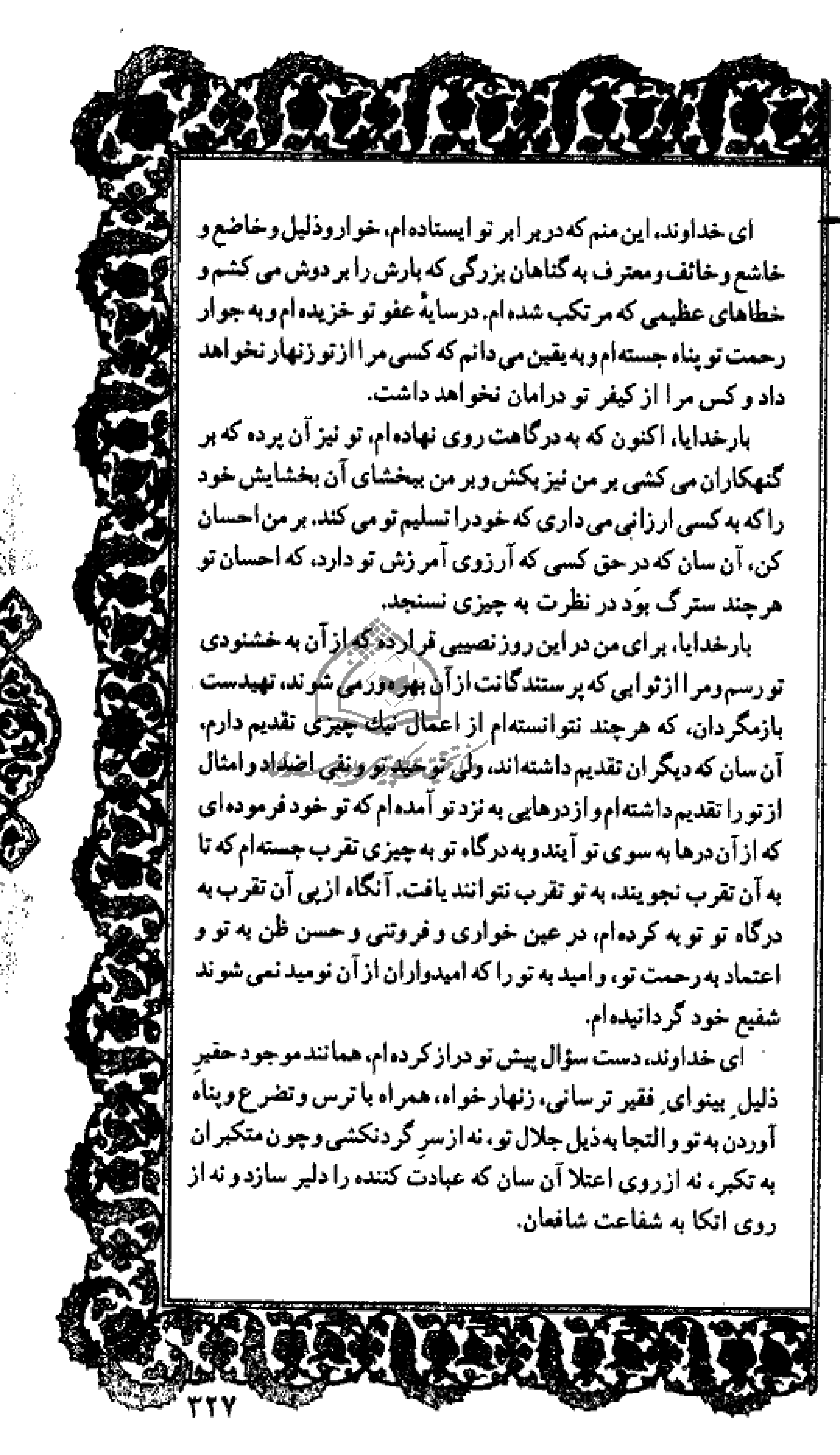
تسلیم شوندگان به فرمان ایشان، آن کوشندگان در طاعت ایشان، آن منتظرانِ دولت ایشان و آن چشم به راهانِ ظهور ایشان. تحیت و درودی مبارک، پاکیزه، فزاینده، در هر بامداد و هر شبانگاه.

ای خداوند، بر ایشان سلام کن و بر ارواحشان. اعمالشان با تقوی توأم نمای و احوالشان به صلاح آور و توبه‌شان بپذیر، که تو، تو به‌پذیرنده و مهربانی. تو بهترینِ آمرزندگانی. ما را به رحمت خود با آنان در دارالسلام بهشت جای ده، ای مهربان‌ترین مهربانان.

بارخدایا، امروز روزِ عرفه است. روزی است که آن را شریف و گرامی داشته‌ای و تعظیم و تجلیل کرده‌ای. در این روز رحمت خود پراکنده‌ای و بر مردمان به عفو خود منت نهاده‌ای و عطای خود در حق ایشان افزوده‌ای و بر بندگانت تفضل فرموده‌ای.



ای خداوند، من آن بندهٔ توأم که هم پیش از آفریدن او، او را از نعمت خود برخوردار ساختی و هم پس از آن. او را در زمرهٔ کسانی آورده‌ای که آنان را به دین خود راه نموده‌ای و به گزاردن حق خویش توفیق داده‌ای و اکنون چنگ در ریسمان استوار دوستی تو زده و تواش در حزب خود داخل کرده‌ای و راهش نموده‌ای که با دوستانت دوستی ورزد و با دشمنانت دشمنی کند. سپس فرمانش دادی و او فرمان نَبُرد، منعش کردی و به منع تو وقعی ننهاد، از معصیتِ خود نهیش کردی فرمانِ تو خلاف کرد و مرتکب همان اعمالی شد که از آن نهیش کرده بودی، اما نه از روی عِناد و گردنکشی، بلکه هوای نفسش او را به اعمالی فراخواند که تو از آن دورش خواسته بودی و از آنش ترسانده بودی. دشمن تو و دشمن او ــ شیطان ــ بفریفتش تا در عین آگاهی از عذاب تو، مرتکب معاصی شد. اکنون به عفو تو امید بسته و به بخشایش تو مطمئن گشته است. با آن همه احسان که تو در حق او کرده بودی از دیگر بندگانت سزاوارتر بود که چنان نکند که کرده بود.



ای خداوند، این منم که دربرابر تو ایستاده‌ام، خوار و ذلیل و خاضع و خاشع و خائف و معترف به گناهان بزرگی که بارش را بر دوش می کشم و خطاهای عظیمی که مرتکب شده‌ام. درسایهٔ عفو تو خزیده‌ام و به جوار رحمت تو پناه جسته‌ام و به یقین می دانم که کسی مرا از تو زنهار نخواهد داد و کس مرا از کیفر تو درامان نخواهد داشت.

بارخدایا، اکنون که به درگاهت روی نهاده‌ام، تو نیز آن پرده که بر گنهکاران می کشی بر من نیز بکش و بر من ببخشای آن بخشایش خود را که به کسی ارزانی می داری که خودرا تسلیم تو می کند. بر من احسان کن، آن سان که درحق کسی که آرزوی آمرزش تو دارد، که احسان تو هرچند سترگ بوَد در نظرت به چیزی نسنجد.

بارخدایا، برای من در این روز نصیبی قرارده که از آن به خشنودی تو رسم و مرا از ثوابی که پرستندگانت از آن بهره‌ور می شوند، تهیدست بازمگردان، که هرچند نتوانسته‌ام از اعمال نیک چیزی تقدیم دارم، آن سان که دیگران تقدیم داشته‌اند، ولی توحید تو و نفی اضداد و امثال از تو را تقدیم داشته‌ام و از درهایی به نزد تو آمده‌ام که تو خود فرموده‌ای که از آن درها به سوی تو آیند و به درگاه تو به چیزی تقرب جسته‌ام که تا به آن تقرب نجویند، به تو تقرب نتوانند یافت. آنگاه ازپی آن تقرب به درگاه تو توبه کرده‌ام، در عین خواری و فروتنی و حسن ظن به تو و اعتماد به رحمت تو، و امید به تو را که امیدواران از آن نومید نمی شوند شفیع خود گردانیده‌ام.

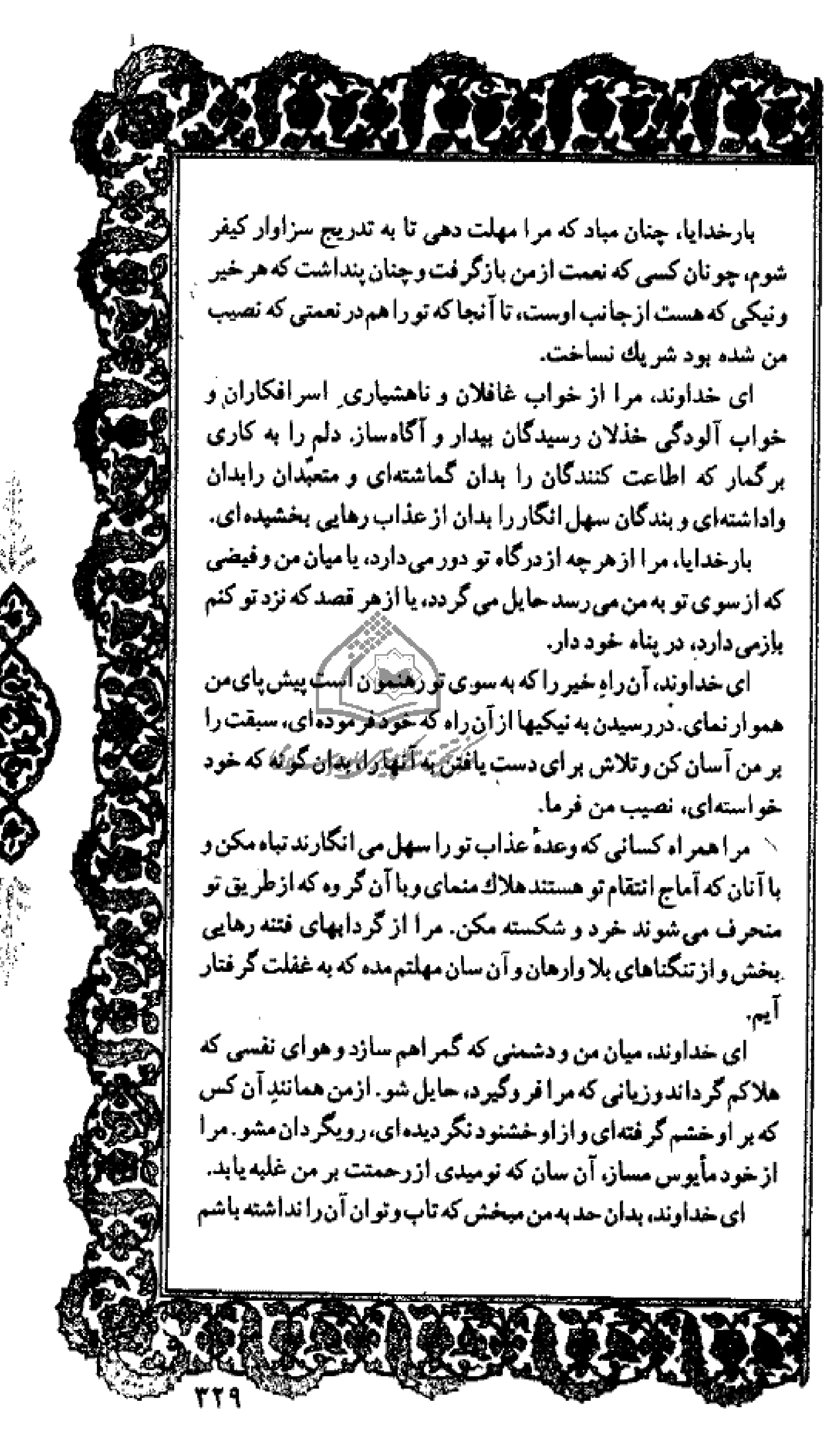
ای خداوند، دست سؤال پیش تو دراز کرده‌ام، همانند موجود حقیرِ ذلیلِ بینوایِ فقیر ترسانی، زنهارخواه، همراه با ترس و تضرع و پناه آوردن به تو و التجا به ذیل جلال تو، نه ازسرِ گردنکشی و چون متکبران به تکبر، نه از روی اعتلا آن سان که عبادت کننده را دلیر سازد و نه از روی اتکا به شفاعت شافعان.

ای خداوند، من کمترینِ کمترانم و خوارترینِ خوارترانم، همانند ذرّه‌ای یا حتی کمتر از آن. و اینك ای خداوندی که در کیفر بدکاران شتاب نمی‌کنی و فرورفتگان در ناز و نعمت را مهلت می‌دهی و گنهکاران را به اِنعام خود عفو می‌کنی و به فضل خویش از خطاکاران مهلت بازنمی‌گیری، من بدکاری هستم معترف و خطاکاری هستم لغزیده و به سردرآمده. دلیرانه در برابر تو مرتکب گناه شده و به عمد معصیت تو کرده‌ام. من همانم که اعمال ناپسند خود را از بندگانِ تو مستور داشته و در نزد تو آشکار ساخته‌ام. من همانم که از بندگانت ترسان بوده ولی خود را از تو در امان دیده‌ام. من همانم که از سطوت تو بیمناك نشده‌ام و از خشم تو ترسی به دل راه نداده‌ام. من بر خود جنایت کرده‌ام، من گروگان بلای خویشتنم، من از شرم و حیا بهره‌ای چندان نبرده‌ام و من گرفتارِ رنجی دیرینه‌ام.

بارخدایا، تو را سوگند می‌دهم به آن که از میانِ خلق او را برگزیده‌ای، به آن که او را برای خود پسندیده‌ای، به آن که از میان آفریدگانت او را اختیار کرده‌ای، به آن که او را برای خود برگزیده‌ای، به آن که طاعت او را به طاعت خود پیوسته‌ای و معصیت او را معصیت خود دانسته‌ای و دوستی‌اش به دوستی خود قرین ساخته‌ای ودشمنی اش را دشمنی خود شمرده‌ای، در این روز مرا چونان کسانی که از گناه بیزاری جسته‌اند و به تو پناه آورده‌اند و توبه کرده و به آمرزشِ تو پیوسته‌اند خلعت عفو و رحمت خود بپوشان.

بارخدایا، از هرچه پرستندگان و مقربان خود را نصیب می‌دهی، مرا نیز نصیب ده. مرا خاصِ خود گردان، بدان گونه که وفاکنندگان به عهد خود را و آنان را که در عبادت تو خویشتن به رنج افکنده و در خشنودی تو کوشیده‌اند، خاصِ خود می‌گردانی. مرا به سبب قصور در بندگی‌ات یا تجاوز از حد خویش و احکام تو، مؤاخذت مفرمای.





بارخدایا، چنان مباد که مرا مهلت دهی تا به تدریج سزاوار کیفر شوم، چونان کسی که نعمت از من بازگرفت وچنان پنداشت که هر خیر ونیکی که هست از جانب اوست، تا آنجا که تو را هم در نعمتی که نصیب من شده بود شریك نساخت.

ای خداوند، مرا از خواب غافلان و ناهشیاری اسرافکاران و خواب آلودگی خذلان رسیدگان بیدار و آگاه‌ساز. دلم را به کاری برگمار که اطاعت کنندگان را بدان گماشته‌ای و متعبّدان رابدان واداشته‌ای و بندگان سهل انگار را بدان از عذاب رهایی بخشیده‌ای.

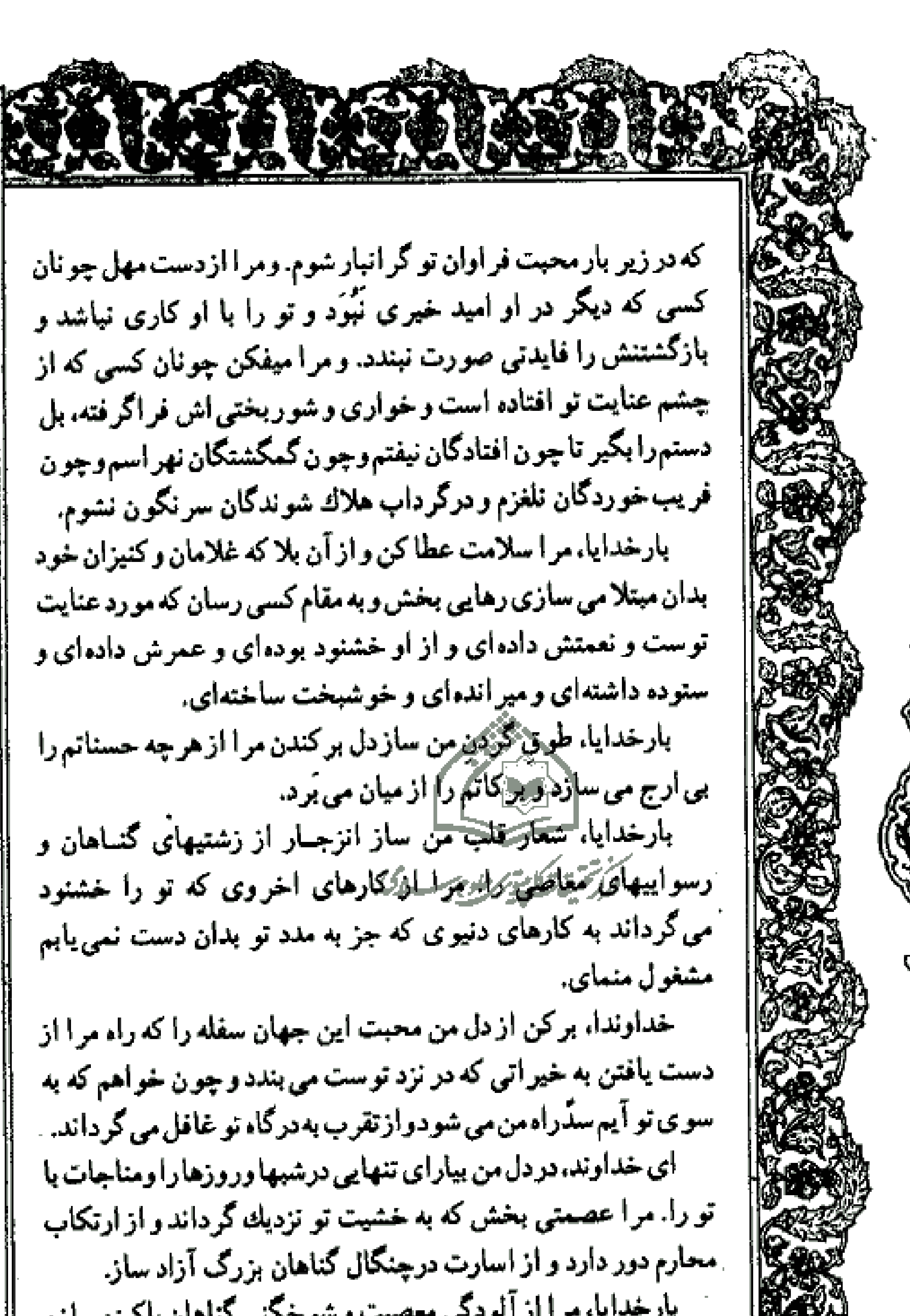
بارخدایا، مرا از هرچه ازدرگاه تو دور می‌دارد، یا میان من وفیضی که ازسوی تو به من می‌رسد حایل می‌گردد، یا ازهر قصد که نزد تو کنم بازمی‌دارد، در پناه خود دار.

ای خداوند، آن راهِ خیر را که به سوی تو رهنمون است پیش پای من هموار نمای. دررسیدن به نیکیها از آن راه که خود فرموده‌ای، سبقت را بر من آسان کن وتلاش برای دست یافتن به آنها را بدان گونه که خود خواسته‌ای، نصیب من فرما.

مرا همراه کسانی که وعدهٔ عذاب تو را سهل می‌انگارند تباه مکن و با آنان که آماج انتقام تو هستند هلاك منمای وبا آن گروه که ازطریق تو منحرف می‌شوند خرد و شکسته مکن. مرا از گردابهای فتنه رهایی بخش و ازتنگناهای بلا وارهان وآن سان مهلتم مده که به غفلت گرفتار آیم.

ای خداوند، میان من ودشمنی که گمراهم سازد وهوای نفسی که هلاکم گرداندوزیانی که مرا فروگیرد، حایل شو. ازمن همانندِ آن کس که بر او خشم گرفته‌ای وازاوخشنودنگردیده‌ای، رویگردان مشو. مرا ازخود مأیوس مساز، آن سان که نومیدی ازرحمتت بر من غلبه یابد.

ای خداوند، بدان حد به من مبخش که تاب وتوان آن را نداشته باشم



که در زیر بار محبت فراوان تو گرانبار شوم. و مرا از دست مهل چونان کسی که دیگر در او امید خیری نبُوَد و تو را با او کاری نباشد و بازگشتنش را فایدتی صورت نبندد. و مرا میفکن چونان کسی که از چشم عنایت تو افتاده است و خواری و شوربختی‌اش فراگرفته، بل دستم را بگیر تا چون افتادگان نیفتم و چون گمگشتگان نهراسم و چون فریب خوردگان نلغزم و درگرداب هلاك شوندگان سرنگون نشوم.

بارخدایا، مرا سلامت عطا کن و از آن بلا که غلامان و کنیزان خود بدان مبتلا می سازی رهایی بخش و به مقام کسی رسان که مورد عنایت توست و نعمتش داده‌ای و از او خشنود بوده‌ای و عمرش داده‌ای و ستوده داشته‌ای و میرانده‌ای و خوشبخت ساخته‌ای.

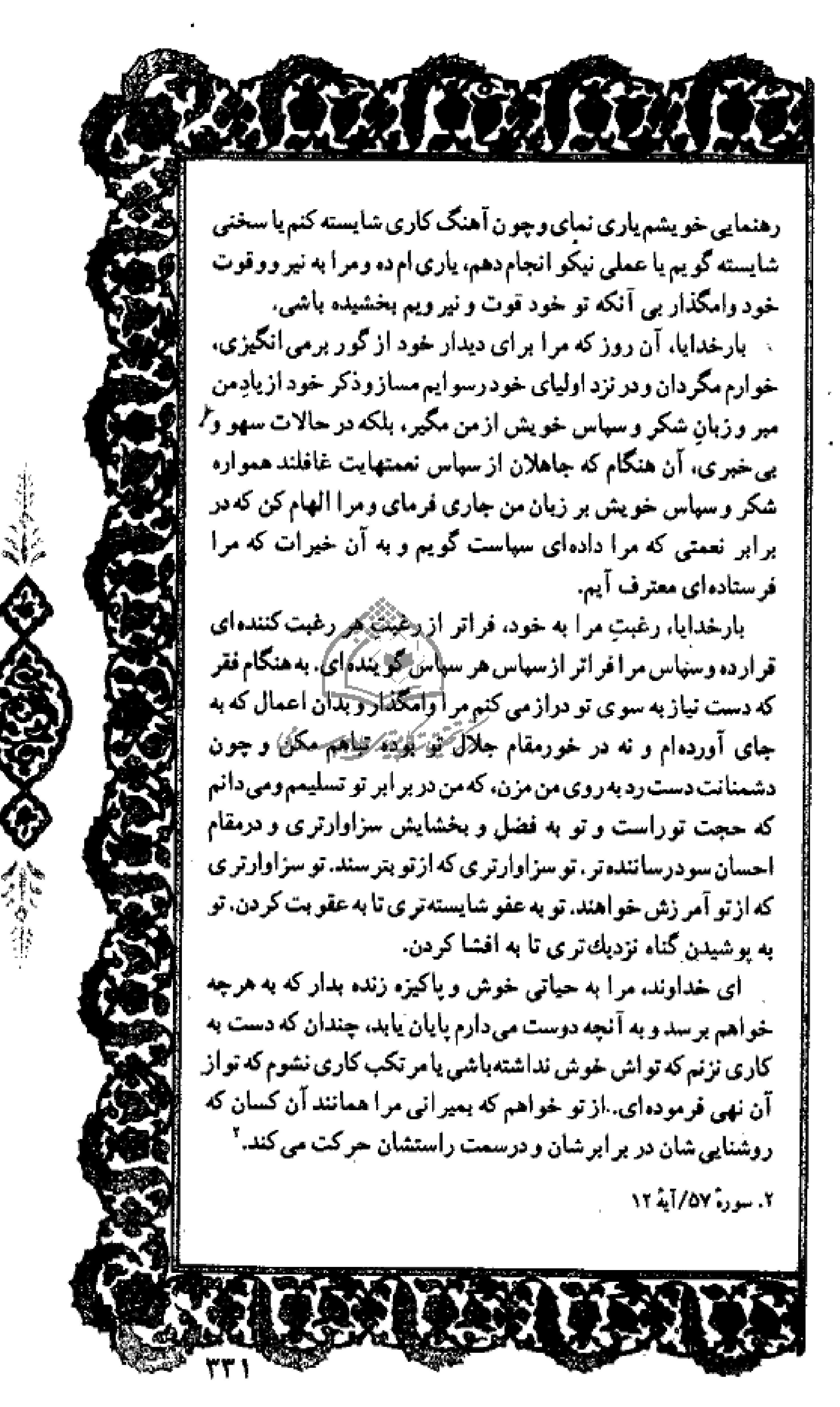
بارخدایا، طوق گردن من سازدل برکندن مرا از هرچه حسناتم را بی ارج می سازد و برکاتم را از میان می بَرد.

بارخدایا، شعار قلب من ساز انزجار از زشتیهای گناهان و رسواییهای معاصی را. مرا از کارهای اخروی که تو را خشنود می گرداند به کارهای دنیوی که جز به مدد تو بدان دست نمی‌یابم مشغول منمای.

خداوندا، برکن از دل من محبت این جهان سفله را که راه مرا از دست یافتن به خیراتی که در نزد توست می بندد و چون خواهم که به سوی تو آیم سدّ راه من می شود و از تقرب به درگاه تو غافل می گرداند.

ای خداوند، در دل من بیارای تنهایی در شبها و روزها را و مناجات با تو را. مرا عصمتی بخش که به خشیت تو نزدیك گرداند و از ارتکاب محارم دور دارد و از اسارت درچنگال گناهان بزرگ آزاد ساز.

بارخدایا، مرا از آلودگی معصیت و شوخگنی گناهان پاکیزه سازو جامۀ عافیت و تندرستی بر من افکن و در حلّه‌ای از نِعَم گستردۀ خود بپوشان و احسان و بخشش خود پی در پی نصیب من گردان و به توفیق و



رهنمایی خویشم یاری نمای و چون آهنگ کاری شایسته کنم یا سخنی شایسته گویم یا عملی نیکو انجام دهم، یاری ام ده و مرا به نیرو و قوت خود وامگذار بی آنکه تو خود قوت و نیرویم بخشیده باشی.

بارخدایا، آن روز که مرا برای دیدار خود از گور برمی انگیزی، خوارم مگردان و در نزد اولیای خود رسوایم مساز و ذکر خود از یادِ من مبر و زبانِ شکر و سپاس خویش از من مگیر، بلکه در حالات سهو و بی خبری، آن هنگام که جاهلان از سپاس نعمتهایت غافلند همواره شکر و سپاس خویش بر زبان من جاری فرمای و مرا الهام کن که در برابر نعمتی که مرا داده‌ای سپاست گویم و به آن خیرات که مرا فرستاده‌ای معترف آیم.

بارخدایا، رغبتِ مرا به خود، فراتر از رغبتِ هر رغبت کننده‌ای قرار ده و سپاس مرا فراتر از سپاس هر سپاس گوینده‌ای. به هنگام فقر که دست نیاز به سوی تو درازمی کنم مرا وامگذار و بدان اعمال که به جای آورده‌ام و نه در خورمقام جلال تو بوده تباهم مکن و چون دشمنانت دست رد به روی من مزن، که من در برابر تو تسلیمم و می‌دانم که حجت توراست و تو به فضل و بخشایش سزاوارتری و درمقام احسان سودرساننده‌تر. تو سزاوارتری که ازتو بترسند. تو سزاوارتری که ازتو آمرزش خواهند. تو به عفو شایسته‌تری تا به عقوبت کردن. تو به پوشیدن گناه نزدیک‌تری تا به افشا کردن.

ای خداوند، مرا به حیاتی خوش و پاکیزه زنده بدار که به هرچه خواهم برسد و به آنچه دوست می‌دارم پایان یابد، چندان که دست به کاری نزنم که تواش خوش نداشته باشی یا مرتکب کاری نشوم که تواز آن نهی فرموده‌ای. ازتو خواهم که بمیرانی مرا همانند آن کسان که روشنایی شان در برابرشان و درسمت راستشان حرکت می کند.[۲]

۲. سورهٔ ۵۷/آیهٔ ۱۲

بارخدایا، مرا در برابر خود ذلیل گردان و در نزد بندگانت عزیزدار. چون با تو خلوت کنم، فروتنیم بخش و درمیان بندگان خود سرفرازدار وازهرکس که به منش نیازی نیست بی نیاز گردان وهرچه بیشترم فقیر و نیازمندِ درگاه خود ساز.

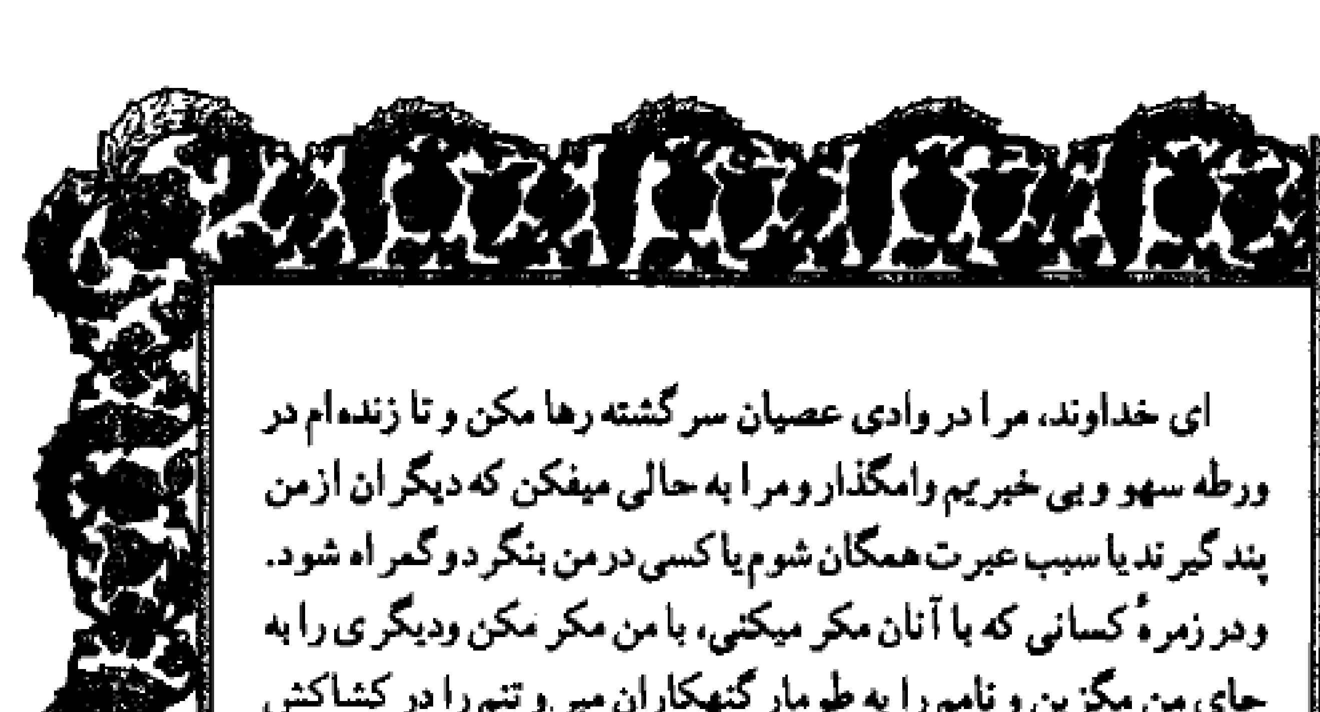
ای خداوند، مرا از شماتت دشمنان و نزول بلا و ذلت و رنج درپناه خود دار. از عیبها و خطاهای من که خود از آن آگاهی اغماض کن، همانند کسی که اگر حلمش مانع نمی آمد انتقام می گرفت واگر طریق مدارا نمی پیمود گناه را کیفر می‌داد.

بارخدایا، هرگاه در این جهان خواهی که بر قومی فتنه‌ای یا ناسزایی وارد آوری، مرا که به تو پناه جسته‌ام از آن میان رهایی ده و همچنان که در این جهانم درجایگاه رسوایان برپای نداشته‌ای در آن جهان نیز در جایگاه رسوایانم برپای مدار و درحق من نعمتهای این جهانی با نعمتهای آن جهانی و فواید دیرینه با فواید تازه توأم گردان و عمرِ مرا آن قدر دراز مکن که به قساوت قلبم انجامد و بر سرِ من حادثه‌ای دردناک وسخت مفرست که شکوه و آب ورنگ من ازمیان ببرد ومرا به مقامی فرومایه که قدر و منزلت من حقیر گردانند یا به نقیصه‌ای که بدان مقام و مرتبت خویش از کف بدهم گرفتار منمای.

ای خداوند، مرا چنان مترسان که ترسم به نومیدی کشد وچنان مرا بیم مده که وحشت بر سراسر قلبم چیره شود. چنان کن که ترسم تنها از عذاب تو باشد و وحشتم از اِنذار و هشدار تو و دهشتم به هنگام تلاوت آیاتِ کتاب تو.

بارخدایا، شبم را آباد دار: به بیدارماندنم برای عبادت تو وشب‌زنده‌داریم در تنهایی برای تو و بریدن ازهمگان و آرامش یافتن تنها به تو و آوردن حوایج به درگاه تو و اصرار در طلب برای رهاییم از آتش جهنم و زنهاردادنم از عذابی که گنهکاران درآن گرفتارند.



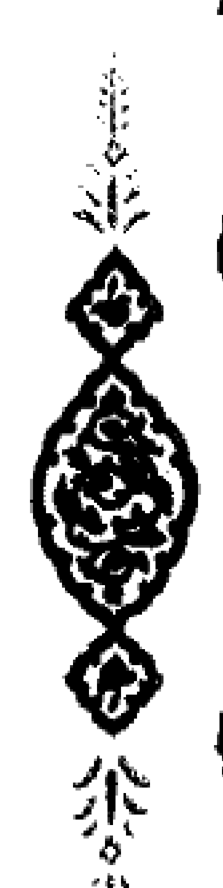


ای خداوند، مرا در وادی عصیان سرگشته رها مکن و تا زنده‌ام در ورطه سهو و بی خبریم وامگذار و مرا به حالی میفکن که دیگران از من پند گیرند یا سبب عبرت همگان شوم یا کسی در من بنگرد و گمراه شود. و در زمرهٔ کسانی که با آنان مکر میکنی، با من مکر مکن و دیگری را به جای من مگزین و نامم را به طومار گنهکاران مبر. و تنم را در کشاکش گرفتاریهای این جهانی و عذابهای آن جهانی دیگرگون منمای و مرا مضحکهٔ مردم قرار مده و مسخرهٔ درگاه خود مساز. چنان کن که پیوسته در جست‌وجوی خشنودی تو باشم و در تلاش برای انتقامجویی از دشمنان تو.

بارخدایا، خنکیِ عفوت را، حلاوت رحمتت را، روح و ریحان و بهشت پر نعمتت را ارزانیِ من دار و از فضل خویش به من بچشان طعم فراغت را در گزاردنِ آنچه تو دوست می داری و طعم مجاهدت را در آنچه موجب تقرب به درگاهِ توست و مرا تحفه‌ای کرامند عطا کن.

بارخدایا، چنان کن که در تجارتم سود برم و بی هیچ زیان بازگردم و خوف ایستادن و پاسخ گفتن در روز بازجست را در دل من افکن و به دیدار خود مشتاق فرمای و به توبه‌ای بی بازگشت که پس از آن نه گناه خُردم باقی مانَد نه گناه بزرگ، نه گناه آشکار و نه گناه پنهان، توفیق ده. بیخ کینهٔ مؤمنان از سینهٔ من برکن. قلبم را با مردمان فروتن مهربان گردان. با من چنان باش که با صالحان هستی. به زیور پرهیزگارانم بیارای. نام نیک من بر زبان آیندگان جاری گردان آوازهٔ من در میان معاصران به نیکی بلند نمای و در روز رستاخیز مرا در زمرهٔ آنان که با پیامبر تو مهاجرت کردند درآور.

بارخدایا، مرا فراخی نعمت ده به حد کمال و کرامتهای آن از پی یکدیگر به من ارزانی دار. دستان من از عطای خود پرکن و مواهب کرامند خویش به سوی من روان دار. مرا در بهشتی که برای



برگزیدگان خویش آراسته‌ای، در جوار اولیای پاك خود جای ده. تشریف عطای خویش بر من بپوشان و در منازلی که برای دوستانت مهیا ساخته‌ای مکان ده. برای من مکانی مطمئن که در آن آرام گیرم و جایی که در آن مسکن گزینم و دلم شاد شود، برگزین. ای خداوند، کیفر مرا با گناهان بزرگی که مرتکب شده‌ام برابر منمای و در آن روز که اسرار آشکار می شود هلاکم مکن. هر شك و شبهتی از دلم بزدای. از دروازه‌های رحمت راهِ من به حق بگشای. سهمِ مرا از مواهب نِعَم خود افزون فرمای و از سرِ اِفضالِ خویش نصیبم را از احسان و بخشش خود فراوان گردان.

بارخدایا، دلم را به آنچه در نزد توست آرام و مطمئن نمای و همهٔ قصد مرا ویژهٔ اعمالی ساز که رضای تو در آن باشد و مرا به کاری برگمار که خاصان درگاهت را بر آن می گماری. چون خردها به غفلت افتند، تو دل مرا به آب طاعت خویش سیراب فرمای و توانگری و عفت و آسایش و بی گزندی و تندرستی و فراخی در روزی و آرامش و عافیت را همه یکجا نصیب من گردان. حسنات مرا با معصیتی که به آن آمیخته گردد تباه منمای. خلوتهایم را به خیالات ناپسندی که برای آزمایش بر دل من می فرستی برهم مزن. آبروی مرا حفظ کن که چیزی از مردمِ زمانه نخواهم و مرا از خواهشِ فاسقان بازدار. پشتیبان ستمگرانم قرار مده و مرا از همدلی و همدستی با آنان در محو کتاب خود در امان دار. محافظتم کن، آن سان که خود ندانم و از هر بد در امان باشم. درهای توبه و رحمت و رأفت و رزق فراوانِ خود به رویم بگشای، که من از روی آورندگان به درگاهِ توام. بارخدایا، نعمتت را بر من تمام کن، که تو بهترین نعمت دهندگانی. برای خشنودی خود، باقیِ عمر مرا در حج و عمره سپری ساز، ای پروردگار جهانیان. وصلی الله علی محمد و آله الطّیّبین الطاهرین، والسلام علیه و علیهم ابدالآبدین.

دعاء ٤٨ وَكانَ مِن دُعائِهِ عَلَيهِ السَّلامُ يَومَ الأَضحى وَيَومَ الجُمُعَةِ

اَللّٰهُمَّ هٰذا يَومٌ مُبارَكٌ مَيمُونٌ وَالمُسلِمُونَ فيهِ مُجتَمِعُونَ

في أَقطارِ أَرضِكَ يَشهَدُ السّائِلُ مِنهُم وَالطّالِبُ وَالرّاغِبُ

وَالرّاهِبُ وَأَنتَ النّاظِرُ في حَوائِجِهِم فَأَسأَلُكَ بِجُودِكَ

وَكَرَمِكَ وَهَوانِ ما سَأَلتُكَ عَلَيكَ أَن تُصَلِّيَ

عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَسأَلُكَ اللّٰهُمَّ رَبَّنا بِأَنَّ لَكَ المُلكَ وَلَكَ

الحَمدَ لا إِلٰهَ إِلّا أَنتَ الحَليمُ الكَريمُ الحَنّانُ المَنّانُ

ذُو الجَلالِ وَالإِكرامِ بَديعُ السَّماواتِ وَالأَرضِ مَهما

قَسَمتَ بَينَ عِبادِكَ المُؤمِنينَ مِن خَيرٍ أَو عافِيَةٍ أَو

بَرَكَةٍ أَو هُدًى أَو عَمَلٍ بِطاعَتِكَ أَو خَيرٍ تَمُنُّ بِهِ

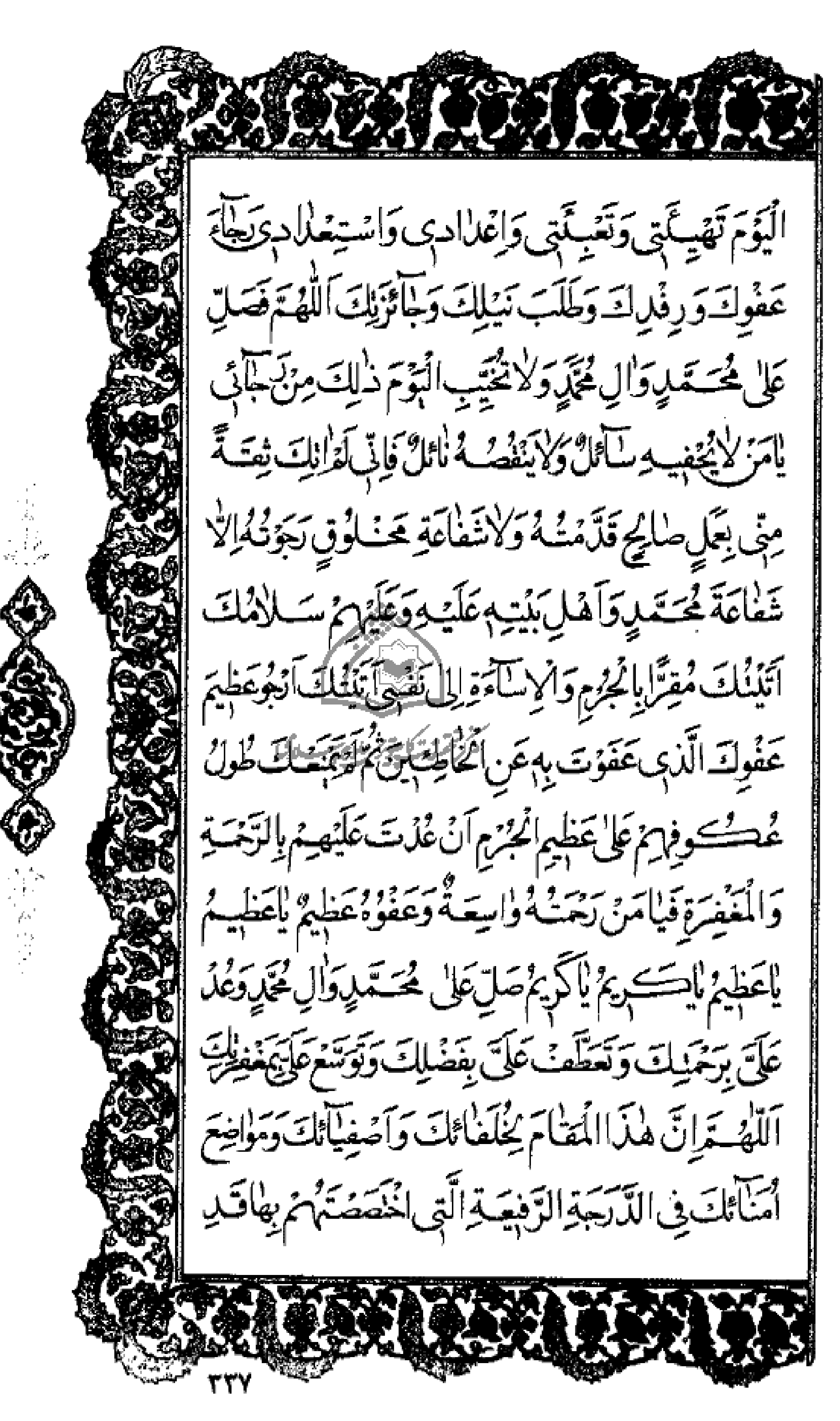
عَلَيهِم تَهديهِم بِهِ إِلَيكَ أَو تَرفَعُ لَهُم عِندَكَ دَرَجَةً

أَو تُعطيهِم بِهِ خَيراً مِن خَيرِ الدُّنيا وَالآخِرَةِ أَن تُوَفِّرَ

حَظّي وَنَصيبي مِنهُ وَأَسأَلُكَ اللّٰهُمَّ بِأَنَّ لَكَ المُلكَ

وَالحَمدَ لا إِلٰهَ إِلّا أَنتَ أَن تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ عَبدِكَ وَ

رَسُولِكَ وَحَبِيبِكَ وَصِفْوَتِكَ وَخِيَرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَ
عَلىٰ آلِ مُحَمَّدٍ الْاَبْرَارِ الطَّاهِرِينَ الْاَخْيَارِ صَلٰوةً لَا يَقْوىٰ
عَلىٰ اِحْصَائِهَا اِلَّا اَنْتَ وَاَنْ تُشْرِكَنَا فِي صَالِحِ مَنْ
دَعَاكَ فِي هٰذَا الْيَوْمِ مِنْ عِبَادِكَ الْمُؤْمِنِينَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ
وَاَنْ تَغْفِرَ لَنَا وَلَهُمْ اِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اَللّٰهُمَّ
اِلَيْكَ تَعَمَّدْتُ بِحَاجَتِي وَبِكَ اَنْزَلْتُ الْيَوْمَ فَقْرِي وَفَاقَتِي
وَمَسْكَنَتِي وَاِنِّي بِمَغْفِرَتِكَ وَرَحْمَتِكَ اَوْثَقُ مِنِّي بِعَمَلِي
وَلَمَغْفِرَتُكَ وَرَحْمَتُكَ اَوْسَعُ مِنْ ذُنُوبِي فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ
آلِ مُحَمَّدٍ وَتَوَلَّ قَضَاءَ كُلِّ حَاجَةٍ هِيَ لِي بِقُدْرَتِكَ عَلَيْهَا
وَتَيْسِيرِ ذٰلِكَ عَلَيْكَ وَبِفَقْرِي اِلَيْكَ وَغِنَاكَ عَنِّي فَاِنِّي
لَمْ اُصِبْ خَيْراً قَطُّ اِلَّا مِنْكَ وَلَمْ يَصْرِفْ عَنِّي سُوءاً قَطُّ اَحَدٌ
غَيْرُكَ وَلَا اَرْجُو لِاَمْرِ آخِرَتِي وَدُنْيَايَ سِوَاكَ اَللّٰهُمَّ مَنْ
تَهَيَّاَ وَتَعَبَّاَ وَاَعَدَّ وَاسْتَعَدَّ لِوِفَادَةٍ اِلىٰ مَخْلُوقٍ رَجَاءَ رِفْدِهِ
وَنَوَافِلِهِ وَطَلَبَ نَيْلِهِ وَجَائِزَتِهِ فَاِلَيْكَ يَا مَوْلَايَ كَانَتْ



الْيَوْمَ تَهْيِئَتِي وَتَعْبِئَتِي وَاِعْدادِي وَاسْتِعْدادِي رَجاءَ

عَفْوِكَ وَرِفْدِكَ وَطَلَبَ نَيْلِكَ وَجائِزَتِكَ اَللّٰهُمَّ فَصَلِّ

عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَلا تُخَيِّبِ الْيَوْمَ ذٰلِكَ مِنْ رَجائِي

يا مَنْ لا يُحْفِيهِ سائِلٌ وَلا يَنْقُصُهُ نائِلٌ فَاِنِّي لَمْ آتِكَ ثِقَةً

مِنِّي بِعَمَلٍ صالِحٍ قَدَّمْتُهُ وَلا شَفاعَةِ مَخْلُوقٍ رَجَوْتُهُ اِلّا

شَفاعَةَ مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَيْتِهِ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ سَلامُكَ

اَتَيْتُكَ مُقِرّاً بِالْجُرْمِ وَالْاِساءَةِ اِلٰى نَفْسِي اَتَيْتُكَ اَرْجُو عَظِيمَ

عَفْوِكَ الَّذِي عَفَوْتَ بِهِ عَنِ الْخاطِئِينَ ثُمَّ لَمْ يَمْنَعْكَ طُولُ

عُكُوفِهِمْ عَلٰى عَظِيمِ الْجُرْمِ اَنْ عُدْتَ عَلَيْهِمْ بِالرَّحْمَةِ

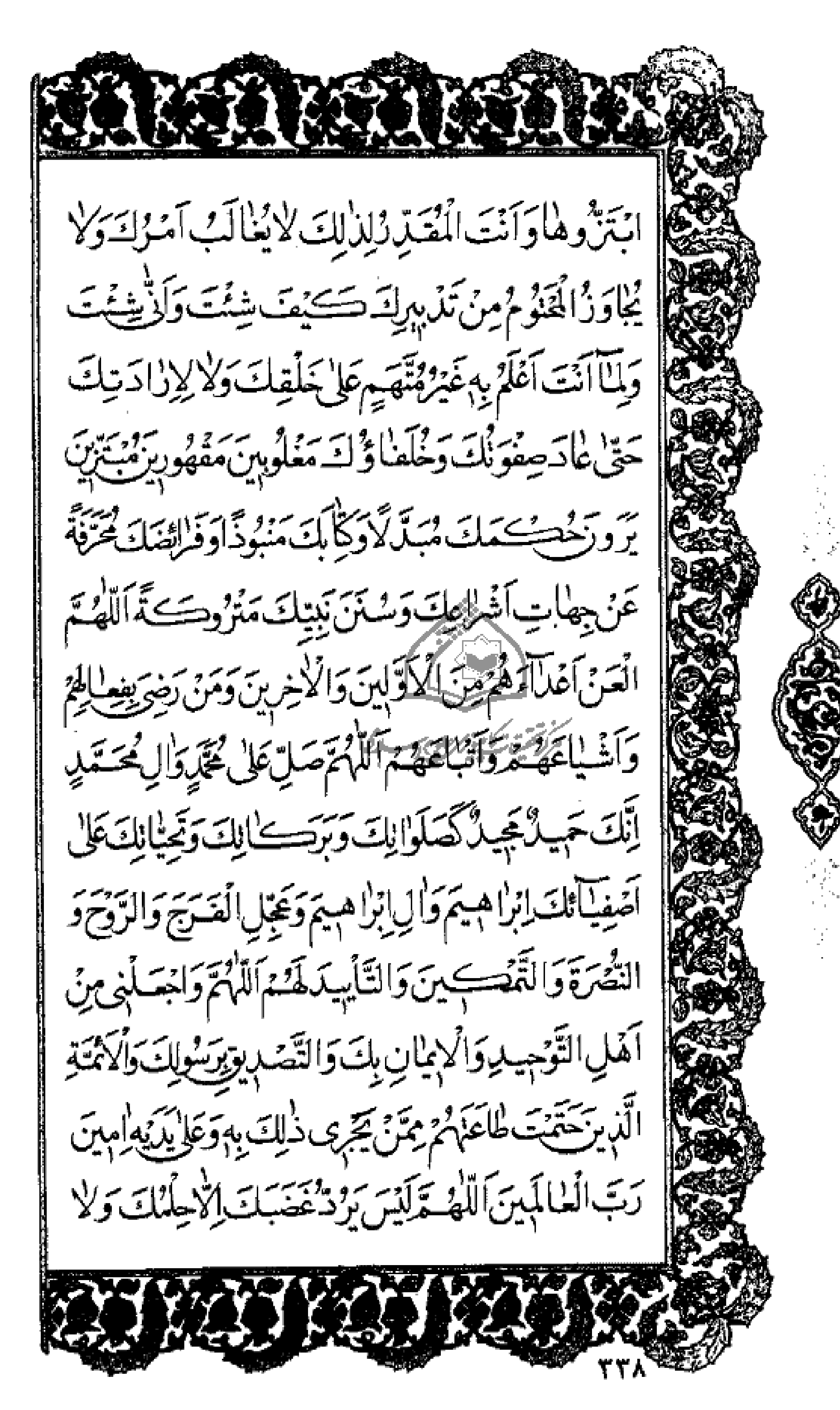
وَالْمَغْفِرَةِ فَيا مَنْ رَحْمَتُهُ واسِعَةٌ وَعَفْوُهُ عَظِيمٌ يا عَظِيمُ

يا عَظِيمُ يا كَرِيمُ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعُدْ

عَلَيَّ بِرَحْمَتِكَ وَتَعَطَّفْ عَلَيَّ بِفَضْلِكَ وَتَوَسَّعْ عَلَيَّ بِمَغْفِرَتِكَ

اَللّٰهُمَّ اِنَّ هٰذَا الْمَقامَ لِخُلَفائِكَ وَاَصْفِيائِكَ وَمَواضِعَ

اُمَنائِكَ فِي الدَّرَجَةِ الرَّفِيعَةِ الَّتِي اخْتَصَصْتَهُمْ بِها قَدِ



ابتَزّوها وَانتَ المُقتَدِرُ لِذلِكَ لا يُغالَبُ اَمرُكَ وَلا
يُجاوَزُ المَحتومُ مِن تَدبيرِكَ كَيفَ شِئتَ وَاَنّى شِئتَ
وَلِما اَنتَ اَعلَمُ بِهِ غَيرُ مُتَّهَمٍ عَلى خَلقِكَ وَلا لِاِرادَتِكَ
حَتّى عادَ صِفوَتُكَ وَخُلَفاؤُكَ مَغلوبينَ مَقهورينَ مُبتَزّينَ
يَرَونَ حُكمَكَ مُبَدَّلاً وَكِتابَكَ مَنبوذاً وَفَرائِضَكَ مُحَرَّفَةً
عَن جِهاتِ اَشراعِكَ وَسُنَنَ نَبِيِّكَ مَترُوكَةً اَللّهُمَّ
العَن اَعداءَهُم مِنَ الاَوَّلينَ وَالآخِرينَ وَمَن رَضِيَ بِفِعالِهِم
وَاَشياعَهُم وَاَتباعَهُم اَللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
اِنَّكَ حَميدٌ مَجيدٌ كَصَلَواتِكَ وَبَرَكاتِكَ وَتَحِيّاتِكَ عَلى
اَصفِيائِكَ اِبراهيمَ وَآلِ اِبراهيمَ وَعَجِّلِ الفَرَجَ وَالرَّوحَ وَ
النُّصرَةَ وَالتَّمكينَ وَالتَّاييدَ لَهُم اَللّهُمَّ وَاجعَلني مِن
اَهلِ التَّوحيدِ وَالايمانِ بِكَ وَالتَّصديقِ بِرَسولِكَ وَالاَئِمَّةِ
الَّذينَ حَتَمتَ طاعَتَهُم مِمَّن يَجري ذلِكَ بِهِ وَعَلى يَدَيهِ آمينَ
رَبَّ العالَمينَ اَللّهُمَّ لَيسَ يَرُدُّ غَضَبَكَ اِلّا حِلمُكَ وَلا

يَرُدُّ سَخَطَكَ اِلَّا عَفْوُكَ وَلا يُجيرُ مِنْ عِقابِكَ اِلَّا رَحْمَتُكَ

وَلا يُنْجيني مِنْكَ اِلَّا التَّضَرُّعُ اِلَيْكَ وَبَيْنَ يَدَيْكَ فَصَلِّ

عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَهَبْ لَنا يا اِلهي مِنْ لَدُنْكَ فَرَجاً بِالْقُدْرَةِ

الَّتي بِها تُحْيي اَمْواتَ الْعِبادِ وَبِها تَنْشُرُ مَيْتَ الْبِلادِ وَلا

تُهْلِكْني يا اِلهي غَمّاً حَتّى تَسْتَجيبَ لي وَتُعَرِّفَنِي الْاِجابَةَ

في دُعائي وَاَذِقْني طَعْمَ الْعافِيَةِ اِلى مُنْتَهى اَجَلي وَلا

تُشْمِتْ بي عَدُوّي وَلا تُمَكِّنْهُ مِنْ عُنُقي وَلا تُسَلِّطْهُ

عَلَيَّ اِلهي اِنْ رَفَعْتَني فَمَنْ ذَا الَّذي يَضَعُني وَاِنْ وَضَعْتَني

فَمَنْ ذَا الَّذي يَرْفَعُني وَاِنْ اَكْرَمْتَني فَمَنْ ذَا الَّذي

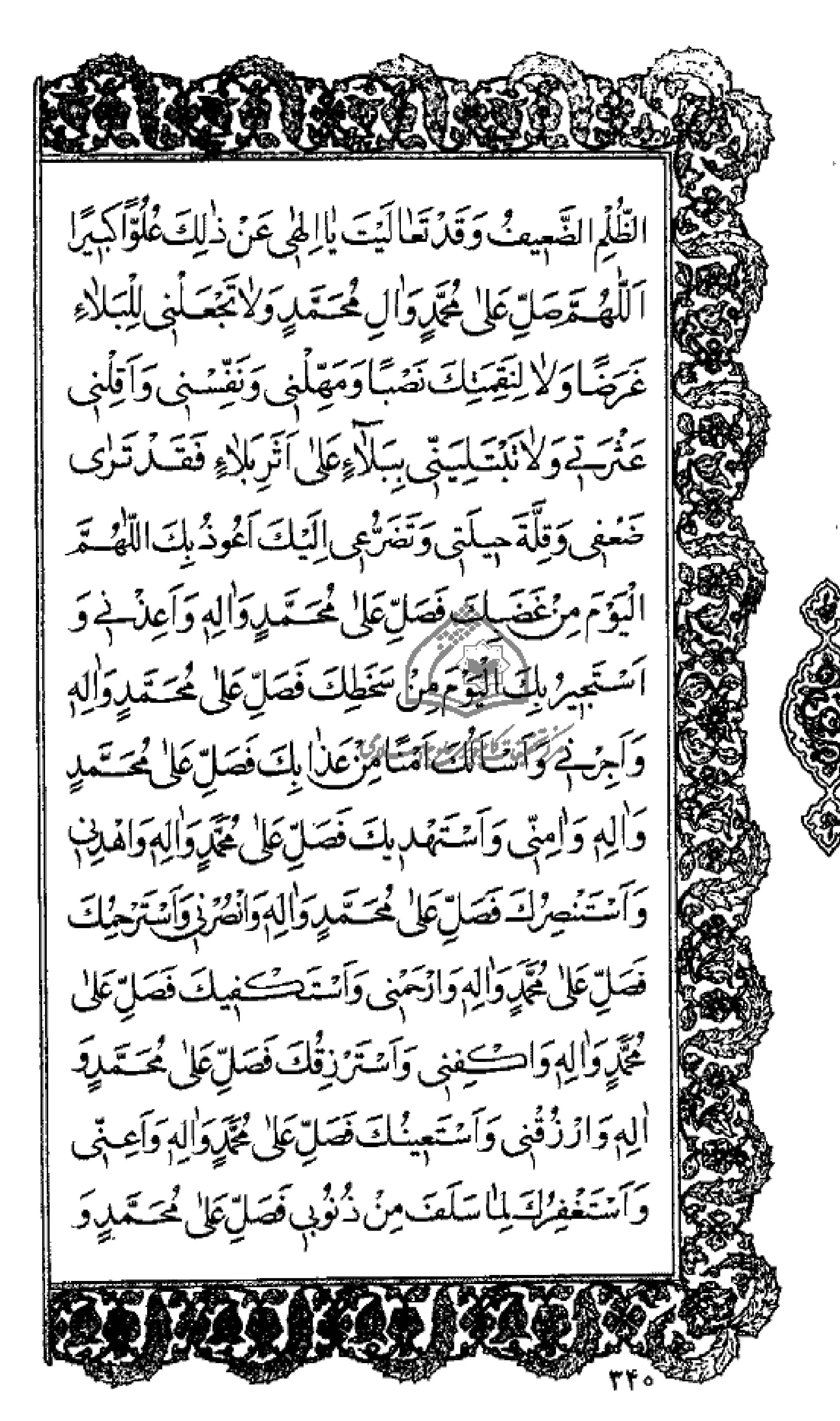
يُهينُني وَاِنْ اَهَنْتَني فَمَنْ ذَا الَّذي يُكْرِمُني وَاِنْ

عَذَّبْتَني فَمَنْ ذَا الَّذي يَرْحَمُني وَاِنْ اَهْلَكْتَني فَمَنْ

ذَا الَّذي يَعْرِضُ لَكَ في عَبْدِكَ اَوْ يَسْاَلُكَ عَنْ اَمْرِهِ

وَقَدْ عَلِمْتُ اَنَّهُ لَيْسَ في حُكْمِكَ ظُلْمٌ وَلا في نَقِمَتِكَ

عَجَلَةٌ وَاِنَّما يَعْجَلُ مَنْ يَخافُ الْفَوْتَ وَاِنَّما يَحْتاجُ اِلَى



الظُّلْمِ الضَّعِيفُ وَقَدْ تَعَالَيْتَ يَا إِلٰهِي عَنْ ذٰلِكَ عُلُوّاً كَبِيراً

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَلَا تَجْعَلْنِي لِلْبَلَاءِ

غَرَضاً وَلَا لِنَقِمَتِكَ نَصَباً وَمَهِّلْنِي وَنَفِّسْنِي وَأَقِلْنِي

عَثْرَتِي وَلَا تَبْتَلِيَنِّي بِبَلَاءٍ عَلىٰ أَثَرِ بَلَاءٍ فَقَدْ تَرىٰ

ضَعْفِي وَقِلَّةَ حِيلَتِي وَتَضَرُّعِي إِلَيْكَ أَعُوذُ بِكَ اللّٰهُمَّ

الْيَوْمَ مِنْ غَضَبِكَ فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَعِذْنِي وَ

أَسْتَجِيرُ بِكَ الْيَوْمَ مِنْ سَخَطِكَ فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

وَأَجِرْنِي وَأَسْأَلُكَ أَمْناً مِنْ عَذَابِكَ فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ

وَآلِهِ وَآمِنِّي وَأَسْتَهْدِيكَ فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاهْدِنِي

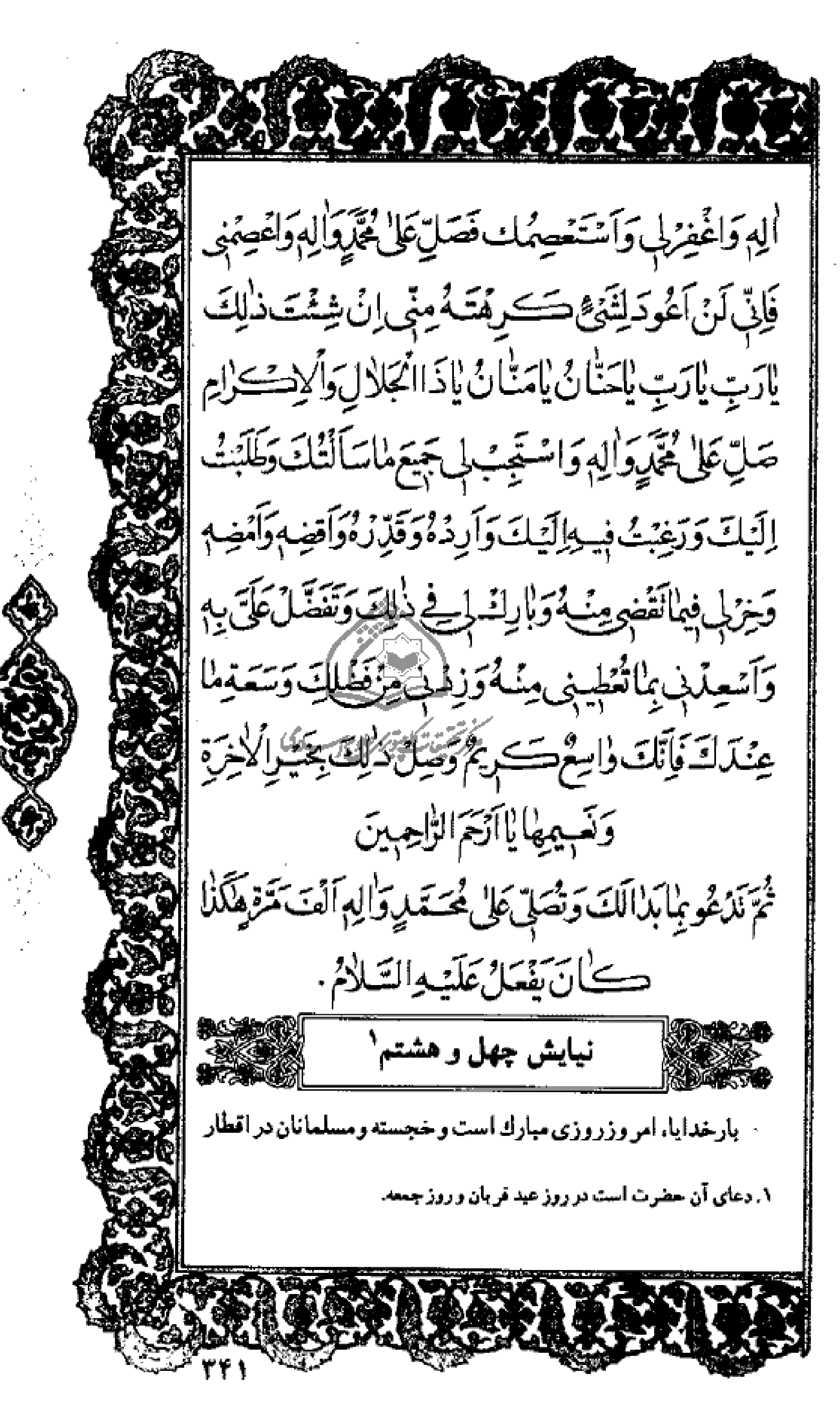
وَأَسْتَنْصِرُكَ فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَانْصُرْنِي وَأَسْتَرْحِمُكَ

فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَارْحَمْنِي وَأَسْتَكْفِيكَ فَصَلِّ عَلىٰ

مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاكْفِنِي وَأَسْتَرْزِقُكَ فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ

آلِهِ وَارْزُقْنِي وَأَسْتَعِينُكَ فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَعِنِّي

وَأَسْتَغْفِرُكَ لِمَا سَلَفَ مِنْ ذُنُوبِي فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ



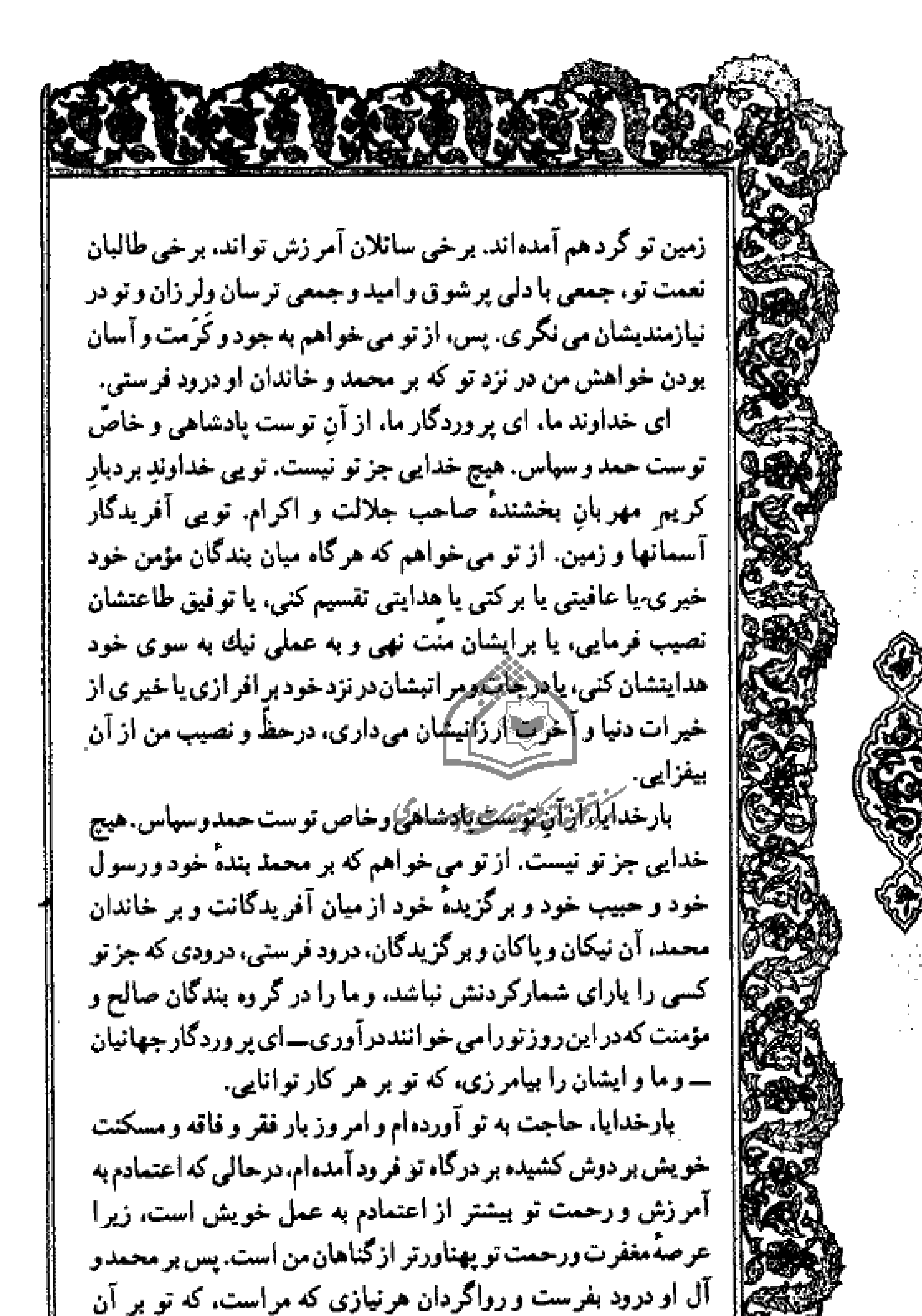
آلِهِ وَاغْفِرْ لِي وَاسْتَعْصِمُكَ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاعْصِمْنِي فَإِنِّي لَنْ أَعُودَ لِشَيْءٍ كَرِهْتَهُ مِنِّي إِنْ شِئْتَ ذَلِكَ يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا حَنَّانُ يَا مَنَّانُ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاسْتَجِبْ لِي جَمِيعَ مَا سَأَلْتُكَ وَطَلَبْتُ إِلَيْكَ وَرَغِبْتُ فِيهِ إِلَيْكَ وَأَرِدْهُ وَقَدِّرْهُ وَاقْضِهِ وَأَمْضِهِ وَخِرْ لِي فِيمَا تَقْضِي مِنْهُ وَبَارِكْ لِي فِي ذَلِكَ وَتَفَضَّلْ عَلَيَّ بِهِ وَأَسْعِدْنِي بِمَا تُعْطِينِي مِنْهُ وَزِدْنِي مِنْ فَضْلِكَ وَسَعَةِ مَا عِنْدَكَ فَإِنَّكَ وَاسِعٌ كَرِيمٌ وَصِلْ ذَلِكَ بِخَيْرِ الْآخِرَةِ وَنَعِيمِهَا يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

ثُمَّ تَدْعُو بِمَا بَدَا لَكَ وَتُصَلِّي عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَلْفَ مَرَّةٍ هَكَذَا كَانَ يَفْعَلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

نیایش چهل و هشتم[1]

بارخدایا، امروز روزی مبارک است و خجسته و مسلمانان در اقطار

۱. دعای آن حضرت است در روز عید قربان و روز جمعه.



زمین تو گرد هم آمده‌اند. برخی سائلان آمرزش تواند. برخی طالبان نعمت تو، جمعی با دلی پرشوق و امید و جمعی ترسان و لرزان و تو در نیازمندیشان می‌نگری. پس، از تو می‌خواهم به جود و کَرَمت و آسان بودن خواهش من در نزد تو که بر محمد و خاندان او درود فرستی.

ای خداوند ما، ای پروردگار ما، از آنِ توست پادشاهی و خاصّ توست حمد و سپاس. هیچ خدایی جز تو نیست. تویی خداوندِ بردبارِ کریمِ مهربانِ بخشندهٔ صاحب جلالت و اکرام. تویی آفریدگار آسمانها و زمین. از تو می‌خواهم که هرگاه میان بندگان مؤمن خود خیری-یا عافیتی یا برکتی یا هدایتی تقسیم کنی، یا توفیق طاعتشان نصیب فرمایی، یا برایشان منّت نهی و به عملی نیك به سوی خود هدایتشان کنی، یا درجات و مراتبشان در نزد خود برافرازی یا خیری از خیرات دنیا و آخرت ارزانیشان می‌داری، درحظّ و نصیب من از آن بیفزایی.

بارخدایا، از آنِ توست پادشاهی و خاص توست حمد و سپاس. هیچ خدایی جز تو نیست. از تو می‌خواهم که بر محمد بندهٔ خود و رسول خود و حبیب خود و برگزیدهٔ خود از میان آفریدگانت و بر خاندان محمد، آن نیکان و پاکان و برگزیدگان، درود فرستی، درودی که جز تو کسی را یارای شمارکردنش نباشد، و ما را در گروه بندگان صالح و مؤمنت که در این روز تو را می‌خوانند درآوری ــ ای پروردگار جهانیان ــ و ما و ایشان را بیامرزی، که تو بر هر کار توانایی.

بارخدایا، حاجت به تو آورده‌ام و امروز بار فقر و فاقه و مسکنت خویش بر دوش کشیده بر درگاه تو فرود آمده‌ام، درحالی که اعتمادم به آمرزش و رحمت تو بیشتر از اعتمادم به عمل خویش است، زیرا عرصهٔ مغفرت و رحمت تو پهناورتر از گناهان من است. پس بر محمد و آل او درود بفرست و رواگردان هرنیازی که مراست، که تو بر آن



توانایی و این بس بر تو آسان است و من فقیرِ درگاه توام و تو از من بی‌نیازی، زیرا هر خیر که دیده‌ام تنها از تو دیده‌ام و هر حادثهٔ بد که از من دور شده تنها تو دور کرده‌ای و در امور این جهانی و آن جهانی جز به تو امید ندارم.

ای خداوند، هر کس ساز سفر کند و مهیا شود و کمر بندد و آهنگ کند که به امید صلات و عطایا و به چنگ آوردن مال و منال به درگاه مخلوقی رود، ای مولای من، من ساز سفر می‌کنم و مهیا می‌شوم و کمر می‌بندم و آهنگ می‌کنم به سوی تو، به امید عفو تو، به امید صلات و عطایای تو و به طلب بخشش و احسان تو.

بارخدایا، بر محمد و خاندانش درود بفرست و امروز مرا از امیدم نومید مکن، ای خداوندی که شوخ چشمی سائلان تو را از عطا بازنمی‌دارد و از عطایت نمی‌کاهد، که من به اتکای عمل صالح خود به نزد تو نیامده‌ام و به شفاعت هیچ مخلوقی، جز شفاعت محمد و اهل بیت او ـ علیه و علیهم سلامك ـ امید نبسته‌ام. ای خداوند، به درگاه تو آمده‌ام در حالی که به جرم خود و ستمی که در حق خود روا داشته‌ام اقرار می‌کنم. آمده‌ام درحالی که به عفو عظیم تو امید بسته‌ام که بدان خطاکاران را می‌بخشایی. هرچند که آنان مدتی دراز سرگرم گناه و تباهکاری بوده‌اند، باز هم رحمت و مغفرت خویش از آنان دریغ نمی‌داری.

ای خداوندی که دریای رحمتت پهناور است و عرصهٔ عفو و بخشایشت عظیم است، ای خدای بزرگ، ای خدای بزرگ، ای خدای بخشنده، ای خدای بخشنده، بر محمد و خاندانش درود بفرست و رحمت خود نصیب من کن و به فضل خود بر من مهربان باش و آمرزش خویش بهرهٔ من ساز.

بارخدایا، این جایگاه، جای خلفای تو و برگزیدگان توست. ولی

جایگاه رفیع امینان تو را که آنان را بدان اختصاص داده‌ای دیگران بر بودند. و این تقدیر توست و فرمان تو مغلوب نمی شود و از تدبیر محتومت، به هر گونه که بخواهی و هرجا که بخواهی، کس را یارای تجاوز نیست و تو به هر کار که کنی داناتری و در آفرینش و ارادهٔ خود متهم نیستی. پس برگزیدگان و خلفای تو مغلوب و مقهور شدند و حقشان از کف بشد. اکنون می نگرند که احکامت دگرگون شده و کتابت به یک سو افتاده و فرایض تو نه به روش تو به جای آورده می شود و سنتهای پیامبرت متروک مانده است.

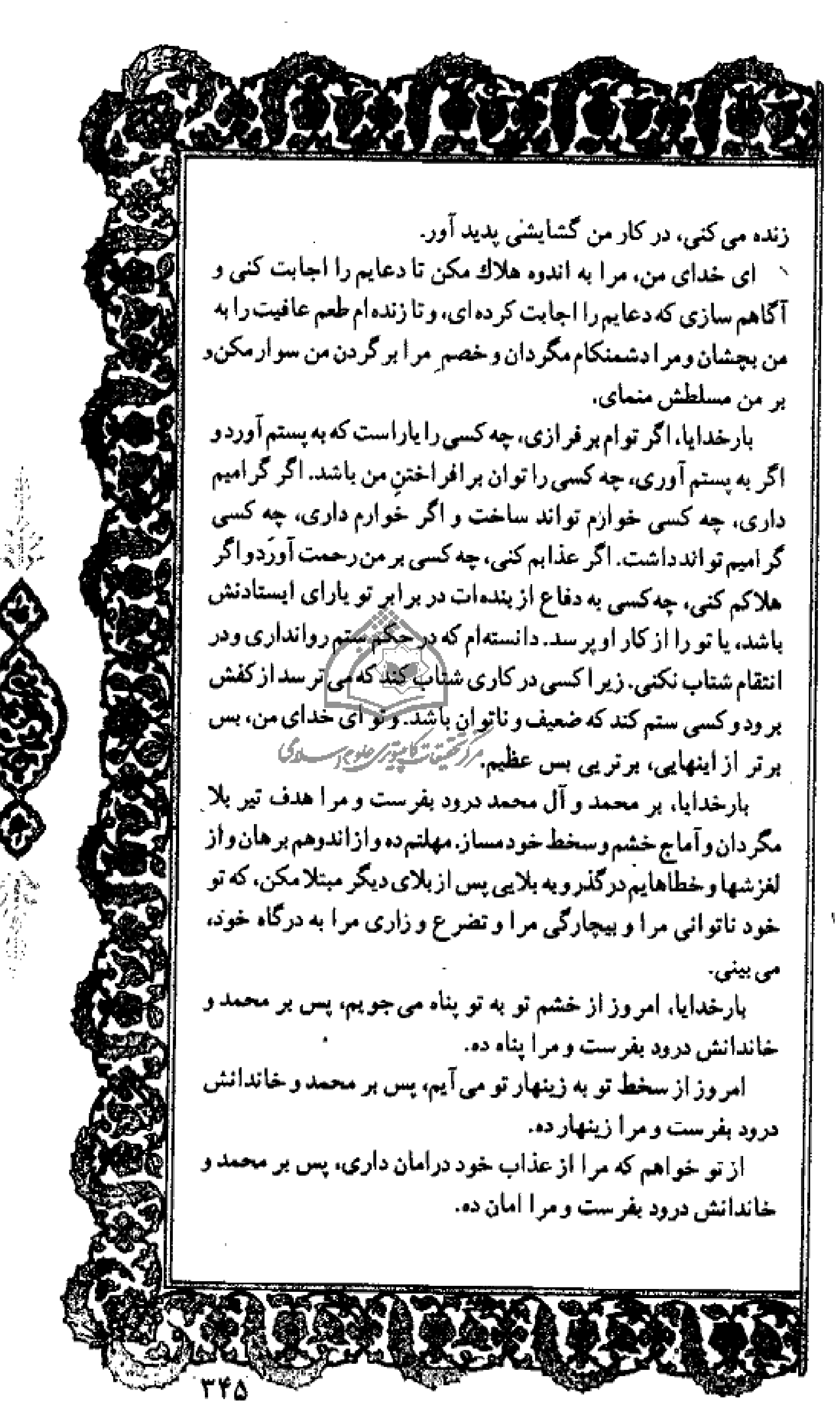
بارخدایا، لعنت کن دشمنان ایشان را از اولین و آخرین، و لعنت کن هرکس را که به اعمال آنان رضا می‌دهد و لعنت کن اتباع و پیروان ایشان را.

بارخدایا، بر محمد و خاندانش درود بفرست، که تویی خداوند ستودهٔ صاحب مجد و عظمت. و آن سان که به اصفیای خود ابراهیم و آل ابراهیم درود فرستادی، برکات و تحیات خویش بر محمد و آل محمد ارزانی دار. و درگشایش و آسایش و یاری کردن و تسلط بخشیدن و تأییدشان تعجیل فرما.

بارخدایا، مرا از کسانی قرارده که تو را به یکتایی می پرستند و به تو ایمان آورده‌اند و پیامبرت را تصدیق کرده‌اند و امامان را به پیشوایی پذیرفته‌اند، امامانی که اطاعتشان را فریضه ساخته‌ای و ایمان به تو و تصدیق به رسول تو به دست ایشان اجرا می شود. آمین رب العالمین.

ای خداوند، غضب تو را جز حِلم تو فرونمی نشاند و سخط تو را جز عفو تو بازنمی گرداند و در برابر عقاب تو جز رحمت پناهگاهی نیست و مرا جز تضرع به درگاه تو و زاری در برابر تو هیچ چیز از عذابت نمی رهاند. پس بر محمد و آل محمد درود بفرست و ای خدای من، بدان قدرت که تو راست و مردگان را بدان حیات می بخشی و بلاد مرده را





زنده می کنی، در کار من گشایشی پدید آور.

ای خدای من، مرا به اندوه هلاك مکن تا دعایم را اجابت کنی و آگاهم سازی که دعایم را اجابت کرده‌ای، و تا زنده‌ام طعم عافیت را به من بچشان و مرا دشمنکام مگردان و خصمِ مرا بر گردن من سوار مکن و بر من مسلطش منمای.

بارخدایا، اگر توام برفرازی، چه کسی را یاراست که به پستم آورد و اگر به پستم آوری، چه کسی را توان برافراختنِ من باشد. اگر گرامیم داری، چه کسی خوارم تواند ساخت و اگر خوارم داری، چه کسی گرامیم تواند داشت. اگر عذابم کنی، چه کسی بر من رحمت آورَد و اگر هلاکم کنی، چه کسی به دفاع از بنده‌ات در برابر تو یارای ایستادنش باشد، یا تو را از کار او پرسد. دانسته‌ام که در حکم ستم روانداری و در انتقام شتاب نکنی. زیرا کسی در کاری شتاب کند که می ترسد از کفش برود و کسی ستم کند که ضعیف و ناتوان باشد. و تو ای خدای من، بس برتر از اینهایی، برتریی بس عظیم.

بارخدایا، بر محمد و آل محمد درود بفرست و مرا هدف تیر بلا مگردان و آماج خشم و سخط خود مساز. مهلتم ده و از اندوهم برهان و از لغزشها و خطاهایم درگذر و به بلایی پس از بلای دیگر مبتلا مکن، که تو خود ناتوانی مرا و بیچارگی مرا و تضرع و زاری مرا به درگاه خود، می بینی.

بارخدایا، امروز از خشم تو به تو پناه می جویم، پس بر محمد و خاندانش درود بفرست و مرا پناه ده.

امروز از سخط تو به زینهار تو می آیم، پس بر محمد و خاندانش درود بفرست و مرا زینهار ده.

از تو خواهم که مرا از عذاب خود درامان داری، پس بر محمد و خاندانش درود بفرست و مرا امان ده.

از تو خواهم که راهنمای من باشی، پس بر محمد و خاندانش درود بفرست و مرا راه نمای.

از تو خواهم که یاور من باشی، پس بر محمد و خاندانش درود بفرست و مرا یاری کن.

از تو خواهم که بر من رحمت آوری، پس بر محمد و خاندانش درود بفرست و بر من رحمت آور.

از تو خواهم که مرا کفایت کنی، پس بر محمد و خاندانش درود بفرست و مرا کفایت کن.

از تو خواهم که مرا روزی دهی، پس بر محمد و خاندانش درود بفرست و مرا روزی ده.

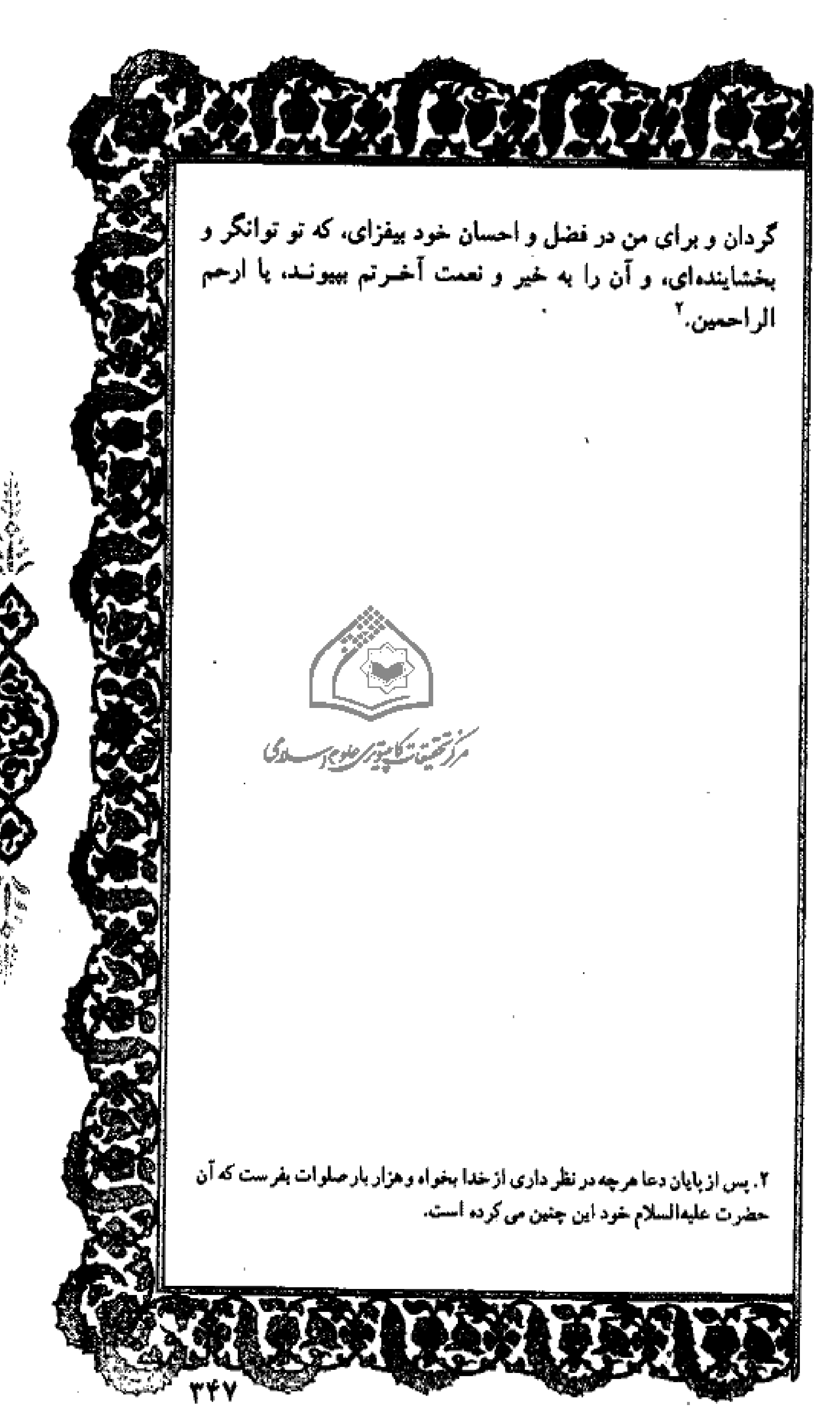
از تو خواهم که مرا مدد فرمایی، پس بر محمد و خاندانش درود بفرست و مرا مدد فرمای.

از تو خواهم که گناهان گذشتهٔ مرا بیامرزی، پس بر محمد و خاندانش درود بفرست و مرا بیامرز.

از تو خواهم که مرا از گناه مصون داری، پس بر محمد و خاندانش درود بفرست و مرا از گناه مصون دار، که اگر مشیّت تو باشد، هرگز به کاری که تواش نپسندی بازنگردم.

ای پروردگار من، پروردگار من، ای خدای مهربان، ای خدای بخشنده، ای صاحب جلالت و بزرگواری، بر محمد و خاندان او درود بفرست و همهٔ آنچه را از تو خواسته‌ام و از تو طلبیده‌ام و برای آن روی به تو آورده‌ام اجابت کن. آن را برای من بخواه و مقدّر کن و حکم کن و روا دار. و خیر مرا قرار ده در آنچه از خواسته‌هایم برمی آوری و مرا در آن برکت ده و بدان بر من تفضل نمای و در آنچه مرا عطا می کنی نیکبختم





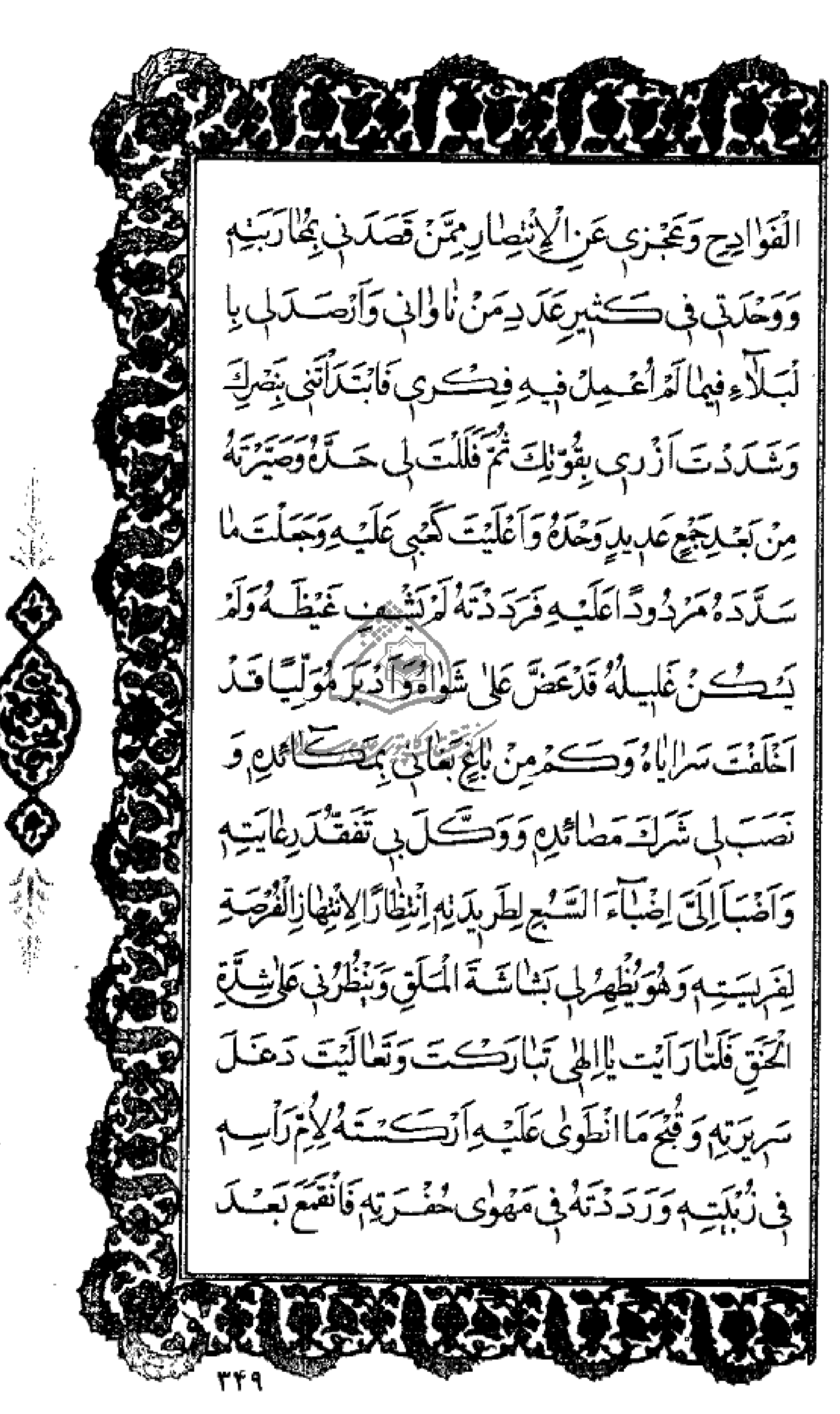
گردان و برای من در فضل و احسان خود بیفزای، که تو توانگر و بخشاینده‌ای، و آن را به خیر و نعمت آخرتم بپیوند، یا ارحم الراحمین.[۲]

۲. پس از پایان دعا هرچه در نظر داری از خدا بخواه و هزار بار صلوات بفرست که آن حضرت علیه‌السلام خود این چنین می کرده است.

وكان من دعائه عليه السلام في دفاع كيد الأعداء وردّ بأسهم

إلهي هَدَيتَني فَلَهَوتُ وَوَعَظتَ فَقَسَوتُ وَأبلَيتَ الجَميلَ فَعَصَيتُ ثُمَّ عَرَفتُ ما أصدَرتَ إذ عَرَّفتَنيهِ فَاستَغفَرتُ فَأقَلتَ فَعُدتُ فَسَتَرتَ فَلَكَ إلهي الحَمدُ تَقَحَّمتُ أودِيَةَ الهَلاكِ وَحَلَلتُ شِعابَ تَلَفٍ تَعَرَّضتُ فيها لِسَطَواتِكَ وَبِحُلولِها عُقوباتِكَ وَوَسيلَتي إلَيكَ التَّوحيدُ وَذَريعَتي أنّي لَم اُشرِك بِكَ شَيئاً وَلَم أتَّخِذ مَعَكَ إلهاً وَقَد فَرَرتُ إلَيكَ بِنَفسي وَإلَيكَ مَفَرُّ المُسيءِ وَمَفزَعُ المُضَيِّعِ لِحَظِّ نَفسِهِ المُلتَجِئ فَكَم مِن عَدُوٍّ انتَضى عَلَيَّ سَيفَ عَداوَتِهِ وَشَحَذَ لي ظُبَةَ مُديَتِهِ وَأرهَفَ لي شَبا حَدِّهِ وَدافَ لي قَواتِلَ سُمومِهِ وَسَدَّدَ نَحوي صَوائِبَ سِهامِهِ وَلَم تَنَم عَنّي عَينُ حِراسَتِهِ وَأضمَرَ أن يَسومَنِي المَكروهَ وَيُجَرِّعَني زُعاقَ مَرارَتِهِ فَنَظَرتَ يا إلهي إلى ضَعفي عَنِ احتِمالِ





الْفَوادِحِ وَعَجْزي عَنِ الْإِنْتِصارِ مِمَّنْ قَصَدَني بِمُحارَبَتِهِ
وَوَحْدَتي في كَثيرِ عَدَدِ مَنْ ناواني وَأَرْصَدَ لِي بِا
لْبَلاءِ فيما لَمْ أُعْمِلْ فيهِ فِكْري فَابْتَدَأْتَني بِنَصْرِكَ
وَشَدَدْتَ أَزْري بِقُوَّتِكَ ثُمَّ فَلَلْتَ لي حَدَّهُ وَصَيَّرْتَهُ
مِنْ بَعْدِ جَمْعٍ عَديدٍ وَحْدَهُ وَأَعْلَيْتَ كَعْبي عَلَيْهِ وَجَعَلْتَ ما
سَدَّدَهُ مَرْدُوداً عَلَيْهِ فَرَدَدْتَهُ لَمْ يَشْفِ غَيْظَهُ وَلَمْ
يَسْكُنْ غَليلُهُ قَدْ عَضَّ عَلى شَواهُ وَأَدْبَرَ مُوَلِّياً قَدْ
أَخْلَفَتْ سَراياهُ وَكَمْ مِنْ باغٍ بَغاني بِمَكائِدِهِ وَ
نَصَبَ لي شَرَكَ مَصائِدِهِ وَوَكَّلَ بي تَفَقُّدَ رِعايَتِهِ
وَأَضْبَأَ إِلَيَّ إِضْباءَ السَّبُعِ لِطَريدَتِهِ انْتِظاراً لِانْتِهازِ الْفُرْصَةِ
لِفَريسَتِهِ وَهُوَ يُظْهِرُ لي بَشاشَةَ الْمَلَقِ وَيَنْظُرُني عَلى شِدَّةِ
الْحَنَقِ فَلَمّا رَأَيْتَ يا إِلهي تَبارَكْتَ وَتَعالَيْتَ دَغَلَ
سَريرَتِهِ وَقُبْحَ مَا انْطَوى عَلَيْهِ أَرْكَسْتَهُ لِأُمِّ رَأْسِهِ
في زُبْيَتِهِ وَرَدَدْتَهُ في مَهْوى حُفْرَتِهِ فَانْقَمَعَ بَعْدَ

اسْتِطالَتِهِ ذَليلاً في رِبَقِ حِبالَتِهِ الَّتي كانَ يُقَدِّرُ

اَنْ يَراني فيها وَقَدْ كادَ اَنْ يَحُلَّ بي لَوْلا رَحْمَتُكَ ما

حَلَّ بِساحَتِهِ وَكَمْ مِنْ حاسِدٍ قَدْ شَرِقَ بي بِغُصَّتِهِ

وَشَجِيَ مِنّي بِغَيْظِهِ وَسَلَقَني بِحَدِّ لِسانِهِ وَوَحَرَني بِقَرْفِ

عُيُوبِهِ وَجَعَلَ عِرْضي غَرَضاً لِمَراميهِ وَقَلَّدَني خِلالاً لَمْ تَزَلْ

فيهِ وَوَحَرَني بِكَيْدِهِ وَقَصَدَني بِمَكيدَتِهِ فَنادَيْتُكَ

يا اِلهي مُسْتَغيثاً بِكَ واثِقاً بِسُرْعَةِ اِجابَتِكَ عالِماً اَنَّهُ لا

يُضْطَهَدُ مَنْ اَوى اِلى ظِلِّ كَنَفِكَ وَلا يَفْزَعُ مَنْ لَجَاَ

اِلى مَعْقِلِ انْتِصارِكَ فَحَصَّنْتَني مِنْ بَاْسِهِ بِقُدْرَتِكَ وَكَمْ

مِنْ سَحائِبِ مَكْرُوهٍ جَلَّيْتَها عَنّي وَسَحائِبِ نِعَمٍ اَمْطَرْتَها

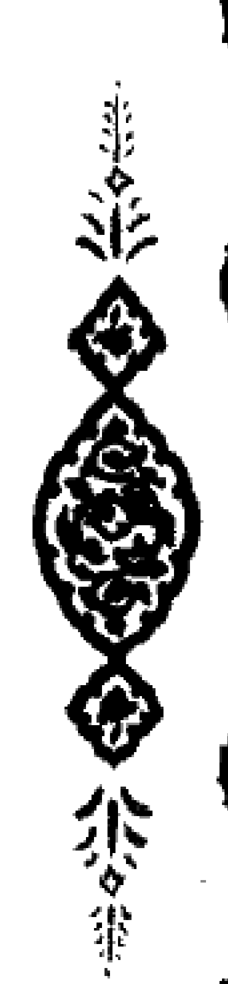
عَلَيَّ وَجَداوِلِ رَحْمَةٍ نَشَرْتَها وَعافِيَةٍ اَلْبَسْتَها وَاَعْيُنِ

اَحْداثٍ طَمَسْتَها وَغَواشي كُرُباتٍ كَشَفْتَها وَكَمْ مِنْ

ظَنٍّ حَسَنٍ حَقَّقْتَ وَعَدَمٍ جَبَرْتَ وَصَرْعَةٍ اَنْعَشْتَ وَ

مَسْكَنَةٍ حَوَّلْتَ كُلُّ ذلِكَ اِنْعاماً وَتَطَوُّلاً مِنْكَ وَ

فِي جَمِيعِهِ اَنَّهُمَا كَامِنَيْ عَلَى مَعَاصِيكَ لَمْ تَمْنَعْكَ اِسَاءَتِي
عَنْ اِتْمَامِ اِحْسَانِكَ وَلَا حَجَزَنِي ذَلِكَ عَنِ ارْتِكَابِ
مَسَاخِطِكَ لَا تُسْأَلُ عَمَّا تَفْعَلُ وَلَقَدْ سُئِلْتَ فَاَعْطَيْتَ
وَلَمْ تُسْأَلْ فَابْتَدَأْتَ وَاسْتُمِيحَ فَضْلُكَ فَمَا اَكْدَيْتَ
اَبَيْتَ يَا مَوْلَايَ اِلَّا اِحْسَانًا وَامْتِنَانًا وَتَطَوُّلًا وَاِنْعَامًا وَ
اَبَيْتُ اِلَّا تَقَحُّمًا لِحُرُمَاتِكَ وَتَعَدِّيًا لِحُدُودِكَ وَغَفْلَةً
عَنْ وَعِيدِكَ فَلَكَ الْحَمْدُ اِلَهِي مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ
وَذِي اَنَاةٍ لَا يَعْجَلُ هَذَا مَقَامُ مَنِ اعْتَرَفَ بِسُبُوغِ النِّعَمِ
وَقَابَلَهَا بِالتَّقْصِيرِ وَشَهِدَ عَلَى نَفْسِهِ بِالتَّضْيِيعِ اَللَّهُمَّ فَاِنِّي
اَتَقَرَّبُ اِلَيْكَ بِالْمُحَمَّدِيَّةِ الرَّفِيعَةِ وَالْعَلَوِيَّةِ الْبَيْضَاءِ
وَاَتَوَجَّهُ اِلَيْكَ بِهِمَا اَنْ تُعِيذَنِي مِنْ شَرِّ كَذَا وَكَذَا
فَاِنَّ ذَلِكَ لَا يَضِيقُ عَلَيْكَ فِي وُجْدِكَ وَلَا يَتَكَاَّدُكَ
فِي قُدْرَتِكَ وَاَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ فَهَبْ لِي يَا اِلَهِي
مِنْ رَحْمَتِكَ وَدَوَامِ تَوْفِيقِكَ مَا اَتَّخِذُهُ سُلَّمًا اَعْرُجُ بِهِ





نیایش چهل و نهم[1]

ای خدای من، تومرا هدایت کردی ومن به لهو وغفلت روی آوردم. پندم دادی ومن سخت دلی نمودم. نعمتهای نیکو یم دادی ومن نافرمانی کردم. آنگاه آنچه مرا از آن منع کرده بودی به من شناسانیدی و من شناختم وآمرزش طلبیدم وتو گناه من بخشیدی. زان سپس من بار دیگر به گناه بازگشتم وتو اغماض کردی. پس حمد باد تو را ای خداوند من.

خود را در وادیهای هلاکت درافکندم و به دره‌های تلف درآمدم و درآن احوال، با سطوت و قهر تو، با عذابها و عقوبتهای تو رویاروی شدم.



بارخدایا، رهتوشهٔ من برای رسیدن به تو، اعتقاد من به یکتایی توست ودستاویز من اینکه هیچ چیز در خدایی با تو شریك نساخته‌ام و کسی را جز تو به خدایی نگرفته‌ام و اینك خود در تو گریخته‌ام، زیرا خطاکاران را جز تو فرارگاهی نیست وبرای پناهنده‌ای که بهرهٔ خویش تباه کرده است جز تو پناهگاهی نیست.

بارخدایا، چه بسا دشمنی که شمشیر عداوت آخت وبر من تاخت و برای کشتن من خنجر خویش تیز کرد وبا دم بُرندهٔ آن آهنگ جان من نمود و زهر کشنده به آب من بیامیخت وخدنگِ جان شکارِ خویش در کمان نهاد ومرا نشانه گرفت وچون پاسبانانِ همواره بیدار، دیده از من برنمی گرفت ودردل داشت که مرا گزندی سخت رساند و شرنگ کینهٔ خویش به کامم ریزد. آنگاه ای خداوند من، دیدی که چسان از تحمل

۱. دعای آن حضرت است در دورساختن مکر دشمنان وبازگرداندن قهرِ ایشان.



رنجها ناتوانم و چسان از انتقام کسی که با منش آهنگ قتال است عاجزم ودرمیان آن همه دشمنان چسان تنهایم ودشمن چسان در کمین نشسته تا از طریقی که اندیشهٔ مرا بدان راه نیست گرفتار گرداند.

بارخدایا، در چنین حالتی تو به یاریم آغاز کردی و به نیروی خود پشت مرا محکم ساختی و شمشیر قهرش را کُند نمودی و با آن همه یاران که اورا بودند تنهایش گذاشتی ومرا بر او غلبه دادی وآن تیر که به قصد هلاك من در کمان نهاده بود بر اوبازگردانیدی. پس بی آنکه آتش خشمش فرونشسته باشد یا عطش انتقامش تسکین یافته باشد، هزیمتش دادی و او از سرِ خشم سرانگشتان خویش می گزید و می گریخت، بی آنکه یارانش وعده‌هایی را که داده بودند به‌جای آرند.

ای خداوند من، چه بسا دشمن ستمگر که با مکاید خویش مرا بیازرد ودامهای خود بر سر راهِ من تعبیه کرد ومرا زیر نظر خود گرفت و چونان درنده‌ای که در کمین شکار گریخته خود بنشیند در کمین من نشست تا مگر فرصت حمله‌اش به دست افتد ودر همان حال که با گشاده‌رویی چاپلوسی می کرد با نگاه خشم‌آلودش در من می نگریست.

ای خداوند که متبارك ومتعالی هستی، چون خبثِ باطنش و قبحِ نهانش را دیدی، اورا درهمان گودال که برای دردام افکندنِ من کنده بود به سر درانداختی ودر عمق گودالش سرنگون ساختی و او پس از آن همه سرکشی، ذلیل وسرکوفته گردید ودرهمان دامی گرفتار آمد که مرا گرفتارِ آن می خواست. اگر نه رحمت تو بود، نزدیك بود که هرچه او را بر سر آمد مرا بر سرآید.

ای خدای من، بسا حسودمردی که بر نعمت من رشك برد وغصه راهِ گلویش بگرفت وخشم چون استخوانی حلقومش بیازرد وبا نیشِ زبان خودمرا آزارداد وبه هر عیب که درخودداشت مرا تهمت برنهادو

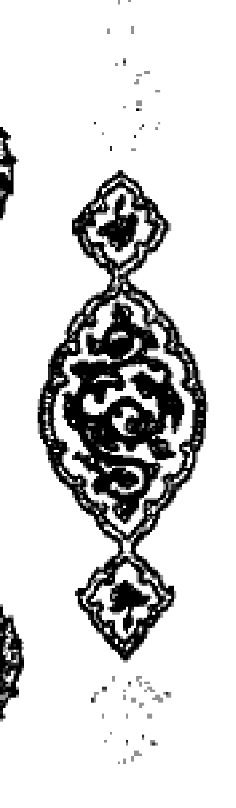
آبروی مرا آماج تیرهای بهتان خود ساخت وصفاتی را که خود بدان موصوف بود بر من بست و به کید و نیرنگ خویش مرا خشمگین ساخت و با حربهٔ مکر خود بر من حمله کرد.

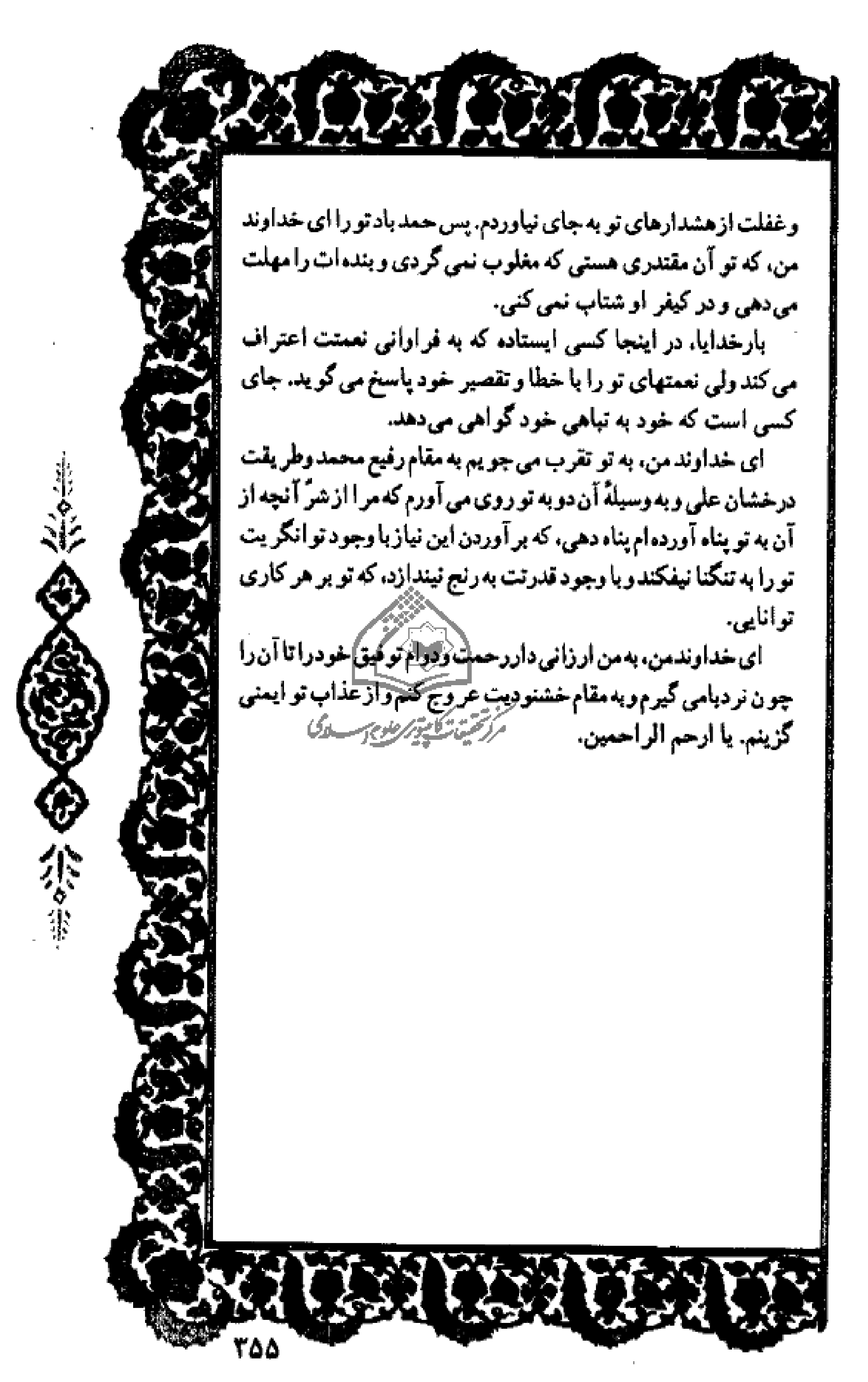
پس ای پروردگارِ من، تو را ندا دادم و به درگاهِ تو استغاثه کردم. امیدم چنان بود که دعای مرا به زودی اجابت کنی و نیک می‌دانستم که آن کس که در سایهٔ امن تو پناه جوید هرگز ستم نبیند و آن که به پناهگاه نصرت تو درآید از کس نهراسد. پس تو مرا به قدرت خویش از آسیب او نگه‌داشتی.

ای خداوند، چه بسیار ابرهای بلا که بر سر من خیمه زده بود و تو آنها را پراکنده ساختی وچه بسا ابرهای آبستن از نعمت خود بر سرِ من فرستادی تا بر من ببارند وچه بسا جویباران رحمت که برای سیراب کردن من جاری کردی وچه بسا جامه‌های عافیت که بر تنِ من پوشیدی وچه بسا چشمانِ حوادث را که بر دوختی وچه بسا حجابهای غم واندوه که به یک سو زدی و حسن ظنِ مرا صورت حقیقت دادی. چه بسا به جای فقر ونیازمندی، توانگری وبی نیازی بخشیدی. چه بسا به سر درافتاده بودم و تو مرا بر پای داشتی و چه بسا مسکنت و بیچارگی که به یکبارگی از میان برداشتی.

بارخدایا، همهٔ اینها انعام واحسان تو بود و حال آنکه من همچنان در نافرمانی تو غوطه‌ور بودم، ولی نه بدکرداریهای من تو را از احسان خویش بازداشت و نه احسان وتفضل تو مرا از ارتکاب اعمالی که تو را به خشم آورد. آری، تو هر چه کنی کس را یارای بازخواست تو نیست.

ای خداوند، از تو خواسته شد، عطا کردی. بی درخواست، دهش آغاز کردی. چون خواستار فضل و احسانت شدند، در بخشش سخاوت ورزیدی. زیرا ای مولای من، جز احسان و تفضّل و نیکی و اِنعام را بر خود نپسندیدی و من جز ارتکاب محرمات وتجاوز از حدود تو





وغفلت از هشدارهای تو به جای نیاوردم. پس حمد باد تو را ای خداوند من، که تو آن مقتدری هستی که مغلوب نمی گردی و بنده ات را مهلت می دهی و در کیفر او شتاب نمی کنی.

بارخدایا، در اینجا کسی ایستاده که به فراوانی نعمتت اعتراف می کند ولی نعمتهای تو را با خطا و تقصیر خود پاسخ می گوید. جای کسی است که خود به تباهی خود گواهی می دهد.

ای خداوند من، به تو تقرب می جویم به مقام رفیع محمد وطریقت درخشان علی و به وسیلهٔ آن دو به تو روی می آورم که مرا از شرّ آنچه از آن به تو پناه آورده ام پناه دهی، که برآوردن این نیاز با وجود توانگریت تو را به تنگنا نیفکند و با وجود قدرتت به رنج نیندازد، که تو بر هر کاری توانایی.

ای خداوندمن، به من ارزانی دار رحمت ودوام توفیق خودرا تا آن را چون نردبامی گیرم و به مقام خشنودیت عروج کنم واز عذاب تو ایمنی گزینم. یا ارحم الراحمین.

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلامُ فِي الرَّهْبَةِ

اَللّٰهُمَّ إِنَّكَ خَلَقْتَنِي سَوِيّاً وَرَبَّيْتَنِي صَغِيراً وَرَزَقْتَنِي مُكْتَفِياً اَللّٰهُمَّ إِنِّي وَجَدْتُ فِيمَا أَنْزَلْتَ مِنْ كِتَابِكَ وَبَشَّرْتَ بِهِ عِبَادَكَ أَنْ قُلْتَ: يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللهِ إِنَّ اللهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعاً وَقَدْ تَقَدَّمَ مِنِّي مَا قَدْ عَلِمْتَ وَمَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنِّي فَيَا سَوْأَتَا مِمَّا أَحْصَاهُ عَلَيَّ كِتَابُكَ فَلَوْلَا الْمَوَاقِفُ الَّتِي أُؤَمِّلُ مِنْ عَفْوِكَ الَّذِي شَمِلَ كُلَّ شَيْءٍ لَأَلْقَيْتُ بِيَدِي وَلَوْ أَنَّ أَحَداً اسْتَطَاعَ الْهَرَبَ مِنْ رَبِّهِ لَكُنْتُ أَنَا أَحَقَّ بِالْهَرَبِ مِنْكَ وَأَنْتَ لَا تَخْفَى عَلَيْكَ خَافِيَةٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ إِلَّا أَتَيْتَ بِهَا وَكَفَى بِكَ جَازِياً وَكَفَى بِكَ حَسِيباً اَللّٰهُمَّ إِنَّكَ طَالِبِي إِنْ أَنَا هَرَبْتُ وَمُدْرِكِي إِنْ أَنَا فَرَرْتُ فَهَا أَنَا ذَا بَيْنَ يَدَيْكَ خَاضِعٌ ذَلِيلٌ رَاغِمٌ إِنْ تُعَذِّبْنِي فَإِنِّي لِذَلِكَ أَهْلٌ وَهُوَ يَا رَبِّ مِنْكَ عَدْلٌ وَإِنْ تَعْفُ عَنِّي

فَقَدْ بِمَا شَمِلَنِي عَفْوُكَ وَأَلْبَسَتْنِي عَافِيَتُكَ فَأَسْأَلُكَ

اللّٰهُمَّ بِالْمَخْزُونِ مِنْ أَسْمَائِكَ وَبِمَا وَارَتْهُ الْحُجُبُ مِنْ بَهَائِكَ

إِلَّا رَحِمْتَ هٰذِهِ النَّفْسَ الْجَزُوعَةَ وَهٰذِهِ الرِّمَّةَ الْهَلُوعَةَ

الَّتِي لَا تَسْتَطِيعُ حَرَّ شَمْسِكَ فَكَيْفَ تَسْتَطِيعُ حَرَّ نَارِكَ

وَالَّتِي لَا تَسْتَطِيعُ صَوْتَ رَعْدِكَ فَكَيْفَ تَسْتَطِيعُ

صَوْتَ غَضَبِكَ فَارْحَمْنِي اللّٰهُمَّ فَإِنِّي امْرُؤٌ حَقِيرٌ وَخَطَرِي

يَسِيرٌ وَلَيْسَ عَذَابِي مِمَّا يَزِيدُ فِي مُلْكِكَ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ

وَلَوْ أَنَّ عَذَابِي مِمَّا يَزِيدُ فِي مُلْكِكَ لَسَأَلْتُكَ الصَّبْرَ

عَلَيْهِ وَأَحْبَبْتُ أَنْ يَكُونَ ذٰلِكَ لَكَ وَلٰكِنْ سُلْطَانُكَ

اللّٰهُمَّ أَعْظَمُ وَمُلْكُكَ أَدْوَمُ مِنْ أَنْ تَزِيدَ فِيهِ طَاعَةُ

الْمُطِيعِينَ أَوْ تَنْقُصَ مِنْهُ مَعْصِيَةُ الْمُذْنِبِينَ فَارْحَمْنِي

يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَتَجَاوَزْ عَنِّي يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ

وَتُبْ عَلَيَّ إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ.



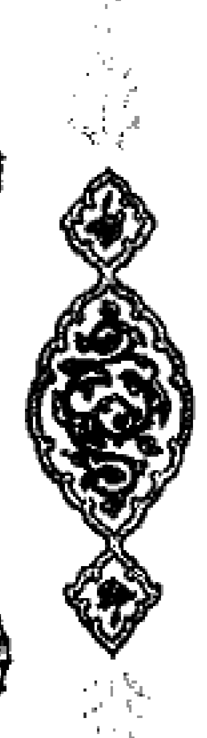
نیایش پنجاهم[1]

ای خداوند، مرا درست اندام و کامل آفریدی و در خُردی بپروردی و به کفایت روزی‌ام دادی.

ای خداوند، در کتابی که نازل کرده‌ای و بندگانت را به آن بشارت داده‌ای، یافته‌ام که گفته‌ای: «بگو ای بندگان من که بر زیانِ خویش اسراف کرده‌اید، از رحمت خداوند مأیوس مشوید، زیرا خدا همهٔ گناهان را می‌آمرزد.»[2] و تو خود دانی و بهتر از من دانی که چه گناهانی از من سر زده است و از آن همه گناهان که برای من در طومار تو ثبت شده، چه رسوایی عظیمی است مرا. و اگر به عفو تو که همه کس و همه چیز را در برمی‌گیرد امیدم نبود از دست می‌رفتم. اگر کسی را یارای آن بود که از پروردگارش بگریزد، من از هر کس دیگر سزاوارتر می‌بودم که از تو بگریزم. بارخدایا، تویی که در آسمان و زمین هیچ رازی بر تو پوشیده نیست و آن را در روز رستاخیز آشکار می‌کنی و در آن روز نه به جزادهنده‌ای نیازت هست و نه به حسابگری.

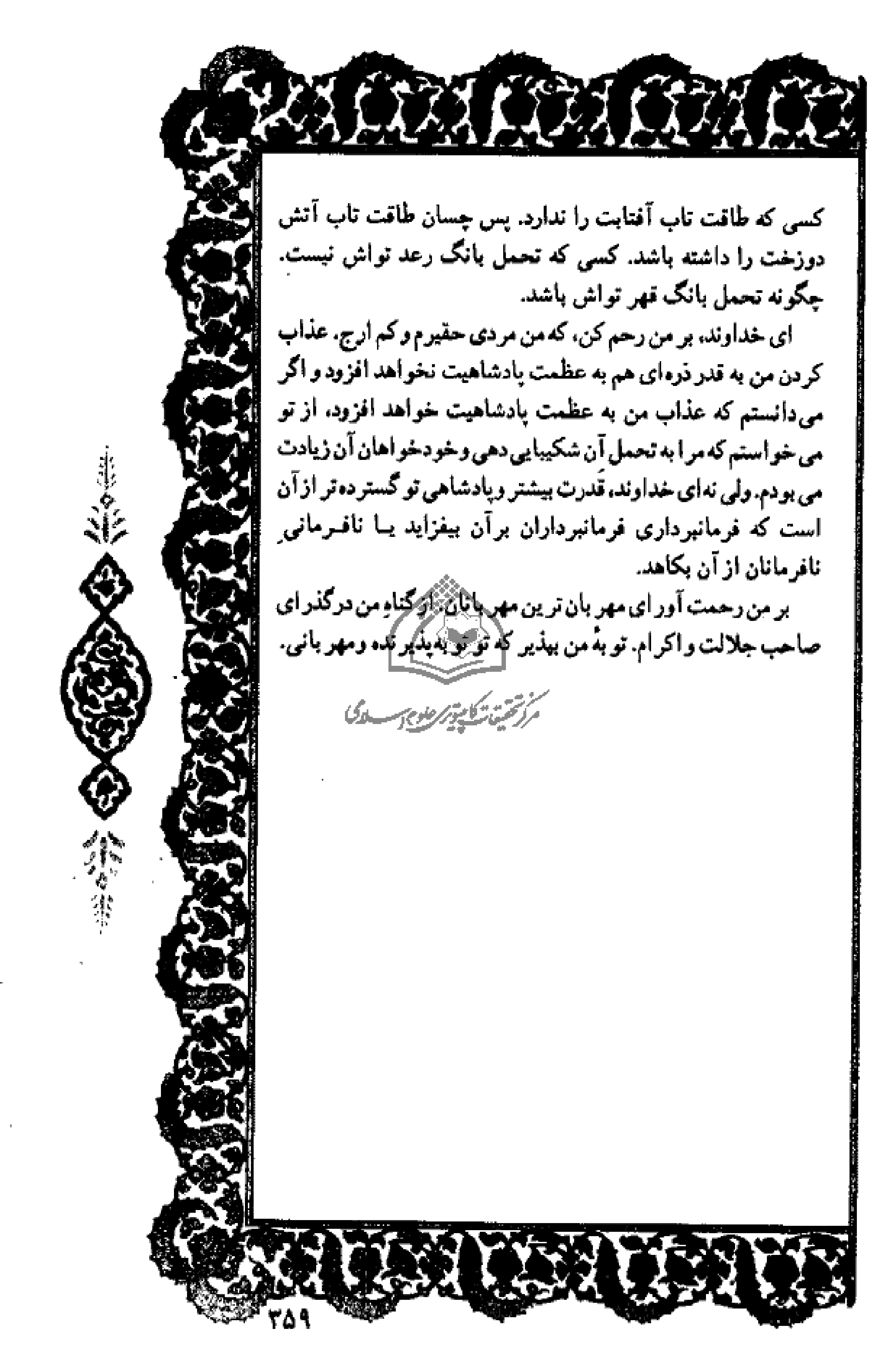
بارخدایا، اگر بگریزم، مرا طلب کنی و مرا درخواهی یافت. پس اینک در برابر تو خاضع و ذلیل و سرافکنده ایستاده‌ام. اگر عذابم کنی، شایستهٔ آنم و این ــ ای پروردگار من ــ از سوی تو عدل است. و اگر عفو کنی، از دیرباز مشمول عفو تو بوده‌ام و تو جامهٔ عافیت خود بر پیکرِ من پوشیدی.

بارخدایا، تو را سوگند می‌دهم به نامهای نهانیت، نامهایی که جز تو کس آنها را نداند، و به شکوه و جلالت که در پس پرده‌های عزّت پوشیده شده که بر این جانِ بی‌تاب و این مشت استخوانِ ناتوان رحمت آوری:



۱. دعای آن حضرت است در خوف از خدای تعالی.
۲. سورهٔ ۳۹/آیهٔ ۵۳





کسی که طاقت تاب آفتاب را ندارد. پس چسان طاقت تاب آتش دوزخت را داشته باشد. کسی که تحمل بانگ رعد تواش نیست. چگونه تحمل بانگ قهر تواش باشد.

ای خداوند، بر من رحم کن، که من مردی حقیرم و کم ارج، عذاب کردن من به قدر ذره‌ای هم به عظمت پادشاهیت نخواهد افزود و اگر می‌دانستم که عذاب من به عظمت پادشاهیت خواهد افزود، از تو می‌خواستم که مرا به تحمل آن شکیبایی دهی و خودخواهان آن زیادت می‌بودم. ولی نه‌ای خداوند، قدرت بیشتر و پادشاهی تو گسترده‌تر از آن است که فرمانبرداری فرمانبرداران بر آن بیفزاید یا نافرمانی نافرمانان از آن بکاهد.

بر من رحمت آور ای مهربان‌ترین مهربانان. از گناه من درگذر ای صاحب جلالت و اکرام. توبهٔ من بپذیر که تو توبه‌پذیرنده و مهربانی.

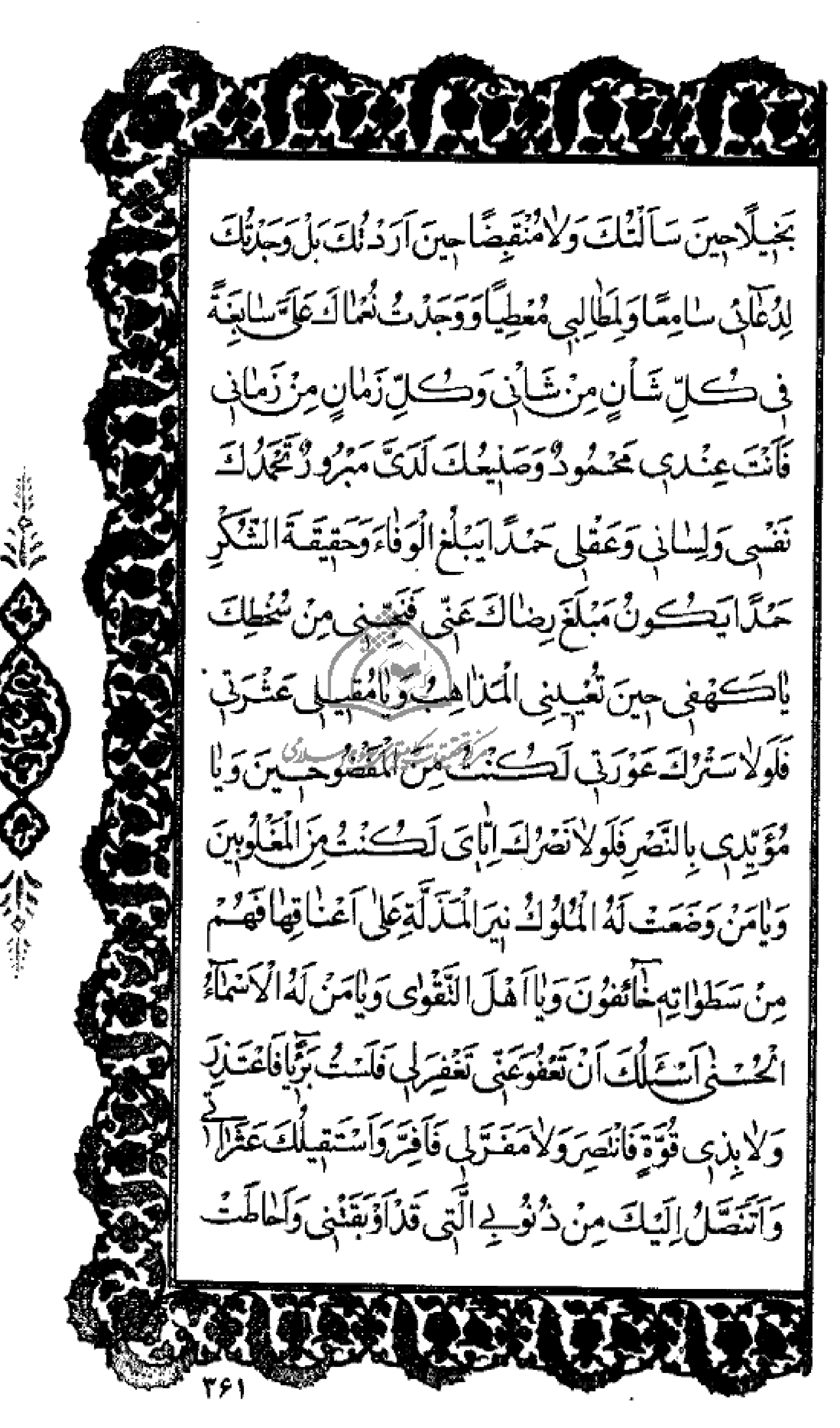
وكان من دعائه عليه السلام

في التضرع والاستكانة

دعاء «٥١»

الهي احمدك وانت للحمد اهل على حسن صنيعك الي وسبوغ نعمائك علي وجزيل عطائك عندي وعلى ما فضلتني به من رحمتك واسبغت علي من نعمتك فقد اصطنعت عندي ما يعجز عنه شكري ولولا احسانك الي و سبوغ نعمائك علي ما بلغت احراز حظي ولا اصلاح نفسي ولكنك ابتدأتني بالاحسان ورزقتني في اموري كلها الكفاية وصرفت عني جهد البلاء ومنعت مني محذور القضاء الهي فكم من بلاء جاهد قد صرفت عني وكم من نعمة سابغة اقررت بها عيني وكم من صنيعة كريمة لك عندي انت الذي اجبت عند الاضطرار دعوتي واقلت عند العثار زلتي واخذت لي من الاعداء بظلامتي الهي ما وجدتك





بخيلاً حين سألتك ولا منقبضاً حين أردتك بل وجدتك

لدعائي سامعاً ولمطالبي معطياً ووجدت نعماك عليّ سابغة

في كلّ شأنٍ من شأني وكلّ زمانٍ من زماني

فأنت عندي محمودٌ وصنيعك لديّ مبرورٌ تحمدك

نفسي ولساني وعقلي حمداً يبلغ الوفاء وحقيقة الشكر

حمداً يكون مبلغ رضاك عنّي فنجّني من سخطك

يا كهفي حين تعييني المذاهب ويا مقيلي عثرتي

فلولا سترك عورتي لكنت من المفضوحين ويا

مؤيّدي بالنصر فلولا نصرك إيّاي لكنت من المغلوبين

ويا من وضعت له الملوك نير المذلّة على أعناقها فهم

من سطواته خائفون ويا أهل التقوى ويا من له الأسماء

الحسنى أسألك أن تعفو عنّي تغفر لي فلست بريئاً فأعتذر

ولا بذي قوّة فأنتصر ولا مفرّ لي فأفرّ وأستقيلك عثراتي

وأتنصّل إليك من ذنوبي التي قد أوبقتني وأحاطت

بي فاهلكتني منها فررت اليك رب تائبا فتب

علي متعوذا فاعذني مستجيرا فلا تخذلني سآئلا فلا تحرمني

معتصما فلا تسلمني داعيا فلا تردني خائبا دعوتك يا

رب مسكينا مستكينا مشفقا خائفا وجلا فقيرا

مضطرا اليك اشكو اليك يا الهي ضعف نفسي عن

المسارعة فيما وعدته اولياءك والمجانبة عما حذرته

اعداءك وكثرة همومي ووسوسة نفسي الهي لم

تفضحني بسريرتي ولم تهلكني بجريرتي ادعوك فتجيبني

وان كنت بطيئا حين تدعوني واسالك كلما شئت

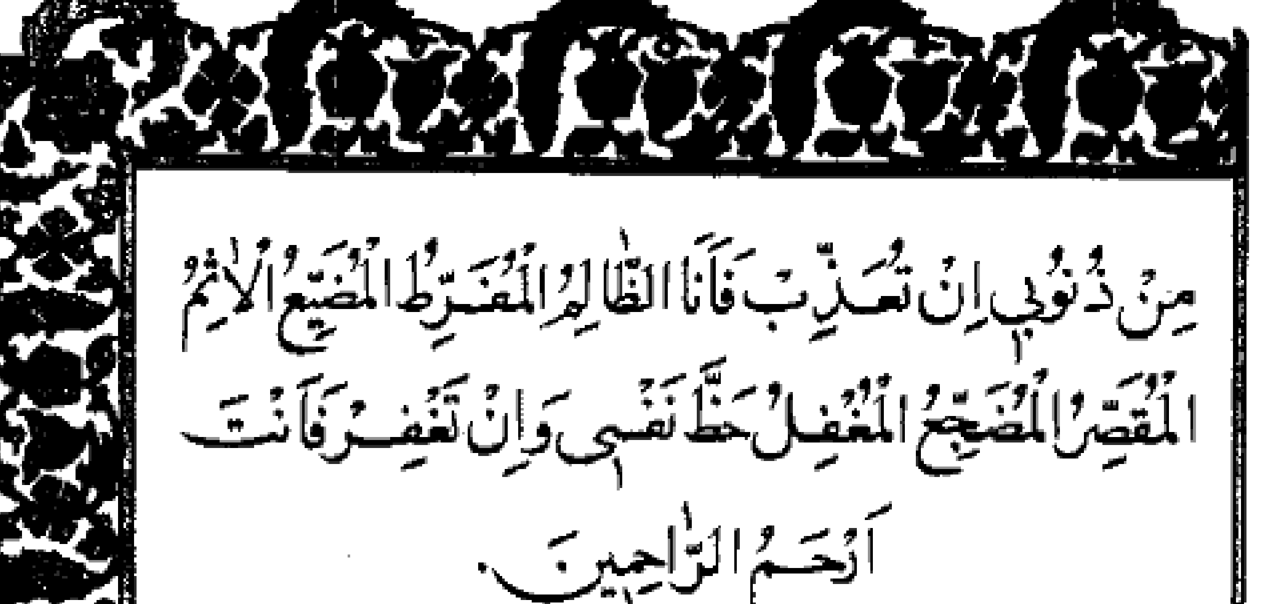
من حوائجي وحيث ما كنت وضعت عندك سري

فلا ادعو سواك ولا ارجو غيرك لبيك لبيك تسمع من

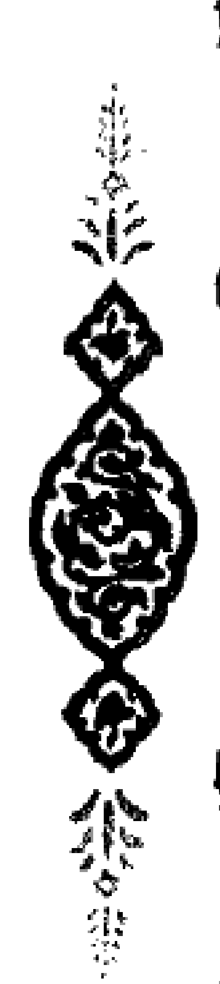
شكا اليك وتلقى من توكل عليك وتخلص من

اعتصم بك وتفرج عمن لاذ بك الهي فلا تحرمني خير

الاخرة والاولى لقلة شكري واغفر لي ما تعلم



مِنْ ذُنُوبِي إِنْ تُعَذِّبْ فَأَنَا الظَّالِمُ الْمُفَرِّطُ الْمُضَيِّعُ الْآثِمُ الْمُقَصِّرُ الْمُضَجِّعُ الْمُغْفِلُ حَظَّ نَفْسِي وَإِنْ تَغْفِرْ فَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ.



نیایش پنجاه ویکم[1]

ای خداوند من، حمد می گویم تو را ـــ و تو سزاوار حمدی ـــ حمد می گویم تو را به سبب نیکیهایت که در حق من رواداشتی و به سبب نعمتهای فراوانت که به من ارزانی فرمودی و عطایای بسیارت که مرا بدان نواختی و رحمت و بخشایش و نعمتت که مرا بر دیگران برتری نهادی و به من دادی. درباره من نیکیها کرده‌ای و مرا نعمتها داده‌ای که زبان از سپاس آن عاجز است. و اگر احسان تو و نعم بی شمارت نمی بود، هرگز نمی توانستم بهرهٔ خویش فراچنگ آرم و به اصلاح نفس خود پردازم. ولی تو پیش از آنکه خواستار احسانت شوم، مرا غرقهٔ احسان خود ساختی و در همهٔ کارهایم مرا از دیگران بی نیازی بخشیدی و بلا از من بگردانیدی و قضای سهمگین از من بازداشتی.

بارخدایا، چه بلاهای رنج آور که از من بگردانیده‌ای و چه نعمتهای فراوان که مرا بدان شادمان ساخته‌ای و چه احسانهای بزرگوارانه که درحق من نموده‌ای.

بارخدایا، تویی که به هنگام بیچارگی دعای من اجابت کردی و چون به خطا ولغزشی گرفتار آمدم ازمن درگذشتی وحق مرا ازدشمنان بگرفتی.

[1]. دعای آن حضرت است در تضرع و اظهار فروتنی.

ای خداوند، هر گاه که از تو درخواستی نموده ام بخیلت نیافته‌ام و هر زمان که آهنگ تو کرده ام گرفته‌ات ندیده ام، بل چنانت یافته‌ام که دعای مرا می شنوی و آنچه خواسته‌ام عطا می کنی و در هر کار که هستم و در هر زمان که هستم دیده‌ام که نعمت بسیارت بر من روان است. از این روست که درنزد من ستوده‌ای و احسانت بس نیکوست.

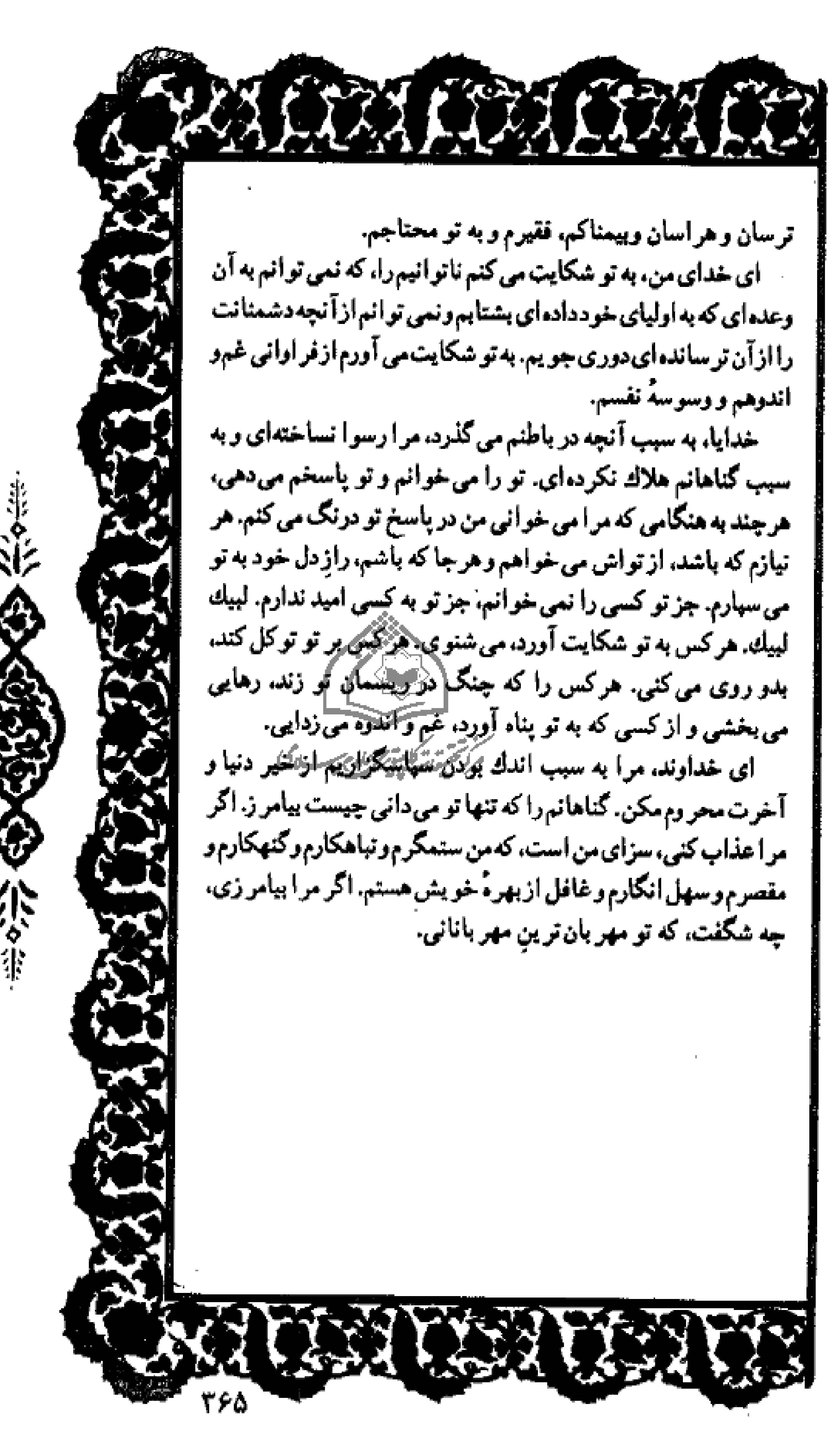
ای خداوند، جانِ من و زبانِ من و عقل من، حمد و سپاس تو گویند، حمدی به کمال رسیده، حمدی به حقیقت شکر نایل آمده، حمدی تا غایتِ خشنودیت فرارفته. پس مرا از خشم خود در امان دار.

ای پناهگاهِ من هنگامی که یافتن راههای رهایی برای من دشوار می شود، ای عفو کننده از خطا، اگر تو بر گناه من پرده نیفکنده بودی، من از رسوایان می بودم. ای خداوندی که به یاری خویش مرا توانایی بخشیده‌ای، اگر یاری تو نبود من از مغلوبان می بودم. ای خداوندی که پادشاهان در برابر تو یوغ مذلت بر گردن نهاده‌اند و از سطوت تو بیمناکند. ای خداوندی که سزاوار آنی که از تو بترسند، ای خداوندی که نامهای نیکو از آنِ توست، از تو می خواهم که مرا عفو کنی و بیامرزی، که من بی گناه نیستم که عذری اقامه کنم و نیرومند نیستم که هوای غلبه‌ام درسر باشد و گریزگاهی ندارم که بدان درگریزم.

از تو خواهم که خطاهایم ببخشایی و از آن گناهان که مرا گرفتار خود ساخته و گرد من فراگرفته و به هلاکتم نزدیك کرده، پوزش می خواهم. از آن گناهان در تو می گریزم —ای پروردگار من— و توبه می کنم، توبهٔ من بپذیر. به تو پناه می‌جویم، پناهم ده. از تو زنهار می طلبم، خوارم فرومگذار. دست سؤال پیش تو دراز کرده‌ام، محرومم مکن. به رشتهٔ رحمت تو چنگ زده‌ام، رهایم مکن. تو را می خوانم، نومیدم بازمگردان.

ای پروردگار من، تو را می خوانم، در حالی که مسکینم، زار و نزارم،





ترسان و هراسان وبیمناکم، فقیرم و به تو محتاجم.

ای خدای من، به تو شکایت می کنم ناتوانیم را، که نمی توانم به آن وعده‌ای که به اولیای خود داده‌ای بشتابم ونمی توانم از آنچه دشمنانت را از آن ترسانده‌ای دوری جویم. به تو شکایت می آورم از فراوانی غم و اندوهم و وسوسهٔ نفسم.

خدایا، به سبب آنچه در باطنم می گذرد، مرا رسوا نساخته‌ای و به سبب گناهانم هلاك نکرده‌ای. تو را می خوانم و تو پاسخم می‌دهی، هرچند به هنگامی که مرا می خوانی من در پاسخ تو درنگ می کنم. هر نیازم که باشد، از تواش می خواهم و هرجا که باشم، رازِ دل خود به تو می سپارم. جز تو کسی را نمی خوانم، جز تو به کسی امید ندارم. لبیك لبیك. هرکس به تو شکایت آورد، می شنوی. هرکس بر تو توکل کند، بدو روی می کنی. هرکس را که چنگ در ریسمان تو زند، رهایی می بخشی و از کسی که به تو پناه آورد، غم و اندوه می‌زدایی.

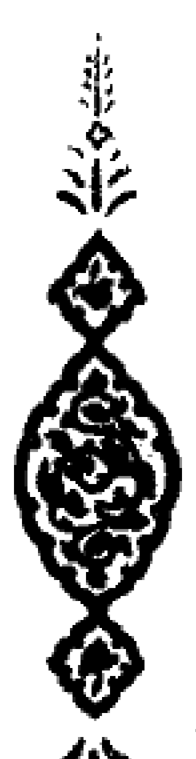
ای خداوند، مرا به سبب اندك بودن سپاسگزاریم از خیر دنیا و آخرت محروم مکن. گناهانم را که تنها تو می‌دانی چیست بیامرز. اگر مرا عذاب کنی، سزای من است، که من ستمگرم و تباهکارم و گنهکارم و مقصرم و سهل انگارم و غافل از بهرهٔ خویش هستم. اگر مرا بیامرزی، چه شگفت، که تو مهربان‌ترینِ مهربانانی.

وكان من دعائه عليه السلام
في الالحاح على الله تعالى

دعاء ۵۲۰

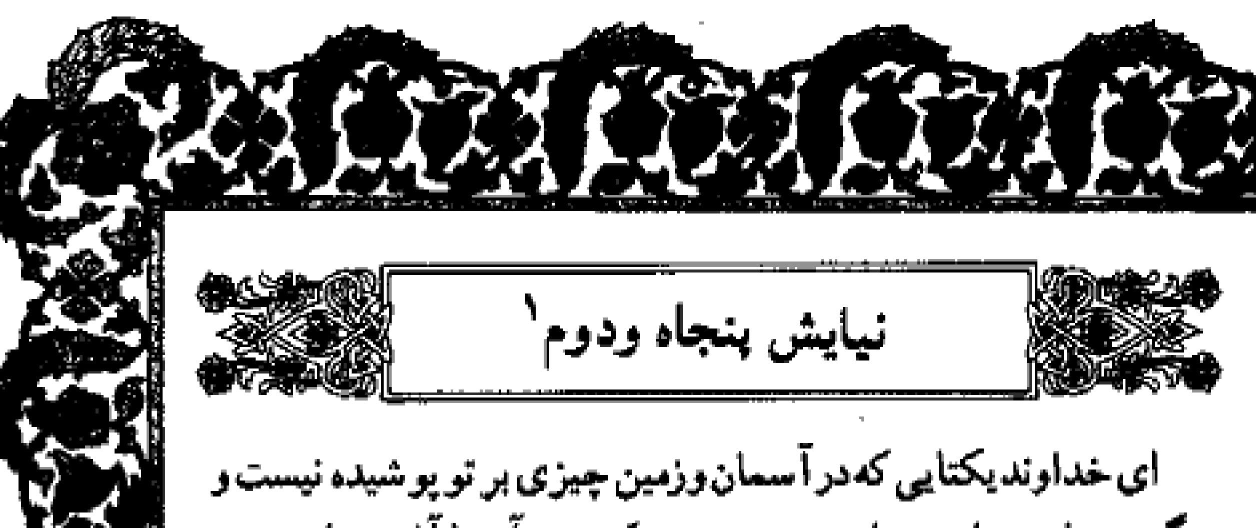
يا الله الذي لا يخفى عليه شيء في الأرض ولا في السماء وكيف يخفى عليك يا إلهي ما أنت خلقته وكيف لا تحصي ما أنت صنعته أو كيف يغيب عنك ما أنت تدبره أو كيف يستطيع أن يهرب منك من لا حياة له إلا برزقك أو كيف ينجو منك من لا مذهب له في غير ملكك سبحانك أخشى خلقك لك أعلمهم بك وأخضعهم لك أعملهم بطاعتك وأهونهم عليك من أنت ترزقه وهو يعبد غيرك سبحانك لا ينقص سلطانك من أشرك بك وكذب رسلك وليس يستطيع من كره قضاءك أن يرد أمرك ولا يمتنع منك من كذب بقدرتك ولا يفوتك من عبد غيرك ولا يعمر في الدنيا من كره لقاءك سبحانك



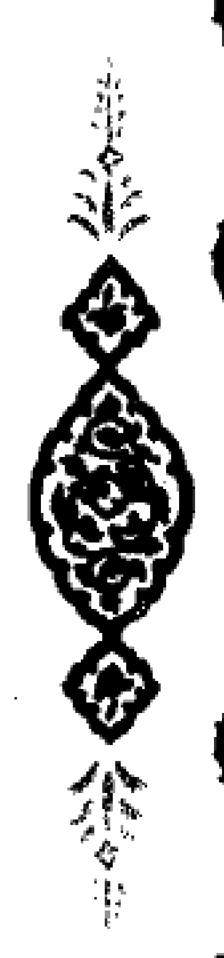


ما اعظم شانك واقهر سلطانك واشد قوتك وانفذ
امرك سبحانك قضيت على جميع خلقك الموت من
وحدك ومن كفر بك وكل ذائق الموت وكل صائر
اليك فتباركت وتعاليت لا اله الا انت وحدك
لا شريك لك امنت بك وصدقت رسلك وقبلت
كتابك وكفرت بكل معبود غيرك وبرئت ممن
عبد سواك اللهم انى اصبح وامسى مستقلا لعملى معترفا
بذنبى مقرا بخطاياى انا باسرافى على نفسى ذليل عملى
اهلكنى وهواى اردانى وشهواتى حرمتنى
فاسألك يا مولاى سؤال من نفسه لاهية لطول امله
وبدنه غافل لسكون عروقه وقلبه مفتون بكثرة
النعم عليه وفكره قليل لما هو صائر اليه سؤال
من قد غلب عليه الامل وفتنه الهوى واستمكنت
منه الدنيا واظله الاجل سؤال من استكثر ذنوبه

وَ اَعْتَرِفُ بِخَطِيئَتِهِ سُؤَالَ مَنْ لَا رَبَّ لَهُ غَيْرُكَ وَلَا وَلِيَّ
لَهُ دُونَكَ وَلَا مُنْقِذَ لَهُ مِنْكَ وَلَا مَلْجَأَ لَهُ مِنْكَ اِلَّا اِلَيْكَ
اِلٰهِي اَسْأَلُكَ بِحَقِّكَ الْوَاجِبِ عَلَى جَمِيعِ خَلْقِكَ وَبِاسْمِكَ
الْعَظِيمِ الَّذِي اَمَرْتَ رَسُولَكَ اَنْ يُسَبِّحَكَ بِهِ وَبِجَلَالِ
وَجْهِكَ الْكَرِيمِ الَّذِي لَا يَبْلَى وَلَا يَتَغَيَّرُ وَلَا يَحُولُ وَ
لَا يَفْنَى اَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تُغْنِيَنِي عَنْ
كُلِّ شَيْءٍ بِعِبَادَتِكَ وَاَنْ تُسَلِّيَ نَفْسِي عَنِ الدُّنْيَا
بِمَخَافَتِكَ وَاَنْ تُثْنِيَنِي بِالْكَثِيرِ مِنْ كَرَامَتِكَ
بِرَحْمَتِكَ فَاِلَيْكَ اَفِرُّ وَمِنْكَ اَخَافُ وَبِكَ اَسْتَغِيثُ وَ
اِيَّاكَ اَرْجُو وَلَكَ اَدْعُو وَاِلَيْكَ اَلْجَأُ وَبِكَ اَثِقُ وَاِيَّاكَ
اَسْتَعِينُ وَبِكَ اُومِنُ وَعَلَيْكَ اَتَوَكَّلُ وَعَلَى جُودِكَ
وَكَرَمِكَ اَتَّكِلُ.



نیایش پنجاه ودوم[1]



ای خداوندیکتایی که در آسمان وزمین چیزی بر تو پوشیده نیست و چگونه تواند ــ ای خدای من ــ چیزی که خود آن را آفریده‌ای بر تو پوشیده ماند، یا چگونه شمار نتوانی کرد آنچه خود آن را پدید آورده‌ای، یا چگونه از تو پنهان تواند ماند آنچه تدبیر کار او به دست توست، یا چگونه از تو تواند گریخت آن که اگر روزی اش ندهی زنده نخواهد بود، یا چگونه از چنبر فرمان تو تواند رست آن که راهی جز حیطهٔ فرمانروایی تواش درپیش نیست.

ای خداوند، منزهی تو. از آفریدگانت آن که تو را بیشتر شناسد، بیشتر از تو ترسد و آن که تو را بیشتر فرمان بَرَد، خضوعش در برابر تو بیشتر باشد و آن که تواش روزی دهی و او دیگری را پرستد، در نزد تو از همه کس فرومایه‌تر است.

ای خداوند، منزهی تو. سلطه و قدرتِ تو را نمی‌کاهد کسی که به تو شرك آوَرَد و پیامبرانت را به دروغ نسبت دهد. آن کس که خواستِ تو را خوش ندارد، نتواند فرمانت را نپذیرد و آن کس که منکر قدرت تو بُوَد، خود را از تو در امان نتواند داشت و آن کس که جز تو دیگری را پرستد، از کیفر تواش گریزی نیست و آن کس که دیدار تو را نخواهد، نتواند تا ابد در دنیا زیستن گیرد.

ای خداوند، منزهی تو. چه رفیع است مقام تو، چه قهّار است قدرت تو، چه سخت است نیروی تو، چه نافذ است فرمان تو.

ای خداوند، منزهی تو. مرگ را بر همهٔ آفریدگانت مقرر داشته‌ای؛ خواه به یکتاییت بپرستند یا نپرستند. همه چشندهٔ شرنگ مرگند و همه

۱. دعای آن حضرت است به هنگام طلب به اصرار از باری تعالی.

رهسپارسرای آخرت. پس متبارك و متعالي هستي. خدايي جز تو نيست. يكتايي و بي شريكي.

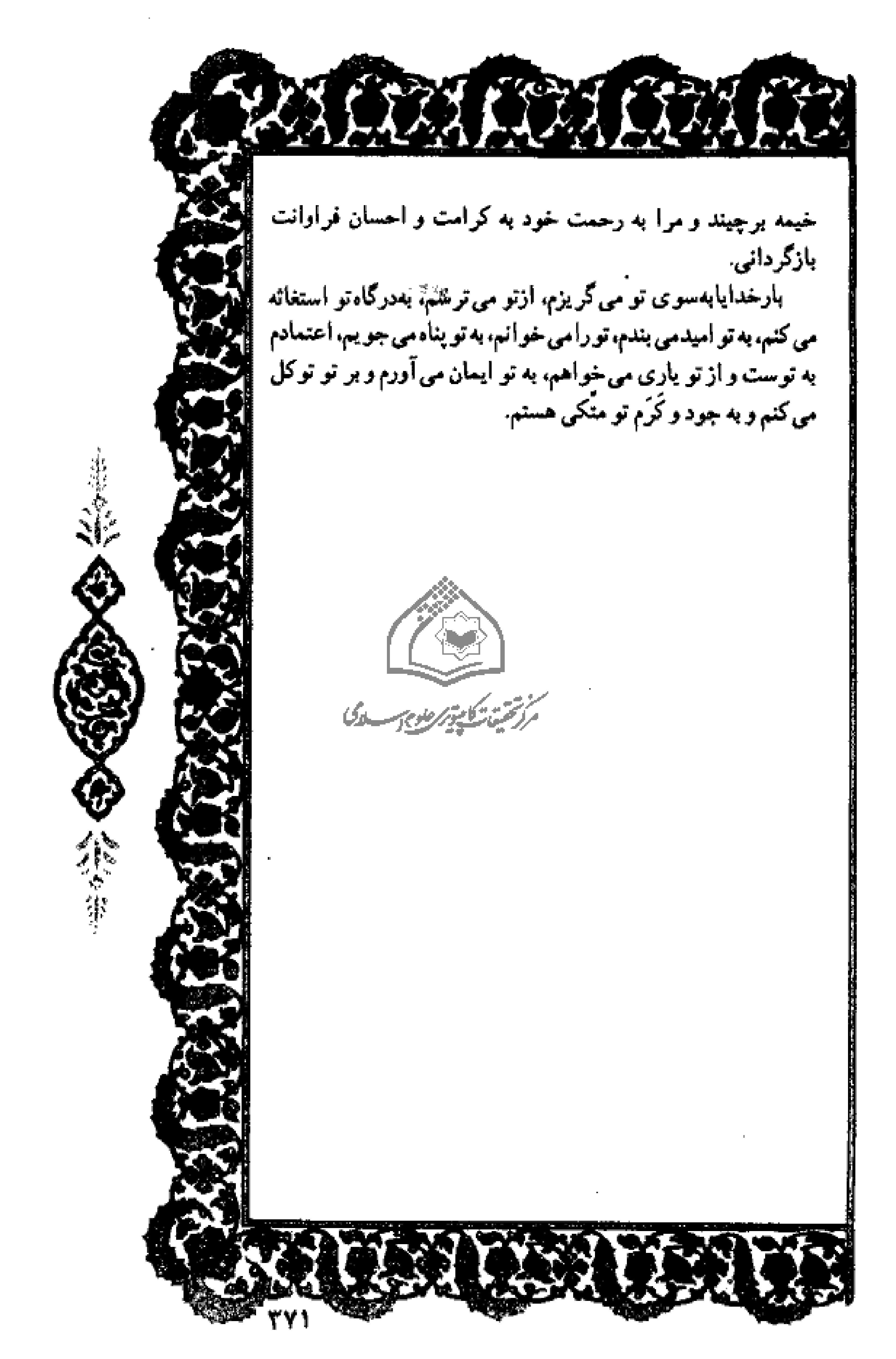
به تو ايمان آوردم وپيامبرانت را تصديق كردم وكتابت را پذيرفتم و به هر معبودي جز تو كافر شدم و ازهر كس كه جز تو را بپرستد بيزاري جستم.

بارخدايا، شام را به بامداد مي آورم و بامداد را به شام مي‌رسانم در حالي كه عمل خويش اندك مي شمارم و به گناه خود اعتراف مي كنم و به خطاي خويش اقرار مي آورم.

بارخدايا، چون پيروي از هواي نفس را از حد گذرانيده‌ام، آفريده‌اي ذليلم. عمل‌من مرا به هلاكت افكند وهوي وهوسِ من به تباهيم كشيد و شهوات من مرا از كردار نيك محروم داشت.

اي مولاي من، از تو مي‌خواهم، همانند كسي كه آرزوي دورودرازش به لهو ولعب سرگرم داشته وجسمش به سبب تن‌پروري غافل است ودلش به سبب افزوني نعمت مفتون است و خود دربارهٔ آينده‌اي كه به سوي آن رهسپار است اندك مي انديشد؛ همانند آن كس كه آرزو بر او چيره شده وهويٰ وهوس اورا فريفته ودنيا بر او تسلط يافته ومرگ بر اوسايه افكنده است؛ همانند آن كس كه گناه خود بسيار مي‌شمرَد و به خطاي خود اعتراف مي‌كند؛ همانند آن كس كه پروردگاري جز تو ندارد و جز تواش دوستي نيست و كسي از خشم تواش نمي رهاند وپناهگاهيش جز آستان تو نيست. اي خداوند، از تو مي‌خواهم، به حق خود كه بر همگان واجب گردانيده‌اي وبه نام‌مهينِ تو كه پيامبرت را فرموده‌اي كه تورا بدان نام تسبيح گويد وبه عظمت ذات بزرگوارتو كه نه كهنه مي شود ونه تغيير مي‌يابد ونه فنا مي پذيرد، كه بر محمد وخاندانش درود بفرستي ومرا به نيروي عبادتت ازهرچه هست بي نيازكني وخوف خويش دردلم افكني تا محبت دنيا ازصحراي دلم





خیمه برچیند و مرا به رحمت خود به کرامت و احسان فراوانت بازگردانی.

بارخدایا به‌سوی تو می گریزم، ازتو می ترسم، به‌درگاه‌تو استغاثه می کنم، به تو امید می بندم، تو را می خوانم، به تو پناه می جویم، اعتمادم به توست و از تو یاری می خواهم، به تو ایمان می آورم و بر تو توکل می کنم و به جود و کَرَم تو متکی هستم.

وَكانَ مِنْ دُعائِهِ عَلَيْهِ السَّلامُ

فِي التَّذَلُّلِ لِلّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ

دعاء ٥٣٠

رَبِّ اَفْحَمَتْنِي ذُنُوبِي وَانْقَطَعَتْ مَقالَتِي فَلاحُجَّةَ لِي فَاَنَا الْاَسِيرُ بِبَلِيَّتِي الْمُرْتَهَنُ بِعَمَلِي الْمُتَرَدِّدُ فِي خَطِيئَتِي الْمُتَحَيِّرُ عَنْ قَصْدِي الْمُنْقَطَعُ بِي قَدْ اَوْقَفْتُ نَفْسِي مَوْقِفَ الْاَذِلّاءِ الْمُذْنِبِينَ مَوْقِفَ الْاَشْقِياءِ الْمُتَجَرِّينَ عَلَيْكَ الْمُسْتَخِفِّينَ بِوَعْدِكَ سُبْحانَكَ اَيَّ جُرْاَةٍ اِجْتَرَاْتُ عَلَيْكَ وَاَيَّ تَغْرِيرٍ غَرَّرْتُ بِنَفْسِي مَوْلايَ اِرْحَمْ كَبْوَتِي لِحُرِّ وَجْهِي وَزَلَّةَ قَدَمِي وَعُدْ بِحِلْمِكَ عَلى جَهْلِي وَبِاِحْسانِكَ عَلى اِساءَتِي فَاَنَا الْمُقِرُّ بِذَنْبِي الْمُعْتَرِفُ بِخَطِيئَتِي وَهذِهِ يَدِي وَناصِيَتِي اَسْتَكِينُ بِالْقَوَدِ مِنْ نَفْسِي اِرْحَمْ شَيْبَتِي وَنَفادَ اَيّامِي وَاقْتِرابَ اَجَلِي وَضَعْفِي وَمَسْكَنَتِي وَقِلَّةَ حِيلَتِي مَوْلايَ وَارْحَمْنِي اِذَا انْقَطَعَ مِنَ الدُّنْيا اَثَرِي وَامَّحى مِنَ الْمَخْلُوقِينَ ذِكْرِي وَكُنْتُ مِنَ الْمَنْسِيِّينَ





كَمَنْ قَدْ نُسِيَ مَوْلايَ وَارْحَمْني عِنْدَ تَغَيُّرِ صُورَتي وَحالي

إذا بَلِيَ جِسْمي وَتَفَرَّقَتْ أعْضائي وَتَقَطَّعَتْ أوْصالي يا

غَفْلَتي عَمّا يُرادُ بي مَوْلايَ وَارْحَمْني في حَشْري وَنَشْري

وَاجْعَلْ في ذلِكَ الْيَوْمِ مَعَ أوْلِيائِكَ مَوْقِفي وَفي أحِبّائِكَ

مَصْدَري وَفي جِوارِكَ مَسْكَني يا رَبَّ الْعالَمينَ

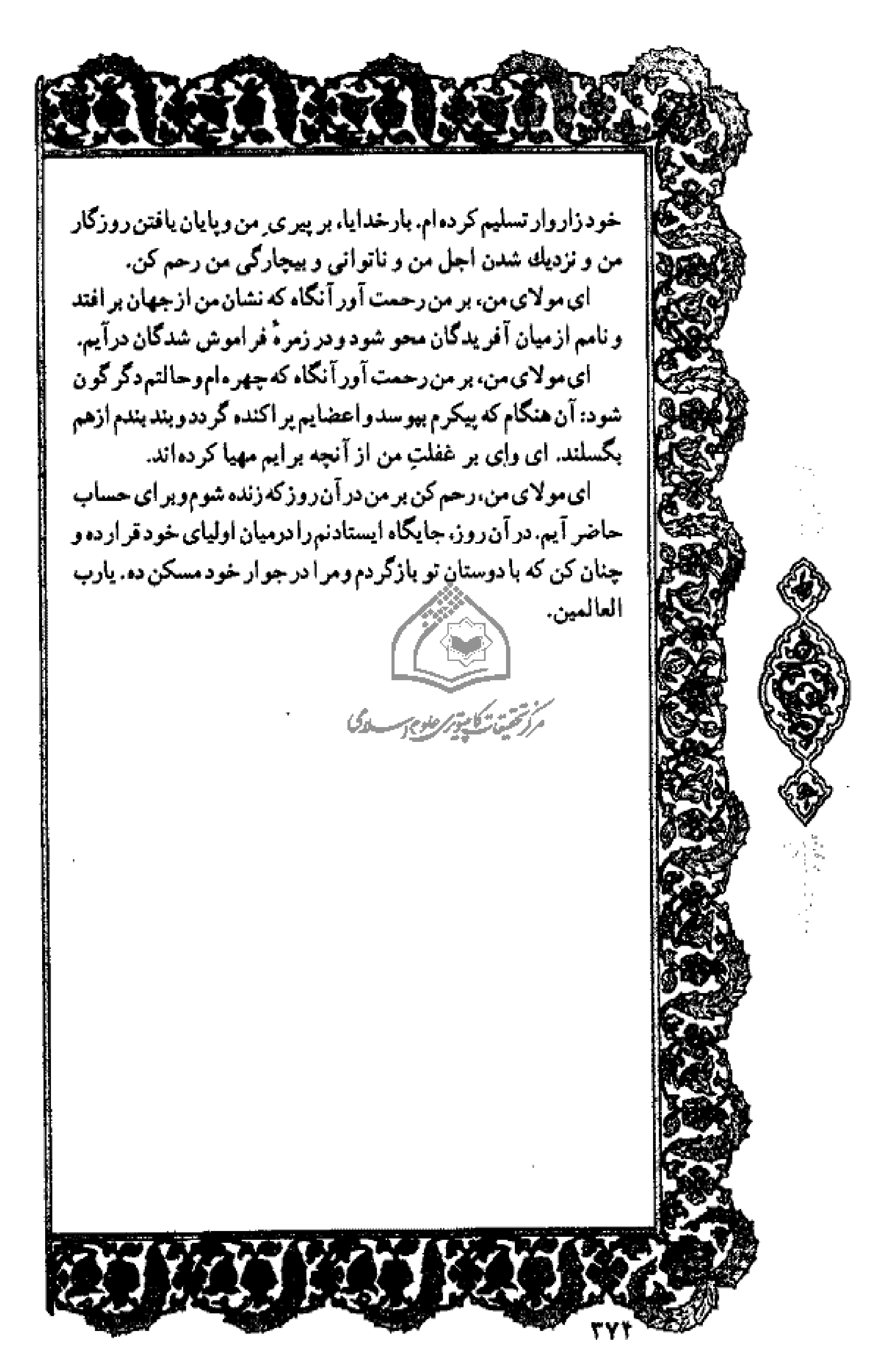
نیایش پنجاه و سوم[1]

ای پروردگار من، گناهانم زبانم را بند آورده‌اند و از گفتار عاجز آمده‌ام و یارای آنم نیست که عذری آورم یا حجتی اقامه کنم، اسیر بلیّهٔ خویشتنم و در گرو اعمال خود. در وادی خطای خود سرگردانم و ندانم به کجا می‌روم، چونان مسافری از همه جا بریده و درراه مانده.

خود را در جایگاه گنهکاران ذلیل برپای داشته‌ام، در جایگاه شوربختانی که در برابرت گستاخی کرده‌اند و وعده‌های عذابت را به چیزی نشمرده‌اند. منزهی تو، ای خداوند. به کدام جرأت با تو گستاخی کردم؟ به دمدمهٔ کدام فریب خود را در ورطهٔ هلاکت افکندم؟

ای مولای من، می‌بینی که چسان لغزیده‌ام و به رو درافتاده‌ام، پس بر من رحمت آور و به حِلم خود بر جهل من و به احسان خود بر بدکرداریم ببخشای، که به گناه خود اقرار می‌کنم و به خطای خود معترفم. این دستِ من و این سرِ من که اکنون برای قصاص از نفس

۱. دعای آن حضرت است در اظهار خشوع و خضوع به درگاه خداوند.



خود زاروار تسلیم کرده ام. بارخدایا، بر پیری من وپایان یافتن روزگار من و نزدیك شدن اجل من و ناتوانی و بیچارگی من رحم کن.

ای مولای من، بر من رحمت آور آنگاه که نشان من ازجهان برافتد و نامم ازمیان آفریدگان محو شود ودر زمرهٔ فراموش شدگان درآیم.

ای مولای من، بر من رحمت آور آنگاه که چهره ام وحالتم دگرگون شود: آن هنگام که پیکرم بپوسد واعضایم پراکنده گردد وبند بندم ازهم بگسلند. ای وای بر غفلتِ من از آنچه برایم مهیا کرده اند.

ای مولای من، رحم کن بر من درآن روزکه زنده شوم وبرای حساب حاضر آیم. درآن روز، جایگاه ایستادنم رادرمیان اولیای خود قرارده و چنان کن که با دوستان تو بازگردم ومرا درجوار خود مسکن ده. یارب العالمین.



دعاء ٥٤

وكان من دعائه عليه السلام في استكشاف الهموم

يا فارج الهم وكاشف الغم يا رحمن الدنيا والآخرة و رحيمهما صل على محمد وآل محمد وافرج همي واكشف غمي يا واحد يا أحد يا صمد يا من لم يلد ولم يولد ولم يكن له كفوا أحد اعصمني وطهرني واذهب ببليتي

واقرأ آية الكرسي والمعوذتين وقل هو الله أحد وقل:

اللهم إني أسألك سؤال من اشتدت فاقته وضعفت قوته وكثرت ذنوبه سؤال من لا يجد لفاقته مغيثا ولا لضعفه مقويا ولا لذنبه غافرا غيرك يا ذا الجلال و الإكرام أسألك عملا تحب به من عمل به ويقينا تنفع به من استيقن به حق اليقين في نفاذ أمرك اللهم صل على محمد وآل محمد واقبض على الصدق نفسي واقطع من الدنيا حاجتي واجعل فيما عندك رغبتي شوقا إلى لقائك وهب لي صدق التوكل عليك أسألك من خير

كِتَابٍ قَدْ خَلَا وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ كِتَابٍ قَدْ
خَلَا أَسْئَلُكَ خَوْفَ الْعَابِدِينَ لَكَ وَعِبَادَةَ الْخَاشِعِينَ
لَكَ وَيَقِينَ الْمُتَوَكِّلِينَ عَلَيْكَ وَتَوَكُّلَ الْمُؤْمِنِينَ
عَلَيْكَ اللَّهُمَّ اجْعَلْ رَغْبَتِي فِي مَسْئَلَتِي مِثْلَ رَغْبَةِ
أَوْلِيَائِكَ فِي مَسَائِلِهِمْ وَرَهْبَتِي مِثْلَ رَهْبَةِ أَوْلِيَائِكَ
وَاسْتَعْمِلْنِي فِي مَرْضَاتِكَ عَمَلاً لَا أَتْرُكُ مَعَهُ شَيْئاً
مِنْ دِينِكَ مَخَافَةَ أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ اللَّهُمَّ هَذِهِ حَاجَتِي
فَأَعْظِمْ فِيهَا رَغْبَتِي وَأَظْهِرْ فِيهَا عُذْرِي وَلَقِّنِي فِيهَا حُجَّتِي
وَعَافِ فِيهَا جَسَدِي اللَّهُمَّ مَنْ أَصْبَحَ لَهُ ثِقَةٌ أَوْ رَجَاءٌ
غَيْرُكَ فَقَدْ أَصْبَحْتُ وَأَنْتَ ثِقَتِي وَرَجَائِي فِي الْأُمُورِ كُلِّهَا
فَاقْضِ لِي بِخَيْرِهَا عَاقِبَةً وَنَجِّنِي مِنْ مُضِلَّاتِ
الْفِتَنِ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ
رَسُولِ اللَّهِ الْمُصْطَفَى وَ



عَلَىٰ آلِهِ الطَّاهِرِينَ

نیایش پنجاه و چهارم[1]

ای ازمیان برندهٔ غمها و ای زدایندهٔ اندوهان. ای بخشاینده در دنیا و آخرت و ای رحمت آورنده بر بندگان خود هم در این سرای و هم در آن سرای. بر محمد و خاندان او درود بفرست و غمم از جان بردار و اندوهم از دل بزدای.

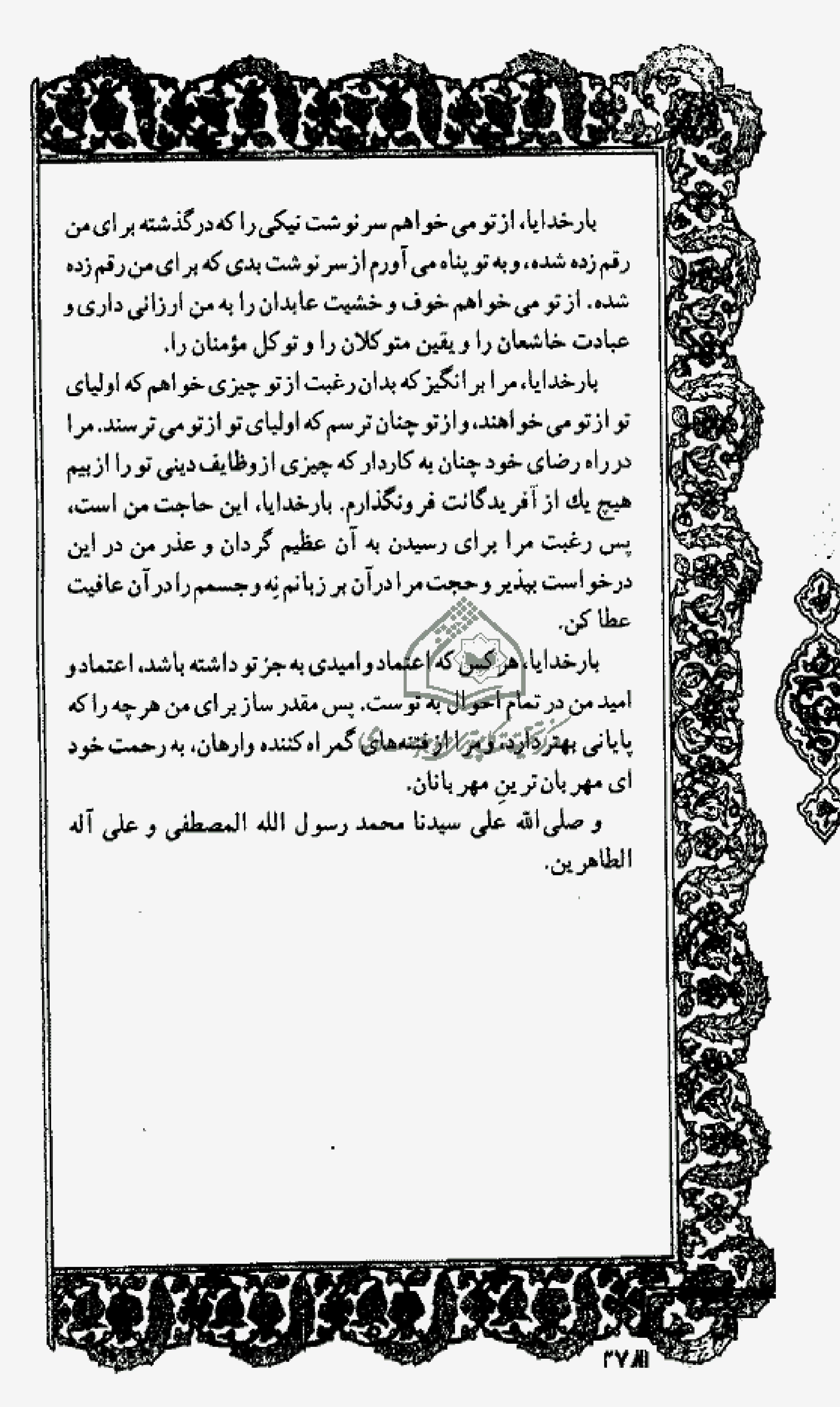
ای خدای یگانه، ای خدای یکتا، ای خدایی که در نیازمندیها به تو پناه آورند، ای خداوندی که نزاده‌ای و زاده نشده‌ای و تو را همسر و همتایی نیست. مرا از گناهان نگه‌دار و پاکیزه‌ام گردان و بلیه از من دور نمای.[2]

بارخدایا، چونان کسی که نیازمندی اش به غایت رسیده و نیرویش به ضعف گراییده و گناهانش افزون شده، چونان کسی که حاجت خویش را فریادرسی نمی‌یابد و ناتوانی اش را نیرو بخشنده‌ای و گناهانش را آمرزنده‌ای جز تو نیست، از تو می‌خواهم ای صاحب جلالت و اکرام که مرا به کاری واداری که هر کس چنان کند، محبوبِ تو شود و حق الیقینی عطا کنی که هر کس در طریق مشیت تو بدان مقام فرارود، به پاداشی نیکو رسد.

بارخدایا، بر محمد و خاندان او درود بفرست و مرا بر صدق و راستی بمیران و نیاز من از دنیا بِبُر و رغبت مرا به آنچه در نزد توست شوق لقای خود قرار ده و مرا روزی ساز توکل به تو را از سرِ صدق.

۱. دعای آن حضرت است به هنگام درخواستِ ازمیان بردن غم و اندوه.

۲. در اینجا آیة‌الکرسی و معوّذتین و قل هوالله احد رابخوان.



بارخدایا، از تو می خواهم سرنوشت نیکی را که درگذشته برای من رقم زده شده، و به تو پناه می آورم از سرنوشت بدی که برای من رقم زده شده. از تو می خواهم خوف و خشیت عابدان را به من ارزانی داری و عبادت خاشعان را و یقین متوکلان را و توکل مؤمنان را.

بارخدایا، مرا برانگیز که بدان رغبت از تو چیزی خواهم که اولیای تو از تو می خواهند، و از تو چنان ترسم که اولیای تو از تو می ترسند. مرا در راه رضای خود چنان به کاردار که چیزی از وظایف دینی تو را از بیم هیچ یك از آفریدگانت فرونگذارم. بارخدایا، این حاجت من است، پس رغبت مرا برای رسیدن به آن عظیم گردان و عذر من در این درخواست بپذیر و حجت مرا درآن بر زبانم نِه و جسمم را درآن عافیت عطا کن.

بارخدایا، هر کس که اعتماد و امیدی به جز تو داشته باشد، اعتماد و امید من در تمام احوال به توست. پس مقدر ساز برای من هرچه را که پایانی بهتر دارد، و مرا از فتنه‌های گمراه کننده وارهان، به رحمت خود ای مهربان ترینِ مهربانان.

و صلى الله على سيدنا محمد رسول الله المصطفى و على آله الطاهرين.